مجلس دهم

و

بازیگران کلیدی آن

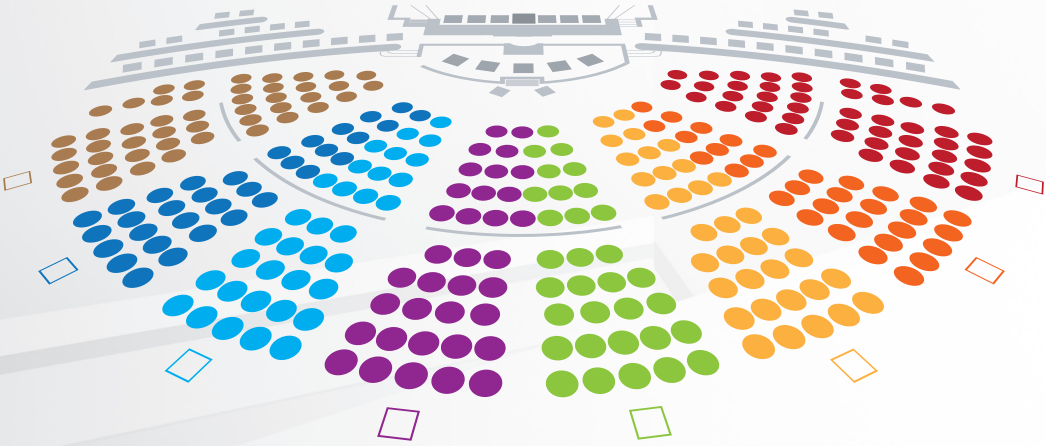

دبیرخانه مجلس و شوراها

در صحن مجلس و شوراها

[شفافیت، پاسخگویی و انتخابات آزاد]

نویسنده: تحریریه عرصه سوم
مجلس دهم و بازیگران کلیدی آن
گزارشی از چگونگی شکل‌گیری مجلس دهم به همراه پروفایل ۷۹ بازیگر اصلی آن
انتشارات عرصه سوم
تابستان ۱۳۹۶، آمستردام، هلند

این کتاب با اهداف زیر تهیه و تنظیم شده است:

- ترویج و گسترش اندیشه‌های مدنی، صلح، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، فعالان جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ اقدام‌های داوطلبانه
- آسان‌سازی برای دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- ایجاد فضایی مناسب برای تبادل‌نظر، گفت‌وگو بین فعالان جامعه مدنی و دیگر گروه‌های اجتماعی.

سازمان غیردولتی «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان‌گذاری شده و به عنوان یک نهاد ناسودبر به ثبت رسیده است.

ISBN 978-0-9986628-3-1
9 780998 662831

لینک به مطالب در وب‌سایت:
www.darsahn.org/book-majles/

صحن
دار
مجلس دهم و
بازیگران کلیدی آن
www.darsahn.org

فهرست

یادداشت مدیریت عرصه سوم ۱۰
یادداشت سردبیر ۱۲

فصل اول: چگونگی شکل‌گیری مجلس دهم، اطلاعات و آمار ۱۶

فصل دوم: کمیسیون‌های تخصصی ۲۲
کمیسیون آموزش و تحقیقات ۲۴
کمیسیون اجتماعی ۲۸
کمیسیون اقتصادی ۳۲
کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی ۳۶
کمیسیون انرژی ۴۱
کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات ۴۵
کمیسیون بهداشت و درمان ۴۹
کمیسیون سیاست داخلی و شوراها ۵۳
کمیسیون صنایع ۵۷
کمیسیون عمران ۶۱
کمیسیون فرهنگی ۶۵
کمیسیون قضایی و حقوقی ۶۹
کمیسیون آب، منابع طبیعی و کشاورزی ۷۲
کمیسیون اصل نود قانون اساسی ۷۶

فصل سوم: فراکسیون‌های سیاسی ۸۲
فراکسیون مستقل‌ها ۸۴
فراکسیون اصول‌گرایان (ولایت) ۸۷
فراکسیون امید ۹۴

فصل چهارم: پروفایل نمایندگان کلیدی مجلس ۱۰۰
علی لاریجانی ۱۰۲
مسعود پزشکیان ۱۰۵
علی مطهری ۱۰۷

کاظم جلالی	۱۰۹
محمد رضا عارف	۱۱۳
حمیدرضا حاجی بابایی	۱۱۷
علی اکبری	۱۲۱
داوود محمدی	۱۲۴
غلامرضا تاجگردون	۱۲۸
علاالدین بروجردی	۱۳۱
عزیز اکبریان	۱۳۶
علی نوبخت حقیقی	۱۳۹
محمد رضا پورابراهیمی	۱۴۲
محمد مهدی زاهدی	۱۴۶
فریدون حسنوند	۱۵۰
محمد جواد کولیوند	۱۵۳
احمد امیرآبادی	۱۵۶
محمدحسین فرهنگی	۱۵۹
محمد آشوری	۱۶۴
جمشید جعفرپور	۱۶۶
الهیار ملکشاهی	۱۷۰
عبدالرضا عزیزی	۱۷۲
عزت الله یوسفیان ملا	۱۷۴
اسدالله عباسی	۱۷۷
غلامرضا کاتب	۱۸۱
بهروز نعمتی	۱۸۴
جهانبخش محبی نیا	۱۸۶
محسن کوهکن	۱۸۹
حمید رضا فولادگر	۱۹۳
الیاس حضرتی	۱۹۶
مصطفی کواکبیان	۲۰۰
مجتبی ذوالنوری	۲۰۵
علی اصغر یوسف نژاد	۲۱۰
جعفرزاده ایمن آبادی	۲۱۳
نادر قاضی پور	۲۱۶
شهاب‌الدین بی‌مقدار	۲۱۹
محمد قمی	۲۲۳

احمد سالک	۲۲۶
کریمی قدوسی	۲۳۱
بهرام پارسایی	۲۳۶
ابوالفضل ابوترابی	۲۳۹
محمد مهدی مفتح	۲۴۴
محمد علی پورمختار	۲۴۷
سلمان خدادادی	۲۵۲
یوناتن بت کلیا	۲۵۵
عبدالرضا مصری	۲۵۸
محمدقسیم عثمانی	۲۶۲
مهرداد لاهوتی	۲۶۶
سهیلا جلودار زاده	۲۷۰
امیر خجسته	۲۷۳
حسینعلی شهریاری	۲۷۵
محمد رضا تابش	۲۷۷
علیرضا محجوب	۲۸۱
کمال دهقانی	۲۸۴
علی محمد شاعری	۲۸۷
حمیده زرآبادی	۲۹۰
حسینعلی حاجی دلیگانی	۲۹۳
محمد حسین حسین زاده بحرینی	۲۹۷
علیرضا رحیمی	۳۰۰
حسن نوروزی	۳۰۴
احمد مازنی	۳۰۹
محمد کاظمی	۳۱۳
عبدالکریم حسین زاده	۳۱۷
رمضانعلی سبحانی‌فر	۳۲۱
حسین امیری خامکانی	۳۲۵
فرهاد تجری	۳۲۸
پروانه سلحشوری	۳۳۳
محمد جواد جمالی نوبندگانی	۳۳۷
محمد محمودی شاه نشین	۳۴۱
عبدالرضا هاشم زایی	۳۴۵
محمود صادقی	۳۴۹

پروانه مافی ۳۵۳
محمود بهمنی ۳۵۷
ابوالفضل حسن بیگی ۳۶۰
حمداله کریمی ۳۶۴
غلامرضا حیدری ۳۶۷
هدایت اله خادمی ۳۷۱
محمد دهقانی ۳۷۵
نصراله پژمانفر ۳۷۸
۳۸۳
درباره عرصه سوم ۳۸۴
تعریف جامعه مدنی از منظر عرصه سوم

یادداشت مدیریت عرصه سوم:

عرصه سوم در سال ۲۰۱۴، پروژه «درصحن» را با شعار «شفاف‌سازی، پاسخ‌گویی و انتخابات آزاد» در جهت نظارت بر فعالیت نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان آغاز کرد. درصحن متولد شد تا در قامت ناظر و راوی انتخابات ۱۳۹۴، نقشی هر چند کوچک، در شکل‌گیری مجلسی نزدیک‌تر به خواست و مطالبه مردم ایران، ایفا کند. ما با نظارتی مستمر و فعالانه بر انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، تلاش کردیم سطح مشارکت عمومی را افزایش دهیم، جامعه مدنی را به ایفای نقشی پررنگ‌تر تشویق کنیم و تعداد نمایندگان دموکراسی‌خواه به طور عام و تعداد نمایندگان زن مدافع حقوق زنان را به طور خاص افزایش دهیم.

عرصه سوم هم‌چنین در این راه تلاش کرد تا با تهیه مجموعه‌ای از اطلاعات موثق و تعیین‌کننده از افراد شاخص و تاثیرگذار بر سرنوشت مردم در مجالس نهم و دهم، تصویری واقعی‌تر از فضای انتخاباتی در ایران را نشان دهد.

کتاب پیش‌رو بخشی از تلاش و کوشش این سازمان طی دو سال اخیر است. مجموعه مقالات و گزارشات مندرج در این کتاب که با هدف آگاه‌سازی عمومی و افزایش شفافیت، تهیه و تدوین شده است می‌تواند تصویری کامل از سوابق سیاسی

و مدنی تاثیرگذارترین افراد حاضر در مجلس دهم در کنار جناح‌بندی‌های سیاسی و هم‌چنین چگونگی آرایش این نیروها در قالب هیات رئیسه مجلس و فراکسیون‌ها و کمیسیون‌ها ارائه دهد.

ما در عرصه سوم بر این باوریم که دست‌یابی به جامعه‌ای دموکرات و آزاد در ایران میسر نخواهد شد مگر این‌که جامعه مدنی نیز نقش نظارتی خود را ایفا کرده و تمامی نهادهای کشور از تصمیم‌سازان تا مجریان قانون را زیر ذره‌بین خود بگذارد و برهمین اساس هم تا امروز توانسته‌ایم نهادهایی هم‌چون مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، شورای نگهبان و شوراهای شهر و روستا را رصد کرده و کتاب‌های متفاوتی از گزارش‌ها، مقاله‌ها، اینفوگرافیک‌ها و ... را تهیه و تولید کنیم و امیدواریم در آینده نزدیک بتوانیم دیگر نهادهای سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده در کشور را نیز مورد ارزیابی قرار دهیم.

تمام آنچه که تا امروز توسط مجموعه عرصه سوم تهیه و تولید شده است بی‌شک حاصل زحمات مجموعه‌ای از روزنامه‌نگاران و محققان در داخل و خارج از کشور با گرایش‌های متنوع قومی، زبانی، جنسی و ... است. هرچند ذکر نام تمامی این همکاران امکان‌پذیر نیست اما عرصه سوم برخود لازم می‌داند که از زحمات کلیه افرادی که تا امروز همراه و یاور ما بودند صمیمانه تشکر کند.

کامران اشتری
مدیر سازمان عرصه سوم
تابستان ۹۶

یادداشت سردبیر:

دیده‌بانی مجلس چرا؟

مجلس را خانه ملت خوانده‌اند چون فرض این است که نمایندگان مجلس، عصاره ملت و صدای آن‌ها در حکومت‌اند. فرض بر این است که آن‌ها به نمایندگی از مردم، سیاست‌ها و قوانین را تنظیم و بر حسن اجرای امور نظارت کنند. فارغ از اعمال نظارت استصوابی، توسط شورای نگهبان، که به حذف بخش عمده‌ای از جریان‌های سیاسی و نیروهای فکری جامعه از حق انتخاب شدن منجر و در نتیجه، دموکراتیک، آزاد، سالم و عادلانه بودن انتخابات مخدوش شده، باز مجلس خانه ملت است، چراکه آن‌ها در قبال «همه مردم ایران» مسوول‌اند و سالم نبودن انتخابات، از بار مسوولیت آن‌ها کم نمی‌کند.

در نظام‌های دموکراتیک، دموکراسی به حق انتخاب شدن و انتخاب کردن محدود نمی‌شود. «مسوولیت‌پذیری»، «پرسشگری»، «پاسخ‌گویی» و «شفافیت» ارکان دیگر تشکیل‌دهنده دموکراسی هستند. مسوولیت‌پذیری فقط محدود به منتخبان و راه‌یافتگان به مجلس نیست، بلکه شهروندان نیز مسوول‌اند تا به طرق ممکن بر نمایندگان‌شان نظارت و آن‌ها را مورد پرسش قرار دهند تا با برخورداری از مجلسی

شفاف و پاسخ‌گو، نهادی حافظ منافع ملی و متضمن حقوق شهروندان داشته باشیم.
در نظام‌های دموکراتیک، وظیفه اصلی نظارت و پرسش‌گری را رسانه‌ها و مطبوعات انجام می‌دهند. ولی در جوامع شبه دموکراسی یا نیمه دموکراتیک که آزادی رسانه و آزادی بیان با چالشی جدی روبه‌روست، شهروندان به طرق ممکن می‌بایست این خلاء را از طریق مشارکت در پروژه‌های مدنی و تشکیل نهادهای مدنی پر کرده و با ایجاد و حفظ رابطه دوطرفه با وکلای‌شان در مجلس و شوراها، ضمن پرسش‌گری، آن‌ها را به پاسخ‌گویی و شفافیت در عمل وادار سازند.
«درصحن» با چنین پیش‌فرضی و باهدف توسعه دموکراسی، تقویت جامعه مدنی و بالابردن شفافیت و پاسخ‌گویی، حدودا از دوسال پیش توسط موسسه عرصه سوم آغاز شد و امسال در سومین سال فعالیت خود، دیده‌بانی شوراها را نیز به ماموریت خود افزوده است تا در کنار شهروندان، شرایط نظارت مستمر بر فعالیت نمایندگان مجلس و شوراها، را ایجاد و با گزارش فعالیت‌های آن‌ها، رابطه دوطرفه‌ای میان شهروندان و وکلای آن‌ها برقرار سازد.
مجلس شورای اسلامی، اگرچه با استانداردهای بین‌المللی شفافیت فاصله دارد ولی در مقایسه با دیگر نهادهای نظام جمهوری اسلامی ایران، در وضعیت مطلوب‌تری قرار دارد. جلسات مجلس شورای اسلامی بطور زنده از رادیو مجلس پخش و در اختیار همگان قرار دارد. مهم‌ترین تصمیم‌ها یعنی وضع قوانین در صحن علنی مجلس گرفته می‌شود و نطق‌ها و تذکرهای نمایندگان که بیشتر جنبه نظارتی دارد در فضای علنی رخ می‌دهد از این حیث مجلس، از معدود نهادهای شفاف نظام به حساب می‌آید ولی هنوز رای نمایندگان شفاف نیست. کسی نمی‌داند در خصوص یک طرح یا لایحه مصوب، چه نمایندگانی رای مثبت و چه نمایندگانی رای منفی داده‌اند. مشروح مذاکرات هیات رئیسه و کمیسیون‌ها هنوز دور از انظار خبرنگاران و نمایندگان رسانه‌ها انجام می‌شود و کسی‌نمی‌داند در کمیسیون‌ها چه می‌گذرد جز دستور جلسات و تایپیک‌های اصلی که در اختیارشان قرار می‌گیرد. حضور زنان اگرچه در مجلس دهم رشد چشم‌گیری به نسبت ادوار قبل داشت ولی هنوز نسبت نمایندگان مرد و زن مجلس، نامتوازن است.
شفافیت موجود، سبب شده تا فرصت نظارت حداقلی بر عملکرد نمایندگان و نهاد مجلس در ایران مهیا شود، از این رو می‌توان با گسترده‌تر کردن نظارت عمومی بر نهاد مجلس، کیفیت عملکرد نمایندگان را بالا برد و از تصویب طرح‌ها و لوایحی که در تضاد با منافع ملی و حقوق شهروندان است تا حدودی مانع شد. برای این مهم شناخت ارکان مجلس شورای اسلامی و آشنایی با کم‌وکیف نمایندگان مجلس می‌تواند بستر مناسبی بر نظارت بر مجلس فراهم کند، از این رو با روی کار آمدن نمایندگان جدید و تشکیل مجلس دهم، طی شش ماه گذشته، کوشیدیم با معرفی دقیق ارکان مجلس و بازیگران اصلی خانه ملت، تصویری شفاف از مجلس و اعضای آن ترسیم کنیم تا شهروندان با اتکاء به دانش حاصله، بتوانند بر مجلس نظارت

موثرتری داشته باشند.
گزارش انتخابات مجلس دهم و اینفوگرافی‌های بدست آمده از نتایج انتخابات، تصویری کلی از جنسیت، سواد، سوابق شغلی - مدیریتی و میانگین سنی آن‌ها را ترسیم می‌کند. رد صلاحیت‌های گسترده، نامزدان انتخابات، قطعا پارامتری مهم در تعیین ترکیب فعلی مجلس بوده، ولی چرایی شکل‌گیری چنین ترکیبی، حتما در رد صلاحیت‌ها خلاصه نمی‌شود. این مجلس برآمده از ۶۲۳۰ کاندیدایی است که در انتخابات مجلس دهم از فیلتر شورای نگهبان عبور کرد. آیا در میان تایید صلاحیت‌شدگان، افراد با کیفیت‌تری وجود نداشت؟ این پرسشی است که شهروندان باید از خود بپرسند و به آن پاسخ دهند. «درصحن» در حد توان تلاش کرد تا با بالابردن مشارکت مردم در انتخابات، به ورود نیروهای کیفی‌تر کمک کند و در این راه با مقایسه دو مجلس نهم و دهم، از عملکرد خود ابراز خرسندی می‌کند ولی قطعا ترکیب مجلس با وجود نظارت استصوابی شورای نگهبان، در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه می‌توانست بهتر از این باشد.
ما با ترسیم تصویری از فراکسیون‌های سیاسی و کمیسیون‌های تخصصی مجلس، کوشیده‌ایم اطلاعات جامعی را در اختیار مخاطبان قرار دهیم تا مبتنی بر آن بتوانند نمایندگان حوزه انتخابیه‌شان را مورد پرسش‌گری قرار داده و مطالبات‌شان را با آن‌ها در میان بگذارند. حضور در کمیسیون‌های تخصصی مجلس، فضای مناسبی برای نمایندگان ایجاد کرده است تا با توسعه ارتباطات‌شان با نهادهای حکومتی بالاخص نهاد دولت، منافع ملی را پیگیری و بسترساز توسعه و آبادانی حوزه انتخابیه‌شان باشند. اما زمانی می‌توان به تحقق این مهم امیدوار بود که شهروندان در حوزه‌های انتخابیه، وکلایشان را مورد پرسش قرار دهند. دیدگاه‌های خود را در حوزه مسایل جاری کشور با آن‌ها در میان بگذارند و نسبت به طرح‌ها و لوایح مطرح در مجلس حساسیت نشان دهند. این گام مهمی است برای داشتن مجلسی کارآمد و در راس امور.
بخش پایانی این کتاب به معرفی بازیگران اصلی مجلس دهم اختصاص دارد. رئیس مجلس، هیات رئیسه، روسای کمیسیون‌ها و فراکسیون‌ها و کمیته‌ها، مهم‌ترین بازیگران مجلس به حساب می‌آیند. داشتن شناخت نسبت به آن‌ها می‌تواند روشن‌گر فضای عمومی مجلس و سمت و سوی حرکتی آن‌ها باشد. از این رو ما با حساسیت و دقت کوشیدیم اطلاعاتی نسبتا کامل از سوابق آن‌ها ارائه کنیم. در نگارش پروفایل نمایندگان ما بر رعایت اصل بی‌طرفی و بدون پیش‌داوری، و با رعایت دقت در منابع، روی چند نکته کلیدی متمرکز شدیم تا تصویری واقع‌بینانه‌تر نسبت به وکلای ملت در مجلس ارائه کنیم. اطلاعات خانوادگی، تحصیلی، شغلی، و اطلاعاتی از نقش آن‌ها در انقلاب ۵۷، جنگ هشت ساله ایران و عراق، جنبش سبز و در نهایت تبیین مواضع آن‌ها در حوزه حقوق بشر، مجموعه عناوینی است که ما در نگارش پروفایل‌ها به آن توجه داشته‌ایم. اشاره ما به سوابق جنگی یا انقلابی نمایندگان یا میزان ایثارگری آن‌ها، فقط ترسیم تصویری واقع‌بینانه است تا مخاطبان بتوانند شناخت مناسبی

نسبت به نمایندگان‌شان پیدا کنند. ما این تصویر را بدون هرگونه داوری مثبت یا منفی ترسیم کرده‌ایم. ما در نگارش پروفایل‌ها کوشیدیم تا از منابع معتبر، علنی و دردسترس همگان استفاده کنیم. تحقیقات ما بر منابع طبقه‌بندی نشده و عمومی استوار است و کوشیده‌ایم تمام اطلاعات را با ذکر منبع بیان کنیم.
کتاب پیش‌رو حاصل شش ماه تلاش تیم کوچک ولی پرانگیزه تحریریه درصحن است و قطعا خالی از اشکال نیست، اما می‌کوشیم در ادامه، نقایص آن را برطرف و در چاپ‌های بعدی، نسخه‌ای کم‌نقص‌تر ارائه کنیم. مجلس دهم تازه در اول راه است و ما همگام با شما می‌کوشیم به رسالت خود بر دیده‌بانی مجلس و البته با گسترش فعالیت‌هایمان به‌عنوان بخش کوچکی از جامعه مدنی، دیده‌بانی شوراها، را نیز در دستور کار داریم.

پژمان تهوری
سردبیر درصحن

فصل اول

چگونگی شکل‌گیری مجلس دهم

اطلاعات و آمار

مجلس دهم در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۹۵ به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد. انتخابات این دوره از مجلس ایران در ۷ اسفند ۹۴ و ۱۰ اردیبهشت ۹۵ برگزار شد و که در طی آن ۲۹۰ (۱+۲۸۹) نماینده از سوی مردم ایران برای حضور در قوه مقننه معرفی شدند. (مینو خالقی تنها نماینده‌ای بود که پس از انتخاب شدن از سوی مردم صلاحیتش از طرف شورای نگهبان برای حضور در مجلس رد شد و بدین سان مجلس دهم کار خود را ۲۸۹ نماینده آغاز کرد) بنابر اعلام ستاد انتخابات وزارت کشور ۳۳۹۵۶۶۵۱ نفر در دور اول انتخابات مجلس شرکت کردند که از این تعداد ۴۸٪ رای دهندگان زن و ۵۲٪ رای دهندگان مرد بودند.

سابقه حضور در مجلس

رونمایی از ترکیب نهایی نمایندگان مجلس دهم از خلائی بزرگ به نام «تجربه» حکایت داشت. به طوری که از مجموع ۲۹۰ نماینده، ۱۷۹ نفر آن‌ها برای اولین بار پا به خانه ملت گذاشته‌اند. آیا خلاء تجربه، پاشنه آشیل مجلس دهم خواهد شد یا انگیزه و اشتیاق نمایندگی کمبود تجربه را جبران خواهد کرد؟ این پرسشی است که حداقل یک سال برای پاسخ به آن وقت نیاز داریم تا بتوان تصویری واقعی‌تر از کم‌وکیف فعالیت نمایندگان و عملکردشان ارائه کرد.

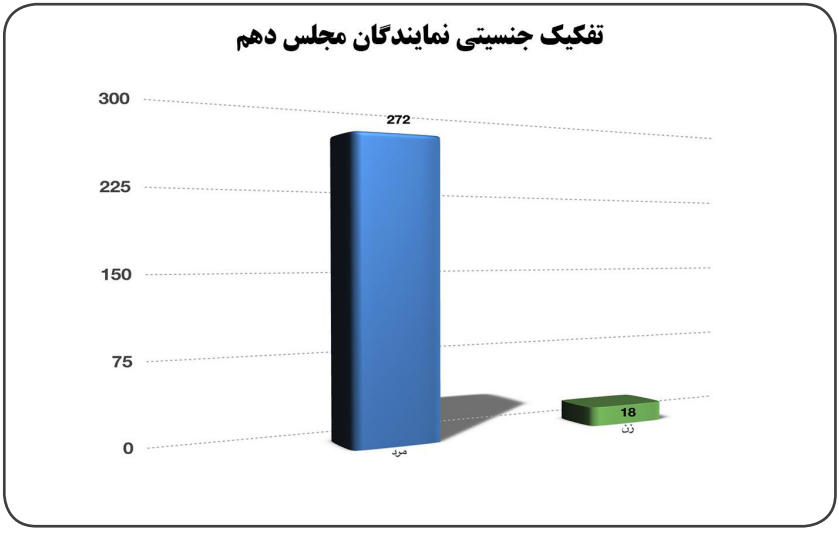

براساس اطلاعات موجود، از میان ۱۱۱ نماینده‌ای که سابقه نمایندگی دارند، دو نفر آن‌ها در مجلس اول نیز نماینده بوده‌اند اتفاقی که در نوع خود می‌تواند منحصر بفرد باشد که کسی ۲۸ سال (پایان مجلس دوم) پس از وداع با نمایندگی، مجدد به مجلس بازگشته باشد. شهاب‌الدین بی‌مقدار نماینده مردم تبریز تنها نماینده‌ای است که در دور اول و دوم حضور داشته و پس از ۲۸ سال دوباره به مجلس بازگشته است. او با حمایت ائتلاف امید بر کرسی

مجلس دهم تکیه زده است. احمد سالک نماینده فعلی اصفهان نیز در حالی مجددا رای مردم را جلب کرده که در دوره اول نیز نماینده بوده است. احمد سالک رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس نهم پیش از این در مجلس اول، سوم، چهارم و نهم نیز نماینده بوده است و می‌رود تا نام خود را در میان نمایندگانی با پنج دوره سابقه نمایندگی ثبت کند.
در میان راه‌یافتگان به مجلس دهم سه نفر سابقه نمایندگی در دوره دوم را دارند. شهاب‌الدین بی‌مقدار نماینده تبریز، سیدمصطفی ذوالقدر نماینده میناب و عبدالرضا هاشم زائی نماینده تهران سه نماینده‌ای هستند که در مجلس دوم نیز حضور داشته‌اند.
از مجلس سوم ۶ نفر، از مجلس چهارم ۸ نفر، از مجلس پنجم ۱۰ نفر، از مجلس ششم ۱۶ نفر، از مجلس هفتم ۲۷ نفر، از مجلس هشتم ۴۹ نفر و از مجلس نهم ۷۴ نفر به مجلس دهم راه یافته‌اند. همانطور که نمودار نشان می‌دهد، سوابق نمایندگی نمایندگان سابقه‌دار مجلس دهم بیشتر به مجالس اخیر هفتم تا نهم اختصاص دارد.
بیشترین سابقه نمایندگی از آن محمد قمی نماینده ورامین است که در مجالس سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم حضور داشته است. محمد مهدی مفتح نیز با سابقه حضور در مجالس چهارم، پنجم، هفتم، هشتم و نهم (میان دوره‌ای) در رتبه دوم ایستاده است. پس از او ۹ نماینده زیر با ۴ دوره حضور در مجلس شورای اسلامی بیشترین سابقه نمایندگی را دارند:

۱- سیدمصطفی ذوالقدر (دوم - سوم - ششم - هشتم)
۲- جهانبخش محبی‌نیا (پنجم - ششم - هفتم - هشتم)
۳- احمد سالک (اول - سوم - چهارم - نهم)
۴- سلمان خدادای (پنجم - ششم - هفتم - هشتم)
۵- یونان بت کلیا (ششم - هفتم - هشتم - نهم)
۶- محمدرضا تابش (ششم - هفتم - هشتم - نهم)
۷- کاظم جلالی (ششم - هفتم - هشتم - نهم)
۸- علاالدین بروجردی (ششم - هفتم - هشتم - نهم)
۹- حمیدرضا حاج‌بابایی (پنجم - ششم - هفتم - هشتم)

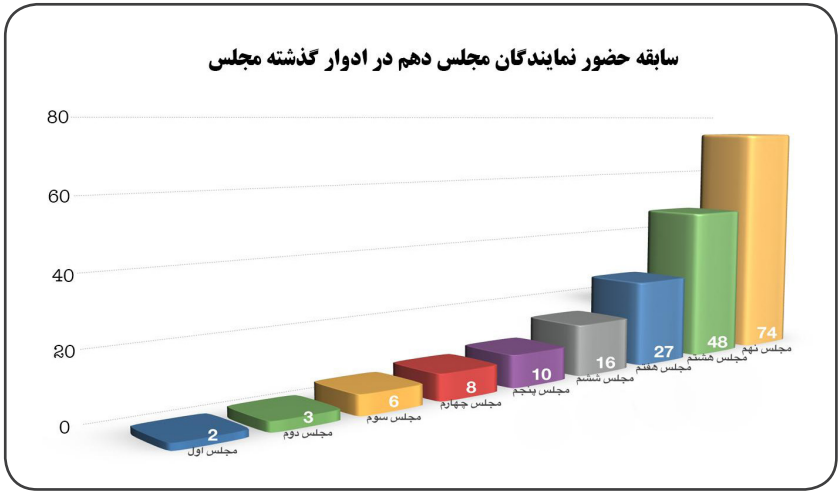

رای اعتماد مردم به دانشگاهیان و رد صلاحیت روحانیون

بررسی سوابق شغلی و تحصیلی راه‌یافتگان مجلس دهم، از رای اعتماد بالای مردم به مدیران دولتی و اساتید دانشگاه‌ها و رد صلاحیت گسترده روحانیون حکایت دارد. به‌طوری‌که نگاهی گذرا به زندگینامه منتخبان مردم نشان می‌دهد که مدیران دولتی با کسب ۹۶ کرسی در مجلس دهم بیشترین سهم را در انتخاب مردم داشته‌اند و اساتید دانشگاه‌ها با ۸۴ کرسی در اولویت بعدی انتخاب مردم بوده‌اند. این در حالی است که روحانیون که در مجالس اولیه شورای اسلامی بیشترین سهم را داشتند در مجلس دهم با ۱۶ کرسی رکورد کمترین حضور را ثبت کردند تا نشان دهند پایگاه اجتماعی خود را از دست داده‌اند.

تغییر قانون انتخابات و تعیین مدرک فوق‌لیسانس به‌عنوان حداقل تحصیلات برای ورود به مجلس، سبب شده تا اکثریت قاطع نمایندگان مجلس دهم با مدرک دکترا یا فوق‌لیسانس به این مجلس راه یابند و معدود نمایندگانی که از تحصیلات کمتری برخوردارند با استفاده از تبصره قانون انتخابات که سابقه نمایندگی را معادل فوق‌لیسانس تلقی کرده به مجلس راه یافته‌اند. سوابق تحصیلی راه‌یافتگان مجلس دهم نشان می‌دهد که از مجموع ۲۹۰ نماینده، ۱۲۸ نفر مدرک دکترا و ۱۳۰ نفر مدرک فوق‌لیسانس دارند و مابقی با عنایت به سابقه نمایندگی با مدرکی پایین‌تر از فوق‌لیسانس به مجلس راه یافته‌اند. مدرک تحصیلی روحانیون معادل‌سازی شده و روحانیونی که تحصیلات حوزوی‌شان در حد فوق‌لیسانس ارزیابی شده می‌توانسته‌اند به مجلس راه یابند.

دو نمودار زیر سوابق شغلی و تحصیلی نمایندگان مجلس دهم را نشان می‌دهد:

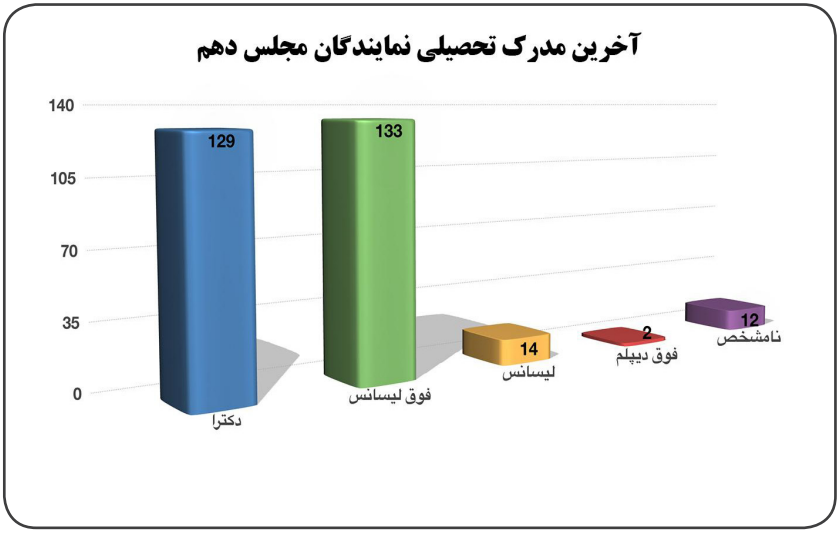

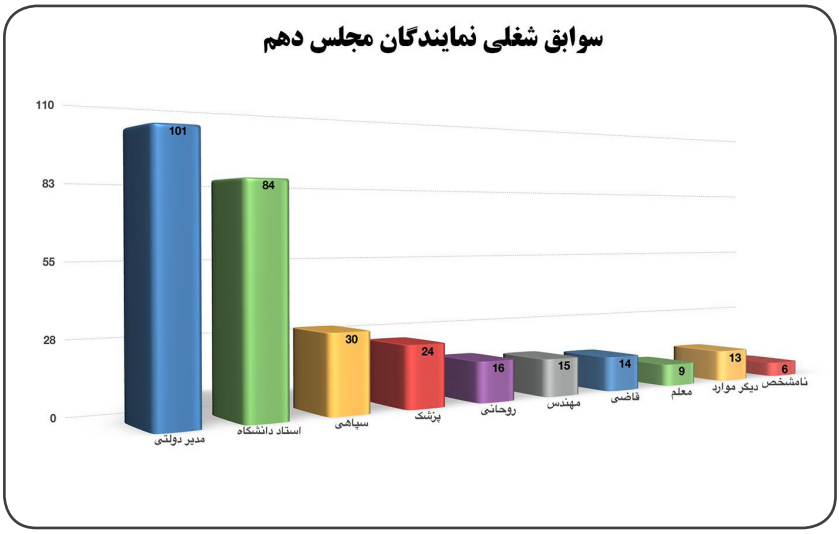

گفتنی است در سوابق شغلی برخی نمایندگان چند شغل آمده لذا این نمودار با در نظر گرفتن هم‌پوشانی شغلی یا تحصیلی آن‌ها تهیه شده است. برای مثال برخی نمایندگان علاوه بر سابقه اجرایی در دانشگاه نیز تدریس می‌کنند یا در سوابق تحصیلی برخی از دانشگاهیان، تحصیلات حوزوی نیز ذکر شده است.

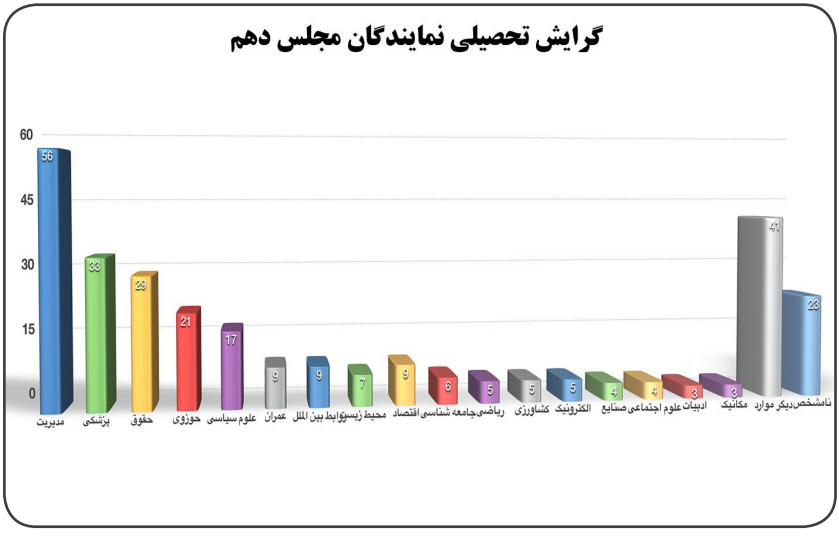

فصل دوم

کمیسیون‌های مجلس دهم

پول و قدرت سیاسی، اولویت اول نمایندگان در انتخاب کمیسیون‌ها

گزارش شعبات ۱۵گانه مجلس از تمایل نمایندگان به عضویت در کمیسیون‌های تخصصی نشان می‌دهد که پول و قدرت سیاسی، اولویت اول نمایندگان در انتخاب کمیسیون‌ها است.

با تصویب اعتبار نامه نمایندگان مجلس دهم، کمیسیون‌های تخصصی اعضای خود را شناختند و با تشکیل جلسات، فعالیت نمایندگان در حوزه قانون‌گذاری رسماز خواهد شد. براساس قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، هر نماینده باید به عضویت یک کمیسیون درآید و مکلف است در جلسات کمیسیون شرکت کند. عضویت در کمیسیون‌ها داوطلبانه و براساس سوابق کاری و تحصیلی نمایندگان صورت می‌گیرد ولی در هر دوره هیات رئیسه با چالشی به نام کمیسیون‌های بی‌داوطلب روبروست. براساس رویه جاری در مجلس، نمایندگان سه اولویت خود را اعلام می‌کنند، اگر تعداد داوطلبان عضویت در کمیسیونی بیش از ۲۳ نفر باشد، افراد مازاد به کمیسیونی که در اولویت دوم یا سوم‌شان آمده معرفی می‌شوند. اولین گزارش منتشره از تمایل نمایندگان به کمیسیون‌های تخصصی مجلس نشان می‌دهد که ۴ کمیسیون شوراها، حقوقی و قضایی، فرهنگی و اصل نود کمترین متقاضی و کمیسیون‌های امنیت ملی، اقتصادی، برنامه و بودجه و انرژی بیشترین تقاضای عضویت را دارا هستند.

هر کمیسیون برحسب شرح وظایف، با وزارتخانه‌ای خاص رابطه دارد از این رو وزارتخانه‌های پولدار و پرنفوذ بیشترین جاذبه را برای کمیسیون‌های مربوطه ایجاد می‌کند از این رو کمیسیون امنیت ملی به دلیل رابطه کاری با وزارت امور خارجه، کمیسیون انرژی به خاطر رابطه کاری با وزارت نفت، کمیسیون صنایع به دلیل وزارت صنایع و کمیسیون برنامه و بودجه به دلیل تاثیرگذاری بر قانون بودجه و نحوه توزیع بودجه سالیانه، بیشترین جاذبه را برای نمایندگان دارد و وزارت دادگستری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کمترین جاذبه را برای عضویت در کمیسیون حقوقی و فرهنگی ایجاد کرده است.

کمیسیون آموزش و تحقیقات و هیات رئیسه ائتلافی

حضور محمد رضا عارف رهبر فراکسیون امید و محمد مهدی زاهدی رئیس کمیسیون آموزش مجلس نهم و وزیر علوم دولت محمود احمدی نژاد، انتخابات هیات رئیسه این کمیسیون را با حساسیت‌هایی مواجه کرده بود. محمد رضا عارف که ریاست مجلس را به علی لاریجانی واگذار کرده و از پذیرش ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس نیز سرباز زده بود، در انتخابات ریاست کمیسیون آموزش نیز اعلام نامزدی نکرد تا میدان برای زاهدی جهت تمدید دوران ریاست‌اش بر این کمیسیون مهیا شود. او در حالی با ۱۳ رای به ریاست کمیسیون انتخاب شد که رقیب‌اش محمد قمی تنها ده رای را از آن خود کند تا روشن شود که علاوه بر اصول‌گرایان، نمایندگان اقلیت‌های مذهبی یا نمایندگان مستقل مجلس نیز به او رای داده‌اند، چراکه در نگاهی به تعلق نمایندگان این کمیسیون به فراکسیون‌های سیاسی، ترکیب کمیسیون ۱۰ در برابر ۹ به نفع اصول‌گرایان است. مستقل‌ها دو کرسی و اقلیت‌های مذهبی نیز دو کرسی در این فراکسیون دارند تا عدد کل کمیسیون به ۲۳ نفر برسد.

اعضای کمیسیون در جلسه روز یکشنبه سی‌ام خرداد ۹۵ هیات رئیسه کمیسیون برای سال اول و در جلسه روز ۱۶ خرداد ۹۶، هیات رئیسه سال دوم را به این شرح انتخاب کردند:

به این ترتیب هیات رئیسه کمیسیون آموزش و تحقیقات با ترکیبی از نمایندگان هر سه فراکسیون عمده مجلس (اصول‌گرا، امید و مستقل‌ها) تشکیل شد. اگرچه اکثریت ترکیب کمیسیون را نمایندگان فراکسیون امید تشکیل می‌دهند ولی واگذاری ریاست کمیسیون به یک نماینده اصول‌گرا، در ظاهر پیروزی در انتخابات هیات رئیسه از آن اصول‌گرایان بوده

	سال اول	سال دوم	سال سوم	سال چهارم
رئیس	محمد مهدی زاهدی (اصول‌گرا)	محمد مهدی زاهدی (اصول‌گرا)		
نایب رئیس اول	داود محمدی (امید)	داود محمدی (امید)		
نایب رئیس دوم	محمود نگهبان سلامی (مستقل)	قاسم احمدی لاشکی (مستقل)		
دبیر اول	علیرضا سلیمی (اصول‌گرا)	فریده اولاد قباد (امید)		
دبیر دوم	فاطمه سعیدی (امید)	علیرضا سلیمی (اصول‌گرا)		
سخن‌گو	حمایت میرزاده (امید)	حمایت میرزاده (امید)		

است. این ترکیب در سال دوم با تغییراتی اندک ابقاء شد.

کمیته‌های تخصصی کمیسیون آموزش

کمیسیون آموزش برای انجام ماموریت‌های محوله، پنج کمیسیون تخصصی دارد. اسامی و ترکیب هیات رئیسه کمیته‌ها به این شرح است:

۱- کمیته علوم، تحقیقات و فنآوری

رئیس: اسفندیار اختیاری کسنویه، اقلیت‌ها

اعضاء: محمد رضا عارف، علیرضا سلیمی، کارن خانلری، اسفندیار اختیاری و ضیاءالله اعزازی.

۲- کمیته آموزش عالی و علوم پزشکی

رئیس: حبیب اله دهمرده، اصول‌گرا

اعضاء: محمود صادقی، قاسم احمدی لاشکی، حبیب‌الله دهمرده، سیدجوادساداتی‌نژاد و محمد باسط درازهی.

۳- کمیته آموزش و پرورش

رئیس: محمد بیرانوندی، امید

اعضاء: فریده اولادقباد، فاطمه سعیدی، سیدمحمد جواد ابطحی، محمد بیرانوندی و فرهاد فلاحتی.

۴- کمیته فرهنگ و تربیت اسلامی

رئیس: حجت السلام محمد باقر عبادی، اصول‌گرا

اعضاء: سیدمحمدباقر عبادی، محمدمهدی زاهدی و داود محمدی.

۵- کمیته مهارتی

رئیس: اسدالله عباسی، اصول‌گرا

اعضا: محمود نگهبان سلامی، اسدالله عباسی و سیدحمایت میرزاده

اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات به این شرح است:

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	محمد رضا عارف	تهران	امید	
۲	داود محمدی	تهران	امید	نایب رئیس اول هیات رئیسه
۳	محمود صادقی	تهران	امید	
۴	فاطمه سعیدی	تهران	امید	دبیر دوم هیات رئیسه
۵	فریده اولاقبا	تهران	امید	
۶	محمد قمی	کوهدشت	امید	
۷	محمد بیرانوندی	خرم آباد	امید	رئیس کمیته آموزش و پرورش
۸	سید حمایت میرزاده	گرمی	امید	سخن‌گوی کمیسیون
۹	محمد باسط درازهی	سراوان	امید	
۱۰	قاسم احمدی لاشکی	نوشهر	مستقل	
۱۱	محمود نگهبان سلامی	خواف	مستقل	نایب رئیس دوم هیات رئیسه
۱۲	محمد مهدی زاهدی	کرمان	اصول‌گرایان	رئیس کمیسیون

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱۳	جبار کوچکی نژاد ارم ساداتی	رشت	اصول‌گرایان	
۱۴	علیرضا سلیمی	محلات	اصول‌گرایان	دبیر اول هیات رئیسه
۱۵	سید جواد ساداتی نژاد	کاشان	اصول‌گرایان	
۱۶	ضیاء اله اعزازی ملکی	بناب	اصول‌گرایان	
۱۷	سید محمد جواد ابطحی	خمینی شهر	اصول‌گرایان	
۱۸	سید محمد باقر عبادی	بیرجند	اصول‌گرایان	رئیس کمیته فرهنگ و تربیت اسلامی
۱۹	فرهاد فلاحتی	قائنات	اصول‌گرایان	
۲۰	اسداله عباسی	رودسر	اصول‌گرایان	رئیس کمیته مهارتی
۲۱	حبیب اله دهمرده	زابل	اصول‌گرایان	رئیس کمیته آموزش عالی و علوم پزشکی
۲۲	کارن خانلری	ارامنه شمال	اقلیت مذهبی	
۲۳	اسفندیار اختیاری کسنود	زرتشتیان	اقلیت مذهبی	رئیس کمیته علوم، تحقیقات و فنآوری

محدوده فعالیت

کمیسیون آموزش و تحقیقات در محدوده آموزش و پرورش عمومی، آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عالی، تحقیقات و فناوری وظایف محوله را انجام می‌دهد

کمیسیون اجتماعی و بازیس گیری کرسی نایب رئیسی از زنان

حضور ۵ زن از ۱۷ نماینده زن مجلس دهم در کمیسیون اجتماعی، می‌تواند نوید بخش گشودن گره‌هایی از مشکلات حقوقی و قانونی، حقوق زنان باشد. مشکلاتی که در سه دوره گذشته مجلس نه تنها مورد توجه قرار نگرفته، بلکه گره‌هایی به آن افزوده شده است. ضمن این‌که انتخاب سهیلا جلودارزاده به نایب رئیسی کمیسیون تخصصی نیز از اتفاقات کم نظیر این دوره است که یک زن به نیابت ریاست کمیسیون انتخاب شده است هرچند اجماع اعضای اصلاح‌طلب کمیسیون اجتماعی می‌توانست خانم جلودارزاده را به ریاست برساند چراکه اصلاح‌طلبان با ۱۲ رای اکثریت را در این کمیسیون دارا هستند. اما انشقاق در میان اعضای اصلاح‌طلب کمیسیون، سبب شد تا چهره‌ای مستقل با سوابقی اصول‌گرایانه، بتواند با کمترین اختلاف رای رئیس کمیسیون شود. سلمان خدادادی نماینده پرسابقه ملکان در حالی با ۱۱ رای به ریاست کمیسیون رسید که امیدی‌ها ۱۲ رای را در اختیار داشتند.

اعضای کمیسیون اجتماعی در جلسه سی‌ام خرداد ۹۵ سلمان خدادادی را با ۱۱ رای به ریاست کمیسیون، علی رستمیان و سهیلا جلودارزاده دو نماینده عضو فراکسیون امید را به نیابت ریاست کمیسیون و ناهید تاج الدین دیگر نماینده امیدی مجلس را به دبیری اول و روح الله بابایی نماینده مستقل قزوین را به دبیری دوم برگزیدند. دیگر نماینده مستقل آبادان، جلیل مختار، نیز به سمت سخن‌گویی هیات رئیسه انتخاب شد. تا کمیسیون اجتماعی در سال اول مجلس دهم به ریاست یک چهره مستقل متمایل به اصول‌گرایان اداره شود. از شگفتی‌های انتخابات هیات رئیسه این کمیسیون می‌تواند به عدم توجه اعضای کمیسیون

به چهره پرسابقه کمیسیون یعنی علیرضا محجوب دبیرکل خانه کارگر و نماینده تهران اشاره کرد که در میان نمایندگان مجلس در ردیف پرسابقه ترین‌ها به شمار می‌آید.
عبدالرضا عزیزی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس نهم نیز از دیگر چهره‌های این کمیسیون است که سال اول مجلس دهم شانسی برای حفظ کرسی ریاست نداشت. اصول‌گرایان تنها ۴ کرسی از ۲۳ کرسی کمیسیون را در اختیار دارند.
ترکیب هیات رئیسه کمیسیون اجتماعی در سال دوم به این شکل تغییر یافت:
به جای سلمان خدادادی، یک مستقل متمایل با اصول‌گرایان به نام عبدالرضا عزیزی بر کرسی ریاست کمیسیون تکیه زد.
محمد رضا بادامچی از فراکسیون امید جای سهیلا جلودارزاده نایب رئیس اول کمیسیون را گرفت و مسعود رضایی جایگزین علی رستمیان، نایب رئیس دوم کمیسیون شدتا یک امیدی جای عضو دیگری از فراکسیون امید بنشیند.
روح الله بابایی و ناهید تاج الدین کماکان کرسی دبیر کمیسیون را در اختیار دارند و زهرا ساعی از فراکسیون امید جایگزین جلیل مختار از فراکسیون مستقل‌ها، سخن‌گویی کمیسیون را عهده دار شد.در ترکیب هیات رئیسه کمیسیون اجتماعی در سال دوم همانند سال اول دو زن حضور دارد با این تفاوت که کرسی نایب رئیسی کمیسیون که برای اولین بار به یک زن سپرده شده بود بازپس گرفته شد تا سهیلا جلودارزاده از هیات رئیسه کمیسیون کنار گذاشته زهرا ساعی نماینده تبریز به سمت سخن‌گویی برگزیده شود.

اعضای کمیسیون و تعلق سیاسی آن‌ها

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	سهیلا جلودارزاده	تهران	امید	نایب رئیس دوم
۲	سمیه محمودی		امید	
۳	ناهید تاج الدین	اصفهان	امید	دبیر اول
۴	زهرا ساعی	تبریز	امید	
۵	علیرضا محجوب	تهران	امید	
۶	مسعود رضایی	شیراز	امید	

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۷	حسن لطفی	رزن	امید	
۸	علی ساری	اهواز	امید	
۹	علی رستمیان سبزه خانی	دلفان	امید	نایب رئیس اول
۱۰	شکور پورحسین شقلان	پارس آباد	امید	
۱۱	احمد بیگدلی	خدابنده	امید	
۱۲	محمد رضا بادامچی	تهران	امید	
۱۳	عباس گودرزی	بروجرد	اصول‌گرایان	
۱۴	علی کرد	خاش	اصول‌گرایان	
۱۵	عبدالرضا عزیزی	سیروان	اصول‌گرایان	
۱۶	رضا شیران خراسانی	مشهد	اصول‌گرایان	
۱۷	سلمان خدادادی	ملکان	مستقل	رئیس
۱۸	خدیجه ربیعی	بروجن	مستقل	
۱۹	رسول خضری	پیرانشهر	مستقل	
۲۰	روح الله بابایی صالح	قزوین	مستقل	دبیر دوم

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۲۱	جلیل مختار	آبادان	مستقل	سخن‌گو
۲۲	محمد وحدتی هلان	بستان آباد	مستقل	
۲۳	حمزه امینی	هشترود	مستقل	

محدوده ماموریت کمیسیون

کمیسیون اجتماعی در محدوده امور اداری و استخدامی، کار، اشتغال، روابط کار و تعاون وظایف محوله را انجام می‌دهد. وزارت کار و امور اجتماعی، سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان تامین اجتماعی از مهم‌ترین دستگاه‌های دولتی تحت نظارت کمیسیون اجتماعی مجلس است.

نبض کمیسیون اقتصادی در دست چهره‌های مستقل

کمیسیون اقتصادی از جمله کمیسیون‌های محبوب نمایندگان مجلس است. کمیسیونی که در ردیف بیشترین متقاضی قرار دارد. در هر دوره از مجلس شورای اسلامی، نمایندگان در انتخاب کمیسیون‌های تخصصی برای عضویت، معمولا یکی از انتخاب‌هایشان کمیسیون اقتصادی است. از همین رو رقابت برای ورود به کمیسیون اقتصادی جدی است. فرصت نظارت و همکاری نزدیک با بخش‌های اقتصادی دولت، جاذبه این کمیسیون را افزایش داده است. از همین رو کسب کرسی‌های هیات رئیسه این کمیسیون نیز در مقایسه با سایر کمیسیون‌ها رقابتی‌تر است.

حضور الیاس حضرتی نماینده پرسابقه اصلاح‌طلبان و محمود بهمنی معاون محمود احمدی نژاد در این کمیسیون، سطح رقابت برای کسب ریاست کمیسیون را افزایش داده بود ولی در نهایت نه حضرتی و نه بهمنی هیچ یک موفق به کسب آراء لازم نشدند تا محمد رضا پورابراهیمی نماینده میانه‌رو و اصول‌گرای کرمان که در دوره نهم کرسی سخن‌گویی این کمیسیون را در اختیار داشت گوی رقابت را از رقبا برباید و بر ریاست کمیسیون تکیه زند. کمتر کسی این انتخاب را پیش بینی می‌کرد. ضمن اینکه حساسیت‌های جریان‌های سیاسی بیرون مجلس نسبت به انتخابات هیات رئیسه این کمیسیون نیز رقابت را حساس‌تر کرده بود.

الیاس حضرتی قبل از برگزاری انتخابات هیات رئیسه کمیسیون در مظان اتهام لابی برای ورود طرفداران‌اش به کمیسیون اقتصادی برای ریاست کمیسیون قرار گرفته بود. او به این اتهام واکنش نشان داد و گفت: «من در ۱۶ سالی که در مجلس حضور داشتم، عضو کمیسیون

اقتصاد بودم الان هم عضو این کمیسیون می‌شوم. من هیچ‌کاری برای تعیین ترکیب کمیسیون نکردم، ترکیب کمیسیون هر شکلی باشد، دوستان اگر رای دادند در خدمتشان هستیم در غیر این صورت هم پیشانی‌شان را می‌بوسم.» روزنامه کیهان در واکنش به این اظهارات با یادآوری اتهام او در دریافت پول از شهرام جزیری در مطلبی با تیتر «رئیس شدید برای شهرام جزایری نوشابه باز نکنید!» انتخاب او به ریاست کمیسیون را به چالش کشید.
کمیسیون اقتصادی ده عضو اصول‌گرا، نه عضو اصلاح‌طلب (امید) و چهار عضو مستقل دارد. بنابراین بصورت طبیعی هر فراکسیونی که بتواند با مستقل‌های کمیسیون، ائتلاف کند، دست برتر را دارد ولی نتایج انتخابات هیات رئیسه نشان داد که ائتلاف‌ها نه فراکسیونی بلکه براساس روابط شخصی شکل گرفته است چراکه پورابراهیمی اصول‌گرا با یازده رای در برابر حضرتی و بهمنی به پیروزی می‌رسد و سید فرید موسوی اصلاح‌طلب با شش رای به نایب رئیسی منصوب می‌شود. آراء موسوی نشان می‌دهد که حتی او از مجموع آراء اصلاح‌طلبان برخوردار نبوده است. ضمن اینکه بهمنی اصول‌گرا نیز آراء اصول‌گرایان را نداشته است.
از این رو هیات رئیسه کمیسیون اقتصادی برای سال اول به این شرح تشکیل شد:

رئیس: محمد رضا پورابراهیمی
نواب رئیس: ناصر موسوی لارگانی و سید فرید موسوی
دبیران: داریوش اسماعیلی و حسینی شاهرودی
سخن‌گو: کاظم دلخوش اباتری

هیات رئیسه کمیسیون اقتصادی در سال دوم تغییری جزئی داشت به‌طوری‌که علی اکبر کریمی جای ناصر موسوی لارگانی را گرفت هرچند هر دو عضو فراکسیون اصول‌گرایان هستند. رحیم زارع نیز عنوان سخن‌گویی را از کاظم دلخوش اباتری گرفت تا اصول‌گرایان یک عضو خود در هیات رئیسه را از دست بدهند و مستقل‌ها یک نیروی جدید راهی هیات رئیسه کنند..

کمیته‌های تخصصی

اعضای کمیسیون اقتصادی برای پیشبرد برنامه‌های کمیسیون با تشکیل سه کمیته تخصصی موافقت کردند. پس از ارجاع هر طرح یا لایحه به کمیسیون و قبل از بررسی آن، بنا به مسوولیت محوله، ابتدا طرح یا لایحه ارجاعی توسط کمیته مربوطه بررسی و سپس با دریافت نظر کارشناسی، کمیسیون بررسی را آغاز و رای‌گیری می‌کند. سه کمیته تخصصی کمیسیون اقتصادی به این شرح است:

۱- کمیته سیاست‌های پولی و بانکی

۲- کمیته تجارت

۳- کمیته تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال

اعضای کمیسیون و تعلقات سیاسی

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	محمد رضا پورابراهیمی	کرمان	اصول‌گرایان	رئیس
۲	ناصر موسوی لارگانی	فلاورجان	اصول‌گرایان	نایب رئیس اول
۳	عامر کعبی	آبادان	اصول‌گرایان	
۴	علی اکبر کریمی	مرکزی	اصول‌گرایان	
۵	سید تقی کبیری	خوی	اصول‌گرایان	
۶	سید کاظم دلخوش اباتری	صومعه سرا	اصول‌گرایان	سخن‌گو
۷	سید حسن حسینی	شاهرود	اصول‌گرایان	دبیر اول
۸	محمد حسین حسین زاده بحرینی	مشهد	اصول‌گرایان	
۹	محمد حسن نژاد	مرند و جلفا	اصول‌گرایان	
۱۰	محمود بهمنی	ساوجبلاغ	اصول‌گرایان	
۱۱	فاطمه حسینی	تهران	امید	
۱۲	الیاس حضرتی	تهران	امید	
۱۳	سید فرید موسوی	تهران	امید	نایب رئیس دوم

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱۴	حمد اله کریمی	بیجار	امید	
۱۵	قرجه طیار	گنبد کاووس	امید	
۱۶	زهرا سعیدی	مبارکه	امید	
۱۷	معصومه آقاپور علیشاهی	شبستر	امید	
۱۸	احمد انارکی محمدی	انار و رفسنجان	امید	
۱۹	علی اسماعیلی	نور	امید	دبیر دوم
۲۰	رحیم زارع	آباده	مستقل	
۲۱	عین اله شریف پور	ماکو	مستقل	
۲۲	محمود شکری	تالش	مستقل	
۲۳	شهاب نادری	پاوه	مستقل	

حاشیه‌نشینی امیدی‌ها در کمیسیون امنیت ملی

عضویت سه چهره شاخص جبهه پایداری در کمیسیون امنیت ملی (ذوالنور، نقوی حسینی و کریمی قدوسی) به عنوان مخالفان جدی برجام، و انتصاب ذوالنور به ریاست کمیته هسته ای، می‌تواند تداوم بخش اعتراضات پایداری‌های مجلس نهم در مجلس دهم باشد، هرچند وجود ۸ عضو فراکسیون امید در این کمیسیون و برتری عددی نیروهای طرفدار برجام، مانع از سخت گیری اعضای این کمیسیون در مساله هسته‌ای باشد. انتخاب علاءالدین بروجردی رئیس پرسابقه کمیسیون امنیت ملی و ناکام ماندن تلاش‌های مجتبی ذوالنور برای تکیه بر کرسی ریاست این کمیسیون خود نشانگر این است که اعضای کمیسیون رویکرد متعادلی در حوزه مسایل امنیتی و سیاست خارجی خواهد داشت.

در مساله انتخاب رئیس کمیسیون، تنها تلاش‌های پیدا و پنهان پایداری‌ها نبود که این مساله را به معما تبدیل کرده بود بلکه وجود نیروهایی همچون فلاحت پیشه، کواکبیان و حتی کاظم جلالی، مساله انتخاب رئیس را پیچیده کرده بود. ضمن اینکه شکست بروجردی در دور اول انتخابات در بروجرد و پیروزی ناپلونی در دور دوم می‌توانست مسبب تضعیف موقعیت‌اش در کمیسیون امنیت ملی باشد ولی نزدیکی‌اش به تیم هسته‌ای دولت، او را برای چندمین بار به ریاست کمیسیون امنیت ملی رساند.

مصطفی کواکبیان تنها رقیب رسمی بروجردی در روز انتخابات، هشت رای کسب کرد تا نشان دهد اعضای فراکسیون امید، هیچ‌کدام به بروجردی رای نداده‌اند و او با ده رای اصول‌گرایان و پنج رای از نمایندگان مستقل با ۱۵ رای ریاست رسیده است.

اعضای کمیسیون امنیت ملی، اعضای هیات رئیسه این کمیسیون در سال اول مجلس دهم

را به این شرح برگزیدند: علاءالدین بروجردی به ریاست انتخاب شد. کمال دهقان و حسن بیگی نواب رئیس شدند و محمد جواد نوبندگانی و سید محسن علوی به دبیری کمیسیون رسیدند و سید حسین نقوی حسینی هم‌چون دوره نهم، سخن‌گویی کمیسیون امنیت ملی در مجلس دهم را عهده دار شد.
انتخابات هیات رئیسه کمیسیون در سال دوم مجلس دهم نیز چندان دستخوش تغییرات نشد. علاءالدین بروجردی بار دیگر به‌عنوان رئیس برگزیده شد. کمال دهقان نیز در جایگاه نایب رئیس اول ابقاء شد اما حسن بیگی اصول‌گرا، کرسی نایب رئیس دوم را به محمد مهدی برومندی از فراکسیون مستقل‌ها واگذار کرد. نقوی حسینی همچون سال اول، سخن‌گو باقی ماند و محمد جواد نوبندگانی نیز در کرسی دبیر اول ابقاء شد. محسن علوی از فراکسیون امید و دبیر دوم کمیسیون، تغییر دوم هیات رئیسه بود. او جای خود را به ابراهیم رضایی از اعضای فراکسیون اصول‌گرایان داد تا ترکیب هیات رئیسه کمیسیون امنیت ملی در سال دوم بیشتر رنگ و بوی اصول‌گرایی به خود گیرد.

کمیته‌های تخصصی

اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی رای به تشکیل سه کمیته اصلی و ۴ کمیته فرعی دادند. براساس تصمیم اعضای کمیسیون کمیته‌های تخصصی به این شرح تشکیل شدند:

کمیته‌های اصلی

۱- کمیته روابط خارجی
رئیس: صفاری نطنزی
نایب رئیس: نجفی
دبیر: هادی شوشتری
اعضاء: برزگر، حجت‌الاسلام ذوالنور، رحیمی، برومندی، شوشتری، فلاحت‌پیشه، نوریان، توکلی، نجفی، صفاری نطنزی و گودرزی

۲- کمیته امنیت
رئیس: نانواکناری
نایب رئیس: علوی
دبیر: نقوی حسینی
اعضاء: بروجردی، جلالی، دهقانی فیروزآبادی، نقوی حسینی، علوی و نانواکناری

۳- کمیته دفاعی
رئیس: نوریان
نایب رئیس: رضایی
دبیر: هاجر چنارانی
اعضاء: جاسمی، جمالی، چنارانی، حسن‌بیگی و ابراهیم رضایی

کمیته‌های فرعی:

۱- کمیته حقوق بشر
رئیس: هادی شوشتری
نایب رئیس: برومندی
دبیر: نقوی حسینی
اعضاء: برومندی، فیروزآبادی، شوشتری، صفاری نطنزی، علوی، فلاحت‌پیشه، کواکبیان، کریمی قدوسی و اردشیر نوریان

۲- کمیته هسته‌ای
رئیس: مجتبی ذوالنور
نایب رئیس: گودرزی
دبیر: برومندی
اعضاء: بروجردی، برومندی، جاسمی، جلالی، جمالی، چنارانی، حسن‌بیگی، رضایی، شوشتری، صفاری نطنزی، حجت الاسلام ذوالنور، فلاحت‌پیشه، کریمی قدوسی، علوی، کواکبیان، نانواکناری و نوریان

۳- کمیته مطالبات ملی

۴- کمیته بسیج

گزارش‌های منتشر از کمیته‌های تخصصی کمیسیون امنیت ملی نشان می‌دهد که نمایندگان این کمیسیون به رغم تصویب تشکیل کمیته مطالبات ملی و بسیج ولی اقدامی عملی برای تشکیل این دو کمیته هنوز انجام نداده‌اند چون تاکنون نه اعضای آن مشخص شده و نه گزارشی از تشکیل این کمیته‌ها منتشر شده است.

محدوده ماموریت کمیسیون
مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس، کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در محدوده سیاست و روابط خارجی، دفاع، اطلاعات و امنیت وظایف محوله را انجام می‌دهد. وزارت امور خارجه، وزارت اطلاعات، وزارت دفاع، سازمان انرژی اتمی، نیروهای مسلح و نیروی انتظامی از جمله دستگاه‌های دولتی و نظامی تحت نظارت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس است.
سید محسن علوی نماینده لامرد و عضو کمیسیون امنیت ملی که به دبیر هیات رئیسه کمیسیون نیز انتخاب شده، پسر حجت السلام محمود علوی وزیر اطلاعات دولت روحانی است. لذا نظارت بر کار پدر از جمله وظایف این عضو کمیسیون امنیت ملی است. حجت‌السلام محمود علوی وزیر اطلاعات در مجلس پنجم نماینده لامرد بود.

اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	علاءالدین بروجردی	بروجرد	اصول‌گرایان	رئیس
۲	حسین نقوی حسینی	ورامین	اصول‌گرایان	سخن‌گو
۳	مجتبی ذوالنور	قم	اصول‌گرایان	رئیس کمیته هسته‌ای
۴	ولی‌الله نانوا کناری	بابلسر	اصول‌گرایان	رئیس کمیته امنیت
۵	جواد کریمی قدوسی	مشهد	اصول‌گرایان	
۶	مرتضی صفاری نظنزی	نطنز	اصول‌گرایان	رئیس کمیته روابط خارجی
۷	محمد ابراهیم رضایی	خمین	اصول‌گرایان	نایب رئیس کمیته دفاعی
۸	ابوالفضل حسن بیگی	دامغان	اصول‌گرایان	نایب رئیس دوم
۹	محمد جواد جمالی نوبندگانی	فسا	اصول‌گرایان	دبیر اول
۱۰	سید قاسم جاسمی	کرمانشاه	اصول‌گرایان	
۱۱	علیرضا رحیمی	تهران	امید	
۱۲	مصطفی کواکبیان	تهران	امید	
۱۳	شهروز برزگر کلشانی	سلماس	امید	

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱۴	علی نجفی خوشرودی	بابل	امید	نایب رئیس کمیته روابط خارجی
۱۵	مسعود گودرزی	ممسنی	امید	نایب رئیس کمیته هسته‌ای
۱۶	محسن علوی	لامرد	امید	نایب رئیس کمیته امنیت دبیر دوم هیات رئیسه
۱۷	هادی شوشتری	قوچان	امید	رئیس کمیته حقوق بشر دبیر کمیته روابط خارجی
۱۸	کمال دهقانی فیروزآبادی	تفت	امید	نایب رئیس اول
۱۹	محمد مهدی برومندی	مرودشت	مستقل	نایب رئیس کمیته حقوق بشر
۲۰	کاظم جلالی	تهران	مستقل	
۲۱	هاجر چنارانی	نیشابور	مستقل	دبیر کمیته دفاعی
۲۲	حشمت اله فلاحت پیشه	اسلام آباد غرب	مستقل	
۲۳	اردشیر نوریان	شهرکرد	مستقل	رئیس کمیته دفاعی

کمیسیون انرژی در تصرف خوزستانی‌ها

تجمع نمایندگان مناطق نفت‌خیز ایران در کمیسیون انرژی، می‌تواند بیانگر گرایش مردم این مناطق به کاندیداهایی با تخصص در حوزه نفت و گاز باشد. ضمن اینکه نمایندگان مردم این مناطق می‌کوشند با عضویت در کمیسیون انرژی، سهم بیشتری از درآمد حاصله از ذخایر نفت و گاز کشور را جذب مناطق نفت‌خیز کنند. استان خوزستان، بوشهر، هرمزگان بیشترین نماینده را در کمیسیون انرژی دارد.

انتخاب فریدون حسنوند از نمایندگان استان خوزستان که سابقه چهار دوره نمایندگی مجلس را در کارنامه داراست به نظر امری طبیعی است اما انتخاب او با ۲۱ رای از ۲۳ رای اعضای کمیسیون، نشان می‌دهد که در این کمیسیون انتخابات هیات رئیسه بصورت ائتلافی برگزار شده است به این معنا که ریاست کمیسیون و یکی از دو کرسی نواب رئیس به اصول‌گرایان و چهار کرسی دیگر هیات رئیسه کمیسیون به اعضای فراکسیون امید تعلق گرفته است. اتفاقی که در دیگر کمیسیون‌ها کمتر رخ داده است.

در انتخابات هیات رئیسه کمیسیون انرژی، فریدون حسنوند با ۲۱ رای به عنوان رییس کمیسیون تعیین شد و همچنین حسین امیری خامکانی با ۲۰ رای، علی ادیانی راد با ۱۹ رای به عنوان نواب رییس اول و دوم، کرم پور با ۱۸ رای و خدری با ۱۷ رای، به عنوان دبیر اول و دوم واسدالله قره‌خانی با ۲۰ رای سخن‌گوی کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، انتخاب شدند.

فریدون حسنوند رئیس کمیسیون اگرچه از اعضای فراکسیون اصول‌گرایان است و مواضع سیاسی نسبتا تندی دارد و در دولت احمدی نژاد به مقام استانداری رسیده بود ولی به

شدت تنش میان وزیر نفت دولت روحانی و رئیس سابق کمیسیون انرژی (در مجلس نهم) را پایین آورده و رابطه نزدیکی‌تر با دولت دارد.
ترکیب کمیسیون در سال دوم تنها دو تغییر داشت. به‌طوری‌که هدایت الله خادمی جایگزین حسین امیری خامکانی و جاسم ساعدی جایگزین خدری شد. بقیه اعضای هیات رئیسه سال اول در سال دوم ابقاء شدند.
با تغییرات صورت گرفته دو عضو فراکسیون امید در هیات رئیسه جای خود را به دو عضو فراکسیون اصول‌گرایان دادند تا ترکیب هیات رئیسه که در سال اول به نفع امید بود به نفع اصول‌گرایان تغییر کند.

کمیته‌های تخصصی

اعضای کمیسیون انرژی در جلسه روز ۲۹ تیرماه ۱۳۹۵ هیات رئیسه کمیته‌های تخصصی کمیسیون انرژی را برگزیدند تا کمیسیون رسما بتواند بحث‌های تخصصی را دنبال کند. براساس انتخابات برگزار شده کمیته‌های تخصصی به این شرح تشکیل شدند:

کمیته نفت و پالایش فرآورده‌های نفتی
رئیس: حسن بهرام نیا
نایب رئیس: علی عسگر ظاهری عبده وند
دبیر: احمد صفری

کمیته گاز و پتروشیمی
رئیس: عدل هاشمی پور
نایب رئیس: سلام امینی
دبیر: سکینه الماسی

کمیته انرژی‌های نو و هسته ای
رئیس: محمد خالدی
نایب رئیس: غلامرضا شرفی
دبیر: اسدالله قره خانی

کمیته نیرو
رئیس: علی گلمرادی
نایب رئیس: عبدالله سامری
دبیر: حبیب الله کشت زر

کمیته حقوقی و قراردادها
رئیس: مجید ناصری نژاد
نایب رئیس: قاسم ساعدی
دبیر: عبدالحمید خدری

اعضای کمیسیون و گرایش سیاسی آن‌ها

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	فریدون حسنوند	اندیمشک	اصول‌گرایان	رئیس
۲	مجید ناصری نژاد	شادگان	اصول‌گرایان	رئیس کمیته حقوقی و قراردادها
۳	احمد مرادی	بندر عباس	اصول‌گرایان	
۴	علی عسگری ظاهری عبده‌وند	مسجد سلیمان	اصول‌گرایان	نایب رئیس کمیته نفت
۵	غلامرضا شرفی	آبادان	اصول‌گرایان	نایب رئیس کمیته انرژی‌های نو
۶	عبداله سامری	خرمشهر	اصول‌گرایان	نایب رئیس کمیته نیرو
۷	قاسم ساعدی	دشت آزادگان	اصول‌گرایان	نایب رئیس کمیته حقوقی و قراردادها
۸	هدایت اله خادمی	ایذه و باغملک	اصول‌گرایان	
۹	حسن بهرام نیا	نهاوند	اصول‌گرایان	رئیس کمیته نفت
۱۰	علی ادیانی راد	قائم شهر	اصول‌گرایان	نایب رئیس دوم
۱۱	جلال میرزایی	ایلام	امید	
۱۲	علی گلمرادی	ماهشهر	امید	رئیس کمیته نیرو
۱۳	کورش کرم پور حقیقی	فیروزآباد	امید	دبیر اول هیات رئیسه کمیسیون

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱۴	اسداله قره خانی الوستانی	علی آباد کتول	امید	سخن‌گوی هیات رئیسه دبیر کمیته انرژی‌های نو
۱۵	احمد صفری	کرمانشاه	امید	دبیر کمیته نفت
۱۶	عبدالحمید خدری	بوشهر	امید	دبیر دوم هیات رئیسه کمیسیون دبیر کمیته حقوقی و قراردادها
۱۷	حسین امیری خامکانی	زرند	امید	نایب رئیس اول کمیسیون
۱۸	سکینه الماسی	کنگان	امید	دبیر کمیته گاز و پتروشیمی
۱۹	محمد خالدی سردشتی	لردگان	مستقل	رئیس کمیته انرژی‌های نو
۲۰	بهروز نعمتی	تهران	مستقل	
۲۱	حبیب اله کشت زر	بهبهان	مستقل	دبیر کمیته نیرو
۲۲	سلام امینی	ایلام	مستقل	نایب رئیس کمیته گاز و پتروشیمی
۲۳	عدل هاشمی پور	کهکیلویه	مستقل	رئیس کمیته گاز و پتروشیمی

محدوده ماموریت کمیسیون انرژی

مطابق قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، کمیسیون انرژی در محدوده نفت، گاز، برق، سدها و نیروگاه‌های آبی و برقی، انرژی اتمی و انرژی‌های نو، وظایف محوله را انجام می‌دهد. وزارت نفت، وزارت نیرو، سازمان انرژی اتمی و شرکت‌های تابعه از جمله دستگاه‌های دولتی تحت نظارت کمیسیون انرژی مجلس هستند.

کمیسیون برنامه و بودجه و ثبات مدیریتی

انتظار می‌رفت حضور چهره‌های شاخص سه فراکسیون سیاسی مجلس در کمیسیون برنامه و بودجه، انتخابات هیات رئیسه این کمیسیون را رقابتی‌تر کند اما نتایج انتخابات نشان داد که مذاکرات قبل از رای گیری و توافقات بیرون کمیسیون، معیار انتخاب اعضای هیات رئیسه، بوده است، بطوریکه کرسی ریاست کمیسیون و کرسی‌های دبیری به اعضای فراکسیون امید و کرسی‌های نواب رئیس و کرسی سخن‌گویی به اصول‌گرایان تعلق گرفته است. غلامرضا تاج گردون که در مجلس نهم نیز ریاست این کمیسیون را برعهده داشت، باردیگر با ۲۱ رای از مجموع ۲۳ رای اخذ شده رهبری این کمیسیون را در اختیار گرفت.
غلامرضا تاج گردون و محمد رضا تابش دو چهره شاخص و پرسابقه فراکسیون امید، حمید رضا حاجی بابایی، عبدالرضا مصری، مهدی مفتح و جهانبخش محبی نیا چهار چهره شاخص اصول‌گرایان و مهرداد لاهوتی و جعفرزاده ایمن آبادی دو تن از رهبران فراکسیون مستقل‌های مجلس نهم در کمیسیون برنامه و بودجه حضور دارند تا در پروسه توزیع منابع مالی و برنامه‌نویسی دخالتی مستقیم داشته باشند.

هیات رئیسه کمیسیون

اعضای کمیسیون برنامه و بودجه در توافقی جمعی، کرسی‌های هیات رئیسه را به‌طور مساوی بین نمایندگان فراکسیون امید و اصول‌گرایان به این شرح تقسیم کردند:

رئیس: غلامرضا تاجگردون (فراکسیون امید)

نایب رئیس اول: جهانبخش محبی‌نیا

نایب رئیس دوم: هادی قوامی

سخن‌گو: محمدمهدی مفتح

دبیر اول: محمد فیضی
دبیر دوم: محسن بیگلری
فراکسیون مستقل‌ها در زمان رای گیری در سال اول هنوز اعلام موجودیت نکرده بود اما با اعلام موجودیت روشن شد کرسی نایب رئیس دوم به مستقل‌ها تعلق دارد. در انتخابات هیات رئیسه کمیسیون در سال دوم تنها یک تغییر روی داد و آن واگذاری کرسی محمد فیضی به علی کاظمی بود. هر دو از فراکسیون امید مجلس هستند از این رو ترکیب سیاسی هیات رئیسه کمیسیون بی‌تغییر ماند.

کمیته‌های تخصصی

کمیسیون برنامه و بودجه برای انجام وظایف محوله، چهار کمیته تخصصی اصلی تشکیل داد و قرار است دو کمیته تخصصی فرعی نیز تشکیل دهد که هنوز این مهم محقق نشده است. کمیته‌های تخصصی کمیسیون برنامه و بودجه به این شرح است:

کمیته‌های اصلی

۱- کمیته امور عمومی

۲- کمیته امور دفاعی

۳- کمیته امور اقتصادی

۴- کمیته امور اجتماعی

کمیته‌های فرعی

۱- کمیته دیوان محاسبات

۲- کمیته امور داخلی مجلس شورای اسلامی

اعضای کمیسیون و گرایش سیاسی آن‌ها

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	غلامرضا تاجگردون	گچساران	امید	رئیس
۲	محمد رضا تابش	اردکان	امید	
۳	نبی هزارجریبی	گرگان	امید	
۴	منصور مرادی	مریوان	امید	
۵	علی کاظمی بابا حیدری	اردل و فارسان	امید	
۶	علی قربانی	بجنورد	امید	
۷	محمد فیضی زنگیر	اردبیل	امید	دبیر اول
۸	سید مهدی فرشادان	سنندج	امید	
۹	غلامرضا حیدری	تهران	امید	
۱۰	محسن بیگلری	سقز و بانه	امید	دبیر دوم
۱۱	حمید رضا حاجی بابایی	همدان	اصول‌گرایان	
۱۲	عبدالرضا مصری	کرمانشاه	اصول‌گرایان	
۱۳	محمد مهدی مفتح	تویسرکان	اصول‌گرایان	سخن‌گو

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱۴	جهانبخش محبی نیا	میاندوآب	اصول‌گرایان	نایب رئیس اول
۱۵	هادی قوامی	اسفراین	مستقل	نایب رئیس دوم
۱۶	محمد حسین قربانی	آستانه اشرفیه	اصول‌گرایان	
۱۷	یعقوب شیوایاری	میانه	اصول‌گرایان	
۱۸	حسن سلیمانی	کنگاور	اصول‌گرایان	
۱۹	محمد خدابخشی	الیگودرز	اصول‌گرایان	
۲۰	حسینعلی حاجی دلیگانی	شاهین شهر	اصول‌گرایان	
۲۱	عزت اله یوسفیان ملا	آمل و لاریجان	مستقل	
۲۲	مهرداد بائوج لاهوتی	لنگرود	مستقل	
۲۳	غلامرضا جعفرزاده ایمن آبادی	رشت	مستقل	
۲۴	محمد حسینی	تفرش	مستقل	
۲۵	شهباز حسن پور بیگلری	سیرجان	مستقل	

کمیسیون بهداشت و درمان محل تجمع پزشکان سیاستمدار

کمیسیون بهداشت و درمان به لحاظ علمی، بالاترین سطح را در میان کمیسیون‌های تخصصی مجلس دارد. کمیسیونی که میانگین درجه علمی اعضای آن دکتراست. پزشکان راه یافته به مجلس، عموما در کمیسیون بهداشت جمع می‌شوند تا بر مسایل درمانی و بهداشتی جامعه متمرکز شوند. مسعود پزشکیان، وزیر بهداشت دولت خاتمی، علی نوبخت رئیس فعلی کمیسیون و نماینده تهران، حسینعلی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت مجلس نهم و امیرحسین قاضی زاده نماینده مشهد، چهره‌های شاخص این کمیسیون در مجلس دهم هستند.

رهبری کمیسیون

مسعود پزشکیان بخت اول ریاست کمیسیون بهداشت بود ولی قبل از برگزاری انتخابات هیات رئیسه کمیسیون‌ها، او توانست برای اولین بار بر کرسی نایب رئیسی هیات رئیسه مجلس تکیه بزند و در سطحی بالاتر در حلقه مدیریتی مجلس جایی برای خود دست و پا کند. با کنار رفتن پزشکیان از فهرست کاندیداهای طراز اول ریاست کمیسیون بهداشت، علی نوبخت چهره نزدیک به دولت روحانی با وجود عدم برخورداری از تجربه پارلمانی ولی به دلیل آشنایی با سیستم بهداشتی و درمانی و البته به دلیل رابطه خانوادگی با سخن‌گوی دولت (برادر محمد باقر نوبخت رئیس سازمان مدیریت و سخن‌گوی دولت روحانی) به شانس اول ریاست کمیسیون تبدیل شد و با اخذ ۱۳ رای از ۲۳ رای اعضای کمیسیون این کرسی را برای سال اول مجلس دهم از آن خود کرد.

حسین علی شهریاری رئیس اصول‌گرای کمیسیون بهداشت مجلس نهم، با هفت رای اصول‌گرایان هم شانسی برای تمدید ریاست‌اش نداشت و قاضی زاده هاشمی سیاسی‌ترین چهره اصول‌گرای کمیسیون بهداشت نیز در این رقابت شانسی برای پیروزی نداشت. با این وجود یعقوب شیویاری نماینده اصول‌گرای میانه با ۲۲ رای بیشترین رای را در انتخابات هیات رئیسه کمیسیون بدست آورد و به‌عنوان دبیر اول کمیسیون انتخاب شد.
هیات رئیسه کمیسیون بهداشت در سال اول دوره نهم به این ترتیب انتخاب شدند:
رئیس: علی نوبخت با ۱۳ رای
نایب رئیس اول: مرتضی خاتمی با ۱۸ رای
نایب رئیس دوم: محمد حسین قربانی با ۱۶ رای
دبیر اول: یعقوب شیویاری با ۲۲ رای
دبیر دوم: بشیر خالقی با ۱۱ رای
سخن‌گو: محمد نعیم امینی فرد با ۱۶
اصلاح‌طلبان اگرچه دست برتر را در کمیسیون بهداشت دارند و توانستند یکی از چهره‌های شاخص‌شان به نام علی نوبخت را به کرسی ریاست برسانند ولی در ترکیب نهایی هیات رئیسه کمیسیون، توفیق چندانی پیدا نکردند و پنج کرسی از شش کرسی را به اصول‌گرایان و مستقل‌ها واگذار کردند. اما این ترکیب در سال دوم به نفع اعضای فراکسیون امید تغییر کرد. علاوه بر علی نوبخت حقیقی که موفق شد کرسی ریاست کمیسیون را حفظ کند. همایون یوسفی و احمد همتی دو عضو دیگر کمیسیون امید نیز توانستند بر کرسی نایب رئیس دوم و کرسی سخن‌گو تکیه بزنند تا تعداد امیدی‌های هیات رئیسه که در سال اول یک نفر بود به سه نفر افزایش یافت. کرسی نایب رئیسی اول نیز به محمد حسین قربانی رسید و یعقوب شیویاری نیز کماکان به‌عنوان دبیر هیات رئیسه باقی ماند. عباسعلی پوربافرانی از فراکسیون مستقل‌ها نیز به‌عنوان دبیر دوم به هیات رئیسه راه یافت.
اعضای کمیسیون و گرایش سیاسی آن‌ها

محدوده فعالیت کمیسیون

کمیسیون بهداشت و درمان در محدوده بهداشت، درمان، امداد، بهزیستی، تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی و هلال احمر وظایف محوله را انجام می‌دهد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت کار، رفاه و اموراجتماعی، و سازمان‌های وابسته هم‌چون سازمان بهزیستی، سازمان تامین اجتماعی، سازمان هلال احمر و دانشگاه‌های علوم پزشکی از جمله دستگاه‌های دولتی تحت نظارت اعضای این کمیسیون هستند.

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	علی نوبخت حقیقی	تهران	امید	رئیس کمیسیون در سال اول و دوم
۲	مسعود پزشکیان	تبریز	امید	
۳	همایون یوسفی	اهواز	امید	
۴	احمد همتی	سمنان	امید	سخن‌گوی کمیسیون در سال دوم
۵	همایون هاشمی	میاندوآب	امید	نایب رئیس کمیسیون در سال دوم
۶	محسن علیجانی زمانی	تهران	امید	
۷	حیدر علی عابدی	اصفهان	امید	
۸	ابوالفضل سروش	تهران	امید	
۹	منوچهر جمالی سوسفی	رودبار	امید	
۱۰	بهروز بنیادی	کاشمر	امید	
۱۱	حسین علی شهریاری	زاهدان	اصول‌گرایان	
۱۲	امیرحسین قاضی زاده هاشمی	مشهد	اصول‌گرایان	
۱۳	ذبیح اله نیکفر لیالستانی	لاهیجان و سیاهکل	اصول‌گرایان	
۱۴	اکبر رنجبرزاده	اسدآباد	اصول‌گرایان	

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱۵	اکبر ترکی	فریدن و چادگان	اصول‌گرایان	
۱۶	محمد حسین قربانی	آستانه اشرفیه	اصول‌گرایان	نایب رئیس دوم کمیسیون در سال اول و نایب رئیس اول در سال دوم
۱۷	یعقوب شیویاری	میانه	اصول‌گرایان	دبیر اول کمیسیون در سال اول و دوم
۱۸	محمد نعیم امینی فرد	ایرانشهر	مستقل	سخن‌گو کمیسیون در سال اول
۱۹	عباسعلی پوربافرانی	نائین	مستقل	دبیر دوم کمیسیون در سال دوم
۲۰	احمد حمزه	کهنوج	مستقل	
۲۱	مرتضی خاتمی	ماه نشان	مستقل	نایب رئیس اول کمیسیون در سال اول
۲۲	بشیر خالقی	خلخال	مستقل	
۲۳	سیامک مره صدق	نماینده کلیمیان	اقلیت‌های دینی	

بی‌تفاوتی نمایندگان به نقش کمیسیون شوراها در انتخابات ۹۶

کمیسیون شوراها و امور داخلی، کسادترین کمیسیون در بازار تعیین حیطه تخصصی راه‌یافتگان به مجلس دهم قرار داشت. کمیسیونی که تا دقیقه نود، داوطلب به‌اندازه کافی نداشت و راه‌یافتگان تلاش می‌کردند به دیگر کمیسیون‌های تخصصی راه یابند و در نهایت از سرریز دیگر کمیسیون‌ها، ۱۹ نماینده بالاجبار به عضویت کمیسیون شوراها درآمدند تا این کمیسیون طبق قانون تشکیل شود، حال آن‌که حداقل در سال اول فعالیت مجلس دهم به دلیل برعهده داشتن مسوولیت تعیین صلاحیت کاندیداهای انتخابات شوراها و نظارت بر این انتخابات، مسوولیت سنگینی بر دوش اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی است. بی‌تفاوتی نمایندگان مجلس و رهبران فراکسیون‌های سیاسی به نقش کمیسیون شوراها در انتخابات آتی شوراهای شهر و روستا از اتفاقات عجیب مجلس دهم بود.

مطابق با قانون انتخابات شوراها، تعیین صلاحیت کاندیداها و نظارت بر انتخابات شوراها برعهده مجلس شورای اسلامی است. برای تشکیل هیات مرکزی نظارت بر انتخابات ۶ نماینده به انتخاب کمیسیون شوراها و ۴ نماینده به انتخاب کمیسیون اصل نود به هیات رئیسه مجلس معرفی و هیات رئیسه با برگزاری انتخابات در صحن علنی ۵ نفر را به عنوان عضو شورای مرکزی انتخاب خواهد کرد. کمیسیون اصل نود پیش از این بهمنی، پارسایی، ذوالنور و تجلی را معرفی کرده ولی کمیسیون شوراها هنوز کاندیداهای خود را معرفی نکرده است. گفتنی است کمیسیون اصل نود نیز در جذب نمایندگان برای تشکیل جلسات و انجام وظایف محوله هم‌چون کمیسیون شوراها با بی‌انگیزگی نمایندگان روبرو بود.

از سوی دیگر کمیسیون شوراها در حالی از سوی راه‌یافتگان به مجلس مورد بی‌مهری قرار گرفت که بسیاری از نمایندگان، پیش از ورود به مجلس عضو شورای شهر حوزه انتخابیه

خود بودند و انتظار می‌رفت حداقل نمایندگانی که به مردم وعده کرده بودند تا با حضور در شوراها به امورشان رسیدگی کنند ولی از انجام ماموریت استعفا داده و کاندیدای مجلس شده بودند، با عضویت در کمیسیون شوراها جبران مافات کرده واستعفای‌شان از شورای شهر را با این اقدام جبران می‌کردند، ولی آن‌ها نیز نشان دادند که از شوراهای شهر به عنوان پلی برای رسیدن به قدرت و قرار گرفتن در حلقه اصلی حاکمیت استفاده کرده‌اند و علاقه‌ای به عضویت در کمیسیون شوراها ندارند. حضرت پور نماینده ارومیه، بهرام پارسایی نماینده شیراز، صدیف بدری و محمد فیضی نمایندگان اردبیل، منصوری نماینده ساوه و نبی الله هزارجریبی نماینده گرگان از جمله نمایندگان مجلس دهم هستند که از شوراها به مجلس راه یافتند ولی از ورود به کمیسیون شوراها خودداری کردند.

رهبری کمیسیون شوراها و امور داخلی

کمیسیون شوراها اگرچه داوطلبان چندانی برای عضویت نداشت و با دوپینگ هیات رئیسه مجلس به حدنصاب رسید و تشکیل شد ولی برای انتخاب هیات رئیسه رقابتی جدی را تجربه کرد. محمد جواد کولیوند نماینده اصول‌گرای کرج که با حمایت حزب اعتدال و توسعه (نزدیکترین حزب به رئیس جمهور) به مجلس راه یافت درحالی برای ریاست کمیسیون اعلام نامزدی کرد که امیر خجسته نماینده همدان با هشت سال ریاست بر کمیسیون شوراها در مجلس هشتم و نهم، اسب خود را برای تداوم ریاست‌اش زین کرده بود. امیرآبادی نماینده پرسابقه قم و ابوالفضل ابوترابی نماینده باسابقه نجف آباد نیز نیم نگاهی به ریاست کمیسیون داشتند ولی در نهایت کولیوند با ۱۲ رای به ریاست رسید و پروانه مافی نماینده تهران که برای اولین بار به مجلس راه یافته بر کرسی نایب رئیسی تکیه زد تا وزن رهبری کمیسیون به نفع اصلاح‌طلبان و حامیان دولت سنگینی کند.

هیات رئیسه کمیسیون شوراها و اموداخلی در سال اول فعالیت مجلس دهم به این شرح تشکیل شد:

رئیس: محمد جواد کولیوند با ۱۲ رای
نایب رئیس اول: پروانه مافی با ۱۱ رای
نایب رئیس دوم: حمید رضا کاظمی با ۸ رای
دبیر اول: اصغر سلیمی با ۱۷ رای
دبیر دوم: سهراب گیلانی با ۱۳ رای
سخن‌گو: حسین مقصودی با ۸ رای

کمیته‌های فرعی کمیسیون

کمیسیون شوراها و امور داخلی برای انجام امور محوله چهار کمیته کاری به این شرح تشکیل داد:

۱- کمیته تقسیمات کشوری و آمایش سرزمین
رئیس: محمودی شاه نشین

۲- کمیته شوراها، شهرداری‌ها و حمل و نقل شهری
رئیس: شهاب‌الدین بی‌مقدار

۳- کمیته امنیت و سیاست داخلی و حوادث غیرمترقبه

رئیس: ابوالفضل ابوترابی

۴- کمیته احزاب و تشکل‌های مدنی
رئیس: صباغیان

اعضای کمیسیون شوراها و گرایش سیاسی آن‌ها

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	محمد جواد کولیوند	کرج	مستقل	رئیس
۲	حسین مقصودی	سبزوار	اصول‌گرایان	سخن‌گوی کمیسیون
۳	محمد رضا صباغیان بافقی	ابرکوه و بافق	مستقل	رئیس کمیته احزاب
۴	امیر خجسته	همدان	اصول‌گرایان	
۵	احمد امیرآبادی فراهانی	قم	اصول‌گرایان	
۶	ابوالفضل ابوترابی	نجف آباد	اصول‌گرایان	رئیس کمیته امنیت
۷	محمد آشوری	بندرعباس	اصول‌گرایان	
۸	سهراب گیلانی	شوشتر	اصول‌گرایان	دبیر دوم کمیسیون
۹	حمید رضا کاظمی	پلدختر	اصول‌گرایان	نایب رئیس دوم کمیسیون
۱۰	احمد رضا علی بیگی	تبریز	اصول‌گرایان	
۱۱	محمد قسیم عثمانی	بوکان	امید	

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱۲	علی اصغر یوسف نژاد	ساری	امید	
۱۳	پروانه مافی	تهران	امید	نایب رئیس اول کمیسیون
۱۴	عبدالرضا هاشم زایی	تهران	امید	
۱۵	مصطفی ذوالقدر	میناب	امید	
۱۶	شهاب‌الدین بی‌مقدار	تبریز	امید	رئیس کمیته شوراها
۱۷	قاسم میرزایی نیکو	دماوند	امید	
۱۸	محمد محمودی شاه نشین	شهریار	امید	رئیس کمیته تقسیمات کشوری
۱۹	اصغر سلیمی	سمیرم	امید	دبیر اول کمیسیون

محدوده فعالیت:

مطابق آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، کمیسیون شوراها و امورداخلی کشور در محدوده سیاست داخلی، شوراها، امور غیرعمرانی شهرداری‌ها و ثبت احوال وظایف محوله را انجام می‌دهد. وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها، سازمان حوادث غیرمترقبه و سازمان هواشناسی از جمله دستگاه‌های اجرایی تحت نظارت اعضای کمیسیون شوراها هستند. اصلاح قانون انتخابات، تغییر پایتخت، امنیت داخلی و تعیین حدود وظایف و مسوولیت شوراهای شهر و روستا از جمله چالش‌برانگیزترین موضوع‌های پیش‌روی اعضای کمیسیون شوراها و امور داخلی است.

کمیسیون صنایع و خروج تنها زن هیات رئیسه در سال دوم

برخلاف کمیسیون شوراها، فرهنگی و اصل نود که به‌اندازه کافی متقاضی عضویت ندارد، کمیسیون صنایع از جمله کمیسیون‌های پرطرفدار مجلس است. ارتباط کاری مستقیم با بخش صنعت، معدن، تجارت و پتروشیمی، جذابیت این کمیسیون را برای نمایندگان، خصوصا نمایندگان شهرستانی بالا برده است. نمایندگان برای بردن صنایع کوچک به شهرستان‌ها و ایجاد اشتغال، علاقه زیادی به همکاری با وزارت‌خانه صنعت و معدن و سازمان‌های تابعه دارند. از این رو کمیسیون صنایع از جمله کمیسیون‌هایی است که ورود به آن رقابتی است و بسیاری از علاقمندان به عضویت در این کمیسیون از ورود به آن باز می‌مانند.

رهبری کمیسیون

برتری عددی نمایندگان اصول‌گرا در کمیسیون صنایع، سبب شد تا رهبری این کمیسیون در اختیار اصول‌گرایان قرار گیرد. عزیز اکبریان از اصول‌گرایان نزدیک به دولت، با ۱۳ رای به ریاست کمیسیون رسید و دو اصول‌گرای دیگر بر کرسی نایب رئیسی تکیه زدند. اما سخن‌گویی کمیسیون به یک عضو فراکسیون امید رسید. سعید باستانی نماینده اصلاح‌طلب تربت‌حیدریه با جلب آراء هر ده عضو اصلاح‌طلب این کمیسیون، سخن‌گو شد.

هیات رئیسه کمیسیون برای سال اول دوره دهم به این شرح انتخاب شدند:

رئیس: عزیز اکبریان با ۱۳ رای

نایب رئیس اول: داریوش اسماعیلی با ۱۴ رای

نایب رئیس دوم: فریدون احمدی با ۹ رای

دبیر اول: جواد حسینی کیا با ۱۲ رای
دبیر دوم: حمیده زرآبادی با ۱۲ رای
سخن‌گو: سعید باستانی با ۱۰ رای

اعضای کمیسیون در انتخاب هیات رئیسه سال دوم مجلس دهم، رای به برکناری تنها زن عضو هیات رئیسه دادند. حمیده زرآبادی تنها زن عضو کمیسیون صنایع که در انتخابات سال اول به دبیری هیات رئیسه کمیسیون انتخاب شده بود در سال دوم جای خود را به رضا علیزاده از فراکسیون اصول‌گرایان داد تا هیات رئیسه کمیسیون کاملا مردانه شود. دیگر تغییر هیات رئیسه، انتخاب رامین نورقلی پور از فراکسیون امید به جای داریوش اسماعیلی از فراکسیون اصول‌گرایان بود. با این تغییر کرسی نایب رئیسی کمیسیون به فراکسیون امید تعلق گرفت.

کمیته‌های فرعی کمیسیون صنایع

اعضای کمیسیون صنایع مطابق قانون آیین‌نامه داخلی مجلس رای به تشکیل ۵ کارگروه دادند تا به‌صورت تخصصی به بررسی طرح‌ها و لوایح بپردازند.کارگروه‌ها یا کمیته‌های فرعی کمیسیون صنایع به این شرح تشکیل شد:

کارگروه پتروشیمی
رئیس: محمد عزیزی
اعضاء: فریدون احمدی، سعید باستانی، سیدجواد حسینی کیا، محمد عزیزی، حمید گرمابی

کارگروه معدن
رئیس: رضا علیزاده
اعضاء: داریوش اسماعیلی، علی اسدی کرم، رضا انصاری، رضا علیزاده، محمدحسین فرهنگی، محسن کوهکن

کارگروه صنعت
رئیس: ولی ملکی
اعضاء: عبدالله رضیان، رامین نورقلی پور، ولی ملکی، سیدمهدی مقدسی، محمدرضا نجفی

کارگروه ارتباطات
رئیس: رمضانعلی سبحانی فر
اعضاء: رمضانعلی سبحانی فر، حمیده زرآبادی، عزیز اکبریان

کارگروه فناوری‌های نو و هوا وفضا
رئیس: محمد رضا منصوری
اعضاء: غلام محمد زارعی، محمدرضا منصوری، حمیدرضا فولادگر

اعضای کمیسیون و گرایش سیاسی آن‌ها

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	رامین نورقلی پور	کردکوی	امید	نایب رئیس اول کمیسیون در سال دوم
۲	محمد رضا نجفی	تهران	امید	
۳	محمد رضا منصوری	ساوه	امید	رئیس کارگروه فناوری‌های نو و هوا وفضا
۴	مهدی مقدسی	اراک	امید	
۵	حمید گرمابی	نیشابور	امید	
۶	رمضانعلی سبحانی فر	سبزوار	امید	رئیس کارگروه ارتباطات
۷	حمیده زرآبادی	قزوین	امید	دبیر دوم کمیسیون در سال اول
۸	عبداله رضیان	قائم شهر	امید	
۹	سعید باستانی	تربت حیدریه	امید	سخن‌گوی کمیسیون
۱۰	علی اسدی کرم	شهر بابک	امید	
۱۱	عزیز اکبریان	کرج	اصول‌گرا	رئیس کمیسیون
۱۲	محمد عزیزی	ابهر	اصول‌گرا	رئیس کارگروه پتروشیمی
۱۳	محسن کوهکن	لنجان	اصول‌گرا	

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱۴	ولی ملکی	مشکین شهر	اصول‌گرا	رئیس کارگروه صنعت
۱۵	نادر قاضی پور	ارومیه	اصول‌گرا	
۱۶	حمید رضا فولادگر	اصفهان	اصول‌گرا	
۱۷	محمد حسین فرهنگی	تبریز	اصول‌گرا	
۱۸	رضا علیزاده	ورزقان	اصول‌گرا	رئیس کارگروه معدن و دبیر دوم هیات رئیسه در سال دوم
۱۹	جواد حسینی کیا	سنقر و کلیایی	اصول‌گرا	دبیر اول کمیسیون
۲۰	رضا انصاری	داراب	اصول‌گرا	
۲۱	داریوش اسماعیلی	سروستان	اصول‌گرا	نایب رئیس اول کمیسیون در سال اول
۲۲	فریدون احمدی	زنجان	اصول‌گرا	نایب رئیس دوم کمیسیون
۲۳	غلام محمد زارعی	بویراحمد	مستقل	

محدوده فعالیت کمیسیون

کمیسیون صنایع و معادن درمحدوده صنایع، پست، مخابرات، معادن، پتروشیمی، صنایع هوافضا و ارتباطات وظایف محوله را انجام می‌دهد. وزارت‌خانه صنعت، معدن و تجارت، وزارت‌خانه ارتباطات و فناوری اطلاعات و سازمان‌های تابعه از جمله مهم‌ترین دستگاه‌های دولتی تحت نظارت اعضای کمیسیون صنایع هستند.

کمیسیون عمران و تجمع غیرسیاسی‌ترین نمایندگان مجلس

کمیسیون عمران با عضویت ۹ نماینده مستقل، بیشترین نمایندگان مستقل را در خود جای داده تا این کمیسیون را بتوان غیرسیاسی‌ترین، کمیسیون مجلس دهم نام داد. کمیسیونی که هیچ‌کدام از چهره‌های شناخته شده دو فراکسیون سیاسی مجلس یعنی فراکسیون امید و اصول‌گرا را میزبانی نمی‌کند. ۶ نماینده اصول‌گرا و ۸ نماینده عضو فراکسیون امید مجلس دهم که به عضویت کمیسیون عمران درآمده‌اند در ردیف نمایندگان میانه‌رو و کمتر سیاسی مجلس به حساب می‌آیند تا کمیسیون عمران، مستقل‌ترین کمیسیون مجلس نیز به شمار آید.
نمایندگان مستقل کمیسیون عمران، به دلیل برتری عددی، سه کرسی از شش کرسی هیات رئیسه را از آن خود کرده‌اند. انتخاب یک اصول‌گرا به ریاست کمیسیون، اگرچه می‌تواند به دلیل سابقه کاری و تخصصی محمدرضا رضایی باشد ولی می‌تواند نشانگر گرایش اکثریت مستقل‌های این کمیسیون به اصول‌گرایان نیز تلقی شود، چراکه محمد دامادی دیگر کاندیدای ریاست کمیسیون، با هشت رای (مجموع آراء اصلاح‌طلبان)، رقابت را به رقیب اصول‌گرایش واگذار کرد. رضایی با ۱۰ رای بر کرسی ریاست کمیسیون تکیه زد. ۵ عضو دیگر کمیسیون به هیچ‌کدام از این دو کاندیدا رای ندادند. آراء شکننده رضایی، می‌تواند در سال دوم مجلس دهم، ترکیب متفاوتی را برای هیات رئیسه این کمیسیون رقم زند.
اعضای کمیسیون در سال اول دوره دهم، هیات رئیسه را به این شرح انتخاب کردند:

رئیس: محمد رضا رضایی کوچی
نایب رئیس اول: علی یارمحمدی

نایب رئیس دوم: سید هادی بهادری
دبیر اول: شادمهر کاظم زاده
دبیر دوم: حسین نیاز آذری
سخن‌گو: صدیف بدری

اعضای کمیسیون در دومین سال آغاز به کار هر دو نایب رئیس کمیسیون را برکنار و دو عضو جدید انتخاب کردند. در انتخابات سال دوم، قلی قلی زاده از فراکسیون اصول‌گرایان و مجید کیان پور از فراکسیون مستقل‌ها به ترتیب بر کرسی نایب رئیس اول و دوم تکیه زدند. در انتخابات سال دوم نیز اکثریت هیات رئیسه به اعضای فراکسیون مستقل‌ها تعلق گرفت.
با وجود گذشت یک سال از تشکیل مجلس دهم، هنوز اطلاعات کاملی از تشکیل کارگروه‌های تخصصی کمیسیون عمران منتشر نشده است. تنها آن‌چه روشن است این‌که «معماری و شهرسازی» و «نظام فنی، اجرایی و مهندسی» دو کارگروه اصلی این کمیسیون است.
کمیسیون عمران از جمله کمیسیون‌های مجلس است که هیچ نماینده زنی در آن عضویت ندارد. در مجلس دهم ۱۷ نماینده زن حضور دارد و با وجود آن‌که برخی از آن‌ها سابقه علمی در حوزه مهندسی و فنی دارند ولی روشن نیست چرا هیچ زنی به عضویت کمیسیون عمران در نیامده است.

حیطه ماموریت کمیسیون عمران

مطابق قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، اعضای کمیسیون عمران در محدوده راه و ترابری، مسکن، عمران شهری و عمران روستایی و امور عمرانی شهرداری‌ها و ده‌یاری‌ها وظایف محوله را انجام می‌دهد. وزارت راه و ترابری، بخش عمرانی وزارت‌خانه‌های کشور، نیرو و نفت و سازمان‌های وابسته از جمله سازمان هواپیمایی از جمله مهم‌ترین دستگاه‌های دولتی تحت نظارت اعضای کمیسیون عمران هستند. نوسازی ناوگان هوایی، بازسازی نظام حمل و نقل، نظارت بر روند ساخت و سازها و موضوع انتقال پایتخت از مباحث مطرح و حساس کمیسیون عمران است.

اعضای کمیسیون و گرایش سیاسی آن‌ها

	نام	حوزه انتخابیه	گرایش سیاسی	سمت در کمیسیون
۱	مجید کیان پور	درود و ازنا	مستقل	نایب رئیس دوم در سال دوم
۲	شادمهر کاظم زاده	دهلران	مستقل	دبیر اول در سال اول و دوم
۳	احسن علوی	سنندج	مستقل	
۴	علی یارمحمدی	زاهدان	مستقل	نایب رئیس اول در سال اول
۵	اقبال محمدیان	رامهرمز	مستقل	
۶	شهرام غراوی	مینودشت	مستقل	
۷	حسین نیازآذری	بابل	مستقل	دبیر دوم در سال اول و دوم
۸	حمید بنایی	گناباد	مستقل	
۹	یوناتن بت کلیا	آشوریان کلدانی	اقلیت دینی	
۱۰	محمدرضا رضایی کوچی	جهرم	اصول‌گرا	رئیس کمیسیون
۱۱	حسین هاشمی تختی نژاد	بندرعباس	اصول‌گرا	
۱۲	محمدرضا ملکشاهی	خرم آباد	اصول‌گرا	
۱۳	قلی الله قلی زاده	کلیبر	اصول‌گرا	نایب رئیس اول در سال دوم

	نام	حوزه انتخابیه	گرایش سیاسی	سمت در کمیسیون
۱۴	حسن خسته بند	بندرانزلی	اصول‌گرا	
۱۵	کمال الدین شهریاری	دشتی و تنگستان	اصول‌گرا	
۱۶	محمد دامادی	ساری	امید	
۱۷	صدیف بدری	اردبیل	امید	سخن‌گو
۱۸	سیدهادی بهادری	ارومیه	امید	نایب رئیس دوم در سال اول
۱۹	محمدمهدی افتخاری	فومن	امید	
۲۰	فرج الله رجبی	شیراز	امید	
۲۱	عبدالکریم حسین زاده	نقده	امید	
۲۲	سیدحسین افضلی	اقلید	امید	
۲۳	سید ابوالفضل موسوی	یزد	امید	

کمیسیون فرهنگی و پایان یافتن ریاست پایداری‌ها بر آن

کمیسیون بی‌مشتری فرهنگی، درحالی با تلاش هیات رئیسه مجلس به حد نصاب رسید که در اکثر نطق‌های نمایندگان، خصوصا نمایندگان اصول‌گرای مجلس، دغدغه‌های فرهنگی، در شمار مهم‌ترین مسایلی است که به آن پرداخته می‌شود ولی در هنگام تعیین کمیسیون تخصصی، کمتر نماینده‌ای برای عضویت در این کمیسیون ابراز علاقه می‌کند، تا در نهایت این کمیسیون با نمایندگان تهران و دیگر کلان شهرهای کشور که نمایندگان‌شان کمتر دغدغه پاسخ‌گویی به موکلانشان را دارند، پر شود. علی لاریجانی رئیس مجلس برای به حدنصاب رسیدن این کمیسیون تصمیم داشت که به کمیسیون فرهنگی بپیوندند ولی پس از به حدنصاب رسیدن تعداد اعضا، از عضویت در کمیسیون فرهنگی انصراف داد و به کمیسیون بی‌مشتری دیگر مجلس، یعنی کمیسیون اصل نود پیوست.

رسیدگی به امور فرهنگی و نظارت بر نهادها و سازمان‌های فرهنگی وظیفه اعضای این کمیسیون است. با عضویت در این کمیسیون، دسترسی نمایندگان به منابع مالی و اقتصادی محدود شده و فرصت جذب سرمایه برای حفظ آراء در حوزه انتخابیه‌شان محدود می‌شود، از این رو نمایندگان شهرهای کوچک عمدتا از ورود به این کمیسیون پرهیز می‌کنند. طبق قانون در هر کمیسیون باید ۲۳ نماینده حضور داشته باشد ولی این کمیسیون با فشار هیات رئیسه با ۱۷ عضو تشکیل شد. ۹ اصول‌گرا و ۸ اصلاح‌طلب، اعضای کمیسیون فرهنگی را تشکیل می‌دهند تا پیش از رای‌گیری روشن باشد که اصول‌گرایان ترکیب هیات رئیسه را از آن خود خواهند کرد.

رهبری کمیسیون

حضور احمد سالک نماینده کهنه‌کار اصفهان و رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس هشتم و

نهم در این کمیسیون، به نظر می‌رسید با تداوم ریاست‌اش همراه باشد ولی نزدیک‌ترین چهره سیاسی مجلس به سالک و هم‌حزبی‌اش حجت السلام پژمانفر، در برابرش قد علم کرد و توانست بر کرسی ریاست کمیسیون تکیه زند. او در حالی با ۹ رای اصول‌گرایان کمیسیون فرهنگی به ریاست رسید که احمد مازنی رقیب اصلاح‌طلب‌اش آراء هر هشت عضو کمیسیون را از آن خود کرده بود تا او تنها با اختلاف یک رای به پیروزی برسد. احمد مازنی برای نایب رئیسی نیز اعلام کاندیداتوری کرد و مشترکا با جعفرپور رقیب اصول‌گرایش، شانس نشستن بر کرسی نایب رئیسی دوم را پیدا کرد ولی در قرعه کشی این کرسی را به جعفرپور واگذار کرد.
ترکیب هیات رئیسه کمیسیون فرهنگی در سال اول دوره دهم به این شرح انتخاب شدند:
رئیس: نصراله پژمانفر
نایب رئیس اول: احمد سالک
نایب رئیس دوم: جعفرپور
دبیر اول: علی ابراهیمی
دبیر دوم: فاطمه ذوالقدر
سخن‌گو: احد آزادیخواه
حجت السلام پژمانفر که بصورت غیرمنتظره در انتخابات سال اول هیات رئیسه کمیسیون فرهنگی، موفق شد احمد سالک را کنار زده و بر کرسی ریاست بنشیند، در سال دوم مجلس تنها رئیس کمیسیونی بود که موفق به حفظ کرسی ریاست نشد. اعضای کمیسیون فرهنگی در سال دوم به ریاست پژمانفر و نایب رئیسی احمد سالک دو عضو پایداری مجلس نه گفتند تا جمشید جعفرپور عضو اصول‌گرا کمیسیون، بر کرسی پژمانفر تکیه زند و اصغر مسعودی عضو فراکسیون امید جای احمد سالک را بگیرد. بنابراین هیات رئیسه کمیسیون فرهنگی در سال دوم به این شکل تشکیل شد:
جمشید جعفرپور، رئیس، نصراله پژمانفر و اصغر مسعودی نایب رئیس اول و دوم و فاطمه ذوالقدر و علی ابراهیمی دبیر اول و دوم و احد آزادیخواه به سخن‌گویی برگزیده شدند.

کمیته‌های فرعی

اعضای کمیسیون فرهنگی رای به تشکیل سه کمیته فرعی دادند تا مطابق قانون آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، نمایندگان بتوانند به صورت تخصصی روی طرح‌ها و لوایح در دست اقدام، کار کنند. کمیته‌های فرعی کمیسیون فرهنگی به این شرح انتخاب شدند:

۱- کمیته فرهنگی، هنری و رسانه
رئیس: احمد مازنی
نایب رئیس: صادق طباطبایی نژاد
دبیر: احد آزادیخواه

۲- کمیته زن، خانواده، تربیت بدنی و جوانان
رئیس: طیبه سیاوشی
نایب رئیس: علیرضا ابراهیمی
دبیر: فاطمه ذوالقدر

۳- کمیته ارشاد، تبلیغات اسلامی و گردشگری

رئیس: احمد سالک
نایب رئیس: جمشید جعفرپور
دبیر: اصغر مسعودی

اعضای کمیسیون و گرایش سیاسی آن‌ها

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	نصراله پژمانفر	مشهد	اصول‌گرایان	رئیس کمیسیون در سال اول
۲	احمد سالک	اصفهان	اصول‌گرایان	نایب رئیس اول کمیسیون در سال اول و رئیس کمیته ارشاد و تبلیغات اسلامی
۳	غلامرضا کاتب	گرمسار	اصول‌گرایان	
۴	احسان قاضی زاده هاشمی	فریمان	اصول‌گرایان	
۵	سید صادق طباطبایی نژاد	اردستان	اصول‌گرایان	نایب رئیس کمیته فرهنگی و رسانه
۶	محمد اسماعیل سعیدی	تبریز	اصول‌گرایان	
۷	جمشید جعفرپور	لارستان	اصول‌گرایان	نایب رئیس دوم کمیسیون در سال اول و رئیس کمیسیون در سال دوم و نایب رئیس کمیته ارشاد و تبلیغات اسلامی
۸	علی رضا ابراهیمی	رامیان و ازادشهر	اصول‌گرایان	دبیر اول کمیسیون و نایب رئیس کمیته زن، تربیت بدنی
۹	احد آزادیخواه	ملایر	اصول‌گرایان	سخن‌گوی کمیسیون و دبیر کمیته فرهنگی و رسانه

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱۰	علی مطهری	تهران	امید	
۱۱	محمد علی وکیلی	تهران	امید	
۱۲	طیبه سیاووشی	تهران	امید	رئیس کمیته زن، خانواده و تربیت بدنی
۱۳	احمد مازنی	تهران	امید	رئیس کمیته فرهنگی و رسانه
۱۴	پروانه سلحشوری	تهران	امید	
۱۵	فاطمه ذوالقدر	تهران	امید	دبیر دوم کمیسیون و دبیر کمیته زن، خانواده و تربیت بدنی
۱۶	مهدی شیخ	تهران	امید	
۱۷	اصغر مسعودی	نیریز و استهبان	امید	نایب رئیس دوم کمیسیون در سال دوم و دبیر کمیته ارشاد و تبلیغات اسلامی

حیطه وظایف کمیسیون

کمیسیون فرهنگی در محدوده فرهنگ و هنر، ارشاد و تبلیغات، صداوسیما و ارتباطات جمعی، تربیت بدنی و جوانان و زنان و خانواده وظایف محوله را انجام می‌دهد. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت ورزش و جوانان و سازمان‌های وابسته، از جمله دستگاه‌های اجرایی تحت نظارت کمیسیون فرهنگی مجلس است. طبق قانون نظارت بر کلیه سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی از جمله وظایف این کمیسیون است ولی از آنجا که بیشتر سازمان‌ها فرهنگی از جمله سازمان صداوسیما زیر نظر نهاد رهبری است، عملا نظارت نمایندگان مجلس در این حوزه با چالش‌هایی جدی روبروست.

کمیسیون حقوقی و ناتوانی در نظارت بر دستگاه قضایی

کمیسیون قضایی و حقوقی آخرین کمیسیون تخصصی مجلس دهم بود که با جذب ۱۳ نماینده تشکیل شد. در میان ۱۳ کمیسیون تخصصی، کمتر نماینده‌ای به عضویت در کمیسیون قضایی علاقه نشان می‌داد تا هیات رئیسه و روسای شعب که مسوولیت تعیین کمیسیون تخصصی منتخبان را برعهده داشتند، افرادی را از دیگر کمیسیون‌ها حذف و آن‌ها را به سوی کمیسیون قضایی هدایت کنند.

۶ نماینده اصلاح‌طلب به همراه یک نماینده مستقل و اعتدال‌گرا به همراه ۵ نماینده اصول‌گرا و یک نماینده از اقلیت‌های دینی، ۱۳ عضو کمیسیونی را تشکیل می‌دهند که وظیفه آن رسیدگی به طرح‌ها و لوایح قضایی و حقوقی است. اصلاح‌طلبان به رغم برتری عددی، ولی در انتخابات هیات رئیسه ترجیح دادند پشت تنها چهره مستقل کمیسیون بایستند تا رهبری کمیسیون به دست اصول‌گرایان نیافتد. براین اساس آن‌ها موفق شدند علاوه بر نشاندن الهیار ملکشاهی به ریاست کمیسیون، سه کرسی دیگر هیات رئیسه را از آن خود کنند. الهیار ملکشاهی در دوره نهم نیز ریاست کمیسیون قضایی را در اختیار داشت.

محمد دهقانی چهره شاخص اصول‌گرایان که در انتخابات هیات رئیسه موقت مجلس نهم موفق شده بود بر کرسی نایب رئیسی مجلس تکیه بزند در کمیسیون قضایی نتوانست جایگاهی در هیات رئیسه پیدا کند. محمد علی پور مختار دیگر چهره شاخص این کمیسیون است که در دوره نهم ریاست کمیسیون اصل نود را در اختیار داشت اما در دوره دهم به تشخیص هیات رئیسه مجلس به کمیسیون قضایی نقل مکان کرد.

در انتخابات سال اول هیات رئیسه کمیسیون حقوقی و قضایی، محمد کاظمی از فراکسیون امید کرسی نایب رئیس اول و یحیی کمالی پور از فراکسیون اصول‌گرایان بر کرسی نایب رئیس

دوم تکیه زدند. حسن نوروزی اصول‌گرا به سخن‌گویی برگزیده شد و دو کرسی دبیر اول و دوم به ترتیب به حسین رضازاده و جلیل رحیمی جهان‌آباد تعلق گرفت. هر دو دبیر کمیسیون عضو فراکسیون امید هستند.
در انتخابات سال دوم هیات رئیسه کمیسیون اگرچه کماکان ریاست به الهیار ملکشاهی از فراکسیون مستقل‌ها رسید ولی موقعیت اعضای فراکسیون امید ارتقاء یافت به‌طوری‌که حسین رضا زاده که در سال اول دبیر هیات رئیسه بود در سال دوم بر کرسی نایب رئیس اول کمیسیون تکیه زد و محمد کاظمی نایب رئیس اول، کرسی نایب رئیس دوم را از آن خود کرد تا یحیی کمالی پور اصول‌گرا که در سال اول نایب رئیس دوم کمیسیون بود جای رضازاده در سمت دبیر اول هیات رئیسه قرار گیرد. در انتخابات سال دوم حسن نوروزی و جلیل رحیمی جهان آباد، سخن‌گو و دبیر دوم هیات رئیسه، کرسی خود را حفظ کردند.
کمیسیون قضایی برای بررسی تخصصی طرح‌ها و لوایح پنج کمیته کاری به این شرح تشکیل داد:

۱- کمیته حقوق خصوصی
رئیس: محمد دهقانی

۲- کمیته حقوق جزا
رئیس: بهمن طاهرخانی

۳- کمیته حقوق عمومی
رئیس: علی بختیار

۴- کمیته حقوق بشر و بین الملل
رئیس: رحیمی جهان آبادی

۵- کمیته ویژه
رئیس: محمد علی پورمختار

حیطه وظایف کمیسیون
مطابق قانون آیین‌نامه داخلی مجلس، کمیسیون قضائی و حقوقی درمحدوده قضائی و حقوقی وظایف محوله را انجام می‌دهد. عملکرد وزارت دادگستری، در ارتباط مستقیم با وظایف و مسوولیت اعضای کمیسیون حقوقی و قضایی است و این می‌تواند دلیل اصلی بی‌علاقگی نمایندگان مجلس به عضویت در کمیسیون قضایی باشد. چراکه وزارت دادگستری از کم اهمیت‌ترین وزارتخانه‌های دولت می‌باشد چراکه دایره اختیارات‌اش بسیار محدود است ضمن این‌که کمیسیون قضایی برخلاف آنچه در قانون آمده، که از کمترین اقتدار برای نظارت بر عملکرد قوه قضاییه و محاکم قضایی برخوردار نیست. چراکه دستگاه قضایی به‌عنوان نهاد زیر نظر رهبر ایران، اجازه نظارت و تحقیق و تفحص را به نمایندگان مجلس نمی‌دهد و کمتر نماینده‌ای به خود اجازه می‌دهد در مسایل دستگاه قضایی ورود کند. مسایل حقوق بشری، دعاوی بین‌المللی، قانون تجارت، مفاسد اقتصادی و ... از جمله مهم‌ترین مسایل جاری کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس است.

اعضای کمیسیون و گرایش سیاسی آن‌ها

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	الهیار ملکشاهی	کوهدشت	مستقل	رئیس کمیسیون
۲	ژرژیک آبرامیان	آرامنه جنوب	اقلیت دینی	
۳	محمد علی پورمختار	نهاوند	اصول‌گرایان	رئیس کمیته ویژه
۴	محمد دهقانی	چناران	اصول‌گرایان	رئیس کمیته حقوق خصوصی
۵	روح الله حضرت پور	ارومیه	اصول‌گرایان	
۶	حسن نوروزی	رباط کریم	اصول‌گرایان	سخن‌گو
۷	یحیی کمالی پور	جیرفت	اصول‌گرایان	نایب رئیس دوم در سال اول و دبیر اول در سال دوم
۸	محمد جواد فتحی	تهران	امید	
۹	حسین رضازاده	کازرون	امید	دبیر اول در سال اول و نایب رئیس اول در سال دوم
۱۰	محمد کاظمی	ملایر	امید	نایب رئیس اول در سال اول و نایب رئیس دوم در سال دوم
۱۱	جلیل رحیمی‌جهان‌آبادی	تربت جام	امید	دبیر دوم رئیس کمیته حقوق بشر
۱۲	علی بختیار	گلپایگان	امید	رئیس کمیته حقوق عمومی
۱۳	بهمن طاهرخانی	تاکستان	امید	رئیس کمیته حقوق جزا

کمیسیون کشاورزی و بی‌تفاوتی نمایندگان در برابر بحران آب

بحران آب و چالش‌های محیط زیستی، به رغم مشغول کردن ذهن بسیاری از شهروندان، هنوز نتوانسته است توجه سیاستمداران و نمایندگان مجلس را به خود جلب کند به‌طوری‌که کمیسیون کشاورزی مجلس، به‌عنوان کمیسیونی که باید به‌صورت تخصصی روی موضوع آب و محیط زیست کار کند تا آخرین روزهای انتخاب کمیسیون نمایندگان راه یافته به مجلس دهم، متقاضی نداشت.

بسیاری از نمایندگان مجلس که با رای کشاورزان و دامداران به مجلس راه یافته بودند عضویت در هر کمیسیونی را به کمیسیون کشاورزی ترجیح می‌دادند تا در نهایت با ورود هیات رئیسه مجلس و از سرریز دیگر کمیسیون‌ها، کمیسیون کشاورزی تشکیل شود. ۲۳ نماینده راه یافته به کمیسیون کشاورزی، زمانی به عضویت این کمیسیون درآمدند که گزینه دیگری پیش رویشان نبود.

از میان ۲۳ نماینده کمیسیون کشاورزی، ۱۲ نماینده با حمایت اصلاح‌طلبان، ۵ نفر با حمایت اصول‌گرایان و ۶ نفر به‌صورت مستقل به مجلس دهم راه یافتند ولی در انتخاب هیات رئیسه کمیسیون، دست برتر را مستقل‌ها داشتند که توانستند شاعری را به ریاست و محمود زاده را به نایب رئیسی کمیسیون برگزینند. خبرگزاری ایلنا درگزارشی با عنوان کمیسیونی که هیچ‌کس آن را دوست نداشت، به بررسی انتخابات هیات رئیسه کمیسیون پرداخته و از حداقل رقابت برای نشستن بر کرسی ریاست این کمیسیون خبر می‌دهد. ایلنا از شمس الله شریعت نژاد و عبداله حاتمیان به‌عنوان کاندیداهای اصلاح‌طلب و احمد علی کیخا و علی محمد شاعری مستقل به عنوان کاندیداهای مطرح ریاست کمیسیون نام می‌برد و می‌نویسد اصول‌گرایان کاندیدایی برای این سمت ندارند. در نهایت اصلاح‌طلبان با وجود در اختیار داشتن ۱۲

کرسی یعنی اکثریت مطلق، رقابت را به مستقل‌ها واگذار می‌کنند و علی محمد شاعری با ۱۰ رای به ریاست و محمود زاده با ۱۵ رای به نایب رئیسی برگزیده می‌شود.
اعضای کمیسیون کشاورزی در سال اول مجلس دهم این افراد را برای عضویت در هیات رئیسه برگزیدند:

رئیس: علی محمد شاعری با ۱۰ رای
نایب رئیس: جلال محمود زاده با ۱۵ رای
نایب رئیس دوم: نظر افضلی با ۱۲ رای
دبیر اول: محمد باقر سعادت
دبیر دوم: علی بختیار
سخن‌گو: علی وقفچی

ترکیب هیات رئیسه کمیسیون در سال دوم اما تغییر اساسی کرد. اعضای فراکسیون امید که در سال اول رقابت را واگذار کرده بودند، در سال دوم با هماهنگی بیشتر کنترل هیات رئیسه را در دست گرفتند. در انتخابات هیات رئیسه کمیسیون در سال دوم این افراد برگزیده شدند:
رئیس: علی اکبری نماینده مردم بجنورد از فراکسیون امید
نایب رئیس اول: رضا کریمی نماینده مردم اردبیل از فراکسیون امید
نایب رئیس دوم: علی بختیاری نماینده مردم گلپایگان از فراکسیون امید
دبیر اول: جلال محمودزاده نماینده مردم مهاباد از فراکسیون مستقل‌ها
دبیر دوم: نظر افضلی نماینده مردم نهبندان و سربیشه از فراکسیون اصول‌گرایان
سخن‌گو: علی‌محمد شاعری نماینده مردم بهشهر و نکا از فراکسیون مستقل‌ها

بدین ترتیب علی محمد شاعری که در سال اول ریاست کمیسیون را در اختیار داشت در سال دوم به سخن‌گویی رسید تا به همراه پژمانفر رئیس سابق کمیسیون فرهنگی، دو رئیسی باشند که کرسی ریاست را در انتخابات هیات رئیسه کمیسیون‌ها در سال دوم از دست دادند.
در اجرای قانون آیین نامه داخلی مجلس، اعضای کمیسیون رای به تشکیل چهار کمیته کاری می‌دهند. کمیته‌های کاری کمیسیون کشاورزی به این شرح تشکیل می‌شوند:

کمیته آب

کمیته محیط زیست

کمیته کشاورزی و دام و طیور

کمیته ساماندهی مدیریت روستایی

محدوده فعالیت کمیسیون

کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی درمحدوده کشاورزی، منابع آب، دام و طیور، شیلات، محیط زیست و هواشناسی وظایف محوله را انجام می‌دهد. وزارت نیرو، وزارت جهاد کشاورزی، سازمان محیط زیست و منابع طبیعی، سازمان هواشناسی، و ... از جمله مهم‌ترین دستگاه‌های دولتی تحت نظارت کمیسیون کشاورزی هستند. بحران آب، چالش‌های محیط زیستی، خشکسالی و خرید و حفاظت از محصولات کشاورزی مهم‌ترین موضوعات مطرح در کمیسیون کشاورزی مجلس است.

اعضای کمیسیون و گرایش سیاسی آن‌ها

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	جواد کاظم نسب	اهواز	امید	
۲	محمد باقر سعادت	دشتستان	امید	دبیر اول کمیسیون
۳	علی اکبری	شیراز	امید	
۴	علی ابراهیمی	شازند	امید	
۵	علی بختیار	گلپایگان	امید	دبیر دوم کمیسیون
۶	علی اکبری	بجنورد	امید	
۷	عبداله حاتمیان	درگز	امید	
۸	رضا کریمی	اردبیل	امید	
۹	حبیب اله نیکزادی پناه	بم	امید	
۱۰	یوسف داودی	سراب	امید	
۱۱	نورمحمد تربتی نژاد	گرگان	امید	
۱۲	محمد صادق حسنی جوریانی	رشت	امید	
۱۳	علی محمد شاعری	بهشهر	مستقل	رئیس کمیسیون

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱۴	رازی نوری	شوش	اصول‌گرا	
۱۵	عبدالغفور ایران نژاد	چابهار	اصول‌گرا	
۱۶	عباس پاپی زاده	دزفول	اصول‌گرا	
۱۷	علی وقفچی	زنجان	اصول‌گرا	سخن‌گو
۱۸	نظر افضلی	بیرجند	اصول‌گرا	نایب رئیس دوم
۱۹	علاالدین خادم	سپیدان	مستقل	
۲۰	شمس اله شریعت نژاد	تنکابن	مستقل	
۲۱	علی محمد مرادی	قروه	مستقل	
۲۲	احمد کیخا	زابل	مستقل	
۲۳	جلال محمودزاده	مهاباد	مستقل	نایب رئیس اول

کمیسیون اصل نود، مرجع رسیدگی به شکایات از قوای سه‌گانه

کمیسیون اصل نود را باید قدرتمندترین کمیسیون مجلس دانست. کمیسیونی که می‌تواند به شکایت علیه قوای سه گانه مجریه، قضاییه و مقننه رسیدگی کند و گزارش‌های آن باید خارج از نوبت توسط قوه قضاییه رسیدگی شود. اما این کمیسیون که هم به لحاظ دامنه فعالیت و هم به لحاظ ساختار با بقیه کمیسیون‌های مجلس تفاوت ماهوی و قدرتی ویژه دارد کمترین محبوبیت را در میان نمایندگان مجلس دارد. چرا کمتر نماینده‌ای علاقمند به عضویت در کمیسیون اصل نود است؟

پاسخ این پرسش را می‌توان در این دو عامل دانست:

۱- قوه قضاییه اعتنایی به گزارش‌های کمیسیون اصل نود نمی‌کند.

۲- اعضای ثابت کمیسیون اصل نود به دلیل درگیر شدن با انبوه شکایات واصله، از روند رسیدگی به طرح‌ها و لوایح باز می‌مانند.

۳- اعضای ثابت کمیسیون فرصت رسیدگی به امور منطقه‌ای و محلی پیدا نکرده و ارتباط مستقیم‌شان با وزارت‌خانه‌های تاثیرگذار قطع می‌شود.

از این رو انتخاب هشت عضو ثابت کمیسیون، در آغاز کار مجلس دهم، به چالشی جدی برای هیات رئیسه مجلس و روسای شعب تعیین‌کننده کمیسیون تخصصی نمایندگان تبدیل شده بود به‌طوری‌که علی لاریجانی رئیس مجلس که به کمیسیون فرهنگی پیوسته بود مجبور شد برای به حد نصاب رسیدن عدد کمیسیون اصل نود به این کمیسیون بپیوندند ولی باز صندلی نفر هشتم خالی ماند و کسی علاقه‌ای به عضویت در این کمیسیون نشان نداد.

تعیین ریاست کمیسیون

برخلاف دیگر کمیسیون‌های تخصصی مجلس که انتخاب ریاست آن بر عهده اعضای کمیسیون است. انتخاب ریاست کمیسیون اصل نود در صحن علنی مجلس و با رای کل نمایندگان مجلس به کاندیداهای معرفی شده از سوی هیات رئیسه مجلس انتخاب می‌شود. هیات رئیسه پس از بررسی کاندیداهای ریاست کمیسیون اصل نود، داود محمدی نماینده قزوین و فرهاد تجری نماینده گیلانغرب را برای نشستن بر کرسی ریاست کمیسیون کاندیدا کرد. اکثریت نمایندگان مجلس داود محمدی مستقل و حامی دولت روحانی را به فرهاد تجری اصول‌گرا ترجیح دادند.

سوابق دو کاندیدای ریاست کمیسیون اصل نود به این شرح است:

نام کاندیدا	حوزه انتخابیه	سوابق اجرایی
داوود محمدی	قزوین	فوق‌لیسانس حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی تهران دارد. او نماینده اصول‌گرای دوره‌های نهم و دهم مجلس است. او در دوره پیشین، نایب رئیس اول کمیسیون اصل ۹۰ بود. او تاکنون مدیر کل بازرسی استان زنجان، معاون اجرایی ستاد احیا و امر به معروف و نهی از منکر استان زنجان، رئیس دادگاه تجدید نظر و معاونت دادگستری استان زنجان، دبیر شورای عالی حفظ حقوق بیت المال و دبیر شورای قضایی استان زنجان، مشاور عالی تربیت بدنی استان قزوین، رئیس شورای دستگاه‌های نظارتی استان زنجان، رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) استان زنجان، مسئول پیگیری و رابط اداره کل بازرسی استان تهران و استان‌های قزوین و زنجان و رییس دادگاه‌های عمومی آوج و بوئین زهرا بوده است.
فرهاد تجری	قصرشیرین، گیلانغرب، سرپل ذهاب، گواور، سومار، نفت‌شهر و خسروی	فوق‌لیسانس جزا و جرم‌شناسی دارد. او در دوره هشتم نیز نماینده مجلس و البته نایب رئیس اول کمیسیون حقوقی و قضایی بود. در کارنامه او دادیاری دادسرای نظامی ناحیه سقز و بانه، قاضی تحقیق دادسرای عمومی، دادرس و رئیس شعبه دادگاه عمومی کرمانشاه، رئیس دادگستری قصرشیرین، مستشاری محاکم تجدید نظر استان کرمانشاه، معاونت دادگاه‌های عمومی و انقلاب کرمانشاه، و بارزس کل امور نظامی، امنیتی و نهادهای سازمان بازرسی کل کشور به چشم می‌خورد.

به این ترتیب داود محمدی نماینده قزوین با کسب ۱۵۲ رای در برابر فرهاد تجری که ۷۰ رای کسب کرده بود، موفق شد ریاست کمیسیون اصل نود را از آن خود کند. تا دوازدهمین رئیس کمیسیون اصل نود و دومین رئیس غیر معمم این کمیسیون باشد. به جز پورمختار رئیس این کمیسیون در مجلس نهم که غیر روحانی بود، هر ده رئیس پیشین این کمیسیون از مجلس اول تا هشتم، همگی روحانی بودند. تاکنون هیچ زنی به ریاست کمیسیون اصل نود نرسیده است. داود محمدی در انتخابات سال دوم مجلس دهم نیز موفق شد با مجموع ۱۲۸ رای از مجموع ۱۹۵ نمایندگان مجلس کرسی خود را حفظ کند. فرهادی تجری همچون سال گذشته تنها رقیب داود محمدی بود.
روسای کمیسیون اصل نود از مجلس اول تا دهم به این شرح بوده‌اند:

	دوره	رئیس کمیسیون	سال	حوزه انتخابیه
۱	اول	محمد صادق حائری شیرازی	سال اول و دوم	شیراز
۲	اول	محمد موسوی خوئینی ها	سال سوم و چهارم	تهران
۳	دوم	مرتضی فهیم کرمانی	سال اول تا چهارم	کرمان
۴	سوم	سید حسین موسوی تبریزی	سال اول	تبریز
۵	سوم	فخرالدین موسوی ننه کران	سال دوم تا چهارم	اردبیل
۶	چهارم	محمد علی شرعی	سال اول تا چهارم	قم
۷	پنجم	هاشم هاشم زاده هریسی	سال اول و چهارم	تبریز
۸	پنجم هفتم هشتم	محمد رضا فاکر	سال دوم و سوم سال اول تا چهارم سال اول و دوم	مشهد
۹	ششم	حسین انصاری راد	سال اول تا چهارم	نیشابور
۱۰	هشتم	محمد ابراهیم نکونام	سال سوم و چهارم	گلپایگان

دوره	رئیس کمیسیون	سال	حوزه انتخابیه
۱۱ نهم	محمد علی پورمختار	سال اول تا چهارم	نهاوند
۱۲ دهم	داود محمدی	سال اول	قزوین

با انتخاب داود محمدی به ریاست کمیسیون برای دومین سال مجلس دهم، اعضای کمیسیون فرهاد تجری و امیرحسن خانی را به‌عنوان نواب رئیس، ولی داداشی را به‌عنوان سخن‌گو و بهرام پارسایی را به‌عنوان دبیر کمیسیون برگزیدند. در سال اول، سخن‌گویی کمیسیون برعهده بهرام پارسایی بود.

کمیته‌های کاری:

اعضای کمیسیون اصل نود قانون اساسی روز سه‌شنبه ۲۲ تیرماه نشستی با دستور کار بحث پیرامون اولویت‌های کاری کمیسیون و تعیین کمیته‌ها و کارگروه‌ها تشکیل دادند که بر اساس آن کمیته‌های پنج گانه بشرح ذیل به تصویب رسید:

۱.کمیته فرهنگی و اجتماعی
۲.کمیته اقتصادی، فنی و عمرانی
۳.کمیته سیاسی و نظامی
۴.کمیته قضایی
۵.کمیته مجلس و امور ویژه

اعضای کمیسیون و گرایش سیاسی آن‌ها

الف: اعضای ثابت

	نام	حوزه انتخابیه	فراکسیون	سمت در کمیسیون
۱	داود محمدی	قزوین	مستقل	رئیس کمیسیون
۲	ولی داداشی	آستارا	مستقل	دبیر کمیسیون
۳	فردین فرمند	میانه	مستقل	
۴	محمد رضا امیر حسنخانی	طبس	اصول‌گرا	نایب رئیس دوم
۵	علی لاریجانی	قم	اصول‌گرا	
۶	فرهاد تجری	گیلانغرب	اصول‌گرا	نایب رئیس اول
۷	بهرام پارسایی	شیراز	امید	دبیر و سخن‌گو

کمیسیون‌های تخصصی مجلس

ب: اعضای متغیر (نمایندگان دیگر کمیسیون‌های تخصصی مجلس در کمیسیون اصل نود)

	نام	نماینده کمیسیون	حوزه انتخابیه	فراکسیون
۱	سیدمحمدجواد ابطحی	آموزش و تحقیقات	خمینی شهر	اصول‌گرایان
۲	محمدمهدی افتخاری	عمران	فومن و شفت	امید
۳	محمود بهمنی	اقتصادی	ساوجبلاغ و طالقان	اصول‌گرایان
۴	اکبر ترکی	بهداشت و درمان	فریدن، چادگان	اصول‌گرایان
۵	روح الله حضرت پور طلائیه	قضایی و حقوقی	ارومیه	امید
۶	مجتبی ذوالنوری	امنیت ملی	قم	اصول‌گرایان
۷	محمداسماعیل سعیدی	فرهنگی	تبریز	اصول‌گرایان
۸	رضا شیران خراسانی	اجتماعی	مشهد	اصول‌گرایان
۹	علی محمد مرادی	کشاورزی	قروه و دهگلان	مستقل
۱۰	محمدرضا منصوری	صنایع و معادن	ساوه و زرندیه	امید
۱۱	قاسم میرزایی نیکو	شوراها و امور داخلی	دماوند و فیروزکوه	امید
۱۲	مجید ناصری نژاد	انرژی	شادگان	اصول‌گرایان
۱۳	عزت الله یوسفیان ملا	برنامه و بودجه	آمل	مستقل

دامنه فعالیت:

کمیسیون اصل نود مجلس در اجرای اصل نود قانون اساسی تشکیل شده است. این اصل می‌گوید« هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتبا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آن‌ها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند».

پرونده‌های مربوط به زمین خواری، تخلفات دولتی، فساد اقتصادی و قضایی مهم‌ترین موضوعات مطرح در کمیسیون اصل نود است. این کمیسیون پای ثابت هیات نظارت بر انتخابات شوراها است و چهار کاندیدا را برای عضویت در این هیات معرفی کرده که مجلس از میان آن‌ها دو نفر را به عضویت هیات بر خواهد گزید.

فصل سوم

فراکسیون‌های سیاسی

میانه‌روهای مجلس دهم یا به‌عبارتی طرفدارن لاریجانی، که در روزهای آغازین مجلس، در کنار اصول‌گرایان، زیر یک چتر ایستاده بودند تا لاریجانی را بر کرسی ریاست مجلس بنشانند، بالاخره پس از ماه‌ها بحث و تبادل نظر، ضلع سوم مجلس دهم را با نام «مستقلین ولایی» رقم زدند تا مجلس شورای اسلامی، پس از سال‌ها، از حالت دو قطبی خارج و شکل مثلثی یابد. آخرین دوره‌ای که مجلس به معنای واقعی سه ضلعی بود و سه فراکسیون نسبتا قوی در آن حضور داشت به مجلس پنجم باز می‌گشت، دوره‌ای که فراکسیون مستقلان آن به رهبری طه هاشمی و محمد باقر نوبخت، در میانه میدان، به هر طرف که سمت و سو می‌یافتند، وزن آن سو را سنگین‌تر می‌کردند، تا سرنوشت تصمیمات مجلس به ائتلاف مستقل‌ها با اصول‌گرایان یا اصلاح‌طلبان که آن روزها نام راست و چپ داشتند، گره خورد. حالا پس از پنج دوره، مجلس دهم نیز سه فراکسیون تعیین‌کننده دارد: اصول‌گرایان (ولایت)، اصلاح‌طلبان (امید)، مستقلین ولایی (اعتدالیون).

فراکسیون مستقلین ولایی چگونه شکل گرفت؟

با روی کار آمدن دولت روحانی، در اواسط دوره نهم مجلس، چهره‌های نزدیک به دولت (اعم از اعتدال‌گرا و اصلاح‌طلب) که به توصیه علی لاریجانی در کنار اصول‌گرایان میانه‌رو، زیر چتر فراکسیون رهروان ولایت، فراکسیون اکثریت مجلس نهم را تشکیل داده بودند، نیاز مجلس به داشتن فراکسیون اعتدال را حس کردند. اما تلاش آن‌ها به رهبری علی مطهری و علی سبحانی فر، با دخالت علی لاریجانی نافرجام ماند تا آن‌ها با بقا در فراکسیون رهروان ولایت، انسجام فراکسیونی مجلس را حفظ کنند. اما با شکل‌گیری مجلس دهم و افزایش چشمگیر نمایندگان نزدیک به دولت با مشی اعتدالی، نگه داشتن آن‌ها و اصول‌گرایان زیر یک چتر یا ائتلاف آن‌ها با اصلاح‌طلبان، نه ممکن بود و نه مفید، چراکه اختلاف نظر میان آن‌ها مشهود و تعیین مرز مشخص میان این سه نحله فکری مجلس، می‌توانست و می‌تواند به تعمیق بحث‌ها و مناظره‌های پارلمانی و تقویت بنیه فکری طرح‌ها و لوایح و ارتقاء بعد نظارتی مجلس، منجر شود. از این رو، اعتدال‌گرایان مجلس سرانجام تصمیم گرفتند با انشعاب از دو فراکسیون امید و ولایت، تحت عنوان فراکسیون «مستقلین ولایی» سازمان یابند اما نه تحت رهبری علی مطهری که به فراکسیون امید پیوسته است، بلکه با مدیریت کاظم جلالی رئیس فراکسیون رهروان ولایت، که با لیست ائتلاف امید به مجلس دهم راه یافت

.

رهبری فراکسیون مستقلین ولایی

انتخاب کاظم جلالی نماینده تهران به ریاست فراکسیون مستقلین ولایی یک پیام بیشتر

ندارد: فراکسیون مستقلین ولایی را علی لاریجانی رهبری خواهد کرد!
کاظم جلالی که از دوره ششم مجلس، یک کرسی ثابت در مجلس داشته، با ورود علی لاریجانی به مجلس هشتم، تمام قد کنار او ایستاد و به دست راست لاریجانی مشهور شد. او در مجلس نهم به پیشنهاد لاریجانی ریاست فراکسیون رهروان ولایت را عهده‌دار شد و با حکم او ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس را از آن خود کرد. سمتی که در مجلس دهم نیز تمدید شد. کاظم جلالی در جریان انتخابات مجلس دهم، از کاندیداتوری صرف‌نظر کرده بود و رسما اعلام کرد برای مجلس دهم ثبت‌نام نمی‌کند ولی در دقیقه نود با توصیه علی لاریجانی از حوزه انتخابیه تهران ثبت‌نام کرد و با حمایت او وارد لیست ائتلاف امید شد، لیستی که پیروزی‌اش پیش‌بینی می‌شد و توانست در تهران صدرصد کرسی‌ها را از آن خود کند.
اعضای فراکسیون مستقلین ولایی، در جلسه روز دهم اسفند سال ۹۵، جعفرزاده ایمن آبادی نماینده رشت را به نایب رئیسی اول و فرشادان را به نایب رئیسی دوم برگزیدند. آن‌ها هم‌چنین عبدالرضا عزیزی و سمیه محمودی را به عنوان دو دبیر و بت کلیا، محسن علوی و رسول خضری را به‌عنوان کارپردازان فراکسیون و مهرداد بائوج لاهوتی نماینده لنگرود را به سخن‌گویی برگزیدند.
اعضای شورای مرکزی نیز در این جلسه، به این شرح انتخاب شدند: نعمتی، حسن پور، باستانی، کاتب، بابایی صالح، یوسفیان ملا، بدری، میرزاده، سلام امینی، محمد حسینی، داداشی(نماینده آستارا)، احمدی لاشکی، شریف پور، کشت زر، حضرت پور، نوریان، اسماعیلی، بیگلری، جمالی نوبندگانی و نانواکناری.
فراکسیون مستقلین ولایی برای انجام وظایف محوله، کمیته‌های کاری را به این شرح تشکیل و روسای آن‌ها را برگزیدند:

۱- کمیته سیاسی: طاهرخانی

۲- کمیته فرهنگی: افتخاری

۳- کمیته حقوقی: رضیان

۴- کمیته اجتماعی: گلمرادی

۵- کمیته اقتصادی: آقاپور

به گفته جعفرزاده ایمن آبادی، نایب رئیس فراکسیون، براساس اساس‌نامه این فراکسیون، اعضای فراکسیون حق حضور در جلسات دیگر فراکسیون‌های مجلس را ندارند. او گفته فراکسیون مستقل‌ها ۸۰ عضو دارد ولی هنوز اسامی اعضای فراکسیون به‌صورت رسمی اعلام نشده است. آنچه روشن است اینکه بیشتر اعضای این فراکسیون منشعبین فراکسیون اصول‌گرایان هستند و کمتر نماینده‌ای از فراکسیون امید به این فراکسیون پیوسته است، هرچند بیشتر اعضای فراکسیون مستقلین ولایی، در جریان انتخابات با حمایت ائتلاف امید، به مجلس راه یافته‌اند.

لاریجانی در نقش هاشمی رفسنجانی

بعد از هاشمی رفسنجانی، که در نقش رئیس مجلس اول تا سوم، می‌کوشید در قامت

سیاستمداری میانه‌رو، نقش محوری همه جریان‌های سیاسی درون مجلس را ایفا کند، هیچ‌کدام از روسای بعدی مجلس، از این حیث به‌اندازه لاریجانی به او نزدیک نبوده‌اند. اکبر ناطق نوری، رئیس مجلس چهارم و پنجم، رهبر فراکسیون جناح راست مجلس بود، مهدی کروبی رئیس مجلس سوم (سال سوم و چهارم) و ششم، رهبر جناح چپ مجلس بود و غلامعلی حدادعادل، رئیس مجلس هفتم، ریاست فراکسیون اصول‌گرایان را عهده‌دار بود، به‌عبارت دیگر می‌توان گفت هر سه رئیس مجلس که بعد از هاشمی روی کار آمدند، رهبری یک خط فکری مجلس را عهده‌دار بودند، ولی علی لاریجانی از زمان ورود به مجلس و تکیه بر کرسی ریاست مجلس هشتم تا امروز، به رغم گرایش اصول‌گرایانه، ولی هیچ‌گاه نخواسته است در قامت رئیس فراکسیون اصول‌گرایان عمل کند. او در مجلس هشتم ریاست فراکسیون اصول‌گرایان که اکثریت را در اختیار داشت، به رقیب خود حداد عادل واگذار کرد و کوشید میانه‌روها را در مجلس سامان دهد و با چنین سیاستی، توانست در مجلس نهم، ضمن حفظ کرسی ریاست، فراکسیون رهروان ولایت را با اکثریتی از نمایندگان وقت مجلس، مرکب از اصول‌گرایان میانه‌رو، اصلاح‌طلبان و اعتدالیون شکل دهد. لاریجانی در مجلس دهم نیز در روزهای آغازین، که برای کسب کرسی ریاست مجلس به آراء اصول‌گرایان نیاز داشت، اجازه نداد طرفداران‌اش، مستقل از اصول‌گرایان که مستعد ملحق شدن به سبد رای او بودند، فراکسیون اعتدال‌گرایان را تشکیل دهند. اما با گذشت چند ماه از شکل‌گیری مجلس و تثبیت شدن ریاست‌اش بر مجلس دهم، خط سوم، مجلس را مطابق سلیقه‌اش سازمان داد و با سپردن مدیریت آن به کاظم جلالی، نفوذ خود را بر هر سر جریان سیاسی مجلس، حفظ کرد هرچند رابطه‌اش با اصول‌گرایان کم‌رنگ‌تر باشد. لاریجانی می‌گوید: دوست دارد رئیس شورای عالی فراکسیون‌های مجلس باشد هرچند در عمل چنین شورایی شکل نگیرد. بنابراین او را می‌توان پدر معنوی چهره‌های مستقل، معتدل و میانه‌رو مجلس و دنباله‌رو مدل مدیریتی اکبر هاشمی رفسنجانی دانست. مدلی که در دولت نیز توسط حسن روحانی دنبال می‌شود.

گرایش نسبی مستقلین ولایی به امید

برخلاف تبلیغ و ادعای اصول‌گرایان، فراکسیون مستقلین ولایی بیشتر به فراکسیون امید گرایش دارد. ائتلاف این دو فراکسیون، در مسایل حساس، احتمال شکل‌یابی بیشتری، نسبت به ائتلاف آن‌ها با فراکسیون ولایت دارد. چراکه گرایش فکری اعضای فراکسیون مستقلین ولایی به فراکسیون امید بسیار نزدیک‌تر از گرایش فکری آن‌ها به اعضای فراکسیون اصول‌گرایان (ولایت) است. هر دو فراکسیون مستقلین ولایی و امید، از حامیان دولت روحانی، در مجلس به شمار می‌روند. حمایت هر دو فراکسیون امید و مستقلین ولایی از طرح ترمیم کابینه حسن روحانی، و اشتراک نظر آن‌ها در مخالفت با طرح استیضاح آخوندی وزیر راه و شهرسازی، نمونه‌هایی از هم‌سویی این دو فراکسیون در تصمیمات مهم است. ائتلاف دو فراکسیون مستقلین و امید سبب شد که هر سه وزیر پیشنهادی روحانی بتوانند از مجلس دهم رای اعتماد بگیرند. این ائتلاف هم‌چنین توانست در مقابله با فراکسیون اصول‌گرایان، مانع از موفقیت استیضاح‌کنندگان وزیر راه شود.

فراکسیون اصول‌گرایان و چالش پذیرش پایان سلطه بر مجلس

زنگ پایانی مجلس نهم، یک پیام سیاسی ویژه با خود داشت و آن پایان سیطره ۱۲ ساله اصول‌گرایان بر مجلس ایران بود. مجلس دهم، برخلاف سه مجلس هفتم، هشتم و نهم که یکدست در اختیار اصول‌گرایان بود، مجلسی متکثر و متوازن است، اما اصول‌گرایان راه یافته به این مجلس، در آغاز می‌کوشیدند، نشان دهند، تغییر ماهوی، در ترکیب مجلس دهم رخ نداده و اصول‌گرایان کماکان اکثریت مطلق را در دست دارند. ابراز تمایل تاکتیکی علی لاریجانی و حامیان‌اش به نزدیکی با اصول‌گرایان نیز، بر این توهم دامن زده بود، چراکه آن‌ها با تشکیل فراکسیون فراگیر، کوشیدند وانمود کنند که مجلس دهم کماکان زیر چتر اصول‌گرایان است، غافل از اینکه تیم حامیان لاریجانی که در انتخابات با امیدی‌ها ائتلاف کرده بودند، در روز تشکیل مجلس، تاکتیکی و با هدف تثبیت ریاست علی لاریجانی بر مجلس دهم، به ائتلاف فراگیر پیوسته‌اند.

تا پیش از برگزاری انتخابات هیات رئیسه، فراکسیون اصول‌گرایان با ۱۴۰ عضو تشکیل جلسه می‌داد و امید آن‌ها این بود که با برگزاری مرحله دوم انتخابات، عدد فراکسیون به ۱۷۰ کرسی برسد. اما با برگزاری انتخابات هیات رئیسه و پایان عمر ائتلاف تاکتیکی تیم علی لاریجانی با اصول‌گرایان، ریزش فراکسیون اصول‌گرایان آغاز شد، ضمن این‌که در مرحله دوم انتخابات نیز ائتلاف امید برنده قاطع انتخابات بود و تعداد اندکی اصول‌گرا در این مرحله به مجلس راه یافتند. در چنین فضایی، جعفرزاده ایمن آبادی نماینده مستقل مجلس دهم، عدد واقعی اعضای فراکسیون اصول‌گرایان را ۷۰ نفر اعلام کرد و گفت: «در جایی شنیدم که

یکی از دوستان اصول‌گرا مدعی شده‌بود که اصول‌گرایان مجلس بیش از ۱۷۰ نفر هستند و به نظرم رسید که احتمالاً عدد یک به ابتدای عددی که مورد اشاره بوده، اضافه شده و عملاً صد نماینده به این نمایندگان اضافه شده است. با این حساب، فکر می‌کنم تعداد واقعی اصول‌گرایان در مجلس دهم حدود ۷۰ نفر باشد.» به این ترتیب، اصول‌گرایانی که به امید تشکیل فراکسیون فراگیر و حفظ سلطه ۱۲ ساله بر پارلمان ایران وارد مجلس دهم شده بودند، قید فراکسیون فراگیر را زدند و با نام اصول‌گرایان فراکسیون خود را با حدود ۱۰۰ عضو تشکیل دادند هرچند وب‌سایت اصول‌گرایان اسامی ۱۲۳ نماینده را به عنوان نمایندگان اصول‌گرای مجلس دهم منتشر کرده است حال آن‌که تعدادی از آن‌ها به فراکسیون رهروان ولایت (حامیان علی لاریجانی یا فراکسیون مستقل‌ها) پیوسته‌اند.

رهبری فراکسیون اصول‌گرایان

اصول‌گرایان مجلس دهم، اگرچه با ائتلاف با نیروهای میانه‌رو و اعتدال‌گرا، توانستند ریاست علی لاریجانی را در مجلس تثبیت کنند، ولی نمی‌توانند روی او به عنوان رهبر جریان اصول‌گرا حساب کنند، چراکه تضاد فکری شدیدی بین لاریجانی و نیروهای تندروی اصول‌گرا که بیشتر به طیف پایداری تعلق دارند وجود دارد. ضمن اینکه لاریجانی نیز شخصا ترجیح می‌دهد خود را لیدری اعتدال‌گرا از جنس حسن روحانی معرفی کند تا عنصری اصول گرا. از این رو آن‌ها در انتخاب رئیس فراکسیون بیشتر به نیروهایی هم‌چون احمد سالک رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس نهم و حمید رضا حاجی بابایی روی خواهند آورد، هرچند هنوز با گذشت سه ماه از مجلس دهم، نتوانسته‌اند رئیس و شورای مرکزی فراکسیون را انتخاب کنند. احمد سالک در این خصوص می‌گوید: «در این مورد-انتخاب رئیس فراکسیون- تاکنون تصمیم‌گیری نشده است که قطعا گزینه مورد نظر اعضا پس از آغاز به کار مجلس دهم اعلام خواهد شد. بنده و آقای حاجی بابایی از جمله گزینه‌های مطرح برای ریاست فراکسیون اصول‌گرایان در مجلس دهم هستیم که البته باید تصمیمات در این رابطه در فراکسیون اتخاذ شود.»

فراکسیون اصول‌گرایان برای رهبری، پیش از تشکیل مجلس دهم، کمیته‌ای هفت نفره را تشکیل داد که به نظر می‌رسد هنوز این کمیته فعال است و فراکسیون به طور رسمی شورای مرکزی خود را انتخاب نکرده است. کمیته هفته نفره به این شرح است: احمد سالک، احمد امیرآبادی، حمید رضا حاجی بابایی، عبدالرضا مصری، امیرحسین قاضی زاده، مهدی زاهدی و سید حسین نقوی که سمت سخن‌گویی کمیته را نیز در اختیار دارد. با تشکیل مجلس دهم کمیته تصمیم گرفت سه عضو جدید به کمیته اضافه کند لذا محسن کوهکن، محمد دهقان و محمد رضا باهنر نیز به کمیته اضافه شدند هرچند نفر آخر یعنی محمد رضا باهنر نماینده مجلس نیست و از بیرون مجلس به کمیته اضافه شده است. او از پرسابقه‌ترین نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی است.

با این اوصاف اگرچه کمیته هفت نفره تشکیل فراکسیون اصول‌گرایان را اعلام کرده ولی هنوز رسمیت پیدا نکرده است چرا که طیفی از اصول‌گرایان هم‌چون علی لاریجانی ترجیح می‌دهند فراکسیونی شبیه فراکسیون رهروان ولایت مجلس نهم که از اصلاح‌طلب تا اصول‌گرا در آن عضو بود را تشکیل دهند ولی طیف تندروتر اصول‌گرا قائل به مرزبندی با نیروهای غیر اصول‌گراست. از این رو تردیدی نیست که مجلس دهم سه فراکسیونی خواهد بود و تا زمان رسمی تشکیل فراکسیون سوم، عدد واقعی و رهبری فراکسیون اصول‌گرایان

روشن نخواهد بود. وب‌سایت اصول‌گرایان نام ۱۲۳ نماینده را به عنوان نمایندگان اصول‌گرا معرفی کرده، هرچند برخی از این افراد همچون حشمت الله فلاحت پیشه رسما اعلام کرده که اصول‌گرا نیست.

اسامی نمایندگان اصول‌گرای مجلس دهم

استان آذربایجان شرقی

۱- رضا علیزاده نماینده ورزقان
۲- احمد علیرضا بیگی نماینده تبریز
۳- محمد حسین فرهنگی نماینده تبریز
۴- محمد اسماعیل سعیدی نماینده تبریز
۵- ضیاءاله اعزازی نماینده بناب
۶- محمد حسن نژاد نماینده مرند و جلفا
۷- یعقوب شیویاری نماینده میانه
۸- قلی قلی زاده نماینده کلیبر و هوراند

استان آذربایجان غربی

۹- نادر قاضی پور نماینده ارومیه
۱۰- روح الله حضرت پور نماینده ارومیه
۱۱- سید مرتضی کبیری نماینده خوی
۱۲- جهانبخش محبی نیا نماینده میاندوآب

استان اردبیل

۱۳- صدیف بدری نماینده اردبیل

استان ایلام

۱۴- شادمهر کاظم زاده نماینده‌ایلام

استان اصفهان

۱۵- حمید رضا فولادگر نماینده اصفهان
۱۶- احمد سالک نماینده اصفهان
۱۷- جواد ساداتی نژاد نماینده کاشان
۱۸- مرتضی صفاری نماینده قمصر و نطنز
۱۹- حسین علی حاجی دلیگانی نماینده شاهین شهر
۲۰- ابوالفضل ابوترابی نماینده نجف آباد
۲۱- سید صادق طباطبایی نماینده اردستان
۲۲- سید ناصر موسوی کارگانی نماینده فلاورجان
۲۳- اکبر ترکی نماینده چادگان
۲۴- محسن کوهکن نماینده لنجان

۲۵- اصغر سلیمی نماینده سمیرم
۲۶- محمد جواد ابطحی نماینده خمینی شهر

استان البرز
۲۷- عزیز اکبریان نماینده کرج
۲۸- محمد جواد کولیوند نماینده کرج
۲۹- محمود بهمنی نماینده رباط کریم

استان بوشهر
۳۰- کمال الدین شهریاری نماینده دشتی و تنگستان

استان تهران
۳۱- حسن نوروزی نماینده رباط کریم
۳۲- حسین نقوی حسینی نماینده ورامین

استان خراسان جنوبی
۳۳- محمد باقر عبادی نماینده بیرجند
۳۴- فرهاد فلاحتی نماینده قائنات
۳۵- نظر افضلی نماینده نهبندان
۳۶- محمد رضا امیرحسنخانی نماینده فردوس و طبس

استان خراسان رضوی
۳۷- محمد دهقانی نقندر نماینده چناران و طرقبه
۳۸- امیرحسین قاضی زاده نماینده مشهد
۳۹- حسین حسین زاده بحرینی نماینده مشهد
۴۰- نصرالله پژمانفر نماینده مشهد
۴۱- جواد کریمی قدوسی نماینده مشهد
۴۲- رضا شیران خراسانی نماینده مشهد
۴۳- هاجر چنارانی نماینده نیشابور
۴۴- احسان قاضی زاده هاشمی نماینده نریمان
۴۵- حسین مقصودی نماینده سبزوار

استان خراسان شمالی
۴۶- علیرضا عزیزی نماینده شیروان
۴۷- هادی قوامی نماینده اسفراین

استان خوزستان
۴۸- رازی نوری نماینده شوش
۴۹- فریدون حسنوند نماینده اندیمشک

۵۰- سهراب گیلانی نماینده شوشتر
۵۱- علی عسگر ظاهری عبدوند نماینده مسجد سلیمان
۵۲- عباسی پاپی زاده نماینده دزفول
۵۳- اقبال محمدیان نماینده رامهرمز
۵۴- عبدالله سامری نماینده خرمشهر
۵۵- مجید ناصری نژاد نماینده شادگان
۵۶- قاسم ساعدی نماینده دشت آزادگان
۵۷- عامر کعبی نماینده آبادان
۵۸- غلامرضا شرفی نماینده آبادان
۵۹- هدایت الله خادمی نماینده‌ایذه
۶۰- حبیب الله کشت زر نماینده بهبهان

استان زنجان
۶۱- فریدون احمدی نماینده زنجان
۶۲- علی وقفچی نماینده زنجان
۶۳- محمد عزیزی نماینده ابهر
استان سمنان
۶۴- حسن حسینی نماینده شاهرود
۶۵- ابوالفضل حسن بیگی نماینده دامغان
۶۶- غلامرضا کاتب نماینده گرمسار

استان سیستان و بلوچستان
۶۷- حسینعلی شهریاری نماینده زاهدان
۶۸- علی کرد نماینده خاش
۶۹- حبیب الله دهمرده نماینده زابل
۷۰- عبدالغفور ایران نژاد نماینده چابهار

استان فارس
۷۱- داریوش اسمعیلی نماینده خرامه و سروستان
۷۲- محمد مهدی برومندی نماینده پاسارگاد
۷۳- جمشید جعفرپور نماینده لارستان
۷۴- محمد رضا رضایی کوچی نماینده جهرم
۷۵- محمد جواد جمالی نماینده فسا

استان قزوین
۷۶- داود محمدی نماینده قزوین

استان قم
۷۷- مجتبی ذوالنور نماینده قم

۷۸- علی لاریجانی نماینده قم
۷۹- احمد امیرآبادی نماینده قم

استان کرمان
۸۰- محمد رضا پورابراهیمی نماینده کرمان
۸۱- محمد مهدی زاهدی نماینده کرمان
۸۲- نماینده جیرفت
۸۳- نماینده سیرجان

استان کرمانشاه
۸۴- حشمت اله فلاحت پیشه نماینده اسلام آباد
۸۵- حسن سلیمانی نماینده کنگاور
۸۶- جواد حسینی کیا نماینده سنقر
۸۷- فرهاد تجری نماینده قصرشیرین
۸۸- شهاب نادری نماینده پاوه
۸۹- عبدالرضا مصری نماینده کرمانشاه
۹۰- قاسم جاسمی نماینده کرمانشاه

استان گلستان
۹۱- علیرضا ابراهیمی نماینده رامیان

استان گیلان
۹۲- محمود شکری نماینده تالش
۹۳- ذبیح الله نیکفر نماینده لاهیجان
۹۴- کاظم دلخوش نماینده صومعه سرا
۹۵- حسن خسته بند نماینده بندرانزلی
۹۶- اسدالله عباسی نماینده رودسر
۹۷- محمد حسین قربانی نماینده آستانه اشرفیه
۹۸- جبار کوچکی نژاد نماینده رشت

استان لرستان
۹۹- محمد رضا ملکشاهی راد نماینده خرم آباد
۱۰۰- علی رستمیان نماینده سلسله و دلفان
۱۰۱- محمد خدابخشی نماینده الیگودرز
۱۰۲- حمید کاظمی نماینده پلدختر
۱۰۳- علاءالدین بروجردی نماینده بروجرد
۱۰۴- عباس گودرزی نماینده بروجرد

استان مازندران

۱۰۵- قاسم احمدی لاشکی نماینده نوشهر
۱۰۶- علی محمد شاعری نماینده بهشهر
۱۰۷- عزت الله یوسفیان ملا نماینده آمل
۱۰۸- ولی الله نانواکناری نماینده بابلسر
۱۰۹- سید علی ادیانی راد نماینده قائم شهر

استان مرکزی

۱۱۰- علی اکبر کریمی نماینده اراک
۱۱۱- علیرضا سلیمی نماینده دلیجان و محلات
۱۱۲- محمد ابراهیم رضایی نماینده خمین

استان هرمزگان

۱۱۳- حسین هاشمی تختی نژاد نماینده بندرعباس
۱۱۴- احمد مرادی نماینده بندرعباس
۱۱۵- محمد عاشوری تازیانی نماینده بندرعباس

استان همدان

۱۱۶- اکبر رنجبرزاده نماینده اسدآباد
۱۱۷- حسن بهرام نیا نماینده نهاوند
۱۱۸- محمد علی پورمختار نماینده بهار
۱۱۹- محمد مهدی مفتح نماینده تویسرکان
۱۲۰- احد آزادی خواه نماینده ملایر
۱۲۱- حمید رضا حاجی بابایی نماینده همدان
۱۲۲- امیرخجسته نماینده همدان

استان کهکیلویه و بویراحمد

۱۲۳- عدل هاشمی پور نماینده کهکیلویه و بویراحمد

فراکسیون امید، امید دولت و اصلاحات در مجلس دهم

اعلام پیروزی قاطع «ائتلاف امید» در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه تهران، نوید بخش فراکسیونی پرتعداد به نام «امید» در مجلس دهم بود. انتظار می‌رفت ائتلافی که توانسته بود هر سی کرسی تهران را از آن خود، و در شهرستان‌ها تعداد قابل توجهی را راهی مجلس کند، بتواند در مجلس دهم، فراکسیون اکثریت را تشکیل دهد، از این رو تشکیل اولین جلسه فراکسیون امید با ۱۶۷ نماینده، در مسجد سلمان فارسی نهاد ریاست جمهوری، دور از انتظار نبود. اما رفته رفته نمایندگانی همچون علی لاریجانی، کاظم جلالی، بهروز نعمتی و ...که تاکتیکی در دوران انتخابات به ائتلاف امید پیوسته بودند، در اقدامی طبیعی راه خود را از امید جدا کردند تا عدد اعضای فراکسیون امید به ۱۱۵ نفر کاهش یابد.

از ائتلاف تا فراکسیون امید

فراکسیون امید را باید از ائتلاف امید، که در دوران انتخابات تشکیل شد، جدا دانست، چراکه در دوران انتخابات، هدف رهبران جنبش اصلاحات، مقاومت در برابر نیروهای تندرو جریان اصول‌گرا بود. آن‌ها بر این باور بودند که تشکیل مجلسی معتدل از عقلای جریان‌های سیاسی کشور، نتایج موثرتری به همراه خواهد داشت. لذا «استراتژی ائتلاف با میانه‌روها»، به رویکرد محوری اصلاح‌طلبان برای شرکت در رقابت‌های انتخاباتی تبدیل شد. از سوی دیگر آن‌ها با این واقعیت آشنا بودند که اکثریت نامزدان اصلاح‌طلب قادر به عبور از فیلتر

شورای نگهبان نیستند و همان‌گونه نیز شد، به طوری که حسین مرعشی از اعضای شورای سیاست‌گذاری اصلاحات، پس از اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌ها اعلام کرد تنها یک درصد کاندیدهای اصلاحات در سراسر کشور تایید صلاحیت شده‌اند. از این رو ائتلاف امید در یک استراتژی هدفمند، برای شکست دادن تندروها، از میان نیروهای اصلاح‌طلب باقی‌مانده در صحنه انتخابات، اعتدال‌گرایان و کاندیداهای میانه‌رو اصول‌گرا تشکیل شد. طبیعی بود که این ائتلاف پس از پیروزی در مجلس دهم پایدار نماند، چراکه در مجلس با اکثریتی میانه‌رو، لازم بود که تک‌تک نمایندگان بتوانند اهداف و برنامه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حزب و جریان سیاسی خود را دنبال کنند. به این شکل ائتلاف امید که توانسته بود اکثریت کرسی‌های مجلس دهم را از آن خود کند، پس از انتخابات منحل و راه‌یافتگان به فراکسیون‌های مورد علاقه خود پیوستند، تا فراکسیون امید با ۱۱۵ عضو به عنوان یکی از سه فراکسیون کلیدی مجلس دهم (در کنار فراکسیون اصول‌گرایان و فراکسیون مستقل‌ها) فعالیت کند.

رویکرد فراکسیون امید

فراکسیون امید را باید بازسازی فراکسیون منحل‌شده «اصلاحات» در مجلس ایران دانست. فراکسیونی که در مجلس ششم با بیش از ۲۰۰ عضو، در اوج بود و در سه مجلس بعدی با ریزش کرسی‌های خود مواجه شد، بطوری که فراکسیون نیم بند اصلاحات در مجلس هفتم و هشتم، چنان بی‌رمق شد که در مجلس نهم، معدود اعضای آن ترجیح دادند به شکل فراکسیونی فعالیت نکنند. رویکرد اصلی این فراکسیون را باید اصلاح‌طلبانه دانست هرچند «میانه‌روی» واژه دقیق‌تری برای معرفی این فراکسیون است. فراکسیونی که از صدر تا ذیل آن از نماینده‌گان میانه‌رو جنبش اصلاحات تشکیل شده و کمتر چهره آوانگاردی از نیروهای اصلاح‌طلب را در آن می‌توان دید.

رهبری فراکسیون

ورود رئیس شورای عالی اصلاحات، به عنوان نفر اول تهران، به مجلس دهم، او را در صدر جریان امید قرار داد. دکتر محمد رضا عارف، معاون اول دولت اصلاحات، که نقشی محوری در انتخابات مجلس دهم یافته بود، پس از ورود به مجلس، رهبری فراکسیون امید را با رای قاطع اعضاء در دست گرفت. او اگرچه نتوانسته بود در میدان رقابت با علی لاریجانی رئیس مجلس، که او هم با حمایت ائتلاف امید به مجلس راه یافته بود، پیروز بیرون آید ولی از جایگاهی ویژه در میان اصلاح‌طلبان مجلس برخوردار بود تا نماینده دیگری در مقام رقابت با او برنیاید.

تمام نگاه‌ها در فراکسیون امید به محمد رضا عارف است تا او مسیر را نشان دهد. او در میانه صحن مجلس، هدایت‌گر آرای نمایندگان به سوی برنامه‌ها و طرح‌های اصلاح‌طلبانه است و می‌کوشد اصول اصلاح‌طلبانه را در آرای اعضای امید حفظ کند. نزدیکی عارف به دولت حسن روحانی، فراکسیون امید را به فراکسیون اصلی حامیان دولت در مجلس دهم تبدیل کرده است. مهم‌ترین طرح‌های دولت روحانی هم‌چون طرح برجام، مورد حمایت صددرصدی اصلاح‌طلبان است از این رو نزدیکی دولت با فراکسیون امید، پدیده‌ای غیرمنتظره نیست.

محمد رضا عارف، محمد رضا تابش، الیاس حضرتی، غلامرضا تاجگردون، احمد مازنی، محمود صادقی، مصطفی کواکبیان و علی نوبخت حقیقی اعضای موقتی شورای مرکزی

فراکسیون امید را تشکیل دادند اما پس از یک ماه از عمر مجلس، آن‌ها با نگاهی واقع‌بینانه‌تر

	نام و نام خانوادگی	سمت در شورا	ائتلاف	سابقه نمایندگی
۱	محمدرضا عارف	رئیس	بنیاد امید ایرانیان	نه
۲	محمدرضا تابش	نایب رییس اول		آری
۳	عبدالکریم حسین‌زاده	نایب رییس دوم		آری
۴	بهرام پارسایی	سخن‌گو		نه
۵	محمد فیضی زنگیر	ناظر		نه
۶	فاطمه سعیدی	ناظر	کارگزاران سازندگی	نه
۷	محمود صادقی	دبیر		نه
۸	مصطفی کواکبیان	دبیر	حزب مردم سالاری	آری
۹	مسعود پزشکیان	دبیر		آری

شورای مرکزی دائمی فراکسیون امید را با این ترکیب تشکیل دادند:
ورود اعضای بیشتری از نمایندگان غیرتهرانی به شورای مرکزی را باید نشانه هوشمندی دکتر عارف در توزیع قدرت در فراکسیون دانست تا با افزایش مشارکت نمایندگان شهرستانی، درصد وفاداری و تعهد سازمانی را در فراکسیون افزایش دهد. چراکه تجربه پارلمانی نشان داده، که کم‌توجهی به رای و نظر نمایندگان شهرهای کوچک‌تر، آن‌ها را به سمت فراکسیون‌های رقیب سوق خواهد داد یا حداقل می‌توان گفت آن‌ها را منفعل می‌کند، به طوری که در بزنگاه‌ها، روی آراء نمایندگان منفعل نمی‌توان حساب کرد.

کمیته داوری

هیات رئیسه فراکسیون امید در اولین روز ماه مهر در جلسه‌ای، کمیته داوری این فراکسیون را تشکیل داد. براساس تصمیم هیات رئیسه، عبدالرضا هاشم زایی، غلامرضا حیدری،

حجت‌الاسلام احمد مازنی، حسین امیری خامکانی، محمدکاظمی (نماینده مردم ملایر)، غلامرضا تاجگردون و سهیلا جلودارزاده به عضویت این کمیته درآمدند. شرح وظایف کمیته داوری هنوز اعلام نشده است.

سهم امیدی‌ها از کرسی‌های کلیدی مجلس

انتخابات هیات رئیسه سال اول مجلس دهم، اولین میدان رقابت امیدی‌ها، جهت کسب کرسی‌های بیشتر در هیات رئیسه مجلس بود. انتخاباتی که وزن واقعی فراکسیون امید را نیز روشن کرد. در این انتخابات، عارف کرسی ریاست را به علی لاریجانی دیگر راه یافته ائتلاف امید به مجلس دهم واگذار کرد. اما کاندیداهای فراکسیون امید برای کرسی نواب رئیسه موفق شدند هر دو کرسی را از آن خود کنند. مسعود پزشکیان به عنوان نایب رئیس اول و علی مطهری به عنوان نایب رئیس دوم برگزیده شد. در میدان رقابت برای کسب کرسی دبیری هیات رئیسه، امیدی‌ها توانستند دو کرسی از شش کرسی را از آن خود کنند. علی اصغر یوسف نژاد نماینده ساری و محمد علی وکیلی نماینده تهران از فراکسیون امید به دبیری هیات رئیسه برگزیده شدند و در نهایت در مرحله انتخاب کارپردازان هیات رئیسه، امیدی‌ها از سه کرسی کارپردازی، تنها یک کرسی را از آن خود کردند. محمد قسیم عثمانی عضو فراکسیون امید بود که به هیات رئیسه راه یافت. ضمن اینکه او اولین نماینده سنی مذهب بود که در تاریخ مجلس شورای اسلامی توانسته بود به هیات رئیسه راه یابد. به این ترتیب از مجموع یازده عضو هیات رئیسه، ۵ کرسی به اعضای فراکسیون امید و ۶ کرسی به اعضای دو فراکسیون اصول‌گرایان و مستقل‌ها تعلق گرفت.

در انتخابات روسای کمیسیون‌های تخصصی که نقشی کلیدی در مجلس برعهده دارند، امیدی‌ها شکست سنگینی را متحمل شدند، به‌طوری‌که از ۱۳ کمیسیون تخصصی مجلس، تنها ریاست دو کمیسیون بهداشت و درمان و کمیسیون برنامه و بودجه به اصلاح‌طلبان رسید. علی نوبخت و غلامرضا تاجگردون ریاست کمیسیون‌های بهداشت و برنامه و بودجه را از آن خود کردند. ضمن اینکه غلامرضا تاجگردون در مجلس اصول‌گرای نهم نیز ریاست این کمیسیون را در اختیار داشت که نشان می‌دهد او این کرسی را به برکت رابطه شخصی خوبی که با اعضای فراکسیون رقیب دارد، در اختیار گرفته، نه به خاطر حمایت‌های فراکسیون امید.

محمد رضا عارف چهره بالقوه‌ای که می‌توانست ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس یا ریاست کمیسیون آموزش و تحقیقات را از آن اصلاح‌طلبان کند، باکناره گیری از این فرصت‌ها، سبب شد تا جلالی رئیس فراکسیون مستقل‌ها، کنترل مرکز پژوهش‌ها را در دست بگیرید و محمد مهدی زاهدی وزیر آموزش عالی دولت احمدی نژاد، ریاست کمیسیون آموزش و تحقیقات را از آن خود کند. اعضای فراکسیون امید اگرچه در انتخابات عضویت در شوراهای عالی توانستند شکست در انتخابات ریاست کمیسیون‌ها را تاحدودی جبران و اکثریت کرسی‌های نظارتی را از آن خود کنند ولی در مجموع نمی‌توان نمره قابل قبولی به آن‌ها داد. فراکسیون امید تا اینجای کار، ناموفق عمل کرده و بسیاری آن را ناشی از تجربه کم آن‌ها در امور پارلمانی می‌دانند.

فراکسیون زنان، فراکسیون جانبی امید

عضویت هر ۱۷ زن نماینده مجلس دهم، در فراکسیون امید و هم‌پوشانی اهداف و برنامه‌های فراکسیون زنان با رویکرد فراکسیون امید در حوزه زنان، سبب شده که در مجلس دهم، بتوان فراکسیون زنان را زیرمجموعه یا شاخه‌ای از فراکسیون امید خواند. نمایندگان زن مجلس دهم می‌دانند که برای تصویب طرح‌ها و لوایح مربوط به زنان، به رای نمایندگان مرد مجلس نیاز دارند و نزدیک‌ترین آراء به آراء شان، رای اعضای فراکسیون امید است. از این رو به صورت نانوشته پیوندی جدی میان این دو فراکسیون وجود دارد. سهیلا جلودار زاده، پروانه مافی، پروانه سلحشوری، طیبه سیاووشی و ناهید تاج الدین از چهره‌های شاخص فراکسیون زنان، جملگی اصلاح‌طلب و از عناصر تاثیرگذار فراکسیون امید نیز به شمار می‌آیند.

در اولین سال فعالیت فراکسیون زنان در مجلس دهم، پروانه سلحشوری نماینده تهران به ریاست، طیبه سیاوشی و ناهید تاج الدین به عنوان نواب رئیس و معصومه آقاپور و فاطمه ذوالقدر مسوولیت دبیری فراکسیون را پذیرفتند و زهرا سعیدی نماینده جوان مبارکه به سخن‌گویی فراکسیون زنان رسید.

حامیان فراکسیون امید

فراکسیون امید به عنوان محصول ائتلاف امید، از حمایت کامل آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حسن روحانی رئیس جمهور، محمد خاتمی رهبر جنبش اصلاحات و سید حسن خمینی نوه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، برخوردار است. مجموعه احزاب اصلاح‌طلب و حزب اعتدال و توسعه، از حامیان اصلی فراکسیون امید به شمار می‌روند ولی تاکنون از جلسه‌ای مشورتی میان اعضای فراکسیون امید و حامیان بیرونی آن‌ها منتشر نشده است.

هنوز نمی‌توان کارنامه‌ای از فراکسیون امید ارائه کرد ولی با گذشت زمان و پشت سرگذاشتن ماه‌های بیشتری از عمر این مجلس می‌توان تصویر روشن‌تری از عملکرد این فراکسیون ارائه کرد. از این رو این گزارش در پایان سال اول مجلس دهم، به روز خواهد شد.

فصل چهارم

پروفایل نمایندگان کلیدی مجلس

علی لاریجانی

حوزه انتخابیه: قم
سمت: رئیس مجلس
فراکسیون: -

از کشکی خواندن تحقیق و تحفص تا ریاست مجلس

علی لاریجانی که دومین دوره ریاست‌اش بر مجلس شورای اسلامی را تجربه می‌کند پیش از این رئیس سازمان صداوسیما بود، سازمانی که وقتی با اصرار نمایندگان مجلس ششم و با موافقت رهبر ایران، مورد تحقیق و تفحص قرار گرفت و در پاره‌ای موارد مجرم شناخته شد. اما واکنش علی لاریجانی به گزارش تحقیق و تفحص، نه سپردن مجرمان به محکمه بلکه «کشکی خواندن» گزارش بود.

علی لاریجانی اولین رئیس مجلس است که از شهری غیر از تهران (قم) به مجلس راه یافته و به ریاست رسیده است. پیش از آن همه روسای مجلس، نمایندگان تهران در مجلس بودند. او پس از پیروزی انقلاب، مدتی سرپرست سازمان صداوسیما و بین سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ مدیر برون مرزی و واحد مرکزی خبر بود. او سمت‌هایی چون معاون وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و پست و تلگراف و تلفن (وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات فعلی) و همچنین معاونت سپاه نیز بر عهده داشته تا اینکه با استعفای محمد خاتمی، وزیر ارشاد در دولت هاشمی رفسنجانی، وزیر ارشاد شد.

لاریجانی پس از دو سال وزارت در سال ۱۳۷۳ به ریاست سازمان صداوسیما منصوب شد. ریاست لاریجانی بر این سازمان از این جهت اهمیت داشت که او جایگزین محمد هاشمی، برادر اکبر هاشمی رفسنجانی شده بود که در دوران رهبری آیت‌الله خمینی و چندین سال ابتدایی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای این سمت را عهده‌دار بود.

فرارسیدن انتخابات ریاست جمهوری سال ۷۶ باعث انتقادهای فراوان به ریاست علی لاریجانی شد. نزدیکان محمد خاتمی و محمد محمدی ری شهری کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری، صداوسیما را به حمایت از علی اکبر ناطق نوری متهم می‌کردند.

ساخته شدن فیلمی به نام «عصر عاشورا» که تعدادی از جوانان را نشان می‌داد که در بعد از

ظهر روز عاشورا اقدام به شادی و نمایش پوستر محمد خاتمی می‌کنند نیز به صداوسیما نسبت داده شد. پیش از آن نیز پخش برنامه «هویت» که انتقادات شدیدی را متوجه روشن‌فکران و منتقدان حکومت جمهوری اسلامی می‌کرد، انتقاداتی را متوجه سازمان تحت مدیریت علی لاریجانی کرده بود. برخی از روشن‌فکران اعلام می‌کردند که این برنامه با گرفتن «اعترافات اجباری» از نویسندگان و منتقدان سیاسی جمهوری اسلامی تهیه شده است.

پس از انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۶، چالش‌های زیادی بین صداوسیما و دولت پیش آمد. این چالش‌ها زمانی شدت گرفت که صداوسیما با پخش برنامه‌ای به نام چراغ و با روایت روح الله حسینیان، قتل‌های زنجیره‌ای دگراندیشان ایرانی درسال ۱۳۷۷ را به نزدیکان محمد خاتمی نسبت داده بود. در پی این اقدام اعضای دولت خواستار اخراج لاریجانی از جلسات هیات دولت شدند.

از سوی دیگر، مجلس ششم با اکثریت اصلاح‌طلب، نیز با انجام تحقیق و تفحص از صداوسیما در نهایت مدیران این سازمان را به «میلیاردها تومان سواستفاده مالی» متهم کرد. علی لاریجانی اما این گزارش تحقیق و تفحص را «کشکی» خواند.

معاون مالی صداوسیما در دوره ریاست لاریجانی که اکثر اتهامات نیز به مدیریت او باز می‌گشت، علی کردان بود که بعدها در دولت محمود احمدی نژاد به سمت وزیر کشور منصوب و به دلیل جعلی بودن مدرک دکترایش از وزارت برکنار شد. براساس گزارش‌ها علی لاریجانی نیز از استیضاح و برکناری معاون سابق خود حمایت کرده بود.

براساس گزارش‌ها درمدت ۱۰ سال ریاست علی لاریجانی بر صداوسیما شبکه‌های تلویزیونی از ۲ شبکه به ۷ شبکه تلویزیونی، افزایش یافت و دراین دوران ۸ شبکه رادیویی ملی و سراسری، ۳۰ شبکه رادیویی استانی، ۴ شبکه تلویزیونی استانی، و هفت شبکه جهانی توسط صداوسیما اداره می‌شد.

علی لاریجانی درسال ۸۴ کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری شد و در نهایت با وجود حمایت شورای هماهنگی اصول‌گرایان از بین هفت کاندیدا در جایگاه ششم قرار گرفت.

او پس از انتخابات ریاست جمهوری در ۲۴ مرداد ۱۳۸۴، به‌عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی انتخاب شد از جمله اقدامات وی درمدت ریاست‌اش جلوگیری از راه‌اندازی شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای صبا وابسته به مهدی کروبی بود.

لاریجانی پیش از آن نیز در دوران ریاست خود بر سازمان صداوسیما خواستار جلوگیری از راه‌اندازی تلویزیونی کابلی در دانشگاه تهران شده بود و در نهایت دادستانی تهران از راه‌اندازی این تلویزیون جلوگیری کرد.

علی لاریجانی در دوره ریاست بر شورای‌عالی امنیت ملی، مسئولیت مذاکرات اتمی با کشورهای غربی را نیز عهده‌دار بود. او پس از توافق ایران و کشورهای غربی در سعد آباد تهران در سال ۱۳۸۲ و در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی در انتقاد از این توافق گفته بود که «در غلتان دادیم و آب‌نبات گرفتیم.»

لاریجانی در نهایت در در روز ۲۸ مهر ۱۳۸۶ از دبیر شورای‌عالی امنیت ملی برکنار شد. براساس برخی گزارش‌ها دلیل این برکناری مصاحبه او درباره پیام پوتین به ایران بود.

علی لاریجانی درمجلس هشتم از حوزه انتخابیه قم به مجلس راه یافت و در نهایت در رقابت با غلامعلی حداد عادل، رئیس مجلس هفتم به عنوان نامزد فراکسیون اصول‌گرایان برای ریاست مجلس انتخاب شد.

برخی از گروه‌های حامی دولت محمود احمدی نژاد از جمله گروهی که بعدها به جبهه پایداری

مشهور شدند، از جمله منتقدان اصلی ریاست لاریجانی در مجلس هشتم بودند.
انتقادهای این گروه از لاریجانی پس از اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ گسترده‌تر شد. برخی از رسانه‌ها از جمله خبرگزاری دولتی ایرنا، نیز در گزارش‌هایی مدعی شدند که لاریجانی در ساعات انتهایی برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ پیروزی میرحسین موسوی دراین انتخابات را به او تبریک گفته است. مجلس ایران از این رسانه‌ها از جمله خبرگزاری دولتی ایرنا به دادگاه شکایت کرد.
برخی از اعضای جبهه پایداری نظیر حمید رسایی و روح الله حسینیان بارها به لاریجانی به خاطر عملکرد مجلس، در واکنش به اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ انتقاد کردند آن‌ها معتقد بودند واکنش مجلس مناسب نبوده است.
لاریجانی پس از اعتراضات روز عاشورا در سال ۸۸ در موضعی شدیداللحن اعتراضات این روز را محکوم و از میرحسین موسوی و مهدی کروبی،معترضان به نتیجه انتخابات سال ۱۳۸۸ انتقاد کرد.
پس از انتخاب حسن روحانی به ریاست جمهوری درسال ۱۳۸۸ برخی از رسانه‌های ایران خبر دادند که روحانی با توصیه لاریجانی، عبدالرضا رحمانی فضلی که در زمان ریاست لاریجانی بر صداوسیما معاون سیاسی این سازمان بود را به وزارت کشور انتخاب کرده است.
فراکسیون رهروان ولایت که از آن به عنوان فراکسیون اکثریت مجلس نام برده می‌شود، از حامیان لاریجانی درمجلس تشکیل شده است.

مسعود پزشکیان

حوزه انتخابیه: تبریز
سمت: نایب رئیس مجلس
فراکسیون: امید

وزیری که صلاحیت‌اش برای ریاست جمهوری رد شد

مشهور به استفاده از نهج‌البلاغه در نطق‌هایش است. مسعود پزشکیان در سمت‌هایی که داشته چندان خبرساز نبوده، چه آن زمان که در دولت دوم محمد خاتمی وزیر بهداشت بود و چه سال‌هایی که در مجلس بوده است. با این حال نطق انتقادی او درسال ۸۸ و پس از اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری این سال در فضای آن زمان بازتاب‌های زیادی پیدا کرد، همان‌گونه که با مخالفت‌های شدید اصول‌گرایان همکارش در مجلس مواجه شد و دقایقی جلسه مجلس را به‌هم ریخت و تعدادی از نمایندگان دور او حلقه زدند.

مسعود پزشکیان، مهر ماه ۱۳۳۳در شهر مهاباد به دنیا آمد. برای ادامه تحصیل به هنرستان کشاورزی در ارومیه رفت و در رشته صنایع غذایی، دیپلم گرفت. دیپلم دوم (طبیعی) را سال ۱۳۵۴ دیپلم گرفت و سال بعد وارد رشته پزشکی دانشگاه تبریز شد.

او در دانشگاه اقدام به تشکیل کلاس‌های قرآن و نهج‌البلاغه کرد؛ تا به این وسیله بتواند «دانشجویان مسلمان را منسجم و متحد کند.» براساس گزارش‌ها این دانشجویان با همراهی مسعود پزشکیان، نقش عمده‌ای در تظاهرات ۲۲ بهمن تبریز ایفا کردند. در همین راهپیمایی بود که برادرش مجروح شد و پس از بستری شدن توسط حکومت زندانی شد.

پس از انقلاب مسعود پزشکیان به همراه دوستانش انجمن اسلامی دانشکده پزشکی تبریز را تاسیس می‌کند. او در سال ۵۸ ازحاضران مراسمی بود که درپی سخنرانی هاشمی رفسنجانی در دانشکده پزشکی به درگیری فیزیکی بین دانشجویان مخالفان و موافقان نظام جمهوری اسلامی کشید. پزشکیان پس ازانقلاب فرهنگی وتعطیلی دانشگاه‌ها، به جهاد سازندگی و جهاد دانشگاهی رفت و در دوران جنگ ۸ ساله ایران و عراق نیز به عنوان مسؤول اعزام اکیپ‌های پزشکی به مناطق جنگی و برخی «عملیات»ها حضور داشت.

وی پس از اتمام دوره پزشکی عمومی در سال ۶۴، مدتی به عنوان مربی فیزیولوژی در دانشکده

پزشکی تدریس کرد و دو سال پس از اتمام جنگ، تخصص جراحی عمومی را دردانشگاه تبریز و دوره فوق‌تخصص را سال ۱۳۷۲ در دانشگاه علوم پزشکی ایران به پایان برد و در بیمارستان شهید مدنی تبریزمشغول به کار شد.
مسعود پزشکیان سال ۱۳۷۳، از طرف علیرضا مرندی، وزیر بهداشت دولت هاشمی رفسنجانی، به ریاستِ دانشگاه علوم پزشکی تبریز منصوب شد و ۶ سال بعد هم‌زمان با حکم معاونت سلامت محمد فرهادی، وزیر بهداشت دولت اول محمد خاتمی به تهران رفت. او ۶ ماه بعد در دولت دوم محمد خاتمی، وزیر بهداشت شد. مجلس ششم که هم‌سو با دولت بود و به او رای اعتماد داده بود چندان از عملکردش راضی نبود و او را استیضاح کرد ولی استیضاح رای نیاورد تا او به کارش به‌عنوان وزیر ادامه دهد. پزشکیان درباره این استیضاح در برنامه تلویزیونی«شناسنامه» می‌گوید:«اتهاماتی که به ما می‌زدند آن موقع می‌گفتند شما راست هستید الآن می‌گویند چپ‌ایم ما واقعا نمی‌دانیم راست بودیم چپ بودیم سر درنمی‌آورم ما چه کسی هستیم.»
درباره عملکرد آقای پزشکیان در مدت چهارساله وزارت، اگرچه طرفدارانش او را بنیان‌گذار طرح پذیرش رایگان بیماران تصادفی در اورژانس‌ها و طرح پزشک خانواده در روستاها می‌دانند، اما در مقابل، منتقدان رفتار او در ماجرای تقلب در آزمون دستیاری پزشکی را منفعلانه توصیف می‌کنند. به‌ویژه آن‌که چند سال بعد در قامت نماینده مجلس، از نحوه برخورد با دستگیرشدگان درماجرای لورفتن سوالات امتحاتی همان آزمون، انتقاد کرد و گفت: «عوامل اصلی جز دستگیر شده‌ها نبودند.»
مسعود پزشکیان در مجلس هشتم به عنوان نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو انتخاب به مجلس راه یافت. او پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ از نحوه رفتار با معترضان به نتیجه انتخابات اعتراض کرده است.
آقای پزشکیان هم‌چنین به عنوان عضو فراکسیون اقلیت اصلاح‌طلبان انتقاداتی را به دولت احمدی‌نژاد مطرح می‌کرد. او زمانی که محمود احمدی‌نژاد به ۱۱ تن از همکاران خود نشان‌های مختلف دولتی اعطا کرد گفت: «ما از کارهای احمدی نژاد سر در نمی‌آوریم و نمی‌دانیم معنای آن چیست. اعطای نشان به صورت دیمی، به کسانی که هزینه‌ها را بیخود بالا برده‌اند کار اشتباهی است، و باید دید با کدام شاخص این افراد ارزیابی شدند.»
مسعود پزشکیان برای فعالیت سیاسی به نمایندگی مجلس محدود نماند و در ۲۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۹۲در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ثبت‌نام کرد ولی رد صلاحیت شد. او اگرچه شخصا به رد صلاحیتش اعتراض نکرد اما گروه طرفدار او موسوم به «کمپین انصاف» با انتشار اطلاعیه‌ای از رد صلاحیت کاندیدای مورد نظرش انتقاد کرد. گروهی که ازاسفند۹۱ فعالیت خود را با راه‌اندازی سایت خبری«انصاف نیوز»، به عنوان رسانه‌ی انتخاباتی پزشکیان، آغاز کرد. اگر چه بعدها امتیاز این سایت به یکی از طرفدارانش سپرده و اعلام شد که او دیگر ارتباطی با این رسانه ندارد اما حضور پررنگ اخبار و تصاویر پزشکیان در این سایت، تردیدهایی در خصوص مستقل بودن این رسانه از پزشکیان را ایجاد کرده است.
پزشکیان درحالی در روزهای پایانی منتهی به انتخابات با صدور بیانیه‌ای حمایت خود را از حسن روحانی اعلام کرد، که پیش از آن گفته بود: «پس از رد صلاحیت شدن آقای هاشمی رفسنجانی من هم کنار کشیده‌ام و فعالیتی ندارم، این رد صلاحیت باعث شده تا من در گیجی به سر ببرم.»پزشکیان همسرش را چند سال قبل از دست داد و بعد از فوت او، دیگر ازدواج نکرد. او دو پسر و یک دختر به نام‌های مهدی، یوسف و زهرا دارد که همگی آن‌ها ازدواج کرده‌اند.

علی مطهری

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: نایب رئیس دوم هیات رئیسه مجلس، عضو کمیسیون فرهنگی
فراکسیون: امید

تلاش برای رفع حصر

با وجود آن‌که فرزند سوم آیت‌الله مرتضی مطهری بود اما بعد از ترور او مسئولیت انتشار آثارش را برعهده گرفته و همین امر جایگاه او را در میان دیگر فرزندان خانواده برجسته‌تر کرد.
علی مطهری، پس از ترور پدرش از رشته مهندسی مکانیک به فلسفه تغییر رشته و درنهایت تحصیلات خود را تا اخذ درجه دکتری در رشته فلسفه و کلام اسلامی ادامه داد.
آقای مطهری درسال‌های ابتدایی دهه ۷۰ در سخنرانی‌هایی که بیشتر به مناسبت سالگرد ترورش برگزار می‌شد از برنامه‌های دولت هاشمی رفسنجانی در حوزه‌های فرهنگی انتقاد می‌کرد. وی همچنین در دوره دولت محمد خاتمی از جمله منتقدین برنامه‌های فرهنگی دولت بود.

وی پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ با استناد به نظریه‌های پدرش و همچنین آیت‌الله خمینی که خواستار دخالت نکردن روحانیون در امور اجرایی شده بودند، خواستار کاندیدا نشدن اکبر هاشمی رفسنجانی در این انتخابات شد.
مطهری درمجلس هشتم از سوی اصول‌گرایان به عنوان کاندیدای انتخابات مجلس معرفی شد و اعلام کرد که به دلیل نگرانی از اصلاح‌طلبان کاندیدا شده است.
علی مطهری در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ تلاش‌های زیادی برای متقاعد کردن علی اکبر ولایتی به کاندیداتوری در انتخابات ریاست جمهوری کرد.
پس از کاندیدا نشدن آقای ولایتی، علی مطهری اعلام کرد که در انتخابات ریاست جمهوری از محمود احمدی نژاد حمایت می‌کند. وی اما پس از مناظره‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ رفتار احمدی نژاد در این مناظره‌ها را غیراخلاقی خواند و از محسن رضایی حمایت کرد.

پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ آقای مطهری نسبت به نحوه رفتار با معترضان به نتیجه این انتخابات اعتراض کرد و خواستار حضور میرحسین موسوی و مهدی کروبی، دو کاندیدای معترض به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری، در صداوسیما شد. وی هم‌چنین بارها خواستار رفع حصرمیرحسین موسوی و مهدی کروبی شده است.
نطق آقای مطهری در جلسه روز یک‌شنبه، ۲۱ دی ماه مجلس ایران و اعتراض دوباره او به حصر آقایان موسوی و کروبی اعتراض تعدادی از نمایندگان را سبب شد و پس از درگیری فیزیکی آقای مطهری و این نمایندگان جلسه مجلس به صورت موقت تعطیل شد.
آقای مطهری درمجلس هشتم همچنین سئوال از محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور وقت را پیگیری کرد و برای اولین بار پس از تاریخ جمهوری اسلامی، رئیس جمهوری برای پاسخ به سئوالات نمایندگان مجلس حاضر شد.
آقای مطهری از جمله موافقان حجاب اجباری و همچنین به رسمیت شناخته شدن چند همسری مردان است.
علی مطهری در انتخابات مجلس نهم توسط هیات‌های اجرایی که زیر نظر وزارت کشور است، رد صلاحیت و در مراحل بعدی در نهایت تائید شد.
وی درتیر ماه ۹۲ از کشف تجهیزات استرق سمع در دفترش خبر داد و مدتی پس از آن اعلام کرد که معاون وزیر اطلاعات که دراین اقدام نقش داشته، برکنار شده است.

کاظم جلالی

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: رئیس فراکسیون مستقل‌ها و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی
فراکسیون: مستقل‌ها

بازوی لاریجانی در صحن و حاشیه مجلس

کمتر از ۳۴ سال داشت که از حوزه انتخابیه شاهرود وارد مجلس شد. در ردیف جوان‌ترین نمایندگان مجلس ششم قرار داشت هرچند جوان‌ترین نبود. کاظم جلالی در میان چهره‌های آوانگارد مجلس ششم، گمنام و البته جویای نام بود. آمده بود که در قدرت بماند بنابراین حرکت در لبه ی مرز اصول‌گرایی-اصلاح‌طلبی و گاهی ژست مستقلی خیلی به کارش آمد تا نشان دهد بازی سیاست را در دانشگاه امام صادق به رهبری آیت‌الله مهدوی کنی را خوب یاد گرفته است. او هم‌اکنون چهار دوره متوالی است که نماینده شاهرود است و کرسی خود را در مجلس دهم ولی به نمایندگی از مردم تهران حفظ کرده است تا رکورد بیست سال نمایندگی مجلس را در کارنامه خود حفظ کند.

کاظم جلالی کیست؟

زاده روستای شاهکوه از توابع شهرستان گرگان است. در سال ۱۳۴۶ متولد شده است. جلالی در رشته علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق مدرک دکترا گرفته است. شانزده سال نماینده شاهرود در مجلس (ششم تا نهم) بوده و هم‌اکنون برای ورود به مجلس دهم از حوزه انتخابیه تهران آماده می‌شود. کاظم جلالی از دوره هشتم مجلس شورای اسلامی که با آغاز ریاست علی لاریجانی بر مجلس همراه بود، از گم‌نامی و حاشیه نشینی درآمد و به عنوان دست راست لاریجانی در مجلس عمل کرد. او با حمایت علی لاریجانی ریاست مرکز پژوهش‌های مجلس را در اختیار گرفت و ریاست بزرگترین فراکسیون سیاسی مجلس نهم یعنی فراکسیون رهروان ولایت را عهده‌دار شد. نقشی که معمولا به ژنرال‌های سیاسی احزاب صاحب اکثریت در مجلس می‌دهند.

کاظم جلالی که به دلیل نزدیکی به علی لاریجانی، مدام مورد حمله و تهاجم تندروهای مجلس

از جمله پایداری‌ها قرار داشت، هیچ‌گاه پا پس نگذاشت و در تمام بزنگاه‌های مجلس هماهنگ با علی لاریجانی عمل کرد تا در انتخابات مجلس دهم از فهرست نامزدان مورد حمایت جبهه اصول‌گرایان کنار گذاشته شود. کاظم جلالی که این وضعیت را مناسب نمی‌دید تصمیم به کناره‌گیری از انتخابات گرفت و رسما اعلام کرد که کاندیدای انتخابات مجلس دهم نخواهد شد. اما همان‌گونه که پیش‌بینی می‌شد با تماس تلفنی علی لاریجانی و به دستور او به صحنه انتخابات بازگشت اما نه از حوزه انتخابیه شاهرود بلکه او این بار شانس‌اش را برای ورود به مجلس از حوزه انتخابیه تهران آزمود.
رد صلاحیت گسترده نامزدان اصلاح‌طلب و نزدیکی علی لاریجانی و حسن روحانی، سبب شد تا کاظم جلالی که از فهرست اصول‌گرایان رانده شده بود، شانس ورود به مجلس را از طریق فهرست نامزدان مورد حمایت اصلاح‌طلبان پیدا کند. او بدون داشتن سابقه اصلاح‌طلبی، به عنوان اصول‌گرایی میانه‌رو و نزدیک به دولت، مورد حمایت اصلاح‌طلبان قرار گرفت و در انتخاباتی که لیست اصلاح‌طلبان صددرصد پیروز شد، توانست به مجلس دهم راه یابد. اما آیا جلالی به ارزش‌ها و اصول اصلاح‌طلبی وفادار خواهد ماند؟ این پرسشی است که طی یک- دو سال آینده می‌توان براساس رفتار جلالی در مجلس دهم، بدان پاسخ داد.

سوابق انقلابی

نگاهی به سال تولدش نشان می‌دهد که در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ نوجوانی بیش نبوده، لذا نمی‌توان انتظار داشت در کارنامه‌اش فصلی از انقلاب بتوان یافت. ولی در سال ۱۳۶۲ در حالیکه کلاس اول دبیرستان را پشت سر می‌گذاشت، راهی جبهه‌های جنگ ایران و عراق شد و تا سال ۱۳۶۵ در جبهه بود و ضمن شرکت در عملیات‌های نظامی، دوران دبیرستان را نیز به اتمام رساند و با پایان یافتن جنگ راهی دانشگاه امام صادق شد. او در سال ۱۳۶۹ بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق را بنیان گذاشت و به‌عنوان دانشجوی بسیجی، فعالیت‌های سیاسی را در پیش گرفت. او هم‌چون دیگر فارغ‌التحصیلان این دانشگاه جذب وزارت امور خارجه شد ولی خیلی در این وزارتخانه باقی نماند و به معاونت بازرسی دفتر رهبری پیوست. همکاری با صداوسیما از دیگر فعالیت‌های او با نهادهای انقلابی بود.

فعالیت‌های حقوق بشری

ایدئولوژی غالب در دانشگاه امام صادق، و تاکید بر اندیشه اسلامی در پرورش دانشجویان این دانشگاه سبب شده تا کمتر اثری موثر از فارغ التحصیلان شناخته شده این دانشگاه در حوزه حقوق بشر یافت. کاظم جلالی به رغم حضوری طولانی در مجلس کمتر در حوزه حقوق بشر فعالیتی داشته است که بتوان او را در ردیف فعالان یا حامیان حقوق بشر تلقی کرد تنها امتیازاش این است که برخلاف اکثریت نمایندگان مجلس هفتم، هشتم و نهم که با نطق‌ها و بیانیه‌های متعدد از نقض حقوق بشر دفاع کرده و حتی در مواردی قوه قضاییه را به دلیل برخوردهای شدید با فعالان مدنی مورد حمایت قرار داده‌اند بیشتر موضع سکوت داشته و اگر اعتراض نکرده، حمایتی هم انجام نداده است. فاطمه هاشمی رفسنجانی در خصوص جلالی می‌گوید: ««آقای کاظم جلالی در شاهرود رأی نداشت. با اینکه علیه حزب ما بیانیه داده و درمورد برخی از شخصیت‌ها خواهان برخورد شدید شده بود و حتی در زمانی که در کمیسیون امنیت ملی مسئول رسیدگی به وضعیت زندانیان در سال ۸۸ شد، به وظیفه خود خوب عمل

نکرد اما در لیست قرار گرفت».
اما تحقیقات خبرگار درصحن نشان می‌دهد در کارنامه کاظم جلالی برگی از عضویت در کمیسیون حقوق بشر سازمان بین‌المجالس وجود دارد. سازمانی بین‌المللی که با حضور نمایندگان پارلمان‌های دنیا تشکیل شده است. جلالی در مجلس هفتم به عضویت علی البدل کمیته حقوق بشر بین‌المجالس جهانی درآمد. این کمیته که از اصلی‌ترین ارکان بین‌المجالس می‌باشد، دارای ۵ عضو اصلی از ۵ منطقه جهان و ۵ عضو علی‌البدل می‌باشد. کاظم جلالی در فروردین ماه سال ۸۹ از طرف قاره آسیا و اقیانوسیه به عنوان عضو اصلی کمیته حقوق بشر انتخاب شد. این اولین بار بود که یک ایرانی به عضویت این کمیته انتخاب می‌شد. پرونده علی اکبر موسوی خوئینی، بهزاد نبوی، داود سلیمانی، نورالدین پیرموذن، محسن میردامادی، محمد نعیمی پور و چند تن از نمایندگان ادوار مجلس که به اتهام‌های سیاسی به زندان افتاده بودند از جمله پرونده‌هایی بود که در کمیسیون حقوق بشر بین‌المجالس مطرح و مسوولیت حل و فصل آن با کاظم جلالی بود. علی اکبر موسوی خوئینی از جمله نمایندگانی بود که با پیگیری کاظم جلالی و حمایت علی لاریجانی از زندان آزاد و حکم ممنوع الخروجی‌اش لغو و توانست از ایران خارج شود. گرامی مقدم نماینده مجلس هفتم و سخن‌گوی مهدی کروبی که سال گذشته به ایران بازگشت و بلافاصله بازداشت شد، نیز از جمله نمایندگانی است که پیگیری‌های کاظم جلالی در آزادی‌اش تاثیرگذار بود. لذا در مقایسه با دیگر چهره‌های سیاسی-پارلمانی ایرانی، کاظم جلالی در دفاع از حقوق نمایندگان مجلس نقشی موثرتر داشته است.
سحام نیوز وب‌سایت نزدیک به مهدی کروبی در گزارشی از کمیسیون ویژه مجلس که به برای بررسی وقایع سال ۸۸ تشکیل شد به نقش کاظم جلالی در این کمیسیون پرداخته و می‌نویسد: «ماجراهای حوادث پس از انتخابات هنوز خط قرمز است، با این حال کهریزک هم به باقی ماجراها اضافه شده و حالا مجلس کمیسیون ویژه‌ای تشکیل داده تا ماجرا را پیگیری کند. کاظم جلالی یار نزدیک لاریجانی سخن‌گوی کمیسیون شده، اما ابوترابی‌فرد رضایتی از پیگیری‌ها ندارد و اکثریت اعضای کمیسیون ویژه تمایلی برای خواندن گزارش در صحن مجلس از حوادث کوی دانشگاه و کهریزک ندارند، اما جلالی که از اولین افرادی بوده که پس از حادثه کوی با دانشجوها صحبت کرده حالا به شدت پیگیر ماجراست، او اولین فردی بود که از تریبون رسمی مجلس اعلام کرد «در کهریزک قصور و جنایت صورت گرفته است.» با این حال به سبب گزارشی که ابوترابی در مجلس قرائت کرد و به نظر وی کامل نمی‌آمد، از این سمت استعفا کرد. هر چند بعدها در واکنش به حکم مرتضوی گفته بود: «برای پرونده مرتضوی، مجلس گزارش منصفانه‌ای به قوه‌قضائیه ارائه کرده و بیش از این از مجلس کاری برنمی‌آمد.» اما آن‌چه که هیچ وقت رسانه‌ای نشد، این بود که جلالی با آسیب دیدگان کهریزک دیدار داشت و دیداری هم با رییس مجلس برای آن‌ها ترتیب داد و آن‌طور که یکی از این حادثه دیدگان می‌گوید جلالی پس استماع آن‌چه بر جوانان در بازداشتگاهی که ویژه اراذل و اوباش بوده با چشمانی اشک‌بار از اتاق خارج شده است.»

سوابق اجرایی:
کاظم جلالی به رغم سن کم سابقه‌ای طولانی در پارلمان ایران دارد. او پیش از ورود به مجلس نیز در موقعیت‌های سیاسی-پژوهشی متعددی قرار داشته که اهم آن به این شرح است:

- نماینده مجلس دهم از حوزه انتخابیه تهران

- نماینده مجلس از حوزه انتخابیه شاهرود، دوره ششم تا نهم به مدت ۱۶ سال
- رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- معاون مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی
- کارمند معاونت بازرسی دفتر مقام رهبری
- کارشناس وزارت امور خارجه
- کارشناس سازمان صداوسیما
- استاد دانشگاه
- معلم

محمدرضا عارف

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: رئیس فراکسیون امید، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات
فراکسیون: امید

منتخب اول تهران، از استنفورد آمریکا تا بهارستان

کناره گیری از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ که به پیروزی حسن روحانی منجر شد، محمد رضا عارف را به وسط میدان سیاست پرتاب کرد. هرچند او پیش از این همیشه در صحنه سیاسی ایران حضور داشته، اما این تصمیم تاریخی او را به قطبی تازه در فضای سیاسی ایران تبدیل کرد. چهره‌ای که دو سال بعد از آن رویداد، توانست پرچمدار جنبش اصلاحات در انتخابات مجلس دهم باشد و در انتخاباتی نسبتا پرشور با بیشترین رای ممکن به عنوان نفر اول تهران، وارد مجلس و به عنوان یک گزینه جدی برای ریاست مجلس دهم مطرح باشد.

محمد رضا عارف کیست؟

او متولد ۲۷ آذر ۱۳۳۰ در شهر یزد است. نبوغ‌اش در ریاضی او را از دانشگاه تهران راهی یکی از پرآوازه‌ترین دانشگاه‌های امریکا کرد. دکترایش را در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه استنفورد آمریکا در رشته مهندسی برق گرفت و به ایران بازگشت تا به تدریس در دانشگاه صنعتی اصفهان مشغول شود. او علاوه بر تدریس خیلی زود به امور اجرایی و مدیریتی روی آورد و به‌عنوان معاون امور دانشجویی، فعالیت خود را در وزارت علوم آغاز کرد و به قائم مقامی وزیر علوم در دولت میرحسین موسوی رسید. در سال ۱۳۷۳ توسط وزیر علوم دولت هاشمی رفسنجانی به ریاست دانشگاه تهران برگزیده شد و سه سال بعد با روی کار آمدن دولت اصلاحات، با امضای محمد خاتمی و تایید مجلس پنجم به وزارت ارتباطات و فنآوری اطلاعات رسید و به فاصله کوتاهی از آن، ریاست سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را در دست گرفت. با شروع دولت دوم محمد خاتمی به معاونت اول رئیس جمهور ارتقاء پیدا کرد و در سال ۱۳۹۲ رسما با عنوان رئیس بنیاد امید ایرانیان برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام کاندیداتوری کرد و توانست از فیلتر شورای نگهبان عبور و رقابت انتخاباتی را آغاز کند. محمد رضا عارف اما در این رقابت‌ها، خود را با یک

خواست عمومی مواجه دید: انصراف و کناره‌گیری به نفع حسن روحانی. اگرچه او تمایلی به این تصمیم نداشت و خود را تنها نماینده جنبش اصلاحات در رقابت‌های انتخاباتی می‌دید ولی وقتی با نامه مکتوب محمد خاتمی و تقاضای رسمی او برای کناره‌گیری مواجه شد عرصه رقابت‌ها را ترک و میدان را به حسن روحانی واگذار کرد تا تصمیم او یکی از عوامل موفقیت روحانی تلقی شود. در حالی که خیلی‌ها انتظار داشتند تا او کارش را به‌عنوان معاون اول دولت روحانی آغاز کند ولی حسن روحانی کرسی معاونت اول را به جهانگیری سپرد و از عارف برای قبول مسوولیت یکی از وزارتخانه‌ها دعوت کرد اما این دعوت باب میل محمد رضا عارف نبود. چندی بعد نام عارف به عنوان جانشین حسن روحانی در مرکز مطالعات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح شد. اگرچه گفته می‌شد عارف به پذیرش این عنوان تمایل دارد ولی خبرهای غیررسمی از مخالفت آیت‌الله خامنه‌ای با این انتصاب حکایت داشت تا اینکه این کرسی نیز به علی اکبر ولایتی سپرده شد. اما عارف که دیگر خود را عالی‌ترین عنصر جنبش اصلاحات که مورد تایید حاکمیت می‌دید، فعالیت‌های سیاسی‌اش را تحت عنوان رئیس بنیاد امید ایرانیان توسعه داد و به محور تصمیم ساز جنبش اصلاحات در انتخابات مجلس دهم تبدیل شد. اگرچه عارف در هماهنگی با رهبری جنبش اصلاحات یعنی سید محمد خاتمی، انتخابات مجلس دهم را مدیریت می‌کرد ولی خبرهای جسته و گریخته از شورای عالی سیاست‌گذاری جنبش اصلاحات، از اختیار تام او برای تعیین کاندیداها و خط مشی جنبش اصلاحات در این انتخابات حکایت داشت. عارف اما در این راه با یک سد بلند روبرو بود و آن رد صلاحیت گسترده نامزدان جنبش اصلاحات توسط شورای نگهبان بود که دست‌اش را برای رقابت همه جانبه با رقیبان می‌بست. با این حال او در حوزه‌هایی که امکان رقابت وجود داشت با دست نسبتا پر خارج شد و لیست تحت حمایت‌اش در شهر تهران به طور کامل رای اعتماد مردم را اخذ و سی کرسی شهر تهران در مجلس دهم را به نام فهرست اصلاحات و امید اختصاص داد. او اینک در حال تشکیل فراکسیون اصلاحات و اعتدال در مجلس دهم و سنجش امکان رقابت با علی لاریجانی برای ریاست مجلس دهم است که از حوزه انتخابیه قم برای سومین بار به مجلس راه یافته است.

سوابق انقلابی

فعالیت انقلابی محمد رضا عارف به دوران دانشجویی باز می‌گردد. زمانی که به عنوان دانشجو در دانشگاه تهران وارد فعالیت‌های سیاسی شد. دورانی که متقارن با فعالیت‌های انقلابیون به رهبری آیت‌الله خمینی بود. فعالیت‌هایی که به دستگیری‌اش در سال ۱۳۵۴ توسط کمیته ضد خرابکاری (ساواک) منجر شد. عارف پس از آزادی، بلافاصله برای ادامه تحصیل به آمریکا مهاجرت کرد و هم‌زمان با تحصیل در دانشگاه استنفورد، جذب انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های آمریکا شد و به عنوان دبیر این انجمن بین سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۹ فعالیت داشت. حمایت از فعالیت‌های انقلابی آیت‌الله خمینی و ساماندهی فعالیت‌های دانشجویی از او چهره‌ای انقلابی ساخته بود. او سال ۱۳۵۹ با به پایان رساندن تحصیلات و دفاع از رساله دکترا به ایران بازگشت. اگرچه بازگشت‌اش با جنگ ایران و عراق همراه بود ولی در سوابق او اشاره‌ای به حضور یا عدم حضور در جبهه‌های جنگ و قبول مسوولیت در این خصوص نشده است.

سوابق و دیدگاه‌های سیاسی

تا پیش از روی کارآمدن دولت خاتمی، در هیچ جریان سیاسی نام عارف به عنوان نیروی تشکیلاتی نیامده بود ولی با پیروزی محمد خاتمی، نام عارف در میان بنیان‌گذاران جبهه مشارکت ایران اسلامی ثبت شد. حزبی که توسط نزدیکان محمد خاتمی تشکیل و به اتاق فکر جنبش اصلاحات تبدیل شده بود. عارف اگرچه از اعضای هسته مرکزی و اولیه حزب مشارکت بود ولی در عمل سیاسی نسبتی نزدیکی به حزب نداشت و به‌عنوان نیرویی میانه‌رو و معتدل خود را در فضای سیاسی ایران مطرح کرده است به‌طوری‌که او را بیشتر می‌توان نماد اعتدالیون و میانه‌روها دانست تا چهره‌ای موثر در آوانگاردترین حزب رسمی ایران یعنی جبهه مشارکت. ورود او به عرصه رقابت‌های انتخاباتی با شعار «معیشت، منزلت و عقلانیت» و شعار «زندگی آبرومندانه و شرافتمندانه در سایه کشورداری خردمندانه» نشان از دیدگاه غیر ایدئولوژیک و واقع بینی سیاسی او دارد. او خود را چهره‌ای اصلاح‌طلب و اهل تعامل با دنیا معرفی می‌کند و مهم‌ترین برنامه خود را ارتقاء وضعیت معیشتی مردم معرفی می‌کند.

عارف اگرچه رابطه نزدیکی با محمد خاتمی دارد و پس از پایان دولت اصلاحات، در رکاب او ریاست بنیاد باران، را برعهده می‌گیرد ولی رفته رفته می‌کوشد تشکیلات سیاسی خود را مستقل از خاتمی بنا کند. تشکیل بنیاد امید ایرانیان و جذب نیروهایی از درون مجموعه اصلاحات، اولین گام برای حفظ استقلال سیاسی اوست، اما عارف می‌داند که بدون حمایت محمد خاتمی و بدون برخورداری از حمایت بدنه جنبش اصلاحات در فضای سیاسی ایران جایگاهی نخواهد داشت از این رو می‌کوشد خود را پرچمدار نیروهای اصلاحات‌طلب مورد حمایت حکومت معرفی کند.

جنبش سبز و موضع محمد رضا عارف

برخلاف بسیاری از چهره‌های مشهور اصلاح‌طلب از جمله محمد خاتمی که در تظاهرات میلیونی سال ۸۸ شرکت فعال داشتند و در ردیف پیشتیبانان جنبش سبز به رهبری میرحسین موسوی و مهدی کروبی قرار می‌گرفتند. عارف هیچ‌گاه بطور علنی در حمایت از جنبش سبز تلاشی انجام نداد و هرگاه با پرسشی در خصوص جنبش سبز و میرحسین موسوی مواجه شد به حمایت از رفع حصر بسنده کرد. او بارها پیش از انتخابات وعده داد که در صورت پیروزی در انتخابات برای رفع حصر تلاش خواهد کرد و حضور پرشور در انتخابات را زمینه ساز رفع حصر عنوان کرده بود. او در کمپین انتخاباتی‌اش در سال ۱۳۹۲ نیز گفته بود: «رهبر معظم انقلاب هیچ‌وقت آقایان موسوی و کروبی را به عنوان سران فتنه نام نبرده‌اند و رأس فتنه را متوجه برخی کشورهای خارجی و معاند دانسته‌اند. هر کسی با توجه به دیدگاه و گرایش سیاسی که دارد می‌خواهد برای آقای موسوی و کروبی حکم صادر کند که این کار درستی نیست.»

به باور محمد رضا عارف در سال ۱۳۸۸ تخلف انتخاباتی رخ داد نه تقلب و براین باور بود که باید فضایی ایجاد شود که در دانشگاه بتوان روی اتفاقات این سال مطالعه کرد و مانع از تکرار آن شد. عارف پس از انتخاب حسن روحانی به مقام ریاست جمهوری رفع حصر را از مسوولیت‌های دولت عنوان کرده بود.

سوابق و روابط خانوادگی

پدرش میرزا احمد عارف از بازاریان شناخته شده یزد است که هیچ‌گاه در حکومت حضور نداشته است. همسرش حمیده مروج نیز متولد یزد و متخصص پوست و مو و عضو هیات

علمی دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) است. او سه فرزند پسر دارد. پسر ارشدش حمید رضا عارف در انتخابات مجلس دهم از حوزه انتخابیه یزد اعلام کاندیداتوری کرد ولی خیلی زود از کاندیداتوری انصراف داد. در محافل خبری شنیده می‌شد که او با اطلاع از رد صلاحیت‌اش انصراف داده است.

مسئولیت‌ها

عمده‌ترین مسوولیت‌های محمد رضا عارف در طول حیات سیاسی‌اش به این شرح است:

- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام
- نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی دوره دهم
- عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی
- عضو فرهنگستان علوم
- استاد برق دانشگاه صنعتی شریف
- رئیس شورای عالی سیاستگذاری احزاب اصلاح‌طلب
- رئیس بنیاد امید ایرانیان
- معاون اول دولت محمد خاتمی
- معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
- وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات
- قائم مقام وزیر علوم دولت هاشمی
- معاون دانشجویی وزارت علوم دولت میرحسین موسوی
- رئیس دانشگاه تهران

حمیدرضا حاجی بابایی

حوزه انتخابیه: همدان
سمت: رئیس فراکسیون اصول‌گرایان، عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات
فراکسیون: اصول‌گرایان

«یکتا»یی ناکام مجلس دهم

چند ماه قبل از انتخابات مجلس دهم و درست در زمانی که تصویب لایحه برجام در مجلس، فضا را برای «پایداری‌ها»، به عنوان اصلی‌ترین یاران احمدی نژاد در مجلس، تنگ کرده بود، جمعی از اعضای دولت احمدی نژاد گردهم آمدند و «یکتا» را راه‌اندازی کردند تا بتوانند در مجلس دهم سهمی قابل توجه داشته باشند، ولی از مجموع اعضای یکتا که برای انتخابات ثبت‌نام کردند تنها یک نفر به مجلس راه یافت و او کسی نبود جز «حمید رضا حاجی بابایی نماینده همدان». از این رو تلاش برای نشاندن او بر کرسی نایب رئیسی مجلس دوچندان شد تا حداقل شکست در انتخابات را با تصاحب این کرسی ترمیم کنند ولی آن‌ها در این میدان هم ناکام ماندند.

حمید رضا حاجی بابایی کیست؟

حمید رضا حاجی بابایی درسال ۱۳۳۸ در روستای مریانج همدان چشم به جهان گشود. او تحصیلات‌اش را در رشته دبیری الهیات از دانشگاه تهران پی گرفت و با فواصل زیاد تا مقطع دکترا پیش رفت. او فوق دیپلم‌اش را در سال ۱۳۵۸ از دانش سرای راهنمایی گرفت. لیسانس‌اش را با استفاده از سهمیه خانواده شهدا در سال ۱۳۶۷ در رشته دبیری الهیات از دانشگاه تهران گرفت. فوق‌لیسانس‌اش را در سال ۱۳۷۲ از دانشگاه آزاد کرج و دکترایش را در سال ۱۳۷۷ از دانشگاه آزاد تهران، زمانی که نمایندگی مردم همدان را در اختیار داشت، اخذ کرد.
در میان انقلابیون ۵۷، حاجی بابایی نامی ندارد و کمتر جایی یادی از مبارزات انقلابی او شده است. خودش تنها مدعی است که در راهپیمایی‌های اول انقلاب مشارکت داشته است. با پیروزی انقلاب ۵۷، او فعالیت‌اش را به عنوان معلم آغاز می‌کند و در مدارس همدان به تدریس مشغول می‌شود. با وجود اینکه سابقه‌ای در سپاه پاسداران ندارد ولی در مراسم تشییع جنازه

برادرش که در جنگ شهید شده بود لباس سپاه می‌پوشد.
برخلاف برادرانش که حضوری پررنگ در جبهه‌های جنگ ایران و عراق داشتند و به شهادت رسیدند، حمید رضا در این دوران به معلمی مشغول بوده و به ریاست آموزش و پرورش همدان می‌رسد. مقامی که سکوی پرتاب‌اش به مجلس شورای اسلامی می‌شود. او سنگینی مسوولیت آموزش و پرورش همدان را دلیل حضور کمرنگ در جبهه‌ها عنوان می‌کند ولی در عین حال می‌گوید: «در آن دوران رئیس آموزش و پرورش بودم و به علت بالا بودن حجم کار در شب عملیات‌ها به لشگر ۳۲ انصار الحسین (ع) ملحق می‌شدم.» او می‌گوید در عملیات مرصاد هم در محضر شهید همدانی حضور داشته است.
او برای اولین بار در انتخابات مجلس پنجم، موفق می‌شود نظر مساعد مردم همدان را جلب و بر صندلی قرمز مجلس وقت تکیه بزند. او اگرچه به لحاظ فکری به اصول‌گرایان تعلق داشت ولی در مجلس پنجم به فراکسیون مستقل‌ها می‌پیوندند تا در کنار محمد باقر نوبخت و طه هاشمی، خط اعتدال و میانه‌روی را در مجلس دنبال کنند. از این رو به عضویت حزب اعتدال و توسعه هم در می‌آید.
حاجی بابایی در مجلس اصلاح‌طلب ششم نیز کرسی خود را حفظ می‌کند ولی در این مجلس چون نه اصول‌گرایان و نه مستقل‌ها، مجالی برای عرضه‌اندام ندارند، به نماینده‌ای ساکت و گوشه‌گیر تبدیل می‌شود.
اما جهش حاجی بابایی از مجلس هفتم شروع می‌شود، او که سومین دوره حضور متوالی‌اش در مجلس را تجربه می‌کند، در غیاب چهره‌های شناخته شده اصلاح‌طلب و اصول‌گرا، موفق می‌شود به هیات رئیسه مجلس هفتم راه یابد. او کرسی خود در مجلس هشتم را نیز حفظ می‌کند.
مخالفت اعضای شورای رهبری حزب اعتدال و توسعه با سیاست‌های محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت سبب می‌شود تا حاجی بابایی که تمایل زیادی به احمدی نژاد یافته از عضویت حزب استعفا دهد. او با لابی گسترده به دولت احمدی نژاد راه می‌یابد به طوری که محمود احمدی نژاد در جلسه رای اعتماد وزیران پیشنهادی، لابی‌های پشت پرده او را برای ورود به دولت علنی می‌کند و خطاب به نمایندگان می‌گوید: «به آقای حاجی بابایی هم رای دهید تا بیاید و ببینند که در دولت هم هیچ خبری نیست.» به این طریق حاجی بابایی پس از چهار دوره حضور در مجلس، خانه ملت را به نیت حضور در دولت ترک می‌کند و به مقام وزارت آموزش و پرورش محمود احمدی نژاد می‌رسد.
با ورود به دولت احمدی نژاد، حاجی بابایی رسما به جرگه اصول‌گرایان و حامیان دولت می‌پیوندند. او با پایان یافتن کار دولت احمدی نژاد و در آستانه انتخابات مجلس دهم، با دیگر اعضای دولت احمدی نژاد، حزب یکتا را راه‌اندازی می‌کند. اعضای یکتا تلاش زیادی برای ورود به مجلس دهم می‌کنند تا در غیاب احتمالی پایداری‌ها، بتوانند به عنوان حامیان احمدی‌نژاد زمینه بازگشت او را به قدرت فراهم کنند ولی از این مهم باز می‌مانند. از مجموع اعضای یکتا که در انتخابات مجلس دهم اعلام کاندیداتوری می‌کنند او تنها کسی است که موفق می‌شود به مجلس راه یابد و با حمایت اصول‌گرایان برای تکیه بر صندلی نایب رئیسی مجلس خیز برمی‌دارد ولی موفق به تصاحب این مقام نمی‌شود.

سوابق اجرایی و مدیریتی

حمید رضا حاجی بابایی تا قبل از ورود به مجلس، تنها در وزارت آموزش و پرورش سابقه

فعالیت دارد ولی بعد از ورود به مجلس نه تنها موفق می‌شود مدرک تحصیلی دکترا دریافت کند بلکه به لحاظ اجرایی تا رده وزارت پیش می‌رود. مهم‌ترین سوابق اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- ریاست آموزش و پرورش همدان
- نماینده همدان در مجلس پنجم، ششم، هفتم، هشتم و دهم
- عضو هیات رئیسه مجلس هفتم و هشتم
- وزیر آموزش و پرورش دولت دوم محمود احمدی نژاد
- عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس
- عضو هیات امنای دانشگاه بوعلی سینا و دانشگاه علوم پزشکی همدان
- رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس

مردم چشم فتنه را کور کردند

اگر مخالفت با احمدی نژاد را از عوامل کلیدی تولد جنبش سبز بدانیم طبیعی است که یاران احمدی نژاد جدی‌ترین مخالفان جنبش سبز نیز باشند. از این رو حمید رضا حاجی بابایی که تریبون سخن‌گویی یاران محمود احمدی نژاد «یکتا» را برعهده دارد از جمله مخالفان جنبش سبز است لذا ابایی ندارد که بدنه جنبش سبز را چشم فتنه بخواند و از راهپیمایی حکومتی روز ۹ دی ماه ۱۳۸۸ به عنوان یک حرکت عظیم الهی یاد کند و بگوید:« در این روز مردم حماسه ساز ایران چشم فتنه و فتنه گر را کور کردند و این حرکت برخواسته از سخنرانی مقام معظم‌رهبری بود.»

حمیدرضا حاجی بابایی در تحلیل انتخابات سال ۸۸ که به تولد جنبش سبز منجر شد می‌گوید: «حضور پرشور مردم در سال ۸۸ ایران را وارد دنیای جدیدی می‌کرد و مشارکت آن‌ها ضریب امنیت، اقتدار کشور در صحنه بین‌المللی را افزایش می‌داد و باعث فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی، منطقه‌ای و دشمنی‌های استبکار جهانی می‌شد، اما متاسفانه آمریکا از این موضوع کاملا بیم داشت و براساس همکاری‌ها، همراهی‌ها، ندانم‌کاری‌های داخلی، خصومت‌ها و کینه توزی‌های چند دهه‌ای، فتنه‌ای را بر پا کردند که این فتنه مشکلات عدیده‌ای را برای کشور به دنبال داشت و تحریم‌های اقتصادی، فشارهای اقتصادی، سیاسی بعد از فتنه ۸۸ ناشی از همین اقداماتی بود که در داخل تحت عنوان فتنه ۸۸ شکل گرفت.»

دریافت پاداش ۱۰۰ سکه‌ای از احمدی نژاد

حاجی بابایی که در دوران وزارت با انتقادات شدید فرهنگیان روبرو بود و در حوادث زیان‌باری مثل مرگ تعداد زیادی از دانش‌آموزان در اردوهای راهیان نور و آتش‌سوزی شین آباد که به سوختن جمعی از دانش‌آموزان منجر شد به عدم کفایت متهم بود، در پایان دوره وزارت با پاداش ۱۰۰ سکه‌ای از سوی محمود احمدی نژاد روبرو شد. او شخصا دریافت این پاداش را تایید کرد ولی در عین حال مدعی شد که این سکه‌ها را میان مدیران وزارت‌خانه توزیع کرده است. او در این خصوص می‌گوید: « در دولت دهم به عنوان نشان پاداش به برخی از وزیران هدایایی اهدا شد که بنده نیز مشمول پاداش ۱۰۰ سکه شدم که تنها این هدیه مختص به من نبود. بنده این ۱۰۰ سکه را به نیم سکه تبدیل و در بین همکاران خود تقسیم کردم.»

حمایت از طرح چند همسری و اتهام چند همسری

لایحه حمایت از خانواده که منتقدان آن را مجوزی برای چند همسری مردان تلقی کردند توسط دولت محمود احمدی نژاد تقدیم مجلس هشتم شد. به رغم انتقادهای شدید فعالان زن، اما با حمایت نمایندگان مجلس این لایحه تصویب شد. حمید رضا حاجی بابایی یکی از مدافعان این لایحه بود. حمایتی که سبب شد تا رسانه‌ها پرده از وضعیت خانوادگی‌اش کنار بزنند و اعلام کنند که او خود دارای دوهمسر است. رسانه‌ها مدعی شدند که او در جوانی با دختری از روستای محل تولدش ازدواج می‌کند ولی پس از ورود به مجلس تصمیم می‌گیرد با دختر جوانی در تهران عقد زناشویی ببندد و از آن پس در ردیف مردان «دوزنه» قرار می‌گیرد. انتشار این خبر، سبب شد تا نگاه‌ها به مردهای دوزنه مجلس متمرکز شود به طوری که فخری محتشمی پور پس از دیدار فعالان زن با اعضای فراکسیون زنان مجلس هشتم به نقل از زهرا شجاعی مشاور امور زنان خاتمی، می‌گوید تعداد مردان «دو زنه» مجلس ۶۵ نفر است.

خانواده

دو برادرش در جبهه‌های جنگ ایران و عراق شهید شده‌اند و برادر سوم‌اش جانباز ۵۰٪ است. شهید علیرضا حاجی بابایی از دوستان شهید حسین همدانی بوده که در عملیات رمضان شهید شده است. او اولین فرمانده تیپ همدان در جبهه‌ها بوده است. حاجی بابایی مدعی است سپاه همدان را برادرش علیرضا به همراه شهید همدانی و شهید مظاهری راه‌اندازی کرده‌اند. پدرش نیز سابقه جبهه دارد و به گفته حاجی بابایی در عملیات کربلای چهار مجروح شده است.

علی اکبری

حوزه انتخابیه: بجنورد
سمت: رئیس کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی
فراکسیون: امید

رئیس جدید کمیسیون کشاورزی کیست؟

انتخابات هیات رئیسه کمیسیون‌های تخصصی مجلس دهم در سال دوم، برای اعضای فراکسیون امید فرصتی بود برای کسب کرسی‌های بیشتر. اما از میان چهره‌های شناخته شده این فراکسیون کسی به فهرست روسای کمیسیون‌های تخصصی اضافه نشد تا چهره‌ای کمتر شناخته شده به نام علی اکبری نماینده بجنورد در اولین حضورش در مجلس، بر کرسی ریاست کمیسیون کشاورزی تکیه زند و عدد اصلاح‌طلبان در میان روسای کمیسیون‌های تخصصی را به سه برساند. در سال اول اصلاح‌طلبان ریاست دو کمیسیون بهداشت و بودجه را در اختیار داشتند و حالا در سال دوم کنترل کمیسیون کشاورزی را نیز در دست دارند.

از تولد تا ورود به مجلس دهم

علی اکبری در سال ۱۳۴۷ در خانواده‌ای مذهبی در بجنورد به دنیا آمد. پدرش معلم قرآن بود و خود ترجیح داد به جای دبیرستان راهی هنرستان کشاورزی شود. او پس از اخذ دیپلم کشاورزی راهی جبهه‌های جنگ ایران و عراق شد. او تا سال ۱۳۶۶ کمتر از دو سال به پایان جنگ، در سه مرحله در مناطق جنگی حاضر شد. او در سال ۱۳۶۶ تصمیم به ادامه تحصیل گرفت. لذا خانه و کاشانه را به مقصد کرج ترک کرد تا در دانشکده کشاورزی کرج، مدرک مهندسی‌اش را اخذ کند.

با روی کار آمدن دولت سید محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ فرصت یافت تا به عنوان سرپرست بخشداری مرکزی تربت جام، راهی خراسان شود. اکبری پس از چند سال از تربت جام به تهران بازگشت تا باردیگر تحصیلات خود را دنبال کند. او این بار با ورود به دانشگاه آزاد تهران، در رشته روابط بین‌الملل مشغول تحصیل شد. او در دیدار با رئیس دانشگاه آزاد بجنورد، فارغ‌التحصیلی دانشگاه آزاد را افتخار خود عنوان کرده و خواستار توجه این دانشگاه به توسعه

مقطع تحصیلات تکمیلی می‌شود.
اکبری در اواخر دولت خاتمی برای بار دوم به سمت بخشدار منصوب ولی این بار راهی بجنورد شد. او پس از پنج سال از بجنورد به تهران آمد تا به عنوان معاون امور فنی و عمرانی فرماندار اسلامشهر مشغول فعالیت شود.
با روی کار آمدن دولت روحانی، اکبری برای بار سوم به خراسان بازگشت تا این بار در منصب فرمانداری شهرستان راز و جرگلان فعالیت کند اما پس از چند ماه از فرمانداری این دو شهرستان استعفا داد تا برای انتخابات مجلس دهم مهیا شود.
شرکت در انتخابات مجلس دهم و اعلام کاندیداتوری‌اش با استقبال اصلاح‌طلبان بجنورد همراه شد. او با حمایت ائتلاف امید پا به میدان رقابت انتخاباتی گذاشت و موفق شد با کسب ۱۰۳,۴۳۳ رای به عنوان نفر اول و به همراه علی قربانی دیگر کاندیدای اصلاح‌طلب بجنورد به مجلس راه یابد.
علی اکبری اگرچه بیشتر به عنوان بخشدار و فرماندار در حوزه وزارت کشور کار کرده و سوابق اجرایی‌اش در تناسب بیشتری با کمیسیون امنیت ملی یا کمیسیون شوراها بود ولی از آنجا تحصیلات‌اش در حوزه کشاورزی بود با تشخیص هیات رئیسه مجلس به کمیسیون کشاورزی و منابع طبیعی پیوست. اکبری اگرچه اولین تجربه پارلمانی‌اش را پشت سر می‌گذارد ولی در همین اول راه موفق می‌شود گام بلندی بردارد و بر کرسی ریاست کمیسیون کشاورزی تکیه بزند. او در انتخابات هیات رئیسه کمیسیون کشاورزی در سال دوم، کرسی ریاست را از علی شاعری تحویل می‌گیرد تا سومین اصلاح‌طلبی باشد که در مجلس دهم بر کرسی ریاست کمیسیونی تخصصی تکیه می‌زند.
علی اکبری علاوه بر ریاست کمیسیون کشاورزی، ریاست مجمع نمایندگان خراسان شمالی را نیز در اختیار دارد. این در حالی است که عبدالرضا عزیزی نماینده شیروان و رئیس کمیسیون اجتماعی و هادی قوامی نماینده اسفراین با سابقه نمایندگی بیشتر در مجمع نمایندگان خراسان شمالی حضور دارند.

سوابق اجرایی و مدیریتی اکبری

علی اکبری فعالیت اجرایی و مدیریتی‌اش را از سال ۱۳۷۶ با بخشداری تربت جام شروع کرده و تا قبل از ورود به مجلس بیشتر در سمت‌های بخشداری، معاون فرماندار و فرماندار مشغول بوده است. اهم سوابق اجرایی و سیاسی او به این شرح است:

- نماینده بجنورد و مانه و سملقان و جاجرم در مجلس دهم
- رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس دهم
- رئیس مجمع نمایندگان استان خراسان شمالی در مجلس دهم
- فرماندار شهرستان راز و جرگلان
- کارشناس امور بین‌المللی استانداری خراسان شمالی
- معاون امور فنی و عمرانی فرمانداری اسلامشهر
- عضو کمیسیون تصویب اراضی کشاورزی شهرستان‌های بجنورد و اسلامشهر
- دبیر کارگروه انطباق مصوبات شورای شهر تهران
- سرپرست اداره امور شهری و روستایی فرمانداری تهران
- بخشداری مرکزی تربت‌جام
- بخشدار مرکزی بجنورد

حامی حسن روحانی

علی اکبری از جمله نمایندگان مدافع کاندیداتوری حسن روحانی در مجلس دهم است. او حضور روحانی در دولت را عامل بهتر شدن وضع موجود می‌داند و می‌گوید: «فراموش نکرده‌ایم که نفت نزدیک بود در برابر غذا فروش برود اما امروز با رشد اقتصاد و کنترل تورم و تک رقمی شدن آن، وضعیت بهبود یافته است.» او البته نسبت به پرداخت‌های نجومی به مدیران در دولت روحانی انتقاد دارد و معتقد است حقوق و پرداخت‌های تمام کارکنان دولت، باید در معرض دید و کنترل آحاد جامعه قرار گیرد.

منتقد سیاست‌های ضد حقوق بشری آمریکا

کمتر فعالیت حقوق بشری در کارنامه این نماینده اصلاح‌طلب مجلس می‌توان پیدا کرد. نه سخنرانی مکتوبی در اعتراض به نقض حقوق بشر از این نماینده جایی ثبت است و نه نطقی در حمایت از حقوق بشر. در تنها مصاحبه‌ای که در فضای مجازی در خصوص حقوق بشر از علی اکبری می‌توان پیدا کرد، مصاحبه‌ای است که حقوق بشر در آمریکا را مورد نقد قرار داده و دولت آمریکا را به نقض حقوق بشر متهم کرده است. او در این مصاحبه گفته است: «دولت‌های آمریکا از موضوع حقوق بشر سوءاستفاده کرده و با بهره‌گیری ابزاری از آن در پی دست‌یابی به اهداف و مطامع خود هستند.» او رفتار دولت آمریکا با مردم عراق و افغانستان را مصداق عدم پایبندی دولت آمریکا به حقوق بشر عنوان کرده است.

خانواده

اطلاعات چندانی از خانواده علی اکبری در دست نیست. بنابر اطلاعات موجود در رسانه‌ها، پدرش معلم قرآن بوده و همسرش دکتر شهربانو جلایی عضو هیات علمی گروه روانشناسی واحد بجنورد دانشگاه آزاد اسلامی است.

داود محمدی

حوزه انتخابیه: قزوین
سمت: رئیس کمیسیون اصل نود
فراکسیون: اصول‌گرایان

سکاندار کمیسیون اصل نود

انتخاب داود محمدی نماینده اصول‌گرای قزوین به ریاست کمیسیون اصل نود، نشان داد که اصلاح‌طلبان مجلس دهم، پتانسیل این کمیسیون و اهمیت آن را نادیده گرفته و آن را دو دستی تقدیم اصول‌گرایان کردند تا تنها روزنه ممکن برای رسیدگی به شکایات مردمی از دستگاه دولتی و قضایی بسته بماند. کمیسیونی که قانونا وظیفه رسیدگی به شکایات مردم را برعهده دارد. کمیسیونی که در مجلس ششم با حضور چهره‌های شناخته شده اصلاح‌طلب به کمیسیون پرخبر و فعال تبدیل شده بود. اما در مجلس دهم، به اصول‌گرایان سپرده شد تا داود محمدی زیر سایه علی لاریجانی رئیس مجلس و عضو کمیسیون اصل نود، هدایت آن را طبق رهنمودهایش برعهده بگیرد.

داود محمدی کیست؟

داود محمدی متولد ۱۳۴۲ در شهر قزوین و در خانواده‌ای مذهبی است. او پس از اتمام دبیرستان، برای گذراندن لیسانس حقوق قضایی راهی دانشگاه علوم قضایی تهران شد. او پس از اتمام کارشناسی، تحصیلات خود را تا مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی ادامه داد.

با اتمام تحصیلات که به سال ۱۳۷۳ بازمی گشت، او وارد دستگاه قضایی شد و به‌عنوان رئیس دادگاه‌های عمومی بویین زهرا مشغول به کار شد. قضاوت، بازرسی و ریاست ستاد اجرایی فرمان امام در استان زنجان از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های او در دهه هفتاد و هشتاد بود.

در تمام سال‌های منتهی به انقلاب و دوران جنگ ایران و عراق او به تحصیل مشغول بوده و هیچ اشاره‌ای در زندگینامه دست نوشت او به سابقه‌ای در انقلاب و جنگ اشاره نشده است.

فعالیت‌های محمدی به حوزه قضایی محدود نمی‌شود او علاقه زیادی به شاعری دارد و شعر

می‌گوید و در بازی پینگ‌پنگ مدرک مربی‌گری بین‌المللی دارد و سال‌ها در این حوزه مشغول بوده است.
محمدی اولین بار در مجلس نهم عزم خود را برای ورود به پارلمان جزم کرد و توانست به عنوان منتخب اول راهی مجلس شود. او پس از ورود به مجلس نهم به کمیسیون اصل نود پیوست و به عنوان نایب رئیس کمیسیون و دبیر کمیته اقتصادی این کمیسیون مشغول بود. رسیدگی به پرونده بابک زنجانی از جمله مهم‌ترین وظایف او در مجلس نهم بود.
محمدی اگرچه به اصول‌گرایان گرایش دارد ولی خود را اعتدال گرا معرفی می‌کند و در انتخابات مجلس دهم از حمایت ائتلاف امید نیز برخوردار بوده است. خانه کارگر مهم‌ترین تشکل اصلاح‌طلب حامی داود محمدی در انتخابات مجلس دهم بود و با چنین حمایت‌هایی در انتخابات مجلس دهم نیز موفق شد آرای مردم قزوین را جلب و به این مجلس راه یابد. محمدی که با پیشنهاد علی لاریجانی به کمیسیون اصل نود پیوسته بود توانست در دومین حضور خود در این کمیسیون، بر صندلی ریاست آن تکیه زند.

سوابق اجرایی و قضایی:
مهم‌ترین سوابق اجرایی و قضایی محمدی به این شرح است:

- نماینده قزوین در مجلس نهم و دهم
- رئیس کمیسیون اصل نود در مجلس دهم
- مدیر کل بازرسی استان زنجان
- معاون اجرایی ستاد احیاء و امر به معروف و نهی از منکر استان زنجان
- رئیس دادگاه تجدید نظر و معاونت دادگستری استان زنجان
- دبیر شورای عالی حفظ حقوق بیت المال و دبیر شورای قضایی استان زنجان
- مشاور عالی تربیت بدنی استان قزوین
- رئیس شورای دستگاه‌های نظارتی استان زنجان
- رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) استان زنجان
- رئیس مجمع خیرین ورزشیار استان قزوین
- مسئول پیگیری و رابط اداره کل بازرسی استان تهران و استان‌های قزوین و زنجان
- رییس دادگاه‌های عمومی آوج و بوئین زهرا
- رئیس آموزش فدارسیون تنیس روی میز آسیای میانه
- مشاور ورزشی وزارت مسکن و شهرسازی کشور
- مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای قزوین و زنجان
- عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی علامه قزوینی
- مدرس دانشگاه‌های پیام نور قزوین، ابهر و بوئین زهرا
- عضو شورای مرکزی هیات عالی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا

نقش محمدی در رد صلاحیت کاندیداهای انتخابات شوراها
داود محمدی با ورود به مجلس نهم، به عضویت شورای مرکزی هیات عالی نظارت بر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا در آمد و طبق قانون وظیفه بررسی صلاحیت کاندیداها را برعهده داشت. او اگرچه معتقد است که این هیات در بررسی صلاحیت‌ها، نظارت استصوابی را هم‌چون شورای نگهبان اعمال نکرده ولی وقتی در برابر پرسش خبرنگاری مبنی بر دلایل رد

صلاحیت نفر اول علی البدل انتخابات قزوین مواجه می‌شود ابراز بی‌اطلاعی می‌کند.
داود محمدی می‌گوید: «در انتخابات شوراها نظارت ما نظارت استصوابی نیست. مثلاً رد یا تایید صلاحیت شوراهای اسلامی روستاها اصلاً به هیات مرکزی نظارت کشور ارتباطی ندارد و تنها ۳ نفر از نمایندگان هیات عالی نظارت استانها حق دخالت و رسیدگی را دارند. در تایید صلاحیت‌ها پرونده آن‌هایی که هیات استان صلاحیت‌شان را تایید کرده است دیگر به هیات عالی کشور ارسال نمی‌شود و به طور اتوماتیک به عرصه انتخابات وارد می‌شوند. اما کسانی که در شهرها رد صلاحیت شوند پرونده آن‌ها به هیات مرکزی نظارت بر انتخابات می‌آید. پیرامون انتخابات شهر قزوین تمامی عزیزانی که در حال حاضر عضو شورا هستند در استان و توسط هیات عالی استان تایید صلاحیت شده‌اند و پرونده هیچکدام از آن‌ها به هیات مرکزی نظارت کشور ارسال نگردیده است.»
در واکنش به ادعای محمدی خبرنگار صدای قزوین می‌پرسد: «پس رد صلاحیت نفر اول علی البدل قزوین چه به صورت انجام شد؟ محمدی در پاسخ می‌گوید: من این موضوع را از نشریات و رسانه‌ها شنیده‌ام و پرونده نامبرده اساساً در هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها مطرح نشده است.»

مثلث شوم تروریسم و ناقض حقوق بشر در منطقه

در پی اغتشاشات ناشی از بی‌احترامی مجله فرانسوی به پیامبر اسلام، محمدی در نطقی در صحن علنی مجلس، داعش، کشورهای غربی و ملت‌های مرتجع منطقه را مثلث شوم تروریسم و ناقض حقوق بشر معرفی کرده و می‌گوید: «دیگر ادعای پوشالی شما برای حمایت از حقوق بشر خریداری ندارد و فریاد حقوق بشرتان با اسپانسرهای رسانه‌ای گوش فلک را پرکرده است و برای مردم ما بیش از همه روشن و واضح است و تشت رسواییتان از بام گیتی افتاده و دیگر ما در محاسباتمان دچار اشتباه نمی شویم.» محمدی در حالی کشورهای غربی را به نقض حقوق بشر متهم و به آن‌ها حمله می‌کند که در کارنامه قضایی و نمایندگی‌اش کمتر اثری از تلاش برای استیفای حقوق بشر در ایران دیده نمی‌شود. در هیچ یک از نطق‌های محمدی اعتراضی نسبت به نقض حقوق بشر یا پیگیری حقوق شهروندی دیده نمی‌شود. نگاهی به وب‌سایت شخصی او نیز نشان می‌دهد که تمام تذکرات‌اش به وزرا و مسولان اجرایی به مسایل محلی محدود و رنگ و بوی تبلیغات دارد.

۹ دی پاسخ حماسی به نیرنگ دشمنان در فتنه ۸۸

داود محمدی در صحن علنی مجلس با گرامیداشت روز ۹ دی، شرکت‌کنندگان در این راهپیمایی حکومتی را حضور حماسی مردم در پاسخ به ترفندها و نیرنگ دشمنان در حوادث فتنه ۸۸ می‌خواند و می‌گوید: « تاکنون پس از انقلاب اسلامی اگرچه موانعی را برای ملت ایران به وجود آورده است اما در نهایت ملت ایران بر عزم خود راسخ‌تر شده است. کینه‌توزی دشمنان انقلاب تاکنون نیک فرجامی را برای کشور و ملت ما به همراه داشته است.» محمدی به‌عنوان نایب رئیس کمیسیون اصل نود بدون اشاره به نتیجه بررسی شکایت آسیب‌دیدگان حوادث سال ۸۸، تنها به تایید موضع رهبر ایران بسنده کرده و می‌گوید: «در این موضوع که چرا عده‌ای موضع صریحی درباره فتنه سال ۸۸ ندارند، باید توجه کرد که ما در نظام جمهوری اسلامی فصل الخطاب همه مسائل را بیانات رهبر معظم انقلاب می‌دانیم. زمانی که رهبری در مورد حوادث سال ۸۸ ورود پیدا کردند و با فتنه نامیدن آن اظهارنظر صریح خود را بیان

کردند تکلیف همه مسئولین و مردم مشخص می‌شود و باید همه از این سخنان تبعیت داشته باشند. قطعا عمل نکردن عده‌ای به توصیه‌ها و تذکرات رهبر معظم انقلاب یک اشتباه محض است و این افراد در هر جایگاهی که باشند، به بیراهه می‌روند.»
اطلاعاتی از روابط خانوادگی داود محمدی با دیگر ارکان قدرت در دست نیست.

غلامرضا تاجگردون

حوزه انتخابیه: گچساران
سمت: رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات
فراکسیون: امید

در شهرستان اصلاح‌طلب، در تهران اصول‌گرا

اطلاعات جایگزین یکی از سایت‌های محلی در مطلبی با عنوان «رفتار شناسی آقای تاجگردون» از نماینده گچساران توصیفی به دست می‌دهد که بسیاری از سایت‌های محلی دیگر استان کهگیلویه و بویراحمد نیز آن را بازتاب داده‌اند. دراین مطلب به طور خلاصه رویکردهای سیاسی این نماینده مجلس تشریح شده و آمده که «ایشان در سالیان دور یک تکنوکرات وابسته به جریان کارگزاران سازندگی خوانده می‌شد که با روی کار آمدن دولت سید محمد خاتمی به عنوان یک اصلاح‌طلب معرفی و پس از راهیابی به مجلس شورای اسلامی عضو فراکسیون اصول‌گرایان رهروان ولایت شد.»

این سایت در ادامه به «جانبداری تاجگردون از محسن رضایی» در انتخابات سال ۹۲ و سپس «حضور در میان هواداران روحانی و ابراز خوشحالی از پیروزی او» اشاره می‌کند و پس از مروری بر مواضع جدید و قدیم او نتیجه می‌گیرد: «اگرامروز به کنایه عنوان می‌شود که آقای تاجگردون در شهرستان اصلاح‌طلب هستند و در تهران اصول‌گرا، حکایت از واقعیت تلخی دارد که تاکنون شاهد مرزبندی شفافی در بیان اصول و دیدگاه فکری ایشان نبوده ایم و به ظاهر نخواهیم بود.»

غلامرضا تاجگردون شهریور سال ۱۳۴۵ در شهر دوگنبدان، شهرستان گچساران متولد شد. در جریان جنگ ۸ ساله ایران وعراق برادرش احمدرضا کشته و خودش در حالی‌که فقط ۱۶ ساله داشته در عملیات آزادسازی خرمشهر شرکت می‌کند و مجروح می‌شود. سال ۱۳۶۳تحصیل دررشته علوم اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی را آغازمی‌کند و ۷ سال بعد فوق‌لیسانس خود را دربرنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی به پایان می‌برد.

تاجگردون در دوران دانشجویی عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی و جهاد دانشگاهی بود و همان زمان در حالیکه کمتر از۲۵ سال داشت به پیشنهاد نوربخش و پرویز داوودی به مدیر

کلی دفتر تحقیقات و سیاست‌های مالی وزارت اقتصاد منصوب می‌شود. خودش می‌گوید: «شاید بتوان در آن مقطع اینجانب را در زمره جوان‌ترین مدیران ارشد اقتصادی، اجرایی کشور قرار داد.»

او تا۱۰ سال بعد از فارغ‌التحصیلی (۷۱تا۸۰) رئیس سازمان برنامه وبودجه استان کهکیلویه و بویراحمد بود.

آغاز و پایان دولت‌های خاتمی برای تاجگردون همراه با دو تقدیرنامه بود؛ در سال ۷۶ و در هفته اول آغاز به کار دولت جدید لوح کارمند نمونه کشور و اواخر دولت دوم اصلاحات «نشان درجه سه خدمت» را می‌گیرد. برای او سال ۸۰ آغازی بود برای عزیمت به مرکز و انتصاب در مسوولیت‌های مختلف و رسیدن به معاونت سازمان مدیریت. چهار سال بعد و به قدرت رسیدن محمود احمدی نژاد نیز آغازی بود برای خروج‌اش از دولت یا یه تعبیر خودش «خروج تعداد وسیعی از نیروهای کارشناس کشور از بدنه مدیریتی دولت.»

غلامرضا تاجگردون یکی از۷ مقام دولتی بود که درحمایت ازتحصن اعتراضی نمایندگان مجلس ششم با نوشتن نامه‌ای به رییس جمهور وقت، ازسمت خویش استعفا دادند. اگرچه بسیاری از این استعفاها عملی نشد و تاجگردون که آن زمان معاونت سازمان برنامه و بودجه را برعهده داشت تا پایان دولت هشتم در دولت ماند.

با آغاز به کار دولت نهم او به تدریس در مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت برنامه‌ریزی می‌پردازد و سپس درمقطع دکترای مدیریت اقتصادی در دانشگاه گلوبال بیزینس آکادمی بلژیک «به صورت ترددی» ادامه تحصیل داده و سال ۲۰۰۸ فارغ‌التحصیل میشود.

تاجگردون در انتخابات مجلس نهم ابتدا رد صلاحیت و به فاصله کوتاهی تایید صلاحیت شد. ابتدای بهمن ماه ۱۳۹۰ و درآستانه انتخابات، در مصاحبه‌ای تفصیلی با یک سایت محلی اصول‌گرا دیدگاه‌هایش را درباره دخالت سپاه در اقتصاد، مذاکره با آمریکا، شعار نه غزه نه لبنان، انحلال حزب مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب، حکم حکومتی و ... بیان می‌کند. تاجگردون درمقابل بسیاری پرسش‌ها یا جواب‌های صریح نمی‌دهد یا بی‌پاسخ می‌گذارد.

از او که رئیس کمیته مدیران ستاد میرحسین موسوی بوده درباره حصر و تقلب در انتخابات می‌پرسند که می‌گوید: «من دوست دارم که آقایان درحصر نباشند وانشالله شرایط مملکت طوری شود که این دو عزیز هم از حصر خارج شوند... قانون می‌گوید تقلب نشده است. من قائل به تقلب گسترده در انتخابات نیستم. من اعتقاد دارم طراحان (نه سران) جریان فتنه و انحراف در کشور هر دو یکی است. یک نفر طراحی کرده و در این طراحی یک گروه در حال بازی کردن هستند. حالا ان شالله یک روزی این طراح اصلی را حکومت پیدا خواهد کرد. قطعا رد خارجی هم در آن هست. ولی اینکه بگوییم این طراح آقای میرحسین بوده یا آقای خاتمی بنظرم طراح‌شان این‌ها نمی‌توانند باشند. طراحش باید خیلی ورزیده‌تر از این دو بزرگوار باشد. حالا شاید یک روز بشود دید که طراحش در جریان انحراف بوده است.» او درباره تظاهرات ۹ دی ۸۸ هم می‌گوید: «فکر کنم در تظاهرات نهم دی در ایران نبودم.»

تاجگردون در این مصاحبه نقش احمدخاتمی (امام جمعه تهران) و احمدتوکلی را درتایید صلاحیت‌اش تایید نمی‌کند.

عضویت تاجگردون در فراکسیون اصول‌گرایان رهروان ولایت مجلس نهم با انتقاد چهره‌های اصلاح‌طلب گچساران مواجه می‌شود. نزدیکان غلامرضا تاجگردون در واکنش به موج انتقادات این رفتار تاجگردون را برای استفاده وی از تریبون حداکثری در جهت پیشبرد اهداف وی خواندند. علیرغم انتقادها او هم‌چنان دراین فراکسیون ماند و خرداد ماه ۹۳ نیزدر انتخابات

درون فراکسیونی رهروان ولایت برای معرفی کاندیدای هیات رئیسه مجلس به نفع محمد رضا باهنر کنار کشید.
تاجگردون درمجلس نهم به کمیسیون کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات رفت و دو سال اول که هم‌زمان با دوسال پایانی ریاست جمهوری احمدی نژاد بود به عنوان نایب رئیس اول این کمیسیون انتقادات زیادی را به رویه اقتصادی دولت دهم مطرح کرد.
او مرداد ۱۳۹۱ در نامه‌ای سرگشاده که هفته نامه تجارت فردا آن را منتشر کرد خطاب به رییس دولت دهم خواست که گروهی متخصص را تعیین کرده تا تصمیم چند ساله وی یعنی انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی را مورد بازنگری قرار دهند و تاکید کرد :«جسارت کنید سازمان مدیریت را برگردانید» درپایان نیز تصریح کرد: «اگر غیر از این عمل کنید، گله‌ای نیست. دیگری خواهد آمد و گره گشایی خواهد کرد و شما از این فرصت طلایی در تاریخ امور اجرایی کشور بی‌نصیب خواهید شد.»
نماینده گچساران دی ماه گذشته به‌عنوان رییس کمیسیون تلفیق بودجه ۹۴ انتخاب شد که با استقبال سایت‌های استان کهگیلویه و بویراحمد مواجه شد. او هم‌اکنون دومین سال ریاست‌اش بر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نهم را تجربه می‌کند.

علاءالدین بروجردی

حوزه انتخابیه: بروجرد
سمت: رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی
فراکسیون: اصول‌گرایان

مصونیتی فراقانونی

۱۷ مرداد، که از آن به عنوان روز خبرنگار یاد می‌شود، یاد آور خاطره تلخ کشته شدن خبرنگار سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی در افغانستان است. اتفاقی که مدیریت علاءالدین بروجردی، مسوول وقت میز افغانستان در وزارت امور خارجه را زیر سوال برد ولی نه تنها به اتهام کوتاهی و سوء مدیریت او که به ترور روزنامه‌نگار ایرانی منجر شد کسی رسیدگی نکرد، بلکه بلافاصله از مردم بروجرد رای اعتماد گرفت و صاحب یک کرسی مجلس شورای اسلامی شد، همان‌طور که کسی به اتهام او در پرونده اختلاس سه هزار میلیاردی رسیدگی نکرد و گزارشی از آن منتشر نشد تا روشن شود مصونیت قضایی، فرای مسوولیت نمایندگی مجلس دارد.

علاءالدین بروجردی کیست؟

علاءالدین بروجردی در سال ۱۳۲۹ در شهر لار استان فارس و در خانواده‌ای روحانی متولد شد. هم پدر و پدر بزرگش آیت‌الله بودند و هم از طرف مادری آیت‌الله زاده است. او به همراه پدر به نجف مهاجرت می‌کند و تحصیلات خود را در مدرسه ایرانیان نجف سپری می‌کند. او سال ۱۳۵۰ به ایران باز می‌گردد و در دانشگاه تبریز در رشته علوم آزمایشگاهی به تحصیل مشغول می‌شود. بروجردی با اوج‌گیری مبارزات انقلابی در ایران، راهی دوبی شده و در آزمایشگاه بیمارستان هلال احمر دوبی مشغول به کار می‌شود. در سال ۱۳۶۰ درحالی‌که هنوز در دوبی مشغول به کار بود، با حکم محمد علی رجایی رئیس جمهور وقت، به عنوان اولین سرکنسول ایران در دوبی منصوب می‌شود، تا پایش به وزارت امور خارجه باز شود.
بروجردی پس از ورود به وزارت امورخارجه، ضمن ماموریت، تحصیلات‌اش را در رشته روابط بین‌الملل در دانشگاه تهران ادامه داد و فوق‌لیسانس دریافت کرد. او سال‌ها در وزارت

امورخارجه مورد حمایت و تایید علی اکبر ولایتی بود به طوری که با احکام او به سمت‌های مهم دیپلماتیک رسید. کاردار ایران در عربستان، سفیر ایران در چین، معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه، معاون مشاور امور بین‌الملل رهبر ایران از جمله مسوولیت‌های مهم او در این وزارت‌خانه بوده است.

قتل دیپلمات‌ها و خبرنگار ایرانی در افغانستان

آخرین مسوولیت او در وزارت امور خارجه که خاطره تلخی را برای ایرانیان، خصوصا خبرنگاران رقم زد، مسوولیت میز افغانستان در وزارت امور خارجه بود. در حالی که طالبان درگیر جنگ با نیروهای افغان مورد حمایت ایران بود و احتمال حمله به کنسولگری ایران پس از تصرف مزارشریف وجود داشت، پس از ورود به مزار شریف، دفتر کنسولی ایران را مورد حمله قرار داد و تعدادی از کارکنان کنسولگری از جمله خبرنگار اعزامی سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی را به قتل رساند. علاءالدین بروجردی در حالی که چند روز قبل از وقوع این جنایت در محل جرم حاضر بود نه تنها احتمال حمله را به تهران گزارش نکرد و خواستار تخلیه دفتر کنسولگری نشد بلکه با تماس با خبرگزاری جمهوری اسلامی خواستار حضور شهید صارمی در افغانستان می‌شود. محمدرضا فرقانی کاردار سابق ایران در افغانستان در سالروز حادثه حمله طالبان به سفارت ایران در مزارشریف که منجر به شهادت ۸ تن از دیپلمات‌های وزارت خارجه و خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی شد، در گفتگویی به خبرگزاری مهر می‌گوید:

در آن زمان دو نظریه وجود داشت. مسئولان ستاد افغانستان در وزارت خارجه (به مدیریت علاءالدین بروجردی) نظرشان این بود که با توجه به نحوه عملکرد طالبان با کنسولگری‌های ایران در هرات، کابل و جلال‌آباد اگر مزار شریف هم بدست طالبان بیفتد هیچ اتفاقی برای دیپلمات‌ها نخواهد افتاد؛ ...البته نظر دومی هم وجود داشت که گفته می‌شد با توجه به تلفات نسبتا شدیدی که طالبان در دور اول تصرف مزارشریف داشت، حتما این بار طور دیگری عمل خواهد کرد.» او می‌افزاید: «سفیر وقت ایران در افغانستان پیش‌بینی می‌کرد که طالبان مشکلی برای دیپلمات‌ها به وجود می‌آورد، لذا ۴۸ ساعت قبل از حادثه مزارشریف را ترک کرد و خودش را به ازبکستان رساند و کاردار موقت که شهید ریگی بود را به عنوان سرپرست گذاشت. در آن ایام تصمیم‌گیری در وزارت امور خارجه برعهده علاءالدین بروجردی بود.»

خدیجه روزبهانی همسر شهید محمود صارمی در این خصوص می‌گوید: «محمود به تازگی از افغانستان برگشته بود و آپاندیسش را جراحی کرده و در حال گذراندن دوران نقاهت بود که یک شب آقای بروجردی با منزل ما تماس می‌گیرد و به همسرم می‌گوید که باید به افغانستان برگردد. همسر من درحالی‌که بیمار بود و کسالت داشت، ۱۴مرداد تهران را به قصد مشهد ترک کرد و از مشهد عازم افغانستان شد. شخص آقای بروجردی او را راهی افغانستان در حال جنگ کرد و به‌خوبی از خطرات آگاهی داشت.» همسر شهید صارمی می‌افزاید: «آقای بروجردی همسر من را چندبار به صورت تلفنی تحت فشار قرار داد، خاطرم می‌آید همسرم با هواپیمای جنگی عازم مزارشریف جنگ‌زده شد، همان هواپیمایی که آقای بروجردی با آن به ایران بازگشت!»

این در حالی است که علاءالدین بروجردی در برنامه‌ای تلویزیونی معاونین وزارت خارجه را مسوول این اتفاق معرفی کرده و گفته بود: «در آن زمان مسوولیتی نداشته و تنها نماینده ویژه دولت در افغانستان بوده و حتی آن زمان به وزارت خارجه اعلام می‌کند که وضعیت خطرناک است و باید هرچه زودتر اتباع ایرانی را به کشور فراخوانند. معاونین وقت وزارت خارجه توافق نکردند که دیپلمات‌ها و خبرنگاران را از افغانستان بیرون ببریم و قرار شد مسوولیت را به

نیروهای امنیتی پاکستان محول کنیم و به اصطلاح گوشت را به دست گربه دادیم.»

خروج از وزارت امور خارجه و تکیه بر صندلی مجلس

با پایان یافتن دوران ۱۶ ساله وزارت علی اکبر ولایتی، فضا برای مدیران او از جمله علاءالدین بروجردی تنگ شد تا او نیز همچون ولایتی با وزارت امور خارجه وداع گوید. او پس از خروج از وزارت خارجه، برای اولین بار در انتخابات مجلس ششم اعلام نامزدی کرد و از حوزه بروجرد به مجلس راه یافت. بروجردی در مجلس اصلاح‌طلب ششم، مجالی برای خودنمایی نداشت و به عنوان عضو کمیسیون امنیت ملی، چهار سال نمایندگی‌اش را پشت سر گذاشت. با روی کار آمدن مجلس اصول‌گرای هفتم، او در میان چهره‌های نه چندان مطرح اصول‌گرای مجلس هفتم، بیشتر به چشم آمد و به ریاست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی رسید و این کرسی را برای چهار دوره متوالی حفظ کرد.

در انتخابات مجلس دهم در حالی که ۱۶ سال سابقه نمایندگی داشت، با چالشی جدی در حوزه انتخابیه روبرو شد. مطرح شدن نامش در میان متهمان پرونده اختلاس سه هزار میلیاردی و شکل‌گیری شایعه رد صلاحیت اش، سبب شد تا با ریزش شدید آراء روبرو شد، به طوری که، بروجردی برای اولین بار نتوانست در مرحله اول انتخابات راهی مجلس شود. انتخابات بروجرد به دور دوم کشیده شد ولی در دور دوم، او توانست رای بیشتری کسب کند و به مجلس راه یابد. نزدیکی به حسن روحانی و حمایت قاطع‌اش در مجلس نهم از سیاست خارجی دولت سبب شد تا با حمایت نمایندگان اعتدالگرا و اصول‌گرای کمیسیون امنیت ملی بار دیگر به ریاست این کمیسیون برسد. هرچند او در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ نماینده علی اکبر ولایتی در جلسه ائتلاف اصول‌گرایان بود.

نماینده دمشق یا بروجرد؟

اگه به برنامه‌های کاری علاءالدین بروجردی نگاه کنید، بیشتر به برنامه‌های سفر او به دمشق مواجه می‌شوید تا بروجرد. خصوصا طی چند سال اخیر که سوریه دچار بحران شده، بروجردی هر چند ماه یک بار به این کشور سفر کرده و با بشار اسد رئیس جمهور این کشور دیدار داشته است. او که گفته می‌شود به زبان عربی تسلط کامل دارد، در سفرهای متعدد به دمشق، از حامیان اصلی سوریه در مجلس ایران شناخته می‌شود. میزبانی از فعالان سوری در مجلس شورای اسلامی، میزبانی از مجروحان سوری در تهران، نظارت بر انتخابات سوریه، تقدیم طرح مشارکت ایران در بازسازی سوریه و ... از جمله فعالیت‌های بروجردی در دوران نمایندگی است. او در اولین سفر خارجی مجلس دهم، هفته گذشته (هفته دوم مردادماه) به همراه هیاتی در دمشق بود.

سوابق اجرایی و مدیریتی

علاءالدین بروجردی در تمام سال‌های پس از انقلاب ۵۷ در رده مدیریتی سمتی مهم داشته است. مسوولیت‌های بروجردی در دو دوره ۲۰ ساله قابل تقسیم است. بیست سال او را در وزارت امور خارجه و بیست سال دوم را در مجلس شورای اسلامی گذرانده است (دوره چهارساله پنجم را در مجلس می‌گذراند). او در تمام این سال‌ها، این مسوولیت‌ها را برعهده داشته است:

- سرکنسول ایران در دوبی
- کاردار ایران در عربستان
- سفیر ایران در چین

- معاون آسیا و اقیانوسیه وزارت امور خارجه
- معاون مشاور امور بین الملل رهبر ایران (مشاور ولایتی)
- معاون امور بین الملل مجمع جهانی اهل بیت
- نماینده بروجرد در مجلس ششم تا دهم
- رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هفتم تا دهم

انقلاب ۵۷ و جبهه و جنگ

در سال‌های منتهی به انقلاب ۵۷ تا چند سال پس از پیروزی انقلاب، بروجردی در دوبی زندگی می‌کرده و طبیعتا مشارکتی در انقلاب نداشته است. اما در زندگینامه‌اش مدعی است که در دوران دانشجویی، بین سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۴، از فعالان سیاسی بوده و توسط ساواک بازداشت هم شده است. او مدعی است که پس از پیروزی انقلاب کمیته انقلاب را در دوبی راه‌اندازی کرده (معلوم نیست ماموریت این کمیته و حوزه فعالیت‌اش چه بوده است؟) به‌هرحال او عضو خانواده روحانیون بوده و احتمالا از همین جهت در رابطه نزدیک به نیروهای مذهبی انقلابی بوده است.

با شروع جنگ ایران و عراق او در آزمایشگاه بیمارستان هلال احمر دوبی کار می‌کرده و در زندگینامه‌اش آمده که از آنجا تجهیزات پزشکی برای مناطق جنگی ارسال می‌کرده است. او سال ۶۰ به‌عنوان سرکنسول ایران در دوبی مشغول شده و بعد به عربستان مامور شده، بنابراین سال‌های جنگی را خارج از ایران و در حوزه دیپلماسی مشغول بوده است.

دیدار با موسوی و کروبی پس از انتخابات ۸۸

تقارن اتفاقات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ و ریاست کمیسیون امنیت ملی، این فرصت را به بروجردی داد تا به نمایندگی از مجلس به وقایع سال ۸۸ رسیدگی کند و گزارش آن را به مجلس و نهادهای حکومتی ارائه کند. بروجردی پس از دیدار با رهبران جنبش سبز بدون آن‌که فرصتی در اختیار آن‌ها باشد تا صحت و سقم ادعاهایش را تایید یا رد کنند گزارشی در اختیار رسانه‌ها و دیگر نمایندگان مجلس گذاشت که جانبداری در آن مشهود بود. او به نقل از میرحسین موسوی اعلام کرد: «اگر همه ۱۳ میلیون بگویند تقلب نشده، من می‌گویم تقلب شده.» و آن را نتیجه مسخ شدن موسوی دانست و گفت او می‌خواهد چشمانش را به روی واقعیت ببندد.

تمام ادعاهای بروجردی از گزارش دیدارش با سران جنبش سبز و ملاقاتی که با زندانیان سیاسی داشت نشان می‌داد که او نه تنها به دنبال افشای حقیقت نیست بلکه وظیفه خود را سرپوش گذاشتن بر تمامی اتفاقات آن دوران می‌داند. او در گزارشی که توسط زندانیان تکذیب شد بر این ادعا تاکید داشت که همه چیز کاملاً منطبق بر قانون بوده‌است.

او جنبش سبز را طراحی سفارت‌خانه‌های خارجی در تهران عنوان کرده و می‌گوید: «موضع گیری سران کشورهای خصم و دخالت سفارت‌خانه‌های آن‌ها، به‌کارگیری شبکه‌های عظیم تبلیغاتی آن‌ها، راه‌اندازی شبکه‌هایی با زبان فارسی و اختصاص آن در تمام زمان ۲۴ ساعت به مساله فتنه و طراحی و خبرسازی و سناریوسازی و پرداختن به مسایل مختلف نشان‌دهنده ارتباطات برون‌مرزی فتنه است.»

مرگ ستار بهشتی بخاطر ترس از زندان بود!

در تمامی نطق‌ها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های علاءالدین بروجردی در تمام ۱۶ سال سابقه نمایندگی، نمی‌توان یک جمله در دفاع از حقوق مردم ایران، یا اعتراضی نسبت به نقض حقوق بشر در ایران پیدا کرد ولی فراوان است اظهاراتی در سرپوش گذاشتن به نقض حقوق بشر در ایران. او به‌عنوان مسوول کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی که وظیفه نظارت بر عملکرد نهادهای امنیتی را برعهده دارد. یکی از پرونده‌هایی که در این کمیسیون بررسی شد پرونده قتل یک شهروند ایرانی به نام ستار بهشتی بود که در دوران بازداشت به قتل رسید. او در چرایی علت مرگ ستار می‌گوید: «شاید ترس و نگرانی از شرایط زندان علت مرگ او بود چون براساس گزارش رسمی پزشکی قانون ضرب‌وشتم منتهی به مرگ ایشان وجود نداشت و شاید مجموعه استرس‌ها و فشارهای روانی علت مرگ او بود.» او گزارش‌های حقوق بشری سازمان ملل علیه ایران را نشانه استقلال ایران در برابر حکومت‌های ظالم جهان می‌داند و معتقد بود ایران نباید گزارشگر ویژه سازمان ملل در حقوق بشر ایران را بپذیرد. او با چشم‌پوشی بر موارد متعدد نقض حقوق بشر در ایران، می‌گوید: «امریکا فشار بسیاری به دیگر کشورهای عضو شورای حقوق بشر اعمال کرده تا رای مثبت همه اعضا را برای قطعنامه ضد ایرانی به دست آورد.»

خانواده

علاءالدین بروجردی از طرف پدری، مادری و همین‌طور از طرف همسر عضو جامعه روحانیون است. پدرش شیخ محمد ابراهیم بروجردی فرزند آیت‌الله العظمی علی محمد نجفی بروجردی بود. علاءالدین از طرف مادری نوه آیت‌الله علی اصغر لاری، فرزند آیت‌الله العظمی سید عبدالحسین لاری است. علاءالدین بروجردی از طرف خانواده همسرش نیز متصل به جامعه روحانیت است. همسرش دختر آیت‌الله عبدالعلی آیت‌اللهی است. افشای نام متهمان پرونده اختلاس سه هزار میلیاردی سبب شد تا از پسر بروجردی در رسانه‌ها یاد شود. اما علاءالدین بروجردی نقش خود و پسرانش را در این پرونده رد کرد و گفت دو پسر دارم که اصلا کار اقتصادی نمی‌کنند.

علاءالدین اصول‌گرا اما خواهری دارد که در اصلاح‌طلبی شهره است. اشرف بروجردی همسر غلامعلی معتمدی است. غلامعلی معتمدی داماد خانواده بروجردی، معاون وزیر کار دولت رجایی بود که در عملیات تروریستی دفتر حزب جمهوری در سال ۱۳۶۰ کشته شد. پسرش امیر معتمدی معاون سازمان جوانان هلال احمر بود که سال ۱۳۹۴ در سفری به ایتالیا دچار سکته قلبی شد و درگذشت. اشرف بروجردی در انتخابات مجلس دهم از حوزه تهران ثبت‌نام کرد که صلاحیت‌اش توسط شورای نگهبان رد شد. او از نزدیکان محمد خاتمی است.

عزیز اکبریان

حوزه انتخابیه: کرج
سمت: رئیس کمیسیون صنایع و معادن
فراکسیون: اصول‌گرایان

از سپاه کردستان تا ریاست کمیسیون صنایع

نطق جنجالی او در جلسه رای اعتماد به نیلی احمد آبادی را به سختی می‌توان فراموش کرد. نطقی که با اتهامات بسیاری همراه بود و سرانجام منجر به رای عدم اعتماد به وزیر پیشنهادی دولت روحانی شد. عزیز اکبریان می‌گوید:«در دانشگاه تهران شخصی را انتخاب می‌کنیم که روزنامه‌ها می‌نویسند: «رهبر رفت، امید آمد» البته منظور از رهبر، فرهاد رهبر رئیس سابق دانشگاه تهران است، ما از این مسائل به سادگی نمی‌گذریم...آقای نیلی احمدآبادی برداشتن حجاب از سر دختران برنامه شماست؟ شما می‌گویید از این مسائل خبر ندارم، شما که از این جا تا کرج را نمی‌توانید اداره کنید کشور را چگونه می‌توانید مدیریت کنید؟»

عزیز اکبریان کیست؟

در سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای توابع شهرستان کرج به دنیا آمد. او که توانسته در سه دوره پیاپی از مجلس هشتم تا امروز کرسی نمایندگی مردم کرج در مجلس را از آن خود کند، در مجلس دهم بر کرسی ریاست کمیسیون صنایع تکیه زده است. او مدعی است که در دوران انقلاب با حضور در مساجد و جلسات سخنرانی افرادی همچون فخرالدین حجازی و مکارم شیرازی به مبارزه مشغول بوده است. پس از انقلاب به عضویت سپاه درآمده و راهی کردستان می‌شود و در سرکوب اعتراضات کردستان نقش آفرینی می‌کند. با شروع جنگ میان ایران و عراق به فرماندهی سپاه اشتهارد، رباط کریم و ساوجبلاغ می‌رسد و تا پایان جنگ به عنوان جانشین گردان در لشگر ۲۷ محمد رسول ا...(ص) و سید الشهداء(ع) در منطقه عملیاتی غرب حضور دارد. پس از پایان جنگ به تحصیل روی آورده و لیسانس علوم سیاسی و فوق‌لیسانس مدیریت خود را حین اشتغال در سطوح مدیریتی سپاه اخذ می‌کند.

سوابق اجرایی پس از جنگ:

- مدیریت کل عملیات بازرسی نیروی مقاومت بسیج ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۱
- فرماندهی سپاه شهریار و شهر قدس۱۳۷۱ الی ۱۳۷۶
- فرماندهی سپاه سید الشهدا(ع) اسلامشهر و منطقه ۱۸ تهران ۱۳۷۶ تا۱۳۷۸
- فرماندهی سپاه ناحیه شرق تهران ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰
- فرماندهی سپاه ناحیه کرج ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵
- مدرس دانشگاه امام حسین

حضور در مجلس

عزیز اکبریان اما در مجلس رکورد عجیبی دارد او بیشتر از ۹۷ درصد نمایندگان مجلس به عنوان ناطق پشت تریبون قرار گرفته و سخنرانی کرده است. ۹۰ تذکرکتبی به دولت به همراه ۱۱ سوال کتبی از وزرا نشان از فعالیت چشم‌گیر این نماینده اصول‌گرا در مجلس دارد. هر چند که اکثر دغدغه‌های او شامل مباحث نفتی، بودجه نویسی و ... است. او در کنار کاظم جلالی، لاریجانی و بسیاری از اعضای فراکسیون پیروان ولایت در مجلس نهم، جز موافقان برجام به شمار می‌رفت، هر چند موافقت او با برجام از جنس نرمش قهرمانانه بود تا حمایت از منافع ملی. او می‌گوید: « رهبری به همه جوانب توافق صورت گرفته اشراف دارد؛ به همین دلیل در مملکتی که ولی فقیه وجود دارد نباید از هیچ چیزی نگران بود؛ زیرا با وجود ولی فقیه عادل و آگاه به شرایط در کشور هیچ بن بستی به وجود نخواهد آمد.»

اکبریان به واسطه حضور در مجلس در دوره چهارم انتخابات شوراهای شهر به همراه کولیوند عضو هیات نظارت بر انتخابات شهرستان کرج بودند که عملکرد این دو در انتخابات از سوی بسیاری از کاندیداها مورد تردید و اعتراض قرار گرفت و در نهایت پرونده‌ای در این خصوص در قوه قضاییه باز شد. از سرنوشت این پرونده اطلاعی در دست نیست.

برخی از طرح‌های امضا شده از سوی اکبریان:

- طرح اصلاح ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و اصلاحات بعدی آن
- طرح اصلاح ماده (۹) قانون خدمت وظیفه عمومی
- طرح استانی شدن حوزه‌های انتخابیه انتخابات مجلس شورای اسلامی
- طرح برداشت پانصد میلیون دلار از منابع صندوق توسعه ملی و افزایش سرمایه بانک‌های دولتی و صندوق مهر امام رضا (ع) به منظور پرداخت تسهیلات ازدواج جوانان
- طرح تشکیل سازمان مدیریت، برنامه‌ریزی و بهره‌وری

جنبش سبز و حقوق بشر

اکبریان همواره سعی کرده خود را از مخالفان سرسخت جنبش سبز نشان دهد. او با استفاده از کلید واژه فتنه و فتنه گر به تخریب جریان‌های سیاسی اجتماعی معترض در ایران می‌پردازد. چنانچه در ماجرای رای اعتماد مجلس به نیلی احمد آبادی می‌گوید:« همکار سپاهی من! چرا از فتنه تبری نمی‌جویی؟ این مسئله را علنی بگو، مگر تذکر مقام معظم رهبری به دولت بحث فتنه نبود؟ باید به این مسئله توجه کنیم، ما هم پیرو فرمایش مقام معظم رهبری هستیم» یا در مصاحبه‌ای با یکی از رسانه‌ها در مورد موسوی و کروبی این‌گونه سخن می‌گوید: «خیانت

سران فتنه در هدایت‌گری و به آشوب کشاندن جریانات سال ۸۸ به هیچ وجه بخشودنی نیست و نمیتوان اتفاقات ناگوار آن را که تأثیرات منفی آن تاکنون هم وجود دارد فراموش نمود زیرا احساسات میلیون‌ها نفر خدشه‌دار شد ودشمنان از این مسائل استفاده‌های سوء کردند.»
اکبریان که حقوق بشر را یکی از «حربه‌های استکبار جهانی» می‌داند، در یکی از جنجالی‌ترین نطق‌های علی مطهری با موضوع رفع حصر از آقایان موسوی و کروبی توانست خیلی زود خود را به جایگاه ناطق مجلس رسانده و با شعار مرگ بر فتنه‌گر در تلاش برای پایین کشاندن وی از تریبون با مطهری درگیر شود.
اطلاعاتی از وضعیت خانوادگی و روابط فامیلی‌اش با دیگر مسوولان نظام در دست نیست.

علی نوبخت حقیقی

حوزه انتخابیه: رشت
سمت: رئیس کمیسیون بهداشت و درمان
فراکسیون: امید

فاصله کوتاه رد صلاحیت تا ریاست کمیسیون بهداشت

در ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، یک کاندیدا با استفاده از شهرت برادر، در تهران اعلام نامزدی کرد و با رای بالا به مجلس راه یافت و بدون سابقه نمایندگی بر ریاست کمیسیون بهداشت و درمان تکیه زد. او کسی نبود جز علیرضا نوری برادر عبداله نوری وزیر کشور دولت خاتمی که در یک ماموریت کاری و در اثر سانحه رانندگی جان سپرد و درست چهار دوره بعد همین اتفاق رخ داد و حالا علی نوبخت حقیقی با استفاده از شهرت برادرش محمد باقر نوبخت حقیقی سخن‌گوی دولت روحانی به نمایندگی از مردم تهران راهی مجلس دهم شده و بدون داشتن سابقه نمایندگی بر کرسی ریاست کمیسیون بهداشت و درمان مجلس دهم تکیه زده است.

علی نوبخت حقیقی کیست؟

علی نوبخت حقیقی در سال ۱۳۲۷ در رشت متولد شد. او تحصیلات خود را در رشت و قم تا مقطع دیپلم پشت سر گذاشت و درست در سال پیروزی انقلاب موفق به دریافت مدرک پزشکی شد و چهار سال بعد، درجه تخصص خود را در رشته داخلی دریافت و دوره فوق‌تخصص خود را در رشته نفرولوژی ادامه داد. با پایان‌یافتن جنگ در سال ۱۳۶۸ موفق به دریافت درجه فوق‌تخصص پزشکی شد.

علی نوبخت حقیقی در خانواده‌ای مذهبی و روحانی رشد کرد پدربزرگ‌اش آیت‌الله حجتی شفتی از علمای شناخته شده گیلان بود از این رو در طیف مذهبی انقلاب می‌گنجید. او پس از اتمام تحصیلات و فعالیت در حوزه درمان، وارد حوزه‌های مدیریتی پزشکی شد. او عضو گروه فوق‌تخصصی نفرولوژی دانشگاه بهشتی، عضو پیراپزشکی فرهنگستان علوم و دبیر انجمن علمی پیوند اعضای ایران و دبیر انجمن نفرولوژی ایران بوده است. نوبخت عضو کمیته اخلاق

پزشکی سازمان نظام پزشکی است.
او که پیش از این سابقه معاونت وزارت بهداشت را در کارنامه داشت، با روی کار آمدن دکتر حسن روحانی، نقش پررنگ‌تری در دولت یافت. علی نوبخت با حکم رئیس جمهور به عضویت شورای عالی هلال احمر ایران و با حکم شورا به ریاست سازمان هلال احمر منصوب شد. او عضو ستاد سلامت حسن روحانی و به گفته خودش طراح طرح نظام سلامت بوده است طرحی که در دولت روحانی به مرحله اجرا درآمده و نوبخت معتقد است تاکنون تنها بخشی از این طرح اجرا شده و اجرای کامل‌اش نیاز به اصلاح قوانین دارد. به همین منظور او می‌کوشد تا این قوانین در مجلس دهم اصلاح شود تا طرح نظام سلامت به درستی به مرحله اجرا درآید.
نوبخت همچون برادرش محمد باقر، به لحاظ سیاسی خود را چهره‌ای میانه‌رو و معتدل می‌داند و معتقد است حذف نیروهای افراطی و تندرو از مجلس کمک بزرگی برای اصلاح امور کشور است. او در حالی به مجلس دهم راه یافت که صلاحیت‌اش توسط هیات نظارت رد شده بود و در دقایقی پایانی موفق به کسب احراز صلاحیت از سوی شورای نگهبان شد و در حالی که گفته می‌شد او از حوزه انتخابیه رشت کاندیدا و به عنوان سرلیست اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان معرفی خواهد شد از حوزه انتخابیه تهران کاندیدا شد تا سلیمانی راد که در لیست اولیه ائتلاف امید قرار داشت از این لیست حذف و نوبخت بجای او وارد مجلس شود. نوبخت عضو فراکسیون امید و از حامیان دولت روحانی در مجلس به شمار می‌آید.
او از معدود نمایندگانی است که بدون سابقه نمایندگی و در اولین سال حضور در مجلس به ریاست یک کمیسیون تخصصی رسیده است معمولا کرسی‌های مدیریتی مجلس به نمایندگانی تعلق می‌گیرد که سابقه نمایندگی داشته و با سازو کار مجلس آشنایی کامل دارند.
نوبخت در اولین اقدام در مجلس دهم در نامه‌ای به رئیس مجلس ۵۰٪ حقوق خود را به کمیته امداد امام خمینی اهدا کرد. این اقدام در حالی بود که حقوق نجومی مدیران دولتی، به سرفصل اخبار مهم رسانه‌های تبدیل شده است.

سوابق اجرایی و مدیریتی

- عضو شورایعالی جمعیت هلال احمر ایران به حکم رئیس جمهور حسن روحانی
- رئیس جمعیت هلال احمر ایران
- عضو فرهنگستان علوم
- عضو هیات علمی دانشگاه پزشکی دانشگاه بهشتی
- نماینده تهران در مجلس دهم
- رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس دهم

انقلاب ۵۷ و حضور در جبهه‌های جنگ

در سوابق علی نوبخت حقیقی جایی به فعالیت‌های انقلابی او اشاره چندانی نشده است اما سوابق تحصیلی‌اش نشان می‌دهد که در سال‌های انقلاب و جنگ بیش از هر چیز دغدغه تحصیل داشته است. او در سال‌های منتهی به انقلاب ۵۷ دانشجوی پزشکی بوده و درست در سال ۵۷ که با پیروزی انقلاب همراه بوده، موفق شده تا مدرک دکترای خود را دریافت کند و درست چهار سال بعد که حساس‌ترین سال‌های انقلاب بوده، مدرک تخصص پزشکی خود را دریافت می‌کند. علی نوبخت اگرچه ادعا کرده که در سال‌های انقلاب همراهی نزدیکی با شهید محمد بهشتی از تئوریسین‌های انقلاب داشته ولی سخنی از جزئیات این همکاری چیزی

بیان نکرده است. سال‌های بین ۶۰ تا ۶۸ که جنگ بین ایران و عراق در جریان بوده او دوره تخصص و فوق‌تخصص پزشکی را پشت سر می‌گذاشته از این رو احتمالا مشارکت چندانی در جنگ نداشته ولی خودش می‌گوید در طول هشت سال دفاع مقدس دوشادوش دیگر پزشکان در جبهه پزشکی فعال بودم که البته معلوم نیست منظورش فعالیت معمول در حوزه درمانی است یا خدمات ویژه‌ای به رزمندگان ارائه می‌کرده است.

روابط خانوادگی

علی نوبخت حقیقی نوه دختری آیت‌الله حجتی شفتی است از این رو به خانواده روحانیون تعلق دارد. مادرش ربابه حجتی دختر آیت‌الله حجتی شفتی در سال ۱۳۹۵ درگذشت. برادر بزرگ‌اش یوسف نوبخت قاضی دادگاه‌های عمومی گیلان بود که در سال ۱۳۸۴ درگذشت. دیگر برادرش محمد باقر نوبخت در دوره سوم تا ششم نماینده رشت بود. او هم‌اکنون رئیس سازمان مدیریت و سخن‌گوی دولت روحانی است. دیگر برادرش محمد رضا نوبخت در حوزه ساخت و ساز مشغول است. همسرش مریم پورسید فتح الله نیز در سال ۱۳۹۴ درگذشت.

نظر به ورود تازه او به مجلس نمی‌توان تصویر کاملی از دیدگاه‌های سیاسی و عملکرداش خصوصا در حوزه حقوق بشر، ارائه کرد لذا این پروفایل در سال‌های بعدی مجلس تکمیل خواهد شد.

محمدرضا پورابراهیمی

حوزه انتخابیه: کرمان
سمت: رئیس کمیسیون اقتصادی
فراکسیون: اصول‌گرایان

گرانی راه حل اخراج افاغنه، نابغه اقتصادی مجلس کیست؟

پس از سال‌ها تحصیل در رشته مدیریت مالی و فعالیت در بورس و تامین اجتماعی، او را به این جمع‌بندی رسانده است که گران کردن زندگی در ایران تنها راه اخراج اتباع افغان از ایران است. دکتر محمد رضا پورابراهیمی که پس از دومین حضور در مجلس، به ریاست کمیسیون اقتصادی مجلس تکیه زده تا نشان دهد که از معدود مغزهای اقتصادی مجلس است بجای ارائه راه حل اقتصادی و اجتماعی برای کاهش آسیب حضور افاغنه در ایران و تبدیل آن به یک فرصت خواستار گران کردن زندگی در ایران برای افاغنه شده و گفته: «باید هزینه حضور آن‌ها در کشور افزایش یابد به این معنی که برای ماندن در ایران هزینه اقتصادی بالایی بپردازند، اگر برای آن‌ها کارت شناسایی و هویتی صادر شود و آن‌ها که کارت شناسایی ندارند را قبول نداشته باشیم، اگر برای درآمدهایی که کسب می‌کنند و استفاده از زیرساخت‌ها و امکانات کشور هزینه سنگین پرداخت کنند، دیگر در کشور ما نمی‌مانند.»

محمد رضا پورابراهیمی کیست؟

او متولد ۱۳۴۹ در شهر رفسنجان از توابع استان کرمان است. در ۱۶ سالگی و قبل از اتمام تحصیلات راهی جبهه‌های جنگ ایران و عراق می‌شود و تا پایان جنگ به مدت ۳ سال و اندی در جبهه‌ها می‌ماند و در چند عملیات شرکت می‌کند.

با پایان یافتن جنگ، او با استفاده از سهمیه رزمندگان وارد دانشگاه اصفهان می‌شود و در رشته مدیریت بازرگانی، لیسانس‌اش را دریافت و برای اخذ مدرک فوق‌لیسانس به دانشگاه شهید بهشتی می‌رود. او پس از فارغ‌التحصیلی به تدریس در دانشگاه‌های اصفهان و کرمان مشغول می‌شود ولی باز به دانشگاه باز می‌گردد تا در مقطع دکترا تحصیل کند. دانشگاه تهران این بار مقصد پورابراهیمی است. او در رشته مدیریت مالی دکترایش را دریافت و ضمن تدریس در

دانشگاه باهنر کرمان، هم‌زمان با روی کارآمدن دولت محمود احمدی نژاد به سمت معاونت استانداری کرمان می‌رسد.
پورابراهیمی به دلیل سال‌ها فعالیت در بورس و بازار سرمایه به چهره‌ای بورسی شناخته می‌شود. از همین رو به عضویت شورای عالی بورس در می‌آید و در معاونت علمی دولت محمود احمدی نژاد مشغول فعالیت می‌شود.
پورابراهیمی برای اولین بار در انتخابات مجلس نهم، اسب خود را برای مجلس زین می‌کند و موفق به کسب آراء مردم کرمان می‌شود. او پس از ورود به مجلس به کمیسیون اقتصادی می‌پیوندند. حضور در مجلس دهم، دومین حضور پورابراهیمی در کرسی نمایندگی است. او در مجلس دهم به ریاست کمیسیون اقتصادی می‌رسد تا علاوه بر مهدی زاهدی دیگر نماینده کرمان که به ریاست کمیسیون آموزش و تحقیقات رسیده، دومین کرمانی تکیه زده بر کرسی ریاست کمیسیون تخصصی مجلس باشد.
از منظر سیاسی، پورابراهیمی در طیف اصول‌گرایان مجلس به شمار می‌آید او در انتخابات مجلس دهم نیز در فهرست ائتلاف اصول‌گرایان قرار داشت و با حمایت آن‌ها به مجلس راه یافت ولی در ردیف اصول‌گراهای تندرو به شمار نمی‌آید. مواضع او معتدل و به اعتدال‌گرایان راست قرابت بیشتری دارد. او به رغم رشد مدیریتی در دولت احمدی نژاد، ولی از انتقاد نسبت به سیاست‌های او دریغ نمی‌کند. انتقاد شدید نسبت به طرح سهام عدالت، از جمله انتقادات تند او نسبت به سیاست‌های اقتصادی دولت احمدی نژاد است. او در این خصوص از وجود مافیای اقتصادی در پشت پرده سهام عدالت خبر داده و می‌گوید: «مافیای اقتصادی که اداره سهام عدالت را بر عهده دارد انتفاعی برای مردم و دولت ندارد قطعاً دولت مجامع آن‌ها را برگزار نمی‌کند ضمن اینکه از سال ۸۵ کاغذی به مردم به نام برگ سهام عدالت دادیم که نه خاصیتی دارد و نه سودی، نه به مجمع می‌رود و نه می‌تواند انتقال مالکیت انجام دهد حتی برخی از صاحبان سهام عدالت فوت کردند بدون اینکه نفعی ببرند. سهام عدالت ۴۰ درصد از واگذاری‌های بزرگ اصل ۴۴ قانون اساسی است ۴۰ درصدی که ارزش سبد اراق بهادار آن ۹۵ هزار میلیارد تومان است بلاتکلیف‌ترین دارایی در اقتصاد کشور هم محسوب می‌شود.» او خواستار تعیین تکلیف سریع طرح سهام عدالت است.
پرده برداشتن از فساد نمایندگان در پرونده سازمان تامین اجتماعی از جمله دیگر اظهارنظرهای جنجالی این نماینده بوده که دولت احمدی نژاد و مجلس اصول‌گرای هشتم را زیر سوال برده است. او در جریان تحقیق تفحص مجلس از سازمان تامین اجتماعی که به رسوایی بن‌های اهدایی سعید مرتضوی رئیس وقت سازمان تامین اجتماعی به نمایندگان مجلس منجر شد، پرده از تخلفی بزرگ‌تر برداشته و می‌گوید: «موضوع دریافت بن کارت هدیه موضوع کوچکی است و باید به تخلفات بزرگ‌تر مثل دخالت برخی نمایندگان در واگذاری شرکت‌های تامین اجتماعی با مبالغ میلیاردی رسیدگی کرد.» هرچند هیچ گزارشی از رسیدگی‌های نهادهای نظارتی در این خصوص منتشر نشد.

طرح‌های تقدیمی او در مجلس نهم

نام پورابراهیمی در ردیف طراحان ۸۵ طرح در مجلس نهم ثبت شده است. اگرچه طرح‌های امضاء شده توسط او، غالبا در حوزه مسایل اقتصادی و مالی است اما هستند طرح‌هایی سیاسی که به امضای پورابراهیمی رسیده‌اند هم‌چون طرح انتقال پایتخت، طرح توسعه بسیج رسانه‌ها، طرح نحوه فعالیت احزاب سیاسی و ... مجموعه طرح‌های امضا شده توسط

پورابراهیمی در مجلس نهم و دهم را اینجا می‌توانید ببینید.

سوابق اجرایی و مدیریتی

پورابراهیمی در دولت محمود احمدی نژاد مراحل ترقی را یک به یک طی می‌کند و از استانداری کرمان به معاونت معاونت علمی نهاد ریاست جمهوری و عضویت کمیسیون اقتصادی شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌رسد و از آنجا راهی مجلس می‌شود و بر کرسی ریاست کمیسیون اقتصادی مجلس دهم تکیه می‌زند. اهم سوابق اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- نماینده کرمان در مجلس نهم و دهم
- رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس دهم
- عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی
- رئیس صندوق حمایت از پژوهشگران و فنآوران کشور
- مدیر بورس منطقه‌ای کرمان
- عضو شورای عالی بورس اوراق بهادار کشور
- معاونت برنامه‌ریزی استانداری کرمان
- رئیس هیات مدیره شرکت بورس کالا
- عضو هیات مدیره شرکت ملی صنایع مس ایران
- رئیس هیات مدیره شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری
- عضو هیات مدیره شرکت سرمایه‌گذاری آتیه تامین اجتماعی
- عضو بسیج اساتید کشور

عضویت در بسیج

دکتر پورابراهیمی از معدود نمایندگان مجلس است که مستقیم در چند عملیات جنگی حضور داشته است. او که با پیوستن به بسیج در شانزده سالگی راهی جبهه‌های جنگ ایران و عراق می‌شود. به مدت بیش از سه سال در چند عملیات جنگی شرکت داشته است. شرکت در عملیات شکست خورده کربلای چهار که به کشته شدن جمع زیادی از رزمندگان ایران منجر شد از جمله تجارب پورابراهیمی است.

او در بیان خاطراتی از عملیات کربلای چهار در منطقه‌ام الرصاص عراق، از مشهود بودن لو رفتن عملیات از شب قبل از آغاز عملیات خبر می‌دهد ولی اشاره به چرایی ادامه عملیات با وجود لو رفتن نمی‌کند. او می‌گوید: «به دلیل اطلاع دشمن از حجم عظیم نیروها در خرمشهر، بیشترین آتش دشمن در شب عملیات بر روی نیروها و خاک خرمشهر ریخته شد و خرمشهر را به صورت کامل زیر آتش گرفت. به نظر می‌رسید اطلاعات عملیات تا حد زیادی لو رفته بود و دشمن محورها را شناسایی کرده بود دلیل این را هم حضور یگان‌های ویژه ریاست جمهوری عراق در منطقه بود که با بهترین تجهیزات جنگی مستقر شده بودند و کاملا آماده باش بودند.» او ادامه می‌دهد: «...در تمام بی‌سیم‌ها به گوش می‌رسید که باید عقب‌نشینی شود و امکان باقی ماندن ما در منطقه به مفهوم شهادت و یا اسارت بود.» او عضو گردان ۴۱۸ قرارگاه ثارله بوده که در عملیات کربلای ۴ نقش محوری را برعهده داشته است.

پایان جنگ، پایان عضویت پور ابراهیمی در بسیج نبوده چراکه او پس از بازگشت از میدان‌های جنگ و ادامه تحصیلات به عضویت بسیج اساتید دانشگاه‌های کشور در می‌آید تشکلی که چهره‌هایی هم‌چون محمود احمدی نژاد و حمیدرضا فولادگر نماینده اصفهان نیز عضو آن

بوده‌اند. او در مجلس نیز کوشیده تا حامی بسیج باشد. طراحی طرح توسعه بسیج رسانه‌ها از جمله این فعالیت‌ها در مجلس نهم است که به نام پورابراهیمی ثبت شده است.

بیگانه با حقوق بشر و ساکت در ماجرای جنبش سبز

اظهارات، مواضع و کارنامه پورابراهیمی نشان می‌دهد که آشنایی چندانی با مفاهیم حقوق بشر ندارد. نه تنها در کارنامه او ردی از فعالیتی برای ارتقای حقوق بشر و استیفای حقوق شهروندی یا اعتراضی نسبت به نقض حقوق بشر دیده نمی‌شود بلکه مواضع او نشان می‌دهد که دریافت صحیحی از حقوق بشر ندارد. تقاضای گران و سخت کردن زندگی در ایران برای اتباع افغان از جمله مواضع ضد حقوق بشری این نماینده اقتصاددان مجلس ایران است. او برخلاف مبانی حقوق بشر خواهان اخراج اتباع افغان از راه سخت کردن زندگی آن‌ها در ایران است.

در حالیکه اعمال نظارت استصوابی شورای نگهبان و تضییع حقوق شهروندان که به رد صلاحیت گسترده کاندیداهای انتخابات در ایران منجر شده و اعتراض‌های گسترده‌ای را به همراه داشته، پورابراهیمی در نامه‌ای به شورای نگهبان از اعمال نظارت استصوابی تشکر کرده و این اقدام آن‌ها را رعایت مر قانون تعریف کرده است. او در این نامه که پس از دریافت تایید صلاحیت‌اش در انتخابات مجلس نهم به شورای نگهبان ارسال کرده نوشته: «رجاء واثق دارم تلاش‌های انجام شده در راستای عمل به وصایای امام راحل و فرامین مقام معظم رهبری در جهت تشکیل بستری مناسب برای ایجاد شور انتخاباتی و حضور حداکثری مردم در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، برگ پر افتخار دیگری بر صفحات تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی خواهد افزود و دشمنان نظام مقدس جمهوری اسلامی را مأیوس و دلدادگان و شیفتگان انقلاب و ولایت را خشنود خواهد ساخت.»

برای پورابراهیمی، همچون اکثریت اصول‌گرایان، بر زبان راندن کلمه حقوق بشر زمانی رواست که قرار باشد به آمریکا و اسرائیل فحش دهند. او در نطقی می‌گوید: «موضوع حقوق بشر و هسته‌ای بهانه‌ای بیش نیست. آن‌ها اگر مدافع حقوق بشر هستند چگونه اسرائیل مردم مظلوم فلسطین را کشتار می‌کند، چگونه عربستان، شیعیان مظلوم یمن را به خاک و خون می‌کشد و کسی حرفی نمی زند که هیچ از آن‌ها حمایت هم می‌کنند. مردم مظلوم شیعه نیجریه‌ای را به چه گناهی می‌کشند و کسی حرف از حقوق بشر نمی‌زند، آیا شیعیان نیجریه‌ای بشر نبودند؟»

فریاد حقوق بشری او یکبار دیگر بلند شد و آن زمانی بود که عربستان شیخ نمر را اعدام کرد او در اعتراض می‌گوید: «کجایند آن‌هایی که دم از حقوق بشر در دنیا می‌زنند تا ببینند که چگونه با خباثت کامل یک رهبر شیعه را مظلومانه به شهادت می‌رسانند.»

در اظهارات و مواضع پورابراهیمی، اظهار نظری در خصوص جنبش سبز به چشم نمی‌خورد بنابراین او را می‌توان از ساکتین جنبش سبز معرفی کرد.

خانواده

اطلاعات چندانی از اعضای خانواده و روابط خانوادگی پورابراهیمی موجود نیست. رسانه‌ها تنها به نام همسر او بسنده کرده‌اند. دکتر معصومه کهنوجی همسر اوست. او دارای دکترای قلب و عروق و از پزشکان شناخته شده کرمان است.

محمدمهدی زاهدی

حوزه انتخابیه: راور کرمان
سمت: رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات
فراکسیون: اصول‌گرایان

متهم فساد در پرونده بورسیه‌ها یا مدعی آن

یکی از اولین پرونده‌های به جا مانده از دولت محمود احمدی نژاد که توسط تیم حسن روحانی به جد دنبال و تبعات گسترده‌ای به همراه داشت، پرونده بورسیه‌های غیرقانونی بود. پرونده‌ای که به گواه فرجی دانا وزیر علوم دولت روحانی، نمونه‌ای از فساد در حوزه آموزش بود. مهدی زاهدی وزیر علوم دولت اول محمود احمدی نژاد که ریاست کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نهم را برعهده داشت از متهمان اصلی این پرونده بود. زاهدی هم در صدور دستور اعطای بورسیه‌های غیرقانونی متهم بود و هم در مظان این اتهام قرار داشت که پسرش نیز در میان دانشجویان بورسیه‌ای است که بدون داشتن شرایط لازم، مشمول مزایای بورسیه قرار گرفته است. زاهدی نه تنها این اتهامات را قبول ندارد بلکه چنین اتهامی را دست مایه استیضاح فرجی دانا قرار داد. استیضاحی که بعدها بطور علنی مورد حمایت رهبر ایران هم قرار گرفت و از رسانه‌ای شدن این پرونده به شدت به دولت اعتراض کرد تا فرهادی که جانشین فرجی دانا شده بود به کل این پرونده را بایگانی کند و روشن نشود که زاهدی آن‌گونه که فرجی دانا مدعی بود در این پرونده متهم به فساد است یا آن‌گونه که خودش می‌گفت در این پرونده مدعی است؟

محمد مهدی زاهدی کیست؟

محمد مهدی زاهدی متولد ۱۳۳۲ در شهر کرمان است. فارغ التحصیل و استاد رشته ریاضی است. او تا پیش از وزارت، عضو هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان بود ولی بلافاصله پس از تصدی مقام وزارت در دولت محمود احمدی نژاد خود را به دانشگاه تربیت مدرس تهران منتقل کرد و به عضویت هیات علمی گروه ریاضی این دانشگاه درآمد. او در دولت دوم محمود احمدی نژاد، جای خود را به کامران دانشجو داد و به عنوان سفیر ایران راهی مالزی شد.

محمد مهدی زاهدی که با حمایت علنی محمد رضا باهنر نایب رئیس وقت مجلس، به وزارت علوم رسیده بود در جلسه دفاع از اعتبارنامه خود، با اتهام کم سوادی مواجه شد. عماد افروغ از نمایندگان اصول‌گرای مجلس هفتم، زاهدی را به فقدان سابقه علمی درخشان متهم کرد. این در حالی بود که او در زندگینامه مکتوبی که در اختیار نمایندگان قرار داده بود اعلام کرده بود که از طرف مرکز بین المللی کمبریج به عنوان مرد سال ریاضی انتخاب شده است. اما بررسی‌ها نشان داد که این مرکز ربطی به دانشگاه کمبریج نداره و موسسه‌ای تبلیغاتی است که در ازای دریافت پول، چنین عناوینی به افراد می‌فروشد. او همچنین مدعی شده بود که عضو آکادمی علوم نیویورک است ولی این مرکز نیز عضویت زاهدی را تکذیب کرد تا روشن شود که مرحوم علی کردان وزیر استیضاح شده دولت احمدی نژاد، تنها عضو کابینه نبوده که در جعل مدرک تحصیلی و عناوین علمی سابقه داشته است.

اعطای بورسیه غیر قانونی به دانشجویان فاقد صلاحیت علمی، قطع بودجه مربوط به انتشار مقالات و شرکت در کنفرانس‌های بین المللی در حوزه علوم انسانی و اختصاص بودجه آن به تحقیقات زیر نظر حوزه علمیه قم، اعطای مجوز دانشگاه غیرانتفاعی در تهران به همسرش با ۳۳۰۰ دانشجو، و اعطای پذیرش دانشجویی به خواهرزاده‌اش بدون شرکت در کنکور کارشناسی ارشد، برکناری بسیاری از اساتید خوش نام دانشگاه‌های کشور، تغییر گسترده روسای دانشگاه‌ها از جمله اقدامات زاهدی در وزارت علوم بود.

زاهدی به عنوان یکی از طراحان طرح استیضاح فرجی دانا وزیر علوم دولت روحانی که افشاگر پرونده بورسیه‌های غیرقانونی بود، به گواه اعضای کمیسیون تحقیقات، قبل از جلسه استیضاح، با هتاکی و دشنام نسبت به فرجی دانا او را تهدید به اخراج از وزارتخانه کرده بود. تهدیدی که به گفته اعضای کمیسیون به دلیل به خطر افتادن منافع شخصی‌اش صورت گرفته بود.

صلاحیت زاهدی به رغم اتهام در پرونده بورسیه‌های غیرقانونی، در انتخابات مجلس دهم تایید شد و توانست با رای مردم کرمان به مجلس دهم راه یابد.

دانشجویان ستاره دار و نقض حقوق بشر

اطلاعات چندانی از سوابق زاهدی تا قبل از ورود به وزارت علوم در دست نیست اما ورودش به وزارت علوم، نظام آموزش کشور را با پدیده جدیدی به نام دانشجویان ستاره دار کرد. ستاره‌دار کردن دانشجویان با محروم کردن آن‌ها از حق ادامه تحصیل همراه بود. بسیاری از پذیرفته شدگان کنکور ورودی دانشگاه‌ها یعنی پس از تایید صلاحیت علمی به دلیل عدم صلاحیت سیاسی و فکری از ادامه تحصیل محروم شدند.

بنیاد برومند در گزارشی تفصیلی به نقش زاهدی و دیگر اعضای دولت احمدی نژاد در محروم کردن دانشجویان از حق تحصیل کرده و می‌نویسد: «مقامات تحت دولت احمدی نژاد، که موظف به اداره‌ء موسسات آموزش عالی کشور و فرآیندهای مربوط به پذیرش دانشجو می‌باشند در هیات مرکزی گزینش و سازمان سنجش وزارت علوم، آغاز به گذاشتن از یک تا سه "ستاره" روی مدارک دانشگاهی فعالان دانشجویی و منتقدین دولت، و هم‌چنین دانشجویان بهایی کردند. این ستاره‌ها بیانگر محرومیت یک متقاضی از دستیابی به پذیرش در مقطع کارشناسی و یا ادامه تحصیل دانشجویان در مقطع کارشناسی ارشد می‌باشند. در بعضی از موارد، مقامات کلا از انتشار نتایج امتحانات ورودی برخی متقاضیان خودداری کرده‌اند.»

اخراج اساتید خوش‌نام دانشگاه‌های کشور که با اعتراض گسترده دانشجویان نیز همراه شد ماحصل اقدامات خلاف حقوق بشر محمد مهدی زاهدی و کامران دانشجو دو وزیر علوم دولت محمود احمدی نژاد بود. اخراج اساتید دانشگاه‌ها به حدی گسترده بود که ده نماینده مجلس در تذکری به رئیس جمهور نسبت به اخراج اساتید اعتراض کردند هر چند زاهدی با تکذیب اخراج اساتید، از اساس منکر این مساله بود. با معرفی دکتر میلی منفرد از سوی حسن روحانی به مجلس برای تصدی وزارت علوم جمعی از دانشجویان با صدور بیانیه‌ای از وزارت دکتر میلی منفرد حمایت کرده و در تشریح آنچه در زمان تصدی زاهدی و دانشجو برسر دانشگاه‌ها آمد، آورده‌اند: «طبیعی است که معرفی اشخاص توانمند و آگاه به امور وزارت علوم سبب می‌شود تا کسانی که در هشت سال گذشته از هیچ کوششی برای نقض استقلال دانشگاه، افراطی‌گری و امنیتی کردن فضای آن دریغ نکرده‌اند شروع به صدور بیانیه‌های جعلی و تهدید و هشدار به وی نمایند و گزینه ی پیشنهادی را عامل «دشمنان» خطاب کنند. کسانی که کارنامه سیاهی در طول سالیان گذشته از خود بر جای گذاشته‌اند، اکنون طلبکار شده و از رییس جمهور منتخب سهم‌خواهی می‌کنند.»

زاهدی و جنبش سبز

با اتفاقات ریاست جمهوری سال ۸۸ و روی کار آمدن دولت دوم محمود احمدی نژاد، زاهدی راهی مالزی شد تا کرسی سفارت ایران در این کشور را در اختیار بگیرد. زاهدی وزیر علوم دولت احمدی نژاد در حالی ماموریت یافته بود تا به مالزی برود که تعداد دانشجویان ایرانی دانشگاه‌های مالزی رو به ازدیاد بود و تحرکاتی از سوی آنان در حمایت از جنبش سبز صورت می‌گرفت. دانشجویان شرکت‌کننده در نشست هم‌اندیشی در مالزی این انتصاب را در امتداد خط فکری دولت احمدی نژاد برای کنترل و سرکوب دانشجویان معترض ارزیابی می‌کردند. حمله به کوی دانشگاه تهران و ضرب‌وشتم شدید دانشجویان در وقایع سال ۸۸ از جمله لکه‌های سیاه پرونده محمد مهدی زاهدی وزیر علوم وقت دولت محمود احمدی نژاد است. مدتی پس از وقایع حمله به دانشجویان در سال ۸۸ دانشجویان عضو جنبش عدالتخواهی با صدور بیانه‌ای زاهدی و دانشجو را به پاسخ‌گویی فرا می‌خوانند. آنان در این بیانیه می‌آورند: «هنوز ۴ سال از روزهایی نمی‌گذرد که آقای کامران دانشجو در قامت «رئیس ستاد انتخابات کشور» در ساختمان مرکزی وزارت کشور در خیابان فاطمی مستقر بود و آقای زاهدی در سمت وزیر علوم، تحقیقات و فن آوری مسئولیت حفظ امنیت و کرامت دانشگاهیان را بر عهده داشت. از بامداد ۲۵ خرداد ۱۳۸۸، که دانشگاه مورد تهاجم گسترده‌ی نیروهای شبه‌نظامی و لباس شخصی قرار گرفت و تعداد زیادی از دانشجویان بازداشت و به ساختمان مرکزی وزارت کشور منتقل شدند تاکنون، متهمان این تخلف بزرگ شناسایی و مورد برخورد قرار نگرفته‌اند.» زاهدی اگرچه با تشکیل کمیته حقیقت‌یاب وعده داده بود که وقایع حمله به کوی دانشگاه تهران را بررسی می‌کند ولی هیچ‌گاه تاکنون توضیح نداده است که چه کسانی و با حمایت چه مقامی به دانشجویان حمله کردند و موضع شخصی‌اش چه بوده است.

مسوولیت‌ها

محمد مهدی زاهدی که فعالیت مدیریتی‌اش را از سال‌های اولیه پس از انقلاب با ریاست آموزش و پرورش شهربابک در استان کرمان شروع کرد با حمایت باهنروارد شورای شهر کرمان و سپس به وزارت علوم رسید. او در انتخابات مجلس نهم از حوزه انتخابیه کرمان با مجموع

۱۵۰۸۲۵ رای معادل ۵۴ درصد آراء به نمایندگی مجلس رسید و در انتخابات مجلس دهم با وجود ریزش حدود یک سوم آراءاش باز موفق به ورود به مجلس شد. او در این دوره از انتخابات با کسب حدود ۱۰۹ هزار رای نفر دوم کرمان شد. او در دوران نمایندگی‌اش در مجلس نهم حدود ۵۰ طرح را امضا کرده که بیشتر به حوزه آموزش اختصاص داشته است. مهم‌ترین عناوین شغلی او به این شرح بوده است:

- ریاست آموزش و پرورش شهرستان شهر بابک از ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۲
- عضو شورای شهر کرمان
- وزیر علوم در دولت اول محمود احمدی نژاد
- سفیر ایران در مالزی
- رئیس کمیسیون تحقیقات و فناوری مجلس نهم
- یکی از ۷ عضو هیات عالی اجرایی انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲

خانواده

محمد مهدی زاهدی دارای سه فرزند است که نام یکی از پسرانش در میان دانشجویانی که بدون داشتن استحقاق، بورسیه تحصیلی گرفته است آمده است. همسرش ریاست یک دانشگاه غیرانتفاعی در تهران را در اختیار دارد. دانشگاهی که مجوز آن را از شوهرش در زمان وزارت‌اش دریافت کرد. گفته می‌شود خواهر زاده‌اش که در هند دانشجو بوده، با حمایت زاهدی بدون کنکور وارد دانشگاه تهران می‌شود تا در رشته حقوق بشر تحصیل کند.

فریدون حسنوند

حوزه انتخابیه: اندیمشک
سمت: رئیس کمیسیون انرژی
فراکسیون: اصول‌گرایان

مامور اطلاعاتی که با مداحی نماینده مجلس شد

در اوج اعتراضات مردمی به تقلب انتخاباتی سال ۸۸، یک نماینده دست در دست محمود احمدی نژاد، برای شرکت در اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل، وارد نیویورک شد. اما حضور او در نیویورک و قدم زدن میان حامیان جنبش سبز نشان می‌داد که این حضور نه به منزله همراهی تشریفاتی رئیس جمهور وقت، بلکه برای جمع آوری اطلاعات از میزان و کیفیت اعتراضات ایرانیان خارج از کشور در حواشی اجلاس سازمان ملل باشد. روزهایی که جمع گسترده‌ای از ایرانیان خارج از کشور با تجمع در نیویورک، به ضرب‌وشتم و کشتار فعالان جنبش سبز در خیابانهای تهران و شیراز و اصفهان و ... دست به اعتراض زده بودند. این نماینده کسی نبود جز فریدون حسنوند مدیر کل اطلاعات اندیمشک که با ورود به مجلس در حلقه یاران محمود احمدی نژاد قرار گرفته بود.

فریدون حسنوند کیست؟

در روزهایی که نمایندگان مجلس ششم با نطق‌ها و سخنرانی‌های پی در پی انتقادات تندی را متوجه نهادهای غیردموکراتیک همچون بیت رهبری و سپاه پاسداران و شورای نگهبان، می‌کردند، صدایی از ردیف‌های آخر صحن علنی مجلس در حمایت از آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران بلند شد، صاحب صدا را کمتر کسی می‌شناخت. نماینده‌ای سیه چرده و لاغر از استان خوزستان. او فریدون حسنوند نماینده تازه راه یافته به مجلس ششم بود. کسیکه قبل از ورود به مجلس ششم، در مقام مدیرکل اطلاعات اندیمشک، به‌عنوان ماموری اطلاعاتی انجام وظیفه می‌کرد. اما آنچه او را راهی مجلس کرد، شهرت‌اش به مداحی‌اش در شهر بود. حسنوند در حالی در مقام مخالف جنبش اصلاحات در مجلس معرفی شد که قبل از نمایندگی در اندیمشک، همسرش به‌عنوان کاندیدای اصلاح‌طلب، راهی شورای این شهر شده بود.

او زاده ۱۳۴۴ در اندیمشک است. از کودکی در محیط‌های مذهبی این شهر رشد کرد و علاقه زیادی به مداحی و روضه‌خوانی داشت. پس از دو دهه فعالیت در سپاه و اطلاعات راهی مجلس شد. در مجلس ششم در پرونده مشهور «شهرام جزایری» نامش در مطبوعات پیچید. او یکی از نمایندگانی بود که از شهرام جزایری پول دریافت کرده بود ولی به دلیل تعلق‌اش به اصول‌گرایان نه پرونده دریافت‌های مالی‌اش از جزایری بررسی شد و نه تاثیری در ادامه فعالیت سیاسی‌اش گذاشت. با رد صلاحیت گسترده کاندیداهای اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس هفتم، بی‌دردسر برای بار دوم راهی مجلس شد و نمایندگی‌اش را تا پایان دوره هشتم ادامه داد. در انتخابات مجلس نهم در حالی‌که پیوندش با محمود احمدی نژاد گسترده‌تر شده بود توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شد. حسنوند اگرچه در دقیقه نود موفق شد تایید صلاحیت‌اش را از شورای نگهبان دریافت کند ولی زمان تبلیغات انتخاباتی را از دست داده بود و نتوانست برای چهارمین دوره متوالی راهی مجلس شود. بازماندنش از مجلس نهم به دریافت حکم استانداری بوشهر ختم شد. درحالی‌که دو سال به پایان دوره محمود احمدی نژاد بیشتر باقی نمانده بود، او با حکم احمدی نژاد راهی بوشهر شد اما استان‌داری او زیاد دوام نیافت چراکه با روی کار آمدن دولت حسن روحانی از این مقام خلع شد تا خود را برای بازگشت به مجلس آماده کند. در نهایت او در انتخابات مجلس دهم شرکت کرد و به مجلس راه یافت و برکرسی ریاست کمیسیون انرژی تکیه بزند تا خوشحالی زنگنه وزیر نفت دولت روحانی از پایان یافتن عمر ریاست وزیر نفت محمود احمدی نژاد از ریاست کمیسیون انرژی یکی دیگر از یاران محمود ریاست این کمیسیون را از آن خود کند هرچند سوابق مالی حسنوند نشان می‌دهد که احتمالا مشکلی با زنگنه پیدا نخواهد کرد.

سوابق اجرایی و مدیریتی

- چهار دوره نماینده مردم شریف شهرستان اندیمشک در دوره‌های ششم . هفتم . هشتم و دهم
- استاندار بوشهر
- مشاور وزیر نفت و مجری بیع متقابل گاز رسانی به روستاها و شهرهای کم جمعیت کل کشور
- عضو شورای عالی خلیج فارس
- عضو کمیسیون فرهنگی مجلس ششم
- عضو کمیسیون انرژی مجلس هفتم و هشتم
- عضو کمیته تربیت بدنی و خانواده مجلس
- عضو ناظر بین‌المجالس
- عضو کمیته نفت و گاز مجلس شورای اسلامی
- عضو کمیته رسانه مجلس شورای اسلامی
- عضو هیئت مدیره پارس جنوبی
- عضو ناظر اجلاس اوپک
- رئیس کمسیون انرژی مجلس دهم
- مدیرکل اطلاعات اندیمشک
- عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

جنبش سبز و تقاضای محاکمه رهبران آن

فریدون حسنوند نه از آن جهت که در ردیف نمایندگان اصول‌گرای حامی احمدی نژاد به‌حساب می‌آمد بلکه به‌عنوان نماینده‌ای با سابقه‌ای اطلاعاتی و حفظ روابط کاری با این نهاد، تلاش‌هایش در طول اعتراضات مردمی، در جهت سرکوب فعالان جنبش سبز بوده است. اعتراضات او در مجلس و بیرون مجلس و تحرکات‌اش نه از موضع یک نماینده مجلس بلکه از موضع یک عنصر اطلاعاتی قابل ارزیابی است. بسیاری از نمایندگان در جریان جنبش سبز علیه مردم موضع گرفتند تا موقعیت خود را در مجموعه حاکمیت تحکیم ببخشند ولی حسنوند به وظیفه اطلاعاتی‌اش عمل می‌کرد. او که در جریان اعتراضات حامیان جنبش سبز در نیویورک حضور یافته بود میان معترضان به رصد اطلاعاتی مشغول بود و پس از بازگشت از نیویورک در سخنانی در صحن علنی مجلس، فعالان خارج کشور جنبش سبز را با نام، سرسپردگان استکبار می‌خواند و می‌گوید: «...از جمله دیگر اقدامات این جریان، براندازی نظام با طراحی استکبار و سرویس‌های اطلاعاتی نظیر کودتای ۱۸ تیر، کودتای تحصن در مجلس و خروج از حاکمیت، فتنه برنامه‌ریزی شده انتخابات ۸۸، کشف فایل صوتی مذاکرات یکی از سران فتنه در ملاقات با دیکتاتورهای منطقه قبل از انتخابات ۸۸ که ننگی بر پیشانی این جریان است، نفوذ در بدنه نظام و دادن اطلاعات فوق محرمانه پروژه صلح‌آمیز هسته‌ای کشور به بیگانگان، کودتای فرهنگی مطبوعاتی به همراهی با ضد انقلاب و رسانه‌های غربی از جمله بی‌بی‌سی و صدای آمریکا و عملیات رسانه‌ای برای براندازی، دریافت دلارهای عربی و آمریکایی برای تضعیف ارکان نظام، ناگوارترین رویداد ضد مذهبی تاریخ انقلاب یعنی هتک حرمت به حضرت سیدالشهداء (ع) در عاشورای حسینی و اهانت به اعتقادات مذهبی مردم که ماحصل آن ظهور انقلاب سوم در حماسه ۹ دی بود.»

او در این نطق از محسن کدیور، رمضان زاده، پیرموذن، موسوی خوئینی، مسعود بهنود، فاطمه حقیقت جو، فریبا داودی مهاجر، علی مزروعی، گرامی مقدم، مهاجرانی و... به‌عنوان خائن نام می‌برد تا رسالت اطلاعاتی خود را ایفا کرده باشد.

حسنوند از جمله نمایندگانی است که در جریان جنبش سبز با امضای نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضاییه خواستار محاکمه و مجازات فوری رهبران و فعالان جنبش سبز می‌شود.

خانواده

در وب‌سایت شخصی‌اش، خانواده فریدون حسنوند این‌گونه معرفی شده است: «همسر ایشان ۵ سال مسئول بسیج خواهران بود و سال‌ها به عنوان مسئول واحد امور تربیتی و هسته گزینش آموزش و پرورش شهرستان اندیمشک، مشغول به فعالیت بود. برادرانش از رزمندگان و ایثارگران دوران دفاع مقدس بودند و خواهرانش از اعضای بسیج، که در ستاد پشتیبانی جنگ در شهرستان فعالیت می‌کردند که هم‌اکنون نیز به فعالیت فرهنگی و مذهبی خود ادامه می‌دهند.» اطلاعاتی که او از همسرش می‌دهد نشان می‌دهد که همسرش نیز از عناصر وزارت اطلاعات است که در هسته‌های گزینش مشغول بوده است ولی او از نیروهای چپ اطلاعات شناخته می‌شود که با حمایت اصلاح‌طلبان اندیمشک به شورای شهر راه یافت.

محمدجواد کولیوند

حوزه انتخابیه: کرج
سمت: رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی
فراکسیون: مستقل، اعتدال گرا

از مسوولیت شنود تا ریاست کمیسیون شوراها

«مرا به زور راهی مجلس کردند.» محمد جواد کولیوند نماینده کرج در دوره نهم و دهم در گفتگویی با اعلام این مطلب می‌گوید: قبل از ورود به مجلس به من پیشنهاد شده بود به عنوان سفیر به سوئد یا مکزیک بروم و من در حالی که در حال آماده کردن خودم برای سفر به سوئد بودم از سوی مسولان شهرداری، شورای شهر، ائمه جمعه و ... تحت فشار قرار گرفتم که برای مجلس کاندیدا شوم وقتی قبول کردم که برای مجلس ثبت‌نام کنم باید از سمت‌ام در وزارت امور خارجه استعفا دهم. همسرم وقتی متوجه شد که استعفا داده‌ام تا شش ماه با من قهر بود که می‌خواهی مجلس بروی که چه؟». کولیوند با ورود به مجلس دهم بر کرسی ریاست کمیسیون شوراها و امورداخلی تکیه زد.

محمد جواد کولیوند کیست؟

محمد جواد کولیوند در سال ۱۳۴۶ در روستای بابا کمال تویسرکان همدان متولد شد. پس از گذراندن دوران کودکی و اتمام مقطع ابتدایی در مدرسه روستا به همراه خانواده به محمد آباد کرج مهاجرت کرد تا آنجا بتواند به تحصیل ادامه دهد. دوران دبیرستان‌اش مصادف با انقلاب ۵۷ و آغاز جنگ ایران و عراق بود لذا برای سال‌های از درس و مدرسه فاصله گرفته بود تا اینکه بعد از پایان جنگ وارد دانشگاه آزاد شد تا در رشته مدیریت صنعتی، لیسانس‌اش را دریافت کند. بعد از دریافت لیسانس در همان دانشگاه و همان رشته فوق‌لیسانس‌اش را دریافت کرد. او در حین تحصیل در شرکت مخابرات ایران مشغول به کار شد و به ریاست حراست شرکت مخابرات ایران رسید. گفتنی است کارمندان و خصوصا روسای حراست دستگاه‌ها از سوی وزارت اطلاعات منصوب می‌شوند و مامور اطلاعات در دستگاه مربوطه به حساب می‌آیند از این رو محمد جواد کولیوند را می‌توان مامور اطلاعات در شرکت مخابرات ایران دانست جایی

که مستقیما مسوولیت شنود مکالمات تلفنی را برعهده دارد. به قول مهندس ابراهیمی رئیس شرکت مخابرات ایران، حراست مسوولیت حفاظت و تامین امنیت اطلاعات را برعهده دارد و حاصل این نظارت حراست، پیشگیری از وقوع نبایدها و تذکر عوامل خطرآفرین، مسیر حرکت و تعالی به مدیران است.
کولیوند هم‌زمان با خدمت و با مدرک فوق‌لیسانس، در شرکت مخابرات به تدریس در دانشگاه آزاد کرج مشغول شد و به عضویت هیات علمی دانشگاه آزاد کرج در آمد. نماینده کرج بعد از سال‌ها ماموریت در شرکت مخابرات و پست بانک، رهسپار استانداری تهران شد تا به‌عنوان معاون استاندار فعالیت کند و بعد از مدتی به سمت فرماندار کرج منصوب شد. کولیوند پس از فرمانداری کرج، بدون داشتن سواد دیپلماتیک یا سابقه امور خارجی، راهی وزارت امور خارجه شد تا به عنوان کارشناس، به فعالیت خود ادامه دهد. در انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی، کولیوند در حالی که رهسپار سوئد بود تا بر کرسی سفارت ایران در این کشور تکیه زند، از ادامه ماموریت در وزارت امورخارجه منصرف شد و برای اولین بار قصد ورود به مجلس کرد و با رای مردم کرج به مقام نمایندگی رسید. کولیوند در مجلس نهم به عنوان معاون کمیسیون شوراها و امورداخلی فعالیت کرد ولی با ورود به مجلس دهم توانست در رقابت با امیر خجسته رئیس کمیسیون شوراهای مجلس نهم، ریاست را از او تحویل گیرد. کولیوند در حالی به ریاست کمیسیون شوراها رسیده است که در یک سال پیش رو به دلیل برگزاری انتخابات پنجمین دوره شوراهای شهر و روستا، روزهای شلوغی را تجربه خواهد کرد.
کولیوند به لحاظ سیاسی در شمار اصول‌گرایان به حساب می‌آید ولی به طیف تندروی این جریان تعلق ندارد. او خود را اصول‌گرایی میانه‌رو و حامی دولت حسن روحانی معرفی می‌کند.

سوابق اجرایی و مدیریتی

- کارمند شرکت مخابرات استان تهران شهرستان کرج،
- رئیس امور اداری و خدمات عمومی و مالی
- مدیر کل حراست شرکت مخابرات تهران
- مدیر کل تدارکات و بازرگانی شرکت مخابرات استان تهران
- معاون مال و اداری و نیروی انسانی پست بانک ایران
- مدیر کل اموال ساختمان و پشتیبانی وزارت امور خارجه
- معاون استانداری تهران و فرماندار کرج
- مدیر کل اموال، ساختمان و پشتیبانی وزارت امور خارجه
- استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی کرج
- نماینده کرج در مجلس نهم و دهم
- رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس دهم

انقلاب ۵۷ و جنگ ایران و عراق

انقلاب ۵۷ مصادف بود با دوران نوجوانی، محمد جواد کولیوند، با این حال او مدعی است که به همراه مادرش در راهپیمایی‌ها شرکت داشته و از فعالان نوجوان انقلاب بوده است. او در گفتگویی می‌گوید: وقتی به مناطق جنگی غرب کشور (کردستان)، عازم شدم فقط ۱۳ سال داشتم و تا پایان جنگ در مناطق جنگی حضور داشتم. کولیوند در دوران جنگ هشت ساله دو برادرش که از همرزمانش بوده‌اند را از دست می‌دهد. محمد صفا و باقر کولیوند دو

برادرش بودند که در عملیات والفجر و بدر کشته شدند. سومین برادرش حسن کولیوند نیز در عملیات کربلای پنج براثر اصابت گلوله در ناحیه گردن‌اش قطع نخاع شده و با ۷۰ درصد جانبازی روزگارش را می‌گذراند. خودش نیز در همین عملیات مجروح می‌شود و پس از ۱۷ ماه دوران نقاهت را پشت سر می‌گذارد.

جنبش سبز و خط قرمز مجلس

در جریان جنبش سبز، کولیوند در وزارت امورخارجه مشغول فعالیت بوده، بنابراین در آن مقطع، فعالیتی له یا علیه این جنبش بصورت علنی نداشته است، اما در مجلس نهم، هم‌صدا با اکثریت نمایندگان این مجلس، جنبش سبز را فتنه سبز خوانده و در جریان رسیدگی به اعتبارنامه دانش آشتیانی وزیر پیشنهادی حسن روحانی برای وزارت علوم، به عنوان مخالف صحبت کرده و دلیل مخالفت‌اش را فعالیت دانش آشتیانی در جریان جنبش سبز عنوان می‌کند و می‌گوید: «فتنه سبز خط قرمز مجلس برای ورود به کابینه است.»

او در گفتگویی جنبش سبز را فتنه ۸۸ و عامل دشمن خارجی برای براندازی نظام می‌خواند و می‌گوید: «در این فتنه قصد دشمن منحصرا براندازی نظام جمهوری اسلامی بود که در این خصوص علاوه بر پیگیری‌های متعدد و نقشه‌های شوم با سازماندهی عوامل داخلی خود در تلاش بود اهداف خود را به صورت مخملی از تهران به سایر شهرها نیز تعمیم دهد که این امر با درایت مقام معظم رهبری، هوشیاری و بصیرت مردم و روند صحیح دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی کشور به ثمر ننشست. او می‌افزاید: بزرگترین اشتباه سران فتنه سوار کردن بیگانگان در کشتی انقلاب بود، عده‌ای می‌گویند این آقایان خود فتنه‌گر نیستند اما متاسفانه با کج‌اندیشی و بی‌بصیرتی موجب شدند عده‌ای بیگانه بر کشتی انقلاب سوار شوند و این بزرگ‌ترین ضربه این بود که اینان به نظام زدند.» او حتی از این هم فراتر رفته و حصر را مجازاتی محدود و سبک برای رهبران جنبش سبز خوانده و می‌گوید: «مقام معظم رهبری در خصوص این افراد رافت نشان دادند و اگر این حادثه در زمان امام خمینی (ره) رخ می‌داد به طور قطع مجازات سنگین‌تری پیش روی این افراد بود.»

حقوق بشر و به خطا خواندن دیدار با بهائیان

هم‌چون دیگر اصول‌گرایان، کولیوند، کارنامه قابل دفاعی در حوزه حقوق بشر ندارد. در هیچ‌کدام از نطق‌ها و فعالیت‌هایش نه تنها نمی‌توان ردی از فعالیت برای ارتقای حقوق بشر در ایران یافت بلکه برعکس می‌توان او را مدافع حکومت در نقض حقوق بشر معرفی کرد. کولیوند با انتقاد شدید نسبت به گزارش سالانه احمد شهید، نماینده ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران می‌گوید: «گزارش احمد شهید "فرار به جلو" برای سرپوش گذاشتن بر جنایات آمریکا و اسرائیل در اردن، فلسطین اشغالی و سوریه و بحرین، مصر و لیبی است وگرنه حقوق بشر در ایران نسبت به سایر کشورهای دنیا بهتر رعایت می‌شود.»

کولیوند با زیر سوال بردن دیدار فائزه هاشمی با یکی از اعضای جامعه بهایی ایران، نشان می‌دهد که به آزادی مذهب و حقوق بشر چندان اعتنایی نمی‌کند. او در این خصوص می‌گوید: «فائزه هاشمی، باید این اشتباه خود را هرچه سریع‌تر جبران و اصلاح و بابت آن از مردم ایران عذرخواهی کند.»

احمد امیرآبادی

حوزه انتخابیه: قم
سمت: عضو هیات رئیسه مجلس
فراکسیون: اصول‌گرایان

لیدر پایداری‌ها در مجلس دهم

شورای شهر برای بسیاری از نمایندگان مجلس یک پل پرتاب بوده است. احمد امیرآبادی از جمله این نمایندگان است که قبل از ورود به مجلس، یکبار خود را در آزمون رای مردم قرار داده و موفق شده تا رای اعتماد مردم قم را جلب و پس از چهار سال نمایندگی آن‌ها در شورای شهر، شانس‌اش را برای ورود به مجلس امتحان کند. او اولین بار در سال ۱۳۹۱ به نمایندگی مجلس نهم انتخاب و ۴ سال بعد، مجوز ورود به مجلس دهم را نیز کسب کرد تا از هم‌اکنون بتوان او را یک ضلع مثلث پایداری‌ها در مجلس دهم (قدوسی نماینده مشهد- ذوالنور و امیرآبادی نمایندگان قم) دانست.

احمد امیرآبادی کیست؟

او متولد ۱۳۵۲ در شهرستان فراهان است. در خانواده‌ای مذهبی و کشاورز بدنیا می‌آید و پس از پشت سرگذاشتن دوران کودکی به همراه خانواده به شهر قم مهاجرت می‌کند و در فقیرترین و پرجمعیت‌ترین منطقه قم (نیروگاه) ساکن می‌شود. منطقه‌ای که اکثریت قاطع جمعیت آن را مهاجرین فقیر تشکیل داده‌اند. در نوجوانی عازم جنگ ایران و عراق می‌شود و در عملیات کربلای پنج مجروح می‌شود. ورود به جنگ ایران و عراق، زمینه ساز الحاق‌اش به سپاه پاسداران می‌شود. او از سال ۱۳۶۹ رسما به سپاه پاسداران می‌پیوندند و در حین خدمت تحصیلات خود را در رشته مدیریت ادامه می‌دهد و فوق‌لیسانس‌اش را در رشته مدیریت مالی دریافت و در دانشگاه سپاه (دافوس) تحصیلاتش را در مقطع دکترای ادامه می‌دهد. او هنوز موفق به کسب مدرک دکترا نشده است.

او با سال‌ها عضویت و فعالیت در بسیج، گرایش بسیار نزدیکی به جبهه پایداری (طیف سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی) دارد و در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی که اخیرا برگزار

شد موفق می‌شود با حمایت جبهه پایداری، بر دیگر رقبا غلبه کند و به عنوان منتخب اول قم، با ۲۶۳ هزار و ۸۸۵ رأی، بالاتر از علی لاریجانی رئیس مجلس هشتم و نهم، راهی مجلس دهم شود. احمدآبادی در انتخابات مجلس نهم به صورت مستقل در انتخابات شرکت کرده بود و برخلاف عرف حاکم بر قم که معمولا کاندیداهای جامعه مدرسین حوزه علمیه (بجز انتخابات مجلس ششم که اصلاح‌طلبان قم پیروز شدند.) پیروز انتخابات هستند، توانست بر یکی از سه کاندیدای جامعه مدرسین غلبه کند و به مجلس راه یابد. سکونت در منطقه‌ای بسیار پرجمعیت و عضویت در شورای شهر در پیروزی و ورود‌اش به مجلس موثر بوده است.

احمد امیرآبادی از فعال‌ترین مخالفان برجام در مجلس نهم بود به پیشنهاد او و تصویب نمایندگان، مجلس نهم کمیسیون ویژه بررسی برجام تشکیل داد. کمیسیونی که به رهبری یک عضو دیگر جبهه پایداری یعنی علیرضا زاکانی از مرحله تشکیل تا پایان از هیچ تلاشی برای مخالفت با برجام فروگذار نکرد و اگر حمایت قاطع علی لاریجانی رئیس مجلس از برجام نبود معلوم نبود سرنوشت این لایحه به کجا می‌انجامید. او برجام را مانع از پیشرفت‌های هسته‌ای می‌داند و معتقد است برای پیشرفت در دانش باید به علم هسته‌ای مسلح بود.

سوابق و گرایش سیاسی امیرآبادی، نشان می‌دهد که به جبهه اصول‌گرایان آن‌هم طیف افراطی و تندروی آن تعلق دارد. از این رو، می‌توان پیش بینی کرد که در غیاب چهره‌هایی همچون رسایی، کوچک زاده، حسینیان، زاکانی و ... او در ردیف رهبران جریان تندروی مجلس دهم قرار بگیرد. فراکسیونی که سران آن از ورود به مجلس دهم باز ماندند و معدودی از چهره‌های شاخص‌شان توانستند با دوپینگ شورای نگهبان (پس از رد صلاحیت گسترده کاندیداهای اصلاح‌طلب و مستقل) به مجلس راه یابند.

حضور در جنگ ایران و عراق

در دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق، امیرآبادی کودک و یا نوجوانی بیش نبوده ولی در سال‌های پایانی جنگ و در همان نوجوانی (۱۳ سالگی) تصمیم می‌گیرد که عازم جبهه شود و بسیج قم نیز این شرایط را برایش مهیا می‌کند که به خط مقدم پا بگذارد. به گفته خودش در عملیات کربلای پنج شرکت می‌کند و مجروح می‌شود و با استفاده از سهمیه جانبازی می‌تواند وارد دانشگاه شود و تحصیلات نیمه تمام‌اش را به پایان برساند. او پس از پایان یافتن جنگ به عنوان نیروی رسمی به سپاه پاسداران می‌پیوندد و تا زمان ورود به شورای شهر لباس نظامی برتن دارد.

مواضع حقوق بشری

هم‌چون دیگر اعضای جبهه پایداری، احمد امیرآبادی فعال حقوق بشر است اگر اتفاقی در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی و در ارتباط با جامعه مسلمین رخ دهد. در میان نطق‌ها و سخنرانی‌ها و تذکرات‌اش نمی‌توان کلامی در دفاع از حقوق بشر ایرانیان مطلبی پیدا کرد ولی در خصوص دیگر جوامع به کرات سخن گفته است. او یک بار اتفاقات میانمار را دست مایه حمله به کشورهای غربی قرار می‌دهد و خواستار تشکیل جلسه اضطراری سازمان کنفرانس اسلامی می‌شود و یک بار دولت عربستان را به دلیل قتل عام مردم سوریه و یمن مورد حمله قرار می‌دهد. او می‌گوید:«کمیته بین‌المللی حقوق بشر با وجود همه جنایات دولت عربستان در یمن به او کرسی می‌دهد چون این سازمان‌ها با پول نفت او پشتیبانی می‌شوند و از آنجایی که لابی‌های پشت پرده صهیونیستی با حکام سعودی در ارتباط هستند امیدی به نتیجه‌گیری

نیست.»

سوابق اجرایی

- عضو هیئت رئیسه شورای اسلامی شهر قم
- عضو هیئت مدیره جمعیت هلال احمر استان قم
- عضو هیئت منصفه دادگاه مطبوعات استان قم
- عضو بسیج اساتید دانشگاه‌های استان قم
- عضو شورای آموزش و پرورش استان قم
- مسئول فرهنگی سپاه ناحیه قم
- عضو شورای مرکزی بسیج دانشجویی پردیس فارابی
- عضو کمیسیون اصل نودم قانون اساسی
- عضو هیئت رئیسه کمیسیون تلفیق بودجه
- عضو هیئت رئیسه کمیسیون احکام برنامه
- ناظر کمیسیون انسداد مرزهای کشور
- عضو هیئت رئیسه شبکه دیده بان (سازمان مردم نهاد مبارزه با مفاسد اقتصادی)
- عضو هیئت رئیسه فراکسیون ایثارگران
- عضو هیئت رئیسه فراکسیون مدیریت شهری
- عضو شورای مرکزی جمعیت جانبازان انقلاب اسلامی
- رئیس هیئت تحقیق و تفحص از وزارت صنعت، معدن و تجارت
- عضویت در هیئت تحقیق و تفحص از بنیاد شهید و امور ایثارگران
- عضو و نائب‌رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات چهارمین دوره شوراهای اسلامی کشور
- عضویت در فراکسیون ورزش، حامیان امداد و جوانان
- دبیر و سخن‌گوی مجمع نمایندگان استان قم

محمدحسین فرهنگی

حوزه انتخابیه: تبریز
سمت: عضو هیات رئیسه مجلس
فراکسیون: اصول‌گرایان

فعال در سرکوب‌ها از انقلاب ۵۷ تا جنبش سبز

درصحن: رد صلاحیت‌های گسترده در انتخابات مجلس هفتم که با تحصن اعتراض آمیز جمعی از نمایندگان مجلس ششم همراه شد، فرصتی ایجاد کرد تا افرادی از درون سپاه پاسداران به صحن مجلس راه یابند تا به گواه احمد جنتی دیگر از شنیدن صدای نمایندگان هراسی نداشته باشند. محمد حسین فرهنگی رئیس بسیج دانشجویی کشور یکی از این افراد بود که از تبریز وارد مجلس هفتم شد و برای چهار دوره متوالی کرسی نمایندگی‌اش را حفظ کرد.

محمد حسین فرهنگی کیست؟

او در سال ۱۳۴۰ در یک خانواده روحانی در تبریز متولد شد. پدرش روحانی بود و سال‌های پس از انقلاب به امامت جمعه بستان آباد منصوب شد. محمد حسین فرهنگی در حالیکه ۹ سال بیشتر نداشت مادرش را نیز از دست داد بی‌آن‌که برادر یا خواهری داشته باشد. بعدها پدرش مجدد ازدواج کرد و صاحب برادران و خواهرانی شد.

او تحصیلات‌اش را در رشته ریاضی در مقطع متوسطه به پایان رساند و از آنجا که عضو فعال انقلاب ۵۷ بود، به جای ورود به دانشگاه، جذب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد. او چند سال بعد در حالی‌که در جبهه‌های جنگ ایران و عراق حضور داشت در کنکور شرکت کرد و توانست در رشته الهیات وارد دانشگاه تهران شود. پس از پایان جنگ، او لیسانس‌اش را تمام کرد و تحصیلاتش را در مقطع فوق‌لیسانس ادامه داد. او پس از اخذ فوق‌لیسانس الهیات از دانشگاه تهران، راهی سپاه تبریز شد و در حین خدمت، فوق‌لیسانس دیگری در رشته مدیریت از مرکز آموزش مدیریت دولتی تبریز اخذ کرد و در دانشگاه آزاد اسلامی مشغول تدریس شد.

فرهنگی مدتی بعد دوره دکترا را در دانشگاه آزاد به پایان رساند و به عضویت هیات علمی دانشگاه آزاد درآمد. او در زندگی‌نامه خود بارها بر این نکته تاکید می‌کند که در هیچ کنکوری از

سهمیه رزمندگان استفاده نکرده است.
فرهنگی از سال ۵۷ تا سال ۸۲ که برای اولین بار راهی مجلس شد و مسوولیت‌های متعدد نظامی را تجربه کرد. از حضور در جبهه‌های جنگ تا ریاست ستاد لشکر عاشورا و فرماندهی سپاه و بسیج آذربایجان شرقی، از او چهره‌ای نظامی ساخته، هرچند او در حین خدمت در دانشگاه آزاد به تدریس نیز مشغول بوده است. با روی کار آمدن دولت سید محمد خاتمی و آغاز جنبش اصلاحات در ایران، او که در سمت فرماندهی بسیج تبریز مشغول بود، جذب بسیج دانشجویی سراسر کشور می‌شود و فرماندهی این تشکل نظامی را عهده‌دار می‌شود. دورانی که بیشترین ماموریت بسیج دانشجویی، حمله به تجمعات و سرکوب منتقدان و مخالفان در دانشگاه‌ها بود. در همین دوران که واقعه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در کوی دانشگاه تهران رخ داد و دو روز بعد دامنه این فاجعه به دانشگاه تبریز نیز کشیده شد، برادر بسیجی‌اش محمد جواد فرهنگی در حالیکه ۱۷ سال بیشتر نداشت در جریان سرکوب دانشجویان و درگیری‌های بوجود آمده کشته شد.
با پشت سرگذاشتن سال‌های پرفراز و نشیب دولت خاتمی، «فرهنگی» که در ماموریت سرکوب جنبش اصلاحات موفق عمل کرده بود، وارد مجلس شد. درجریان انتخابات مجلس هفتم، حاکمیت که از عملکرد نمایندگان مجلس ششم، رنجیده خاطر شده بود، با رد صلاحیت گسترده نمایندگان این دوره، راه را برای ورود نیروهای خودی، باز کرد و جمعی از نیروهای اصول‌گرای سپاه پاسداران به این مجلس راه یافتند.
محمد حسین فرهنگی به نمایندگی از مردم تبریز راهی مجلس شد و لباس نظامی را از تن خارج کرد. او در مجلس به عضویت کمیسیون حقوقی و قضایی درآمد و توانست علاوه بر ورود به هیات رئیسه مجلس، کرسی‌اش را برای چهار دوره متوالی حفظ کند. در انتخابات مجلس دهم، او در رقابت با کاندیداهای اصلاح‌طلب، به دور دوم رفت و در این مرحله توانست با دو کاندیدای اصلاح‌طلب و یک اصول‌گرای دیگر مجوز ورود به مجلس را مجدد کسب کند ولی این بار از ورود به هیات رئیسه باز ماند.
محمد حسین فرهنگی از اصول‌گرایان شناخته شده مجلس دهم است. او از حامیان جدی ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد بود که هم در سال ۸۴ و هم در سال ۸۸ از تریبون مجلس، نطق‌هایی در دفاع از او خوانده بود.

مهم‌ترین سوابق اجرایی و مدیریتی

محمد حسین فرهنگی قبل از ورود به مجلس یک عنصر نظامی بود با کوله باری از تجربه فعالیت در سپاه و بسیج آذربایجان شرقی. او در حین خدمت نظامی، در دانشگاه آزاد اسلامی نیز به تدریس دروس عمومی مشغول بوده است. فرهنگی هم‌اکنون ۱۳ سال است که در مجلس شورای اسلامی حضور دارد و تا سه سال آینده نیز در مجلس خواهد بود. اهم سوابق اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- قائم مقام و ریاست ستاد لشکر عاشورا در دوران دفاع مقدس و سال‌های پس از آن
- فرماندهی سپاه استان آذربایجان شرقی
- رئیس ستاد برگزاری کنگره سرداران شهید آذربایجان
- رئیس هیات مدیره تیم فوتبال فجر عاشورا
- رئیس سازمان بسیج دانشجویی کشور
- عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد

- معاون مرکز تحقیقات اسلامی سپاه
- روزنامه نگاری با مسؤولیت صاحب امتیازی و مدیر مسؤولی یکی از نشریات محلی (میثاق)
- نماینده مردم تبریز در مجلس هفتم تا دهم
- عضو هیات رئیسه مجلس نهم

انقلاب ۵۷ و مشارکت در سرکوب مخالفان

مطالعه کتاب‌های آیت‌الله مطهری و شریعتی، مقدمه آشنایی او با فعالان انقلاب ۵۷ می‌شود. محمد حسین فرهنگی که سنین نوجوانی‌اش با اوج‌گیری فعالیت‌های انقلابی همراه می‌شود، خیلی زود به جرگه انقلابیون می‌پیوندد و به گفته خودش در مباحثه با دیگر جوانان در خصوص مسایل انقلاب پیش قدم بوده است. او وقتی دانش‌آموز بوده به در راهپیمایی‌ها و توزیع اعلامیه‌ها و پوسترهای انقلابیون فعال بوده است.

فرهنگی با پیروزی انقلاب ۵۷ به همراه تعدادی دیگر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های تبریز، انجمن دانش‌آموزان مسلمان را در تبریز بنا می‌کند و بعد از مدتی این انجمن به اتحادیه انجمن‌های دانش‌آموزان سراسر کشور می‌پیوندد. عضویت در کانون نهضت اسلامی تبریز و تلاش برای حفظ امنیت داخلی تبریز و مشارکت در سرکوب مخالفان و منتقدان از جمله فعالیت‌هایی است که خود به آن اشاره کرده است.

فرماندهی ستاد لشگر عاشورا

محمد حسین فرهنگی که بلافاصله پس از تشکیل سپاه پاسداران به عضویت این نهاد انقلابی-نظامی درآمده بود، با آغاز جنگ ایران و عراق به لشگر عاشورای آذربایجان شرقی می‌پیوندند و عازم جبهه‌ها می‌شود. او ابتدا به قائم مقامی و سپس به ریاست ستاد لشگر عاشورا منصوب می‌شود.

فرهنگی خود را از هم‌رزمان شهید باکری معرفی کرده و مدعی است با حکم باکری به ستاد عاشورا رفته و مدت ۵ سال در جبهه‌ها حضور داشته است. او در توصیف آن دوران می‌گوید: «می‌خواستم بروم گردان یا یکی از واحدهای رزمی. شهید باکری اصرار می‌کرد در ستاد باشم و می‌گفت اینجا بیشتر مشکل داریم. شدم مسؤول واحد فرهنگی لشکر. یکی دو بار با بچه‌های اطلاعات رفتم شناسایی. متوجه شدم استعداد خوبی برای این کار ندارم. مسیرها را اشتباه می‌کردم. دیدم اگر ادامه دهم ممکن است جان بچه‌ها را به خطر بیندازم و از ادامه منصرف شدم. گردان‌ها هم منوط به نظر فرماندهی می‌کردند و ایشان مخالف بود. سعی کردیم واحد خودمان را رزمی‌تر کنیم. دوستان را در خطوط پدافندی مستقر کردیم و سعی کردیم فضای نامناسب بین ستاد و صف را که دارای فاصله زیادی بود، تلطیف کنیم.

بعد از شهادت شهید باکری مرا آوردند ستاد لشکر به عنوان جانشین رئیس ستاد. سریع ستاد رزمی تشکیل دادیم و ایده‌ای را که داشتم در سطح کلیه واحدهای ستادی توسعه دادم.»

فرمان امام علی با مالک، نسخه حقوق بشر اسلامی

کارنامه سیاسی-نظامی محمد حسین فرهنگی، او را عنصری از نیروهای موتور سرکوب حکومت معرفی می‌کند کسی که خود در زندگی‌نامه تشریحی‌اش بارها از تلاش برای سرکوب مخالفان، نوشته است. بنابراین طبیعی است که تطابق اصول حقوق بشر به مفهوم عام آن، با گفتار و عملکرد این نماینده مجلس، بیراهه رفتن است. او خود در زندگینامه‌اش می‌گوید از کودکی با

بهائیان مشکل عقیدتی داشتم و از معلم بهائی‌اش با الفاظی ناشایست یاد می‌کند و اعتراف می‌کند که در سال‌های اولیه انقلاب در پاکسازی تبریز از عناصر مخالف انقلاب نقش داشته است. او در جریان جنبش اصلاحات از تبریز به تهران می‌آید و فرماندهی بسیج دانشجویی کشور را عهده دار می‌شود، تشکلی که در فاجعه سرکوب دانشجویان معترض کوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ نقش محوری داشت. او نگارش و توزیع کتابچه‌ای تحت عنوان «ولایت فقیه، حاکمیت اندیشه اسلامی است نه حکومت فردی» در حاشیه اتفاقات سال ۱۳۷۸ را از دستاوردهای حضور خود در بسیج دانشجویی عنوان کرده و آن را سندی افتخارآمیز می‌داند.
حقوق بشر در تعریف این نماینده مجلس یعنی فرمان امام علی به مالک اشتر. او می‌گوید: این سند به عنوان سند حقوق بشر اسلامی باید ملاک عمل قرار گیرد.
«فرهنگی» در مجلس هفتم و در جریان انتشار کاریکاتوری در روزنامه ایران که اهانت به ترک‌ها تلقی و اعتراضاتی درسطح استان‌های ترک‌نشین به همراه داشت، تبرئه مدیرمسوول روزنامه ایران را خلاف اصول حقوقی دانسته و خواستار نادیده گرفتن آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها شده و در نطقی در صحن علنی مجلس می‌گوید: «حکم هیات منصفه و دادگاه مطبوعات با هیچ منطق حقوقی، سیاسی و امنیتی سازگار نیست. داشتن سوء نیت یکی از عناصر جرم است در حالی‌که عنصر مادی مشهود، مسوولیت مدنی و جزایی خود را دارد و چرا هیات منصفه و دادگاه نسبت بدان بی‌توجه بوده است؟»
فرهنگی در دهم خرداد ۱۳۹۰ طی نطقی در مجلس مخالفت خود با آزادی پوشش را بیان کرده و می‌گوید: «مردم و متدینان از وضعیت حجاب و عفاف در کشور ناراحتند. آیا حداقل نمی‌توان از تولید و توزیع لباس‌های نامناسب جلوگیری کرد؟»

محارب خواندن رهبران جنبش سبز

محمد حسین فرهنگی که در جریان انتخابات سال ۸۸ از حامیان جدی محمود احمدی نژاد در مجلس هشتم به شمار می‌رفت، پس از انتخابات به جرگه مخالفان جنبش سبز پیوست و با نطق‌هایی علیه رهبران جنبش سبز در مجلس نقش خود را در سرکوب این جنبش ایفا می‌کرد. او در نطقی جرایم رهبران و فعالان جنبش سبز را اینگونه برشمرده و می‌گوید: «مباشرت در برهم‌زدن امنیت کشور، مباشرت در اجتماع و تبانی در ارتکاب جرایم، مباشرت در افتراء و توهین و هتک حرمت اشخاص، مباشرت و معاونت در تبلیغ علیه جمهوری اسلامی، مباشرت و معاونت در اخلال نظم، آسایش و آرامش عمومی و ممانعت از کسب و کار، معاونت در محاربه و افساد فی الارض، معاونت در اختلال نظم جامعه و ایجاد خوف، معاونت در احتراق، تخریب و اتلاف اموال، مجازات‌های شدیدی در قانون مجازات اسلامی دارد که باید از سوی مدعی‌العموم به‌طور جدی پیگیری و مراجع قضایی سریعا حکم صادر کنند.»
او در گفت‌وگویی با باشگاه خبرنگاران جوان، موسوی و کروبی را در راهی بی‌بازگشت خوانده و مدعی است اگر رهبران جنبش اصلاحات راه خود را از رهبران جنبش سبز جدا نکنند حیات جنبش اصلاح‌طلبی به درازا نخواهد کشید و حذف خواهند شد.

از دست دادن برادر در سرکوب دانشجویان دانشگاه تبریز

پدرش آیت‌الله بستان آبادی امام جمعه بستان آباد بود که در دهه ۷۰ درگذشت. او مادرش را نیز در نه سالگی از دست داد. محمد حسین فرهنگی برادر یا خواهر تنی نداشت اما از همسر دوم پدرش، برادران و خواهرانی دارد. یک از برادرانش به نام محمد جواد از فعالان بسیج تبریز

بود که در جریان سرکوب دانشجویان دانشگاه تبریز در سال ۱۳۷۸ کشته شد. اطلاعات بیشتری از دیگر برادران و خواهرانش موجود نیست.

محمد آشوری

حوزه انتخابیه: بندرعباس
سمت: عضو هیات رئیسه مجلس
فراکسیون: اصول‌گرایان

نه موافق، نه مخالف

چنانچه معروف است او در طول سه دوره حضور خود در مجالس هفتم، هشتم و نهم، نه تنها در موافقت یا مخالفت با هیچ وزیری صحبت نکرده، بلکه هیچ تذکر و اخطاری را هم مطرح نکرده است. برای همین هم وقتی در آبان سال ۱۳۹۲ برای اولین بار در جلسه بررسی صلاحیت، در حمایت از وزیر پیشنهادی دولت روحانی برای وزارت ورزش و جوانان پشت میکروفن رفت و در مقام موافق با سیدرضا صالحی امیری سخن گفت، خیلی‌ها به طعنه از آن با عناوین «اتفاق ویژه»، و «نماینده‌ای که بعد از ۱۲ سال به حرف آمد» یاد کردند.
محمد آشوری با بیان این که وزیر پیشنهادی مظلوم واقع شده و شرایط کنونی ایجاب می‌کند که از وی دفاع کند، گفته بود: «من نه عقد اخوت با کسی بسته‌ام و نه دین خود را برای دنیای صالحی امیری فدا خواهم کرد.»
به جز این مورد، در آبان ۱۳۹۱ نیز، وقتی طرح سوال از محمود احمدی نژاد در مجلس مطرح شد، تعدادی از نمایندگان بلافاصله امضای خود را پس گرفتند. آشوری جزو ۷۶ نفری بود که امضایش در فهرست باقی ماند؛ هر چند که فقط دو روز بعد نام او جزو اسامی انصراف‌دهندگان از طرح سؤال از رئیس‌جمهور قرار گرفت.
در هر دو دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد نیز با دولت او میانه خوبی نداشت. خودش سابقه معاونت سیاسی و امنیتی استانداری هرمزگان را داشت و همواره با استانداران منصوب دولت احمدی نژاد مشکل داشت. در سال ۱۳۸۶ به دلیل این که در انتصاب استاندار جدید با نمایندگان استان هرمزگان هیچ مشورتی نشده بود به همراه چهار نماینده دیگر استعفای خود را اعلام کرد و گفت: «استاندار جدید از مسئولان قبلی شهرداری تهران بوده و حالا هم ۵ نفر دیگر را از شهرداری تهران به مجلس بیاورند تا عدم حضور ما را جبران کند.»
با این حال وقتی در دولت حسن روحانی به او پیشنهاد استانداری را دادند از پذیرش آن

خودداری کرد و تلاش دیگر نمایندگان استان هم برای جلب رضایت او بی‌ثمر بود. در آن زمان حتی گفته شد برخی از افرادی که خودشان نیز به عنوان گزینه‌ای برای استان‌داری هرمزگان مطرح بوده‌اند، رضایت خود را از این انتخاب اعلام کرده بودند.
محمد آشوری تازیانی در ۲۳ تیر سال ۱۳۴۱ در بندرعباس به دنیا آمد. پدرش کشاورز بود او مدرک کارشناسی خود را در رشته جامعه شناسی دریافت کرد اما رشته منتخب او برای کارشناسی ارشد و دکترا، مدیریت استراتژیک بود.
مدتی فرماندار بندرعباس بود و بعد معاون سیاسی امنیتی استان هرمزگان. سپس به عنوان نماینده مردم بندرعباس، قشم و ابوموسی به مجلس هفتم راه یافت.
او از نظر طیف سیاسی به طیف اصول‌گرایان میانه‌رو تعلق دارد. در بهمن سال ۱۳۹۱ نیز بعد از حمله به سخنرانی علی لاریجانی در قم، به شدت از طیف حمله‌کنندگان انتقاد کرد و کار آنان را خیانت به کشور نامید. او خواستار برخورد قانونی با عاملان حادثه قم شد و گفت: «افراط‌گرایی، دوری از منطق و برهم زدن ثبات سیاسی کشور و منحرف کردن فضای رسانه‌ای و تبلیغی منطقه و جهان از حماسه ۲۲ بهمن و محدود کردن آن به مجموعه‌ای از اظهارات و رفتارهای افراط‌گرایانه، خیانتی بود که از سوی عده‌ای به طور سازمان‌دهی شده صورت گرفت اما با هوشیاری مردم و دقت نظر آحاد جامعه ناکام ماند.»
آشوری علاوه بر عضویت در هیات رئیسه مجلس، به عنوان یکی از اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی هم شناخته می‌شود.

جمشید جعفرپور

حوزه انتخابیه: لارستان
سمت: رئیس کمیسیون فرهنگی
فراکسیون: اصول‌گرایان

رئیس جدید کمیسیون فرهنگی کیست؟

انتخابات هیات رئیسه کمیسیون‌های تخصصی مجلس، در سال دوم دوره دهم، یک تغییر عمده داشت و آن کنار گذاشتن جبهه پایداری از ریاست کمیسیون فرهنگی و سپردن این کرسی به عضو دیگری از جبهه اصول‌گرایی بود. جمشید جعفرپور که در انتخابات سال اول هیات رئیسه کمیسیون فرهنگی پس از نصراله پژمانفر و احمد سالک، دو عضو پایداری مجلس دهم، بر کرسی نایب رئیس دوم این کمیسیون تکیه زده بود، در انتخابات سال دوم، هر دو رقیب روحانی خود را کنار زد و کرسی ریاست کمیسیون فرهنگی را از آن خود کرد. او در مجلس نهم نیز در کمیسیون فرهنگی عضویت داشت.

جمشید جعفرپور و دوران تحصیل

جمشید جعفرپور در سال ۱۳۴۲ در شهرستان لار از توابع استان فارس به دنیا آمد. او در سال ۱۳۶۰ موفق شد دیپلم ریاضی خود را از دبیرستانی در لار اخذ و پس از یک سال فعالیت در لار به عنوان مربی امور پرورشی، برای ادامه تحصیل به تهران و مدرسه عالی مطهری مهاجرت کند. جعفرپور پس از مهاجرت به تهران هم‌زمان تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را در مدرسه عالی مطهری تهران، پی می‌گیرد و در سال ۱۳۶۵ مدرک لیسانس خود را در رشته حقوق قضایی از این مدرسه اخذ می‌کند و یک سال بعد وارد مقطع کارشناسی ارشد می‌شود. جعفرپور که تحصیلات خود را تا پایان مقطع سطح در حوزه علمیه به اتمام رسانده است در سال ۱۳۶۹ نیز مدرک فوق‌لیسانس‌اش را در رشته حقوق قضایی دریافت و برای ادامه تحصیل در رشته فقه و حقوق اسلامی وارد مقطع دکترای دانشگاه تهران می‌شود و با موفقیت تحصیلات خود را با اخذ مدرک دکترا به اتمام می‌رساند.

او هم‌زمان با تحصیل در مقطع دکترا، تدریس در دانشگاه و فعالیت در دبیرخانه شورای عالی

انقلاب فرهنگی را آغاز می‌کند و به عضویت کمیسیون مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی در می‌آید و برای سال‌های متمادی در این شورا کار می‌کند.

از شرکت در راهپیمایی‌های انقلاب ۵۷ تا جانبازی در جنگ ایران و عراق

جمشید جعفرپور از نیروهای انقلابی لار معرفی می‌شود ولی در لیست فعالیت‌های انقلابی او قبل از بهمن ۵۷ تنها به شرکت در راهپیمایی و تظاهرات علیه نظام پهلوی یاد شده است. او بعد از انقلاب ۵۷ مسوولیت اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزان لار را عهده دار می‌شود به عضویت بسیج و سپاه لار در می‌آید.

در طول هشت سال جنگ ایران و عراق، تنها ده ماه در جبهه‌های جنگ حضور داشته و در یکی از عملیات‌های نظامی مجروح و جانباز می‌شود. او در خصوص حضورش در جبهه‌ها می‌گوید: «من هم سعادت داشتم در کنار رزمندگان به دفاع از انقلاب و میهن عزیز اسلامی بپردازم و درعملیات‌های مختلف حضور داشتم که متاسفانه توفیق شهادت نصیب نشد اما به افتخار جانبازی نائل شدم.»

ورود به مجلس از حوزه انتخابیه لار

جمشید جعفرپور که از سال ۱۳۶۱ در تهران زندگی کرده و کمتر در لار حضور داشته بود، در جریان انتخابات مجلس نهم تصمیم می‌گیرد که به عنوان کاندیدا وارد کارزار انتخاباتی مجلس نهم در حوزه انتخابیه لار شود. او با وجود اینکه در میان توده مردم در لار چهره‌ای ناشناخته بود، موفق می‌شود با پشت سرگذاشتن رقبای خود، با جلب ۵۵ هزار و ۸۴۸ رای معادل ۴۴ درصد مجموع آراء، وارد مجلس شود. او با وجود تحصیل در رشته حقوق قضایی ولی به دلیل سابقه فعالیت در شورای عالی انقلاب فرهنگی به عضویت کمیسیون فرهنگی در می‌آید و به عنوان نماینده کمیسیون فرهنگی در کمیسیون اصل نود نیز مشغول فعالیت می‌شود.

جعفرپور بار دیگر در جریان انتخابات مجلس دهم، از حوزه لار اعلام کاندیداتوری می‌کند و هرچند با ریزش جدی آراء روبرو می‌شود ولی باز به مجلس راه می‌یابد. او که در انتخابات مجلس نهم بالغ بر ۵۵ هزار رای کسب کرده بود، در این دوره از انتخابات، ۳۸ هزار و ۷۶۶ رای معادل ۳۴ درصد مجموع آراء را کسب می‌کند و برای دومین دوره متوالی به عنوان نماینده لار در مجلس حضور می‌یابد. او در انتخابات از حمایت ائتلاف اصول‌گرایان برخوردار بود.

جعفرپور که در هر دو دوره نهم و دهم عضو فراکسیون اصول‌گرایان بود، در انتخابات هیات رئیسه کمیسیون فرهنگی در سال دوم، موفق می‌شود، رقبای اصول‌گرای خود که به طیف جبهه پایداری تعلق داشتند را کنار زده و کرسی ریاست کمیسیون را از آن خود کند.

سوابق اجرایی و مدیریتی

جمشید جعفرپور قبل از ورود به مجلس بیشتر در شورای عالی انقلاب فرهنگی و به تدریس در دانشگاه مشغول بوده و کمتر در دیگر حوزه‌ها فعالیت داشته است. اهم فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی‌اش به این شرح است:

- رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس دهم
- نماینده لار در مجلس نهم و دهم
- عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی
- رئیس کمیسیون مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی
- رئیس کمیته فرهنگ عمومی کمیسیون مشورتی

- رئیس کمیسیون تعلیم و تربیت دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی
- عضوشورای تخصصی تحول و نوسازی نظام آموزشی کشور
- عضوشورای تخصصی مهندسی فرهنگی
- عضوشورای معین شورای عالی انقلاب فرهنگی
- معاون دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی
- وکیل دادگستری
- دانشیار پایه ۲۴ دانشگاه

فتنه خط قرمز مجلس

در میان اظهارات و سخنان جعفرپور کمتر مسایل سیاسی خصوصا مباحث چالش‌برانگیز یافت می‌شود. او در معدود سخنان سیاسی خود، از جنبش سبز به عنوان فتنه و خط قرمز مجلس نام می‌برد تا نشان دهد مانند دیگر اصول‌گرایان مجلس از مخالفان جنبش سبز است. جعفرپور در واکنش به معرفی وزرای دولت روحانی به مجلس نهم، می‌گوید: «فتنه ۸۸ خط قرمز مجلس برای رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی است.» او البته تاکید می‌کند که وزرای پیشنهادی در جلسات فراکسیون‌های مجلس اعلام کرده‌اند که در جنبش سبز فعالیتی نداشته‌اند.
مخالفت با جنبش سبز جزء سیاست‌های فراکسیون اصول‌گرایان مجلس در ادوار گذشته بوده است.

حقوق زنان و ممنوعیت وازکتومی و سقط جنین

اعلام وصول طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده، در مجلس نهم چالش‌برانگیز شد چرا که طراحان این طرح برای تشویق خانواده‌ها به زاد و ولد، به مخالفت با راه‌های کنترل بارداری پرداختند. جمشید جعفرپور اگرچه نامش در میان طراحان این طرح نبود ولی وقتی طرح به کمیسیون فرهنگی ارجاع شد، او مامور شد تا نظرات کمیسیون را در طرح اعمال کند. او که دانش‌آموخته حقوق بود در اصلاحاتی که در این طرح اعمال کرد بدون در نظر گرفتن حقوق زنان، تمام تلاش‌اش را معطوف به حذف تعالی خانواده و افزایش جمعیت کرد. او در این خصوص می‌گوید: «در این طرح صرفا هدف ما افزایش جمعیت است. البته ممکن است موضوع تعالی خانواده از عنوان طرح حذف شود تا بتوانیم به طور دقیق‌تر و تمرکزیافته‌تر به افزایش نرخ رشد جمعیت بپردازیم.» جعفرپور بدون توجه به دغدغه جامعه زنان در خصوص ازدواج زیر سن قانونی و تقاضای آن‌ها برای افزایش حداقل سن ازدواج، از تلاش برای حذف بند مربوط به سن ازدواج در این طرح خبر داده و می‌گوید: «برخی از مواد طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده که ارتباط مستقیمی با افزایش جمعیت ندارند را حذف می‌کنیم. در بخشی از این طرح به سن ازدواج پرداخته شده، سن ازدواج چه ربطی به فرزند آوری دارد؟ آیا اگر زنی خواست در سن ۳۵ سالگی فرزندآوری کند، چون در سن قید شده در این طرح قرار ندارد، باید او را از مشوق‌ها محروم کنیم؟»
جعفرپور تغییر نگاه دختران به زن نمونه ایرانی در کتب درسی را مورد نقادی قرار داده و می‌گوید: «در کتاب‌های درسی قدیمی کوکب خانم زن خانه‌داری بود، اما در حال حاضر کوکب خانم روی مبل می‌نشیند و زن خانه‌دار هم نیست. در حال حاضر ما از مقاطع سنی کم، ذهنیت دختران را عوض می‌کنیم و او از سنین کودکی می‌آموزد که باید در آینده حتما شاغل باشد؛ البته ما قصد نداریم کسی را به علت نداشتن فرزند با تصویب این طرح مجازات کنیم، بلکه به دنبال

تشویق زوجین برای فرزندآوری هستیم.»

با اسلحه مشابه به هالیوود پاسخ دهیم

جعفرپور که این روزها بر کرسی ریاست کمیسیون فرهنگی مجلس تکیه زده بر این باور است که باید به فیلم‌سازان هالیوود با اسلحه مشابه خودشان پاسخ دهیم. او با انتقاد از فیلم‌های ضد ایرانی هالیوود می‌گوید: «سینما زبانی عمیق و برنده دارد، به‌گونه‌ای که می‌تواند در افکار و دیدگاه مخاطب اثر بگذارد، از همین رو کشورهای غربی در تلاش هستند تا با استفاده از این ابزار هنری، ایده‌های پوچ و بی‌محتوای خود را به بیننده القا کنند.» او می‌افزاید: «سینمای ایران توانایی آن را دارد تا با استفاده از ارزش‌های معنوی و انسانی، به ساخت فیلم‌هایی دست زند که پاسخ‌گوی جهان هالیوود باشند.»

اکثریت هنرمندان و سینماگران طی پنج سال مدیریت احمد سالک و پژمانفر بر کمیسیون فرهنگی، رابطه خوبی با مجلس نداشتند، حال باید منتظر ماند و دید آیا رویکرد کمیسیون فرهنگی با مدیریت جدیداش، نسبت به سینما و هنر تغییر می‌کند یا خیر؟

اطلاعات چندانی از روابط فامیلی جعفرپور با دیگر ارکان قدرت در ایران در دست نیست.

الهیار ملکشاهی

حوزه انتخابیه: کوهدشت
سمت: رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی
فراکسیون: اصول‌گرایان

چرخش از رحیم‌مشایی به سمت جلیلی

«الهیار ملکشاهی»، پیش از برگزاری آخرین دوره انتخابات ریاست جمهوری که با پیروزی «حسن روحانی» همراه شد، با طرح این موضوع که مردم از طرح موضوعات شعارگونه خسته شده‌اند، پیش‌بینی کرده بود کسی برنده انتخابات خواهد شد که حوزه اقتصاد و معیشت مردم را نشانه رود و با برنامه منسجم اقتصادی به میدان رقابت بیاید.
اگرچه در آن موقع هنوز اسامی کاندیداها مشخص نشده بود اما هرچه بود، پیش بینی او با انتخاب سعید جلیلی به وقوع نمی‌پیوست. وی در همان گفت‌وگو تصریح کرد: «مطالبات مردم با گذشت زمان و نسبت به دوره قبل انتخابات واقعی‌تر شده و امروزه مطالبات واقعی، مشکلات روزمره مردم است که هر روزه با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و قطعا خواستار حضور فردی عمل‌گرا و با برنامه خواهند بود.»
اما شاید دانستنش جالب باشد که پیش از رد صلاحیت کاندیداها توسط شورای نگهبان، نام او در فهرست نمایندگان هوادار «اسفندیار رحیم مشایی» به چشم آمد.
ملکشاهی که خود سابقه حضور در شورای نظارت بر انتخابات (زیر نظر شورای نگهبان) استان لرستان را دارد درباره شایبه احتمال حمایت دولت وقت از رحیم مشایی و احتمال دست‌کاری در آراء مردم، این کار را غیر ممکن دانسته و گفته بود که انتخابات در ایران توسط مردم برگزار می‌شود و دولت فقط کار پشتیبانی و تدارکات را انجام می‌دهد.
او درباره نظارت بر انتخابات می‌گوید: «فرماندار هر شهرستان طبق قانون ۳۰ نفر از معتمدین آن شهرستان را دعوت می‌کند و سپس آنان بین خودشان انتخابات برگزار می‌کنند و اعضای هیات اجرایی برگزارکننده انتخابات بدین ترتیب تعیین می‌شوند، یعنی اجرای انتخابات با مردم است، سپس برای اینکه تصمیمات این هیات به سمت و سوی اشخاصی خاص نرود و تضمینی برای این موضوع وجود داشته باشد، هیاتی تحت عنوان هیات نظارت بر انتخابات

تشکیل می‌شود. دولت در امر انتخابات تنها پشتیبان‌کننده است، یعنی دولت در امر انتخابات وسایل نقلیه، صندوق اخذ رأی، تعرفه و دیگر موارد را آماده می‌کند.»
ملکشاهی به دلیل پست‌های قضایی که در کارنامه خود دارد و اینکه در حال حاضر رییس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی است، همواره از سوی رسانه‌ها برای پاسخ‌گویی به پرونده‌های مختلف مورد توجه قرار می‌گیرد. وی در تازه‌ترین اظهارات خود درباره پرونده «مهدی هاشمی»، فرزند «هاشمی رفسنجانی» گفت: «پرونده آقای مهدی هاشمی هم همانند دیگر پرونده‌ها باید به طور عادلانه مورد بررسی قرار بگیرد و حکم قطعی قانونی و عادلانه درباره ایشان صادر شود؛ برخی تصور می‌کنند که دستگاه قضائی تحت فشارهای سیاسی، ممکن است عادلانه عمل نکند اما بنده بعید می‌دانم چنین باشد چرا که دستگاه قضائی در اجرای عدالت توجهی به فشارهای سیاسی نداشته است.»
ملکشاهی در خرداد سال ۱۳۴۰ در روستای رومشکان یکی از توابع شهرستان کوهدشت در خانواده‌ای مذهبی چشم به جهان گشود. پدر با توجه به اعتقادات مذهبی خویش نام الهیار را برای او برگزید.
او دوران کودکی خود را در زادگاهش سپری می‌کند و تحصیلات ابتدایی را در همان جا به پایان می‌رساند، اما محرومیت‌های منطقه باعث می‌شود که برای ادامه تحصیلات راهنمایی و دبیرستان راهی شهرهای همجوار دره شهر، کوهدشت و خرم آباد شود.
وی ابتدا در کنکور سراسری در تربیت معلم شهر قم پذیرفته شد و در آنجا شاگرد آیت‌الله مظاهری، امینی و مشکینی بود. سپس در رشته علوم قضایی دانشگاه تهران پذیرفته شد و پس از تحصیلات دوره ی کارشناسی در سال ۱۳۶۸ در حوزه حقوق و علوم قضایی به قوه قضاییه راه یافت و در قسمت دادیاری نظامی استان لرستان و کرمانشاه مشغول به خدمت شد.
الهیار ملکشاهی نماینده دوره نهم مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه کوهدشت در استان لرستان است. وی سابقه ریاست بر دادگستری استان کرمانشاه و استان لرستان و هم‌چنین معاونت دیوان عدالت کشور را در کارنامه خود دارد. او همچنین سابقه حضور در جبهه‌های جنگ ایران و عراق را در کارنامه خود دارد.

عبدالرضا عزیزی

حوزه انتخابیه: شیروان
سمت: رئیس کمیسیون اجتماعی
فراکسیون: اصول‌گرایان

دلواپس هسته‌ای، حامی مرتضوی

ادعا می‌کند که پانزده هزار شماره تلفن را در موبایلش ذخیره کرده و به گفته خودش پاسخ همه را می‌دهد و روزی ۲۰۰ تا ۳۰۰ پیام کوتاه را جواب می‌دهد. هم‌چنین می‌گوید تمام مردم حوزه انتخابیه او، از روستایی گرفته تا شهری، به طور مداوم و مستقیما با وی در ارتباط هستند.
"عبدالرضا عزیزی" در دوم شهریور ۱۳۴۷ در خانواده‌ای کشاورز در روستای "الله آباد اولیا" از توابع شهرستان "شیروان" به دنیا آمده است. او ۹ خواهر و برادر دارد. در سال ۱۳۷۵ با دختر نماینده شیروان ازدواج می‌کند و خود اکنون نماینده شیروان در مجلس شورای اسلامی است. دو فرزند دختر و پسر دارد و درباره زندگی خود می‌گوید: «از سال ۱۳۶۸ که وارد دانشگاه شدم برای حضور در مجلس شورای اسلامی بسیار علاقه‌مند بودم و از آن زمان در این جهت کارهای خودم را برنامه‌ریزی کردم و ارتباطات مردمی را در این جهت افزایش داده و تقویت کردم.»
به گفته خودش در شانزده سالگی داوطلبانه به جبهه‌های جنگ علیه عراق می‌رود و مجروح می‌شود. سپس تصمیم به ادامه تحصیل می‌گیرد؛ به دانشگاه می‌رود و در رشته پزشکی از دانشکده پزشکی مشهد فارغ التحصیل می‌شود.
درباره حضور در جبهه می‌گوید: «من به دلیل اقتضای دوران خودم و تکلیفی که بر روی دوشم بود، به جبهه‌های حق علیه باطل رفتم و در مقاطعی به عنوان فرمانده گردان انتخاب شدم و حدود دو سال و هفت روز داوطلبانه در جبهه حضور داشتم و در این دوران دو بار بر روی مین رفته و هم‌اکنون جانباز ۲۵ درصد هستم.»
عزیزی عضو شورای مرکزی فراکسیون رهروان ولایت و از جمله نمایندگانی است که در جریان معرفی وزیران توسط دولت روحانی به مجلس، چندین بار به عنوان موافق سخن گفت.
در حمایت از "مصطفی پورمحمدی" به عنوان وزیر پیشنهادی وزارت دادگستری، خطاب به "کوچک زاده" که مخالف پورمحمدی بود، گفت: «آقای کوچک زاده چرا حماسه سیاسی و

بزرگی را که مورد نظر مقام معظم رهبری بوده است اینقدر تلخ می‌کنید؟ شما سوراخ دعا را گم کرده‌اید. وقتی آقای خاوری دزد رفت هیچ حرفی نزدید. آن موقع چرا سکوت کردید؟ هشت سال دولت احمدی نژاد ۶۰۰ میلیارد دلار پول نفت گرفت و سهم دو میلیارد دلاری خانواده شهدا و جانبازان را نداد ولی شما ساکت بودید و دفاع نکردید.»

با این حال وقتی در آذر ماه ۹۳ دلواپسان مذاکرات هسته‌ای، با تلاش‌های «کوچک زاده»، تصمیم به برگزاری همایش گرفتند، نام او در فهرست نمایندگان حامی این همایش به چشم می‌خورد.

قبل از آن هم حمایت وی از سعید مرتضوی برای تصدی سمت مدیرعاملی سازمان تامین اجتماعی و انتشار نامه‌ای به همراه برخی دیگر از نمایندگان مجلس دراین‌باره خبرساز شده بود. او در مصاحبه‌ای با وبسایت خبری فرارو تاکید کرده که سعید مرتضوی در ماجرای کهریزک نقش «مثبتی» داشته و «جلوی فتنه بزرگی» را گرفته است. بعد هم اضافه کرده است که کار آقای مرتضوی در کهریزک «مثل این می‌ماند که یک پزشک که عمل ختنه انجام دهد از هزار ختنه ۹۹۹ تا را درست انجام دهد و در یک مورد اشتباه کند».

البته آقای عزیزی این را هم گفته که «خدا آن‌هایی را که در کهریزک کشته شدند، رحمت کند، اما اگر تصمیم مرتضوی در مورد کهریزک غلط بوده، باز هم اشکالی ندارد» و «شما باید همه ختنه‌ها را با هم ببینید».

"عبدالرضا عزیزی" تاکنون چندین کتاب تالیفی در حوزه پزشکی نیز منتشر کرده و یکی از کتاب‌های او به نام «پیشگیری و درمان اعتیاد» موفق شد به عنوان کتاب برگزیده سال ۸۲ در خراسان معرفی شود.

عزت‌الله یوسفیان ملا

احوزه انتخابیه: آمل
سمت: رئیس کمیسیون تدون آیین نامه داخلی مجلس
فراکسیون: اصول‌گرایان

مخزن الاسرار مفاسد اقتصادی

اولین جنجال مجلس دهم به نام نماینده آمل ثبت شد. نماینده‌ای که با پاره کردن یقه معاون وزیر کشاورزی، این جنجال را رقم زد کسی نبود جز عزت الله یوسفیان ملا. کسی که با فریاد «باج نمی دهم» معاون وزیر کشاورزی روبرو شد. اگر چه مجلسیان تلاش کردند که بر این جنجال سرپوش بگذارند ولی معاون وزیر در مصاحبه‌ای فاش کرد که از کدام باج‌خواهی سخن می‌گوید. به گفته خلیل آقایی سال‌هاست به دنبال تغییر کاربری ۴۰۰ هکتار از مرغوب‌ترین اراضی کشاورزی آمل و تبدیل آن به فرودگاه است و دولت با این خواسته مخالف است. رسانه‌ها این باج‌خواهی را زمین‌خواری علنی خواندند، آن‌هم زمین‌خواری کسی که سال‌هاست عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی است و او را می‌توان مخزن الاسرار مفاسد اقتصادی دانست.

عزت الله یوسفیان ملا کیست؟

عزت الله یوسفیان ملا، در سال ۱۳۳۰ در آمل متولد شد. او تحصیلات‌اش را در رشته حقوق قضایی در دانشگاه شهید بهشتی به پایان رساند و جذب قوه قضاییه شد. او در حین فعالیت قضایی و پارلمانی، دکترایش را در رشته حقوق بین الملل دریافت کرد. در تمام سال‌های پس از انقلاب یوسفیان ملا در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی فعالیت داشته است. او در مقام دادیاری، دادستانی و مدیر کلی در حوزه ارزشیابی و گزینش قوه قضاییه مسوولیت داشته است. او اولین بار در انتخابات مجلس هفتم، وارد رقابت‌های انتخاباتی شد تا پس از سال‌ها فعالیت در قوه قضایی، وارد قوه مقننه شده و در حوزه قانون‌گذاری فعال شود. با رد صلاحیت کاندیدای اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس هفتم، یوسفیان ملا توانست حمایت گروه‌های اصلاح‌طلب استان را جلب کند و با کمک آن‌ها وارد مجلس شد. یوسفیان ملا اما با ورود به مجلس هفتم نه تنها به عضویت فراکسیون اصلاح‌طلبان نپیوست بلکه حضوری تمام قد در فراکسیون

رقیب، یعنی فراکسیون اصول‌گرایان داشت. یوسفیان ملا در فراکسیون اصول‌گرایان تلاش کرد تا چهره‌ای معتدل و میانه‌رو از خود ترسیم کند.
تحصیلات و سوابق کاری طولانی در حوزه قضایی او را راهی کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس کرد و به عضویت ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی درآمد. یوسفیان ملا با حضور ۱۶ ساله در ستاد مبارزه با فساد اقتصادی به مخزن الاسرار مفاسد اقتصادی تبدیل شده است. بدون شک اطلاعات ذی قیمتی از مفاسد اقتصادی در اختیار دارد و هر از گاهی در مصاحبه‌هایش به ریشه‌ها و عوامل فاسد نظام اشاراتی داشته است. او در گفتگویی از واگذاری غیر قانونی زمین اشاره کرده و می‌گوید: «بیش از ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار هکتار از اراضی به ناحق واگذار شده است.» او به صراحت می‌گوید: ««مقامات کشوری و استانی» در زمین‌خواری‌ها نقش دارند، بانک‌ها در ایران به «بستر فساد» تبدیل شده‌اند و «فساد قبح خود را در کشور از دست داده است.»
یوسفیان ملا که اولین تجربه پارلمانی خود را پشت سر گذاشته بود، در انتخابات مجلس هشتم مجدد شانس ورود به مجلس را پیدا کرد و بلافاصله در صف یاران هم ولایتی خود، علی لاریجانی قرار گرفت. او اگرچه می‌کوشید کماکان در صف اعتدال‌گرایان قرار داشته باشد ولی در انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ از محمود احمدی نژاد حمایت کرد و گفت: «درست است که مردم ذهنیت خوبی نسبت به مهندس موسوی دارند اما آن‌ها تلاش‌های شبانه‌روزی احمدی‌نژاد را می‌شناسند و به آن احترام می‌گذارند لذا به عقیده بنده مجددا احمدی‌نژاد پیروز این رقابت خواهد بود.» او اضافه کرد: « آن‌هایی که بحث عبور از احمدی‌نژاد را مطرح می‌کنند در جلسات عمومی اصول‌گرایان این بحث را حاشا می‌کنند و آن‌طور که در بیرون از این جلسات مطرح می‌شود در داخل جمع اصول‌گرایان بحث عبور از احمدی‌نژاد شنیده نمی‌شود.»
دخالت آشکار در عزل و نصب‌های استانی، یوسفیان ملا را در معرض انتقادهای گسترده فعالان آملی قرار داده است. مصطفی آجدانی روزنامه نگار در نامه‌ای سرگشاده به این موضوع اشاره کرده و ضمن دعوت یوسفیان ملا به مناظره، می‌نویسد: «درست است که شما از حق شهروندی و قانونی خود در رقابت‌های گزینه‌های استانداری مازندران استفاده کردید و از استانداری آقای دکتر ربیع فلاح، استاندار منتخب و منصوب دولت تدبیر و امید و رییس ستاد انتخاباتی دکتر حسن روحانی در مازندران حمایت نکردید، اما این هم درست است که شما فراتر از حدود و اختیارات و صلاحیت قانونی خود، حق دخالت در انتصاب و عزل و نصب‌های مدیران اجرایی را فراتر از ارایه نظر مشورتی ندارید.»
یوسفیان برای سومین بار در انتخابات مجلس نهم موفق به ورود به مجلس شد و به فراکسیون رهروان ولایت پیوست. او در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ در ردیف یاران سردار قالیباف قرار گرفت.
در انتخابات مجلس دهم هرچند تلاش کرد تا در لیست امید قرار بگیرد اما سرانجام نتوانست نظر اصلاح‌طلبان را جلب کند و بدون حمایت آن‌ها موفق شد رای مردم را برای چهارمین بار جلب کند و به مجلس راه یابد. او با ورود به مجلس دهم به ریاست کمیسیون آیین‌نامه رسید و با حکم رئیس مجلس، عضویت‌اش در ستاد مبارزه با مواد مخدر تداوم یافت.

سوابق اجرایی و مدیریتی

یوسفیان ملا تا قبل از ورود به پارلمان، در سطوح مختلف قوه قضاییه مشغول بوده است و برای اولین بار در مجلس هفتم به مقام نمایندگی رسید و کرسی خود را برای چهار دوره متوالی

است که حفظ کرده است. مهم‌ترین مسوولیت‌های اجرایی و مدیریتی‌اش به این شرح است:

- دادیار دادسرای عمومی تهران و بابل و رئیس دادگاه محمود آباد
- دادستان استان مازندران با حفظ سمت رئیس دادگستری آمل و دادستان استان آذربایجان شرقی و اردبیل
- مشاور دیوان عدالت اداری
- مدیر کل دبیرخانه قوه قضائیه با حفظ سمت عضو گزینش قضات قوه قضائیه
- عضو معاون دیوان عالی کشور با حفظ سمت مدیر کل کارگزینی قوه قضائیه
- عضو و دبیر کمیسیون نقل و انتقالات قضات کشور
- قائم مقام آموزش و تحقیقات قوه قضائیه
- مدیر کل ارزشیابی، بازرسی و نظارت قوه قضائیه و مدیرکل آموزش و تحقیقات
- مستشار دیوان عالی کشور
- نماینده دوره هفتم تا دهم آمل در مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون آیین نامه
- عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و ستاد مبارزه با مواد مخدر

طرح اعدام مخالفان هدفمندی یارانه‌ها!

یوسفیان ملا با یک عمر سابقه قضایی وقتی در کرسی نمایندگی مجلس می‌نشیند با تقاضای صدور حکم اعدام مخالفان هدفمندی یارانه‌ها، نشان می‌دهد دریافت ناصحیحی از حقوق بشر دارد. او در اظهارنظری شگفت‌انگیز با بیان اینکه هدفمند کردن یارانه‌ها با موجودیت بخش اقتصادی نظام گره خورده، می‌گوید: «در اجرای این طرح مهم و انقلابی، نباید به خاطر چند نفر رفاه‌طلب و فرصت‌طلب که قصد اخلال و بی‌نظمی دارند کوتاه آمد و بلکه باید با آنان قاطعانه برخورد و حتی مجازات اعدام را برای آنان به مرحله اجرا گذاشت.» او توضیح نداده که در کدام کتاب و مکتب حقوقی برای مخالفت با یک طرح اقتصادی مجوز اعدام آمده است.
او به عنوان یک قاضی آشنا به موازین حقوقی و به عنوان یک نماینده مردم، در ۱۲ سال فعالیت پارلمانی نه تنها یک بار به نقض حقوق بشر اعتراض نکرده بلکه با دروغ خواندن گزارش‌های احمد شهید ناظر حقوق بشر ایران، دولت را از هرگونه مذاکره در خصوص مسایل حقوق بشری برحذر می‌دارد. یوسفیان ملا می‌گوید: «او (احمد شهید) گزارش‌های خود را بر اساس منابع غیر موثق و بر اساس شنیده‌هایش تنظیم می‌کرد و سراسر دروغ و کذب بود. اکنون همان دروغ‌ها دامن او و حامیانش را گرفته است چراکه دیگر نمی‌توانند او را در تنظیم چنین گزارش‌های نادرست همراهی کنند.» یوسفیان ملا با انتقاد نسبت به قطعنامه‌های سازمان ملل در خصوص حقوق بشر می‌گوید: «نمی‌توان در زمینه حقوق بشر، مذاکره‌ای با غرب یا سازمان ملل داشت تا به قولی بده بستانی صورت گیرد... تنها برای پایان بخشید به پرونده سازی‌های غرب باید به گزارش‌های احمد شهید پاسخ قاطع و قوی داد.»

اسداله عباسی

حوزه انتخابیه: املش-رودسر
سمت: عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات
فراکسیون: اصول‌گرایان

آخرین وزیر احمدی نژاد

عمر وزارت‌اش ۴ ماه بیشتر نبود ولی نامش به عنوان آخرین وزیر دولت محمود احمدی نژاد ثبت شد، تا او را در میان یاران رئیس جمهور سابق ایران ثبت کنند. اسداله عباسی که پس از استیضاح شیخ السلامی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی، با حکم احمدی نژاد سرپرستی این وزارت‌خانه را عهده‌دار شد، به صورت رسمی تنها ۴ ماه وزیر این وزارت‌خانه بود. عباسی پیش و پس از وزارت، نمایندگی مردم املش و رودسر در مجلس را عهده‌دار بوده و هست.

اسداله عباسی کیست؟

اسداله عباسی در سال ۱۳۴۰ در روستای هلوکله شهرستان رودسر گیلان به دنیا آمد. او پس از اتمام تحصیلات در مقطع ابتدایی و راهنمایی در روستای محل تولد، برای ورود به دبیرستان راهی شهرستان رودسر شد.

اخذ دیپلم توسط عباسی با پیروزی انقلاب ۵۷ همراه بود ولی هیچ اثر و نشانی از همراهی او با این انقلاب ثبت نشده است. او در سال ۱۳۶۰ و هم‌زمان با آغاز جنگ ایران و عراق، به جای عزیمت به مناطق جنگی راهی دانشکده تربیت معلم ورامین شد و پس از اخذ مدرک فوق دیپلم، به روستایی در رودسر بازگشت تا در کسوت معلمی فعالیت کند. همین امر سبب شد تا حتی به عنوان سرباز وظیفه نیز به نیروهای نظامی ملحق نشود و کلا مشارکتی در جنگ ایران و عراق نداشته باشد.

عباسی پس از پنج سال تدریس در روستاهای رودسر باردیگر به تهران بازگشت تا ضمن خدمت، تحصیلات دانشگاهی را از سر بگیرد. او در سال ۱۳۶۸ لیسانس علوم تربیتی را اخذ کرد و بار دیگر به شغل معلمی مشغول شد.

هشت سال بعد، عباسی مدرک کارشناسی ارشد را در رشته فلسفه تعلیم و تربیت دریافت کرد

و در سال ۸۸ بعد از فراغت از مجلس هشتم، توانست مدرک دکترای خود را در رشته تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی دریافت کند.
عباسی پس از سال‌ها معلمی در رودسر و روستاها و توابع این شهرستان، تصمیم به ورود به مجلس گرفت لذا در جریان انتخابات مجلس هفتم، از حوزه رودسر و املش اعلام کاندیداتوری کرد و توانست جدی‌ترین رقیب خود یعنی رهبری املشی را کنار زده و به مجلس هفتم راه یابد. او کرسی خود را در مجلس هشتم نیز حفظ کرد و در این دو دوره نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات بود و ریاست فراکسیون فرهنگیان مجلس را تجربه کرد.
او چهره‌ای اصول‌گرا و از حامیان جدی محمود احمدی نژاد رئیس جمهور وقت در مجلس بود. عباسی در جریان انتخابات مجلس نهم، رقابت را به رهبری املشی واگذار کرد و با حکم شیخ السلامی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی دولت احمدی نژاد، در سال ۱۳۹۱ به معاونت «توسعه و مدیریت منابع» این وزارتخانه منصوب شد.

یکشنبه سیاه مجلس و وزارت عباسی

جلسه استیضاح شیخ الاسلامی وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی دولت احمدی نژاد که به «یکشنبه سیاه مجلس» معروف شد، فرصتی شد تا اسداله عباسی در آخرین ماه‌های دولت وقت، جانشین شخ الاسلامی‌شود. در این جلسه، احمدی نژاد با پخش ویدئویی از جلسه لابی فاضل لاریجانی برادر علی لاریجانی رئیس مجلس، با سعید مرتضوی رئیس سازمان تامین اجتماعی به نزاع میان دولت و مجلس وقت منجر شد.
اسداله عباسی ابتدا به عنوان سرپرست وزارتخانه معرفی شد و سه ماه بعد به عنوان وزیر به مجلس معرفی شد و نظر به اینکه تنها ۴ به پایان کار دولت بیشتر باقی نمانده بود، مجلس با وزارت عباسی موافقت کرد. علی مطهری نماینده تهران در جلسه رای اعتماد در مخالفت با عباسی صحبت کرد و او را مدافع بی‌منطق دولت احمدی نژاد در مجلس هفتم و هشتم معرفی کرد. اما در نهایت عباسی برای ۴ ماه وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی دولت احمدی نژاد شد. او در دوران کوتاه وزارت بدون تشریفات قانونی ۵۰۰ نفر را به استخدام این وزارتخانه درآورد که با انتقادات گسترده رسانه‌ها همراه شد. دریافت هدیه ۱۵۰ میلیون تومانی از سعید مرتضوی از دیگر تخلفات او در دوران وزارت بود که اسناد دریافت هدیه مالی را وب‌سایت الف به مدیریت احمد توکلی منتشر کرد.

بازگشت به مجلس پس از وزارت

با پایان یافتن دولت احمدی نژاد، عباسی که دست‌اش از دولت کوتاه شده بود بار دیگر در جریان انتخابات مجلس دهم اعلام کاندیداتوری کرد و برای سومین بار موفق شد رقیب‌اش رهبری املشی را تنها با ۱۶۴ رای بیشتر شکست دهد و به مجلس راه یابد. او در دومین سال مجلس دهم، موفق شد به هیات رئیسه مجلس راه یابد و در جایگاه دبیر هیات رئیسه قرار گیرد.
عباسی در مجلس دهم نیز به عضویت فراکسیون اصول‌گرایان در آمد و در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ به شورای مرکزی جبهه نیروهای مردمی انقلاب (جمنا/ائتلاف اصول‌گرایان) پیوست و از کاندیداتوری ابراهیم رئیسی حمایت کرد.

ضرب‌وشتم توسط چای‌کاران

حضور عباسی در مراسمی در منطقه «گرکرود» از توابع رانکوه املش، با اعتراض چای‌کاران منطقه همراه شد. چای‌کاران که نسبت به بی‌توجهی این نماینده به خواست آن‌ها و وعده‌های انتخاباتی‌اش معترض بودند او را مورد ضرب‌وشتم قرار دادند. رسانه‌های محلی با انتشار این خبر نوشته‌اند: «برخی از چای‌کاران و کشاورزان محلی که از وضعیت موجود، طبق وعده‌های نماینده مردم حوزه انتخابیه خود رضایت نداشتند، انتقاداتی را نسبت به عباسی مطرح می‌کنند که این انتقادات با مزاج نزدیکان و اطرافیان وی سازگار نبود و منجر به درگیری بین دو طرف ماجرا شد که در این بین عباسی نیز مورد تعرض قرار گرفت.»

سوابق اجرایی و مدیریتی

اسداله عباسی تا پیش از ورود به مجلس هفتم، تنها در مقام معلمی مشغول بوده است. او فعالیت حرفه‌ای را از سال ۱۳۶۱ با شغل معلمی آغاز کرد و با ورود به مجلس از این شغل کناره‌گیری کرد. اهم سوابق اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- وزیر کار، تعاون و رفاه اجتماعی دولت احمدی نژاد
- معاون توسعه منابع وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی در دولت احمدی نژاد
- نماینده مجلس هفتم، هشتم و دهم از حوزه انتخابیه املش و رودسر
- عضو هیات رئیسه مجلس دهم
- عضو هیات امنای دانشگاه گیلان
- عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور
- عضو شورای اجرایی و هیات مدیره جمعیت هلال احمر استان گیلان
- عضو هیات مدیره صندوق مرکزی اشتغال،ازدواج و مسکن مهر امام رضا(ع)
- معلم

جنبش سبز به وحدت جامعه ضربه زد

اسداله عباسی که مطهری او را حامی بی‌منطق احمدی نژاد خوانده است، از مخالفین جنبش سبز بود. او همچون دیگر اصول‌گرایان از لفظ فتنه‌گر برای فعالان جنبش سبز استفاده می‌کند و معتقد است جنبش سبز به وحدت جامعه ضربه زد. او می‌گوید: «این افراد در سال ۸۸ سعی کردند به وحدت جامعه دامن بزنند و جریان‌سازی کردند و خسارات سنگین مادی و معنوی را برکشور تحمیل کردند و اکنون هم مقام معظم رهبری یقینا از همه ما بهتر متوجه آینده کشور هستند و از لایه‌های درونی مسائل سیاسی و اجتماعی خبر دارند لذا وقتی در یک مسئله‌ای ورود می‌کنند، یقینا خیر و صلاح کشور در آن است.»

خشونت علیه حیوانات

در کارنامه اسداله عباسی، هیچ تلاشی در دفاع از حقوق بشر و یا اعتراضی به نقض حقوق بشر ثبت نشده است. اما انتشار تصویری تکان دهنده از مراسم جشن پیروزی‌اش در انتخابات مجلس دهم، نشان می‌دهد که او هیچ ذهنیتی نسبت به حقوق حیوانات ندارد و از اعمال خشونت عریان علیه حیوانات ابایی ندارد.

در جشن پیروزی عباسی در انتخابات مجلس دهم، علاوه بر کشتن چند حیوان، حامیان‌اش، گاو سربریده‌ای را برای ساعت‌ها جهت تماشای مردم با جرثقیل بالا کشیده و شادمانی کردند.

این نمایش تکان دهنده که در حضور اسداله عباسی به تصویر کشیده شد، هیچ واکنش اعتراضی‌ای از سوی این نماینده مجلس به همراه نداشت.

خانواده

اسداله عباسی در خانواده‌ای کشاورز و روستایی متولد شد. پدرش به موذن و مداح روستا و کشاورز بود. او ۶ خواهر و یک برادر دارد. عباسی در سال ۱۳۶۴ در روستای محل زندگی‌اش ازدواج کرد و ۳ فرزند دارد که هر سه مجرد هستند.

غلامرضا کاتب

حوزه انتخابیه: سمنان
سمت: عضو هیات رئیسه مجلس
فراکسیون: مستقل‌ها

بی‌پروایی در اهانت به معلولان

درصحن: در دوران اقتدار محمود احمدی نژاد بر خواهرش غلبه کرد و به مجلس نهم راه یافت. غلامرضا کاتب که اینک بر کرسی هیات رئیسه مجلس تکیه زده است، دومین حضور خود را در مجلس شورای اسلامی تجربه می‌کند. او پیش از این در انتخابات مجلس نهم با پشت سرگذاشتن پروین احمدی نژاد، از حوزه انتخابیه گرمسار وارد مجلس شده بود. کاتب در انتخابات مجلس نهم ۱۶۲۲۸ رای کسب کرد و پروین احمدی نژاد ۱۵۵۰۰ رای.

غلامرضا کاتب کیست؟

غلامرضا کاتب در سال ۱۳۴۱ در شهرستان گرمسار متولد شد. او پس از اتمام تحصیلات در مقطع متوسطه، وارد دانشگاه شد و در رشته الهیات و معارف اسلامی لیسانس‌اش را دریافت کرد. او فوق‌لیسانس‌اش را در رشته مدیریت دولتی و دکترایش را در رشته مدیریت منابع انسانی به اتمام رساند. کاتب علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، دروس حوزوی را تا سطح یک، ادامه داد. غلامرضا کاتب در سوابق‌اش اشاره‌ای به فعالیت در انقلاب ۵۷ نکرده و تنها عکسی را از خود در لباس نظامی منتشر کرده که به نظر به دوران جنگ ایران و عراق می‌ماند. اما آنچه روشن است این‌که او از ابتدای انقلاب مسوولیت‌های متعدد دولتی در وزارت کشور و بنیادهای حکومتی هم‌چون بنیاد مستضعفان و جانبازان را تجربه کرده است.

او فعالیت اجرایی را از معاونت فرمانداری سمنان آغاز و پس از مدتی خود به عنوان فرماندار در شهرهایی همچون ابهر، داراب، سپیدان مشغول کار می‌شود. کاتب مدتی نیز در شهر اردکان استان فارس در سمت شهرداری حاضر بوده و از آنجا به بنیاد مستضعفان و جانبازان می‌پیوندند تا در مقام مدیر کل امور مجلس، پایش به مجلس شورای اسلامی باز شود.

کاتب در سال ۱۳۹۰ و دو سال پس از وقایع سال ۱۳۸۸، برای ورود به مجلس اعلام نامزدی

می‌کند. علاوه بر او پروین احمدی نژاد نیز که به برکت نام برادر، نامی پیدا کرده بود و یک دوره نمایندگی مردم تهران در شورای شهر را در کارنامه داشت، در حوزه انتخابیه گرمسار اعلام نامزدی می‌کند. کاتب موفق می‌شود او را شکست دهد و به مجلس راه یابد. او پس از ورود به مجلس به عضویت کمیسیون فرهنگی درآمد.
کاتب اگرچه در مجلس نهم به عنوان چهره‌ای اصول‌گرا شناخته می‌شد ولی پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی، از جمله حامیان او در مجلس به شمار می‌رفت. کاتب با حمایت از برجام، خط خود را از افراطیون مجلس نهم جدا می‌کند و موفق می‌شود به عنوان چهره‌ای مستقل با پیروزی در انتخابات مجلس دهم، برای بار دوم به مجلس راه یابد و این بار به عضویت هیات رئیسه هم می‌رسد. او برخلاف اصول‌گرایان تند رو که از ابتدا با برجام مخالف بودند در موافقت با برجام می‌گوید: «با اجرای برجام فضای جدید در کشور پدید آمده که باید با توسعه اقتصادی به دنبال منابع جدید برای سرمایه‌گذاری باشیم و هزینه جاری را در کشور کاهش دهیم و به فکر درآمد زایی و کاهش وابستگی به نفت در بودجه‌ها باشیم.»

سوابق اجرایی و مدیریتی

سوابق اجرایی و مدیریتی غلامرضا کاتب نماینده گرمسار، پیش از ورود به مجلس، بیشتر به حوزه فرمانداری محدود می‌شد ولی او در کارنامه خود سابقه عضویت در هیات مدیره بانک و تدریس در دانشگاه‌ها را هم دارد. اهم سوابق اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- نماینده مردم گرمسار در مجلس نهم و دهم
- عضو هیات رئیسه مجلس دهم
- عضو شورای نظارت بر سازمان صداوسیما
- عضو و سخن‌گوی کمیسیون برنامه و بودجه
- عضو هیات مدیره پست بانک ایران
- رئیس هیات تخلفات وزارت ارتباطات و فنآوری اطلاعات
- مشاور رئیس و معاون طرح و توسعه دانشگاه پیام نور
- معاون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی
- مدیرکل امور مجلس سازمان مستضعفان و جانبازان
- فرماندار ابهر، داراب، سپیدان
- شهردار اردکان
- معاون فرمانداری سمنان
- استاد دانشگاه آزاد تهران و پیام نور گرمسار

توهین به معلولان

در کارنامه و سوابق پارلمانی غلامرضا کاتب کمتر فعالیتی در ارتقاء حقوق بشر یا تلاشی برای نقض حقوق بشر می‌توان یافت. او به رغم اینکه در هیات رئیسه مجلس عضویت دارد ولی بیشترین تلاش‌اش متوجه مسایل حوزه انتخابیه‌اش است. اما یکی از اظهارات او در مجلس نهم که مصداق بارز اهانت به معلولان بود خیلی حاشیه ساز شد. او در مجلس و در جریان بررسی قانون انتخابات در خصوص پیشنهاد صلاحیت نابینایان برای ورود به مجلس می‌گوید: «چه فرقی هست میان نابینایان و ناشنوایان، ضمن اینکه ممکن است ورود کسی که لال هست به مجلس بهتر باشد چون حداقل برامون چالش درست نمی‌کند.» سخنانی که واکنش‌هایی

در جامعه به همراه داشت. علی صابری عضو حقوقدان و نابینای شورای شهر در این خصوص گفته: «این اتفاق برای هنرمندان و ورزشکاران هم صورت خوشی ندارد چه برسد به کسی که نماینده مجلس است. اگر این اتفاق در انگلستان و دیگر کشورها می‌افتاد، آقای کاتب وادار به استعفا می‌شد اما در کشور ما، این اتفاق معمولا نمی‌افتد.»

تعرض به زنان و بازداشت در فیلیپین

در سندی منتشر شده از دفتر حراست سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، غلامرضا کاتب به تعرض به دو زن در کشور فیلیپین متهم شده است. حراست این سازمان در نامه‌ای به معاونت حفاظت پرسنل دانشگاه پیام نور نوشته است: «آقای غلامرضا کاتب در فروردین سال ۱۳۹۰ از سوی سازمان متبوع به عنوان شخصیت علمی همراه با گروه فرهنگی-هنری به کشور فیلیپین اعزام می‌شود، در این سفر نامبرده به دلیل مزاحمت برای یکی از خانم‌های شاغل در موزه دریایی شهر مانیل، از سوی پلیس بازداشت و بعد از چند ساعت بازجویی با پرداخت ۵۰۰ دلار برای اخذ رضایت شاکی، آزاد می‌شود.»

در این نامه هم‌چنین آمده است: «مدیر هتل برل که محل اسکان مشارالیه و گروه فرهنگی-هنری بوده، در برخورد با مسوولان فرهنگی ایران مستقر در این کشور، اعلام کرده که خانم کاربر آسانسور هتل از آقای کاتب به ما شکایت کرده ولی ما به احترام شما موضوع را پیگیری نکردیم.»

غلامرضا کاتب تاکنون نسبت به این سند و ادعاهای مطرح شده واکنشی نشان نداده است.

خانواده و علایق شخصی

غلامرضا کاتب سه فرزند دارد. یک دختر و دو پسر. او در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۲ می‌گوید دخترم در دانشگاه و پسرم در سازمان (بدون نام بردن از سازمان مربوطه) کار می‌کنند و یکی از پسرانم هم دانشجوست. او در این مصاحبه خودمانی می‌گوید به تفریح و ورزش خیلی بها می‌دهد و برخلاف دیگر مسوولان، که اهل اسکی نیستند رشته ورزشی‌اش اسکی است.

بهروز نعمتی

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: سخن‌گوی هیات رئیسه مجلس
فراکسیون: مستقل‌ها

از اسدآباد تا تهران

با وجود اینکه تنها سابقه یک دوره حضور در مجلس را داشت، توانست درمجلس نهم سخن‌گوی هیات رئیسه مجلس شود. این در حالی است که اکثر اعضای هیات رئیسه مجلس از نمایندگان با سابقه و یا شخصیتهای سیاسی شناخته شده بودند. او از معدود نمایندگان مجلس نهم بود که با تغییر حوزه انتخابیه توانست کرسی خود در مجلس دهم را نیز حفظ کند.
نعمتی با حمایت ائتلاف امید توانست با رای مردم تهران به مجلس دهم راه یابد.
نماینده اسد آباد درمجلس به دلیل اینکه افغانستان، «سید جمال اسدآبادی» را به نام خود در یونسکو ثبت کرده است، این موضوع را، ظلم بزرگ به مردم ایران می‌داند.
او از همان بدو ورود به مجلس، علاقه زیادی برای حضور در همه عرصه‌ها از خود نشان داده است.
سخن‌گوی هیات رییسه مجلس در سال سوم، نایب رییس فراکسیون رهروان ولایت، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی، عضو کمیسیون ویژه حمایت از تولید ملی، عضو فراکسیون ورزش مجلس و رییس فراکسیون فرهنگیان از جمله فعالیت‌ها و سمت‌های نعمتی در مجلس نهم است. به گواه سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تاکنون ۱۰۲ طرح و لایحه را امضا کرده که از لحاظ آماری، از بسیاری از سابقه‌داران مجلس مانند محمد رضا باهنر بیشتر است.
بهروز نعمتی از جمله امضاکنندگان سوال از محمود احمدی نژاد در مجلس بود. او در آخرین اظهار نظرش درباره احمدی نژاد، او را «شیفته قدرت» می‌نامد و معتقد است او هنوز در حال توطئه برای تضعیف جایگاه مجلس است و می‌گوید: «موضوع مطرح شده از سوی معاون اول او و دادن پول به برخی نمایندگان مجلس هشتم را باید در راستا و ادامه همان سلسله مباحث تخریب مجلس دانست و ارزیابی کرد.»

نعمتی جزو طیف نمایندگان، نزدیک به لاریجانی و از جمله افرادی است که پیگیری کارهای اجرایی تشکیل حزب توسط علی لاریجانی را به عهده دارد. او معتقد است لاریجانی این پتانسیل را دارد که در جمع پراکنده اصول‌گرایان تاثیرگذار باشد.
پس استعفای مهدی سنایی، نماینده سابق نهاوند در مجلس به دنبال انتصاب او به سفارت ایران در روسیه، بهروز نعمتی با تصمیم هیات رئیسه مجلس به عنوان نماینده معین نهاوند نیز انتخاب شد.
بهروز نعمتی، همچنین در فروردین ماه ۹۳ مدعی شد که «یک کنسرت مختلط یک خواننده زن در قزوین » برگزار شده و از علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دراین‌باره سئوال کرد.
بهروز نعمتی پیش از ورود به مجلس در هیات مدیره تعدادی از شرکت‌های صنعتی عضویت داشته و در مقطعی فرماندار بیجار بوده است. او در جنگ ایران و عراق مشارکت داشته و جانباز شده است. او متولد سال ۱۳۴۷ در روستای دولت آباد اسدآباد همدان است.

جهانبخش محبی‌نیا

حوزه انتخابیه: میاندوآب- شاهین دژ
سمت: نایب رئیس اول کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات
فراکسیون: اصول‌گرایان

از غائله دهه ۶۰ کردستان تا حمله به ستاد موسوی

انتشار فیلم دستور حمله به ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی در استان آذربایجان غربی، نام جهانبخش محبی نیا را مدت‌ها بر زبان‌ها انداخت. فیلمی که با سرعت در فضای آنلاین منتشر شد و نشان داد چگونه عده‌ای با فرمان این سپاهی راه یافته به مجلس، به ستاد موسوی حمله ور می‌شوند. جهانبخش محبی نیا، که می‌کوشد همواره خود را با قدرت هماهنگ نشان دهد، در انتخابات ۸۸ گویی از پیش می‌دانست که قرار نیست کسی جز محمود احمدی نژاد از صندوق‌ها بیرون بیاید که تمام قد در ستاد انتخاباتی‌اش حاضر شده بود.

جهانبخش محبی نیا کیست؟

او زاده شاهین دژ در استان آذربایجان غربی و متولد سال ۱۳۴۱ است. در خانواده‌ای روستایی بدنیا آمده و با پیروزی انقلاب و تشکیل سپاه پاسداران به این نهاد انقلابی می‌پیوندد. اداره اطلاعات سپاه آذربایجان حوزه خدمتی محبی نیا بوده است. جایی که مسوولیت مستقیم برخورد با گروه‌های مسلح کرد و سرکوب معترضان را برعهده داشت. در سال‌های ترور در کردستان و آذربایجان غربی که به درگیری نظامی میان کردها و ترک‌ها نیز منجر شد، محبی نیا از نیروهای سپاهی فعال در این درگیری‌ها بود. در نیمه‌های دهه شصت و در راستای فعالیت نرم افزاری علیه احزاب اپوزسیون کردستان، مرکز نشر فرهنگ و ادبیات کردی صلاح الدین ایوبی به ریاست اسفندیار رحیم مشایی رئیس دفتر محمود احمدی نژاد راه‌اندازی شد و محبی نیا به این مرکز پیوست. جایی که به محل آشنایی و همکاری نزدیک او با رحیم مشایی شد. محبی نیا پس از چند سال فعالیت در سپاه غرب کشور در انتخابات مجلس پنجم برای اولین بار اسب خود را برای نمایندگی مجلس زین کرد و موفق شد به نمایندگی از مردم میاندوآب به مجلس راه یابد. حضوری که به‌طور پیوسته تا پایان مجلس هشتم ادامه یافت. محبی نیا

از اعضای فراکسیون اکثریت مجلس پنجم و نماینده‌ای اصول‌گرا بود ولی در ظاهر در طیف افراطیون مجلس نمی گنجید چراکه می‌کوشید با همه دولت‌ها رابطه خوبی داشته باشد.
در موضوعات امنیتی، همچون قتل‌های زنجیره‌ای و ترور سعید حجاریان، محبی نیا همیشه پای ثابت مصاحبه با رسانه‌ها بود چراکه سوابق امنیتی و نظامی‌اش، از او چهره‌ای مقبول برای این‌گونه مصاحبه‌ها می‌ساخت.
تا پایان مجلس ششم، محبی نیا چندان چهره مورد توجه‌ای در مجلس نبود اما با رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان، و در مجلس خالی از چهره هفتم، محبی نیا به وزنه‌ای قابل اتکا برای اصول‌گرایان تبدیل شد و به هیات رئیسه مجلس راه یافت. حضور در هیات رئیسه جایگاه او را به لحاظ سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای تغییر داد اما مقبولیت‌اش در میان مردم رو به افول گذاشت به‌طوری‌که در انتخابات مجلس هشتم به رغم پیروزی ولی در مظان اتهام تقلب و جابجایی آراء قرار گرفت و در انتخابات مجلس نهم از ورود به مجلس بازماند و شکست را پذیرفت.
با بیرون ماندن از مجلس نهم، محبی نیا که رابطه‌ای نزدیک با دولت محمود احمدی نژاد داشت ابتدا با حکم حمید رضا حاجی بابایی وزیر آموزش و پرورش، در مقام رئیس دانشگاه فرهنگیان و سپس به عنوان جانشین معاون نظارت مجلس مشغول به کار شد. او بار دیگر موفق شد پس از پشت سرگذاشتن ماراتن انتخاباتی مجلس دهم، در دور دوم انتخابات پیروز و برای پنجمین دوره راهی مجلس شود.
محبی نیا با تحصیلات در رشته علوم سیاسی و سوابق نظامی و امنیتی، به جای عضویت در کمیسیون امنیت ملی راهی، کمیسیون برنامه و بودجه شد و به مقام نایب رئیسی این کمیسیون رسید. او نامزد جبهه پایداری برای نایب رئیس مجلس دهم نیز بود ولی از ورود به هیات رئیسه مجلس باز ماند.
در پرونده‌های فساد مطرح شده نیز یک بار نام جهانبخش محبی نیا به میان آمده است. او در پرونده کمک مالی رحیمی معاون اول دولت احمدی نژاد به نمایندگان مجلس هفتم و هشتم، متهم به دریافت پول از رحیمی است ولی خودش این اتهام را رد کرده و می‌گوید: «وقتی این خبر را شنیدم به دفتر رحیمی رفتم و به او اعتراض کردم که چرا نام مرا برده است رحیمی هم لیست را نگاه کرد و گفت بله به نام شما چک دریافت شده ولی رسیداش را ندارم.» پرونده پرداخت کمک مالی غیرقانونی به نمایندگان مجلس هیچ گاه توسط قوه قضاییه رسیدگی نشد و اگرهم رسیدگی شد اطلاعاتی از آن منتشر نشد.

سوابق اجرایی و مدیریتی

- نایب رئیس اول کمیسیون برنامه و بودجه مجلس دهم
- عضو هیات رئیسه مجلس هفتم و هشتم
- نماینده میاندوآب در مجلس پنجم، ششم، هفتم، هشتم و دهم
- جانشین معاون نظارت مجلس نهم
- رئیس دانشگاه فرهنگیان در دولت احمدی نژاد
- عضو سپاه پاسداران غرب کشور

فعالیت در انقلاب ۵۷ و جنگ ایران و عراق

در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب ۵۷، محبی نیا دوران دبیرستان را پشت سر می‌گذاشته

و اطلاعاتی از مشارکت‌اش در فعالیت‌های انقلابی در دست نیست اما با پیروزی انقلاب، به سپاه پاسداران غرب کشور می‌پیوندند و در درگیری‌های مسلحانه غرب کشور، مشارکت داشته است. او در بخش اطلاعاتی و امنیتی سپاه غرب کشور مشغول بوده است. مبارزه با گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در غرب کشور، از جمله فعالیت‌های این نماینده سپاهی مجلس است. محبی نیا که خود از سپاه غرب کشور آمده در مصاحبه‌ای به تشریح وضعیت سپاه این منطقه و سرکوب گروه‌های مخالف پرداخته و می‌گوید: «قرارگاه حمزه سیدالشهدا خواستگاه مردان بزرگی است که امنیت ایران و بقای جمهوری اسلامی مدیون آن‌ها است. شهیدان محمدبروجردی، ناصر کاظمی، محمود کاوه، باکری و احمد کاظمی همگی برخواسته از قرارگاه حمزه سیدالشهدا بوده‌اند.» او حملات سپاه به پژاک را تلافی جویانه و پاسخ آن‌ها به حملات این گروه مسلح غرب کشور می‌داند.

جنبش سبز و فعالیت در تیم احمدی نژاد

حضور تمام قد جهانبخش محبی نیا در ستاد انتخاباتی محمود احمدی نژاد، او را در نقطه مقابل جنبش سبز قرار می‌داد از دستور حمله به ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی در آذربایجان غربی تا فتنه خواندن جنبش سبز، جملگی نشان می‌دهد که او از مخالفان سرسخت جنبش سبز بوده است. محبی‌نیا در مصاحبه‌ای به راهپیمایی روز ۹ دی که در مخالفت با جنبش سبز، توسط حکومت برگزار شد اشاره کرده و می‌گوید: «مردم با حضور گسترده خود در راهپیمایی این روز به فتنه‌گرانی که به ارزش‌های دینی بی‌احترامی کرده بودند اعتراض کردند. این فتنه‌گران با کج سلیقه‌ای‌ها و بی‌احترامی به ارزش‌های دینی، چیزی جز حقارت برای خود باقی نگذاشتند.»

حقوق بشر و اعتراض به شلاق زدن کارگران

در میان اصول‌گرایان کمتر نماینده یا عضوی می‌توان پیدا کرد که در عمل، فعالیتی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر انجام داده باشد یا نسبت به آن اعتراضی داشته باشد. جهانبخش محبی نیا نیز از شمول این قاعده خارج نیست. در کارنامه سیاسی و نظامی این نماینده مجلس، مشارکت در سرکوب گروه‌های مخالف غرب کشور، پررنگ‌تر از هر فعالیت دیگری است اقدامی که می‌تواند حامل موارد متعددی از نقض حقوق بشر در آن باشد و در نقطه مقابل نمی‌توان در کارنامه‌اش به موردی اشاره کرد که برای دفاع از حقوق بشر، اقدامی صورت داده باشد. اعتراض او و دیگر نمایندگان آذربایجان در مجلس دهم به شلاق زدن کارگران معترض معدن آق دره تکاب نیز بیشتر می‌تواند اقدامی در راستای جلب حمایت موکلان باشد تا اقدامی برای استیفای حقوق بشر. محبی نیا و جمعی از نمایندگان مجلس دهم، طرح تحقیق و تفحص از شلاق زدن کارگران را امضا کرده‌اند ولی تا چه میزان این پرونده را پیگیری، و حقوق کارگران را استیفا کنند را نمی‌توان از همکنون مورد داوری قرار داد.

اطلاعات موثقی مربوط به خانواده و روابط خانوادگی‌اش در دست نیست که پس از جمع آوری اطلاعات مربوط این پروفایل تکمیل خواهد شد.

محسن کوهکن

حوزه انتخابیه: لنجان
سمت: عضو فراکسیون صنعت و معدن
فراکسیون: اصول‌گرایان

از زمین خواری تا حمایت از چند همسری مردان

«سیاسیون علاقمند به ادامه فعالیت باید از فتنه ۸۸ تبری بجویند!» اعلام این مطلب از سوی محسن کوهکن نماینده لنجان و جانشین دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری، این پرسش را ایجاد کرد که او کیست و چگونه به هیات رئیسه مجلس راه یافته است؟ و از کدام موضع امروز چنین حکمی صادر می‌کند؟ پرسش‌هایی که خیلی زود از سوی سیاسیون پاسخ داده شد و آن‌ها با انتشار اسناد و مدارک خواستار پاسخ‌گویی این عضو هیات رئیسه مجلس، در برابر «اتهام زمین خواری و دست درازی به اموال بیت المال» شدند. اتهامی که کوهکن هیچ وقت به آن پاسخ نداد و تنها اکبر اعلمی وکیل شاکیان را تهدید به شکایت می‌کند، ولی دستور علی لاریجانی برای بازگرداندن اموال مال باختگان از محق بودن شاکیان حکایت داشت.

محسن کوهکن کیست؟

محسن کوهکن متولد ۱۳۳۶ در شهر لنجان مدعی است که در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمده. در وب‌سایت او آمده : پدرش معمار و در کار ساخت و ساز بود. دوران جوانی کوهکن با دوران سخت مبارزه و انقلاب همراه بود و او نیز به دلیل تعلق خاطری که به طیف مذهبی انقلاب داشت به آن‌ها پیوست. پس از پیروزی انقلاب، در حالی که در لنجام به عنوان معلم مشغول بود، به جمع اعضای حزب جمهوری به رهبری آیت‌الله بهشتی پیوست و دبیر حزب جمهوری شد. با انفجار دفتر حزب جمهوری و آغاز جنگ ایران و عراق، به سپاه پاسداران پیوست و چکمه پوش شد.

روابط گسترده با سیاسیون و نظامیان شرایطی برایش مهیا کرد که بتواند برای نمایندگی مجلس خیز بردارد. پس از رد صلاحیت گسترده نیروهای خط امام (جناح چپ که بعدها به جناح اصلاح‌طلب مشهور شدند) در انتخابات مجلس چهارم، با حمایت جامعه روحانیت و

تشکل‌های دست راستی حکومتی، وارد مجلس یک دست راست چهارم شد.
محسن کوهکن در انتخابات مجلس پنجم و ششم که حداقلی از رقابت وجود داشت، شانس ورود به مجلس را پیدا نکرد و بار دیگر زمانی به مجلس هفتم راه یافت که رقبایش کامل رد صلاحیت شدند. ورود او به مجلس هفتم، موقعیتی تازه برایش ایجاد کرد. در مجلس بدون ژنرال هفتم با حمایت محمد رضا باهنر نایب رئیس مجلس به هیات رئیسه راه یافت و به مقام جانشین جبهه پیروان خط امام و رهبری با دبیرکلی محمد رضا باهنر، رسید. او این کرسی را تا پایان مجلس هشتم حفظ کرد و پس از یک دوره غیبت بار دیگر به مجلس دهم راه یافت و به کمیسیون صنایع پیوست.
کوهکن دبیرکل جامعه اسلامی نمایندگان ادوار مجلس است.

سوابق اجرایی و مدیریتی

محسن کوهکن در حالی علاقه خاص به کمیسیون صنایع و برنامه و بودجه دارد که نه تحصیلات‌اش در حوزه صنعت و اقتصاد است و نه سوابق اجرایی‌اش به این حوزه برمی‌گردد. او دانش آموخته حقوق و وکیل دادگستری است و در طول مجلس نهم که امکان نمایندگی را پیدا نکرده بود در تهران به وکالت دادگستری مشغول بود.

سوابق اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- نماینده لنجان در مجلس چهارم، هفتم، هشتم و دهم
- عضو هیأت رییسه مجلس هفتم و هشتم
- کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، کمیسیون صنایع و کمیسیون برنامه و بودجه
- عضو شورای عالی فن آوری اطلاعات مجلس
- عضو کمیته حقوقی هیأت رییسه
- معلم (تدریس در مدارس شهرستان لنجان و اصفهان)
- عضو شورای فرماندهی سپاه شهرستان و ناحیه لنجان
- دبیر حزب جمهوری اسلامی شهرستان لنجان
- معاون فرماندار لنجان
- فرماندار فارسان و بروجن
- معاون آموزشی اداره کل آموزش و پرورش چهار محال و بختیاری
- عضو شورای کمیته امداد استان چهار محال و بختیاری
- دبیر کل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران
- وکیل دادگستری

متهم به زمین خواری

مجلس هفتم، قطعه زمینی به وسعت ۱۷۷۰۰ مترمربع برای ساخت ۳۶۵ واحد مسکونی برای واگذاری به نمایندگان و کارکنان مجلس تحت عنوان شرکت تعاونی کوثر تشکیل و مدیریت آن را به محسن کوهکن، ایرج ندیمی و برزگر واگذار می‌کند. اما خودداری آن‌ها از واگذاری واحدهای مسکونی به اعضای تعاونی، سبب می‌شود تا در مجلس هشتم، اعضا با امضای طوماری خطاب به علی لاریجانی رئیس مجلس خواستار رسیدگی به این پرونده و استیفای حقوق مال باختگان می‌شوند. از آنجا که در مجلس هشتم برزگر دیگر نماینده نبوده و ایرج ندیمی نیز از

مدیریت این شرکت استعفا می‌دهد تنها فرد مسئول و متهم این پرونده محسن کوهکن است. اکبر اعلمی نماینده مجلس هفتم که وکیل دادگستری است به نمایندگی از اعضای تعاونی مسوولیت پیگیری این پرونده را عهده دار می‌شود و خبر این زمین‌خواری را علنی می‌کند. .

مخالفت با جنبش سبز اعتقادی یا سرپوشی برای زمین خواری

محسن کوهکن از جدی‌ترین مخالفت جنبش سبز بوده است. او که در جریان اتفاقات سال ۱۳۸۸ به علت عضویت در هیات رئیسه مجلس در جریان تمام وقایع این سال بوده، نه تنها در جهت حل اختلافات تلاش نکرده بلکه با بیان مواضعی افراطی، این پرسش را ایجاد کرده است که آیا او از روی اعتقاد و باور چنین مواضعی را اتخاذ کرده یا در پشت پرده جریاناتی جاری است که او را در بیان چنین مواضعی ناگزیر کرده است.

او که با نظر علی لاریجانی رئیس وقت مجلس، به عضویت کمیته حقیقت‌یاب منصوب شده بود در مقام سخن‌گوی این کمیته، ورود نیروهای نظامی به دانشگاه تهران در جریان وقایع سال ۸۸ را به تقاضای رهبر رئیس وقت دانشگاه تهران و جهت تامین امنیت دانشگاه اعلام کرد ولی این اظهارات بلافاصله از سوی رئیس دانشگاه تهران به شدت تکذیب شد تا روشن شود نقش کوهکن در این کمیته نه کشف حقیقت بلکه سرپوش گذاشتن بر حقیقت بوده است.

کوهکن در ادعایی دیگر که صحت آن خیلی زود تکذیب شد مدعی شد که ارزیابی کمیته حقیقت‌یاب از مصاحبه با دانشجویان آسیب‌دیده در کهریزک، این بود که آن‌ها از نحوه بازداشت گلایه داشتند ولی از نحوه برخورد گلایه نداشتند! اما یک سال بعد آسیب دیدگان از برخوردهای صورت گرفته با آن‌ها در بازداشتگاه کهریزک شکایت کردند و دادگاه حکم به نفع شاکیان داد و از سوی دیگر شدت برخورد در کهریزک چنان فاجعه بار بود که رهبر ایران پس از انتشار گزارش‌های کهریزک دستور به ممنوعیت انتقال بازداشت‌شدگان به این زندان شد.

کوهکن این اظهارات را برای زیر سوال بردن نامه کروبی به هاشمی رفسنجانی در خصوص تجاوز به بازداشت شدگان در بازداشتگاه کهریزک بیان کرده بود و آن ادعاها را نسنجیده و اشتباه خوانده بود در صورتی که در اثر برخوردهای صورت گرفته با بازداشت‌شدگان، حداقل چند نفر در کهریزک کشته شدند.

محسن کوهکن در اظهاراتی دیگر سران جنبش سبز را عامل دشمن معرفی کرده و می‌گوید: «سران فتنه عالماً و عامداً در زمین دشمن بازی کرده‌اند.» او با اعتراض به کسانی که خواهان رفع حصر از سران جنبش سبز هستند می‌گوید: «این افرادی که مدعی هستند و بحث رفع حصر را مطرح می‌کنند یک مورد را مطرح کنند که در جایی از دنیا عده‌ای آشوب کنند و به جان و مال مردم آسیب بزنند و کسی با آن‌ها کاری نداشته باشد و فقط به آن‌ها بگویند در خانه باشید و تفریحات خود را انجام دهید.» اما او به عنوان یک وکیل دادگستری پاسخ نمی‌دهد که در کجای دنیا کسی را بدون محاکمه و شنیدن دفاعیات‌اش حصر می‌کنند آن‌هم برای مدت نامحدود.

اعدام در پنج روز!

تقاضای اجرای حکم اعدام، در پنج روز از جانب کسانی که آشنا با قواعد حقوقی و آیین دادرسی نیستند را شاید به توان ناشی از بی‌اعتقادی آن‌ها به حقوق بشر یا برآمده از خوی استبدادی آن‌ها دانست اما وقتی یک وکیل دادگستری طرح می‌دهد که حکم اعدام صادره از سوی دادگاه برای متهم به محاربه، پنج روزه اجرا شود این یعنی نادیده گرفتن قواعد حقوقی و لگد مال

کردن شرافت حرفه‌ای به عنوان وکیل دادگستری. محسن کوهکن به همراه جمعی از تندروترین نمایندگان مجلس هشتم همچون روح الله حسینیان، فاطمه آلیا، الیاس نادران، حسن کامران و حمید رسایی، طرحی با قید دوفوریت به مجلس ارائه کردند تا محکومان دادگاه‌های عمومی و انقلاب که محارب شناخته شده‌اند حکم اعدام‌شان ظرف پنج روز اجرا شود.

ازدواج دوم حق مردان است

تقاضای اعدام پنج روزه، تنها شاهکار محسن کوهکن در دوره نمایندگی نبود، او در جریان بررسی طرح حمایت از خانواده که چند همسری مردان را به رسمیت می‌شناخت در اظهارنظری، ازدواج دوم را حق مرد دانسته و می‌گوید: «ما مسأله اختیار کردن همسر دوم توسط یک مرد را تا آن حد که قرآن می‌فرماید حق می‌دانیم اما برای دسترسی به این حق حتما باید ضوابط، مقررات و چارچوب‌هایی وجود داشته باشد که این حق دستاویزی برای هوس‌رانی و از هم‌پاشیده شدن کانون‌های خانوادگی قرار نگیرد». او به رسمیت شناخته چند همسری برای مردان را تنها راه حفظ اعتدال در روابط زناشویی معرفی می‌کند.

محسن کوهکن برخلاف رویه قضایی و اصل حاکمیت قانون معتقد است در برخورد با کسانی که به اخلال‌گر اجتماعی متهم شده‌اند باید طبق نظر اسلام عمل کرد و می‌گوید: «در اینجا باید کاملا بر اساس آن‌چه که اسلام در برخوردها توصیه می‌کند، عمل شود و راه دیگری باقی نمی‌ماند». او پاسخ نمی‌دهد که آیین دادرسی و قواعد حقوقی در برخورد با متهمان چه می‌شود؟

خانواده

محسن کوهکن در ماه‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۸ با دختری که تنها ۱۵ سال داشت ازدواج کرد. او یک فرزند دختر و دو فرزند پسر و سه نوه دارد. فرزندانش شغل دولتی و حکومتی ندارند و به فعالیت‌های اقتصادی مشغول اند.

حمیدرضا فولادگر

حوزه انتخابیه: اصفهان
سمت: عضو فراکسیون صنعت و معدن
فراکسیون: اصول‌گرایان

هم پای احمدی نژاد از «علم و صنعت» تا «قدرت»

پا به پای محمود احمدی نژاد از دانشگاه علم و صنعت بیرون می‌آید و کم کم جای پایی برای خود در قدرت باز می‌کند. حمید رضا فولادگر که چهارمین حضور خود را در مجلس دهم به نمایندگی از مردم اصفهان تجربه می‌کند با محمود احمدی نژاد، هم‌دانشگاهی، هم‌حزبی، و هم‌راه و هم‌دل بوده و در انتخابات ۸۸ تمام قد کنارش می‌ایستد به طوری که اظهارات و فعالیت‌های میرحسین موسوی را غیرقانونی خوانده و او را به تایید محمود احمدی نژاد دعوت می‌کند و می‌گوید: «اگر اظهارات غیرقانونی خود مبنی بر عدم مشروعیت دولت دهم که منتخب ملت ایران است، را تکرار کرده و به رای مردم تمکین نکند، با مخالفت قانون برای فعالیت روبه رو خواهد شد.» تهدیدی که به حصر موسوی منجر شد.

حمید رضا فولادگر کیست؟

او دانش‌آموخته مکتب «پرورش» پدر معنوی موتلفه‌ای‌های اصفهان است. در سال ۱۳۳۸ در شهر اصفهان به دنیا آمده است. پدرش آهنگر بوده ولی به گفته حمید رضا فولادگر «پدر از اساتید بنام تفسیر قرآن ونهج‌البلاغه است که هم دروس حوزوی خوانده بود و هم دروس دانشگاهی. اما همه‌ی اینها باعث نشده بود که کار فنی و شغل‌اش را کنار بگذارد؛ آهنگری وتراشکاری.» فولادگر تعلیمات دینی را نزد پدر شروع می‌کند و بعد هم‌چون بسیاری از جوانان مذهبی و انقلابی اصفهان جذب پرورش می‌شود و رابطه‌اش را با او حفظ کند.

فولادگر پس از اخذ دیپلم ریاضی، راهی دانشگاه علم و صنعت می‌شود تا در رشته مکانیک ادامه تحصیل دهد اما تقارن دوران دانشجویی با پیروزی انقلاب، بیشتر به فعالیت‌های سیاسی روی می‌آورد و جذب شاخه دانشجویی حزب جمهوری می‌شود ولی تعطیلی دانشگاه‌ها، سبب می‌شود تا باردیگر به اصفهان برگردد و به عنوان معلم و بعدها به عنوان مسوول امور تربیتی

آموزش و پرورش اصفهان انجام وظیفه کند. با بازگشایی دانشگاه‌ها، فولادگر به علم و صنعت برمی گردد و علاوه بر تحصیل به عضویت انجمن اسلامی دانشگاه می‌پیوندد.
فولادگر پس از اخذ مدرک مهندسی، دفتر حزب جامعه اسلامی مهندسین را در اصفهان تاسیس می‌کند، حزبی که باهنر، نبوی و احمدی نژاد از موسسان آن هستند. او تحصیل را رها نمی‌کند و مدرک فوق‌لیسانس صنایع را هم دریافت و به عضویت هیات علمی دانشگاه نجف آباد در می‌آید و همچون محمود احمدی نژاد به بسیج اساتید دانشگاه‌ها می‌پیوندد.
پس از رد صلاحیت‌های گسترده کاندیداهای اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس هفتم، موفق می‌شود در میدانی خالی از رقبای سیاسی جدی، راهی مجلس می‌شود و به عضویت کمیسیون صنایع در می‌آید و کرسی خود را برای چهار دوره متوالی حفظ می‌کند.
تلاش برای خصوصی‌سازی و رفع موانع تولید از جمله فعالیت‌های او در مجلس است.
حمید رضا فولادگر چنان مجذوب احمدی نژاد بود که وقتی او در تهران و در همایش ایرانیان خارج از کشور به تجلیل از ریچارد فرای پرداخت و خانه‌ای را در اصفهان به او هدیه کرد، لب به اعتراض نگشود، ولی چند سال بعد وقتی در دولت روحانی، ریچارد فرای درگذشت و قرار شد تا پیکرش طبق وصیت‌نامه‌اش در اصفهان دفن شود، فریاد وا سلاما سر داد.

سوابق اجرایی و مدیریتی

- تدریس و مسئولیت امور تربیتی آموزش و پرورش ناحیه ۱ اصفهان
- کارشناس و مدیریت پروژه‌های مرکز تحقیقات مهندسی جنگ جهاد سازندگی
- عضویت در هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت‌های مهندسی توسعه و سازندگی سداد
- عضویت در هیئت علمی و ریاست دانشکده‌های فنی دانشگاه‌های آزاد واحد خمینی شهر و نجف آباد
- نماینده اصفهان در مجلس هفتم تا دهم
- عضویت در حزب جمهوری اسلامی (اصفهان - تهران - شاخه دانشجویی)
- عضو هیئت مؤسس کانون اندیشه و تمدن اسلامی
- عضویت در بسیج اساتید دانشگاه و شورای بسیج مهندسین استان اصفهان
- مدیریت مسئول هفته نامه جام اصفهان (۷۹-۷۴) و هفته نامه عطر سیب (۸۱ تاکنون)
- عضویت در جامعه اسلامی مهندسین (عضویت در شورای مرکزی و عضو مؤسس جامعه استان)
- عضو هیئت مدیره جمعیت هلال احمر استان

فعال در انقلاب و جنگ

عضویت در کانون تربیتی فرهنگی جهان اسلام و حضور در دبیرستان جامع سعدی اصفهان و تحت تاثیر تعلیمات اکبر پرورش، جذب انقلاب می‌شود. فولادگر می‌گوید پس از گذراندن دوران تحصیلی در چنین جوی وقتی به دانشگاه علم صنعت رفتم حکومت پهلوی آخرین نفس‌هایش را می‌کشید. آن روزها مدام در تردد میان اصفهان و تهران بودم و هر کجا بودم سر از جمع‌های مبارزاتی در می‌آوردم. از شرکت در راهپیمایی‌ها و جلسات سخنرانی تا انتظامات مراسم استقبال از امام خمینی، تا درگیر در تاخت و تازهای تشکل‌های دانشجویی فعال در دانشگاه‌ها.
فولادگر به گفته خودش این‌گونه در انقلاب ۵۷ فعال بوده است او در بیان خاطره‌ای از روز ۲۲ بهمن ۵۷ می‌گوید: «از اول تا ۱۵ آبان به صورت مرتب تظاهرات و تجمع بود ۲۲ بهمن تهران

مرکز درگیری‌ها بود و پس از اینکه از اصفهان به تهران آمده بودیم در ۲۲ بهمن به اصفهان برگشتیم شهر در اختیار نیروهای مردمی بود و پادگان‌ها به دست مردم افتاده بود و شهر توسط مردم اداره می‌شد در یک سری از تظاهرات ارتش به مردم پیوسته بود .پس از پیروزی دلمان می‌خواست هر چه زودتر به تهران بیاییم وآمدیم تا در تهران شاهد پیروی باشیم.»
با پیروزی انقلاب، فولادگر به حزب جمهوری اسلامی می‌پیوندد و رابطه‌اش را با نیروهای انقلابی حفظ می‌کند.
با شروع جنگ ایران و عراق، فولادگر به جهاد سازندگی می‌پیوندد و درمرکز تحقیقات مهندسی جنگ، به عنوان مهندس طراح مشغول کار می‌شود. فولادگر می‌گوید به واسطه‌ی رشته‌ام که مکانیک سیالات بود روی طرح عساکر کار می‌کردم که مربوط به پمپاژ شناور بود. از دیگر طرح‌های این مرکز خودروهای دوزیست بود و یک طرح دیگر در زمینه ی صنایع هوایی که منجر شد به طراحی و ساخت آزمایشی یک هلی کوپتر سبک.»

تهدید میرحسین موسوی برای به رسمیت شناختن دولت احمدی نژاد

هم‌حزبی و هم‌دانشگاهی محمود احمدی نژاد، در جریان اتفاقات انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، همچون اکثریت نمایندگان وقت مجلس شورای اسلامی نه تنها تلاشی برای روشن شدن حقیقت نکرد، بلکه به تهدید موسوی به برخورد قانونی او را به رسمیت شناختن دولت محمود احمدی نژاد کرد. فولادگر بدون ارائه دلیل و مدرکی، ادعای تقلب در انتخابات را بی‌اساس و اعتراض مردم را غیرقانونی خوانده و می‌گوید: «چنانچه میرحسین موسوی اظهارات غیرقانونی خود مبنی بر عدم مشروعیت دولت دهم که منتخب ملت ایران است، را تکرار کرده و به رای مردم تمکین نکند، با مخالفت قانون برای فعالیت روبه‌رو خواهد شد».
او که به نمایندگی از مجلس در کمیسیون ماده ده احزاب عضویت داشت، احزاب سیاسی را از هرگونه حمایت و همکاری با میرحسین موسوی رهبر جنبش سبز برحذر می‌دارد و آن‌ها را تهدید کرده و می‌گوید: براساس قانون مجوز حزبی که با جبهه موسوی همکاری کند باطل می‌شود.
فولادگر در واکنش به تقاضای برگزاری راهپیمایی توسط میرحسین موسوی می‌گوید: «برای تقاضای مجوز لازم است تا وی در مرحله اول اظهارات گذشته خود را مبنی بر عدم مشروعیت دولت دهم پس بگیرد و به مشروعیت دولت منتخب مردم اذعان کند». او شورای راه سبز امید را غیر قانونی می‌خواند و می‌گوید هر حزبی به این شورا بپیوندند مجوزش باطل می‌شود.

خانواده

پدرش معلم قران و آهنگر و تراشکار بود. اما روابط خانوادگی او زمانی بیشتر در رسانه‌ها مطرح شد که پسر عمویش سردار علی اصغر فولادگر در حادثه منا کشته شد. فولادگر در وصف پسر عمویش می‌گوید: «سردار شهید فولادگر در مسئولیت‌های متعددی که در دوران خدمت خود در سپاه داشتند، فرماندهی سپاه کاشان، فعالیت در ستاد مرکزی سپاه در تهران، مأموریت‌های منطقه‌ای همچون حضور در لبنان، بوسنی و هرزگوین، حضور در سپاه قدس، دستیار مشاور ارشد فرمانده کل قوا، اهل مطالعه و پژوهش بودند و چون مسلط به زبان عربی بودند، در سفرهایی که به عربستان می‌رفتند، بیشتر وقت خود را به رفع شبهات در خصوص تشیع و انقلاب سپری می‌کرد.» توضیحاتی که نشان می‌دهد علی اصغر فولادگر از نیروهای اطلاعاتی سپاه و فعال در تحولات منطقه‌ای و برون‌مرزی سپاه بوده است.
دیگر پسر عمویش وحید فولادگر عضو شورای شهر اصفهان است.

الیاس حضرتی

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: عضو کمیسیون اقتصادی
فراکسیون: امید

از فرماندهی سپاه تا سرمایه‌گذاری در روزنامه و رستوران و سینما

وقتی رقبا و مخالفین سید محمد خاتمی، در مجلس پنجم، در شوک شکست، به هر دری می‌زدند تا موتور اصلاحات را از کار بیاندازند، دانه درشت‌های فراکسیون اقلیت مجلس وقت، بیش از پیش در کنار هم و پشت خاتمی ایستادند تا اصلاحات جان بگیرد. الیاس حضرتی یکی از آن دانه درشت‌ها بود که با سه دوره حضور در مجلس، از تجربه کافی برای حمایت از رهبر اصلاحات برخوردار بود. آن‌ها موفق شدند با انجام آبستراکسیون و حفظ مهاجرانی وزیر فرهنگ دولت خاتمی، قدرت جریان اصلاحات را بر رقیب دیکته کنند و در جریان تشکیل اولین شورای شهر و روستا، در برابر زیاده‌خواهی مخالفان ایستادند و تایید صلاحیت چهره‌های کلیدی جنبش اصلاحات همچون عبداله نوری، سعید حجاریان و محمد عطریانفر را از مجلس اصول‌گرای پنجم گرفتند.

الیاس حضرتی کیست؟

الیاس حضرتی در سال ۱۳۴۰ در هشترود متولد شد. همه او را به عنوان یک چهره گیلانی می‌شناسند جایی که با فعالیت در آن به اوج شهرت رسید. با پیروزی انقلاب ۵۷ به سپاه پاسداران ملحق شد. در این راه پدرش نیز او را همراهی کرد و عضو سپاه پاسداران شد. حضرتی پس از مدتی فعالیت در دفتر عقیدتی سپاه پاسداران، به عنوان موسس سپاه گیلان به فرماندهی سپاه این منطقه رسید و مدعی است ارتفاعات استراتژیک مانوت عراق توسط تیپ تحت فرماندهی‌اش فتح شده است.

حضرتی علاوه بر فرماندهی سپاه گیلان و شرکت در عملیات‌های نظامی در دوران جنگ ایران و عراق، سابقه بولتن نویسی در دفتر سیاسی سپاه را هم داراست او در این خصوص می‌گوید: «ما کارمان همین به دست آوردن اخبار بود. دفتر سیاسی سپاه با آقای ظریفیان و سایر دوستان

بولتن سیاسی در می‌آوردیم تا اینکه آقای هرندی، شریعتمداری و سلیمی نمین از آنجا به دلیل اختلافات رفتند و ما هم دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ را راه‌انداختیم و اخبار محرمانه را به فرماندهان جنگ می‌دادیم» سابقه‌ای که بعدها باعث شد تا حضرتی نیز همچون هرندی، شریعتمداری و سلیمی نمین و بقیه کارکنان دفتر سیاسی سپاه به حرفه روزنامه نگاری روی آورند.

با پایان یافتن جنگ، سپاه پاسداران را به قصد کاندیداتوری مجلس، ترک کرد و به نمایندگی از مردم رشت برای اولین بار به مجلس راه یافت و به فراکسیون خط امام مجلس سوم به رهبری مهدی کروبی پیوست. حضرتی از مجلس سوم رابطه نزدیکی با مهدی کروبی پیدا کرد. او از معدود نمایندگان خط امامی مجلس سوم بود که صلاحیت‌اش برای مجلس چهارم رد نشد و توانست کرسی خود را در مجلس چهارم نیز حفظ کند. در مجلس پنجم وارد فعالیت حزبی شد و با چهره‌های تاثیرگذار این دوره همچون دکتر راه چمنی، قربانعی قندهاری و ابراهیمبای سلامی، حزب همبستگی ایران اسلامی را راه‌اندازی کرد. حزبی که پشتوانه برنامه‌های اصلاحی محمد خاتمی در داخل مجلس بود. و پس از پایان مجلس ششم، به حزب اعتماد ملی به رهبری مهدی کروبی پیوست.

با اتمام مجلس پنجم، او و دکتر راه چمنی نماینده سبزوار که به چهره‌های شناخته شده‌ای تبدیل شده بودند پس از سال‌ها نمایندگی شهرهای رشت و سبزوار تصمیم گرفتند برای مجلس ششم از تهران کاندیدا شوند ولی فکر نمی‌کردند که در فهرست نهایی اصلاح‌طلبان تهران قرار نگیرند. چراکه ترافیک ورود به مجلس ششم بالا گرفته بود و رهبران احزاب اصلاح‌طلب و روزنامه نگاران، به ورود نیروهای تازه‌تر تمایل بیشتری نشان دادند. با این حال الیاس حضرتی توانست به این مجلس راه یابد.

عضویت در کمیسیون اقتصادی، سبب آشنایی او با شهرام جزایری شد و در دادگاه رسیدگی به پرونده جزایری، نامش در ردیف نمایندگانی که از او پول دریافت کرده‌اند برده شد هرچند خودش مدعی است که پولی نگرفته فقط کسانی که به او مراجعه می‌کرده‌اند را به جزایری معرفی کرده است او در این خصوص می‌گوید: «شخصاً هیچ پولی از جزایری نگرفته‌ام و فقط چند نفر از مراجعه کنندگانی را که برای مشکلات خود به من روی آورده بودند به جزایری معرفی کردم تا به آن‌ها وام بدهد و مبلغی را که جزایری عنوان کرده احتمالاً مربوط به همین موارد بوده است. در یکی دو مورد افرادی بودند که کارخانه آن‌ها در حال تعطیل شدن بود و قرار بود که کارگران آن‌ها به سمت مجلس بیایند و راهپیمایی کنند و وضعیت نامطلوبی داشتند و تعدادی هم مراجعات فردی بود که در حد مبالغ جزیی از جزایری وام گرفتند.» علی مطهری نماینده تهران نیز در این خصوص گفته که شخصا تحقیقاتی انجام داده و به این نتیجه رسیده است که پولی که حضرتی از جزایری دریافت کرده وام بوده و چندان موضوع مهمی نبوده است. علیزاده وکیل شهرام جزایری نیز با نام بردن از الیاس حضرتی و دیگرانی که از جزایری پول دریافت کرده‌اند در این خصوص می‌گوید: این‌گونه نبوده که جزایری به هر کسی پول داده انتظار کاری داشته است.

بین مجالس ششم تا دهم، او در مجلس غایب بود تا اینکه بار دیگر در انتخابات مجلس دهم موفق شد تایید صلاحیت خود را از شورای نگهبان دریافت و با همراهی ائتلاف امید بار دیگر به مجلس بازگردد. او از معدود چهره‌های شناسنامه‌دار جریان اصلاحات در مجلس دهم و از اعضای کلیدی فراکسیون امید به رهبری محمد رضا عارف است. فراکسیونی که می‌توانند پرچم دفاع از حقوق و آزادی‌های شهروندی را در مجلس بالا نگه دارند. حضرتی در آستانه

ورود به مجلس دهم با اعتراض نسبت به محرومیت زنان از ورود به ورزشگاه‌ها می‌گوید: «جای تاسف است که بعد ازسی و اندی سال هنوز درمورد اجرای موسیقی، سینما و هنر مشکل داریم، در حال حاضر در این مراسم زنان و مردان حضور دارند مگر چه اتفاقی افتاده که بعضی‌ها دلواپسند و در مقابل وزارت ورزش وا اسلاما سر داده‌اند؟، متاسفانه این جوسازی‌ها باعث شده بزرگانی که الگو و مرجع ما هستند می‌گویند بی‌حجابی زنان از ربا بدتراست.»
هم‌چون بسیاری از نمایندگان مجلس و مدیران، در رشته مدیریت دولتی تحصیل کرده و کارشناسی ارشد گرفته است. حضرتی علاوه بر نمایندگی مجلس سال‌ها ریاست فدراسیون ورزش‌های رزمی را عهده‌دار بوده و رابطه نزدیکی با رزمی‌کاران ایرانی دارد. او دستی هم در رستوران‌داری دارد و در شمال شهر تهران رستورانی با غذاهای گیلانی دارد.

سوابق اجرایی و مدیریتی

- از بنیان‌گذران اولیه سپاه پاسداران
- فرماندهی سپاه رشت
- فرماندهی لشکر گیلان
- فاتح ارتفاعات ماءوت عراق
- نماینده دوره سوم، چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی از رشت
- نماینده دوره ششم و دهم مجلس شورای اسلامی از تهران
- نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس در ادوار مختلف
- ریاست پارلمانی گروه ایران و فرانسه
- ریاست فدراسیون ورزشهای رزمی (ووشو-کونگ فو-فول کنتاکت-کیک بوکسینگ و...)
- صاحب امتیاز و مدیرمسئول روزنامه اعتماد
- صاحب امتیاز و مدیر مسئول روزنامه تعادل

روزنامه نگاری و فرار از تیغ توقیف

بسیاری از نمایندگان مجلس در حوزه انتخابیه خود هفته نامه و ماهنامه منتشر می‌کنند تا تریبونی برای بیان دیدگاه‌های خود داشته باشند، اما کمتر نماینده‌ای به‌صورت حرفه‌ای به کار روزنامه‌نگاری روی می‌آورد. الیاس حضرتی از معدود نمایندگانی است که سال‌هاست در سطح ملی روزنامه‌ای منتشر می‌کند و توانسته در این حرفه پایدار بماند.
با شروع مجلس ششم که با شکوفایی مطبوعات در ایران همراه بود، حضرتی روزنامه اعتماد را راه‌اندازی کرد. روزنامه‌ای اصلاح‌طلب که توانسته از تیغ توقیف فرار کند هرچند دوبار به صورت موقت توقیف شده است.
روزنامه‌نگاری و شناخت آسیب‌های توقیف مطبوعات، حضرتی را به یکی از مدافعان آزادی رسانه‌ها تبدیل کرده به‌طوری‌که با ورود به مجلس دهم وقتی با توقیف روزنامه قانون و وب‌سایت جهان نیوز متعلق به تندروترین طیف جناح اصول‌گرا مواجه شد لب به اعتراض گشوده و می‌گوید: «معتقدم نسبت به رسانه‌ها رویکرد خوبی نداشته و نداریم، اگر روند قضایا به همین شکل پیش برود شاهد نابودی رسانه‌ها براساس محافظه‌کاری و احتیاط بیش از حد خواهیم بود. با روند فعلی رسانه‌ها طمع و مزه شیرینی مطالب‌شان را از دست می‌دهند. ما معتقد نیستیم که نباید خط قرمز وجود داشته باشد بلکه خط قرمز وجود دارد و در عین حال اعتقاد داریم خط قرمزها باید استاندارد، محدود و تعریف شده باشد. اصل بر تعطیلی و توقیف

نیست، اصل بر تذکر و تنبیه است؛ شعار ما این است تنبیه آری، توقیف هرگز. هم هیات نظارت بر مطبوعات اختیار قانونی برای توقیف دارد و هم دادستانی طبق قانون می‌تواند رسانه‌ای را توقیف کند اما خواهش ما این است که هیات نظارت و دادستانی از اختیار خود استفاده نکنند؛ هر دو نهاد بزرگوار اگر رسانه‌ای تخلفی کرد که ما مدافع آن نیستیم پرونده را به دادگاه صالحه که همان دادگاه مطبوعات است ارجاع دهد تا با حضور هیات منصفه و وکیل شاکی و متشاکی پرونده رسیدگی شود تا ما بتوانیم آرامش و امنیتی را در فضای رسانه‌ای احساس کنیم.» او هم‌اکنون علاوه بر صاحب امتیازی روزنامه اعتدال، امتیاز روزنامه تعادل را نیز داراست.

جنبش سبز و همراهی با مهدی کروبی

هم در انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ و هم در انتخابات ۸۸ از حامیان مهدی کروبی بود. حضرتی در سال ۸۸ ریاست ستاد انتخاباتی تهران مهدی کروبی دبیرکل حزب اعتماد ملی را در تهران عهده دار بود. او در تمام اتفاقات پس از خرداد ۸۸ در کنار جنبش سبز ایستاد و هنوز از هر تریبونی تقاضایش مبنی بر رفع حصر رهبران جنبش سبز را اعلام می‌کند. او از جمله چهره‌های سیاسی است که به صراحت شورای نگهبان را مقصر اتفاقات سال ۸۸ معرفی کرده و معتقد است اعضای این شورا، انتخابات را به آتش کشیدند و می‌گوید: «شورای نگهبان داور مسابقه بود. اگر یکی از داوران در یک بازی حساس در وسط مسابقه به نفع تیم مقابل سخنرانی کند و با جعبه شیرینی به سمت آن تیم برود، بازی را قطعاً به آتش می‌کشاند. آتشی که توسط هیچ یک از اعضای دو تیم قابل اطفاء نیست! آیا در انتخابات ۸۸ طرفی که شورای نگهبان به سمتش رفت، عالم و سخنران کم داشت که عده‌ای از حقوقدان‌های شورای نگهبان به نفع آن سخنرانی کردند؟ آیا این به معنای به آتش کشیدن بازی نیست؟»

پیگیری اتفاقات سال ۸۸ توسط روزنامه تحت مدیریت اش، به توقیف روزنامه‌اش منجر شد. روزنامه اعتماد در ۱۰ اسفند ۱۳۸۸ به دستور هیئت نظارت بر مطبوعات توقیف موقت شد. علت توقیف «تخلف از حدود مطبوعات» و تکرار و اصرار بر تخلفات قانونی اعلام شد. روزنامه اعتماد از چند ماه قبل از توقیف، از سوی معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد دولت دهم هشت بار تذکر گرفته بود. اما این روزنامه دو گزارش درباره فیلم حادثه حمله به کوی دانشگاه که بی‌بی‌سی فارسی آن را پخش کرده بود، نوشت. اعتماددر صفحه اول گزارشی را با عنوان «پیشنهاد نمایش فیلم کوی دانشگاه در کمیته حقیقت‌یاب مجلس» چاپ کرده که نظرات نمایندگان مجلس در آن بود.

خانواده و سرمایه‌گذاری در سینما

پدرش در نانوایی سپاه پاسداران خدمت می‌کرد و پسر ارشدش به سینما روی آورده است. علی حضرتی ۲۴ ساله به‌عنوان سرمایه‌گذار فیلم «خداحافظی طولانی» ساخته فرزاد موتمن در جشنواره فیلم فجر خود را مطرح کرد. احتمالا سرمایه‌گذار اصلی این فیلم را باید الیاس حضرتی دانست تا پسر ۲۴ ساله اش. پسری که هنوز مجوز تهیه‌کنندگی را تهیه نکرده است.

مصطفی کواکبیان

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: عضو کمیسیون امنیت ملی
فراکسیون: امید

پرورش یافته مکتب مهدوی کنی

در دهه اول اصلاحات، حضورش در احزاب اصلاح‌طلب آن هم در رده رهبری، پذیرفته نبود تا اینکه حزب و روزنامه خود را راه‌اندازی کرد. مصطفی کواکبیان که آمده بود ره صد ساله را یک شبه طی کند، وقتی در شورای عالی حزب همبستگی جای خود را تنگ دید، حزب و روزنامه مردم سالاری را راه‌اندازی کرد و وقتی در جبهه احزاب دوم خرداد به رهبری محمد خاتمی، جایی برای بازی پیدا نکرد، جبهه احزاب مردم سالاری را موازی جبهه دوم خرداد ایجاد کرد. اما در دهه دوم اصلاحات، وقتی اصلاح‌طلبان و احزاب پیشرو آن از صحنه سیاسی، یکی پس از دیگری حذف شدند، او مجال خود نمایی یافت و پرچم اصلاحات را بالا نگه داشت، تا اینکه امروز در مجلس دهم از چهره‌های اصلی اصلاح‌طلب به شمار می‌آید، هرچند با اقداماتی هم‌چون کاندیداتوری برای ریاست مجلس، بیشتر زمینه ساز حمله به اصلاح‌طلبان است تا بالندگی این جبهه.

مصطفی کواکبیان کیست؟

او متولد سال ۱۳۴۱ در شهر سمنان است. در خانواده‌ای مذهبی و سنتی رشد کرده است. در رشته ریاضی دیپلم می‌گیرد و جذب دانشگاه امام صادق به مدیریت آیت‌الله مهدوی کنی می‌شود. دانشگاهی که وظیفه کادرسازی برای حکومت جمهوری اسلامی را برعهده دارد و بیشتر فارغ التحصیلان آن جذب وزارت امور خارجه می‌شوند. کواکبیان تحصیلات‌اش را تا مقطع فوق‌لیسانس در این دانشگاه ادامه می‌دهد و سپس برای اخذ مدرک دکترا در رشته علوم سیاسی راهی دانشگاه تربیت مدرس می‌شود. او پس از فارغ التحصیلی جذب دانشگاه علامه طباطبایی می‌شود و هم‌اکنون عضویت هیات علمی گروه علوم سیاسی این دانشگاه را داراست. کواکبیان علاوه بر تحصیلات دانشگاهی، تحصیلات حوزوی را نیز تا پایان مقطع سطح

دنبال می‌کند.
با وجود فضای بسته و یک سویه دانشگاه امام صادق، کواکبیان که فعالیت سیاسی را از دوران انقلاب و در همراهی با حزب جمهوری اسلامی شروع کرده بود در دهه دوم انقلاب به اصلاح‌طلبان می‌پیوندند. او ورود حرفه‌ای‌اش به فضای سیاسی را با حزب همبستگی کلید می‌زند. حزبی برآمده از نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس پنجم، به رهبری راه چمنی، حضرتی، قندهاری و ... اما فعالیت او در این حزب چندان دوام نمی‌آورد چرا که کواکبیان از جمله نیروهای سیاسی است که تمایل بسیاری به اول بودن در حزب و گروه سیاسی دارد از این رو خیلی زود از جمع اعضای حزب همبستگی جدا می‌شود و حزب مردم‌سالاری را راه‌اندازی می‌کند.
اعلام موجودیت حزب مردم سالاری زمانی مطرح می‌شود که ۱۸ حزب اصلاح‌طلب با یک ائتلاف هدفمند، جبهه دوم خرداد را راه‌اندازی کرده بودند. کواکبیان وقتی روزنه‌ای برای ورود به جبهه دوم خرداد پیدا نکرد و حزب‌اش توسط احزاب دوم خرداد جدی گرفته نشد، ۱۸ تشکل گمنام را گردهم جمع و جبهه احزاب مردم سالاری را در مقابل جبهه دوم خرداد تشکیل داد.
اگرچه در دهه اول اصلاحات، کواکبیان و حزب‌اش جدی گرفته نمی شدند ولی در دهه دوم اصلاحات وقتی چهره‌های موثر جبهه اصلاحات یکی پس از دیگری به طرق مختلف از فضای سیاسی ایران به حاشیه رانده شدند، کواکبیان توانست با ورود به مجلس هشتم، به چهره‌ی مطرح اصلاحات تبدیل شود. او از هر تریبونی کوشید دیدگاه‌های اصلاح‌طلبانه خود و گروه‌اش را مطرح و در مقاطع مختلف با حمایت از رهبران جنبش سبز و اصلاحات، نقش پرچمدار این جنبش در مجلس هشتم را ایفا کند.
کواکبیان پس از ناکامی در انتخابات مجلس نهم، در حالی که برای ورود به مجلس دهم با سد هیات نظارت روبرو و رد صلاحیت شده بود، در نهایت پس از لابی با شورای نگهبان، تاییدیه خود را دریافت و توانست با حمایت ائتلاف امید به مجلس دهم راه یابد. او پس از ورود به مجلس دهم، وقتی با کناره‌گیری محمد رضا عارف نامزد جبهه اصلاحات برای کرسی ریاست مجلس روبرو شد، برای این سمت خیز برداشت و اعلام کاندیداتوری کرد. اگرچه او بلافاصله بعد از اعلام کاندیداتوری، انصراف خود را اعلام کرد، ولی علی لاریجانی رئیس جلسه، انصراف‌اش را نپذیرفت تا رای گیری با دو کاندیدا (علی لاریجانی و مصطفی کواکبیان) برگزار شود. او در حالی که انصراف داده بود یازده رای کسب کرد.
کواکبیان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ با بیان اینکه «در دوره خاتمی دولت سالاری بوجود آمد نه مردمسالاری» اعلام کاندیداتوری کرد که صلاحیت‌اش توسط شورای نگهبان رد شد. او بار دیگر در سال ۱۳۹۲ برای ریاست جمهوری خیز برداشت ولی باز تایید صلاحیت نشد. تا به عنوان یکی از حامیان حسن روحانی در انتخابات فعالیت کند.

کواکبیان در حال حاضر عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم است.

سوابق اجرایی و مدیریتی و حزبی

- مسوول گروه الخمینیون در سال‌های ۵۷ و ۵۸
- قائم مقام حزب جمهوری اسلامی استان سمنان تا سال ۱۳۶۰
- مسوول انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق(ع) تا سال ۱۳۷۵

- عضو هیات علمی تمام وقت دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی
- موسس و عضو شورای سیاستگذاری روزنامه همبستگی از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۱
- نماینده سمنان در مجلس هشتم و نماینده تهران در مجلس دهم
- نایب رئیس کمیته سیاست خارجی و نایب رئیس کمیته حقوق بشر کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم
- موسس و دبیرکل حزب مردم‌سالاری
- عضو سه دوره شورای مرکزی خانه احزاب ایران
- صاحب امتیاز و مدیر روزنامه محلی پیام استان سمنان از سال ۱۳۷۰ تاکنون
- مدیر مسوول روزنامه سراسری مردم‌سالاری از سال ۱۳۸۰ تاکنون

انقلاب ۵۷ و جنگ ایران و عراق

در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب ۵۷، کواکبیان نوجوانی بیش نبود ولی خودش مدعی است که خیلی فعال و مبارز بوده و هدایت و تنظیم شعارهای انقلابی مردم سمنان را برعهده داشته و سه بار توسط حکومت پهلوی دستگیر شده و مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته ولی چون سن‌اش خیلی کم بوده پرونده‌اش به دادگاه اطفال ارسال شده و مختومه است.
او درباره فعالیت‌های انقلابی‌اش می‌گوید: «قبل از تشکیل سپاه، کمیته و حزب جمهوری، گروه الخمینیون را راه‌اندازی کرده که بیشتر اعضای هسته اولیه‌اش به شهادت رسیده‌اند.»
او می‌گوید با پیروزی انقلاب و تشکیل حزب جمهوری اسلامی در سمنان، به قائم مقامی دبیر حزب جمهوری در این استان می‌رسد. و این مجال را پیدا می‌کند تا در کلاس درس مواضع حزب که توسط آیت‌الله بهشتی برگزار می‌شود، شرکت کند.
با آغاز جنگ ایران و عراق، همراه برادرش محمد و برادر همسرش عباس، عازم جبهه‌ها می‌شود. شرکت در عملیات فتح المبین اولین تجربه نظامی اوست. او برادر و برادر همسرش را در جنگ از دست می‌دهد.

طرح اصلاح قانون اساسی

کواکبیان از معدود نمایندگان مجلس ایران است که ضرورت طرح اصلاح قانون اساسی را با ذکر موارد اصلاحی اعلام کرده است. او معتقد است قانون اساسی ایران باید در هشت محور اصلاح شود. او موارد هشتگانه اصلاحی را اینگونه برمی‌شمارد:

۱- حذف وظیفه نظارت بر انتخابات از وظایف شورای نگهبان
۲- محدود کردن شورای نگهبان به انطباق قوانین مصوب مجلس با شرع اسلام
۳- ایجاد امکان شکایت از اعضای شورای نگهبان
۴- تشکیل دادگاه قانون اساسی زیر نظر رئیس جمهور
۵- شکست انحصار مجلس خبرگان و حذف شرط فقهات برای عضویت در این شورا
۶- نظارت بر رهبری و دستگاه‌های تحت امرش
۷- پاسخ‌گو کردن اعضای مجلس خبرگان و افزودن گزارش‌دهی به مردم در ردیف وظایف مجلس خبرگان
۸- افزایش اختیارات رئیس جمهور از جمله انتصاب فرمانده نیروی انتظامی
او هم‌چنین خواستار بازنگری تعریف رجل سیاسی در قانون اساسی شده و گفته زنان نیز باید

حق رئیس جمهور شدن داشته باشند.

تلاش برای تحقیق و تفحص از بازداشتگاه کهریزک

تقارن نمایندگی مجلس (دوره هشتم) و جنبش سبز، فرصتی شد تا کواکبیان به عنوان نماینده‌ای اصلاح‌طلب در مجلس، پیگیر امور آسیب دیدگان این جنبش باشد. در پی وقوع جنایتی در بازداشتگاه کهریزک که به تعطیلی آن منجر شد، کواکبیان از جمله نمایندگانی بود که مصر به انجام تحقیق و تفحص از این بازداشتگاه و اتفاقات آن بود. طرح تحقیق و تفحص از این بازداشتگاه اگرچه در کمیسیون حقوقی و قضایی به تصویب رسید ولی در نهایت با مخالفت اکثریت نمایندگان اصول‌گرا و وابستگان احمدی نژاد در مجلس هشتم روبرو شد. کواکبیان در نطقی در بیان ضرورت انجام این تحقیق و تفحص گفت: «این تحقیق و تفحص ربطی صرفاً به بازداشتگاه کهریزک ندارد. بازداشتگاه کهریزک انگیزه شده برای اینکه پیگیری و دقت‌های لازم در استاندارد سازی‌های حقوقی در همه بازداشتگاه‌ها انجام بشود.»

او از معدود فعالان سیاسی حاضر در قدرت است که هر از گاهی و از هر تریبون و فرصتی برای اعلام تقاضای رفع حصر میرحسین موسوی و مهدی کروبی استفاده می‌کند. او هم در مناظره‌های تلویزیونی و هم در جلسات سخنرانی این تقاضا را بارها اعلام کرده و با وجود اینکه شورای نگهبان دفاع از رهبران جنبش سبز را خط قرمز خود می‌داند ولی رای به تایید صلاحیت مصطفی کواکبیان داده چرا که او در عین حمایت از موسوی و کروبی، بارها گفته که با جنبش سبز و خصوصا بخش‌های غیر اصلاح‌طلب آن مرزبندی دارد. او در جمع دبیران کل احزاب جبهه مردم سالاری می‌گوید: «اصلاحات مورد نظر ما نه تنها جنبه براندازی ندارد، بلکه به نوعی جلوگیری از هرگونه براندازی نظام است، اصلاحات مورد نظر ما به سامان کردن همه نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است تا نظام برآمده از خون شهیدان امثال شهید بهشتی پایدار بماند. قطعا چنین اصلاحاتی هیچ‌گونه سنخیتی با عناصر منافق، ضد انقلاب، سلطنت‌طلب و گروه‌های تندرو و برانداز ندارد. این اصلاحات درست برعکس منویات آنان عمل خواهد کرد؛ به همین خاطر بارها با فریاد بلند گفته‌ایم چنین اصلاحاتی یعنی اصلاحات خط امامی هیچ گاه نمی میرد که بخواهیم با دم مسیحایی آن را زنده سازیم! لذا ما از اول با کسانی که تحت عنوان جنبش سبز یا عناوین دیگر می‌خواستند اصلاح‌طلبی خط امامی را مصادره کنند، مرزبندی کردیم.»

تفاوتی بین زن و مرد نیست

«اسلام هیچ تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست و اگر حتی در زمینه ارث هم اختلافی هست به این خاطر است که زن مسئولیت در مورد معیشت ندارد.» کواکبیان با بیان این مطلب حمایت خود را از حقوق زنان اعلام کرده است. او با انتقاد از شورای نگهبان می‌گوید: «واژه رجال به عنوان فعالان سیاسی و مردمان سیاسی معنا پیدا می‌کند و در این واژه جنس مردان مورد توجه نیست.»

کواکبیان وقتی برای ریاست جمهوری اعلام کاندیداتوری کرده بود، اعلام کرد که سه کرسی از کابینه احتمالی‌اش را به زنان اختصاص خواهد داد و می‌گوید: «باید برای زنان نقش‌های سیاسی، اجتماعی، مدیریتی و آموزشی قائل باشیم تا بتوانند در تمام عرصه‌های اجتماع نقش آفرینی کنند.»

او ازجمله مخالفان تفکیک جنسیتی دانشگاه‌هاست و در این خصوص می‌گوید: «موافق اینکه در دانشگاه‌های موجود کشور بین دختران و پسران تیغه کشیده شود نیستم، این کار مطلوب

نیست اما با این کار که دانشگاه ویژه تک جنسیتی خانم‌ها ایجاد شود موافقم.»

روزنام نگاری حرفه سوم اوست

اولین بار با انتشار هفته‌نامه پیام در شهر سمنان وارد عرصه روزنامه‌نگاری شد، مجله‌ای که بعدها به روزنامه استان سمنان تبدیل شد. کواکبیان پس از مدتی از انتشار روزنامه پیام، کانون نویسندگان و روزنامه‌نگاران استان سمنان را تشکیل داد و در سال ۱۳۷۷ مبدع تشکیل خانه مطبوعات استان شد.

ورود به حزب همبستگی، تجربه دیگری شد در زندگی روزنامه‌نگاری کواکبیان. او سردبیری هفته‌نامه همبستگی، ارگان رسمی این حزب را برعهده گرفت و با تشکیل حزب مردم سالاری، روزنامه‌ای به نام این حزب راه‌اندازی کرد و کماکان آن را منتشر می‌کند. از این رو علاوه بر نمایندگی مجلس و تدریس در دانشگاه، روزنامه‌نگاری را باید حرفه سوم او به شمار آورد.

خانواده

پدرش حاج ملاحاجی، مردی مذهبی بود که در محله جهادیه سمنان زندگی می‌کرد. او چهار برادر به نام‌های احمد، محمود، ابوالقاسم و محمد داشت. محمد کواکبیان برادر بزرگترش در جنگ ایران و عراق کشته شد. اطلاعاتی از موقعیت شغلی دیگر برادرانش در دست نیست. کواکبیان در سال ۱۳۶۱ با خانمی به نام یزدی فرازدواج می‌کند و صاحب دو فرزند به نام‌های فاطمه و مجید می‌شود. فاطمه دانش‌آموخته ژنتیک است و مجید نیز دوران دانش‌آموزی را طی می‌کند. صیغه عقدش را آیت‌الله خامنه‌ای می‌خواند.

برادر همسرش، عباس یزدی فر نیز از شهدای جنگ ایران و عراق است.

مجتبی ذوالنوری

حوزه انتخابیه: قم
سمت: رئیس کمیته هسته‌ای کمیسیون امنیت ملی
فراکسیون: اصول‌گرایان

سردار بی‌درجه در لباس روحانیت

سرکوب در نظام‌های غیردموکراتیک به عهده نیروهای همیشه در خدمت است. عناصری که برای حفظ موجودیت سیستم، نه تنها از توسل به قوه قهریه، ابایی ندارند، بلکه قدرت‌شان از بی‌پروایی در اعمال خشونت حاصل می‌شود. مجتبی ذوالنوری نماینده قم در مجلس دهم را می‌توان چرخی از چرخ‌های ماشین سرکوب سیستم امنیتی ایران برشمرد. یک نظامی مطیع، در لباس روحانیت و یک سردار بی‌درجه. او در خشونت کلامی به حدی بی‌پرواست که صدای مقام مافوق را نیز درآورده است. رهبر ایران به عنوان فرمانده ارشد نیروهای مسلح، در جمع کارگزاران نظام او را مورد عتاب قرار داده و می‌گوید: «آقای ذوالنور آتش توپخانه شما خیلی شدید است این قدر شدید به مصلحت نیست.» ذوالنور در واکنش با خوشحالی ابراز می‌کند که از اصل آتش ریختن نهی نشده است.

مجتبی ذوالنوری کیست؟

او متولد ۱۳۴۲ در شهر ملایر و در خانواده‌ای مذهبی است. تحصیلات حوزوی را از مدارس علمیه بروجرد آغاز و به حوزه علمیه قم منتقل شده است. ذوالنور علاوه بر دروس حوزوی، موفق به دریافت لیسانس زبان انگلیسی از دانشگاه تهران شده و برای ادامه تحصیل در مقطع فوق‌لیسانس به دانشگاه امام حسین می‌رود و در رشته علوم دفاعی تحصیل می‌کند. ذوالنور پس از گذراندن دوره ویژه آموزش فرماندهی و ستاد (دافوس) برای گذراندن مقطع دکترا در رشته مدیریت استراتژیک راهی دانشگاه عالی دفاع ملی می‌شود. اما او بیش از آن‌که به عنوان یک چهره روحانی یا دانشگاهی مطرح باشد، یک نظامی تمام عیار است. یک نظامی که به دلیل پوشیدن لباس روحانیت، از اخذ درجه نظامی محروم مانده و به سردار بی‌درجه می‌ماند. ذوالنوری با آغاز جنگ ایران و عراق، به فعالیت نظامی روی می‌آورد. او مدت ۸۴ ماه (هفت

سال) در جبهه‌های جنگ حاضر بوده و رهبر ایران به او لوح «فتح» اعطاء کرده است. از ذوالنور به عنوان موسس تیپ ۸۳ امام جعفر صادق یاد می‌شود. تیپی متشکل از طلاب رزمنده که مقر آن در شهر قم واقع شده است. تیپی که به فرماندهی ذوالنور، پس از پایان جنگ، به مقری برای تندروترین نیروهای سپاه پاسداران تبدیل شده است.
تشکیل بسیج طلاب از دیگر سوابق نظامی این روحانی راه یافته به مجلس دهم است. ذوالنور هم‌زمان با فرماندهی تیپ ۸۳ امام جعفر صادق، به نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران پیوست. او ابتدا ریاست ستاد و سپس به جانشینی نمایندگی ولی فقیه در سپاه رسید.
ذوالنوری در جریان انتخابات مجلس دهم از جانشینی نمایندگی ولی فقیه در سپاه استعفا کرد و با دریافت حکم بازنشستگی وارد عرصه انتخابات شد و توانست به مجلس دهم راه یابد.
او در حالی به مجلس دهم راه یافت که تمام چهره‌های اصلاح‌طلب قم رد صلاحیت شدند و آیت‌الله آشتیانی نماینده وقت قم به نفع‌اش از کاندیداتوری مجلس انصراف داد تا در لیست مورد حمایت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم قرار گیرد.
ذوالنوری از چهره‌های شاخص جبهه پایداری و از یاران آیت‌الله مصباح یزدی است که با حمایت او توانست به مجلس دهم راه یابد. او ماموریت خود را از ابتدای انقلاب، شرکت فعال در دفاع از انقلاب و اسلام، شرکت فعال در جنگ نرم و سخت و روشنگری، افشاگری، تبیین توطئه و تهاجم گروه‌های دگراندیش، مدعیان اصلاح‌طلبی، منحرف، وابستگان فکری غرب معرفی کرده و مدعی است در دوران هشت ساله اصلاحات، بیش از هشت هزار «۸۰۰۰» جلسه سخنرانی و پرسش و پاسخ در سطح دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و در بین اقشار مختلف مردم داشته است.
حمله به اضلاع مثلث «جبهه سازندگی به رهبری هاشمی رفسنجانی»، «جبهه اصلاحات به رهبری محمد خاتمی» و «جنبش سبز به رهبری میرحسین موسوی،» از بزرگترین افتخارات این عنصر سرکوب نظام ولایی است.
در غیاب دیگر چهره‌های شاخص جبهه پایداری در مجلس دهم، ذوالنوری را می‌توان رهبر مخالفان دولت و مخالفان برجام در مجلس دهم برشمرد، کسی که در متهم کردن حسن روحانی و دولت او به همدستی با دشمن، هیچ ابایی ندارد. او در پاسخ به طرح روحانی برای اجرای برجام دو، این طرح را طرح دشمن خوانده و می‌گوید:«معتقدم کسانی که از لفظ برجام برای مسائل داخلی استفاده می‌کنند یا با طرح درازمدت دشمن همراه هستند، یا جهل به موضوع و واقعیت‌ها دارند و یا قصدشان القای پیروزی کاذب و فریب مردم است.»
ذوالنوری در پاسخ به پرسشی در خصوص اهدافش از اعلام کاندیداتوری و حضور در مجلس می‌گوید: «باید همه توان خود را بگذاریم که جریان‌های مختلف مانند فتنه و انحرافی و... کنار بروند و ملاک و شاخص خط ولی فقیه حاکم باشد. ممکن است ۶ ماه بعد جریان دیگری به وجود بیاید. از حالا نمی‌توان گفت که ما می‌خواهیم با چه جریانی مقابله کنیم. هدف این است که از خط ناب ولایت حمایت شود. حالا هر جریانی چه از جریان‌های قدیمی و چه از جریان‌های جدید و حتی محتمل الظهور، بخواهد مقابل این خط قرار بگیرد، لزوم برخورد با آن وجود دارد.»
ذوالنوری در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ از کاندیداتوری جلیلی حمایت می‌کرد ولی در عین حال بر این باور بود که پیروزی اصول‌گرایان تنها در ائتلاف ولایتی-قالیباف و جلیلی میسر است.

سوابق اجرایی و مدیریتی

- معاونت فرهنگی لشکر ۱۰ سیدالشهداء و قرارگاه قدس
- مسئولیت ستاد ارتباطات فرماندهی تبلیغات جبهه و جنگ
- تأسیس و فرماندهی تیپ مستقل ۸۳ امام جعفرصادق
- تشکیل و ساماندهی بسیج طلاب و روحانیون
- ریاست ستاد نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه پاسداران
- جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- نماینده قم در مجلس دهم
- عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم
- رئیس فراکسیون روحانیون مجلس دهم
- شاورعالی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کل کشور

مشارکت در سرکوب

تیپ ۸۳ امام صادق قم به فرماندهی حجت السلام ذوالنوری، به گواه برخی علمای قم، به عنوان بازوی سرکوب جامعه مدرسین حوزه علمیه قم عمل کرده است. آیت‌الله آذری قمی در ۲۴ آبان ۱۳۷۶ در بیانیه به صراحت تیپ ۸۳ را به عنوان نهادی امنیتی که تار و پود حوزه را در دست گرفته معرفی می‌کند در این بیانیه آمده است: «اختلاف بین من و جامعه محترم مدرسین در کیفیت حفظ نظام مقدس اسلامی و مقام رهبری است. آقایان فکر می‌کنند حفظ نظام و مقام ولایت با حکومت پلیسی و جلوگیری از آزادی بیان و کتمان وضع بد اقتصادی مردم از دید داخل و خارج و برخورد زشت با دانشجویان انقلابی و نویسندگان و گویندگان و سایر نیروهای مدافع انقلاب به وسیله زندان و شکنجه و تبعید و تیپ ۸۳ (۵) و سایر نیروهای نظامی و انتظامی و کنترل نوشته‌های تحقیقی و جلوگیری حتی از درس و سخنرانی است؛ ولی من جور دیگر فکر می‌کنم. ...امام راحل (قدس سره) معتقد بودند که حوزه علمیه قم و مراجع آن باید بر حکومت اسلامی نظارت داشته باشند، در صورتی که امروز اطلاعات و تیپ ۸۳ تار و پود حوزه را در اختیار گرفته‌اند و هیچ یک از مراجع را یارای سخن گفتن نیست.»

آیت‌الله منتظری نیز در سخنرانی‌اش که به حصرش منجر شد نیز با بیان جمله‌ای اعتراضی، اقدامات تیپ ۸۳ را زیر سوال برده و می‌گوید: «تیپ فلان چه حقی دارد بیاید در قم یک عده بچه راه بیندازد و حوزه را به‌هم بریزد؟» بعد از این سخنرانی عده‌ای لباس شخصی به حسینیه آیت‌الله منتظری حمله کردند و رسما حصر ایشان آغاز شد.

اما علنی‌ترین نقش ذوالنوری در سرکوب مخالفان زمانی بوقوع پیوست که در بحبوحه جنبش سبز مهدی کروبی به قم سفر کرد. با ورود کروبی به بیت آیت‌الله صانعی، عده‌ای لباس شخصی به بیت ایشان حمله کردند. ذوالنوری در بیان این ماجرا بدون اشاره به هویت لباس شخصی‌ها می‌گوید: «ملاقات ما در منزل آقای صانعی نبود. وی در منزل صانعی گیر افتاده بود. وقتی خواستند کروبی را نجات دهند دوباره جمعیت حمله کرد، این در حالی بود که از منزل صانعی هم فاصله داشتند و دیگر نمی‌شد به منزل بازگردند بنابر این به منزل دیگری رفتند. آن روز بنده اتفاقی قم بودم. یک سخنرانی داشتم. وقتی موضوع را فهمیدم گفتم که می‌شود کروبی را دید؟ که جواب مثبت دادند. ساعت ۱۲ شب توانستم به ملاقات وی بروم. ملاقات ما نیز خصوصی و دو نفره بود. مسئولین نظامی، شهری و حتی محافظین هم وارد بحث نشدند، یعنی ما در اتاق دیگری بودیم. حدود ۴ ساعت با کروبی بحث و جدل کردم و بعد از آن‌هم وی

به ادامه بحث رغبت داشت.» ذوالنور در واقع با بیان این خاطره به نقش خود و عوامل‌اش در حمله به کروبی در قم و به جلسه پرسش و پاسخ با مهدی کروبی که باید آن را بازجویی خواند اعتراف کرده است.
ذوالنوری یک بار دیگر در سال ۱۳۹۴ و در جریان دستگیری جمعی از روزنامه‌نگاران در مقام جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه از دستگیری روزنامه نگاران توسط سپاه حمایت کرده و می‌گوید: «دستگیری عوامل موثر در فضای مجازی که رابط جریان اپوزیسیون خارج و ضد انقلاب داخل بودند، کاملا قانونی و با حکم قضایی توسط اطلاعات سپاه انجام شده است.» دستگیری‌هایی که می‌تواند با دستور شخص ذوالنور انجام شده باشد چراکه او در آن مقطع جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه بوده و رابطه کاری مستقیمی با اطلاعات سپاه داشته است.

پایگاه منافقین خواندن موسسه نشر آثار آیت‌الله خمینی

مجتبی ذوالنوری از تندروترین چهره‌های سیاسی اصول‌گرا، در حمله به جنبش سبز نه تنها رهبران آن بلکه به بیت آیت‌الله خمینی نیز حمله کرد. او در سخنانی جنجالی موسسه نشر آثار آیت‌الله خمینی که توسط نوه‌اش سید حسن خمینی اداره می‌شود را پایگاه منافقین خوانده و می‌گوید: «موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی جایگاه تجمع منافقان امروز شده است. چرا کسانی که در این موسسه هستند در این عرصه از سران آشوب حمایت می‌کنند؟ وقتی شورای نگهبان صلاحیت لیبرال‌ها را رد می‌کند موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی در پشتیبانی از لیبرال‌ها، رو کردن نامه امام به محتشمی پور وزیر کشور وقت را انکار می‌کند و وقتی در مقابل فشار عمومی قرار می‌گیرد ناچار به پذیرش می‌شود.»
او با حمایت از حصر میرحسین موسوی و مهدی کروبی می‌گوید: «نظام می‌تواند با سران فتنه برخورد کند اما نظام زمان را در برخورد مؤثر می‌داند البته بعضی از این آقایان که امروز سینه‌چاکی می‌کنند این اقدامات را برای آن انجام می‌دهند تا آن‌ها دستگیر شده و بعد نیز مظلوم‌نمایی کنند. سران فتنه هم‌اکنون در زندان هستند و زندانبان آن‌ها مردم به شمار می‌روند البته نظام در دستگیر نکردن آن‌ها کاملا تدبیر کرده و اجازه داده تا آن افراد به یک مرده سیاسی تبدیل شوند نه این‌که با دستگیری، آن‌ها را به یک قهرمان تبدیل کند. این افراد امروز در بن‌بست هستند و دستگیری آنان باعث بیرون آمدنشان از بن‌بست می‌شود.»
ذوالنوری در حمله به فعالان جنبش سبز، همسران شهید باکری را نیز مورد تهاجم قرار داده و از آن‌ها می‌پرسد: «اگر همسر شهید مهدی باکری به طرفداری از کاندیدایی فریاد بلند می‌کند، چرا می‌گوید، همسر شهید مهدی باکری و چرا نمی‌گوید، همسر دوم علی یونسی وزیر اطلاعات دولت اصلاحات هستم و یا همسر شهید حمید باکری که همین ادعا را دارد، نمی‌گوید، اکنون زن یک معلم گیلانی هستم، چرا از اسم شهدا برای مقاصد خود سوءاستفاده می‌کنید».
سخنانی که حتی اعتراض چهره اصول‌گرایی هم‌چون ضرغامی را نیز به همراه دارد. ضرغامی در یادداشتی که در روزنامه جام جم منتشر شد در پاسخ به ذوالنوری می‌نویسد: «...بدا به حال ما که ماندیم و دیدیم روزگار پوستین وارونه پوشیدن احکام و مسلمات دین از سوی جماعتی طلبکار و مدعی تا از راه رسیده که بر همسران یاران ما بی‌محابا می‌تازند.»

مدعی ترویج گفتمان حقوق بشر اسلامی

در کارنامه سیاسی مجتبی ذوالنوری چه در بعد عملی و چه نظری، مشارکت در نقض حقوق بشر به کرات مشاهده می‌شود لذا نمی‌توان انتظار داشت جایی صدایی علیه ناقضان حقوق

بشر بلند کرده و یا اعتقادی به حقوق بشر نشان داده باشد. او اما با کارنامه‌ای غیر قابل دفاع مدعی ترویج گفتمان حقوق بشر اسلامی است. ذوالنوری قرآن را مبنای حقوق بشر اسلامی معرفی کرده و می‌گوید: «ما مبنای حقوق بشر را قرآن کریم و دین مقدس اسلام می‌دانیم به این دلیل معتقدیم که بشر نمی‌تواند برای خودش منبع خوبی باشد تا قانون‌گذاری کند. کسی که قانونگذار است باید علم جامع و کامل داشته باشد در حالی که بشر هیچ‌گاه علم جامع و کامل نداشته، ندارد و نخواهد داشت.»

او در تشریح دیدگاه‌هایش در حوزه حقوق بشر می‌گوید: «ما می‌توانیم در حوزه حقوق بشر گفت‌وگویی را با دیگران از موضع برتر انجام دهیم. قطعا ما می‌توانیم در جایگاه مدعی، بازپرس، قاضی و کسی که کیفر خواست علیه قدرت‌های غربی صادر می‌کند، قرار بگیریم زیرا مبانی حقوق بشر اسلامی بسیار قوی است.»

این مدعی ترویج گفتمان حقوق بشر اسلامی، قضات رشوه‌گیر را مستحق اعدام معرفی کرده و می‌پرسد: « چه اشکالی دارد که برخی قضات رشوه‌بگیر اعدام شوند؟ » او در همین زمینه خواهان اصلاح قوانین است تا بتوان مفسدان اقتصادی را به‌عنوان مفسدفی‌الارض به اعدام محکوم کرد.

اطلاعاتی از وضعیت خانوادگی و روابط خانوادگی ذوالنوری با دیگر رجال سیاسی ایران در دست نیست.

علی اصغر یوسف نژاد

حوزه انتخابیه: ساری
سمت: عضو کمیسیون شوراها
فراکسیون: امید

نماینده‌ای با میکروفنی همیشه روشن

در هر دوره مجلس شورای اسلامی، تعداد انگشت‌شماری از نمایندگان، تریبون مجلس را در اختیار دارند. این امتیازی نیست که کسی به آن‌ها اعطاء کرده باشد، بلکه آن‌ها به صورت خودجوش همیشه آماده اظهارنظرند و هر طرح و لایحه‌ای که در صحن مطرح می‌شود، نام آن‌ها را به عنوان داوطلب موافقت یا مخالفت خواهید شنید. علی اصغر یوسف نژاد نماینده اصلاح‌طلب ساری یکی از این نمایندگان است. او را می‌توان از پرکارترین نمایندگان در صحن علنی دانست. نماینده‌ای که بیشترین بهره را از تریبون مجلس می‌برد. او پیش از این در مجلس پنجم و هشتم نیز حاضر بوده و در گزارشی از او به عنوان رکوردار بیشترین صحبت در صحن علنی، در دوره هشتم، نام برده شده است. او این رکورد را با در اختیار گرفتن تریبون مجلس در ۱۶ نوبت طی سه جلسه از آن خود کرده است.

علی اصغر یوسف نژاد کیست؟

علی اصغر یوسف نژاد نماینده ساری، در سال ۱۳۳۸ در شهر ساری به دنیا آمده است. پس از پایان تحصیلات در مقطع متوسطه، در اوج تحولات انقلابی ایران، در سال ۱۳۵۶ ساری را به مقصد تهران و آغاز دوران دانشجویی در دانشگاه علم و صنعت ترک می‌کند. مهندسی صنایع، رشته تحصیلی او در مقطع لیسانس است. او اما در دوران تحصیل، به معلمی در مدرسه‌ای در اسلام شهر روی می‌آورد.

در سوابق یوسف نژاد به فعالیتی در دوران انقلاب اشاره نشده ولی او بلافاصله پس از دریافت مدرک مهندسی صنایع در سال ۱۳۶۲ راهی جبهه‌های جنگ ایران و عراق می‌شود. او در زندگینامه‌اش توضیح نداده که به‌عنوان نیروی بسیجی عازم میدان‌های جنگ شده یا به عنوان سرباز وظیفه، در جنگ حاضر بوده ولی به‌هرحال در کارنامه‌اش سابقه جبهه وجود

دارد.
یوسف نژاد پس از بازگشت از جبهه، به ساری باز می‌گردد و به عنوان شهردار ساری مشغول به کار می‌شود. علاقه به ورزش سبب می‌شود که شخصا به عنوان شهردار ساری، مدیرعاملی تیم شهرداری را نیز برعهده بگیرد و سال‌ها در عرصه ورزش فعالیت کند. او علاوه بر مدیرعاملی تیم شهرداری ساری، ریاست هیات کشتی مازندران را نیز عهده دار می‌شود و سال‌ها بعد به عضویت هیات رئیسه فدراسیون کوهنوردی، فدراسیون اسکیت، فدراسیون ورزش‌های رزمی و به ریاست سازمان کشتی باشگاه پرسپولیس می‌رسد. او هم در مجلس هشتم و دهم در مجلس نهم عضو ثابت هیات رئیسه فراکسیون ورزش بوده است. از یوسف نژاد به عنوان یک پرسپولیسی دو آتیشه نام برده می‌شود کسی که در ستاد انتخاباتی‌اش از حمایت رسمی علی پروین اسطوره باشگاه پرسپولیس نیز برخوردار بود.
سال ۱۳۶۹ یوسف نژاد به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌پیوندند و به عنوان مدیرکل مطالعات و برنامه‌ریزی دانشگاه امام حسین مشغول فعالیت می‌شود. ضمن اینکه در همین دانشگاه به تدریس نیز می‌پردازد. اما یک سال بعد به ریاست دانشکده کشاورزی ساری می‌رسد و فعالیت‌های سیاسی را با جدیت پیگیری می‌کند تا اینکه در سال ۱۳۷۵ در پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، موفق به کسب آراء مردم ساری می‌شود و به مجلس می‌رود.
او از مخالفان دولت احمدی نژاد در مجلس هشتم بود و پای بیشتر طرح‌های تحقیق و تفحص از دولت احمدی نژاد بود، در ماجرای استیضاح وزرا نیز، نام او وجود داشت. او در چهارمین دوره انتخابات شوراها از تهران اعلام کاندیداتوری کرد ولی موفق به ورود به شوراها نشد.
با روی کار آمدن حسن روحانی، یوسف نژاد که در مجلس پنجم با او همکار بود، به دولت پیوست و به عنوان معاون پارلمانی وزارت اقتصاد و دارایی مشغول فعالیت شد. اما دو سال بعد برای شرکت در انتخابات مجلس دهم، از وزارت اقتصاد استعفا داد و موفق شد با رای مردم ساری برای بار سوم بر کرسی سبز مجلس تکیه زند. یوسف نژاد که با حمایت اصلاح‌طلبان و ائتلاف امید به مجلس دهم راه یافته بود با حمایت آن‌ها به عضویت هیات رئیسه مجلس نیز در آمد. او در مجلس دهم به کمیسیون اقتصادی پیوست.

سوابق اجرایی و مدیریتی

علی اصغر یوسف نژاد، سابقه‌ای طولانی در حوزه اجرایی دارد. او که فعالیت‌اش را از شهرداری ساری آغاز کرده، پس از کسب عنوان نمایندگی در سطح معاونت وزیر نیز کار کرده است. اهم سوابق اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- مدیرکل مطالعات وبرنامه ریزی دانشگاه امام حسین (ع)
- رئیس دانشکده کشاورزی ساری
- مشاور وزیر معادن وفلزات، وزیر کار، وزیر کشاورزی، وزیر صنایع
- معاون پارلمانی وزیر اقتصاد و دارایی
- نماینده مردم ساری در مجلس پنجم، هشتم و دهم
- عضو هیات رئیسه مجلس دهم
- عضو هیات رئیسه فراکسیون ورزش در مجلس هشتم و دهم

حامی مثلث خاتمی، موسوی و هاشمی

در مجلس پنجم، یوسف نژاد از نمایندگان پرکار فراکسیون اقلیت (فراکسیون اصلاح‌طلبان مشهور به خط امامی) بود. او بار دیگر در مجلس هشتم موفق به حضور در مجلس می‌شود و باز به فراکسیون اقلیت می‌پیوندند. او چهره‌ای اصلاح‌طلب است و هیچ‌گاه در سایه حرکت نکرده است. او از حامیان جدی خاتمی و اصلاحات در مجلس بود. در مجلس هشتم که مخالفت با خاتمی به اوج رسید او از معدود نمایندگانی بود که اهانت به خاتمی در صحن مجلس را برنتافت و علنا در مقابل بی‌احترامی نمایندگانی هم‌چون رسایی به خاتمی ایستاد.

در مجلس یکدست اصول‌گرای هشتم که مصادف با اعلام کاندیداتوری میرحسین موسوی و آغاز جنبش سبز بود، یوسف نژاد از معدود نمایندگان مجلس بود که به صف حامیان موسوی پیوست.

وقتی دولت محمود احمدی نژاد، عزم خود را برای تصاحب دانشگاه آزاد و خلع ید آیت‌الله هاشمی آغاز کرد، یوسف نژاد از جمله نمایندگانی بود که با پیگیری طرح وقف دانشگاه آزاد و سخنرانی در صحن علنی مانع احمدی نژاد شد. طرحی که با خشم اصول‌گرایان روبرو شد ولی نتوانست دانشگاه آزاد را از کنترل رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام خارج کند.

رویارویی با روحانی بر سر انتقال آب خزر به سمنان

علی اصغر یوسف نژاد، به رغم فعالیت در دولت حسن روحانی، ولی در یک طرح با روحانی و دولت‌اش سر سازش ندارد. انتقال آب دریای خزر به سمنان، موضوعی است که او را رودروی دولت روحانی قرار داده است. او در نامه‌ای سرگشاده به حسن روحانی این طرح را غیرکارشناسی خوانده و اعلام کرده از هیچ تلاشی برای توقف آن فروگذار نخواهد کرد. در نامه یوسف نژاد عضو هیات رئیسه مجلس دهم به حسن روحانی آمده است: «این مسئله پیشتر در مجلس هشتم نیز مطرح شد ومن در آن روزها نیز با پیگیری‌های جدی موفق شدم آن را تاحدی متوقف کنم اما در ۴ سال گذشته این روند ازنو آغاز شده و من وظیفه دارم به عنوان نماینده مردم مازندران از حیثیت و اعتبار استان دفاع کرده و افکار عمومی، مسئولان دستگاه‌های ذی ربط استانی و ملی را نسبت به این موضوع هشدار دهم.» او هم‌چنین نخبگان و مسولان استانی را به اتحاد علیه این طرح فراخوانده و اعلام کرده: «هیچ تعللی در این زمینه جایز نیست و تا خزر و اکوسیستم حواشی آن به سرنوشت دریاچه ارومیه دچار نشده است باید کاری کرد.»

سوابق خانوادگی

اطلاعات چندانی از اعضای خانواده و روابط خانوادگی‌اش با دیگر چهره‌های حکومتی و سیاسی، در اختیار نیست. او دو پسر دارد که در رشته‌های عمران و مکانیک فارغ التحصیل شده‌اند و به فعالیت مهندسی مشغول‌اند. همسرش نیز خانه‌دار است.

جعفرزاده ایمن آبادی

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: عضو کمیسیون برنامه و بودجه
فراکسیون: مستقلین ولایی

بنیان‌گذار فراکسیون خط سوم، مجلس دهم

حرکت در مرز اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی، سرمشق بسیاری از نمایندگانی است که تعلق حزبی ندارند و می‌کوشند در مجلس باقی بمانند. علی مطهری سمبل چنین نمایندگانی است. نماینده‌ای که با پرچم اصول‌گرایی وارد مجلس شد و رفته رفته مرز خود را با اصول‌گرایان مشخص کرد و البته کاملا در بغل اصلاح‌طلبان هم نغلطید. غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی نماینده رشت نمونه‌ای از نمایندگان میانه‌رو مجلس است که پا جای پای علی مطهری گذاشته است. او را نه می‌توان اصول‌گرا خواند و نه اصلاح‌طلب، هرچند در دوره نهم با پرچم اصول‌گرایی و در دوره دهم با پرچم امید وارد مجلس شده است. او خود را میانه‌رو می‌داند و از تولد خط سوم در مجلس حمایت کرده و می‌گوید: «در تلاش ایم در مجلس دهم با اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان معتدل، فراکسیون مستقل‌ها یا خط سوم را تشکیل دهیم.»

جعفرزاده ایمن آبادی کیست؟

غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی، در سال ۱۳۴۵ در روستای ایمن آباد از توابع کوچصفهان رشت، متولد شد. او تحصیلات‌اش را در مقطع متوسطه، در حالی به پایان برد که جامعه ایران درگیر انقلاب ۵۷ بود. بنابراین دوران نوجوانی‌اش با انقلاب تقارن یافته بود. او در بیان خاطرات روزهای پیروزی انقلاب می‌گوید: «در ۲۲ بهمن ۵۷ روستایی کشاورز زاده بودم و در مقطع راهنمایی مشغول تحصیل بودم و پس از اعلام پیروزی انقلاب مادرم با خوشحالی وارد اتاق شده و خبر پیروزی را داد. در آن ایام علیرغم اینکه سن کمی داشتم اما حضور موثری در مباحث انقلاب داشتم. بنده در آن ایام سخنران بسیار مشهوری بودم و یکی از نوجوانانی بودم که پشت تریبون قرار می‌گرفتم.»

جعفرزاده ایمن آبادی، هرچند در دوران انقلاب به دلیل صغر سن، نمی‌توانسته نقشی موثر در

انقلاب، ایفا کند، ولی با پایان یافتن تحصیلات اش، فرصت حضور در جبهه‌های جنگ ایران و عراق را پیدا می‌کند. او به عنوان بسیجی عازم مناطق جنگی می‌شود و پایش را از دست می‌دهد.
او با بازگشت از مناطق جنگی و با ویلچر به دانشگاه برمی گردد، تا تحصیلات‌اش را در رشته عمران از سرگیرد. او موفق می‌شود فوق‌لیسانس عمران را از دانشگاه گیلان دریافت کند و به عضویت هیات علمی این دانشگاه در آید.
جعفرزاده ایمن آبادی از جمله نمایندگانی است که رابطه خوبی با خبرنگاران دارد و در همه موضوعات اظهارنظر می‌کند. او در سال ۱۳۹۱ با پرچم اصول‌گرایی وارد مجلس شد و بلافاصله در صف یاران علی لاریجانی ایستاد و به عضویت فراکسیون رهروان ولایت درآمد. انتقاد از سیاست‌های محمود احمدی نژاد از او چهره‌ای منتقد ساخت. نماینده‌ای که انتقاداتش به دولت احمدی نژاد خصوصا معاون او حمید بقایی، تا جایی پیش رفت که با شکایت حمید بقایی روبرو شد. او حمید بقایی را به اتهام خروج بیش ۲۰ هزار میلیارد تومان پول از کشور متهم کرد و گفت تمام اسناد و مدارک این ادعا را در اختیار دارد.
با روی کارآمدن دولت حسن روحانی، جعفر زاده به یکی از مدافعان جدی دولت در مجلس تبدیل شد. او در جریان تصویب اعتبارنامه وزرای روحانی و ماجرای برجام از موافقان دولت بود و بارها در حمایت از دولت پشت تریبون قرار گرفت. به طوری‌که سخن‌گوی دولت با شرکت در میهمانی‌ای که او در رشت برپا کرده بود حاضر شد و اعلام کرد هم شخصا جعفرزاده را دوست دارم هم روحانی او را دوست دارد.
مواضع انتقادی‌اش نسبت به دولت قبل می‌رفت تا زمینه ساز رد صلاحیت‌اش در انتخابات مجلس دهم شود. ابتدا هیات نظارت برانتخابات صلاحیت‌اش را برای ورود به مجلس رد کرد ولی در نهایت شورای نگهبان رای به تایید صلاحیت‌اش داد تا این بار به دلیل حمایت‌هایش از دولت، نامش در ردیف کاندیداهای مورد حمایت ائتلاف امید قرار گیرد. بنابراین جعفرزاده با حمایت اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان وارد مجلس شد ولی در فراکسیون امید باقی نماند و با تعدادی دیگر از نمایندگان فراکسیون سوم را در مجلس دهم بنیان گذاشت. او در چرایی تشکیل فراکسیون سوم ضمن اعلام مرزبندی با اصول‌گرایان تندرو همچون پایداری‌ها می‌گوید: «اصول رفتار سیاسی ما در مجلس همکاری و همراهی با اعضای محترم فراکسیون امید است. در نتیجه ما از هر فرصتی برای همراهی با اعضای فراکسیون امید استقبال می‌کنیم. اما به‌هرحال ما با اصلاح‌طلبان تندرو در یک فراکسیون و یک جناح قرار نمی‌گیریم خط مشی ما متفاوت از اصلاح‌طلبان تندرو است. به تعبیر درست‌تر نمی‌توانیم بگوییم می‌شود با برخی اصلاح‌طلبان تندرو در یک فراکسیون به لحاظ سیاسی قرار گرفت. ما تا حد ممکن تلاش خود را می‌کنیم که با معتدلین دو جناح و مستقلین همراه شویم بنابراین تشکیل یک فراکسیون که شامل حامیان آقای لاریجانی، مستقلین و معتدلین باشد چندان دور از ذهن نخواهد بود. این فراکسیون می‌تواند خط سوم یا جریان سوم مجلس دهم باشد.» او در حالی اعضای فراکسیون امید را اصلاح‌طلبان تندرو می‌خواند که تمامی چهره‌های شناخته شده اصلاح‌طلب رد صلاحیت شدند و امکان حضور در انتخابات را پیدا نکردند و تنها معدودی از چهره‌های میانه‌روی آن‌ها همچون عارف، پزشکیان و تابش توانستند در انتخابات شرکت کنند و به مجلس راه یافتند.

سوابق مدیریتی و اجرایی

غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی با ۷۰ درصد جانبازی پیش از ورود به مجلس بیشتر در حوزه ایثارگران مشغول بوده است. اهم سوابق اجرایی و مدیریتی‌اش به این شرح است:

- نماینده رشت در مجلس نهم و دهم
- نایب رئیس فراکسیون ایثارگران مجلس دهم
- رئیس مرکز پشتیبانی امور جانبازان کشور
- مدیر کل امور جانبازان شمالغرب تهران و استان گیلان
- مشاور معاون رئیس جمهور در بنیاد شهید و امور ایثارگران
- رئیس سازمان بنیادشهید وامور ایثارگران گیلان
- عضو هیات علمی دانشگاه گیلان
- عضو سازمان نظام مهندسی ساختمان گیلان

منتقد دائمی نقض آزادی بیان

جعفرزاده ایمن آبادی را می‌توان منتقد دائمی سیاست اصول‌گرایان در نقض آزادی بیان معرفی کرد. نماینده‌ای که بارها مخالفت خود را با سیاست‌های فرهنگی اصول‌گرایان در مواجه با موسیقی و سینما بیان کرده است. او تلاش مخالفان برای محدود کردن شبکه‌های اجتماعی را ناصحیح خوانده و می‌گوید: «این‌ها به دنبال فیلترینگ فضای مجازی‌اند تا بتوانند اطلاعات را به نفع خودشان محدود و کانالیزه کنند. گرچه هیچ وقت این اتفاق نخواهد افتاد. ما شاهدیم که پس از این همه سال موفق نشدند ماهواره‌ها را جمع کنند. مردم به طرق مختلف اطلاعات خودشان را به دست می‌آورند. ما از اول هم گفتیم که با محدود کردن فضای مجازی مخالفیم. این آماری که اخیرا پخش شده موید این امر است که نیمی از مشترکین تلگرام مردم ایرانند. همین امر باعث شده تندروها به تکاپو بیفتند.» اعتراض او به محدود شدن شبکه‌های اجتماعی خلاصه نشد او نسبت به پلیس نامحسوس نیز موضعی مشابه گرفت و خواستار پاسخ‌گویی وزیر کشور شد و اعلام کرد: «در صورتی که وزیر کشور در این رابطه ابراز بی‌اطلاعی کند و یا بگوید من کاره‌ای نیستم همان بهتر که درب آن وزارت خانه را با چنین وزیری ببندیم.»
او بار دیگر زبان به اعتراض گشود و آن زمانی بود که برخورد با کنسرت‌ها افزایش یافت. ایمن آبادی در واکنش به لغو کنسرت‌ها، خواستار برخورد جدی دولت با متخلفان و تامین امنیت کنسرت‌ها شده و می‌گوید: «مردم و هنرمندان از این هجمه‌های سیاسی بر فرهنگ و هنر کشور بسیار ناراحت هستند و در شرایطی که ما مسئولان نتوانسته‌ایم آن طورکه باید مشکلات اقتصادی جامعه را کاهش دهیم، شرایطی پیش می‌آید که حتی تفریحات معقول و مشروع نیز از آن‌ها دریغ می‌شود.»
اگرچه در کارنامه سیاسی جعفرزاده ایمن آبادی اظهار نظر یا اقدامی له یا علیه جنبش سبز دیده نمی‌شود ولی دفاعیات او از وزرای دولت که متهم به همکاری با جنبش سبز بودند را می‌توان نشانه‌هایی از عدم همراهی با مخالفان جنبش سبز در مجلس دانست.

خانواده

پدرش مرحوم محمد جعفر کشاورز بود. همسرش فاطمه حیدری ایمن آبادی دختر حسین حیدری است که اخیرا در یک تصادف رانندگی درگذشت. برادرش مصطفی اخیرا به رئیس گروه مالیاتی اداره دارایی گیلان منصوب شد و خواهر زاده اش، امیرمحمد پوری ویشگایی، به عنوان مدیرکل کتابخانه‌های عمومی گیلان برگزیده شده است.

نادر قاضی پور

حوزه انتخابیه: ارومیه
سمت: عضو کمیسیون صنعت و معدن
فراکسیون: اصول‌گرایان

فعال‌ترین یا هتاک‌ترین نماینده مجلس

بیشترین میزان حضور در مجلس را دارد، همیشه برای نطق، تذکر، سوال و هرگونه کنشی در صحن علنی مجلس آماده است. درباره اکثر طرح‌ها و لوایح مجلس نظر داده و از این رو می‌توان «نادر قاضی پور نماینده ارومیه» را فعال‌ترین عضو مجلس دانست، اما این تنها یک روی سکه است. او که از تیپ ۸۳ امام جعفر صادق قم به فرماندهی مجتبی ذوالنور نماینده قم، به مجلس آمده در هتاکی هم نمونه‌ای کم‌نظیر در پارلمان ایران است.

نادر قاضی پور کیست؟

قاضی پور در سال ۱۳۳۷ در شهر ارومیه به دنیا آمد؛ دوران تحصیل را در همین شهر گذراند و در نهایت موفق به اخذ مدرک کارشناسی فیزیک و کارشناسی ارشد مدیریت از دانشگاه ارومیه می‌شود.

نادر قاضی پور مدعی است که بین سال‌های ۵۸ تا ۶۲ عضو تیم ملی جودوی ایران بود و هم‌زمان ریاست هیات‌های ورزشی رزمی مختلفی را در ارومیه بر عهده داشته و همچنین در طول جنگ ایران و عراق به مدت ۴۲ ماه به صورت متناوب در جبهه‌های جنگی حضور داشته و توانسته به سمت فرماندهی قرارگاه حمید باکری برسد. قاضی پور در زندگی نامه خود مدعی است که در سال ۶۴ به سمت بخشدار، سپس فرماندار و درنهایت مدیرکل بازرسی استانداری منصوب می‌شود، اما به خاطر روحیه عدالت جو و برخوردهای قاطع او، مسئولان حضورش را تحمل نکردند. البته قاضی پور توضیحی درباره نوع و نحوه برخوردهای قاطع‌اش که منجر به عزل او شده نداده است.

قاضی پور اولین بار برای ورود به مجلس، در انتخابات مجلس هفتم از ارومیه، کاندیداتوری خود را اعلام کرد اما صلاحیت او توسط شورای نگهبان رد شد. در مجلس هشتم هم مجددا

صلاحیت او از سوی شورای نگهبان رد شد ولی با رایزنی‌های فراوان و فشار مسئولان استانی توانست ۳ روز مانده به انتخابات وارد عرصه رقابت شود و به دور دوم راه یابد و بالاخره راهی مجلس شود. او پس از ورود به مجلس هشتم، کرسی خود را در مجلس نهم و دهم نیز حفظ کرد.

قاضی پور را می‌توان فعال‌ترین نماینده مجلس نهم دانست؛ نماینده‌ای که کمترین غیبت را داشته است (بین ۰ تا ۸۸ دقیقه غیبت در ۴ سال). او با امضای ۱۳۹ طرح، ایراد ۱۷ نطق پیش از دستور، ۶۵۸ تذکر کتبی به هیات دولت و طرح ۱۳۵ سوال از وزرا و رئیس جمهور، بی‌شک رکورددار فعالترین نماینده در صحن علنی مجلس نهم است.

مهم‌ترین دغدغه‌های او در مجلس نهم پیرامون مسائلی همچون اقتصاد، آموزش، بهداشت و تعاون بود و از این رو کمتر به موضع‌گیری‌های سیاسی می‌پرداخت. او مدعی است بسیاری از شب‌ها به دلیل حجم بالای کار در اتاق خود در مجلس مانده و استراحت می‌کند.

مخالف کابینه روحانی

در جلسه رای اعتماد مجلس به کابینه روحانی، قاضی پور از مخالفان اصلی کابینه بود. او در در مخالفت با وزارت محمد جواد ظریف، پشت تریبون حاضر شد و در نطق خود ظریف را عضو باند نیویورکی‌ها خواند و مدعی شد ظریف به دلیل گذراندن سال‌های بعد از انقلاب، در آمریکا، شناخت و دانشی از اوضاع خاورمیانه و کشورهای همسایه و آفریقا ندارد.

قاضی پور هم‌چنین به عنوان نماینده مخالف در جلسه رای اعتماد به حمید چیت چیان (وزارت نیرو) و طیب‌نیا (وزارت اقتصاد و دارایی) نصرالله سجادی (وزارت ورزش و جوانان) سخنرانی کرد. وی از طراحان اصلی استیضاح فانی وزیر آموزش و پرورش دولت یازدهم به شمار می‌رفت.

سال گذشته هنگامی که علی مطهری در نطق خود به انتقاد از حصر آقایان موسوی و کروبی پرداخت؛ قاضی پور یکی از نمایندگانی بود که خود را به پشت تریبون مجلس رسانده و با او درگیر شد. او همچنین با پیشنهاد تحقیق و تفحص مجلس از سازمان محیط زیست، معصومه ابتکار را به اتهام استفاده از مشاورین اصلاح‌طلب در سازمان محیط زیست تحت فشار قرار داده بود.

هر چند قاضی پور اولین نفری بود که در مجلس نهم ماجرای دکل نفتی گم شده را افشا کرد و در بسیاری موارد در مقابل قانون شکنی‌ها، چه در هیات رئیسه مجلس و چه در دولت احمدی‌نژاد موضع‌گیری کرد اما در مواردی رفتار و گفتار این نماینده انتقادهای شدیدی را در میان طیف‌های مختلف مردم به همراه داشته است که مهم‌ترین آن به سخنرانی او پس از انتخابات مجلس دهم برمی گردد. قاضی پور در این سخنان در میان مردم ارومیه می‌گوید:«من نماینده ملتم نه نماینده ۴ تا گردن کلفت. من نوکر مسئولین نیستم. کیف‌شان را حمل نمی‌کنم و تعریف‌شان نمی‌کنم. شما در دو ساعت به من ۲۰۰ هزار رای دادید. برای اینکه مرا تیز کنید تا به جان این مسئولان بیفتم. می‌گویند یک روز پسر بچه‌ای را ختنه می‌کردند، دختر بچه‌ای آن طرف داشت گریه می‌کرد. گفتند تو چرا گریه می‌کنی؟ گفت: دارند برای من تیز می‌کنند!... مملکت را به آسانی به دست نیاورده‌ایم که هر روباه و بچه و کره الاغی را بفرستیم آنجا. مجلس جای کره الاغ نیست! ... مجلس جای زنان نیست؛ جای مردان است. بفرستید سرشان بلا بیاورند تا آبرویتان برود!؟ ....رای عملیاتی من دوازده نفر داوطلب خواستم بیست و دو نفر داوطلب شدند و من دوازده نفر از آذربایجان انتخاب کردم و با خودم سیزده نفره راه

افتادیم تا رسیدیم به جاده بصره العماره. با ششصد یا هفتصد نفر مواجه شدیم. همه‌شان تسلیم شدند. اما ما چون امکان نگهداری‌شان را نداشتیم مجبور شدیم از دستشان راحت شویم!»
این سخنان کافی بود تا فراکسیون زنان مجلس نهم علیه قاضی پور طرح شکایت کرده و فعالان شبکه‌های اجتماعی نیز به شدت از او انتقاد کنند اما او با اعلام اینکه «من بیدی نیستم که با این بادها بلرزم» کماکان بر مواضع خود تاکید کرد تا جایی که بسیاری خواستار رد اعتبارنامه او در مجلس دهم شدند.
اما در آخرین روز کاری مجلس نهم علی لاریجانی که به دنبال جذب حداکثری آرای نمایندگان بود در حمایت از قاضی پور مدعی شد که «تا جایی که من می‌دانم او این مساله را تکذیب کرده است. اگر اشتباه سهوی از سوی وی صورت گرفته، او چنین موضعی ندارد و وقتی کسی نظرش را اصلاح می‌کند باید بپذیریم و ادامه ندهیم.» همین حمایت علنی و لابی گسترده و پشت پرده لاریجانی و گروهی از نمایندگان آذری باعث شد تا اعتبارنامه قاضی پور بدون هیچ مشکلی تایید شود.

سوابق و فعالیت‌ها

نادر قاضی پور فعالیت اجرایی و مدیریتی را از سپاه و از تیپ ۸۳ امام جعفر صادق قم (تیپ طلاب رزمنده) شروع کرده ولی بعدها جذب وزارت کشور می‌شود و در سمت‌های مختلف استانداری آذربایجان غربی فعالیت داشته است. مهم‌ترین فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- در دوره‌های انتخاباتی ۱۳۶۰و ۱۳۶۴ مسئول دفتر انتخاباتی علی خامنه ای
- در سال ۱۳۶۴به عنوان بخشدار پیرانشهر
- فرمانداری سردشت
- فعالیت درشورای تامین استان آذربایجان غربی
- مدیر کل امور اجتماعی انتخاباتی استان آذربایجان غربی
- دو دوره رئیس ستاد اننتخابات استان آذربایجان غربی
- مدیر کل رسیدگی به شکایات
- مسئول روابط عمومی استانداری آذربایجان غربی
- مسئول ستاد حوادث غیرمترقبه استانداری آذربایجان غربی
- اولین رئیس هیئت ورزش کشتی استان آذربایجان غربی
- رئیس هیئت ورزشهای رزمی استان آذربایجان غربی
- فرمانده گردان توپخانه امام جعفر صادق (ع) تیپ یکم از طرف فرمانده لشگر ۳ نیروی مخصوص
- نماینده ارومیه در مجلس هشتم، نهم و دهم

داماد نماینده ارومیه در مجلس اول

نادر قاضی پور ۳ برادر و ۴ خواهر دارد، همسرش دختر حجت الاسلام سید حسن واعظ موسوی انزابی نماینده ارومیه در دور اول مجلس شورای اسلامی است. او ۴ فرزند (دو دختر و دو پسر) دارد که دختران او خانه دار و پسرانش محصل هستند. قاضی پور در مصاحبه‌ای گفته بود «پسرانم اگر غیرت داشته باشند باید مرد سالار باشند.» اطلاعاتی از مسولیت‌ها و شغل برادران و خواهرانش در دست نیست.

شهاب‌الدین بی‌مقدار

حوزه انتخابیه: تبریز
سمت: عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور
فراکسیون: امید

بازگشت به کرسی نمایندگی پس از ۲۸ سال

دوبار در جوانی و یک بار در دوران بازنشستگی بر کرسی نمایندگی مجلس شورای اسلامی تکیه زده است. شهاب الدین بیمقدار، وقتی تنها ۲۷ سال داشت وارد مجلس اول شد و در کنار بزرگان انقلاب ۵۷ هم‌چون بازرگان، سحابی، هاشمی رفسنجانی، علی خامنه ای، مهدی کروبی و محمد خاتمی نشست و حالا ۲۸ سال پس از پایان دوره دوم مجلس، به خانه ملت بازگشته است تا به گفته خودش به آرزویش یعنی کارآفرینی و اشتغال جوانان تحقق بخشد. او بار اول و دوم به نمایندگی از ورزقان آذربایجان و این بار به نمایندگی از مردم تبریز راهی مجلس دهم شده است.

شهاب‌الدین بی‌مقدار کیست؟

او در سال ۱۳۳۲ در روستایی از توابع ورزقان آذربایجان شرقی متولد شد. بیمقدار تحصیلات‌اش را در روستای محل تولداش آغاز کرد و برای ورود به دبیرستان به تبریز مهاجرت کرد. سال اول و دوم دبیرستان را در این شهر گذراند و بعد تصمیم گرفت برای تکمیل تحصیلات متوسطه راهی تهران شود. او دیپلم‌اش را از مدرسه تاریخی دارالفنون گرفت و راهی دانشگاه علم و صنعت شد تا در این دانشگاه در رشته مهندسی مکانیک تحصیل کند.

تلاقی اوج‌گیری فعالیت‌های انقلابی و دوران دانشجویی، سبب شد تا بیمقدار جذب نیروهای انقلابی شود. شرکت مستمر در جلسات سیاسی و راهپیمایی‌ها، مقدمه ورود او به عالم سیاست شد. با پیروزی انقلاب ۵۷ او به ورزقان بازگشت تا ضمن راه‌اندازی جهاد سازندگی این شهرستان، به عنوان نماینده آیت‌الله خمینی، مسوولیت جهاد را در دست گیرد. اما چند ماه بعد، تصمیم گرفت تا راهی مجلس شورای اسلامی‌شود. او در سن ۲۷ سالگی به عنوان منتخب اول ورزقان راهی مجلس اول شورای اسلامی شد.

با پیوستن به مجلس شورای اسلامی او علاوه بر عضویت در حزب جمهوری اسلامی به نیروهای خط امام مجلس اول پیوست. او کرسی‌اش را در مجلس دوم نیز حفظ کرد و برای مدت هشت سال در مجلس شورای اسلامی حضور داشت. بیمقدار از جمله اعضای فراکسیون خط امام (نیروهای جناح چپ حکومت) به رهبری مهدی کروبی در مجلس اول و دوم بود. او پس از مجلس دوم به عضویت مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی درآمد و رابطه خود را با نیروهای خط امام، که بعدها اصلاح‌طلب نام گرفتند، حفظ کرد.
با پایان یافتن دوران نمایندگی، بیمقدار جذب وزارت صنایع شد و در بخش‌های صنعتی فعال بود و در کنار فعالیت‌های دولتی به تجارت روی آورد. آخرین سمت او قبل از بازگشت به مجلس، عضویت هیات مدیره منطقه آزاد ارس بود.
بیمقدار ۲۸ سال پس از آخرین حضور در مجلس شورای اسلامی، بار دیگر در جریان انتخابات مجلس دهم برای بازگشت به مجلس، وارد عرصه رقابت‌های انتخاباتی شد و مورد حمایت ائتلاف امید قرار گرفت و توانست به نمایندگی از مردم تبریز راهی مجلس شود. او در جریان انتخابات مجلس دهم «تصویب آموزش زبان ترکی در مدارس آذربایجان»، «کارآفرینی و اشتغال جوانان» و «احیای صنعت داخلی» را سه هدف عمده خود برای بازگشت به مجلس معرفی کرده و می‌گوید: « پس از پیروزی روحانی به کربلا سفر کردم و آنجا با خدا عهد بستم که باقی عمر را در عرصه کارآفرینی فعالیت کنم و به جوانان یاد بدهم که چطور برای خودشان اشتغال ایجاد کنند و به فعالیت اقتصادی بپردازند.»

منتخبی که رای به ابطال آراء خود داد

در انتخابات دوره اول مجلس شورای اسلامی، بیمقدار با کسب ۴۹ درصد آراء مردم ورزقان به عنوان منتخب اول، راهی مجلس شد ولی او شخصا تقاضای ابطال انتخابات کرد و مورد تایید مجریان انتخابات قرار گرفت. بیمقدار در خصوص چرایی این اتفاق عجیب می‌گوید: «با گزارش‌هایی که از اطرافیان خودم مبنی برتقلب در روند انتخابات آمد، (از فامیل‌های نزدیکم با افتخار گزارش دادند که با شناسنامه‌ی دیگران به نفع من رای داده‌اند!) با وجود اینکه بدون این تقلب‌ها نیز در انتخابات اول می‌شدم، اما به دلیل اهمیت آرمان‌های انقلاب برای ما انقلابی‌ها، درخواست ابطال انتخابات دوره اول ورزقان را در سال ۱۳۵۸ نمودم و انتخابات باطل شد، تلاش کردم انتخاباتی که خود در آن با اختلاف اول شده بودم باطل شود چرا که نمایندگی را شغل نمی‌دانستم بلکه وسیله‌ای برای خدمت می‌دانستم و با وجدانی آسوده خود را برای ادامه راهم آماده می‌کردم.» او خود را نماینده کارگران و کارآفرینان در مجلس معرفی می‌کند و وعده کرده تا از حقوق آن‌ها در مجلس حمایت کند.

سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی

شهاب الدین بیمقدار از معدود مدیران جمهوری اسلامی است که از روز اول پیروزی انقلاب ۵۷ تا امروز در پست‌های پارلمانی یا دولتی مشغول به فعالیت بوده است. او علاوه بر نمایندگی مجلس شورای اسلامی، در بقیه سال‌های زندگی در بخش‌های اقتصادی و صنعتی مشغول بوده و رابطه نزدیکی با احزاب اصلاح‌طلب داشته است. مهم‌ترین سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- بنیان‌گذار و سرپرست ونماینده رهبر ایران در جهادسازندگی ورزقان وبخشدار ورزقان ۵۸-۶۰
- نماینده دوره اول ودوم ورزقان و نماینده دوره دهم تبریز در مجلس شورای اسلامی

- مشاور وزیر صنایع سنگین-مشاوره معاونت برنامه‌ریزی وزارت صنایع سنگین
- عضو هیئت مدیره گروه ملی صنعتی فولاد ایران و موتوژن تبریز
- بنیان‌گذار فولاد آذربایجان. مس سونگون ۷۱-۶۷
- رئیس هیئت مدیره شرکت صنایع ضایعات فلزی ۷۷-۷۶
- مدیر پروژه ایجاد مراکز تجاری در آسیای میانه وقفقاز شرکت سرمایه‌گذاری خارجی ایران ۸۲-۸۱
- عضو هیئت مدیره منطقه آزاد ارس ۹۳-۹۲
- عضو حزب جمهوری، عضو مجمع نمایندگان ادوار مجلس، عضو حزب اراده ملت، عضو فراکسیون خط امام در مجلس اول و دوم و عضو شورای مرکزی فراکسیون امید در مجلس دهم

حمایت از موسوی و روحانی

شهاب الدین بیمقدار در انتخابات سال ۸۸ از جمله حامیان میرحسین موسوی رهبر جنبش سبز بود. از او اظهار نظری در خصوص جنبش سبز در دست نیست ولی رابطه سیاسی او با احزاب حامی جنبش سبز هم‌چون مجمع نمایندگان ادوار گواهی است بر نزدیکی او به این جنبش سیاسی اجتماعی.

چهار سال پس از جنبش سبز، او در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ به ستاد حسن روحانی پیوست و از جمله فعالان ستاد روحانی بود. پس از پیروزی روحانی، او مجدد تصمیم به بازگشت به پارلمان گرفت و با ورود به مجلس دهم به عضویت شورای مرکزی فراکسیون امید درآمد تا در کانون توجهات سیاسی قرار گیرد.

دفاع از آزادی احزاب و حمایت از حق آموزش به زبان مادری

شهاب الدین بیمقدار کمتر در حوزه مسایل سیاسی اظهار نظر می‌کند ولی مجموعه اظهارات ثبت شده از او که در فضای آنلاین در دسترس است او را در ردیف حامیان آموزش به زبان مادری و در ردیف مدافعان آزادی بیان و آزادی احزاب قرار می‌دهد. او آموزش زبان ترکی در مدارس آذربایجان را حق شهروندان آذری دانسته و به آن‌ها وعده داده تا در مجلس دهم به جد آن را دنبال کند. بیمقدار با اشاره به اصل ۱۵ قانون اساسی ایران می‌گوید: «اجرایی کردن اصل ۱۵ قانون اساسی برای تدریس زبان ترکی در مدارس یکی از اولویت‌های اصلی اصلاح‌طلبان تبریز در انتخابات پیش‌رو خواهد بود و این خواسته بزرگ مردم آذربایجان است که باید در کنار تاسیس فرهنگستان زبان ترکی در مجلس آینده عملیاتی شود.»

او برخلاف بسیاری از نمایندگان شهرهای کوچک که با افتخار از وابسته نبودن به احزاب و حفظ استقلال فکری و عملی سخن می‌گوید، نه تنها خود را یک نیروی حزبی معرفی می‌کند بلکه معتقد است باید در مجلس برای ارتقاء آزادی احزاب و حمایت مالی از آن‌ها تلاش کرد و می‌گوید: «مطبوعات و احزاب هم باید طبق قانون اساسی آزادی داشته و از لحاظ مادی حمایت شوند. نسبت به جریان سیاسی خودم وفادار خواهم بود و تمام تلاش خودم را نیز برای حمایت از احزاب و سمن‌ها به کار می‌گیرم.»

خانواده

اطلاعات چندانی از اعضای خانواده او در دست نیست. فرزندانش هر چند در سیاست راه پدر

را نرفته و چهره شناخته شده‌ای نیستند ولی در اقتصاد رهرو پدر هستند. بیمقدار در خصوص فرزندانش می‌گوید: «خودم تاجر بوده‌ام و در عراق، قزاقستان، روسیه، ارمنستان، آذربایجان و ترکیه کارکرده‌ام ولی اکنون فرزندانم این راه را ادامه می‌دهند.»

محمد قمی

حوزه انتخابیه: پاکدشت-ورامین
سمت: عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات
فراکسیون: امید

نماینده برادران و مادر شهیداش در مجلس

در سال‌هایی که برادران‌اش یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند، راهی مجلس شورای اسلامی شد و برای سال‌های متمادی کرسی‌اش را در مجلس حفظ کرد. محمد قمی نماینده ورامین و پاکدشت، شهرت‌اش را از برادران و مادر شهیداش دارد. او عضو خانواده‌ای است که پنج عضو آن به شهادت رسیدند تا نامشان در جنوب تهران زبان زد باشد لذا می‌توان او را نماینده برادران شهیدش در مجلس معرفی کرد.

محمد قمی کیست؟

محمد قمی در سال ۱۳۳۱ در پاکدشت و در خانواده‌ای کشاورز، سنتی و به شدت مذهبی به دنیا آمد. از نوجوانی به همراه برادرانش به انقلابیون پیوست. او در دهه پنجاه وارد گروه‌های چریکی شد و علیه نظام پهلوی اسلحه به دست گرفت. او در سال ۱۳۵۴ دستگیر و روانه زندان شد. اما حبس مانع فعالیت‌های سیاسی‌اش نشد.

او هم‌زمان با فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی، تحصیلات‌اش را در رشته روابط بین الملل ادامه داد. دوران دانشجویی‌اش مصادف بود با اوج گیری فعالیت‌های انقلابی و از همین رو او فعالیت‌های گسترده‌ای داشت. قمی در بیان حال و هوایی دانشگاه‌ها در دوران دانشجویی‌اش می‌گوید: «من در پردیس ابوریحان که وابسته به دانشگاه تهران بود و در محله پاکدشت کنونی قرار دارد دانشجو بودم. یادم هست در جلساتی که با حضور دکتر شریعتی، مهندس بازرگان و شهید مطهری داشتیم به مباحث و گفتگوهایی درباره انقلاب می‌پرداختیم که البته از سوی ساواک اقداماتی برای اذیت دانشجوها صورت می‌گرفت و چند بار هم به دستگیری دانشجویان منجر شده بود.»

با پیروزی انقلاب ۵۷ در حالی که در مدارس ورامین به معلمی مشغول بود، فعالیت‌های

سیاسی‌اش را از طریق همکاری با نهادهای انقلابی ادامه می‌داد، از بازجویی در زندان اوین تا همکاری با کمیته‌های امداد امام و بنیاد شهید، در کارنامه او ثبت شده است.
قمی چندی بعد به ریاست آموزش و پرورش ورامین منصوب شد و بعد از آن به معاونت آموزشی، اداره آموزش و پرورش تهران رسید. فعالیت او در آموزش و پرورش با جنگ ایران و عراق همراه شده بود از این رو او نیز همچون برادرانش راهی جبهه‌ها شد. او در این خصوص می‌گوید: «در همین دوران در جبهه حضور یافتم و در عملیات والفجر ۴ در شرکت داشتم. وظیفه من در جبهه حضور در ایستگاه صلواتی در کنار نهری در فاو و ارائه خدمات به رزمنده‌ها و امداد به آن‌ها بود. پس از یک عملیات در کنار این نهر تعداد زیادی شهید و مجروح شدند و متاسفانه ما هم وسیله‌ای برای انتقال شهدا و رساندن زخمی‌ها به بیمارستان اهواز نداشتیم. به همین علت از یکی از کسانی که در آنجا حضور داشت خواستیم ماشینی که در اختیار دارد را برای حمل زخمی‌ها در اختیار ما بگذارد ولی او به علت نداشتن امریه ماموریت برای خودرو به دفعات از این‌کار امتناع ورزید و من در آخر با اسلحه‌ای که در دست داشتم او را تهدید به شلیک کردم و خوشبختانه بالاخره آن فرد راضی شد و مجروحین را به بیمارستان رساند.»
شهادت سه برادر و مادرش، نام خانواده قمی را در ورامین و پاکدشت بر سر زبان‌ها انداخت. در چنین فضای عاطفی ای، او برای ورود به مجلس سوم اعلام کاندیداتوری کرد و به نمایندگی از مردم ورامین و پاکدشت توانست راهی مجلس شود. او در مجلس سوم به فراکسیون خط امام (نیروهای جناح چپ حکومت به رهبری مهدی کروبی) پیوست و توانست کرسی‌اش را برای پنج دوره متوالی حفظ کند.
محمد قمی در دوره سوم، چهارم و پنجم نماینده مردم ورامین و پاکدشت بود ولی با تفکیک حوزه انتخابیه پاکدشت از ورامین، او در دوره ششم و هفتم از حوزه انتخابیه پاکدشت برگزیده شد.
محمد قمی که عضو انجمن معلمان ایران است در مجلس ششم، برای اولین بار به هیات رئیسه مجلس راه یافت. او هم‌زمان با نمایندگی مجلس، تحصیلات‌اش را تا پایان مقطع دکترا ادامه داد و موفق شد دکترای روابط بین‌الملل دریافت کند.
رد صلاحیت گسترده اصلاح‌طلبان در انتخابات مجلس هفتم، سبب شد تا مجلس هفتم یک دست اصول‌گرا باشد. در این دوره، قمی به همراه معدود اصلاح‌طلبان راه یافته به این مجلس، به فراکسیون اقلیت پیوستند تا پرچم اصلاح‌طلبان در مجلس بالا بماند هرچند صدای چندان بلندی نداشتند. حمایت از آیت‌الله صانعی و اعتراض به حرمت‌شکنی‌های روزنامه کیهان نسبت به ایشان، مورد اعتراض قمی و دیگر اصلاح‌طلبان مجلس هفتم قرار گرفت.
قمی پس از ناکامی در ورود به مجلس هشتم، به ریاست دانشگاه آزاد اسلامی پرند منصوب شد. او هم‌زمان به عضویت شورای مرکزی حزب اعتماد ملی به رهبری مهدی کروبی درآمد. قمی که در انتخابات مجلس نهم نیز نتوانسته بود رای لازم برای ورود به مجلس را کسب کند، بار دیگر در انتخابات مجلس دهم اعلام نامزدی کرد و موفق شد برای ششمین بار به مجلس راه یابد. او در حال حاضر عضو فراکسیون امید و کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس دهم است. او در آغاز مجلس دهم، نسبت به لغو کنسرت‌های موسیقی اعتراض کرده و برخوردهای حذفی با سینما و تاتر را مورد انتقاد شدید قرار داده و می‌گوید: «همان‌گونه که دخالت نهادهای فرهنگی در امور امنیتی و انتظامی اشتباه است، دخالت نیروی انتظامی در امور فرهنگی کار غلطی است. مجوز دادن به کنسرت‌های قانونی و شرعی وظیفه وزارت ارشاد است و وقتی این مجوز به یک برنامه فرهنگی داده شد، نیروی انتظامی وظیفه انتظامات و تامین امنیت این

مراسم را برعهده دارد. مردم نباید با رعب و وحشت به برنامه‌های فرهنگی بروند بلکه برگزاری کنسرت‌ها و تئاترهایی که مجوز دارند باید آزادانه برگزار شود و ناجا هم به دنبال تامین امنیت این مراسم باشد.»

سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی

محمد قمی تا پیش از مجلس دهم بیست سال در مجلس شورای اسلامی نماینده بوده است لذا بیشترین سابقه کاری‌اش به دوران نمایندگی‌اش باز می‌گردد. او قبل از دوره سوم در کسوت معلمی و در سمت ریاست آموزش و پرورش فعال بوده و پس از مجلس هفتم به دانشگاه رفته و ریاست یکی از شعبات دانشگاه آزاد اسلامی را عهده دار می‌شود. مهم‌ترین سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی‌اش به این شرح است:

- معلم آموزش و پرورش ورامین
- بازجوی دادستانی در زندان اوین
- کمک در نهادهای انقلابی، کمیته امداد و بنیاد شهید
- ریاست آموزش و پرورش ورامین
- معاون آموزشی اداره کل آموزش و پرورش تهران
- مشاور وزیر در امور اقلیت‌های دینی
- عضو شورای عالی آموزش و پرورش کودکان استثنایی
- نمایندگی مردم ورامین در دوره‌های سوم، چهارم و پنجم
- ریاست فدراسیون تکواندو
- نمایندگی مردم پاکدشت در دوره‌های ششم و هفتم و دهم
- ریاست دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند
- عضو انجمن اسلامی معلمان
- اصلاح‌طلب و عضو شورای مرکزی فراکسیون امید

خانواده

پدرش حاج حسین قمی، کشاورز بود. مادرش منور کفایی زاده تهرانی، سال ۱۳۶۶ در جریان قتل عام حجاج ایرانی در مراسم برائت از مشرکین در مکه کشته شد. سه تن از برادران‌اش به نام‌های حسن، علی و ولی الله به شهادت رسیده‌اند. حسن قمی برادر ارشدش فرمانده سپاه بوکان بود که یک ماه قبل از آغاز جنگ ایران و عراق ترور شد. برادر دیگراش علی قمی، چند ماه پس از شهادت حسن قمی، در عملیات شکست حصر آبادان به شهادت رسید و دیگر برادرش ولی الله قمی، رئیس بنیاد شهید پاکدشت بود که در عملیات مرصاد به شهادت رسید. علاوه بر سه برادرش که به شهادت رسیدند، پسر برادرش وحید قمی فرزند شهید حسن قمی، نیز در جنگ ایران و عراق و در حالیکه تنها ۱۶ سال داشت به شهادت رسید.

دیگر برادرش آیت‌الله محسن قمی، نماینده تهران در مجلس خبرگان رهبری و مسوول روابط بین‌الملل دفتر رهبر ایران است.

احمد سالک

حوزه انتخابیه: اصفهان
سمت: عضو کمیسیون فرهنگی
فراکسیون: اصول‌گرایان

بازیگر ویژه اطلاعات موازی

تشکیل «اطلاعات موازی» و سپردن رشته امور امنیتی به حفاظت اطلاعات سپاه، سال‌هاست با حمایت رهبر ایران، محقق شده و مهم‌ترین پرونده‌های امنیتی ایران را نه وزارت اطلاعات، بلکه حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران مدیریت می‌کند. این پروژه بازیگران کلیدی انگشت شماری داشته است که یکی از آن‌ها «احمد سالک» نماینده اصفهان، دومین فرمانده بسیج، فرمانده کمیته، نماینده ولی فقیه در حفاظت اطلاعات سپاه و دستیار ارشد رهبر ایران در امور نهضت‌های انقلابی-اسلامی برون مرزی است.

شیخ احمد سالک کیست؟

احمد سالک در سال ۱۳۲۵ در خانواده‌ای روحانی و در محله خواجو اصفهان متولد شد. او هم‌زمان با گذراندن دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه، تحصیلات حوزوی را نیز دنبال کرد اما پس از اخذ دیپلم ریاضی، راهی حوزه علمیه اصفهان شد و رسما مشغول دروس حوزه شد و زندگی طلبگی را آغاز کرد و از آنجا به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد. او مدعی است هنوز درس طلبگی را رها نکرده و سال‌هاست که در کلاس درس خارج آیت‌الله خامنه‌ای شرکت می‌کند.
رشد و تربیت در خانواده‌ای مذهبی و سیاسی، او را نیز تحت تاثیر قرار داد تا از جوانی به سیاست روی آورد. وقتی او یک دانش آموز دبیرستانی بیشتر نبود جذب آیت‌الله محمد بهشتی شد و در شبکه‌هایی که او طراحی کرده بود، به فعالیت سیاسی مشغول شد. او می‌گوید تحت نظر آیت‌الله بهشتی نخستین هسته مقاومت فرهنگی را در اصفهان راه‌اندازی کرده است. با ورود به حوزه علمیه، فعالیت‌های سیاسی سالک دو چندان شد به طوری که بین سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۴ که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، پنج بار توسط نیروهای امنیتی پهلوی تهدید به دستگیری شد تا اینکه در سال ۱۳۵۴ در شهرآباده استان فارس دستگیر و روانه زندان عادل

آباد شیراز شد. سالک مدعی است بارها در زندان عادل آباد مورد شکنجه واقع شده و می‌گوید: « در زندان شیراز ۱۸ نفر از مأموران ساواک ۱۲ شبانه‌روز از ساعت ۹ شب تا اذان صبح ۱۷ نوع شکنجه را روی بدن من انجام دادند؛ آنجا قتلگاه مبارزان انقلاب بود.» او پس از مدتی به بازداشتگاه توحید در تهران منتقل و از آنجا به زندان اوین معرفی شد. سالک در دادگاه نظامی محاکمه شده او در بیان خاطرات‌اش از روز محاکمه به تمایل‌اش به کشتن قاضی و اعضای دادگاه، اشاره کرده و می‌گوید: «وقتی در دادگاه نظامی بودم، پدرم به دنبال‌ام آمد؛ تا نوبت من شود خیلی طول کشید؛ من نیم‌ساعت روی پا ایستاده بودم در حالی که تیمساری که در آن اتاق بود با منشی‌اش زشت‌ترین و رکیک‌ترین حرف‌ها را به یکدیگر زدند؛ که کینه مرا نسبت به شاه ده‌ها برابر کرد به‌گونه‌ای که اگر مسلسلی داشتم آن افراد را به رگبار می‌بستم.»
سالک از جمله انقلابیونی است که با پیروزی انقلاب با حمله به نیروهای نظام پهلوی و دستگیری و برخورد با آن‌ها دست داشته است. او خود به این موضوع اعتراف کرده و می‌گوید: «...در روز ۲۲ بهمن به دنبال تیراندازی ساواک و شهربانی و تعقب آن‌ها به داخل خانه‌ای رفتم تا اوضاع آرام‌تر شود، زمانی که از آن خانه بیرون آمدم مردم سر مجسمه شاه را از من گرفتند پس از آن به سراغ مراکز از جمله ساواک را گرفتیم و ۵ نفر ساواکی که انقلابیون را شکنجه می‌کردند را گرفتارشان کردیم.»

فرماندهی بسیج و کمیته و حضور نظامی در اماکن عمومی

با پیروزی انقلاب به عضویت کمیته انقلاب اصفهان در می‌آید و چند ماه بعد به فرماندهی سپاه پاسداران اصفهان منصوب می‌شود. او پس از یک سال به تهران می‌آید و به فرماندهی کل بسیج می‌رسد ولی اختلافات‌اش با فرماندهی سپاه منجر به برکناری‌اش می‌شود تا عمر فرماندهی‌اش از یک سال تجاوز نکند. او بلافاصله پس از برکناری در انتخابات میاندوره‌ای اصفهان شرکت می‌کند و راهی مجلس می‌شود. حضور در مجلس اما مانع از فعالیت‌های نظامی و امنیتی او نمی‌شود. او هم‌زمان با نمایندگی مجلس به فرماندهی کمیته انقلاب اسلامی می‌رسد و این عنوان را تا زمان انحلال کمیته‌های انقلاب در اختیار دارد. کمیته ارگانی نظامی/انتظامی بود که حضوری پررنگ و دلهره‌آور در اماکن عمومی داشت که در سال ۱۳۶۶ منحل و نیروی انتظامی تاسیس شد.
او پس از یک دوره غیبت (بخاطر فرماندهی کمیته انقلاب اسلامی)، به مجلس باز می‌گردد و کرسی‌اش را در مجالس سوم و چهارم را حفظ می‌کند. سالک مهم‌ترین دستاورداش در مجلس اول، سوم و چهارم را تصویب طرح تقویت مالی و ساماندهی بسیج می‌داند.

تشکیل نهضت‌های اسلامی در کشورهای منطقه

احمد سالک از زمان ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای از جمله فعالان دفتر رئیس جمهور بود و رابطه نزدیکی با ایشان داشت. او به لحاظ سیاسی در طیف نیروهای راست حکومت در دهه اول انقلاب شناخته می‌شد. نزدیکی به آیت‌الله خامنه‌ای سبب شد تا به عنوان دستیار او در تشکیل و مدیریت نهضت‌های انقلابی اسلامی برون مرزی فعالیت کند. او نماینده ویژه آیت‌الله خامنه‌ای در امور عراق و تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق بود که هم‌زمان با حکم علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه وقت به ریاست دفتر حرکت‌های اسلامی و مردمی وزارت خارجه رسید. او حرکت‌های انقلابی اخیر در جهان اسلام را ماحصل تلاش خودش می‌داند و می‌گوید: «حالا که تلویزیون اخبار بیداری اسلامی و مسلمانانی را که به پا خواسته‌اند را نشان

می‌دهد دلم قرص می‌شود که فعالیت‌های فرهنگی‌ام بعد از چندین سال نتیجه داده، هرچند در این مدت محسوس نبوده ولی امروز به ثمر نشسته است.» او تاسیس مجمع جهانی اهل بیت را نیز از جمله دستاوردهای خود می‌داند و با اشاره به برگزاری کنفرانسی با حضور ۴۰۰ نفر از علمای شیعه ایرانی و غیرایرانی در تهران، می‌گوید: «تشکیل این کنفرانس و ارائه گزارش به مقام معظم رهبری به تشکیل مجمع جهانی اهل بیت منجر شد.» او پس از تشکیل مجمع به معاونت برنامه‌ریزی و بودجه آن رسید. سالک در سپاه قدس با حکم رهبر ایران، مسوولیت تدوین دکترین آیت‌الله خمینی و دکترین آیت‌الله خامنه‌ای را برعهده داشته و می‌گوید این پروژه را طی دو سال به سرانجام رسانده است.

با روی کار آمدن دولت اصلاحات و افشای پروژه قتل‌های زنجیره ای، او برای تشکیل اطلاعات موازی به حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران فراخوانده شد و به همراه طائب و دیگر نیروهای امنیتی نزدیک به ایت الله خامنه‌ای مدیریت بحران‌های امنیتی را در اختیار گرفتند. او پیش از ورود به حفاظت اطلاعات سپاه با حکم رهبر ایران نمایندگی ولی فقیه در سپاه قدس را برعهده داشت و از موسسین سپاه بدر عراق بود. با برکناری محسنی اژه‌ای از وزارت اطلاعات، سالک که در مقام مشاور محمود احمدی نژاد فعالیت می‌کرد مسوولیت تصویه وزارت اطلاعات را برعهده گرفت. حسن یونسی پسر حجت السلام یونسی وزیر اطلاعات دولت اصلاحات از نقش سالک در برکناری معاونین و مدیران اطلاعات خبر داد. او هدف تصویه‌سازی در وزارت اطلاعات را تبدیل وزارت اطلاعات به مشت آهنین و در کنترل نیروهای تند خارج از مجموعه اطلاعات دانسته است. سالک علاوه بر تصویه نیروهای وزارت اطلاعات با انتصاب به سمت دبیری هیات عالی گزینش، مسوولیت پاکسازی مدیران نظام را نیز عهده دار می‌شود.

بازجویی فعالان جنبش سبز و تقاضای اعدام آن‌ها

سالک در این مقطع که با انتخابات سال ۸۸ و جنبش سبز نیز تقارن یافته بود، به سرتیم بازجویی جمعی از نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب تبدیل شده و شخصا بازجویی بسیاری از چهره‌های سیاسی را برعهده می‌گیرد. او که خود عضو هیات نظارت بر انتخابات بود، جنبش سبز را عده‌ای آشوبگر خوانده و می‌گوید: «آشوبگران خیابانی با به خدمت گرفتن اراذل و اوباش می‌خواهند اتفاقاتی را که در راستای انقلاب‌های مخملی در آسیای میانه رخ داد در ایران تکرار کنند.» او این سخنان را سه روز قبل از برگزاری انتخابات سال ۸۸ گفته است. او پس از بازجویی نیروهای سیاسی اصلاح‌طلب می‌گوید: «در طول این دو ماهی که این دو (ابطحی و عطریانفر)، در اختیار بازجویان بودند، به واقعیت آن چیزی که در جمهوری اسلامی می‌گذرد، پی بردند و در دادگاه هم شاهد چهره تواب این افراد بودیم.» سالک تعداد اصلاح‌طلبان محاکمه شده در جریان جنبش سبز را صد نفر اعلام کرد. پیش از او هیچ مقامی تعداد اصلاح‌طلبان محاکمه شده را اعلام نکرده بود. او با متهم کردن فعالان جنبش سبز به براندازیَ خواهان، اعدام برخی از آن‌ها شده و می‌گوید: «موسوی و کروبی باید محاکمه شده و برخی دیگر نیز باید «اعدام» شوند. ...اولین مطالبه مردم، محاکمه و رسیدگی به وضعیت سران فتنه ۸۸ است که آقایان موسوی و کروبی در رأس آن هستند.» او رهبران جنبش سبز را صدای دشمنان خوانده و می‌گوید: «حر شعور توبه کردن داشت اما موسوی و کروبی ندارند، این افراد جلوی ولایت ایستادند و حرفی را زدند که از حلقوم آمریکا و اسرائیل برآمد.»

احمد سالک پس از ۱۶ سال باردیگر در جریان انتخابات مجلس نهم، اعلام کاندیداتوری کرد و برای چهارمین بار به مجلس راه یافت و به ریاست کمیسیون فرهنگی مجلس نهم رسید. احمد

سالک با ۳۰ سال تجربه فعالیت امنیتی و نظامی وقتی بر کرسی ریاست کمیسیون فرهنگی تکیه زد، مبتکر و پیگیر دو طرح «امر به معروف و نهی از منکر» و طرح «عفاف و حجاب» شد. دو طرحی که به مرحله قانون رسید و حواشی زیادی به همراه داشت. او با پیگیری طرح امر به معروف و نهی از منکر، تشویق‌هایی را برای آمران به معروف و ناهیان از منکر قانونی کرد و تلاش‌های حسن روحانی نیز برای متوقف کردن آن موثر واقع نشد. هم‌زمان با پیگیری طرح تشویق امران به معروف و ناهیان از منکر، در حوزه انتخاباتی‌اش یعنی شهر اصفهان، اسید پاشی بر صورت دختران جوان موجی از اعتراضات عمومی را به همراه داشت هرچند او این اقدام را بی‌ارتباط با طرح امر به معروف و نهی از منکر دانست و گفت این اقدامات هیچ ارتباطی با نیروهای حزب الهی ندارد.

مخالفت با دفن ایران شناس امریکایی، ریچارد فرای، در اصفهان، قدردانی از لغو کنسرت‌ها، تقاضای لغو امتیاز روزنامه اعتماد، از دیگر فعالیت‌های او در مقام ریاست کمیسیون فرهنگی مجلس نهم بود. او در مجلس دهم نیز اعلام کاندیداتوری کرد و در انتخاباتی پرحاشیه به مجلس دهم راه یافت اما این بار موفق به کسب ریاست کمیسیون فرهنگی نشد و رقابت را به دیگر روحانی هم حزبی اش، نصراله پژمانفر، عضو جبهه پایداری، واگذار کرد. او مسوولیت کمیته ارشاد، تبلیغات اسلامی و گردشگری کمیسیون فرهنگی را برعهده گرفته است.

سالک خواهان راه‌اندازی مهد کودک توسط مادران و خواهران «شهدای مدافع حرم» است و از آن‌ها خواسته با حضور در مدارس دخترانه به دانش آموزان دختر یادآوری کنند که در این نبرد و جنگ همچون دفاع مقدس بخشی از بار بر عهده شما خواهران است. او وظیفه اصلی و مهم زنان را تربیت فرزند دانسته و می‌گوید: «رسالت یک بانوی باکرامت در درجه اول تربیت اولاد در کانون خانواده است. وظیفه اول تربیت فرزند است و وظیفه دوم ارتباطات بیرونی به شکلی که رسالت اولیه از بین نرود.»

سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی

احمد سالک علاوه بر نمایندگی مجلس، سال‌ها در دستگاه‌های نظامی و امنیتی فعالیت کرده و بیش از آن‌که بتوان او را یک روحانی خواند می‌توان او را یک چهره امنیتی معرفی کرد. مهم‌ترین سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- مسئول کمیته دفاع شهری اصفهان در سال ۱۳۵۷
- فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان در سال ۱۳۵۸
- فرمانده بسیج مستضعفین کل کشور در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰
- فرمانده کمیته انقلاب اسلامی کشور از سال ۱۳۶۴ الی ۱۳۶۶
- مسئول کمیته بررسی مسائل عراق به حکم رهبر ایران
- مسئول دفتر حرکتهای اسلامی و مردمی وزارت خارجه
- نماینده ولی فقیه در نیروی قدس سپاه پاسداران از سال ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۹
- دبیر هیات مرکزی گزینش بانک مرکزی
- نماینده ولی فقیه در سازمان حفاظت و اطلاعات کل سپاه از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۵
- عضو شورای نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری دوره نهم
- دبیر هیات عالی گزینش کشور از سال ۱۳۸۵ الی ۱۳۸۷
- مشاور رئیس جمهور محمود احمدی نژاد

- معاون فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت از سال ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۰
- عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز از سال ۱۳۷۶ تاکنون
- سخن‌گوی جامعه روحانیت مبارز از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱
- عضو هیئت منصفه دادگاه ویژه روحانیت از سال ۱۳۹۱
- رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس نهم
- عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی
- نائب رئیس فراکسیون اصول‌گرایان مجلس نهم
- نائب رئیس فراکسیون روحانیون مجلس نهم

خانواده

پدرش آیت‌الله محمود سالک کاشانی تحصیل کرده حوزه علمیه نجف و قم بود که پس از بازگشت از نجف به اصفهان رفت او از شاگردان آیت‌الله خمینی و از انقلابیون بوده است. احمد سالک سه برادر و پنج خواهر دارد. یکی از برادرهایش به نام مهدی سالک در عملیات بیت‌المقدس به شهادت رسید. اطلاعاتی از همسر و فرزندان‌اش یافت نشد.

کریمی قدوسی

حوزه انتخابیه: مشهد
سمت: عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی
فراکسیون: اصول‌گرایان

سردار جنگ ندیده!

هیچ خبری از نظر او محرمانه نیست. از معدود نمایندگان مجلس است که از اظهار نظر به نقل از رهبر ایران یا از انتشار اطلاعات شورای عالی امنیت ملی ابایی ندارد. به رئیس جمهور اتهام جاسوسی می‌زند و هاشمی و خاتمی را خائن می‌خواند. او کسی نیست جز جواد کریمی قدوسی نماینده مشهد و عضو جبهه پایداری. اما پرگویی او گاهی سبب می‌شود که مطالبی را بیان کند که قرار نیست علنی شود. او برخلاف سیاست حاکم که می‌کوشد حضور نظامی ایران در سوریه را، مشورتی اعلام کند، از حضور گردان‌های نظامی ایران در سوریه و درگیری مستقیم در جنگ با داعش، خبر می‌دهد. خبری که مسوولان نظامی بلافاصله تکذیب می‌کنند ولی این بار با توجه به تعداد شهدای ایرانی سوریه، صحت ادعای کریمی قدوسی بیشتر قابل باور است، تا تکذیبه مسوولان نظامی.

جواد کریمی قدوسی کیست؟

جواد کریمی قدوسی در سال ۱۳۳۴ در مشهد متولد شد. تحصیلات‌اش را تا مقطع فوق‌لیسانس ادامه داد و موفق شد در رشته حقوق قضایی فارغ‌التحصیل شود. دوران جوانی‌اش با اوج گیری مبارزات انقلابیون علیه نظام پهلوی سپری شد اما در زندگینامه‌اش به تلاش خاصی در حمایت از انقلاب ۵۷ اشاره نشده است. با پیروزی انقلاب، از جمله کسانی است که به زودی لباس سپاه پاسداران را پوشیده و به این نهاد نظامی ملحق می‌شود ولی مشارکت‌اش در جنگ ایران و عراق در ابهام است.

کریمی قدوسی در معرفی خود می‌گوید: «بنده در سپاه خدمت کرده‌ام و از ابتدای انقلاب در سپاه بوده‌ام و در مجلس و حوزه سیاست نیز متاثر از سپاه و بسیج و دفاع مقدس و خاطرات و فعالیت در شهرهای مختلف و جبهه‌های جنگ بوده‌ام.» اما علیرضا زارعی در یادداشتی با

عنوان «سردار جبهه ندیده!» به بررسی سوابق حضور سردار کریمی قدوسی در جبهه‌های جنگ ایران و عراق پرداخته و می‌نویسد: «من با پرس و جو از ادارات و دفاتری مثل سپاه خراسان دریافتم که جواد کریمی قدوسی سرداری است که سابقه جبهه‌ای در پرونده‌اش نیست. ... دلیل سردار شدن‌اش هم اصلا رشادت در جبهه‌ها یا فرماندهی که چه عرض کنم، حتی پیاده روی در خط مقدم جبهه نبوده است. آقای جواد کریمی قدوسی به خاطر این از راه نرسیده در سپاه مشهد صاحب مسوولیت شده است که برادرشان آقای علی کریمی قدوسی قائم مقام تولیت آستان قدس رضوی در سال‌های دهه ۶۰ تا ۸۰ بوده است. ایشان در سپاه مسوولیت اداری و ستادی داشت و با رانت، از فرماندهان سپاه مشهد شد.»

با پایان یافتن جنگ، سردار جواد کریمی قدوسی به فرماندهی بسیج مشهد رسید و سال‌ها در سپاه عضویت داشت تا اینکه در جریان انتخابات مجلس هشتم، تصمیم گرفت لباس نظامی را از تن به در کند و مستقیم در عالم سیاست ظاهر شود. او در انتخابات کمتر رقابتی مجلس هشتم، در دور دوم انتخابات، با آراء کمتر از ده درصد واجدین شرایط مشهد و آراء ۴۳ درصد شرکت‌کنندگان، به نمایندگی برگزیده شد.

کریمی قدوسی در مجلس هشتم به عضویت جبهه پایداری درآمد و به همراه اقلیتی از نمایندگان مجلس، حلقه حامیان دولت محمود احمدی نژاد را تشکیل می‌دادند. او در مجلس هشتم به عضویت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی درآمد و توانست کرسی خود را در مجلس نهم هم حفظ کند.

کریمی قدوسی هم‌چون دیگر اعضای جبهه پایداری از تندروترین نیروهای سیاسی داخل حکومت ایران، شناخته می‌شود. آیت‌الله مصباح یزدی رهبر معنوی این گروه سیاسی است. آن‌ها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ از کاندیداتوری سعید جلیلی حمایت کردند و در مجلس نهم از جدی‌ترین مخالفان دولت روحانی بودند. کریمی قدوسی که پیش از انتخابات ۹۲ خواهان رد صلاحیت حسن روحانی شده بود از جمله نمایندگانی بود که در مخالفت با کابینه حسن روحانی در صحن مجلس سخنرانی کرد و تعدادی از وزرای پیشنهادی دولت را از عوامل جنبش سبز (فتنه) نامید. او در مخالفت با کابینه حسن روحانی گفت: «آقای روحانی! برخی وزرای پیشنهادی شما، وقت شما را خواهند گرفت و کابینه شما را به سمت تقابل با مجلس و ملت پیش می‌برند. بعضی وزرای پیشنهادی، دقیقاً در مسائل مربوط به فتنه نقش بسیار فعالی داشتند. ما از دولت راستگویان حمایت میکنیم ولی این وزرای پیشنهادی تطابق ندارد با ادعاها. دانشگاه، دانشگاه، دانشگاه، محل تولید علم و قدرت، در فتنه‌ها سراغ مراکز پژوهشی و ... رفتند و طرح‌های با ارزش را تخریب کردند. دانشگاه را به دست چه کسی می‌خواهید بسپارید دوباره؟ آن‌ها که آن وضعیت مشخص را در گذشته داشتند.»

او یک بار دیگر نیز در جریان استیضاح وزیر علوم به دولت روحانی حمله کرد. کریمی قدوسی از جمله طراحان طرح استیضاح فرجی دانا وزیر علوم، تحقیقات و فنآوری بود.

کریمی قدوسی در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی نیز شرکت کرد و توانست برای سومین بار به مجلس راه یابد. او این بار در مجلس همراه چندانی ندارد چراکه بیشتر اعضای جبهه پایداری از ورود به مجلس دهم بازماندند. انتخابات مجلس دهم در شهر مشهد برخلاف دیگر استانهای کشور به نفع اصول‌گرایان به پایان رسید و هر پنج عضو ائتلاف اصول‌گرایان به مجلس راه یافتند.

روز ملی آتش زدن برجام!

کریمی قدوسی و هم حزبی‌هایش در مجلس نهم (حسینیان، کوچک زاده، رسایی و ...) تلاش بسیاری برای توقف برجام کردند. از ارائه طرح سه فوریتی تا انتظار برای فرا رسیدن روز ملی آتش زدن برجام، آن‌ها برای ابراز مخالفت هر کاری انجام دادند، اما تلاش آن‌ها نه تنها دولت را از پیگیری برجام منصرف نکرد، بلکه خطاهایشان در مجلس، اسباب جوک و شوخی شد. کریمی قدوسی با ارائه طرحی سه فوریتی خواستار عدم توقف برنامه‌های هسته‌ای شد، ولی اشتباه او در درج ام‌پی‌تی به جای ان پی تی، بیشتر به چشم مخاطبان آمد. در عنوان این طرح ۵ صفحه‌ای که با خط خود کریمی قدوسی توسط اداره قوانین مجلس تکثیر و در اختیار خبرنگاران قرار گرفته، آمده است: «الزام دولت به حفظ حقوق مسلم هسته‌ای و مصادیق آن در چارچوب معاهده "ام پی تی" در مذاکرات هسته ای». کریمی قدوسی در متن طرح نیز همین اشتباه را مرتکب شده تا نشان دهد حتی اسم صحیح ان پی تی را نمی‌داند. ضمن اینکه بسیاری از نمایندگان او را به جعل امضاء در ارائه این طرح سه فوریتی متهم کردند.

کریمی قدوسی برای متقاعد کردن دولت به توقف برجام، حتی با جواد ظریف وزیر امور خارجه در کمیسیون امنیت ملی برخورد لفظی پیدا کرد. او مدعی شد رهبر ایران در جلسه‌ای خصوصی به ظریف تذکر داده است ولی ظریف او را به دروغ گویی متهم کرد و گفت: «شما که در آن جلسه حضور نداشتید چگونه می‌توانید آنقدر راحت دروغ بگویید.»

او معتقد است دولت با تصویب برجام حقوق ملت را نادیده گرفته و نسبت به آینده برجام خوشبین نیست و می‌گوید: «احتمال زیاد می‌دهم در همین دولت، رئیس جمهور دست به دامن رهبری خواهند شد و به ایشان خواهند گفت که بیایید و ما را از برجام نجات بدهید چراکه روز ملی آتش زدن برجام دور نیست و این روز در راه است، در غیر اینصورت دولت باید اولتیماتوم مشخصی برای طرف غربی در مذاکرات تعریف کند و مثلا بگوید اگر ظرف یک ماه آینده مشکلات سوئیفت، لغو تحریم‌ها و مشکلات منابع پولی ایران در سایر کشورها حل نشود، ملت خود را برای روز ملی آتش زدن برجام آماده خواهد کرد.»

اتهام خیانت به هاشمی، روحانی و دستور رهبری به سانسور خاتمی و حصر موسوی و کروبی

کریمی قدوسی که به نظر از مصونیت قضایی ویژه برخوردار است از ایراد اتهام به روسای جمهور و رهبران جنبش سبز ابایی ندارد. او در یک سخنرانی «اعتدال» را اسم رمز براندازی عنوان کرده و می‌گوید: «هم‌اکنون با شعار اعتدال و با هدف براندازی نظام، عناصر فتنه‌گر را به مناصب حکومتی گمارده‌اند.». او حتی پا را فراتر گذاشته و در جواب به انتقاد روحانی در خصوص گشت ارشاد و برخوردهای پلیس با مردم، او را تهدید کرده و می‌گوید: «روحانی اگر حرف خود را پس نگیرد و در محضر الهی و شهدا استغفار نکند و از علمای اسلام و ملت عذرخواهی نکند همان بلایی که اسلام بر پیشینیان آورد بر سر او خواهد آورد.» کریمی قدوسی در سخنانی دیگر روحانی را به جاسوسی برای انگلستان متهم کرده و می‌گوید او اطلاعات فقهی را به انگلیس می‌دهد. اتهاماتی که سبب شد تا دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی از او اعلام جرم کند ولی تاکنون گزارشی از رسیدگی به این شکایت منتشر نشده است.

کریمی قدوسی در نطقی در مجلس هاشمی رفسنجانی را مستقیم مورد حمله قرار داده و خواستار خانه نشینی او می‌شود و می‌گوید: «آقای هاشمی ضربه شما به انقلاب کمتر از ضربه منافقین در صدر اسلام نبود، شما با آبروی انقلاب و روحانیت ضربه زدید و گناهی مرتکب

شدید که توبه‌پذیر نیست، شما پشت کلمه امام و اسلام مواضع خصمانه می‌گرفتید و به اسلام و انقلاب ضربه می‌زدید. آقای هاشمی شما بودید که فامیل‌های ثروت و قدرت را برای کودتای رنگین ساماندهی کردید، فتنه ۸۸ را رهبری کردید تا به اساس انقلاب و ولایت ضربه بزنید.» او نطق‌اش را با این جمله تمام می‌کند: «آقای هاشمی! این فریاد ملت است بشنوید و به آن تن بدهید دست از ایجاد زحمت برای انقلاب بردارید شما امروز دوست و یار انقلاب نیستید شر مرسانید کار تمام شده و فرصت نجات هم باقی نیست.»

کریمی قدوسی با حمایت از ممنوع‌التصویری و ممنوع‌البیانی خاتمی، این تصمیم را ابلاغیه رهبری به شورای عالی امنیت ملی عنوان کرده و فاش می‌کند که رهبر ایران دستور سانسور محمد خاتمی را صادر کرده و می‌گوید: «آن بزرگوار می‌گوید که خاتمی یاغی و طغیانگر نسبت به انقلاب است و باید رسانه‌ها، اصول‌گرایان ونخبگان نسبت به ایشان موضع گیری کنند و نباید فضا برای خاتمی امن شود چون از عناصر اصلی فتنه است.» او در جایی دیگر دستور حصر موسوی و کروبی را نیز صراحتا فرمان رهبر ایران دانسته و می‌گوید: «آیت‌الله خامنه‌ای از رهبران جنبش سبز خواسته است که با «دشمن» مرزبندی کنند، خسارات را جبران کنند، و به خاطر جرایمی که مرتکب شده‌اند آماده مجازات باشند». کریمی قدوسی گفته اینها شرایط رهبر ایران برای رفع حصر رهبران جنبش سبز است.

کریمی قدوسی در مصاحبه‌ای دیگر فاش می‌کند که به همراه سی نفر از نمایندگان مجلس هشتم در سال ۸۸ خدمت رهبر ایران رسیده و خواستار اعدام موسوی و کروبی شده است. او گفته در این جلسه ایشان تأکید داشتند که باید صبر و حوصله به خرج داد تا مردم خوب متوجه ماهیت آن‌ها بشوند. او در همین مصاحبه اعلام کرده که جنبش سبز یک جنگ علیه جمهوری اسلامی و امنیت بود و می‌گوید: «از لحاظ فقهی به این عمل بغی و طغیان‌گری اطلاق می‌شود و حکم عاملان آن در اسلام، اعدام است و آنچه مشخص بود، انتظار مردم برای اجرای این حکم در مورد سران فتنه بود.» او ابراز امیدواری کرده است که جامعه آماده پذیرش حکم اعدام رهبران جنبش سبز شود.

نتایج بررسی قتل ستار بهشتی به داوری کریمی قدوسی

پرونده قتل ستار بهشتی در دوران بازداشت، از جمله پرونده‌هایی بود که در کمیسیون امنیت ملی مجلس بررسی شد. کریمی قدوسی از جمله اعضای این کمیسیون که فارغ التحصیل رشته حقوق نیز هست، در بیان جمع بندی خود از پیگیری‌های انجام شده، این قتل را مشکوک دانسته و می‌گوید: «یکی از دلایل این است که رسانه‌های بیگانه به ویژه بی‌بی‌سی از لحظه دستگیری تا فوت این فرد لحظه به لحظه خبر منتشر کردند و حتی این فرد قبل از دستگیری با بی‌بی‌سی ارتباط داشته و درباره وبلاگ خود با این رسانه صحبت کرده است.» او با اشاره به اینکه بهشتی در بند زندانیان جنبش سبز نگه‌داری می‌شده، می‌گوید: « در آن زمان پلیس در گزارش خود ذکر می‌کند که در سه یا چهار جای بدن این فرد کبودی ساده وجود دارد. پلیس نیز از وی بازجویی‌هایی را به عمل می‌آورد که ساعتی قبل از فوت اعلام می‌کند که دچار ناراحتی قلبی شده و بلافاصله فوت می‌کند. این افراد برای انتخابات سال آینده نیز به پروژه کشته‌سازی روی آورده‌اند.»

افشای صدور کیفرخواست علیه علاءالدین بروجردی

جواد کریمی قدوسی نماینده مشهد اولین کسی بود که اتهام علاءالدین بروجردی و پسرش در

پرونده اختلاس سه هزار میلیاری را فاش کرد و ادعا کرد که دادستان کیفرخواستی علیه این نماینده بروجرد صادر کرده است. ادعایی که از سوی محسنی اژه‌ای سخن‌گوی قوه قضاییه تایید شد ولی بروجردی هیچ‌گاه حاضر به پذیرش صحت این ادعا نشد. کریمی قدوسی با اشاره به بررسی پرونده اختلاس سه هزار میلیاردی در کمیسیون امنیت ملی می‌گوید: «بنده از ایشان خواستم که به خاطر این حاشیه‌ها، از ریاست کمیسیون امنیت ملی وسیاست خارجی کناره گیری کند.» او می‌افزاید: «همکاران به بنده و آقای کوثری ماموریت دادند که با محسنی اژه‌ای دادستان کل کشور ملاقات کنیم و در این رابطه سوال کنیم که چه مسائلی مطرح بوده است. در این فاصله، خبری به دستم رسید که نشان می‌داد کیفرخواست برای آقای بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی وسیاست خارجی مجلس صادر شده و قاضی نظر به بازداشت ایشان دارد اما عده‌ای معتقدند که مصلحت نیست.» کریمی قدوسی مدعی است: «در فرودگاه مشهد با آقای محسنی اژه‌ای هفته پیش ملاقات کردم و ایشان خبر دادند که ما قرار مجرمیت را برای آقای بروجردی صادر کرده‌ایم. قرار مجرمیت قرار نهایی در مراحل قضایی و دادگستری است.» او با اشاره به جلسه حضوری در دفتر محسنی اژه ای، می‌گوید: «ایشان در رابطه با آقای بروجردی گفتند که آقای بروجردی را به عنوان متهم احضار کرده‌ایم و به ایشان تفهیم اتهام شده، به قید وثیقه آزادند، قرار مجرمیت صادرشده، کیفرخواست ایشان آماده می‌شود و آخر این که ایشان به دادگاه می‌روند.»

زنان در غرب برای حفظ امنیت نیازمند حمله سلاح اند!

کریمی قدوسی غرب را بزرگترین ناقض حقوق بشر در قبال زنان معرفی کرده و مدعی است «امروز در غرب بیشترین ناامنی متوجه زنان است؛ کمتر زنی در جوامع غربی می‌تواند برای تأمین امنیت و عبور و مرور در خیابان‌ها نیاز به اسلحه نداشته باشد؛ زنان غربی به طریقی خودشان را در برابر پدیده‌های شوم و ناامنی که متوجه این قشر است مسلح کرده‌اند این قشر جوامع غربی حتی در منازل خود نیز تهدیدات سنگینی را متوجه خود می‌بینند و مجبورند با تمهیدات ویژه امنیتی در منزلشان زندگی می‌کنند.» او نتیجه گرفته که زنان در غرب نیازمند حمایت‌اند و می‌گوید: «جا دارد در زمینه دفاع از ارزش‌های زن در اروپا و کشورهای غربی جمهوری اسلامی تمرکز بیشتری داشته باشد و از این قشر دفاع کند.» او اضافه کرده: «در جمهوری اسلامی ایران در هر ساعاتی از شبانه‌روز در سراسر کشور زنان در اوج امنیت به سر می‌برند و به راحتی می‌توانند در معابر عمومی تردد کنند؛ زنان ایرانی توانستند در زیر پوشش نگاه فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف دستاوردهای درخشانی از خود نشان دهند.»

خانواده

پدرش ابوالقاسم کریمی قدوسی است. برادرش علی کریمی قدوسی سال‌ها قائم مقام آیت‌الله واعظ طبسی تولیت آستان قدس رضوی بود. او دهه ۶۰ تا ۸۰ عنوان قائم مقامی آستان قدس رضوی را در اختیار داشت. برادرزاده‌اش حسن کریمی قدوسی اخیرا با حکم علی جنتی به مدیریت عامل بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای منصوب شد.

بهرام پارسایی

حوزه انتخابیه: شیراز
سمت: سخن‌گو کمیسیون اصل نودم قانون اساسی مجلس
فراکسیون: امید

رئیس ستاد رضایی، سخن‌گوی فراکسیون عارف

فقدان نظام حزبی در ایران، سبب شده تا چهره‌های سیاسی در هر انتخابات با یک پرچم وارد میدان شوند. پرچم اعتدال‌گرایی، اصول‌گرایی یا اصلاح‌طلبی برای این چهره‌ها، یک رویکرد دائمی نیست، بلکه شرایط سیاسی روز ایران در انتخاب این عناوین تاثیرگذار است. بهرام پارسایی نماینده شیراز و سخن‌گوی فراکسیون امید، که در انتخابات ۹۴ با حمایت ائتلاف امید و تحت عنوان اصلاح‌طلب به مجلس دهم راه یافت، در انتخابات ۹۲ و در حالی که عارف به عنوان نماد جریان اصلاح‌طلب و روحانی به عنوان سمبل جریان اعتدال‌گرا در صحنه رقابت‌ها حاضر بودند با عنوان ریاست ستاد انتخاباتی محسن رضایی در استان فارس مشغول فعالیت بود.

بهرام پارسایی کیست؟

بهرام پارسایی در سال ۱۳۴۹ در منطقه دشمن زیاری ممسنی استان فارس به دنیا آمد. او تحصیلات‌اش را در ممسنی شروع کرد و با اخذ مدرک دکترای دندانپزشکی در کرمان به اتمام رساند. پارسایی دانش آموز مقطع ابتدایی بود که انقلاب ۵۷ به پیروزی رسید بنابراین کارنامه‌ای از او در انقلاب ۵۷ به ثبت نرسیده ولی خودش مدعی است در اواخر جنگ ایران و عراق به مدت یک سال در جبهه‌ها حضور داشته است. او به همراه سه برادرش در جنگ حضور داشته و یکی از برادرانش جانباز شده است.

دکتر بهرام پارسایی پس از فارغ‌التحصیلی، مطبی در شهر شیراز بنا کرده و در آنجا به دندان‌پزشکی مشغول می‌شود و سرمایه حاصله از طبابت را در شهرستان ممسنی سرمایه‌گذاری می‌کند و در بخش صنعت مشغول فعالیت می‌شود.

او در انتخابات دوره چهارم شورای شهر در شیراز وارد رقابت‌های انتخاباتی می‌شود و به عنوان

آخرین منتخب به شورای شهر راه می‌یابد و بر کرسی ریاست کمیسیون گردشگری و زیارت تکیه می‌زند. او علاقه زیادی به توسعه گردشگری دارد و معتقد است صنعت گردشگری می‌تواند پاسخ‌گوی نیاز جوانان به اشتغال باشد.

پارسایی که صلاحیت‌اش برای انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی رد شده بود، یک بار دیگر عزم خود را برای ورود به انتخابات مجلس عزم کرده و با استعفا از عضویت در شورای شهر شیراز، در انتخابات مجلس دهم ثبت‌نام می‌کند و به عنوان منتخب اول به مجلس راه می‌یابد. اتفاقی که می‌تواند ناشی از دو تصمیم زیرکانه باشد. اول اینکه او تصمیم می‌گیرد با پرچم اصلاحات در رقابت‌هایی حاضر شود که پیروزی ائتلاف امید از قبل قابل پیش‌بینی بود و دوم ابتکارش در حفاظت از محیط زیست در دوران تبلیغات انتخاباتی بود که خیلی به چشم آمد. پارسایی با شعار حفاظت از محیط زیست به اعضای ستاد انتخاباتی‌اش توصیه کرد تا هم پای او لباس رفتگری پوشیده و نسبت به نظافت شهر اقدام کنند. او تبلیغات غیر کاغذی را با هدف حفاظت از محیط زیست در دستور کار کمپین انتخاباتی‌اش قرار داد و خیلی مورد توجه قرار گرفت.

پارسایی در حالی در انتخابات ۹۴ خود را اصلاح‌طلب معرفی کرد و با حمایت دکتر عارف در ائتلاف امید قرار گرفت که در سال ۹۲ ریاست ستاد انتخاباتی محسن رضایی اصول‌گرا را در استان فارس برعهده داشت. چرخشی که در ایران خیلی عادی و بی‌هزینه رخ می‌دهد. او عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه است با این حال بیش از آن که خود را اعتدال‌گرا بخواند خود را اصلاح‌طلب می‌داند از همین رو پس از ورود به مجلس دهم، به عضویت هیات رئیسه فراکسیون امید در آمد و سخن‌گویی آن را در اختیار گرفت.

این نماینده شیراز، پس از ورود به مجلس دهم در حالی که علاقه داشت به کمیسیون صنایع بپیوندند، از طرف روسای شعب که مسوولیت انتخاب اعضای کمیسیون‌ها را برعهده دارند به کمیسیون اصل نود معرفی شد. او در نطقی در صحن علنی به این تصمیم اعتراض کرد ولی در عین حال سخن‌گویی کمیسیون اصل نود را که وظیفه رسیدگی به شکایات از دستگاه‌های دولتی را برعهده دارد را پذیرفت. این در حالی است که تخصص او دندان‌پزشکی است و تجربه‌اش فعالیت در حوزه صنعت و شوراها و علاقه‌اش گردشگری است ولی به بی‌ربط‌ترین کمیسیون ممکن یعنی کمیسیون اصل نود رفته و سخن‌گویی آن را برعهده گرفته است.

سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی

بهرام پارسایی در کنار حرفه دندان‌پزشکی، قبل از ورود به مجلس در حوزه صنعت مشغول فعالیت بوده و سابقه عضویت در شورای شهر شیراز را نیز در کارنامه دارد. مهم‌ترین سوابق سیاسی و مدیریتی‌اش به این شرح است:

- نماینده شیراز در مجلس دهم
- سخن‌گوی فراکسیون امید و کمیسیون اصل نود مجلس دهم
- عضو شورای شهر شیراز در دوره چهارم
- رئیس کمیسیون گردشگری و زیارت شورای شهر شیراز
- مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های صنعتی و معدنی استان فارس
- عضو نظام پزشکی و انجمن دندانپزشکی استان فارس و ایران
- عضو هیات مدیره خانه صنعت و معدن و تجارت
- عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه

اعتراض به نقض حقوق بشر

مواضع و دیدگاه‌های بهرام پارسایی، از او چهره‌ای مدافع حقوق بشر ساخته است. او از جمله نمایندگانی است که به رغم یکبار رد صلاحیت در کمپین انتخاباتی‌اش مکرر نسبت به نقض حقوق بشر اعتراض کرده است. او در یک سخنرانی «ستاره‌دار کردن دانشجویان منتقد» را به چالش کشیده و می‌گوید: «ستاره‌دار کردن دانشجویان یعنی تحقیر دانشجو که حق بیان را از او گرفتند، شاید بتوانند دانشجو را ستاره‌دار کنند اما اندیشه را نمی‌توان ستاره‌دار کرد.» او در سخنانی دیگر نقض آزادی مطبوعات را مورد انتقاد قرار داده و با تاکید بر ضرورت اصلاح قانون مطبوعات می‌گوید: «اگر مطبوعات آزادند باید بتوانند مسولیت‌گریزی و قانون‌گریزی‌ها را بازگو کنند حال آن‌که قوانین دست‌وپاگیر است لذا برخی از قوانین باید متوقف و در برخی موارد ما نیازمند قانون‌گذاری هستیم.»

پارسایی حمله به سفارتخانه‌ها را نشانه توسعه‌نیافتگی سیاسی عنوان کرده و معتقد است باید در برابر این پدیده بایستیم. او می‌گوید: «باید جلو کسانی که با حمله به سفارت‌خانه‌ها ناامنی ایجاد می‌کنند را بگیریم...باید احساس امنیت را برای رونق اقتصادی کشور که نیازمند جلوگیری از قانون‌شکنی است را ایجاد کنیم.»

پارسایی در مدت کوتاهی که در مجلس حضور داشته سعی کرده است مواضعی هم راستا با حقوق شهروندی افراد در ایران اتخاذ کند. او هم‌چنین رد صلاحیت مینو خالقی منتخب اصفهان، پس از برگزاری انتخابات را بی‌معنا خوانده و می‌گوید: « بعد از برگزاری انتخابات تأیید صلاحیت برعهده مجلس است نه شورای نگهبان.» او استفساریه مجلس در خصوص دامنه نظارت استصوابی شورای نگهبان، راهی برای شفاف‌سازی قانون انتخابات می‌داند.

پارسایی در نطقی دیگر، لغو کنسرت در شهر مشهد را مورد انتقاد شدید قرار داده و می‌گوید: «قانون حاکم بر کشور ما در تمام نقاط یکسان است، به خصوص قوانین فرهنگی و اجتماعی، به همین دلیل نمی‌شود یک برنامه موسیقی در تهران مجاز و در مشهد ممنوع باشد.» انتقاد او متوجه اظهارات آیت‌الله علم الهدی نماینده ولی فقیه در استان خراسان است که خواستار عدم صدور مجوز برگزاری کنسرت در مشهد شده بود. پارسایی جایگاه زنان در فرهنگ ایرانی را ریشه دار عنوان کرده و می‌گوید: «جایگاه زن در فرهنگ غنی، دیرینه و پرافتخار ما جایگاه ویژه ایی است.»

بی‌تدبیری وقایع سال ۸۸ را رقم زد

از پارسایی کمتر می‌توان موضع گیری‌ای در خصوص وقایع سال ۸۸ و جنبش سبز پیدا کرد. در معدود اعلام نظرهای عمومی موجود از پارسایی می‌توان به مصاحبه‌اش در خصوص روز ۹ دی ۸۸ اشاره کرد. او با تاکید براینکه ۹ دی، روز اعلام وفاداری به ولایت بوده، در خصوص وقایع سال ۸۸ می‌گوید: «بی‌تدبیری باعث وقایع تلخی شد که نمی‌توان یک گروه را مقصر دانست چراکه هیچ طرفی کوتاه نیامدند و یکدیگر را متهم کردند و گروه‌ها و شخصیت‌های مختلف با موضع‌گیری‌های غیرمدبرانه خود باعث به وجود آمدن مشکلاتی شدند.»

خانواده

اطلاعات چندانی از خانواده او در دست نیست. بهرام پارسایی پدرش، خدابخش پارسایی، را فردی کاریزماتیک و مورد اعتماد مردم معرفی کرده است. او پدرش را قبل از ورود به مجلس از دست داد. الله رحم پارسایی نامزد انتخابات مجلس، شوهر خاله او بود که دو روز بعد از فوت پدرش، درگذشت. او سه برادر دارد ولی اطلاعاتی از حوزه فعالیتی آن‌ها موجود نیست.

ابوالفضل ابوترابی

حوزه انتخابیه: نجف آباد
سمت: رئیس فراکسیون حقوق بشر مجلس شورای اسلامی
فراکسیون: اصول‌گرایان

حامی اعدام و ریاست کرسی حقوق بشری مجلس

سپردن کرسی‌های حقوق بشری و به ابتذال کشیدن حقوق بشر در ایران، اتفاقی تازه نیست. نه اعزام قاضی سعید مرتضوی به شورای عمومی حقوق بشر سازمان ملل و نه تکیه جواد لاریجانی به کرسی دبیری حقوق بشر قوه قضاییه و نه اعتراض‌های مکرر نمایندگان اصول‌گرا در باب نقض حقوق بشر در عربستان و یمن و سوریه و انگلیس و امریکا هیچ یک، در نوع خود اولین نبوده و آخرین هم نخواهد بود، اما سپردن کرسی ریاست فراکسیون حقوق بشر مجلس اعتدال گرا با عدد قابل توجهی از موتلفان «امید» به یک اصول‌گرا با کارنامه‌ای خاکستری، که پر است از برگ‌هایی در دفاع از «اعدام»، سوال برانگیز است. سوالی که خوب است علی مطهری و محمود صادقی دو چهره مطرح فراکسیون حقوق بشر به آن پاسخ دهند، که با کدام متر و معیار ابوالفضل ابوترابی نماینده اصول‌گرای نجف آباد را به کرسی ریاست فراکسیون حقوق بشر نشانده‌اند؟ و اگر معدل این فراکسیون، ابوترابی است، چرا در آن مانده‌اند؟

ابوالفضل ابوترابی کیست؟

ابوالفضل ابوترابی در سال ۱۳۵۵ در روستای عزیزآباد تیران بدنیا آمد. دو ساله بود که انقلاب ۵۷ به رهبری آیت‌الله خمینی به پیروزی رسید. سیزده ساله بود که جنگ ایران و عراق تمام شد. اگرچه سن و سال‌اش اجازه نمی داد که جنگ را تجربه کند ولی از عواقب آن در امان نماند و در حالی که فقط ۵ سال داشت پدرش را در جنگ از دست داد. او علاوه بر پدر، عمو و دایی‌اش را نیز در جنگ از دست داد تا جبهه و جنگ برای او یادآور تلخی‌های یتیمی باشد.

ابوترابی حدودا پنج سال پس از پایان جنگ، با استفاده از سهمیه شاهد، توانست وارد دانشگاه نجف آباد شود و در رشته راه و ساختمان تحصیل، و مدرک مهندسی‌اش را اخذ کند. ولی ادامه فعالیت در حوزه راه و ساختمان را باب میل‌اش نمی بیند به همین خاطر تغییر رشته می‌دهد

و جذب دانشگاه علوم قضایی می‌شود تا تحت تعالیم مدرسان قوه قضاییه، به امر قضا آشنا شود.
پس از پایان تحصیلات جذب دادگستری اصفهان می‌شود و بر کرسی قضاوت تکیه می‌زند و در حالیکه هنوز به سی سالگی نرسیده است، به مقام دادستانی شهرستان تیران و کرون می‌رسد.
ابوترابی در انتخابات شورا شهر نجف آباد کاندیدا می‌شود ولی از عضویت ثابت شورا باز می‌ماند و در لیست اعضای علی البدل شورا قرار می‌گیرد تا این بار شانس‌اش را برای ورود به مجلس امتحان کند. او در حالی که تنها ۳۵ سال داشت موفق می‌شود برای اولین بار به مجلس نهم راه یابد. ابوترابی با ورود به مجلس اصول‌گرای نهم، به عضویت کمیسیون حقوقی و قضایی درآمد تا طرف گفتگوی ثابت خبرنگاران در مسایل حقوقی و قضایی باشد.
ابوترابی در انتخابات مجلس دهم نیز شرکت کرد و پس از جلب حمایت اصول‌گرایان، موفق شد کرسی‌اش را در مجلس دهم حفظ کند.
ابوترابی با ورود به مجلس دهم تلاش کرد تا به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی رود ولی این تقاضا با مخالفت روبرو شد چراکه او جز سابقه قضایی، نه سابقه مرتبط با مسایل امنیتی دارد و نه تحصیلاتی در حوزه روابط بین‌الملل. از این رو در کمیسیون قضایی ماندگار شد و اعلام کرد به تقاضای لاریجانی در کمیسیون حقوقی مانده است.

سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی

ابوالفضل ابوترابی تا پیش از ورود به مجلس، عمدتا در حوزه قضایی مشغول بوده و برحسب علاقه به امور خیریه با برخی موسسات عام‌المنفعه همکاری داشته است. مهم‌ترین سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی‌اش به این شرح است:

- دادرس درجه یک مرکز استان اصفهان
- رئیس دادگاه عمومی بخش کرون
- دادستان شهرستان تیران وکرون
- رئیس هیات مدیره انجمن یادگاران امام (فرزندان وهمسران شاهد)
- عضو هیات مدیره تعاونی مسکن دادگستری کل استان اصفهان
- عضو هیات امنائ و هیئت موسس خیریه‌های دیالیز تیران و خانه محبت تیران و همکاری با خیریه‌های سالمندان و قمر بنی هاشم نجف اباد
- عضو علی‌البدل شورای شهر نجف آباد
- نمایندگی مردم نجف آباد،تیران و کرون در مجلس نهم و دهم
- عضو کمیسیون حقوقی و قضایی و رئیس فراکسیون حقوق بشر مجلس دهم
- عضو فراکسیون اصول‌گرایان مجلس نهم و دهم

صدور حکم «اعدام» برای موسوی و کروبی

ابوترابی که سابقه قضاوت و دادستانی را در کارنامه دارد، حکم موسوی و کروبی رهبران جنبش سبز را «اعدام» خوانده و می‌گوید: «سران فتنه مشمول قاعده کلی براندازی نظام و اقدام علیه امنیت ملی بوده و تا زمانی‌که طبق آیه شریفه که در ادامه نص صریح قرآن در زمینه قانون مجازات آمده است توبه نکنند، مفسد فی‌الارض شناخته خواهند شد.» او اجرای این حکم را منوط به اجازه رهبر ایران عنوان کرده و معتقد است تا رسید زمان موعد، آن‌ها در راستای اجرای قانون اقدامات تامینی در حصر خواهد ماند. او می‌گوید: «زمان و مکان این موضوع به پیشنهاد شورای عالی امنیت ملی به مقام معظم رهبری معطوف می‌شود که ایشان در این‌باره

تصمیم‌گیری کنند، چرا که در این‌باره تصمیم‌گیری باید مدنظر داشت که مصلحت زمان و مکان امری مهم بوده و ایجاب می‌کند این افراد در حصر بمانند تا کشور به موضوعات مهم‌تری بپردازد.» او رهبران جنبش سبز را به اعدام تهدید کرده و می‌گوید: «سران فتنه مشمول حکم اقدام علیه امنیت ملی بوده و اگر توبه نکنند مشمول مجازات مفسد فی‌الارض و محاربه خواهند بود که در قانون مجازات نیز این امر منظور شده است.»
ابوترابی در جریان تصویب طرح جرم سیاسی در مجلس ششم نیز از جمله مدافعان گنجاندن مجازات حصر به عنوان مجازات بدل از زندان در قانون جرم سیاسی بود و در این خصوص می‌گوید: «ما در طرح جرم سیاسی این ظرفیت را به صورت بدل از حبس و حصر خانگی دیده‌ایم ولی مصادیق آن را نگفته‌ایم. مصادیق را خود دستگاه قضایی در قوانین و آیین نامه‌های داخلی تعیین کرده و می‌توانند حصر خانگی(زندان خانگی) و استفاده از دستبند و پابند الکترونیکی را در قبال مجرمان سیاسی انجام دهند. خیلی از جرائم با حبس در زندان حل نمی‌شود و حتی ممکن است که مشکل زا نیز باشد.» بدین ترتیب برای اولین بار مجازات حصر شکل قانونی پیدا کرد.

اعدام برای مهدی هاشمی و رحیمی کم است

آنچه تکیه ابوترابی بر کرسی ریاست فراکسیون حقوق بشر مجلس را سوال‌برانگیز می‌کند مواضع او در حمایت از اعدام و اجرای قانون مجازات اسلامی (قصاص) و برخوردهای قهری در حوزه مسایل اجتماعی است. او حکم اعدام را برای مهدی هاشمی پسر آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و رحیمی معاون اول دولت احمدی نژاد که به اتهام فساد مالی در زندان هستند را کم می‌داند و می‌گوید: «...اگر با اختلاس دربیت المال خیانت کردند، باید نسبت به سایر مردم شدیدتر مجازات شوند، نه اینکه حدود ۱۴ میلیارد دلار به کشور زیان مالی بزنند و بعد محکوم به ۱۰ سال حبس شوند، چنین مجرمی را حتی اگر ۱۰ بار هم اعدام کنند باز هم کم است. برای رحیمی اگر حکم اعدام هم می‌دانند باز کم بود، ... برای افرادی که ام‌الفساد نیز هستند باید مجازات اختلاس‌کننده را افزایش دهیم.»

هیچ ایرادی به «اعدام» تکفیری‌ها نیست

ابوترابی در جایی دیگر نیز از اعدام دفاع کرده و آن‌هم اعدام متهمان پرونده تکفیری‌هاست. او با قاطعیت می‌گوید: «هیچ شبه و تردیدی نسبت به حکم اعدام تفکیری‌ها نیست.» او ادامه می‌دهد: «چطور می‌توان تردیدی نسبت به این حکم داشت در حالی که بسیاری از ترورهایی که در کردستان صورت گرفته توسط این گروهک با تفکر وهابی بوده است.» او برخورداری متهمان از «وکیل تسخیری» را نشانه رعایت کامل تشریفات آئین دادرسی کیفری عنوان کرده و می‌گوید: «در رسیدگی به این پرونده تمام مراحل قانونی رعایت شده و حتی برای متهمان وکیل تسخیری گرفته شده بنابراین در این پرونده مطابق قانون رفتار شده است.»

اعدام مجازاتی برای عبرت دیگران

ابوترابی بدون توجه به کنوانسیون‌های بین المللی و اصول حقوق بشری، اعدام را مجازاتی موثر برای عبرت دیگران می‌داند و می‌گوید: «به طور قطع، سرعت و دقت دستگاه قضایی در این پرونده (پرونده عاملان اذیت و آزار زنان جهرمی) و مجازات تعیین شده، از وقوع موارد مشابه پیشگیری خواهد کرد. در قانون ما برای این نوع جرایم، اشد مجازات یعنی اعدام پیش‌بینی

شده که این مجازات در پرونده عامل اذیت و آزار زنان جهرم لحاظ شده است.» در پرونده اذیت و آزار زنان جهرمی، عاملان به اعدام محکوم شدند. آن‌ها با چاقو به شش زن «بدحجاب» حمله کرده بودند. ابوترابی در دفاع می‌گوید: «مجازات چندین فلسفه دارد که یکی از فلسفه‌های آن، عبرت گرفتن دیگران است. بر این اساس اگر فردی جرمی را مرتکب شد باید بداند مجازاتی در انتظارش خواهد بود.» این در حالی است که همین نماینده حقوقدان در واکنش به اعدام قاچاقچیان مواد مخدر خلاف این اعتقاد را بیان کرده و می‌گوید: «در یکی از پرونده‌ها، پدر یک خانواده به جرم قاچاق مواد مخدر اعدام می‌شود و مدتی بعد نیز پسر ۲۱ ساله وی به همین جرم اعدام می‌شود؛ این نشان می‌دهد که اگر اعدام باعث تنبه و عبرت می‌شد، می‌بایست فرزند این خانواده بیش از هرکسی از جرم پدرش عبرت می‌گرفت؛ لذا به نظر من اگر قرار بود این مشکل، با مجازات اعدام حل شود، باید تا امروز مواد مخدر از ایران ریشه کن شده و یا به شدت کاهش می‌یافت.»

تقاضای تصویب قانون مجازات اعضای مذاهب غیر رسمی

ابوترابی نه تنها خواهان اعدام رهبران جنبش سبز و متهمان پرونده‌های فساد اقتصادی است بلکه معتقد است قانون مجازات اسلامی به دلیل سکوت در برابر اعضای فرقه‌های مذهبی غیر رسمی (آن‌ها را فرقه‌های ضاله خوانده) باید اصلاح شود تا بتوان کسانی که به این فرقه‌ها می‌پیوندند را مجازات کرد. ابوترابی تصریح کرده: «درمورد فرقه‌های ضاله تاکنون هیچ قانون مجازاتی وجود نداشته است؛ بنابراین طرحی درمجلس گذشته در نظرگرفته شد تا برای فرقه‌های خارج از چارچوب و هنجاری اسلامی مجازات درنظرگرفته شود.» این در حالی است که طی سالیان گذشته تعداد زیادی از بهاییان، دراویش و ... دستگیر و راهی زندان شده‌اند.

آزادی ماهواره خودکشی فرهنگی است

ابوترابی نه تنها در مقام حمایت از حقوق بشر، با برخورد قهری با گیرندگان شبکه‌های ماهواره‌ای مخالفت نمی‌کند بلکه آن را تجویز کرده و از حامیان جدید نقض آزادی رسانه‌هاست و معتقد است آزاد کردن ماهواره خودکشی فرهنگی است. او می‌گوید: «بی‌تردید موضوع برداشتن منع ماهواره و اصلاح این قانون برولنگاری فرهنگی می‌افزاید. در حال حاضر ما با یک جنگ فرهنگی رو به رو هستیم. اینکه می‌گویند در آینده ماهواره و اینترنت و فضای مجازی دنیا را در بر می‌گیرد کاملاً درست است اما دلیل نمی‌شود ما به استقبال مرگ فرهنگی برویم و با دست خودمان نابودی را به جان بخریم...دلیل نمی‌شود که بخواهیم قبل از این اتفاق خودمان ماهواره را آزاد و به عبارتی خودکشی فرهنگی کنیم.» او مخالف اصلاح قانون استفاده از ماهواره است و می‌گوید: «به جای اصلاح قانون منع ماهواره باید روی کیفیت و کمیت ساخت تولیدات تلویزیونی و سینمایی داخل کشور تمرکز کنیم.»

حمایت از برخورد پلیس با بدحجابی و روزه خواری

ابوالفضل ابوترابی، با حمایت آشکار از نقض حق آزادی پوشش، معتقد است پلیس مستقیم می‌تواند با بد حجابی و روزه خواری در ملاء عام به‌عنوان ضابط قضایی برخورد کند و این موضوع نیازمند قانون جدید نیست. این عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ایران می‌گوید: «نیروی انتظامی ضابط دادگستری است و زنان بدون حجاب نیز جزو جرایم مشهود محسوب می‌شوند. از این رو نیروی انتظامی می‌تواند راساً برای اجرای این ماده از قانون و برخورد با زنان بی‌حجاب اقدام کند.» او روزه خواری در ملاّعام را نیز در همین راستا ارزیابی

کرده و معتقد است: «طبق قانون، قضات و نیروی انتظامی حق برخورد با کسانی را دارند که اعمال مجرمانه انجام داده و عفت عمومی را جریحه دار کنند. لذا امکان برخورد با روزه‌خوران در ملاء عمومی که اقدام به قبح زدایی کنند، از سوی نیروی انتظامی وجود دارد.» او توضیح نمی‌دهد که با کدام معیار حقوق بشری، دین اجباری پذیرفتنی است. او از جمله مدافعان تصویب قانون امربه معروف و نهی از منکر در مجلس نهم بوده و می‌گوید: «دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، است.»

خانواده

ابوالفضل ابوترابی فرزند شهید اسماعیل ابوترابی است که در جنگ ایران و عراق به شهادت رسید. عمو و دایی‌اش نیز در جنگ کشته شدند. اطلاعات بیشتری از خانواده او در دست نیست.

محمدمهدی مفتح

حوزه انتخابیه: تویسرکان
سمت: سخن‌گو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات
فراکسیون: اصول‌گرایان

فرزند روحانیت انقلابی و شش دوره نمایندگی مجلس

مجلس یا شورای شهر برایش فرقی ندارد، گاه هم‌زمان در دو انتخابات متفاوت از دو حوزه انتخابیه مجزا کاندیدا می‌شود. عشق به خدمت یا میل به قدرت؟ هر چه باشد او را به یکی از باسابقه‌ترین نمایندگان حاضر در مجلس شورای اسلامی تبدیل کرده است. البته همه اینها شاید میسر نمی شد، اگر پدرش «شهید حوزه و دانشگاه» و پدر همسرش آیت‌الله محمدی گیلانی نبود.

محمد مهدی مفتح کیست؟

محمد مهدی مفتح پسر بزرگ شهید محمد مفتح؛ متولد ۸ دی ماه ۱۳۳۵ در شهر قم است. مدرک کارشناسی خود را در رشته مهندسی صنایع از دانشگاه شریف گرفت و پس از آن در دانشگاه‌های امیرکبیر، علامه طباطبایی و علوم تحقیقات تهران توانست در رشته‌های صنایع و اقتصاد مدارک کارشناسی ارشد و دکترای خود را کسب کند.

۲۷ ابان ۱۳۵۸ محمد مهدی ۲۳ ساله بود که پدرش محمد مفتح (از روحانیون به نام سال‌های اول انقلاب و عضو سابق شورای انقلاب) توسط گروه فرقان ترور شد. پس از آن و به دستور آیت‌الله خمینی این روز به نام روز وحدت حوزه و دانشگاه نام گرفت و محمد مفتح تبدیل به نماد این وحدت شد.

محمد مهدی در سال‌های ابتدایی دهه شصت به عنوان مدیر وارد عرصه صنعت شده و در چند کارخانه و شرکت صنعتی به فعالیت می‌پردازد. پس از رد صلاحیت گسترده نمایندگان مجلس سوم و کاندیداهای جناح چپ، مفتح در انتخابات مجلس چهارم از حوزه رزن همدان کاندیدا و با حمایت جامعه روحانیت مبارز (هم‌کیشان پدرش)، وارد مجلس شد و این کرسی را تا پایان مجلس پنجم به مدت هشت سال حفظ کرد.

با روی کارآمدن مجلس اصلاح‌طلب ششم، او نیز همچون بیشتر نمایندگان اصول‌گرای مجلس چهارم و پنجم، راهی به مجلس نیافت و برای مدت یک دوره غایب بود تا بار دیگر، به مدد رد صلاحیت‌های گسترده اصلاح‌طلبان، بتواند خود را پیروز انتخابات مجلس هفتم ببیند. او در انتخابات مجلس هشتم نیز جواز حضور در مجلس را پیدا کرد ولی شانس پیروزی در انتخابات مجلس نهم را نیافت. اما دو سال بعد به دلیل ابطال انتخابات تویسرکان، این فرصت را پیدا می‌کند تا در انتخابات میاندوره‌ای مجلس نهم بار دیگر اعلام نامزدی کند اما اتفاق منحصر بفرد این کاندیداتوری، اعلام نامزدی در دو انتخابات متفاوت از دو حوزه انتخابیه متفاوت است. محمد مهدی مفتح که حمایت اصول‌گرایان را با خود دارد، به طور هم‌زمان در حوزه انتخابیه تویسرکان، برای ورود به مجلس نهم و در حوزه انتخابیه تهران برای ورود به شورای شهر تهران اعلام نامزدی می‌کند و اتفاقا در هر دو میدان موفق به اخذ حدنصاب آراء می‌شود تا مخیر به انتخاب میان مجلس نهم و شورای چهارم شود. این اقدام او با سوال‌ها و مخالفانی هم مواجه می‌شود ولی مفتح کار خود را انجام می‌دهد. حضور او در لیست آبادگران ایران در کنار نام‌هایی هم‌چون مهدی چمران و غفوری فرد، دانشجو و بیادی بیش از گذشته خط و ربط سیاسی مفتح را آشکار می‌کند. مفتح با پیروزی در هر دو انتخابات سرانجام تصمیم می‌گیرد از عضویت در شورای شهر تهران انصراف داده و به عنوان نماینده مردم تویسرکان وارد مجلس نهم شود. مفتح در انتخابات مجلس دهم نیز توانست به عنوان کاندیدای اصول‌گرایان در تویسرکان کرسی خود را در مجلس دهم حفظ کند.

سکوت در مناقشات پارلمانی

مفتح را می‌توان از نمایندگان بی‌حاشیه مجلس دانست که در اکثر منازعات مجلس سکوت اختیار کرده و ترجیح اش، تمرکز بر مشکلات حوزه انتخابیه خود است. در جریان جدال‌های سیاسی مجلس نهم حول پرونده هسته‌ای و برجام هم کمتر اظهار نظری از او یافت می‌شود و نامش در هیچ کدام از لیست‌های موافقین و مخالفین برجام دیده نمی‌شود. هر چند به تازگی و پس از سخنان رهبر ایران درباره بدعهدی‌های آمریکایی‌ها در مصاحبه‌ای با فارس نظر آیت‌الله خامنه‌ای دراین‌باره را تایید کرده است. او چند روز پس از آغاز به کار مجلس دهم به ریاست فراکسیون فرزندان شاهد و ایثارگر مجلس انتخاب شد.

سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی

مفتح بیشتر سال‌های عمر خود را در مجلس گذرانده است. اما پیش از ورود به مجلس بیشتر در حوزه صنعت مشغول بوده و مدیرعاملی چند شرکت کوچک صنعتی را در اختیار داشته است. عمده‌ترین سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی‌اش به این شرح است:

- مدیرعامل مجتمع انبار و سردخانهٔ شهید امین زاده
- مدیرعامل شرکت شیشه قزوین، آبگینه و آذر
- نماینده مجلس چهارم -پنجم -هفتم -هشتم -نهم و دهم
- رئیس کمیسیون تدوین آئین نامهٔ داخلی مجلس هشتم
- نایب رئیس کمیسیون برنامه بودجهٔ مجلس پنجم
- مخبر کمیسیون برنامه بودجهٔ مجلس هفتم و هشتم
- عضو کمیسیون ویژهٔ اصل ۴۴ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی در دوره هفتم
- عضو شورای پول و اعتبار

- ناظر مجلس شورای اسلامی ایران در کمیسیون تخصیص اعتبار
- عضو فراکسیون اصول‌گرایان ادوار مجلس شورای اسلامی
- منتخب تهران در انتخابات شورای شهر تهران

رهبران جنبش سبز باید پاسخ‌گو باشند

هر چند او اخیرا مدعی شده است که به هنگام وقوع جنبش سبز در مجلس مواضع شفاف و روشنی علیه این جریان اتخاذ کرده اما جستجوهای خبرنگاران ما در این زمینه به نتیجه‌ای نرسید. از معدود موضع‌گیری‌ها او با موضوع انتخابات ۸۸ می‌توان به مصاحبه مفتح در تیرماه ۹۵ با خبرگزاری فارس اشاره کرد که ساکتین فتنه را مورد انتقاد قرار داده و می‌گوید: «متأسفانه برخی از مسئولین هنوز در مقابل فتنه ۸۸ موضع‌گیری نکرده و حتی خواهان رفع حصر سران فتنه هستند. آن‌ها بدانند که دیگر هیچ جایگاهی بین ملت شهیدپرور نخواهند داشت و به‌زودی باید پاسخ‌گوی اعمال خود باشند.»

خانواده

محمد مهدی پسر بزرگ آیت‌الله محمد مفتح از پیشگامان انقلاب ۵۷ است که در سال ۱۳۵۸ ترور شد. او سه برادر و چهار خواهر دارد. برادران او محمد رضا، محمد صادق، محمد هادی هستند . محمد صادق معاون وزیر بازرگانی در دولت نهم ودهم بوده و محمد هادی روحانی است. محمد رضا مفتح برادر دیگر محمد مهدی با سابقه فعالیت در وزارت خارجه تحت عنوان دیپلمات در انتخابات مجلس دهم از حوزه رباط کریم کاندیدا شد، اما نتوانست به مجلس راه یابد. آن‌ها معمولا در هیچ کدام از رخدادهای سیاسی مداخله و اظهار نظر نمی‌کنند و بیشتر به فعالیت در حوزه کاری خویش مشغول اند.

یکی از خواهران محمد مهدی، همسر آقای پیشگاهی فر از بستگان نزدیک آیت‌الله محمد بهشتی است.

محمد مهدی مفتح، داماد آیت‌الله گیلانی است. سه تن از برادران همسرش در جریان انقلاب کشته شدند. برادر بزرگ خانم‌اش در اوایل انقلاب در یک سانحه رانندگی در گذشت و دو برادر دیگرش به دلیل پیوستن به سازمان مجاهدین خلق یکی اعدام و دیگری در درگیری مسلحانه‌ای که با مجاهدین به دستور آیت‌الله گیلانی صادر شده بود، کشته شد و اموالشان مصادره شد. مفتح آیت‌الله گیلانی را بسیار مهربان و دارای خانواده‌ای صمیمی معرفی می‌کند. مادرش فاطمه جابری انصاری دختر آیت‌الله حیدرعلی جابری انصاری از علمای به نام همدان است. صادق حسین جابری انصاری معاون عربی و سخن‌گوی وزارت خارجه دولت روحانی از بستگان مفتح است.

محمدعلی پورمختار

حوزه انتخابیه: بهار-کبودر اهنگ
سمت: عضو کمیسیون قضایی و حقوقی
فراکسیون: اصول‌گرایان

پرسشگری از قتل‌هایی دهه ۶۰ ممنوع!

پرسشگری علی مطهری از وزیر دادگستری در خصوص کیفیت اجرای حکم آیت‌الله خمینی در اعدام دسته جمعی زندانیان سیاسی در دهه ۶۰، اگرچه هنوز پای پورمحمدی را به مجلس بازنکرده تا پاسخ‌گوی رفتار خود باشد، اما ژنرال‌های نظامی مجلس را به وسط مناقشه کشانده، تا سطح وفاداری اصول‌گرایان به سوگند نمایندگی‌شان در دفاع از حقوق ملت، روشن شود. در این میان یک چهره بیش از دیگران در کانون منازعه قرارگرفته و او کسی نیست جز «سردار محمد علی پورمختار»، رئیس پیشین کمیسیون اصل نود، که پنج سال است لباس نظامی‌اش را آویزان و برکرسی نمایندگی مجلس تکیه زده است. او پیگیر شکایت نمایندگان از علی مطهری به کمیته نظارت بر رفتار نمایندگان است. نمایندگان شاکی خواهان اخراج علی مطهری از هیات رئیسه مجلس هستند.

محمد علی پورمختار کیست؟

محمد علی پورمختار در سال ۱۳۴۱ در شهر لالجین به‌دنیا آمد. دوران تحصیلات‌اش در مقطع راهنمایی و دبیرستان با تحولات سیاسی ایران و وقوع انقلاب ۵۷ همراه بود. اگر چه کمتر از سوابق انقلابی‌اش جایی مطلبی عنوان شده ولی بیشترین مشارکت را در جنگ ایران و عراق داشته است. او که با تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به این نهاد نظامی-انقلابی می‌پیوندند، ۷۵ ماه از دوران جنگ را در مناطق جنگی گذرانده و جانباز شده است. او در جنگ برادرش را نیز از دست داده است. محمد علی پورمختار با پایان جنگ به درجه سرداری می‌رسد و در سن ۲۹ سالگی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای فرمانده کل قوا به درجه سرتیپ دومی می‌رسد و فعالیت حرفه‌ای‌اش را در سپاه پاسداران از سر می‌گیرد. او هم‌زمان به تحصیل در رشته حقوق قضایی مشغول می‌شود و تا اخذ مدرک فوق‌لیسانس، تحصیلات‌اش را ادامه

می‌دهد. او هم‌اکنون دانشجوی دکترای حقوق خصوصی است.

حمله به دانشجویان از سر دلسوزی بود!

او مدتی بعد با حکم سردار لطفیان فرمانده وقت نیروی انتظامی به معاونت حقوقی و پارلمانی این نهاد انتظامی منصوب می‌شود. وقوع حمله به کوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸ از جمله مهم‌ترین اتفاقات دوران معاونت او در نیروی انتظامی است. پورمختار در این ماجرا به حمایت از سردار لطفیان برخاسته و حمله لباس شخصی‌ها به کوی دانشگاه که منجر به کشته و مجروح شدن جمعی از دانشجویان منجر شد را از روی دلسوزی عنوان کرده و می‌گوید: ««بالاخره یکسری از افراد بودند که احساس تکلیف می‌کردند و حتی با نیروی انتظامی درگیر می‌شدند. البته الان دیگر به آن شکل نداریم. منتها بعضا نیروهای دلسوزی بودند که می‌دیدند اقدام‌هایی علیه ارزش‌های اسلامی صورت می‌گیرد، حس می‌کردند که باید وارد صحنه شوند. اینکه فردی برود با بخشی درگیر شود یا اینکه به‌طور مخفی وارد جایی شود و تخریبی به وجود بیاورد، به این معنی نیست که حمایت می‌شود. لذا از این موارد در آن ماجرا داشتیم.»

پورمختار در خصوص نقش خود در ماجرای کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ می‌گوید: «چون من مسوول حقوقی ناجا بودم دفاع از پرونده سردار نظری و عوامل همراهش که جمعا ۲۰ نفر بودند، برعهده من بود. البته من خاطراتم را تاکنون هیچ جا نگفته‌ام. یادم هست دادگاه حدود ۹ ماه طول کشید و خیلی جدی وکلای ما با وکلای شکات با هم بحث می‌کردند. البته نه به عنوان خاطره بلکه به عنوان یک مشغله فکری این مساله برایم وجود داشت که در کنار کسانی که همه نوع اقدام علیه کشور انجام داده ولی با حمایت بعضی دولتمردان در جایگاه شاکی قرار گرفته بودند، آقای ابوترابی‌فرد به همراه آقای رهامی (از چهره‌های اصلاح‌طلب و وکیل شکات) در جلسات دادگاه حضور می‌یافت و عملا از آنان حمایت می‌کرد.» او با ذکر نقل قولی از سردار نظری متهم ردیف اول پرونده، در جلسه بررسی این ماجرا در شورای ستادی نیروی انتظامی می‌گوید: «...حرکتی را گروهی از دانشجویان شروع کرده بودند و به عوامل انتظامی سنگ‌پرانی می‌کردند. بعد داخل کوی دانشگاه را آتش زده بودند و به امکانات عمومی آسیب رساندند و بخشی از عوامل نیروی انتظامی هم دنبال دستگیری آن‌ها می‌روند.» او وزارت کشور و وزارت علوم را به تشدید اعتراضات دانشجویی و تحریک آن‌ها متهم کرده و می‌گوید: «اینها خودشان محرک بودند.»

کمیسیون اصل نود و گم شدن ۱۷ پرونده فساد دولت احمدی نژاد

پورمختار هم در بخش قوانین سپاه سابقه فعالیت داشته و هم به عنوان معاون پارلمانی نیروی انتظامی، سال‌ها با مجلس همکاری داشته است. این سوابق او را بر آن می‌دارد تا برای ورود به مجلس اقدام کند. انتخابات مجلس نهم و اعلام کاندیداتوری از حوزه انتخابیه بهار و کبودرآهنگ، گامی عملی او برای ورود به مجلس است و موفق می‌شود آراء لازم را کسب کند. پورمختار با ورود به مجلس نهم به کمیسیون اصل نود می‌رسد و برخلاف رویه جاری در مجلس که ریاست کمیسیون‌های تخصصی به نمایندگان پرسابقه می‌رسد، در اولین حضور در کرسی نمایندگی مجلس، به ریاست کمیسیون اصل نود می‌رسد.

طرح پرونده‌های متعدد فساد مالی دولت احمدی نژاد در کمیسیون اصل نود، او را در یک آزمون جدی قرار می‌دهد که سربلند از آن بیرون نمی‌آید. افزایش روزافزون فساد اقتصادی در دولت و عدم گزارش دهی موثر از اقدامات غیرقانونی در صحن علنی، نشان می‌دهد که او

و کمیسیون متبوع‌اش با اعضایی اصول‌گرا، قدرت برخورد با فساد اقتصادی دولت اصول‌گرا را ندارند. حجت السلام نوروزی نماینده رباط کریم با ورود به مجلس دهم از گم شدن ۱۷ پرونده فساد اقتصادی در کمیسیون اصل ۹۰ به ریاست پورمختار خبر می‌دهد و می‌گوید: «من در مجلس هشتم ۱۷ پرونده در مسائل اقتصادی تشکیل دادم که مربوط به یکی از بانک‌ها، کیش و برخی مسائل دیگر بود که متأسفانه بعدا که من به دستگاه قضایی رفتم، درباره آن سؤال کردم که ظاهرا اثری از آن پرونده‌ها در کمیسیون اصل ۹۰ نیست.» پورمختار که در انتخابات مجلس دهم مجدد موفق به کسب آراء مردم بهار و کبودرآهنگ شده، ولی در مجلس سیر نزولی را طی می‌کند و این بار کرسی ریاست کمیسیون را به اصول‌گرایی دیگر واگذار می‌کند. او از کمیسیون اصل نود به کمیسیون حقوقی و قضایی می‌رود و به عنوان عضو کمیسیون فعالیت می‌کند.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲، پورمختار از جمله حامیان پروپا قرص کاندیداتوری قالیباف فرمانده اسبق نیروی انتظامی و شهردار نظامی تهران بود.

سوابق سیاسی، اجرایی و مدیریتی

سردار محمد علی پورمختار، تا پیش از ورود به مجلس، تمام وقت در نهادهای نظامی مشغول فعالیت بوده و کمتر در نهادی خارج از قوای مسلح فعالیت داشته است. مهم‌ترین سرفصل عناوین شغلی و سیاسی این نماینده مجلس به این شرح است:

- عضوکمیته علمی مدیریت بحران دانشگاه امام حسین (ع)
- عضوکمیته علمی و اتاق فکرسازمان مدیریت بحران وزارت کشور
- مدرس مسائل حقوقی و قضایی بحرانهای امنیتی و مدرس مسایل حقوقی جنگ نرم
- عضو و دبیر کمیته تدوین قانون سپاه و نیروی انتظامی
- جانشین رئیس ستاد فرماندهی قرارگاه نجف اشرف و انصارالمهدی
- فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرستان صحنه
- رئیس اداره قوانین، معاون قضایی و انظباطی، معاون حقوقی و معاون ارزشیابی ستاد کل سپاه
- معاون بازرسی دانشگاه امام حسین (ع)
- معاون نیروی انسانی سازمان حفاظت اطلاعات کل سپاه
- مدیرکل حقوقی و امور مجلس بنیادشهید و امور ایثارگران کشور
- مشاور دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور و مشاور رئیس جمهور (احمدی نژاد)
- معاون اداره حقوق شهروندی وزارت کشور
- نماینده فرمانده کل سپاه در سازمان قضایی نیروهای مسلح و ستاد اجرایی فرمان امام
- نماینده فرمانده نیروی انتظامی در قوه قضاییه و دبیر کمیته مشترک راهبردی
- نماینده فرمانده کل سپاه در هیأت عالی انضباطی سپاه (رسیدگی به تخلفات و جرائم فرماندهان)
- نماینده ناجا در کمیسیون مشترک شهرداری تهران
- نماینده ناجا در کمیسیون‌های حقوقی واجتماعی دولت
- نماینده بهار و کبودر آهنگ در مجلس نهم و دهم
- رئیس کمیسیون اصل نود مجلس نهم
- عضو فراکسیون اصول‌گرایان مجلس نهم و دهم

امضای طرح سه فوریتی خروج از مذاکرات هسته‌ای

پورمختار در ردیف مخالفان جدی مذاکرات هسته‌ای و امضای توافقنامه برجام بود. در حالی که تیم هسته‌ای دولت روحانی مذاکرات فشرده‌ای را برای به سرانجام رساندن برجام انجام می‌دادند، پورمختار در همراهی با تندروترین نمایندگان اصول‌گرای مجلس نهم، با ارائه طرحی سه فوریتی خواهان توقف مذاکرات و خروج تیم ایران از میز مذاکرات دادند که البته این طرح مورد حمایت اکثریت مجلس قرار نگرفت. او در مخالفت با طرح برجام که در مجلس مطرح و تصویب شد سخن گفت. پور مختار بر این باور بود که برجام دستاوردی برای ایران به همراه نخواهد داشت و می‌گوید: «برجام تعهد بسیار سختی برای این دولت و دولت‌های آینده و نظارت و محدودیت‌های بسیار شدید ایجاد خواهد کرد و باید بایستیم و برجام را نپذیریم.»
پورمختار دست دادن ظریف وزیر امورخارجه ایران با اوباما رئیس جمهور امریکا را ساده‌اندیشانه توصیف کرده و معتقد است: « دولت باید دور آمریکا را خط بکشد، زیرا هیچ دلیلی برای رابطه سیاسی با آمریکا وجود ندارد.» او این توصیه را اجرای فرمان رهبر ایران عنوان کرده و می‌گوید: «رابطه ما با آمریکا رابطه گرگ با میش است. آمریکا با صفت گرگی به دنبال نابودی انقلاب و در اختیار گرفتن منابع انسانی و علمی ما است.»

حصر ماحصل رعایت رافت اسلامی بود

پورمختار به عنوان عضوی از فراکسیون اصول‌گرایان مجلس نهم و دهم در ردیف مخالفان جنبش سبز قرار دارد. او براین باور است که حصر رهبران جنبش سبز نشانه مورد توجه قرار گرفتن رافت اسلامی در برخورد با سران فتنه است و می‌گوید: «قطعا در وضعیتی متفاوت که نظرات مختلفی در مورد آن وجود دارد ممکن بود که خسارت‌ها و هزینه‌های ایجاد شده هم برای این افراد و هم برای طرفداران آن‌ها و هم برای اوضاع سیاسی کشور با خسارتی سنگین و ایجاد ناآرامی و تنش سیاسی همراه باشد.»
این نماینده مجلس بر این باور است که: «موضوع حصر رهبران جنبش سبز، بیش از آن که ناظر بر وضعیت آنان در خانه‌ها و در دل پایتخت باشد، ناظر بر ملاحظاتی دیگر است و عده‌ای سعی دارند که مطالبات تند و افراطی خود را از این طریق مطرح نمایند و با خروج آن‌ها از حصر، تحرکی نسبی در منتقدان ایجاد نمایند ویا علامت‌هایی به غرب برای مداخله در امور حقوق بشری و سیاست خارجی و داخلی بدهند.»
پورمختار راهپیمایی حکومتی روز ۹ دی ۸۸ که در مخالفت با جنبش سبز برگزار شد را رویارویی حق و باطل خوانده و می‌گوید: «خلق حماسه ۹ دی مشت محکمی بر دهان فتنه‌گران و استکبار جهانی بود که موجبات شناخت چهره نفاق بود و انشاالله مردم بصیر و دانا آنچان که همیشه ثابت کرده‌اند گوش به فرمان ولی فقیه خود در پیشبرد اهداف عالیه انقلاب اسلامی تا سر منزل مطلوب هوشیارانه در تمامی صحنه‌های ملی برای عزت ایران اسلامی حاضر خواهند بود.»

طرح موضوع حقوق بشر برای فشار به ایران است

پورمختار به عنوان دانش‌آموخته حقوق و به عنوان کسی که سال‌ها در دستگاه‌های امنیتی فعال بوده و به ریز موارد نقض حقوق بشر در ایران اشراف دارد، نه تنها در جایگاه نمایندگی مردم به نقض حقوق شهروندان اعتراض نکرده بلکه معتقد است انتقادات کشورهای غربی نیز برای تحت فشار گذاشتن دولت ایران است و در توجیه ادعای خود می‌گوید: «اگر آن‌ها مدعی حقوق بشر هستند چرا در منطقه داعش را تقویت کردند و چرا نابودش نمی‌کنند و چرا علیه

حکومت عراق و سوریه از آن بهره می‌برند و چرا به عوامل ضد حقوق بشری در منطقه توجه نمی‌کنند!» توجیهی که بارها از زبان ناقضان حقوق بشر در ایران شنیده شده است.
مخالفت با طرح اعطای شهروندی به کودکانی که مادر ایرانی و پدر غیرایرانی دارند از دیگر مواردی است که نشان می‌دهد رعایت حقوق بشر برای این نماینده مجلس چندان در اولویت نیست. او در مخالفت با این طرح که خواسته بسیاری از مادران ایرانی است می‌گوید: «این اقدام برای امنیت ملی ایران خطرناک است.» پورمختار در توجیه ضرورت نقض حقوق شهروندی این کودکان به مورد دیگری از نقض حقوق بشر در ایران متوسل می‌شود بی‌توجه به اینکه اصل این توجیه خود پایمال کردن حق زنان ایرانی است او می‌گوید: «این افراد "قاعدتا برخلاف قانون جمهوری اسلامی ازدواج کردند و نباید زمینه برای اقدامات بعدی این افراد مهیا شود.» اشاره او به محرومیت زنان ایرانی برای ازدواج با مردان غیرمسلمان است. زیرا طبق قانون شریعت که در ایران به رسمیت شناخته شده زن مسلمان نمی‌تواند با مرد غیر مسلمان ازدواج کند.

خانواده

پدرش محمد رضا پورمختار سال ۱۳۹۱ درگذشت. یکی از برادرانش نیز در جنگ ایران و عراق شهید شده است. اطلاعات بیشتری از خانواده او موجود نیست.

سلمان خدادادی

حوزه انتخابیه: ملکان
سمت: عضو کمیسیون اجتماعی
فراکسیون: اصول‌گرایان

از تجاوز و زندان تا ریاست کمیسیون اجتماعی

برای خبرنگارانی که در مجلس پنجم پرونده قتل‌های زنجیره‌ای را دنبال می‌کردند، سلمان خدادادی و دو تن از دوستان نزدیک‌اش به نام‌های جهانبخش محبی نیا نماینده میاندوآب و علیرضا غنی زاده نماینده ارومیه، منابع خبری جذابی بودند، نمایندگانی که از وزارت اطلاعات به مجلس راه یافته بودند و اطلاعات ذیقمتی از اتفاقات داخلی این وزارت خانه داشتند. اما سلمان خدادادی نه به خاطر فعالیت‌هایش در مجلس پنجم و ششم و رابطه صمیمی‌ای که با خبرنگاران داشت، بلکه به خاطر اتهام تجاوز به دختران در مجلس هفتم به شهرت رسید. اتهامی که او را روانه زندان کرد ولی بدون اطلاع‌رسانی از کم و کیف دادگاهش، از زندان آزاد و پرونده‌اش مختومه شد. صلاحیت خدادادی در انتخابات مجلس نهم رد شد تا از تداوم نمایندگی‌اش محروم شود و با وجود اینکه هیات نظارت در جریان انتخابات مجلس دهم صلاحیت‌اش را رد کرد ولی با نظر شورای نگهبان به صحنه انتخابات بازگشت و به عنوان نماینده ملکان وارد مجلس دهم شد و کرسی ریاست کمیسیون اجتماعی را از آن خود کرد.

سلمان خدادادی کیست؟

او در سال ۱۳۴۱ در شهر ملکان بدنیا آمد. دوره جوانی‌اش مصادف بود با انقلاب سال ۱۳۵۷، با پیروزی انقلاب و تشکیل وزارت اطلاعات خیلی زود جذب دستگاه اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی شد. در جریان اعدام‌های دهه شصت از عناصر اطلاعاتی آذربایجان شرقی بود. سلمان خدادادی پس از یک دهه فعالیت در اداره اطلاعات آذربایجان، با جلب حمایت جامعه روحانیت مبارز، برای انتخابات دوره چهارم مجلس از حوزه انتخابیه بناب و ملکان که در آن زمان یک نماینده در مجلس داشتند اعلام نامزدی کرد ولی موفق به کسب آراء لازم نشد و از ورود به مجلس چهارم باز ماند تا به‌عنوان مدیرکل اداره اطلاعات اردبیل و سپس به‌عنوان

فرمانده سپاه ملکان، به فعالیت‌های خود ادامه دهد.
چهار سال بعد در سال ۱۳۷۴ بار دیگر شانس خود را برای ورود به مجلس امتحان کرد و این بار برخلاف باورعمومی‌توانست به عنوان نماینده بناب و ملکان انتخاب شود، اما صحت انتخابات توسط مردم بناب زیر سوال رفت و اعتراضات مردم به درگیری مسلحانه و کشته شدن جمعی از متعرضان منجر شد چراکه آن‌ها بر این باور بودند که مردم بناب به نامزدی از شهر ملکان رای نداده و نمی دهند بنابراین نمی‌توانستند صحت انتخابات را تایید کنند. اما در نهایت به عنوان عضو بدنه وزارت اطلاعات علی فلاحیان، وارد مجلس پنجم شد و موفق شد موافقت دولت هاشمی رفسنجانی و مجلس پنجم برای تفکیک حوزه انتخابیه بناب و ملکان را دریافت کند تا از مجلس ششم یک نماینده از بناب و یک نماینده از ملکان راهی مجلس شوند.
در مجلس اصلاح‌طلب ششم، سلمان خدادادی، به کمیسیون بهداشت و درمان رفت بی‌آن‌که سابقه‌ی فعالیت در حوزه درمانی داشته باشد. در این دوره او نماینده ساکت و در حاشیه‌ای بود. خدادادی اما در حوزه انتخابیه چهره مقبولی بود و توانست برای بار سوم وارد مجلس شود ولی در مجلس هفتم به اتهام تجاوز به منشی خود و یکی از دختران مراجعه کننده به دفتر نمایندگان بازداشت و راهی زندان اوین شد. خبری که از سوی مقام‌های قوه قضاییه و رئیس مجلس هفتم تایید شد. خدادادی در حالی راهی زندان شد که موفق شده بود آراء لازم برای ورود به مجلس هشتم را جلب کند اما این بار با مساله رد اعتبارنامه‌اش توسط نمایندگان مجلس هشتم روبرو شد. فاطمه آلیا و فاطمه رهبر دو تن از نمایندگان زن مجلس هشتم که در جریان فساد اخلاقی این نماینده مجلس بودند خواستار ابطال اعتبارنامه‌اش شدند. اعتبار نامه خدادادی در شعبه مربوطه رد شد ولی در جریان رسیدگی به پرونده‌اش در صحن مجلس، به دستورعلی لاریجانی، جلسه مجلس غیرعلنی شد و پس از نیم ساعت مذاکره در جلسه غیر علنی، و در حالی که تعدادی از مردم ملکان در مقابل مجلس تجمع کرده و خواستار اخراج او از مجلس بودند، نمایندگان مجاب شدند که به اعتبار نامه خدادادی رای مثبت دهند. او پیش از تایید اعتبارنامه‌اش در جمع هوادارانش در ملکان با پیش‌بینی اینکه اعتبارنامه‌اش تایید می‌شود، گفته بود: « مراحل پرونده در شعبه بازپرسی به اتمام رسیده و منتظر تشکیل دادگاه هستم لذا در مورد پرونده قضایی‌ام تا به حال سخنی نگفته‌ام و مصاحبه نخواهم کرد و معتقدم این مسائل باید در دستگاه قضایی پیگیری شود و اگر حرفی بزنم که برخی از انقلاب رنجیده خاطر شوند آب به آسیاب دشمن ریختن است و موجب خشنودی دشمنان و رادیوهای بیگانه می‌شود.»
در انتخابات مجلس نهم، نام سلمان خدادادی در فهرست نمایندگان رد صلاحیت شده قرار گرفت تا از ورود به مجلس نهم محروم شود. خدادادی از آنجا که در مجلس پنجم در کمیسیون امنیت ملی حضور داشت، رابطه نزدیکی با حسن روحانی و جمع دیگری از اعضای کابینه روحانی داشت به همین دلیل از حامیان روحانی در انتخابات ۹۲ بود و پس از انتخاب او به ریاست جمهوری ایران به عنوان گزینه اصلی استان‌داری بوشهر مطرح شد تا بر کرسی فریدون حسنوند استاندار وقت بوشهر که او نیز از نیروهای وزارت اطلاعات اما طیف احمدی نژاد این وزارتخانه بود تکیه بزند ولی به دلایل نامعلوم روحانی از این تصمیم منصرف شد تا خدادادی به عنوان مشاور جواد ظریف وزیر امورخارجه گمارده شود. دوسال بعد، خدادادی بار دیگر اسب خود را برای بازگشت به مجلس زین کرد. صلاحیت او در انتخابات دهمین دوره مجلس توسط هیات نظارت رد شد ولی با لابی‌ای که با شورای نگهبان داشت توانست از فیلتر این شورا بگذرد و خود را در معرض رای مردم بگذارد و با کسب بالای پنجاه درصد آراء راهی مجلس

دهم شود. او در این انتخابات از حمایت ائتلاف امید نیز برخوردار بود و توانست آراء لازم جهت ریاست کمیسیون اجتماعی مجلس دهم را از آن خود کند.
این نماینده مجلس که به اتهام تجاوز جنسی سابقه زندان را در کارنامه خود دارد در وزارت اطلاعات مسول نظارت بر آسیب‌های اجتماعی بوده است و حال قرار است با استفاده از تجارب اش، کمیسیون اجتماعی مجلس دهم را اداره کند کمیسیونی که با وجود پنج نماینده زن، بیشترین نماینده زن را داراست.
سلمان خدادادی که در حوزه انتخابیه‌اش به حاج سلمان معروف است، در مجلس پنجم دانشجوی مدیریت بود. او همچون بسیاری از مدیران جمهوری اسلامی تحصیلات دانشگاهی را حین خدمت انجام داده‌اند. او در طول نمایندگی موفق شده که در رشته علوم سیاسی فوق‌لیسانس و در رشته روابط بین‌الملل دکترایش را اخذ کند و علاوه بر نمایندگی مجلس در دانشگاه تدریس کند.

سوابق اجرایی و مدیریتی

- نماینده ملکان و رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس دهم
- مشاور وزیر امور خارجه دولت حسن روحانی
- نایب رئیس کمیسیون شوراهای مجلس هشتم
- عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس هفتم
- عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس ششم
- عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس پنجم
- فرمانده سپاه ملکان
- مدیرکل اطلاعات اردبیل
- معاون مدیرکل اطلاعات آذربایجان شرقی

جنبش سبز و حقوق بشر در کارنامه خدادادی

سلمان خدادادی به عنوان عضو فراکسیون اصول‌گرایان ادوار مجلس، رابطه نزدیکی با هاشمی رفسنجانی دارد و از حامیان او به شمار می‌آید. از این رو در جریان اتفاقات سال ۸۸ او نماینده‌ای ساکت بود. کمتر جایی می‌توان له یا علیه جنبش سبز مطلبی از خدادادی پیدا کرد.
در ۱۶ سال کارنامه نمایندگی‌اش نمی‌توان جایی نطقی در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران یا تلاشی برای استیفای حقوق بشر پیدا کرد تنها می‌توان به برخی از طرح‌هایی اشاره کرد که به منظور حمایت از معلمان یا کارگران امضا کرده است. طرح‌هایی هم‌چون طرح بیمه بیکاری و حمایت از بیکاران متقاضی کار، طرح احتساب سابقه تدریس معلمان حق التدریس استخدامی در آموزش و پرورش یا امضای نامه‌ای برای حفاظت از دریاچه ارومیه به عنوان تلاشی زیست محیطی که البته تلاش‌ها نیز بیش از آن‌که تلاشی برای استیفای حقوق بشر تلقی شود در راستایی تلاش‌هایی برای کسب رای مجدد قابل ارزیابی است.

یوناتن بت کلیا

حوزه انتخابیه: اقلیت آشوری
سمت: عضو کمیسیون عمران
فراکسیون:-

پای ثابت سفرها و دیدارهای دیپلماتیک

چند سال پیش مجلس قانونی تصویب کرد که براساس آن استفاده ابزاری از زنان در تبلیغ کالاها و محصولات ممنوع شد اما ظاهرا استفاده ابزاری از اقلیت‌ها در سفرها و دیدارهای دیپلماتیک به رویه‌ای در سیاست حفظ ظاهر در روابط خارجی دولت و مجلس شورای اسلامی تبدیل شده است به‌طوری‌که در هر سفر یا دیدار خارجی تلاش می‌شود یک نفر از فراکسیون زنان و یک نفر از اقلیت‌های دینی تزیین‌کننده ترکیب هیات ایرانی باشد. یوناتن بت کلیا نه تنها این نقش را به خوبی در چهار دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی ایفا کرده و بلکه با در اختیار گرفتن عنوان سخن‌گوی کمیته حقوق بشر مجلس ایران در سازمان جهانی بین‌المجالس، وظیفه پاسخ‌گویی به ناظران بین‌المللی را هم در اختیار گرفته است.

یوناتن بت کلیا کیست؟

او متولد ۱۳۳۰ در شهر ارومیه است. در رشته مدیریت هتل‌داری از دانشگاه علامه طباطبایی لیسانس گرفته و گفته می‌شود به زبان‌های انگلیسی، آذری و آشوری تسلط دارد. برای اولین بار او در سال ۱۳۷۸ به نمایندگی از اقلیت آشوری و کلدانی پا به مجلس ششم گذاشت و توانست کرسی خود را برای پنج دوره متوالی حفظ کند. او درحالی برای ورود به مجلس دهم آماده می‌شود که دبیرکل اتحادیه جهانی آشوری‌ها در تهران نیز شناخته می‌شود. او علاوه بر نمایندگی مجلس به فعالیت اقتصادی هم مشغول است و هم‌زمان مدیرعامل شرکت انتشاراتی ایلونا و مدیرعامل شرکت ساختمانی تهران ماگان نیز است.

اقلیت‌های دینی هر یک در مجلس یک نماینده دارند ولی یوناتن بت کلیا و مواضع او در دفاع از نظام جمهوری اسلامی به حدی مورد توجه مقامات حکومتی است که در هر سفر بین المللی او یک پای ثابت هیات ایرانی است. در بیشتر دیدارهای بین المللی علی لاریجانی رئیس مجلس

او حضور دارد تا نشان دهد ایران به حقوق اقلیت‌های دینی بها می‌دهد و آن‌ها در عالی‌ترین سطح حکومتی حضور دارند.
کمتر می‌توان نطقی از نمایندگان اقلیت‌های دینی خصوصا یوناتن بت کلیا پیدا کرد که انتقادی متوجه حکومت کرده باشد چرا که اصولا آن‌ها نقشی فراتر از تزئین مجلس به وجود اقلیت‌های ادیان ندارند. او در یکی از انتقادی‌ترین نطق‌هایش در مجلس که خلاف رویه جاری‌اش تلقی می‌شد به اشغال یک کلیسا توسط یک هیات مذهبی در تهران اعتراض کرده و می‌گوید: «قریب به دو سال است که گروهی در لوای هیات مذهبی، به بهانه تاسیس و بنای حسینیه، زمین متعلق به کلیسای کاتولیک آشوری کلدانی در خیابان پاتریس لومومبای تهران را به صورت غیر قانونی تصرف کرده‌اند و با وجود مراجعات مکرر و بررسی متعدد مسئولان، به تصرفات غاصبانه خود ادامه داده و ادعای دین‌داری هم می‌کنند». او پس از ایراد این نطق در صحن علنی مجلس در گفتگویی با روزنامه شرق انتقادات‌اش را وسعت بخشیده و می‌گوید: «اگر ما کافریم، در این مجلس چکار می‌کنیم؟»

نماینده اقلیت آشوری و نقض حقوق بشر

یوناتن بت کلیا پس از ۱۶ سال حضور در مجلس بدون هیچ پرسشی در خصوص دلیل محرومیت اقلیت‌ها از حضور در هیات رئیسه مجلس، حضور در هیات دولت و تکیه بر کرسی‌های مهم مدیریتی، نه تنها از نقض حقوق اقلیت‌ها ناراحت نیست و آن را بیان نمی‌کند بلکه وقتی احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل در گزارشی نسبت به نقض حقوق اقلیت‌ها در ایران اعتراض می‌کند برآشفته شده و در نطقی او را به دروغ گویی متهم کرده و می‌گوید: «مدعیان دروغین حقوق بشر باید بدانند اقلیت‌های دینی ایران پشتوانه بزرگی به نام قانون اساسی دارند و تمامی حقوق آن‌ها در آن درج شده است». او توضیح نمی‌دهد که آیا اقلیت‌های دینی ساکن ایران نیز همین تفکر را دارند یا نسبت به محرومیت‌های اجتماعی گسترده معترض اند.
یوناتن بت کلیا حتما به زندانهای ایران سرنزده و بهایی‌های داخل زندان‌ها را ندیده و از درد دل آن‌ها بی‌خبر است ولی حتما سخنان آشوری‌ها و دیگر مسیحیان ایران را که در ساختار اداری ایران از رتبه‌ای بالاتر نمی‌توانند بروند مطلع است از اینکه از مسلمانان ارث نمی برند و اموال‌شان از گزند دیگر اعضای مسلمان خانواده‌شان در امان نیست نیز مطلع است ولی باز می‌گوید: «اقلیت‌های دینی رسمی کشور نه تنها هیچ مشکلی از نظر برگزاری آداب مذهبی خود ندارند، بلکه قانون اساسی کشور امتیازاتی برای آن‌ها از جنبه‌های گوناگون از جمله حقوق شهروندی و حقوق دینی مذهبی در نظر گرفته است». او می‌افزاید: «مدعیان حقوق بشر باید پاسخ دهند چرا در برابر جنایات سوریه ساکت مانده و مسببان آن را مجازات نمی‌کنند اما کشوری را که حامی بزرگ حقوق بشر است دائما ناقض حقوق بشر می‌خوانند. دشمنان برای تفرقه افکنی میان اقوام مختلف و تسلط بر ذهن اقلیت‌های دینی با تهیه گزارش‌های دروغین تلاش می‌کنند وحدت ملت ایران را برهم بزنند. اقلیت‌های دینی در کشورهای اروپایی و کشورهای منطقه هیچکدام از آزادی بیان و عمل به منظور انجام فرائض دینی خود برخوردار نیستند اما در ایران اسلامی از آزادی و امنیت شایسته‌ای برخوردارند.»

تایید سیاست‌های حاکم و بقا در حکومت

یوناتن بت کلیا به درستی نشان داده که یکی از رمزهای بقا در نظام حکومتی ایران و حفظ کرسی نمایندگی تایید سیاست‌های حاکم و تبلیغ حکومت در نطق‌ها و سخنرانی‌ها و مصاحبه‌هاست

کاری که بت کلیا در آن تبحر دارد او در مصاحبه‌ای با تایید ضرورت توجه به اقتصاد مقاومتی می‌گوید:«برای تحقق اقتصاد مقاومتی باید بازنگری درونی انجام دهیم و نقشه و راهبرد آن باید اقتصاد مقاومتی مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری باشد. رهبری مسیر را نشان داده‌اند و ما باید آن را اجرا کنیم.» او در ادامه به سخنان رهبر ایران مبنی بر سیاست نظام سلطه برای نفوذ به کشور پرداخته و می‌گوید: «بیشترین فشار که از جانب نظام سلطه بیان می‌شود روی مساله نفت است و جدا شدن هرچه بیشتر بودجه کشور از وابستگی به درآمدهای حاصل از فروش نفت، می‌تواند راهکار مناسبی برای مقابله با تحریم‌ها باشد.»

یوناتن بت کلیا در مصاحبه‌ای تفصیلی با خبرگزاری مهر ضمن حمایت تمام قد از رهبران ایران، تلویحا اعتراف می‌کند که اقلیت‌های دینی در صداوسیمای جمهوری اسلامی تحریم شده و می‌گوید: «من از صداوسیما گله دارم چون هیچ وقت از موضوعات اقلیت‌های مذهبی در ایران به نحو احسنت بهره برداری نکرده است، وقتی اوباما از محدودیت‌های اقلیت‌های دینی در ایران سخن می‌گوید، بهتر از هر کس ما می‌توانیم اظهارنظر کنیم چون سخنان ما اظهارات امثال اوباما را نقض می‌کند. صداوسیما هیچ گاه برنامه‌های مربوط به مسیحیان، کلیمیان و آشوریان را از رسانه ملی پخش نمی‌کند. ما نمایندگان ملت هستیم، رای ما می‌تواند در سرنوشت کشور تاثیرگذار باشد. یکی از کارکردهای شبکه برون‌مرزی صداوسیما انعکاس برنامه‌های مربوط به ماست.»

اطلاعاتی از حضور یا عدم حضور او در کنار انقلابیون در سال ۱۳۵۷ نیست منتهی در مصاحبه‌ای از دیدارش در روزهای پس از انقلاب با رهبر فقید ایران یادی می‌کند و می‌گوید: «بعد از بازگشت امام از فرانسه، دیدار اقلیت‌های دینی با ایشان یکی از نخستین دیدارهایی بود که انجام شد. بنده در آن جلسه که در جماران انجام شد، حضور داشتم. مسیحیان، کلیمیان، زرتشتیان و ارامنه با امام خمینی (ره) دیدار کردند و در آن دیدار امام فرمودند: «ما ید واحد و ملت واحد هستیم».

اطلاعاتی از سوابق یوناتن بت کلیا در زمان جنگ ایران و عراق و اطلاعات خانوادگی‌اش در دست نیست.

عبدالرضا مصری

حوزه انتخابیه: کرمانشاه
سمت: عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات
فراکسیون: اصول‌گرایان

بن‌های کمیته امداد و سه دوره نمایندگی مجلس

در شبه دموکراسی‌هایی که نظام حزبی ریشه دار در آن‌ها وجود ندارد، برای ورود به مجلس، الزاما نباید عنصر حزبی و سیاسی و یا فعال صنفی و سندیکایی بود بلکه عوامل دیگری مثل تعلقات قومی و قبیله ای، یا داشتن شهرت ناشی از فعالیت‌های ورزشی، سینمایی و هنری می‌تواند پلی بلند به سوی قدرت باشد. اما این همه ماجرا نیست بلکه در مجلس ایران بسیارند نمایندگانی که هیچ یک از این مزایا را نداشته ولی هریک به طریقی به مجلس راه یافته‌اند. عبدالرضا مصری از این جمله است. کسی که مهم‌ترین مزیت‌اش معاونت کمیته امداد امام خمینی بوده است. کمیته‌ای که مخزن بن‌های حمایتی از خانواده‌های بی‌سرپرست و مستمند، دانشجویان در شرف ازدواج و دختران دم بخت و ... است.

عبدالرضا مصری کیست؟

او متولد ۱۳۳۵ در کرمانشاه است. مصاحبه‌ها و نقل‌قول‌هایی که از وضعیت خانوادگی‌اش داشته نشان می‌دهد که به خانواده‌ای فقیر تعلق داشته است. به گفته خودش از کودکی هم‌زمان با تحصیل کار می‌کرده است. از شش سالگی در مغازه کتاب فروشی کار می‌کرده و مدتی بعد به دست‌فروشی رو می‌آورد. سه ماه قبل از آغاز دوران سربازی راننده تاکسی بوده و با کارگری امورات روزمره را می‌گذراند. قبل از پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۶ ازدواج می‌کند و دانش آموخته زمین‌شناسی است.

کم نیستند افرادی که سوابق کاری و تحصیلی‌شان هیچ ربطی به هم ندارد. عبدالرضا مصری یکی از آن‌هاست. او لیسانس و فوق‌لیسانس‌اش را در رشته زمین‌شناسی از دانشگاه تربیت معلم می‌گیرد و به هر کاری روی می‌آورد جز زمین‌شانسی! او پس از فارغ التحصیلی در رشته زمین‌شناسی به عنوان طراح و مجری طرح پزشک خانواده فعالیت‌اش را شروع می‌کند. پس

از مدتی به عضویت شوراهای هماهنگی بیمه‌های درمانی استان کرمانشاه در می‌آید و از آنجا به عنوان مشاور درمانی به کمیته امداد امام خمینی به مدیریت عسگراولادی دبیرکل جمعیت موتلفه اسلامی می‌پیوندد عنوانی که روشن نیست چه نسبتی به سوابق تحصیلی و تخصص‌اش دارد.
فعالیت‌های مصری به کمیته امداد محدود نشده و به مقام دادیاری دادگستری کرمانشاه و بعد از آن به جانشینی دادستان دادگاه انقلاب اسلامی کردستان منصوب می‌شود. دادگاهی که در اوایل انقلاب برای محاکمه مخالفان انقلاب اسلامی و مدیران نظام پهلوی تاسیس می‌شود. او پس از مدتی فعالیت در دادگاه انقلاب کردستان به کمیته امداد امام خمینی باز می‌گردد و به مدیرکلی کمیته امداد امام در کرمانشاه می‌رسد و پس از آن با ارتقاء شغلی به معاونت کمیته امداد امام منصوب می‌شود. منصبی که او را به جمعیت موتلفه اسلامی نزدیک و نزدیکتر می‌کند.
با قلع و قمع نمایندگان مجلس ششم و اصلاح‌طلبان، در انتخاباتی بی‌رقیب، هم‌چون دیگر اصول‌گرایان وارد مجلس هفتم می‌شود و مورد توجه محمود احمدی نژاد قرار می‌گیرد تا خیلی زود از مجلس به دولت کوچ کند و بر مسند وزارت رفاه و تامین اجتماعی تکیه زند. اما عمر وزارت‌اش چندان طولانی نیست و خیلی زود از کرسی وزارت کنار گذاشته می‌شود و به عنوان سفیر رهسپار کشور مورد علاقه محمود احمدی نژاد «ونزوئلا» می‌شود تا به نزدیکی هرچه بیشتر احمدی نژاد و هوگو چاوز کمک کند.
با خاتمه یافتن عمر سفارت مجدد به مجلس باز می‌گردد ولی این بار به هیات رئیسه مجلس نهم راه می‌یابد و عنوان سخن‌گویی هیات رئیسه را از آن خود می‌کند. عبدالرضا مصری در حالی که در انتخابات مجلس نهم با یکصد هزار رای وارد مجلس شده بود در انتخابات مجلس دهم نیز شرکت و با ۱۴۳۹۲۸ رای برای بار سوم نمایندگی مردم کرمانشاه در مجلس را از آن خود می‌کند. او عضو کمیته ائتلاف اصول‌گرایان در انتخابات مجلس دهم بود.
عبدالرضا مصری در تشریح موفقیت‌هایش در وزارت رفاه می‌گوید: «دوره وزارت به من کمک کرد که تا بسیاری از رویاهای من محقق شود که از جمله آن بیمه رانندگان و بیمه خادمان مساجد محقق شد، بخشودگی جرایم کارفرماها انجام شد، بیمه ایرانیان، ساخت خانه‌های مهر برای بازنشستگان، تشکیل اورژانس اجتماعی و ... بود که در این دوره و با همراهی مجلس با وزارت رفاه این ابداعات انجام شد.» واگذاری بخش قابل توجهی از بودجه و ماموریت سازمان بهزیستی به کمیته امداد امام خمینی و راه‌اندازی روزنامه خورشید برای تبلیغ محمود احمدی نژاد از بودجه وزارت رفاه از دیگر آثار برجامانده از دوران وزارت مصری در این وزارتخانه است.
از صحبت‌ها و مصاحبه‌هایش می‌توان به شباهت‌های فکری و رفتاری‌اش با محمود احمدی نژاد و از راز ورود ش به دولت او پی برد. مصری در پاسخ به پرسشی در خصوص برنامه نورزی‌اش می‌گوید: «اگر جایی کم هزینه برای اسکان‌مان در شهرهای مختلف پیدا کنیم به سفر هم می‌رویم چون ما با عروس و نوه خانواده پرجمعیت ۱۰ نفره‌ای هستیم که برای مان امکان تامین هزینه هتل و یا اجاره خانه برای مسافرت نیست.»

سوابق انقلابی

در سوابق عبدالرضا مصری اشاراتی به فعالیت‌هایی در دوران انقلاب اسلامی یا جنگ هشت ساله ایران و عراق شده که نشان می‌دهد او را می‌توان در ردیف نیروهای فعال آن دوران دانست. او در بیان خاطرات‌اش از آن دوران می‌گوید: «در ایام انقلاب سعی داشتیم تا به کمترین

میزان با نیروهای امنیتی به ویژه ارتش درگیر شویم، چرا که امام خمینی (ره) راه مسالمت آمیز را به مردم توصیه می‌کردند.» مصری می‌افزاید: «در روزهای انقلاب اسلامی به یاد دارم که به همراه تعدادی از مردم به سمت مهمانسرای استانداری سابق رفتیم و از طریق پشت بام مجاور قصد ورود به آن مکان را داشتیم. با وجود اینکه چندین سرباز بر پشت بام آن محل مستقر بودند، اما ما از همراهی آن‌ها مطمئن بودیم و بعد از مدتی آن محل را جوانان انقلابی، تحت کنترل گرفتند. اما در جریان این درگیری‌ها دچار سانحه سقوط شدم و به شدت زخمی شدم. بعد از جراحت به یکی از خیابان‌های اطراف رفته و یکی از خانواده‌های انقلابی مرا به منزل خود دعوت کرد تا از نیروهای امنیتی در امان باشم.» علاوه براین فعالیت‌اش در دادگاه انقلاب اسلامی کردستان از رابطه‌اش با عناصر انقلابی حکایت دارد. دادگاهی که در اختیار نیروهای تندروی حکومت برای تسویه حساب با بازماندگان نظام سابق و حذف مخالفان و منتقدان حکومت تشکیل شده بود و جز نیروهای خودی کسی در این محاکم فعال نبود.

جنبش سبز و باورهای عبدالرضا مصری

هم‌چون بیشتر یاران محمود احمدی نژاد از اتهام زدن به فعالان جنبش سبز و وابسته خواندن آن‌ها کوتاهی نمی‌کند. او در یکی از شدیدترین نطق‌هایش علیه جنبش سبز، این جنبش را طرحی برنامه‌ریزی شده برای براندازی نظام جمهوری اسلامی می‌خواند و در نماز جمعه کرمانشاه می‌گوید: «برای این فتنه ۱۰ سال برنامه‌ریزی شده بود با دوگزینه. اگر به دولت راه می‌یافتند برندازی را به شیوه‌ای تدریجی دنبال می‌کردند و حال که نتوانستند دولت را در اختیار بگیرند گزینه‌شان کودتا علیه رای مردم بود کودتایی نرم و براندازانه.» او با چشم‌پوشی روی بیانیه ضد تحریم میرحسین موسوی از رهبران جنبش سبز که بازتابی بین المللی داشت در مطلبی دروغ و ساختگی می‌گوید: «پس از راهپیمایی بزرگ ۲۲ بهمن، بلافاصله محسن مخملباف از طرف میرحسین موسوی پیامی را برای اوباما برد که باید تحریم‌ها علیه ایران تشدید شود. پس از آن فشارهای اقتصادی علیه ملت آغاز شد.»

حقوق بشر در نگاه نماینده کرمانشاه

عبدالرضا مصری طی دو دوره نمایندگی مجلس شورای اسلامی کمترین تلاشی برای ارتقاء حقوق بشر در ایران نداشت و نمی‌توان موردی از اعتراض و ناراحتی در مصاحبه‌ها و نطق‌هایش در نقض حقوق بشر پیدا کرد. او نیز مانند سایر اصول‌گرایان در اظهارات حقوق بشری به جملات کلیشه‌ای بسنده کرده و با زیر سوال بردن فعالیت‌های احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل و دیگر نهادهای بین المللی می‌گوید: «با سکوتی که اروپا در مقابل افتضاحی که در منطقه در کشورهای عراق، سوریه، بحرین، یمن افتاد ه است، در پیش گرفته دیگر نگرانی آن‌ها در زمینه حقوق بشر دوستانه کوچکترین ارزشی ندارد.» او بدون اشاره به وارد بودن یا بی‌اساس بودن گزارش‌های بین المللی در مورد نقض حقوق بشر در ایران می‌گوید: «آمریکا خودش به هواپیمای غیرنظامی ما تعرض می‌کند و از ابتدای انقلاب تاکنون بیش از ۱۶ حمله نظامی داشته است و به حقوق بشر سایر کشورها تعرض کرده، آیا این موارد هیچ‌کدام حقوق بشر محسوب نمی‌شود؟ آیا نباید برای سایر ۶ میلیارد مردم دنیا جایگاهی از نظر حقوق بشر قائل شد؟ آیا مردم بحرین بشر نیستند؟»

در میان طرح‌های متعددی که در مجلس نهم با امضای مصری تقدیم هیات رئیسه شده هیچ اثری از طرحی در حمایت از حقوق زنان یافت نمی‌شود تنها در موردی می‌توان از حمایت او از

تلاش فراکسیون زنان مجلس نهم جهت واگذاری بخش قابل توجهی از بودجه معاونت زنان ریاست جمهوری به سازمان بهزیستی پیدا کرد. او در این خصوص می‌گوید: ««این طور نبوده که انتقال این اعتبار از بودجه معاونت زنان به کاری غیر از امور زنان اختصاص داشته باشد بلکه مصوب شده این ۳۰ میلیارد ریال توسط بهزیستی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و حمایت از زنان و دختران آسیب‌دیده هزینه شود. بنابراین می‌توان گفت که فقط نهاد هزینه کننده فرق کرده است نه موضوع اعتبار. مهم این است که بودجه مربوط به زنان و دختران برای خودشان هزینه شود».

مصری در دوره نهم مجلس شورای اسلامی حدود ۵۰ طرح را امضاء کرده که عموم آن‌ها به مسایل رفاهی و حمایتی و برخی از آن‌ها کاملا سیاسی است. طرح‌هایی که نشان می‌دهد نماینده‌ای فعال برای کمیته امداد امام خمینی در مجلس است. تعدادی از طرح‌های امضاء شده توسط مصری به این شرح است:

- طرح واگذاری خدمات حمایتی به کمیته امداد امام خمینی (ره) و خدمات توانبخشی به سازمان بهزیستی
- طرح الحاق کمیته امداد امام خمینی (ره) به فهرست نهادها و مؤسسات مشمول ماده (۱۷۲) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۷۱
- طرح انتزاع خدمات بیمه درمانی مددجویان روستایی و عشایری و شهرهای با جمعیت کمتر از بیست هزار نفر از سازمان سلامت ایران و الحاق آن به کمیته امداد امام خمینی (ره)
- طرح الحاق یک تبصره به قانون اعطای مجوز استخدام نیروی انسانی بهداشتی و درمانی
- طرح نظام رتبه بندی معلمان
- طرح مقابله با دولتها و نهادهای خارجی و بین المللی حامی تروریسم
- طرح اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام
- طرح ممنوعیت به کارگیری بازنشستگان
- طرح نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی
- طرح الزام دولت به حفظ دستاوردها و حقوق هسته‌ای ملت ایران
- طرح دائمی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده با اصلاحات موادی از آن
- طرح پرداخت حق فوق العاده ماموریت سفرهای خارج از کشور مقامات و کارکنان دولت
- طرح آزادسازی معامله سهام عدالت در بورس
- طرح برداشت پانصد میلیون دلار از منابع صندوق توسعه ملی و افزایش سرمایه بانک‌های دولتی و صندوق مهر امام رضا (ع) به منظور پرداخت تسهیلات ازدواج جوانان
- طرح آموزش همگانی قرآن کریم در خانه
- طرح پیگیری حقوقی- سیاسی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ توسط دولت‌های آمریکا و انگلیس علیه دولت ملی ایران

سوابق خانوادگی

نام پدرش علی است. او در سال ۱۳۵۶ ازدواج کرد که ماحصل ازدواج‌شان سه فرزند پسر است. او دو عروس و سه نوه دارد. اطلاعاتی از شغل و مسولیت همسر، پسران و عروس‌هایش در دست نیست.

محمدقسیم عثمانی

حوزه انتخابیه: بوکان
سمت: عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور
فراکسیون: امید

شکست طلسم ۳۸ ساله

انحصار هیات رئیسه مجلس که برای ۹ دوره متوالی در دست شیعیان بود، بالاخره شکست. محمد قسیم عثمانی نماینده بوکان با پیروزی در انتخابات هیات رئیسه مجلس دهم، بر کرسی‌ای تکیه زد که پیش از این هیچ اهل سنتی نتوانسته بود بر آن بنشیند. فارغ از تاثیر علی لاریجانی رئیس مجلس دهم و رابطه نزدیک‌اش با بیوت مراجع، که به سکوت آن‌ها در برابر این تصمیم منجر شد، نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که شخصیت، سابقه نمایندگی و علمی محمد قسیم عثمانی نیز در این اتفاق موثر بوده است.

محمد قسیم عثمانی کیست؟

او در سال ۱۳۴۸ در روستای داشبند از توابع شهرستان بوکان و در خانواده‌ای مذهبی و کرد متولد شد. تحصیلات خود را در مقطع ابتدایی در همین روستا طی می‌کند و برای ادامه تحصیلات به بوکان می‌رود. با اخذ دیپلم در این شهرستان راهی تهران و دانشگاه شهید بهشتی می‌شود تا در رشته حسابداری تحصیل کند. تا پایان مقطع فوق‌لیسانس در دانشگاه بهشتی می‌ماند بعد برای اخذ درجه دکترا راهی دانشگاه علامه طباطبایی می‌شود. او دکترایش را در حوزه بودجه‌بندی اقتصادی اخذ می‌کند.

عثمانی پس از سال‌ها تدریس در دانشگاه بوشهر و همکاری با مرکز پژوهش‌های مجلس، در سال ۸۲ در انتخابات مجلس هفتم ثبت‌نام می‌کند ولی صلاحیت‌اش توسط شورای نگهبان رد می‌شود. تا تمام وقت مشغول تدریس در دانشگاه شهید بهشتی شود. عثمانی بار دیگر در انتخابات مجلس هشتم ثبت‌نام می‌کند و این بار موفق می‌شود نظر مساعد شورای نگهبان را جلب کند و با رای مردم برای اولین بار به مجلس راه یافت. حضوری که با پیروزی در انتخابات مجلس نهم و دهم نیز همراه شد تا با کسب هشت سال تجربه نمایندگی به هیات رئیسه

مجلس دهم راه یابد.
عثمانی نه در جرگه اصلاح‌طلبان و نه در طیف اصول‌گرایان می‌گنجد، نماینده‌ای است مستقل و میانه‌رو. او در این رابطه می‌گوید: «بنده نگاه اعتدالی دارم و با افراطگرایان هیچ کدام از جناحین هم‌سو و همراه نبوده و نخواهم بود. نگاه فراجناحی دارم و جز به مردم و نظام به هیچ جریانی وابسته و دلبسته نبوده و منافع مردم و نظام را هم بر منافع اصول‌گرایانه و هم بر منافع اصلاح‌طلبانه و حتی بر منافع خود، ترجیح می‌دهم و در مجلس بر اساس تشخیص خود در مسیر اصیل نظام و خدمت بی‌منت به مردم فعالیت خواهم کرد».
عثمانی یک بار با حمایت هیات رئیسه مجلس به عنوان یکی از کاندیداهای ریاست دیوان محاسبات مجلس نیز مطرح شد. سمتی که تاکنون سابقه نداشته به یک سنی مذهب واگذار شود. او اگر به هیات رئیسه مجلس راه نمی یافت می‌توانست یکی از گزینه‌های جدی ریاست کمیسیون بودجه مجلس دهم باشد.

سوابق کاری و علمی

- لیسانس حسابداری از دانشگاه شهید بهشتی
- فوق‌لیسانس حسابداری از دانشگاه شهید بهشتی
- دکترای حسابداری از دانشگاه علامه طباطبایی
- عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی
- نویسنده چند کتاب دانشگاهی و مقالات علمی
- نماینده مردم بوکان در دوره هشتم و نهم و دهم مجلس شورای اسلامی
- عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی
- عضو هیات رئیسه مجلس دهم
- مدیرعامل چند شرکت سهامی عام پذیرفته شده در بورس
- حسابدار رسمی و عضو هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی کشور
- سردبیر مجله علمی -پژوهشی دانش حسابرسی
- عضو انجمن حسابداران خبره کشور
- عضو انجمن مدیران صنایع کشور
- عضو کانون نخبگان کشور

طرح‌های امضاء شده توسط عثمانی در مجلس

در مجلس نهم نامش در ردیف حدود ۶۷ طرح آمده است، طرح‌هایی که عمدتا در حوزه تخصص‌اش یعنی برنامه و بودجه طراحی و به مجلس تقدیم شده است. مهم‌ترین طرح‌هایی که با امضای عثمانی تقدیم هیات رئیسه مجلس نهم شد به این شرح است:

- طرح دائمی شدن قانون مالیات بر ارزش افزوده با اصلاحات موادی از آن
- طرح ممنوعیت واردات غیرضروری محصولات کشاورزی
- طرح تشکیل سازمان مدیریت، برنامه‌ریزی و بهره‌وری
- طرح مقابله با اخلال ارزی و مجازات اخلالگران
- طرح ساماندهی تخصیص ارز در شرایط اقتصاد مقاومتی و حمایت از تولید ملی

عثمانی اگرچه خود را در طیف نمایندگان اعتدالی معرفی می‌کند ولی در میان طرح‌هایی که به عنوان طراح امضاء کرده، مواردی به چشم می‌خورد که در ردیف برنامه‌های اصول‌گرایان

تندروی مجلس نهم بود طرح‌های همچون:
- طرح قانون مقابله با گروه‌های انحرافی
- طرح اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام
- طرح تقویت و توسعه سازمان بسیج رسانه
- طرح حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها

خفاشان حقوق بشر؟

در فعالیت‌های عثمانی کمتر فعالیتی در حوزه حقوق بشر می‌توان یافت. این مهم را از دو زاویه می‌توان مورد توجه قرار داد. اول حوزه تخصص و دغدغه فکری او که بیشتر حول مسایل مالی و بانکی می‌چرخد و دوم تعلق‌اش به اقلیت‌ها در ایران. عثمانی همچون دیگر نمایندگان اقلیت (اقلیت مذهبی) مجالی برای ورود به این عرصه ندارد و همین که به تریبونی برای صاحبان قدرت در سرپوش نهادن به نقض حقوق بشر تبدیل نشوند، قابل توجه است. عثمانی اگرچه در این حوزه بیشتر سکوت را ترجیح داده ولی فریاداش در یک ضایعه حقوق بشری مجلس را پر کرد و آن زمانی بود که عکس جنازه کودک کرد سوری در ساحل به عکس روز تمام رسانه‌های دنیا تبدیل شد. فریاد عثمانی بیش از آن‌که جنایتکاران و حامیان‌شان را نشانه رود، متوجه فعالان حقوق بشر بود، تحلیلی که نشان می‌داد او بیشتر مقهور قدرت است تا مدافع حقوق بشر. عثمانی در این نطق می‌گوید: «مرگ آیلان برای بشریت امروز یک ننگ بود و اگر مدعیان دموکراسی و حقوق بشر چیزی از بشریت را باقی گذاشته باشند؛ مرگ آیلان برای بشریت امروز یک فاجعه بود اگر مدعیان حقوق بشر فاجعه ناکرده‌ای را بر روی زمین باقی گذاشته باشند؛ مرگ آیلان برای بشریت امروز یک تاریخ بود که مدعیان حقوق بشر چیزی از انسانیت و تاریخش باقی نگذاشته‌اند و آری مرگ آیلان برای بشریت امروز یک درس و یک شوک بود اگر خفاشان مدعی حقوق بشر سویی از نور و نوری از حقیقت باقی گذاشته باشند؛ آری مرگ آیلان نه مرگ یک فرد بلکه مرگ انسانیت، مرگ فطرت و بشریت و فریاد بی‌کسی مردمی بود که پس از شیمیایی و نسل کشی توسط صدام ملعون اکنون باید از ترس ددمنشی داعشیان که از جیب آل سعود می‌خورند، دل و تن به دریا بزنند.»

از منظر حقوق بشر، تنها جایی که شاید بتوان عثمانی را یک اکتیوست موثر خواند، حوزه محیط زیست است جایی که با ارائه چند طرح تلاش شده تا گامی در راستای حفاظت از محیط زیست برداشته شود. امضای طرح حفظ و صیانت از جنگل‌های کشور و امضای طرح اصلاح قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع از جمله فعالیت‌های موثر او در مجلس نهم در حوزه محیط زیست بوده است.

جنبش سبز و اعلام حمایت از میرحسین موسوی

محمد قسیم عثمانی از جمله نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی بود که پیش از انتخابات، نامه حمایت از کاندیداتوری میرحسین موسوی را امضاء کرد ولی بعد از انتخابات همراه جنبش سبز باقی نماند و خیلی زود خط خود را از جنبش سبز جدا و همچون اکثریت نمایندگان وقت مجلس، جنبش سبز و رهبران آن را فتنه‌گر خواند. با این وجود انتقادهایش از دولت محمود احمدی نژاد در صحن مجلس، او را از صف اصول‌گرایان مخالف میرحسین موسوی جدا می‌کرد. او در نطقی جنجالی، محل هزینه تبلیغاتی احمدی نژاد را بودجه دارو و درمان مردم دانست

و گفت: «پول این میتینگ‌ها (میتینگ تبلیغاتی احمدی نژاد در ورزشگاه آزادی) همان پول داروی بیمارانی است که پرداخت نشده و کسانی که از عدالت دم می‌زنند با پول بیت المال این چنین می‌کنند.» اظهاراتی که با واکنش تند حامیان دولت وقت در مجلس هشتم روبرو شد نمایندگان هم‌چون روح الله حسینیان و مهدی کوچک زاده که تا مرحله زد و خورد هم جلو رفتند.

سوابق خانوادگی

پدرش ملا محمد جسیم عثمانی از علمای سنی بوکان بود. او در خصوص نحوه ازدواج و همسرش می‌گوید: «هر چند گاهی خانواده یک نفر را پیدا می‌کردند و پیشنهاد می‌دادند و بنده می‌گفتم که ازدواج نمی کنم. تا اینکه مرحوم پدرم یک نفر با پیدا کرده بودند و با پدرش صحبت کرده بودند و قرار صحبت گذاشته بودند. در یکی از تعطیلات در خرداد ماه ۱۳۷۵ که به بوکان رفته بودم اصرار کردند که باید بروید منزل ایشان و ملاقاتی داشته باشید. منم اصرار می‌کردم که قصد ازدواج ندارم ولی چون خانواده ما پدرسالاری بود بالاجبار با مادرم و یکی از خواهرانم رفتیم دیدن ایشان. رفتیم و حدود ۵ دقیقه با اون خانم صحبت کردم و بعد که برگشتیم مادرم پرسید چی شد؟ پسندیدی؟! منم گفتم بله قبوله! به همین سادگی ازدواج ما با همسرم شکل گرفت که حاصل این ازدواج ۳ فرزند است. دخترم رضوان که سال ۷۶ متولد شد، پسر بزرگم آپو که سال ۱۳۸۴ و پسر کوچکم آزاد که سال ۱۳۸۶ متولد شد.» اطلاعات بیشتری از روابط خانوادگی او در دست نیست.

وبسایت شخصی عثمانی به آدرس زیر در دسترس است:

http://www.dr-osmani.com

مهرداد لاهوتی

حوزه انتخابیه: لنگرود
سمت: نایب رئیس اول کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس
فراکسیون: مستقل‌ها

موافق یا مخالف روی هر طرح یا لایحه نظر دارد

نامش یادآور آیت‌الله حسن لاهوتی نماینده مردم رشت در مجلس اول شورای اسلامی است که در جریان دستگیری پسرش، گفته شد که براثر سکته قلبی درگذشته است. پدر همسر دختران آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی. مهرداد لاهوتی از لنگرود وارد مجلس شده و با رودسر محل تولد آیت‌الله لاهوتی فاصله چندانی ندارد ولی اطلاعاتی از رابطه خویشاوندی آن‌ها در دست نیست. او شخصیت فعال و پای ثابت همه طرح‌ها و لوایح مطروح در صحن علنی است. نام موافقان و مخالفان هر طرح و لایحه‌ای که مطرح می‌شود کم و بیش یک نام وجود دارد و او کسی نیست جز مهرداد لاهوتی نماینده لنگرود. او کیست؟

مهرداد لاهوتی متولد ۱۳۴۰ در شهر کومله از توابع لنگرود است. تمام دوران تحصیل از ابتدایی تا لیسانس را در گیلان گذرانده است. او دانش آموخته رشته عمران است و برای اولین بار در انتخابات مجلس هشتم موفق به ورود به مجلس شد. در مجلس هشتم شرط مدرک تحصیلی از لیسانس به فوق‌لیسانس تغییر کرد و او با استفاده از تبصره این قانون که یک دوره نمایندگی را معادل مدرک فوق‌لیسانس فرض کرد، توانست در انتخابات مجلس نهم و دهم نیز شرکت کند و به مجلس راه یابد. او در انتخابات مجلس نهم موفق به کسب ۲۲,۹۰۲ رای و در انتخابات مجلس دهم ۲۸۸۴۶ رأی کسب کرد.

لاهوتی قبل از ورود به مجلس در استانداری گیلان مدیریت شهری و روستای را برعهده داشت. او با حمایت اصول‌گرایان وارد مجلس شد و به عضویت فراکسیون رهروان ولایت درآمد و از حامیان علی لاریجانی به حساب می‌آید. با وجود تعلق به فراکسیون اصول‌گرایان، به نظر می‌رسد در بسیاری از اصول با آن‌ها اختلاف نظر دارد. او را بیشتر می‌توان چهره‌ای مستقل و منطقی و معتدل معرفی کرد. بیشترین دغدغه‌اش مسایل رفاهی و صنفی کشاورزان به خصوص چای کاران و برنج کاران گیلانی است و از مدافعان حقوق معلمان، کارگران به شمار

می‌آید. حفظ محیط زیست از دیگر دغدغه‌های اوست.

سوابق انقلابی و مبارزاتی

مهرداد لاهوتی در وب‌سایت شخصی‌اش بر این نکته تاکید کرده که در جریان انقلاب سال ۱۳۵۷ به همراه دوستان دبیرستانی‌اش فعال بوده و از انقلاب حمایت می‌کرده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز جنگ ایران و عراق به همراه برادرانش عازم جبهه‌ها می‌شود و آنگونه که در وب‌سایت‌اش تاکید کرده در جبهه‌ها مجروح شده و در شمار جانبازان جنگ ایران و عراق شناخته می‌شود. یکی دیگر از برادرانش نیز در جنگ جانباز شده و دو برادر دیگراش به نام‌های فرهاد و فرداد که از فرماندهان سپاه پاسداران بودند در این جنگ کشته شده‌اند.

حقوق بشر در دیدگاه‌ها و فعالیت‌های لاهوتی

مهرداد لاهوتی از جمله نمایندگانی است که در هر موضوعی اظهار نظر می‌کند به همین خاطر اگر مجموعه گفتگوها و اظهار نظرهای او رصد شود، می‌توان اظهار نظرهای متفاوتی از امور کشاورزی و دامداری تا سیاست خارجی و مسایل جامعه جهانی را مشاهده کرد، ولی کمتر موضعی در خصوص نقض حقوق بشر در ایران می‌توان یافت. مجموعه فعالیت‌های او درحوزه محیط زیست می‌تواند او را به‌عنوان فعال حقوق بشر معرفی کند ولی حمله‌های کلیشه‌ای‌اش به نقض حقوق بشر در دنیا توسط امریکا، نشان می‌دهد که فهم و اعتقاد او به حقوق بشر چندان با سیاست‌های جریان اصول‌گرا در تناقض نیست. او در مصاحبه‌ای با اعتراض به عضویت امریکا در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل می‌گوید: «در کشورهایی که به آمریکا اجازه دخالت در امور داخلی داده شده و سطله استکبار جهانی به نوعی پذیرفته شده است قتل عام، بمب‌گذاری، کشتار جمعی و سایر موارد نقض حقوق بشر دیده نمی‌شود و جامعه جهانی با سکوت جوامع مدافع حقوق بشری در این کشورها روبه رو می‌شود. سکوت‌ها در برابر نقض حقوق بشر از سوی مجامع بین‌المللی در آینده‌ای نزدیک به وسیله مردم عادی در سراسر جهان شکسته می‌شود. بیداری‌های اسلامی و هم‌چنین دیگر تظاهرات مشابه در جهان نمونه‌ای از بلند شدن فریادها در برابر نقض حقوق بشر است.»

در عین حال می‌توان مواضعی از او یافت که بیانگر تفکر متفاوت‌اش با جریان اصول‌گرا در مسایل سیاسی و حقوق بشری باشد. لاهوتی در جریان تصویت طرح نحوه فعالیت احزاب و جریان‌های سیاسی به فشار سیاسی وارده به احزاب سیاسی و فقدان آزادی احزاب در ایران، به شدت انتقاد کرده و می‌گوید: «اگر می‌خواهیم احزاب در کشور ما واقعا در جایگاه یک حزب فعالیت بکنند باید دستشان را باز گذاشت، باید این محدودیت‌هایی که در این قانون بر سر راه فعالیت‌های احزاب گذاشته شده برداشته شود».

لاهوتی در نطق خود خطاب به نمایندگان گفت: «طبق این چیزی که نوشته ایم، ما به انحای مختلف می‌توانیم یک حزب را منحل کنیم و این واقعا چیز درستی نیست. ما الان چند تا حزب داریم که ثبت‌نام کردند اما هیچ کدام نمی‌توانند فعالیت کنند، چون در قوانین آن‌قدر محدودشان کرده ایم که جرأت هیچ فعالیتی ندارند».

حمایت از اقدام نجفی در دیدار با خانواده خسارت‌دیده‌گان جنبش سبز

در جریان رای اعتماد مجلس به محمد علی نجفی برای تکیه زدن بر کرسی وزارت آموزش و پرورش، مخالفان با اشاره به دیدار او با خانواده قربانیان جنبش سبز، او را از فعالان این جنبش

معرفی کرده و خواستار عدم رای اعتماد مجلس بودند، مهرداد لاهوتی از جمله نمایندگانی بود که تمام قد در حمایت از نجفی در برابر مخالفان ایستاد و اقدام او را در راستای وظایف نمایندگی (به‌عنوان عضو شورای شهر تهران) دانست و گفت: «تعدادی از دوستان مخالف اعلام کردند که آقای نجفی از آسیب‌دیدگان فتنه بازدید کرده، در حالی که ایشان بر اساس مصوبه شورای شهر و به اتفاق اعضای آن و یک هیات از این خانواده‌ها بازدید کرده است. شورای شهر مصوب کرد و آقای نجفی به اتفاق عده‌ای از اعضای شورای شهر از این خانواده‌ها بازدید کردند و بعد از این بازدید گزارشی را تنظیم و تقدیم رهبر معظم انقلاب کردند...دوستان مخالف این‌گونه مسائل را عنوان می‌کنند، بی‌رحمی و بی‌انصافی است.»
لاهوتی را نمی‌توان از فعالان یا مدافعان جنبش سبز معرفی کرد ولی اظهارات‌اش نشان می‌دهد که با مخالفان جنبش سبز هم‌سو نیست و هر تلاشی در جریان جنبش سبز را فتنه‌گری نمی‌داند. از این رو او در ردیف نمایندگان معتدل مجلس قرار می‌گیرد.

طرح‌های امضا شده توسط لاهوتی

امضای طرح‌های مدون از سوی نمایندگان و تقدیم آن‌ها به مجلس برای تصویب قانون جدید یا اصلاح قوانین موجود را نمی‌توان در سنجش عملکرد نمایندگان چندان معنا دار توصیف کرد چراکه ممکن است نمایندگان بدون مشارکت در تدوین طرح‌ها، آن‌ها را امضاء کنند و حتی چندان از محتوای طرح هم مطلع نباشند ولی وقتی یک نماینده در جریان بررسی این طرح‌ها، اظهار نظر می‌کند و نقشی فعالانه در صحن دارد، می‌توان این امضاها را در سنجش عملکرد او مورد توجه قرار داد. مهرداد لاهوتی را از نظر تعداد طرح‌هایی که امضاء کرده می‌توان در مجلس یک رکورد دار دانست، به‌طوری‌که در جریان مجلس نهم نامش در ردیف طراحان ۱۵۰ طرح آمده است. طرح‌هایی که عمدتا رویکرد حمایتی از کشاورزان، کارگران، معلمان و بازنشستگان و ایثارگران دارد. او هیچ طرحی در حمایت از حقوق زنان امضاء نکرده است.
فهرست تعدادی از طرح‌هایی که او امضاء کرده به این شرح است:

- طرح حذف آب بهای محصولات استراتژیک کشاورزی
- طرح استخدام کارگزاران بیمه محصولات کشاورزی
- طرح استفساریه دریافت چهاردرصد (۴٪) حق بیمه مشاغل سخت و زیان آور از واگذارنده به پیمانکار
- طرح حفاظت و صیانت از جنگل‌ها
- طرح نقل و انتقال حق بیمه یا بازنشستگی
- طرح ساماندهی خدمات رسانی به روستاها
- طرح آزادسازی معامله سهام عدالت در بورس
- طرح افزایش جمعیت بهره مند روستایی کشور از آب شرب
- طرح کاهش آلودگی هوای کشور
- طرح ارتقای ایمنی کنترل ترافیک هوایی (مراقبت پرواز)

او با ورود به مجلس به عضویت کمیسیون عمران درآمده و هم‌اکنون سخن‌گوی این کمیسیون است. او نایب رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس است. لاهوتی پیش از ورود به مجلس این سمت‌ها را در اختیار داشته است:

- مدیرکل شهری و روستایی استانداری گیلان
- مدیریت شهرداری‌ها در استان‌های کردستان، سمنان، گیلان و مازندران

- ناظر بر شورای برنامه‌ریزی استان گیلان
- دبیر کمیسیون مدیریت بحران کار گروه عمران در مجمع عالی نخبگان ایران

سوابق خانوادگی

یک خبرگزاری محلی به نام خزر آنلاین در گزارشی از خانواده لاهوتی مدعی است که برادر و فرزندان او با استفاده از رانت سمت‌هایی در استان از آن خود کرده‌اند ولی با با ارسال توضیحی به این خبرگزاری این گزارش را رد کرده و توضیحاتی داده است. در جوابیه دفتر مهرداد لاهوتی آمده است: «اخوی ایشان جمشید بائوج لاهوتی از ایثارگران و جانبازان سرافراز دفاع مقدس و برادر دو شهید نزدیک به ۲۰ سال است که در آموزش و پرورش مدیریت حوزه‌های مختلف را برعهده دارد و سال‌ها قبل از افتخار خدمتگزاری مهندس مهرداد لاهوتی پست مدیریت آموزش و پرورش را داشتند اخوی دیگر ایشان از جانبازان انقلاب فریبرز بائوج لاهوتی نیز قبل از افتخار ایشان به سمت نمایندگی مردم شریف لنگرود دارای منصب شهرداری بود که در همین دوره نمایندگی از سمت خود استعفا دادند و در شرف بازنشستگی می‌باشند. فرزند ارشد ایشان نیز با وجود مخالفت‌های مهندس مهرداد لاهوتی توسط شورای شهر املش تنها به‌عنوان یکی از گزینه‌های پیشنهادی شهرداری مطرح گردید درحالیکه ایشان دارای کارشناسی ارشد عمران و از متخصصین این رشته می‌باشد. بنا به اظهار این سایت فرزند دیگر ایشان صاحب منصب مهمی در فرمانداری شده است که همانطور که همه میدانند ایشان طی دو سال اخیر به‌عنوان رابط دفتر نماینده برای پیگیری‌های عمرانی شهرستان در فرمانداری بودند و اگر تنها یک سند یک ریالی به‌عنوان حقوق، مزایا و پاداش در فرمانداری لنگرود در رابطه با ایشان یافتید، حق با شماست و ایشان فی سبیل الله از سمت دفتر نماینده پیگیری مسایل عمرانی را در فرمانداری به‌عهده دارد.» اطلاعاتی از همسر و دیگر فرزندان او در دست نیست.

سهیلا جلودارزاده

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: عضو کمیسیون اجتماعی
فراکسیون: امید

اولین زن هیات رئیسه ادوار مجلس را بشناسیم

هم‌زمان با پیروزی محمد خاتمی، او نیز به مجلس شورای اسلامی راه یافت تا در کنار حامیان خاتمی در مجلس پنجم، پیگیر طرح‌ها و لوایح اصلاح‌طلبانه باشد. سهیلا جلودارزاده اولین بار در انتخابات میاندوره‌ای مجلس پنجم به نمایندگی مردم تهران برگزیده شد و پس از آن سه بار دیگر نمایندگی را تجربه کرد. او در هر چهار دوره نمایندگی، عضو فراکسیون اصلاح‌طلبان و از شاخص‌ترین چهره‌های کارگری مجلس بود. او اولین زن مجلس شورای اسلامی است که به هیات رئیسه مجلس در دوره ششم راه یافت و اکنون برای ریاست کمیسیون اجتماعی مجلس دهم خیز برداشته تا اولین زنی باشد که به این کرسی دست یافته است ولی آیا او طلسم ریاست زنان بر کمیسیون‌های تخصصی مجلس را خواهد شکست؟ طی هفته جاری احتمالا پاسخ این پرسش روشن خواهد شد، چراکه کمیسیون‌های تخصصی تازه شکل گرفته و به زودی اولین جلسات آن، که با انتخاب هیات رئیسه همراه خواهد بود، برگزار خواهد شد.

سهیلا جلودار زاده کیست؟

او زاده ۲۸ دی ۱۳۳۷ در شهر ری تهران است. در خانواده‌ای مذهبی و کارگر بدنیا آمده است. بعد از گذراندن دوران ابتدایی و راهنمایی برای ادامه تحصیل در رشته ریاضی راهی تهران می‌شود و با گرفتن دیپلم ریاضی به دانشگاه امیرکبیر می‌رود تا در رشته مهندسی نساجی تحصیل کند. ورود او به دانشگاه با آغاز فعالیت‌های اجتماعی‌اش همراه می‌شود، از یک سو به همراه دانشجویان انقلابی وارد فعالیت‌های دانشجویی می‌شود و از سوی دیگر در کنار کارگران کارخانه نساجی، تشکل‌دهی کارگران را دنبال می‌کند.

جلودارزاده سال‌هاست به عنوان یک فعال کارگری شناخته می‌شود او عضو خانه کارگر و رئیس واحد زنان خانه کارگر است. همواره درون و برون مجلس در پی استیفای مطالبات کارگری بوده

و از این رو در ادواری که اصلاح‌طلبان موفق به ورود به مجلس نشده‌اند به عنوان کاندیدای مستقل و با حمایت جامعه کارگران راهی مجلس شده است مثل دوره هفتم.
با روی کار آمدن مجلس اصلاح‌طلب ششم، جلودارزاده برای اولین بار به کرسی هیات رئیسه مجلس تکیه زد تا اولین نماینده زنی باشد که به این مقام رسیده است. مجلس ششم در سال‌های پایانی علاوه بر جلودارزاده، به خانم شهربانو امانی نماینده ارومیه نیز برای ورود به هیات رئیسه رای داد تا از این منظر، مجلسی پیش رو لقب گیرد. ولی با پایان یافتن عمر مجلس ششم، عمر حضور زنان در هیات رئیسه نیز پایان یافت.

سوابق اجرایی و سیاسی

فعالیت‌ها و سوابق سهیلا جلودارزاده، علاوه بر نمایندگی مجلس به این شرح است:

- نماینده مردم تهران در ادوار پنجم، ششم، هفتم و دهم مجلس شورای اسلامی
- عضو هیات رئیسه مجلس ششم
- عضو شورای مرکزی خانه کارگر،
- عضو دفتر سیاسی و مسئول سازمان‌های حزب اسلامی کار،
- عضو جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران،
- مدیر کل مدارس خارج از کشور،
- مسئول تدوین سیاست‌های کلان نظام در مورد خانواده در کمیته بانوان مجمع تشخیص مصلحت نظام
- مشاور سابق امور بانوان وزارت صنعت، معدن و تجارت
- رئیس اتحادیه زنان کارگر

سوابق انقلابی

سهیلا جلودارزاده در سال ۱۳۵۴ با ورود به دانشگاه امیرکبیر، وارد فعالیت‌های دانشجویی و انقلابی می‌شود. او به عنوان دانشجویی مسلمان و مذهبی، با گروه‌های دانشجویی وارد مبارزات انقلابی می‌شود. او با ورود به دانشگاه ازدواج می‌کند و پس از آن همراه همسرش وارد فعالیت‌های انقلابی می‌شوند. او در همان زمان با ورود به کارخانه چیت‌سازی بافکار به بسیج کارگران و حمایت از اعتصابات کارگری می‌پردازد. او در بیان آن فعالیت‌ها می‌گوید: «در روزهای اوج مبارزات مردمی در سال ۱۳۵۷، برای کارگرانی که به دلیل شرکت در اعتصاب، حقوقی دریافت نمی‌کردند صندوق و کمیته‌ای حمایتی تشکیل دادیم تا از آن‌ها حمایت کنیم.»

حضور در جبهه‌ای جنگ ایران و عراق

سهیلا جلودارزاده از معدود زنان مجلس است که وقتی صحبت از جنگ ایران و عراق می‌شود، خاطرات بی‌شماری برای بیان دارد چرا که هم‌زمان با شروع جنگ به هدف امدادرسانی راهی مناطق جنگی می‌شود. او در تشریح فعالیت‌هایش می‌گوید: «با شروع جنگ تحمیلی در مهرماه سال ۵۹ همراه یکی از دوستانم تصمیم گرفتیم برای امدادرسانی در مناطق جنگی حضور یابیم. روزهای اول جنگ، راه آهن اهواز را دشمن بمباران کرده بود. به محض اینکه خط تعمیر شد و قطارها راه افتاد، عازم شدیم. عضو مرکزی از مراکز امدادرسان نبودیم و معرفی نامه‌ای هم نداشتیم. بعد از اینکه به اهواز رسیدیم تصمیم گرفتیم خود را به آبادان و خرمشهر که خط مقدم بودند برسانیم. وسیله‌ای نبود که ما را ببرد. یادم است دو رکعت نماز حاجت و

دعای توسلی خواندیم و راه افتادیم. به سه راهی آبادان که رسیدیم یک کامیون آمد که عده‌ای از اهالی آبادان را با خود می‌برد تا وسایلشان را جمع کنند و برگردند. از آبادان هم با یک وانت به خرمشهر رفتیم. مدتی آنجا بودیم، بعد هم اهواز و ... یادم می‌آید وقتی با وانت به سوی خرمشهر می‌رفتیم خمپاره‌های خمسه خمسه عراقی‌ها دائم دور و برمان به زمین می‌خورد و چند نفر از دختران بسیجی خرمشهری که همراه ما در وانت بودند با روحیه‌ای عالی به ما می‌گفتند: این‌ها چیزی نیست، نقل و نبات است! با آن‌ها یک راست به مسجد جامع شهر رفتیم. آنجا گروهی کوکتل مولوتف درست می‌کردند. روبه روی مسجد داخل یک کوچه، خانه پزشکی بود که مجروحان را برای کمک‌های اولیه بدان انتقال می‌دادند. ما هم برای کمک به آنجا رفتیم، چند روزی بودیم، ولی به خاطر اینکه هیچ کس من و همراهم را نمی شناخت و از طرف هیچ ارگانی معرفی نامه نداشتیم خیلی به ما اعتماد نمی‌کردند و تحویل‌مان نمی‌گرفتند. بنابراین بعد از چند روز به ناچار به اهواز برگشتیم. این تجربه‌ای شد تا سری بعد از طرف کمیته پزشکی جهاد اعزام شویم.»

حقوق زنان

برخلاف بیشتر زنان فعال که خود را فمنیست معرفی می‌کنند، سهیلا جلودارزاده در پی توانمندسازی زنان و استیفای حقوق اولیه آن‌ها بوده بی‌آن‌که شعار فمنیستی سر دهد. او در مجلس پنجم طراح، طرحی بود که از حقوق مادی زنان حمایت می‌کرد. او با ارائه طرح محاسبه مهریه زنان به نرخ روز سبب شد تا طرحی مهم در مجلس پنجم در حمایت از حقوق زنان به تصویب برسد. او در مجلس ششم به همراه فراکسیون زنان، پیگیر طرح‌های متعددی در حوزه زنان بود. او با ورود به مجلس دهم از پیگیری طرحی برای تبعیض زدایی از ازدواج زنان با مردان غیرایرانی خبر داده و گفته: «تلاش خواهیم کرد در خصوص ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، رفع تبعیض صورت گیرد؛ چرا که مردان ایرانی با اتباع ایرانی امکان ازدواج دارند و برای فرزندان خود شناسنامه تهیه می‌کنند.»

پیگیری مسایل معیشتی، قانونی و حقوقی زنان کارگر از دیگر فعالیت‌های جلودارزاده است. او در این خصوص می‌گوید: « آموزش زنان کارگر، افزایش مهارت زنان، رفع موانع قانونی و تبعیض‌های موجود و حمایت‌های رفاهی، چهار محور فعالیت‌های واحد زنان خانه کارگر است که با جدیت آن‌ها را دنبال می‌کنیم.»

جلودارزاده از جمله مخالفان تفکیک جنسیتی دانشگاه‌های کشور است و در این خصوص می‌گوید: «اگر صاحبان این تفکر و اندیشه که به تفکیک جنسیتی در رشته‌های دانشگاهی اعتقاد دارند، در عصر جاهلیت بودند بی‌شک اقدام به زنده به گور کردن دختران می‌کردند.»

سوابق خانوادگی

سهیلا جلودارزاده فرزند اول خانواده است. پدر بزرگش از سادات روحانی اهل کاشان بودند. شغل پدرش شیشه بری و مادرش خانه‌دار بود گه گاهی قالی می‌بافت. در سال ۱۳۵۴ ازدواج می‌کند و در همان سال اولین دخترش به دنیا می‌آید. شوهرش مهندس احمد قاسمپور بود که در مرکز مهندسی ستاد کل نیروهای مسلح کار می‌کرد. او در اواخر مجلس ششم درگذشت.

امیرخجسته

حوزه انتخابیه: همدان
سمت: نایب رئیس دوم کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور
فراکسیون: امید

تحقیـق و تفحصـی که محرمانه ماند!

امیر خجسته نماینده دوره نهم مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون سیاست داخلی و شوراهای مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه همدان در استان همدان است.
او که خود سابقه مدیریت بر سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان همدان را در کارنامه خود دارد، از طراحان اصلی طرح تحقیق و تفحص از بنیاد شهید بود؛ طرحی که از همان آغاز با مخالفت‌های بسیار به‌ویژه از سوی رییس وقت بنیاد شهید، «زریبافان» مواجه شد و اتهامات دو طرف به یکدیگر تا آنجا پیش رفت که زریبافان گفت: «آن نماینده‌ای که امروز بحث تحقیق و تفحص را مطرح کرده است در دوران مدیریتش بر بنیاد شهید و امور ایثارگران با پول خانواده‌های شهدا سکه می‌خریده و به مردم شهرش می‌داده تا در انتخابات مجلس پیروز شود و خود فردی متخلف در بنیاد شهید بوده است که من به همین دلیل وی را عزل کرده‌ام و او امروز طرح تحقیق و تفحص را به راه‌انداخته است.»
بدیهی است که مخاطب این سخنان، امیر خجسته نماینده همدان فرض شد اما ظاهرا عزل خجسته از بنیاد شهید، چندین ماه قبل از انتخابات انجام شده بود و صحت این سخنان در آن زمان چندان مورد وثوق نبود. هرچند به نظر می‌رسد که پس از تغییر رییس بنیاد شهید و رفتن زریبافان، رویکرد امیر خجسته نیز نسبت به این ماجرا تغییر کرد. او در تیر ماه ۹۳ با اعلام پایان تحقیق و تفحص از بنیاد شهید گفت: «در این مدت گروهی سعی کردند توپ را در زمین بنیاد بیاندازند ولی نمی‌دانستند که ما در یک مسیر هستیم. خواسته ما این است درعین حال که آرامش در بنیاد شهید و امور ایثارگران حفظ شود قوانین نیز مطابق با آیین‌نامه مجلس رعایت شود. بنابراین نتایج تحقیقات به عمل آمده حکم اسناد محرمانه‌ای را دارند که نباید جز به مجلس انتقال داده شوند.» و چنین است که هنوز هم پس از گذشت قریب به دو سال، سرنوشت این طرح نامعلوم است و پس از هزینه‌های بسیار و تحقیقات گسترده، بالاخره کسی

متوجه نشد که چه در بنیاد شهید گذشت.
امیر خجسته در پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در خانواده‌ای مذهبی درشهرستان همدان دیده به جهان گشود. پدر او کشاورز ساده‌ای بود و خانواده‌اش از این طریق امرار معاش می‌کردند. در سال‌های قبل از انقلاب ۵۷، در جلسات مخفیانه علیه حکومت شرکت و در پخش جزوات همکاری می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب و به دنبال آن وقوع جنگ در سال ۱۳۵۹ به جبهه‌های جنگ رفت و پس از اینکه چندین بار مجروح شد، به اسارت نیروهای عراقی درآمد و این دوران هشت سال به درازا کشید. او سختی‌های این دوران را در کتاب "۲۸۸۸ روز آن سوی فرات" شرح داده است.
خجسته از جمله نمایندگانی است که معتقد است برای حل مشکلات پایتخت، بهترین گزینه انتقال پایتخت به شهری دیگر است، بویژه آن که همدان در کنار سمنان و پردیس، به عنوان گزینه‌های انتقال پایتخت مطرح هستند.
وی همچنین دغدغه حفظ بناهای تاریخی را حداقل در سخنان خود ابراز نموده است. هنگامی که جمعی از هنرمندان و فعالان فرهنگی همدان در اعتراض به تخریب آثار تاریخی این استان به مجلس رفتند و در دیدار با امیر خجسته، نگرانی‌هایشان را درباره بی‌توجهی به تخریب آثار تاریخی استان همدان بیان کردند، خجسته در پاسخ گفت: «بناهای تاریخی ناموس ما هستند و از آن‌ها دفاع خواهیم کرد.»
از دیگر مسایل مورد توجه نماینده همدان در مجلس، می‌توان به موضوع واردات خودرو لوکس در جزیره ابوموسی اشاره کرد، یکی دیگر از ماجراهایی که در دولت احمدی نژاد کلید خورد و مسایل پشت پرده آن، تبدیل به گره کوری شده، که کسی را یارای گشودن آن نیست. درست همان روزهایی که در هر خیابان شهر یک پورشه خودنمایی می‌کرد، امیر خجسته گفته بود که «اسناد واردات ۵۰۰ دستگاه خودرو با ارز مرجع را محو کرده‌اند.»
رئیس کمیسیون امور شوراهای مجلس شورای اسلامی، از جمله نمایندگان اصول‌گرا و عضو فراکسیون اکثریت رهروان ولایت است.

حسینعلی شهریاری

حوزه انتخابیه: زاهدان
سمت: عضو کمیسیون بهداشت و درمان
فراکسیون: اصول‌گرایان

مرزبندی همیشگی با «فتنه‌گران»

«حسینعلی شهریاری»، متولد ۱۳۳۰ در شهرستان زابل استان سیستان و بلوچستان و نماینده مردم زاهدان از استان سیستان و بلوچستان در دوره‌های هفتم، هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی و در حال حاضر نیز رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی است. با وجود شرایط ویژه استان و بعضا ناآرامی‌ها و ترورها که تصویر یک استان ناراضی را در اذهان به وجود می‌آورد، این نماینده همواره خود و مردم استان سیستان و بلوچستان را از ارادتمندان نظام و رهبری معرفی کرده است. جزو نمایندگان اصول‌گرا است و تلاش می‌کند تا مرزبندی خود را با آن‌چه که اصول‌گرایان فتنه‌اش می‌خوانند حفظ کند و به هر بهانه‌ای آن را یادآوری می‌کند. چنین بود که در ماه پایانی سال ۱۳۹۲ وقتی خبر سفر «محمد رضا خاتمی» به زاهدان رسانه‌ای شد، سخنان تندی را علیه محمد رضا خاتمی دبیر حزب مشارکت بیان کرد.

حسینعلی شهریاری با اشاره به اعتراضات سال ۸۸ و استفاده مکرر از واژه فتنه برای آن حوادث، خاطر نشان کرد: «محمدرضا خاتمی و جریان هم‌سو با وی گمان می‌کند مردم اتفاقات سال ۸۸ را فراموش کرده‌اند. تغییرات مدیران سیاسی در استان سیستان و بلوچستان و حاکم شدن تفکرات سیاسی جدید، خاتمی را امیدوار کرده خود را احیا کند و تصور می‌کند می‌تواند تحرکاتی در استان سیستان و بلوچستان داشته باشد. قطعا مدیران سیاسی استان تن به خواسته غیرمعقول و غیرقانونی حزب منحله مشارکت نخواهند داد.»

شهریاری حتی از پرخاش هم فراتر رفت و پس از انتقاد از قوه قضاییه به خاطر مسامحه در برخورد با این افراد، درخواست کرد تا این قوه و شخص دادستان، با سفری که هنوز انجام نشده و عوامل این سفر، با قدرت برخورد کنند و تصریح کرد: «قوه قضاییه و شخص دادستان به عنوان مدعی‌العموم زاهدان باید ورود کنند و مشخص نمایند آیا افرادی با آن سبقه سیاسی می‌توانند میتینگ برگزار کنند؟ اگر برخورد قاطع با این افراد می‌شد، اشخاصی مانند محمد

رضا خاتمی اجازه جسارت دوباره را نمی‌یافت. در شرایط کنونی هم اگر آن‌ها بخواهند از حد و حدود خود فراتر بروند باید قوه قضاییه با قدرت وارد میدان شود و جلوی تحرکات مشکوک این افراد گرفته شود.»

شهریاری پس از سفر «حسن روحانی» به «سیستان و بلوچستان» نیز در نشست علنی مجلس شورای اسلامی به رییس جمهوری اخطار داد و گفت: «زمانی که رئیس جمهور به استان سیستان و بلوچستان سفر کرد، یک معلم که فرزند ۶ ماهه داشت و یک سرباز را به شهادت رساندند، هم‌اکنون نیز معلم دومی را به شهادت رساندند. ای کاش آقای رئیس جمهور هیأتی را برای بررسی ناآرامی اخیر در استان سیستان و بلوچستان تعیین می‌کرد.»

اما به نظر می‌رسد رییس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، همیشه چنین خشمگین نیست. در ماجرای مشهور رها کردن دو بیمار در بیابان‌های اطراف شهر در سال ۱۳۹۰ که سر و صدای زیادی به پا کرد، از او انتظار می‌رفت که به عنوان نماینده مردم و در حوزه تخصصی‌اش به دفاع از حقوق شهروندان برخیزد؛ شهریاری اما تفسیر متفاوتی از این ماجرا داشت.

نظر رئیس کمیسیون بهداشت مجلس این بود که انتشار این اخبار با این حجم گسترده در رسانه‌های ارتباط جمعی بیش از آن‌که انعکاس واقعیت باشد نشانه اهداف سیاسی عده‌ای است که درصدد فضاسازی علیه دولت و به خصوص وزارت بهداشت هستند.

شهریاری به رسانه‌ها گفت: «هنوز هیچ اطلاع دقیقی درباره اخباری که از رهاسازی دو بیمار از یک بیمارستان در کنار اتوبان خبر داده‌اند نداریم و بعید می‌دانم صحت داشته باشد زیرا عقلانی به نظر نمی‌رسد که یک بیمارستان دو بیمار را با لباس بیمارستان در کنار اتوبان رها کند. وزارت بهداشت حتی اگر می‌خواست این بیماران رها کند می‌توانست آن‌ها را در خانه‌شان رها کند یا به بهزیستی تحویل دهد و در هر صورت دلیلی ندارد که بیماران را در کشتزار و کنار اتوبان رها کنند. بنابراین صحت این اخبار هنوز قابل تأیید نیست و مجلس این موضوع را پیگیری می‌کند.»

این سخنان، انتقادات زیادی را متوجه او کرد و البته برخی او را به سیاسی‌کاری متهم کردند و اینکه به جز وظیفه نمایندگی، به عنوان یک پزشک نیز از او انتظار می‌رود تا از زاویه یک معضل در حوزه بهداشت و درمان به این موضوع بپردازد.

حسینعلی شهریاری، جراح و متخصص چشم، فارغ‌التحصیل سال ۱۳۶۵ از دانشگاه شهید بهشتی و هم‌چنین عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی زاهدان است. او هم‌چنین تعدادی مقاله و تالیفات علمی در حوزه تخصصی‌اش دارد و سردبیر مجله علمی، پژوهشی طبیب شرق است.

محمدرضا تابش

حوزه انتخابیه: اردکان
سمت: عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات
فراکسیون: امید

اصلاح‌طلب بازمانده از مجلس ششم

می‌توان نزدیک‌ترین رابطه فامیلی را با سید محمد خاتمی داشت، با نام او و با پرچم اصلاحات وارد قدرت شد و با هم‌نوایی با حکومت، در قدرت ماند. این معادله را محمد رضا تابش به سادگی حل کرد. کسی که تا پیش از انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۵ کمتر کسی نامش را شنیده بود. او که تا خرداد ۷۶ مهم‌ترین عنوان شغلی‌اش ریاست دفتر نمایندگی آیت‌الله خمینی در استان یزد (رئیس دفتر آیت‌الله خاتمی، پدر بزرگ اش) بود با روی کار آمدن سید محمد خاتمی به قائم مقامی دفتر رئیس جمهور رسید و دو سال بعد با حمایت احزاب اصلاح‌طلب وارد مجلس ششم شد.

با ورود به مجلس و با حمایت دایی دیگراش «محمد رضا خاتمی» نایب رئیس مجلس ششم، به هیات رئیسه مجلس راه یافت و فعالیت‌اش را در این مجلس با عنوان کارپرداز مالی آغاز کرد. معمولا اعضای هیات رئیسه مجلس، خصوصا کارپردازها، سابقه نمایندگی در ادوار قبل را دارا هستند ولی تابش بدون سابقه نمایندگی و از همان سال اول ورود به مجلس به هیات رئیسه راه یافت.

مجلس یک دست اصلاح‌طلب ششم (حدود ۲۴۰ نماینده از ۲۹۰ نماینده مجلس اصلاح‌طلب بودند)، با نمایندگان آوانگاردش در انتقاد به نهادهای غیرانتخابی مشهور است اما در میان مجادلات این مجلس با نهادهای حکومتی نامی از محمد رضا تابش نزدیکترین نماینده به رهبر اصلاح‌طلبان یعنی سید محمد خاتمی، شنیده نشد تا او مزد عملکرد غیرسیاسی‌اش را با گرفتن تاییدیه از شورای نگهبان برای مجلس هفتم دریافت کند. تابش از معدود نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم بود که صلاحیت‌اش برای مجلس هفتم تایید شد و کرسی‌اش را در مجلس هفتم، هشتم و نهم حفظ کند.

تابش در مجلس هفتم فراکسیون اصلاح‌طلبان را تشکیل و به ریاست آن برگزیده شد. ولی در مجلس هشتم از ریاست این فراکسیون کناره گیری و دلیل آن را ورود چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب (دکتر پزشکیان وزیر بهداشت دولت خاتمی) و بیماری همسرش عنوان کرد. در مجلس نهم نیز به دلیل کاهش تعداد نمایندگان اصلاح‌طلب اساسا فراکسیون اصلاح‌طلبان تشکیل نشد و بیشتر نمایندگان نزدیک به اصلاح‌طلبان به فراکسیون رهروان ولایت پیوستند.
محمد رضا تابش متولد ۵ مهر ۱۳۳۷ در شهر اردکان، شهر زادگاه خاندان خاتمی، در انتخابات مجلس نهم با ۲۵۹۴۵ رای معادل ۶۵ درصد آراء از حوزه انتخابیه اردکان وارد مجلس شد تا برای چهارمین دوره پیاپی بر کرسی مردم اردکان در مجلس تکیه زند.
او دارای دکترای مهندسی منابع طبیعی و رئیس فراکسیون محیط زیست مجلس نهم است. رابطه نزدیک او با دولت حسن روحانی او را به‌عنوان نامزد معاونت رئیس جمهور و ریاست سازمان محیط زیست قرار داد ولی به گفته خودش نمایندگی را به هر سمت دولتی دیگری ترجیح می‌دهد. با این حال او با حکمی از سوی حسن روحانی به عنوان عضو شورای عالی حفاظت محیط زیست منصوب شد.
تابش با وجود اینکه در مجلس ماند و به دولت کوچ نکرد ولی از جمله حامیان دولت در مجلس به شمار می‌رود. او در یکی از نطق‌هایش در دفاع از دولت روحانی می‌گوید: «در واقع رای مردم «آری» به اعتدال و عقلانیت بود؛ حال نوبت ما است که بعد از آن انتخاب مردم به کابینه امروز «آری» بگوییم و به انتخاب، امید و اعتماد مردم رای مثبت بدهیم.»

دیدگاه‌هایش در مورد جنبش سبز

تابش را باید از معدود نمایندگان مجلس نهم دانست که از جنبش سبز به نام «فتنه» یاد نمی‌کند و دیدگاهی حمایتی دارد. او پس از نمایش دادگاه بازداشت شدگان پس از انتخابات سال ۸۸ در نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه از نمایش این دادگاه‌ها در تلویزیون انتقاد کرد و آن را خلاف قانون دانست. او در این نامه نوشت: «اکنون که دادگاه متهمان سیاسی (با وضعی ابهام آمیز) در غیاب وکلای انتخابی آنان به‌صورت علنی و جهت دار برگزار می‌شود و همه رسانه‌ها آن را پوشش داده و رسانه ملی با نقض آشکار قانون قبل از اثبات هرگونه اتهام و صدور حکم اقدام به پخش سراسری جلسات محاکمه نموده و حتی عناوین جعلی جرائمی را تبلیغ نموده و به متهمان نسبت می‌دهد که در نظام قانون‌گذاری ایران وجود ندارد (همانند متهمان کودتای مخملی) [...] بنابراین اقدامات صداوسیما نقض و تخلف آشکار مفاد این قانون بوده و قابل تعقیب کیفری است که از حضرتعالی تقاضای رسیدگی دارد.»
او در این نامه همچنین به برخوردهای صورت گرفته در بازداشتگاه کهریزک نیز انتقاد کرده و نوشته: «علی‌ایحال از آنجا که عدالت در قضا اقتضای مساوات در رسیدگی به جرائم را دارد و شخصیت جنایت کاران بازداشتگاه‌هایی نظیر کهریزک بالاتر از شخصیت متهمان سیاسی نیست و سرپوش گذاشتن بر این قضیه سبب گسترش آثار سوء این‌گونه جنایات و تکرار آن خواهد شد و از آنجا که حضرتعالی مرجع شهروندان در رسیدگی به تظلمات از حقوق آنان هستید امید است ترتیبی اتخاذ فرمائید تا هرچه سریعتر عوامل این جنایات در هر سمت و درجه‌ای تحت پیگرد قرار گرفته و در صورت ادامه روند فعلی رسانه‌ای شدن دادگاه‌ها، دادگاه این افراد علناً و با حضور رسانه‌ها تشکیل شود.»
تابش در اقدامی دیگر در حمایت از علی مطهری که پس از طرح مساله حصر موسوی و کروبی با اعلام جرم دادستان تهران مواجه شده بود می‌گوید: «انتظار ما این بود که رییس جلسه

مجلس، نطق پیش از دستور امروز خود را به این موضوع اختصاص دهد و از اقتدار و حیثیت مجلس دفاع کند. چرا که این اعلام جرم علیه اختیارات و وظایف نمایندگی صورت گرفته است.»

دیدگاه‌های حقوق بشری

مواضع حقوق بشری تابش را می‌توان هم‌راستا با مواضع حکومت ارزیابی کرد. در بیان دیدگاه‌های حقوق بشری، تابش نسبتی با دیدگاه‌های خاتمی رهبر اصلاح‌طلبان ایران ندارد بلکه مواضع او بیشتر تکرار مواضع نظام است. او در واکنش به احتمال ورود غرب به مذاکرات حقوق بشری پس از اتمام مذاکرات هسته‌ای می‌گوید: «ما از اول اعلام کردیم که در این مقطع فقط در مورد انرژی هسته‌ای مذاکره می‌کنیم و این را هم مراعات کردیم. غرب اگر مسائلی دارد فرایند آن متفاوت است و غربی‌ها در این مرحله نباید چنین انتظاری از جمهوری اسلامی داشته باشند. ما فقط روی مسائل انرژی هسته‌ای و رفع دغدغه خاطر دنیا و اینکه ما انرژی صلح آمیز داریم تمرکز می‌کنیم.»

او در مصاحبه‌ای دیگر ضمن محکوم کردن «دخالت اروپایی‌ها در مسائل داخلی ایران» گفته: « بهتر است اتحادیه اروپا به جای دخالت در امور مملکت ما وضعیت حقوق بشر و شرایط زندان‌های خود را بهبود ببخشند چرا که اگر ما احیانا نقص یا مشکلی داشته باشیم خود با تعامل با یکدیگر در داخل کشور موضوعات را حل و فصل می‌کنیم.»

تابش هم‌چون اکثریت قاطع نمایندگان مجلس فصل‌الخطاب مسایل حکومتی را رهبر می‌داند و در پاسخ به پرسشی مبنی بر این‌که نظر رهبر معظم انقلاب در خصوص فتنه مشخص است ولی سیدمحمد خاتمی سخنانی برخلاف نظر رهبر انقلاب مطرح کرده، شما کدام نظر را قبول دارید؟ به صراحت می‌گوید: «در مسائل حکومتی اتکاء من به رهبری است و در مسأله فتنه فصل‌الخطاب مقام معظم رهبری هستند. البته نمی‌پسندم برای خارج کردن هر کسی از میدان برچسب فتنه‌گر به او بزنیم چرا که در حال حاضر برخی به دنبال این کار هستند و اخلاق و جوانمردی را رعایت نمی‌کنند.»

سوابق فعالیت قبل از انقلاب

تابش در سال منتهی به پیروزی انقلاب یعنی سال ۵۷ مشغول به خدمت سربازی بوده و به گفته خود از پادگان فرار کرده و به صف تظاهرات‌کنندگان پیوسته است. مورد دیگری از فعالیت‌های او در دست نیست ولی نسبت فامیلی با خانواده خاتمی که از روحانیون مبارز و حامی انقلاب ۵۷ بوده می‌توان او را از اعضای خانواده انقلاب معرفی کرد. با پیروزی انقلاب و ورود ایران به جنگ با عراق، تابش نیز برای مدتی به رزمندگان پیوسته و براساس آنچه در زندگینامه‌اش آمده او مدت ۲۰ ماه را در جبهه‌های جنگ گذرانده است.

طرح‌های امضا کرده در مجلس

طرح آزادسازی معامله سهام عدالت در بورس، طرح واگذاری مدیریتی شبکه‌های ورزشی صداوسیما، طرح واگذاری باشگاه‌های ورزشی از طریق مزایده و طرح انتقال پایتخت از جمله مهم‌ترین طرح‌هایی است که با امضای تابش در مجلس نهم تقدیم مجلس شده است. او در مجلس هشتم نیز در ردیف طراحان، طرح‌های زیر بوده است:

طرح دوفوریتی اصلاح ماده (۱) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها

طرح استفساریه ماده (۱۲) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها
طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵
طرح نحوه توزیع عادلانه آگهی‌های دولتی بین روزنامه‌ها

سوابق اجرایی

- رئیس دفتر آیت‌الله خاتمی (نماینده امام در استان یزد)
- مسئولیت در جهاد سازندگی و وزارت کشور
- قائم مقام رئیس دفتر رئیس جمهور
- عضویت در هیات مدیره سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران
- ریاست فدارسیون سوارکاری کشور
- عضویت در کمیته منتخب بررسی علل نتایج ضعیف ورزشکاران ایران در بازیهای المپیک پکن
- کارشناس رسمی کشاورزی و منابع طبیعی دادگستری استان تهران
- نماینده ادوار ششم تا نهم مجلس شورای اسلامی
- عضو هیات رئیسه مجلس (دور ششم)
- رئیس کمیته اقتصادی و عضو کمیسیون حقوق بشر
- کارپرداز مالی هیأت رییسه مجلس (دور ششم)
- رئیس کمیسیون محیط زیست (دوره نهم)
- عضو شورای عالی حفاظت محیط زیست

روابط خانوادگی

محمد رضا تابش نوه دختری آیت‌الله خاتمی نماینده آیت‌الله خمینی و امام جمعه یزد است. هر سه دایی او یعنی سید محمد خاتمی، سید علی خاتمی و سید محمد رضا خاتمی در قدرت بوده‌اند. محمد خاتمی رئیس جمهور، علی خاتمی رئیس دفتر رئیس جمهور و محمد رضا خاتمی نایب رئیس مجلس ششم بوده است.
خاندان خاتمی در ارتباط فامیلی نزدیک با خاندان خمینی است. محمد رضا خاتمی با عروس آیت‌الله خمینی، زهرا اشراقی ازدواج کرده است. همسر سید محمد خاتمی خانم صادقی از بستگان درجه یک آیت‌الله صدر و در رابطه فامیلی نزدیک با همسر احمد خمینی است.
برادر محمد رضا تابش، علیرضا، رئیس دفتر احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت خاتمی بود. او ۴ فرزند (۲ دختر و ۲ پسر)، دارد. همسرش بتول سنائی اردکانی سال گذشته درگذشت. او چندی پس از مرگ همسرش، دچار عارضه مغزی شد ولی جان سالم به در برد.

علیرضا محجوب

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: عضو کمیسیون اجتماعی
فراکسیون: امید

حفظ رابطه با جامعه کارگری و ۶ دوره نمایندگی مجلس

وقتی برای اولین بار وارد راهروهای مجلس شوید اگر آن‌ها را به نام و چهره نشناسید، از روی ظاهرشان می‌توانید حدس‌های نسبتا درستی در خصوص حوزه انتخابیه شان، تعلق‌شان به طبقات اجتماعی و زمینه فعالیت‌شان بزنید. ظاهر یکی از نمایندگانی که احتمالا کمتر شما را گمراه می‌کند علیرضا محجوب است. از پوشش، لحن کلام و محاسن آنکارد نشده و موهای معمولا نامرتب‌اش می‌توانید حدس بزنید به طبقه کارگر تعلق دارد. خیلی تلاش دارد ظاهراش کارگری جلوه کند. همیشه کاپشنی ساده برتن و کفشی خاک گرفته برپا دارد. احتمالا در عمرش از عطر و ادکلن استفاده نکرده و در هیچ مجلسی، او را متفاوت با دیگر محافل نمی بینید. از هر چند کلمه‌ای که از زبان‌اش جاری می‌شود یک کلمه‌اش کارگر است. از زمانی که خود را شناخته، پرچم کارگران را در دست داشته و تا امروز که در آستانه ورود به مجلس دهم است، حدود ۲۰ سال است که با این پرچم و به عنوان نماینده تهران و منتخب جامعه کارگری، در مجلس حضور دارد و فعلا قرار است با ۱,۳۱۱,۳۷۵ رأیی که در انتخابات دهمین دوره مجلس بدست آورده، حداقل تا چهار سال آینده نیز در مجلس باشد.

علیرضا محجوب کیست؟

او در سال ۱۳۳۷ در روستای مرادتپه از توابع اشتهارد در استان البرز متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در همین روستا گذراند و برای ادامه تحصیل وارد هنرستانی در جنوب شهر تهران شد. با وجود اینکه رشته‌اش فنی و حرفه‌ای بود ولی برای مقطع لیسانس تصمیم گرفت در رشته تاریخ ادامه تحصیل دهد. او لیسانس تاریخ‌اش را از دانشگاه تهران دریافت کرد ولی کسی او را به عنوان مورخ نمی‌شناسد چون بر پیشانی‌اش مهر کارگری نشسته و هرکس نامش را شنیده می‌داند که پیوند ناگسستنی با جامعه کارگری دارد. با دریافت دیپلم فنی وحرفه‌ای

به عنوان کارگر جذب یک چاپخانه می‌شود و از آن زمان به فعالیت در حوزه مسایل کارگری علاقمند می‌شود. او نویسنده اولین پیش نویس شورای اسلامی کار نام گرفته و بنیان‌گذار آن شناخته می‌شود. شوراهایی که با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، در کارخانجات سراسر کشور راه‌اندازی و به عنوان تشکلی مورد حمایت حکومت، کوشید نقش سندیکاهای کارگری را برعهده بگیرد. او بیست سال است که نماینده مجلس و ۲۵ سال است که دبیرکل خانه کارگر است و گفته می‌شود در هیات مدیره بیش از ۵۲ شرکت عضویت دارد.

سوابق انقلابی

علیرضا محجوب در سال ۱۳۵۶ در شهرک اکباتان استخدام شد تا به عنوان کارگر در این شهرک فعالیت داشته باشد. او از همان جا اولین هسته‌های اسلامی-کارگری را بنیان گذاشت و با انتشار اعلامیه‌های آیت‌الله خمینی و توزیع آن در میان کارگران آن‌ها را به پیوستن به اعتصابات کارگری دعوت می‌کرد. شرکت فعالانه در اعتصابات کارگری از جمله اعتصاب شرکت اکباتان، بنز خاور و پارس خودرو از جمله مهم‌ترین فعالیت‌های انقلابی او بود که منجر به اخراج‌اش از کار شد.

با پیروزی انقلاب ۵۷ به سرعت جذب حزب جمهوری اسلامی شد و به عضویت شورای مرکزی این حزب درآمد و با حمایت رهبران حزب، و در همراهی با حسین کمالی و علی ربیعی کنترل خانه کارگر را در اختیار گرفت. او پس از انتصاب حسین کمالی به وزارت کار، دبیرکل خانه کارگر شد و تاکنون این عنوان را حفظ کرده است. او از ابتدای انقلاب به جریان چپ سنتی درون حکومت تعلق گرفت و این رابطه را حفظ کرد و با تغییر نام نیروهای خط امام به جریان اصلاح‌طلب، همواره به عنوان یک نیروی سیاسی اصلاح‌طلب شناخته شده ولی حفظ مشی میانه‌روی و پرهیز از ورود به مباحث سیاسی روز، سبب شده تا همواره صلاحیت‌اش مورد تایید شورای نگهبان قرار گیرد. حتی در انتخابات مجلس هفتم که بیشتر نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم رد صلاحیت شدند او صلاحیت‌اش تایید و به مجلس هفتم راه یافت. رابطه تشکیلاتی و شخصی‌اش با جامعه کارگری سبب شده تا برای ششمین دوره متوالی راهی مجلس شود. نکته جالب این ماجرا این است که تنها نماینده‌ای است که در شش دوره گذشته چه نامش در لیست پیروز انتخابات بوده و چه نبوده توانسته به مجلس راه یابد که می‌تواند نشانه نفوذاش در جامعه کارگری باشد که مستقل از جریان‌های سیاسی می‌تواند در شهر تهران پیروز انتخابات باشد.

اطلاعاتی از نقش‌اش در جنگ هشت ساله ایران و عراق در دست نیست و جایی به فعالیت خاص در این حوزه اشاره‌ای نشده است.

فعالیت‌های حقوق بشری

او با تمرکز بر فعالیت‌های کارگری، تلاش می‌کند تا به عنوان یکی از مدافعان حقوق کارگران شناخته شود؛ هرچند منصور اسانلو رئیس پیشین سندیکای کارگران که سال‌ها در زندان بود در برنامه‌ای در صدای امریکا او را از عوامل سرکوب فعالان سندیکایی در ماه‌های اولیه پس از انقلاب معرفی می‌کند. با وجود این تلاش‌هایش در مجلس نشان می‌دهد که بیشترین تحرکات در مجلس در دفاع از حقوق کارگران، طی بیست سال گذشته، توسط علیرضا محجوب و سهیلا جلودارزاده در مجلس صورت گرفته است. او فراکسیون کارگران مجلس را رهبری می‌کند و در میان طبقات و گروه‌های اجتماعی، تنها کسی است که به طور مشخص به عنوان نماینده

طبقه کارگری شناخته می‌شود و بیش از بیست سال است که این پرچم را در مجلس بالا نگه داشته است.
حمایت از حق برگزاری تجمعات و راهپیمایی‌های کارگری، تلاش برای افزایش حقوق کارگران و تبدیل قراردادهای موقت کارگران به قراردادهای رسمی و بیمه کارگران عمده‌ترین محور فعالیت‌های او در این سال‌ها بوده است. لذا کمتر می‌توان اثری از فعالیت‌هایش در دیگر حوزه‌های حقوق بشری مثل حقوق زندانیان، حقوق زنان و ... ردی یافت. حتی زمانی که از زنان حمایت می‌کند مخاطب‌اش زنان کارگر هستند نه عموم زنان. او سال ۸۹ نسبت به تبعیض‌های ناروا نسبت به زنان کارگر به شدت اعتراض می‌کند و می‌گوید: نباید امنیت شغلی زنان به خاطر بارداری و ازدواج تهدید شود.

سوابق اجرایی:
علیرضا محجوب به عنوان چهره‌ای شناخته شده در حکومت جمهوری اسلامی، از ابتدا با فعالیت در حزب جمهوری، در دولت و مجلس و سازمان‌های وابسته فعالیت داشته است که اهم آن به این شرح است:

- نماینده تهران در مجلس دهم، نهم، هشتم، هفتم، ششم و پنجم
- مشاور و بازرس ویژه دولت هاشمی در امور کارگری
- مشاور کارگری دولت میرحسین موسوی
- عضو شورایعالی تامین اجتماعی

مرکز پژوهشهای مجلس نهم نام محجوب را در ردیف طراحان ۱۶۲ طرح اعلام وصول شده مجلس نهم معرفی کرده است. عمده طرح‌هایی که به امضای محجوب رسیده در حوزه مسایل اقتصادی و مشخصا کارگری بوده همچون طرح‌های:

- طرح یکسان‌سازی مزایا، حقوق و امتیازات کارکنان قرارداد معین کارور (اپراتور)های برق با سایر کارمندان پیمانی و رسمی
- طرح یکسان‌سازی مزایا، حقوق و امتیازات کارکنان قرارداد معین کارور (اپراتور)های برق با سایر کارمندان پیمانی و رسمی
- طرح تبدیل وضعیت استخدامی کارکنان رسمی- کارگری به رسمی یا پیمانی در دستگاه‌های دولتی

ولی هستند طرح‌هایی غیر مرتبط با حوزه تخصصی‌اش که آن‌ها را امضا کرده است.
طرح‌هایی همچون:

- طرح تقویت و توسعه سازمان بسیج رسانه
- طرح امر به معروف و نهی از منکر
- طرح نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی
- طرح اداره صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

کمال دهقانی

حوزه انتخابیه: میبد
سمت: نایب رئیس اول کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی
فراکسیون: مستقلین ولایی

نایب رئیسی که بیشتر به سخن‌گو می‌ماند

خبرگزاری خانه ملت، گویی تریبونی ثابت برای نماینده میبد است تا در خصوص هر موضوعی در حوزه روابط بین الملل مصاحبه کند. کمال دهقانی فیروزآبادی نایب رئیس اول کمیسیون امنیت ملی هر هفته حداقل یک‌بار با خانه ملت در خصوص مسایل بین المللی مصاحبه می‌کند. او اگرچه با ائتلاف امید و به عنوان اصلاح‌طلب به مجلس راه یافته ولی مصاحبه‌هایش به لحاظ محتوایی تفاوتی با اعلام مواضع علاءالدین بروجردی رئیس اصول‌گرای کمیسیون امنیت ملی ندارد. او بیشتر به سخن‌گوی کمیسیون امنیت ملی می‌ماند تا نایب رئیس آن.

کمال دهقانی فیروزآبادی کیست؟

کمال دهقانی فیروزآبادی در سال ۱۳۴۳ در شهرستان میبد از توابع استان یزد متولد شد. او تحصیلات دانشگاهی‌اش را در مقطع لیسانس در رشته حقوق و در مقطع فوق‌لیسانس در رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی در دانشگاه امام صادق تهران سپری کرد و برای اخذ مدرک دکترا در رشته روابط بین‌الملل، جذب واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی شد. «موانع و راه‌کارهای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران» عنوان پایان نامه دکترای او بود که موفق به دفاع از آن شد.

کمال دهقانی در جریان پیروزی انقلاب ۵۷ تنها ۱۴ سال داشت، بنابراین فعالیتی در جریان انقلاب نداشته ولی با آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۰ یعنی در ۱۷ سالگی و در آستانه عملیات نظامی فتح المبین عازم مناطق جنگی شد و به مدت ۱۵ ماه در جبهه‌های جنگی حضور داشت و با جراحات وارده به میبد بازگشت. او ۲۵ درصد از سلامت خود را در جبهه‌ها از دست داده است.

فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی

حوزه فعالیت‌های علمی و اجرایی دهقانی بیشتر روی مسایل بین المللی متمرکز بوده است. او در سال ۱۳۷۲ پس از دو سال فعالیت در دبیرخانه شورای امنیت کشور، جذب وزارت امور خارجه می‌شود تا به عنوان بازرس اداره کل بازرسی وزارت امور خارجه فعالیت کند. او در سال ۱۳۷۴ به عنوان دبیر دوم راهی سفارت ایران در مراکش می‌شود. حضور در مراکش این فرصت را برای او ایجاد می‌کند تا کتابی تحت عنوان «اسلام گرایی در مراکش» منتشر کند.

با پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۷۶، دهقانی به وزارت خارجه باز می‌گردد تا در سمت معاونت اداره امور زیربنایی وزارت امور خارجه در حوزه اقتصادی مشغول به کار شود. کمال دهقانی در سال ۱۳۸۰ مدیر کلی روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری تهران در دوران شهرداری محمد حسن ملک مدنی را عهده‌دار می‌شود و دو سال بعد به عنوان قائم مقام شهردار منطقه ۷ تهران، همکاری با خانم زهرا صدراعظم نوریشهردار منطقه ۷ تهران را تجربه می‌کند.

کمال دهقانی در دولت محمود احمدی نژاد ریاست هیات مدیره منطقه آزاد تجاری بندر انزلی و ریاست باشگاه ورزشی ملوان بندرانزلی را عهده دار می‌شود و در اواخر دولت احمدی نژاد راهی استانداری فارس می‌شود تا به عنوان معاون سیاسی امنیتی و اجتماعی فعالیت کند. تا کارنامه همکاری او با دولت‌های بعد از انقلاب رنگین کمانی شود. او بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی با همه دولت‌ها کار می‌کند و از اینکه در بحبوحه جنبش سبز به دولت احمدی نژاد ملحق شود ابایی ندارد.

فهرست فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- کارشناس ارشد دبیرخانه شورای امنیت کشور ۱۳۷۰-۲
- بازرس اداره کل بازرسی وزارت امور خارجه ۱۳۷۲-۴
- دبیر دوم سفارت ایران در مراکش ۱۳۷۴-۶
- معاون اداره زیربنایی و اداره آموزش وزارت امور خارجه ۱۳۷۴-۸
- مدیرکل روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران ۱۳۸۰-۲
- قائم مقام و معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی شهردار منطقه ۷ تهران ۱۳۸۲-۴
- رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد تجاری بندر انزلی و رئیس هیات مدیره باشگاه ملوان ۱۳۸۴-۹
- معاون سیاسی-امنیتی و اجتماعی استانداری فارس ۱۳۸۹-۹۳

کمال دهقانی فیروزآبادی پس از خروج از استانداری فارس، تصمیم گرفت برای ورود به مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه میبد اعلام کاندیداتوری کند. او در انتخابات مجلس دهم در سال ۱۳۹۲ مورد حمایت اصلاح‌طلبان قرار گرفت و با نام ائتلاف امید وارد کارزار انتخاباتی مجلس دهم شد و با کسب ۲۷ هزار و ۴۸۰ رای وارد مجلس شد. مهم‌ترین رقیب او در این انتخابات قاسم روانبخش از شاگردان شناخته شده آیت‌الله مصباح یزدی بود که با ۷ هزار رای کمتر شکست خورد. او در جریان رقابت‌های انتخاباتی اعلام کرد که در صورت پیروزی از دولت حسن روحانی و سیاست خارجی او در مجلس دفاع می‌کنم.

عضو فراکسیون امید، هم‌سو با اصول‌گرایان

او با ورود به مجلس دهم به عضویت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی درآمد و

در انتخابات هیات رئیسه کمیسیون به عنوان نایب رئیس اول کمیسیون انتخاب شد. او اگرچه به اردوگاه اصلاح‌طلبان و فراکسیون امید تعلق دارد ولی مواضع‌اش در حوزه سیاست خارجی تفاوتی با اصول‌گرایان سنتی ندارد حتی در پاره‌ای موارد همچون اصول‌گرایان تندرو اعلام موضع می‌کند. برای نمونه او جیسون رضاییان خبرنگار ایرانی-آمریکایی دستگیر شده در ایران را که در جریان مذاکرات برجام آزاد شده را جاسوس می‌خواند و می‌گوید: «شکایت جیسون رضاییان که جاسوسی او در ایران محرز شده بود با استناد به این قانون در دادگاه‌های آمریکایی وجاهت قانونی ندارد، بلکه بهره برداری سیاسی از قانون داخلی است، او بر اساس رافت اسلامی بخشیده شد و انتظار نداشتیم زیر توافق بزنند.»

کمال دهقانی فیروزآبادی حمله موشکی سپاه به مواضع داعش در خاک سوریه را به جا و قابل تقدیر می‌خواند و می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران همانند کشورهای غربی با معیارهای دوگانه به تروریسم نگاه نکرده و تروریسم خوب و بد نمی‌شناسد، هر جا که تروریسم خطری داشته باشد چه در ایران یا عراق و سوریه با آن مبارزه خواهد کرد.» او می‌افزاید: «عملیات شب گذشته سپاه پاسداران بسیار دقیق و با استفاده از جنگ افزارهای جدید در فاصله چند صد کیلومتری از کشورمان صورت گرفت که شاید چنین عملیاتی تنها از عهده چند کشور در دنیا بربیاید.» این در حالی است که او پیش از این حمله موشکی آمریکا به سوریه را محکوم کرده و گفته بود: «حمله موشکی آمریکا به سوریه تجاوزی آشکار و خلاف قوانین بین المللی است.»

جنبش سبز و همکاری با دولت احمدی نژاد

سال ۱۳۸۸ و آغاز جنبش سبز، او همکار دولت محمود احمدی نژاد در منطقه آزاد تجاری بندر انزلی بود، بنابراین موضعی علنی در له یا علیه جنبش سبز نداشته است. او با بالاگرفتن درگیری‌ها میان حکومت و بدنه جنبش سبز در سال ۱۳۸۹ از منطقه آزاد تجاری بندرانزلی جدا شده و به عنوان معاون سیاسی-امنیتی استانداری فارس راهی شیراز می‌شود، شهری که بعد از تهران بیشترین فعالیت‌ها را در جنبش سبز داشت. مسوولیتی که بیشتر با ماموریت خاموش کردن موتور جنبش و کنترل امنیتی استان همراه است تا نقشی حمایتی از فعالان جنبش. اطلاعاتی از وضعیت خانوادگی و روابط فامیلی‌اش در فضای مجازی موجود نیست.

علی محمد شاعری

حوزه انتخابیه: بهشهر
سمت: سخن‌گو کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی
فراکسیون: اصول‌گرایان

اخراجی دولت یازدهم، رئیس کمیسیون کشاورزی

با آغاز به کار دولت حسن روحانی، از معاونت سازمان حفاظت محیط زیست اخراج شد تا خود را برای ورود به مجلس گرم کند. علی محمد شاعری که در دولت محمود احمدی نژاد، پله‌های ترقی را بالا رفته بود و به مقام استانداری و معاونت ریاست سازمان حفاظت محیط زیست رسیده بود، با او نیز از دولت رفت. اما خروج از دولت پایان فعالیت‌هایش نبود بلکه این بار به مجلس راه یافت و برخلاف پیش‌بینی‌ها توانست به ریاست کمیسیون کشاورزی و منابع طبیعی مجلس برسد. اتفاقی که برای نمایندگان تازه وارد کمتر روی می‌دهد.

علی محمد شاعری کیست؟

او زاده بهشهر از توابع استان مازندران و متولد سال ۱۳۳۸ است. شاعری پس از اتمام دبیرستان، وارد دانشگاه کشاورزی مازندران شد و مدرک مهندسی‌اش را کسب کرد و بلافاصله جذب جهاد سازندگی مازندران شد، نهادی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دستور آیت‌الله خمینی برای آبادانی ایران تشکیل شد و اکبر ناطق نوری که او نیز اهل مازندران بود ریاست‌اش را برعهده داشت. به این ترتیب فعالیت اجتماعی و حرفه‌ای شاعری در جهاد آغاز شد. او هم‌زمان با کار در جهاد، تحصیلات خود را ادامه داد و فوق‌لیسانس‌اش را در رشته ترویج و آموزش کشاورزی از دانشگاه تربیت مدرس تهران اخذ کرد.

مدیرکلی منابع طبیعی استان گلستان، مدیرکلی امور برنامه‌ریزی و هماهنگی امور اقتصادی استان مازندران، و معاونت جهاد مازندران از جمله فعالیت‌های مدیریتی او در سطح استان مازندران بود ولی ارتقای مدیریتی او به اینجا ختم نشد او سال‌ها بعد جذب سازمان جنگل‌ها و مراتع و منابع طبیعی شد و به تهران آمد. او حین خدمت، در سال ۱۳۷۸ از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، دکترای خود را در رشته کشاورزی اخذ کرد.

با روی کارآمدن دولت محمود احمدی نژاد، شاعری که گرایش سیاسی زیادی به اصول‌گرایان داشته و دارد، جذب دولت شد و به مقام استانداری گلستان رسید. معاونت وزیر جهاد کشاورزی و معاونت ریاست سازمان حفاظت محیط زیست دیگر موقعیت‌هایی بود که آن را تجربه کرد ولی با روی کارآمدن دولت حسن روحانی، عمر فعالیت مدیریتی او در دولت نیز به پایان رسید. معصومه ابتکار معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست پس از روی کارآمدن حکم اخراج شاعری را امضاء کرد. شاعری در این خصوص می‌گوید: «بنده حوالی ساعت ۱۵ روز چهارشنبه (۵ شهریور سال ۹۲) در حالی که در حال بازگشت از یک جلسه بودم این موضوع را شنیدم که از سمت خود برکنار شده‌ام.» او اگرچه به این جمله بسنده کرد و نکته بیشتری در خصوص برکناری‌اش نگفت ولی دو سال بعد پس از ورود به مجلس دهم یکی از تندترین نطق‌ها را علیه سازمان محیط زیست خواند. او حال محیط زیست را ناخوش خواند و گفت: «هم‌اکنون ۵۰ درصد دشت‌های آبی کشور ممنوعه و وضعیت آبی کشور از نظر مرز تنش به شرایط بحرانی و حاد رسیده، بیش از نیمی از تالاب‌های کشور خشک شده، ریزگردها ۲۵ استان کشور را مورد تهدید قرار داده، حداقل ۵۰ هزار هکتار سالانه به بیابان‌های کشور افزوده می‌شود و هوای اکثر کلان شهرهای کشور آلوده و ناسالم است که معتقد هستم علت بروز این چالش‌ها و بحران‌ها ناکارآمدی و شکست ۵ برنامه گذشته و سوء مدیریت در تشخیص و حل مسائل و اولویت‌های اصلی کشور بوده است.» او در حالی سوء مدیریت و شکست پنج برنامه قبلی توسعه را عامل چالش‌های محیط زیست خواند که خودش تا دو سال قبل قائم مقام معاون رئیس جمهور در سازمان محیط زیست بود و قاعدتا بسیاری از مشکلاتی که او نام برد می‌تواند از نتایج مدیریت‌اش در این سازمان به شمار آید.

شاعری پیش از این نیز وقتی به همراه محمود احمدی نژاد به استان مازندران سفر کرد و به عنوان نماینده دولت سخنرانی کرد با این پرسش یکی از خبرنگاران محلی روبرو شد که چطور پیشتر اعلام شده بود که پالایشگاه مازندران، عامل تخریب و آلودگی محیط زیست است و سازمان محیط زیست کشور، یکی از دستگاه‌های مخالف اجرای این طرح بود و مجوز صادر نمی‌کرد، چطور با یک چرخش، مجوز صادر می‌شود، آیا بحث آلودگی رفع شده است؟ شاعری در پاسخ می‌گوید: «به پالایشگاه بهشهر از منظر زیست محیطی مجوز داده نمی‌شد برای برون رفت از این مشکل، نقطه را جابه جا کردیم و در مکانی واقع در ۱۲ کیلومتری تالاب، مجوز ساخت دادیم.» پاسخی که نشان می‌دهد تصمیمات ملی وقتی با منافع زادگاه مدیران در تقابل است را می‌توان نادیده گرفت و برای آن توجیه آورد و حتی آن را این‌گونه مورد تمجید قرار داد: «این پروژه (پالایشگاه بهشهر) استاندارد یورو ۵ دارد و با آخرین استانداردهای روز دنیاست.»

سوابق مدیریتی و اجرایی

علی محمد شاعری بیشتر سوابق کاری‌اش به فعالیت در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی باز می‌گردد ولی او سابقه کار در سمت استانداری و شهرداری یکی از مناطق تهران را نیز در کارنامه دارد. اهم سوابق اجرایی و مدیریتی‌اش به این شرح است:

- نماینده مجلس دهم و رئیس کمیسیون کشاورزی و منابع طبیعی
- معاون وزیر کشور
- استاندار گلستان
- قائم مقام معاون رئیس جمهور در سازمان محیط زیست کشور و ...

- مدیرکل منابع طبیعی استان گلستان
- مدیرکل امور برنامه‌ریزی و هماهنگی امور اقتصادی استان مازندران
- معاون جهادسازندگی استان مازندران
- مدیرکل ترویج و مشارکتهای مردمی سازمان جنگلها و مراتع کشور
- مدیرکل امور بین الملل و روابط عمومی سازمان جنگلها
- شهردار منطقه ۲۲ تهران
- معاون وزارت جهاد کشاورزی

ورود به مجلس

شاعری پس از ۳۱ سال فعالیت در حوزه‌های اجرایی و مدیریتی، از حوزه انتخابیه بهشهر و نکا اعلام کاندیداتوری کرد و مورد حمایت اصول‌گرایان قرار گرفت. وی با کسب ۷۰ هزار و ۴۰۳ رای معادل ۴۱ درصد آراء بر رقبا پیروز و وارد مجلس شد. همان‌طور که انتظار می‌رفت او جذب کمیسیون کشاورزی و منابع طبیعی شد تا در حوزه تخصصی خود فعالیت کند. اما کمتر کسی پیش‌بینی می‌کرد که او بتواند ریاست کمیسیون را از آن خود کند. رسانه‌ها از پاپی زاده و کیخواه به عنوان اصلی‌ترین گزینه‌های ریاست کمیسیون یاد می‌کردند. او عضو فراکسیون اصول‌گرایان است.

حضور در جنگ ایران و عراق

رسانه‌ها علی محمد شاعری را بسیجی معرفی کرده و سابقه جبهه او را هشت ماه و محدود به شرکت در عملیات‌های نظامی فتح المبین، محرم، مرصاد و فعال در بازسازی مناطق جنگی معرفی کرده‌اند ولی از آنجا که جهاد سازندگی وظیفه حمایت لجستیکی جنگ را برعهده داشت، نقش و حضور علی محمد شاعری به عنوانی یکی از اعضای ثابت جهاد در جنگ را باید بیش از هشت ماه دانست.

فتنه تا کی؟

اگر ماهیت جنبش سبز را جنبشی مخالف محمود احمدی نژاد به‌عنوان مجری انتخابات و متهم ردیف اول تقلب در انتخابات بدانیم، علی محمد شاعری از جمله اعضای تیم مخالف جنبش سبز بوده است هرچند او کمتر جایی اظهار نظر سیاسی و حقوق بشری دارد. شاعری به خاطر حوزه تخصصی‌اش معمولا در حوزه کشاورزی و محیط زیست صحبت می‌کند از این رو کمتر او را با وجهه سیاسی می‌شناسند و اگر در دولت احمدی نژاد پله‌های ترقی را طی نمی‌کرد، به سختی می‌شد حتی موقعیت سیاسی او را تعیین کرد. با وجود این، شاعری در سخنانی در مازندران، که آوای خزر آن را گزارش کرده راهپیمایی دولتی مخالفان جنبش سبز در روز ۹ دی ۱۳۸۸ را حماسه یاد کرده و می‌گوید: «مردم کشور در این روز میزان و مرزبندی خود را از طرفی در قبال فتنه و از طرفی نیز در تبعیت از ولایت را نشان دادند و فتنه را خنثی کردند، یکی از دوستان پرسیده بود که فتنه تا کی؟ به او عرض کردم: مردم باید بدانند تا زمانی که انقلاب هست تا زمانی که ظلم هست، فتنه و فتنه‌گری هم هست. مردم باید هوشمند باشند ۱۸ تیر، ۹ دی، ۱۴ اسفند، ۲۲ بهمن، روز قدس و سایر مراسمات ملی بیانگر این است که ما باید هوشمند باشیم زیرا دشمن بیدار است و این فتنه نیز ادامه خواهد داشت. باید بیدارتر باشیم، طراز ما نیز ولایت است.

اطلاعاتی از وضعیت و روابط خانوادگی شاعری در فضای مجازی یافت نشد.

حمیده زرآبادی

حوزه انتخابیه: قزوین
سمت: دبیر دوم کمیسیون صنایع و معادن
فراکسیون: امید

آیت‌الله زاده‌ای که با ورود به مجلس، سیاسی شد

قلم قرمز شورای نگهبان بر نام کاندیداهای مطرح جریان اصلاحات در شهر قزوین، در جریان انتخابات مجلس دهم، هم‌چون ناصر قوامی، محمد علیخانی، زهرا یوسفی، درویش، خطیب امامقلی، و علیرضا ترابی، میدان را برای ظهور چهره‌ای تازه و جوان در این شهر گشود تا مردم قزوین اولین نماینده زن خود را راهی مجلس کنند. حمیده زرآبادی، اولین نماینده زن قزوین در ۱۰ دوره مجلس شورای اسلامی است که با حمایت ائتلاف امید به مجلس دهم راه یافت تا طلسم راهیابی زنان قزوینی به مجلس شکسته شود.

حمیده زرآبادی کیست؟

حمیده زرآبادی در تیرماه ۱۳۵۹ در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. او نوه آیت‌الله جلیل زرآبادی و فرزند آیت‌الله موسی زرآبادی از علمای مطرح قزوین است. حمیده زرآبادی تا پایان مقطع کارشناسی، تحصیلات خود را در قزوین دنبال کرد و پس از دریافت مدرک مهندسی برق، راه دانشگاه علوم تحقیقات تهران شد تا مدرک کارشناسی ارشدش را دریافت کند. او در سال ۱۳۹۰ موفق شد فوق‌لیسانس خود را در رشته مهندسی برق دریافت کند.

حمیده زرآبادی حدود دو سال بعد از انقلاب ۵۷ به دنیا آمده و کودکی‌اش در دوران جنگ ایران و عراق سپری شده، بنابراین فعالیتی در این دو رویداد مهم تاریخ معاصر ایران نداشته است. بررسی کارنامه سیاسی- اجتماعی او نشان می‌دهد که او قبل از ورود به مجلس فعالیت درخور توجهی در حوزه سیاسی و اجتماعی نداشته است و تنها به دو دلیل برای ورود به مجلس مورد حمایت اصلاح‌طلبان قرار گرفته است: ۱- زن بودن، ۲-انتساب به خانواده زرآبادی. یکی از اصلاح‌طلبان قزوین در مقاله‌ای به بررسی دیدگاه موافقان و مخالفان قرار گرفتن نام زرآبادی در فهرست اصلاح‌طلبان قزوین می‌نویسد: «مخالفان معتقدند او هیچ سابقه سیاسی-

اجتماعی‌ای ندارد ولی سران جبهه اصلاحات بر دو ویژگی زن بودن و وابسته بودن به خاندان جلیله زرآبادی تاکید دارند.» زرآبادی در پاسخ به منتقدان‌اش می‌گوید: «همیشه مساله اینگونه بوده که افرادی به تصور اینکه قدرتمند هستند و توانایی چانه‌زنی دارند انتخاب شده‌اند. اما من فکر می‌کنم که باید به تمام افراد جامعه اعتماد کرد. اگر به دنبال اتفاق نویی در جامعه هستیم، باید توانایی تمام افراد را باور داشته باشیم. بهتر است این فرصت به کسانی که توانمند هستند؛ داده شود.»

زرآبادی که تا پیش از ورود به مجلس در سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی استان قزوین مشغول به خدمت بود، در جریان انتخابات مجلس دهم تصمیم می‌گیرد وارد فضای سیاسی کشور شده و برای نمایندگی مردم قزوین در مجلس دهم اعلام کاندیداتوری می‌کند. رد صلاحیت گسترده چهره‌های مطرح اصلاح‌طلب در این استان، این امکان را برای او مهیا می‌کند تا بتواند نگاه رهبران جریان اصلاحات در شهر قزوین را متوجه خود کند. آن‌ها نیز به رغم برخی اعتراضات، از او حمایت می‌کنند تا نامش در فهرست ائتلاف امید قرار گیرد. او این‌گونه به مجلس دهم راه یافت تا اولین زنی باشد که از این شهر پا به مجلس می‌گذارد.

حمیده زرآبادی اما با ورود به مجلس سعی می‌کند در ردیف بازیگران اصلی فراکسیون امید قرار گیرد به طوری‌که به همراه محمد رضا تابش و حسین زاده از سوی فراکسیون امید به شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان معرفی می‌شود. شورایی متشکل از نمایندگان احزاب اصلاح‌طلب، که وظیفه سیاست‌گذاری جبهه اصلاحات را برعهده دارد.

حمیده زرآبادی در جریان انتخابات اعضای شورای اجرایی اتحادیه بین‌المجالس، که در صحن علنی مجلس برگزار شد موفق شد با ۱۳۲ رای، بیشترین رای را کسب کند و به عنوان نفر اول این شورا انتخاب شود. او در اجلاس سالیانه این اتحادیه نیز که با حضور نمایندگان پارلمان کشورهای عضو، در ژنو برگزار شد، طی سخنانی به بررسی وضعیت زنان پرداخت و گفت: «برای تغییر کلیشه‌های سنتی درباره قدرت زنان به عنوان رهبران قابل اتکاء و تصمیم سازان، باید از کودکان‌مان آغاز کنیم؛ در این مسیر، دانش آموزان ایرانی در مدارس این تقسیم کار عادلانه را در قالب انتخابات مجلس دانش آموزی تمرین می‌کنند.» او اضافه کرد: «اطلاعات و آماری وجود دارد که نشان می‌دهد افزایش تعداد نمایندگان زن در پارلمان لزوما به تصویب قوانین حمایتی از زنان نمی‌انجامد، بنابراین، برای ایجاد یک بدنه شایسته از زنان برای خدمت در مجلس باید راهبردی بلند مدت در جهت پرورش نسل جوان اتخاذ کرد تا ایشان را از سطوح محلی تا ملی آماده مشارکت سیاسی سازد.»

سوابق شغلی و اجرایی

حمیده زرآبادی تا پیش از ورود به مجلس علاوه به فعالیت در حوزه صنعتی، در برخی از دانشگاه‌های کشور نیز سابقه تدریس دارد. مهم‌ترین سوابق شغلی و اجرایی او به این شرح است:

- مجری طرح‌های پژو هشی؛ سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران
- مشاور تحصیلی؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین
- کارشناس؛ آزمایشگاه دانشگاه علم و صنعت ایران
- کارشناس؛ آزمایشگاه دانشگاه بین‌المللی امام خمینی «ره»
- سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی
- تدریس در دانشگاه‌های علم و صنعت، امام خمینی و آزاد قزوین و موسسه آموزش عالی البرز

- عضو سازمان نظام مهندسی ایران
- عضو انجمن‌های مهندسان برق و مکاترونیک ایران

حمایت از ورود زنان به ورزشگاه‌ها

حمایت حمیده زرآبادی از ورود زنان به ورزشگاه‌ها که در مصاحبه‌ای با شبکه «من و تو» مطرح شد، با واکنش تند بسیج دانشجویی دانشگاه‌های قزوین روبرو شد. انجام مصاحبه با یک شبکه فارسی زبان خارج از کشور و پرداختن به موضوع ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه‌ها دو محور انتقاد بسیج دانشجویی به حمیده زرآبادی بود. در بیانیه بسیج دانشجویی آمده است: «آیا در اوضاع کنونی مهم‌ترین مسئله مردم و بانوان ما حضور در ورزشگاه است؟ آیا خانم زرآبادی مسئله و مشکل دیگری را نمی‌بینند که بخواهند آن را پیگیری کنند؟»

زرآبادی در مصاحبه با شبکه من و تو گفته بود که موضوع رفع ممنوعیت ورود زنان به ورزشگاه‌ها را پیگیری می‌کند.

زرآبادی معتقد است حقوق و مطالبات زنان در جامعه باید از سوی خود آنان مورد توجه و پیگیری قرار بگیرد. او با حمایت از عدالت جنسیتی می‌گوید: «توسعه پایدار و تحقق عدالت اجتماعی با توجه به بحث زنان اهمیت پیدا می‌کند و این بدین معناست که بدون توجه به قشری که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند توسعه پایدار اتفاق نخواهد افتاد.»

خانواده

پدر بزرگ حمیده زرآبادی، آیت‌الله جلیل زرآبادی و پدرش موسی زرآبادی است. پدرش شاگرد آیت‌الله خمینی بود که موفق شد از ایشان اجازه اجتهاد کسب کند. او نه تنها از طرف پدری آیت‌الله زاده بود بلکه از طرف مادری نیز این عنوان را دارد. او از طرف مادری، نوه آیت‌الله علی صدیقی از اعضای جامعه روحانیت مبارز تهران است.

حسینعلی حاجی دلیگانی

حوزه انتخابیه: شاهین شهر-میمه
سمت: عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات
فراکسیون: مستقل ولایی

فرمانده سپاهی که داعش به دفترش حمله کرد

انتشار ویدئوئی کوتاه از دفتر کارش در مجلس و پیکر بی‌جان رئیس دفترش که نقش بر زمین شده، با صحبت‌هایی از مهاجمان داعشی، نام‌اش را به سرتیتر اخبار روز چهارشنبه ۱۷ خرداد ماه تبدیل کرد. او کسی نبود جز حسینعلی حاجی دلیگانی نماینده شاهین شهر و فرمانده سابق سپاه اصفهان، که در جریان عملیات تروریستی داعش به دفتر نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس دفتر و مشاور فرهنگی خود را از دست داد. جواد زارعی و حجت السلام تقوی دو تن از جان‌باختگان این حادثه تروریستی در دفتر نماینده شاهین شهر مشغول فعالیت بودند.

حسینعلی حاجی دلیگانی کیست؟

حسینعلی حاجی در سال ۱۳۴۱ در روستای دلیگان، اصفهان متولد شد. پایان تحصیلات‌اش در مقطع متوسطه، با آغاز جنگ ایران و عراق تقارن می‌یابد تا او به جای کیف دانشگاه، کوله پشتی نظامی بر دوش گرفته و راهی جبهه‌های جنگ شود. سال‌ها در جبهه‌های جنگی حضور دارد و با اتمام جنگ وارد دانشگاه آزاد می‌شود تا در رشته علوم سیاسی تحصیل کند. او هم‌زمان لباس رزم بر تن دارد و به عنوان فرمانده بسیج در شهرهای گورخوار، میمه، نجف‌آباد فعالیت می‌کند و به درجه فرماندهی سپاه اصفهان می‌رسد.
حاجی پس از اخذ مدرک کارشناسی، تحصیلات خود را مثل بسیاری از مدیران جمهوری اسلامی، در رشته مدیریت دولتی ادامه می‌دهد و مدرک کارشناسی ارشد خود را دریافت می‌کند. او در حال حاضر دانشجوی دکترای مدیریت منابع انسانی است.
با روی کارآمدن دولت احمدی نژاد، حاجی جذب دولت شده و به عنوان فرماندار ویژه عازم کاشان می‌شود تا درگیر کارهای اجرایی شود.
حاجی در جریان انتخابات مجلس نهم، عزم خود را برای ورود به مجلس جزم می‌کند و موفق

می‌شود با کسب اکثریت آراء مردم شاهین شهر، راهی مجلس شود. او در خصوص انگیزه خود برای ورود به مجلس با اشاره به سابقه فعالیت‌های‌اش در بسیج می‌گوید: «برخی بسیج را تنها از دیدگاه نظامی می‌بینند برای من کاملا جنبه‌های مردمی داشت لذا این مسایل انگیزه درونی برای حضور در انتخابات مجلس شد. البته در سال ۸۴ به عنوان فرماندار شهرستان ویژه استان اصفهان یعنی کاشان توانستم اهداف مد نظر خود را در جهت خدمت‌رسانی به مردم تحقق ببخشم در سال ۹۰ نیز به عنوان نماینده مجلس در انتخابات دور نهم پیروز شده و نهایتا وارد عرصه نمایندگی شدم.» تبلیغات انتخاباتی او که با توزیع بلیط نیم بها و رایگان استخر همراه شده بود، انتقادهایی در سطح شهر برانگیخت ولی شورای نگهبان اقدامات او را مصداق خرید رای تشخیص نداد و صحت آرای او را تایید کرد.

حاجی که با حمایت اصول‌گرایان به مجلس نهم راه یافته در این مجلس نیز به عضویت فراکسیون اصول‌گرایان می‌پیوندد و در صف اعضای جبهه پایداری قرار می‌گیرد. او در مجلس نهم در ردیف جدی‌ترین مخالفان دولت روحانی بود، به طوری‌که در لیست مخالفان برجام نامش در ردیف یک ثبت شده است. او در جریان بررسی رای اعتماد کابینه حسن روحانی نیز به عنوان مخالف دولت پشت تریبون قرار گرفت.

حاجی در دومین همایش جبهه پایداری که تحت عنوان «صیانت از منافع ایران» و در مخالفت با برجام با حضور اعضای شورای مرکزی جبهه پایداری برگزار شد، شرکتی فعال داشت. همایش اول این تشکل با عنوان «دلواپسیم» علیه برجام تشکیل شده بود.

حاجی که چهار سال در کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نهم عضویت داشت، بار دیگر برای ورود به مجلس، اعلام کاندیداتوری کرد و موفق شد برای بار دوم با کسب ۶۰,۴۱۱ درصد آراء معادل ۵۱.۶۸ عنوان نمایندگی مردم شاهین شهر و میمه را از آن خود کند. او در مجلس دهم نیز همچون مجلس نهم، به عضویت کمیسیون برنامه و بودجه در آمد.

حاجی در انتخابات ریاست جمهوری یازدهم از حامیان سعید جلیلی و در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم از حامیان ابراهیم رئیسی بود.

سوابق اجرایی و مدیریتی

حسینعلی حاجی دلیگانی، تا پیش از ورود به مجلس جز در مقطعی که فرمانداری کاشان را عهده‌دار بوده، در سپاه و بسیج عضویت داشته و از عناصر نظامی بوده است. اهم سوابق اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- **نماینده شاهین شهر و میمه در مجلس نهم و دهم**
- **عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نهم و دهم**
- **فرماندار ویژه کاشان در دولت احمدی نژاد**
- **معاون استاندار اصفهان**
- **فرمانده سپاه اصفهان**
- **فرمانده بسیج نجف آباد، گورخوار و میمه**
- **فرمانده گروهان زرهی تانک در جبهه‌ها**

حمله به علی مطهری به دلیل تقاضای رفع حصر

حاجی دلیگانی که با حکم محمود احمدی نژاد به فرمانداری کاشان رسیده است، در مجلس از جمله مخالفان جنبش سبز به شمار می‌آید. او در مجلس نهم جزء نمایندگانی بود که با

حمله به علی مطهری سبب شدند تا نطق او ناتمام بماند. علی مطهری در نطقی گفت: «حصر موسوی، کروبی و خانم رهنورد بدون حکم قانونی بوده است.» اما این اظهارات از سوی برخی از نمایندگان از جمله حاجی دلیگانی قابل تحمل نبود تا به او حمله‌ور شده و ضمن ناتمام گذاشتن نطق مطهری، حسن ابوترابی که ریاست جلسه را برعهده داشت را وادار به ختم جلسه و تعطیلی مجلس کنند. حاجی دلیگانی و دیگر معترضان با شعار مرگ بر فتنه گر، فضای مجلس را متشنج و مشت‌هایی نثار علی مطهری کردند.
حاجی دلیگانی در خصوص رهبران جنبش سبز، با تاکید بر اینکه سران فتنه زندگی خود را مدیون رافت نظام و رهبری هستند به روزنامه کیهان می‌گوید: «اگر این افراد در حصر نبودند چه بسا سران اصلی و خارجی فتنه که در خارج از ایران هستند، برای کشته‌سازی دست به قتل آنان می‌زدند.» او می‌افزاید: «حصر کمترین مجازاتی است که اعمال شده و اگر بخواهد دادگاهی صالحه تشکیل شود، حکم این افراد یاغی است چراکه اینها باعث به شهادت رسیدن ده‌ها نفر شده و آبروی نظامی را که به فرموده امام حفظ آن از اوجب واجبات است، در عرصه بین‌الملل وجه‌المصالحه رسیدن خود به اهدافشان کردند.»

اتهام وطن فروشی به نرگس محمدی و مادر ستار بهشتی

حسینعلی حاجی دلیگانی سال ۹۲ پس از ملاقات نرگس محمدی و گوهرعشقی با خانم کاترین اشتون در تهران، آن‌ها را وطن فروش خوانده و در تذکری به وزرای اطلاعات و امور خارجه خواستار جلوگیری از تکرار چنین دیدارهایی شد.
«نرگس محمدی» از فعالان حقوق بشر که مدت‌هاست در زندان به سر می‌برد و «گوهرعشقی» مادر ستار بهشتی که فرزندش در بازداشت کشته شد در تهران با خانم کاترین اشتون مسوول سیاست خارجی پیشین اتحادیه اروپا، دیدار کردند.
حاجی دلیگانی این دیدار را مصداق رفتارهای غیر دیپلماتیک و دخالت در امور داخلی ایران عنوان کرده و می‌گوید: «شاهد هستیم که کمتر از ظرف دو ماه که از ورود هیأت پارلمانی اروپا به ایران می‌گذرد در یک اقدامی که برخلاف همه شئونات دیپلماتیک است با دو نفر که وطن فروشی آن‌ها به همه تأیید شده است دیدار کرده و بعد از آن و پس از ورود اشتون به ایران وی دزدانه دیدارهای اینچنینی را انجام می‌دهد.» او معتقد است باید از دیدار هیات‌های پارلمانی با سران فتنه جلوگیری شود و مدعی می‌شود که برای این اتفاقات از طرف موکلان‌اش تحت فشار است و پاسخی برای آن‌ها ندارد.

دستگیری زرتشتی‌های دوتابعیتی و ادعاهای حاجی دلیگانی

کارن وفاداری و همسرش آفرین نیساری زوج زرتشتی ایرانی-آمریکایی، سال ۹۵ در ایران بازداشت و روانه زندان شدند. عباس جعفری دولت آبادی، اتهام آن‌ها را کشف ۴۰۰۰ لیتر مشروبات الکلی در خانه متهمان و برگزاری مجالس مختلط و فساد با حضور دیپلمات‌های خارجی عنوان می‌کند. اتهامی که کاته وفاداری خواهر متهم آن‌ها را رد می‌کند و مصرف مشروبات الکلی در آیین زرتشتی را امری عادی و پذیرفته عنوان می‌کند.
حسینعلی حاجی دلیگانی اما در نطقی در صحن علنی مجلس مدعی می‌شود که آن‌ها با سرو مشروب میان هنرمندان و تهیه فیلم از آن‌ها اخاذی می‌کرده‌اند. حاجی دلیگانی که روشن نیست به عنوان وکیل ملت سخن می‌گوید یا نماینده دادستان، در نطق‌اش می‌گوید: «یک زوج جوان با نام کارن و آفرین با تابعیت دوگانه وارد کشور می‌شوند. بروید اطلاعات‌شان را در

بیاورید، ببینید چه بر سر هنرمندان و اشخاص نامدار در این کشور می‌آورند. در برخی مراکز مشروب به وسیله لوله کشی میل می‌شود و فیلم آن را می‌گیرند و بعد تهدید و باج خواهی می‌کنند که اگر همکاری نکنید اینها را منتشر می‌کنیم.» کاته وفاداری خواهر متهم با رد این اتهامات می‌گوید: «پس از نطق نماینده شاهین شهر، تهدیدهای تلفنی یا حضوری افراد ناشناس برای اخاذی مالی و تهدیدات امنیتی علیه وابستگان خانوادگی این دو زندانی به طرز چشمگیری افزایش پیدا کرده است.»

خانواده

حسینعلی حاجی دلیگانی در خانواده‌ای روستایی متولد شده است. پدرش کشاورز و اهل روستای دلیگان بوده است. او در سال ۱۳۶۱ با دختر دایی خود ازدواج می‌کند و صاحب دو پسر و یک دختر می‌شود. هر دو پسر او ازدواج کرده و از آن‌ها صاحب یک نوه شده است. دخترش مشغول تحصیل و مجرد است. اطلاعات بیشتری از خانواده و روابط خانوادگی‌اش موجود نیست.

محمدحسین حسین‌زاده بحرینی

حوزه انتخابیه: مشهد
سمت: عضو کمیسیون اقتصادی
فراکسیون: اصول‌گرایان

رویای تثبیت بانکداری بدون ربا

رویای تکیه بر صندلی آیت‌الله واعظ طبسی، رئیس سابق آستان قدس رضوی، پس از رحلت‌اش، شادی را به سیمای خیلی از روحانیونی که خود را شایسته جانشینی این کرسی می‌دیدند، نشاند. حجت السلام دکتر محمد حسین حسین زاده بحرینی، نماینده وقت مشهد در مجلس شورای اسلامی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد، و داماد آیت‌الله نوغانی از علمای سرشناس خراسان، یکی از این روحانیون بود. تعدادی از خبرگزاری‌ها و رسانه‌های خراسان نیز احتمال جانشینی‌اش را مخابره کردند، ولی این کرسی برای او بیشتر به سراب شبیه بود تا واقعیتی دست یافتنی.

محمد حسین حسین زاده بحرینی کیست؟

حسین زاده بحرینی در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای مذهبی در مشهد به دنیا آمد. با اتمام تحصیلات در مقطع راهنمایی و هم‌زمان با شروع دبیرستان، تحصیلات حوزوی را نزد محمد جعفر جعفری، برادر علامه محمد تقی جعفری آغاز کرد و در سال ۱۳۶۰ موفق شد دیپلم خود را دریافت کند.

سال‌های جوانی او با انقلاب ۵۷ آغاز شد و با حشر و نشری که با علمای انقلابی مشهد داشت، در ردیف جوانان فعال انقلاب در مشهد بود. اما حضور جدی‌اش در فعالیت‌های اجتماعی، با حضورش در بسیج و عزیمت‌اش به مناطق جنگی در اولین ماه آغاز جنگ ایران و عراق، آغاز شد. او در رکاب مصطفی چمران، در عملیات آزادسازی سوسنگرد شرکت کرد و عضو گروه جنگ‌های نامنظم بود. حسین زاده تا پایان جنگ به صورت متناوب در مناطق جنگی حضور می‌یافت. حضور در عملیات‌های جنگی همچون عملیات فتح المبین، بیت المقدس، والفجر مقدماتی، والفجر۱، والفجر۸، و عملیات مهران در کارنامه او ثبت است.

حسین زاده هم‌زمان با حضور در مناطق جنگی، تحصیلات علوم دینی را نیز در حوزه علمیه مشهد و متعاقبا در دانشگاه علوم اسلامی رضوی دنبال کرد.
با اتمام جنگ، حسین زاده تصمیم گرفت وارد تحصیلات دانشگاهی شود. او سال ۱۳۶۹ در کنکور سراسری شرکت کرد و با کسب رتبه اول در رشته علوم انسانی، وارد دانشگاه فردوسی مشهد شد تا در رشته اقتصاد تحصیل کند. سه سال بعد پس از دریافت مدرک کارشناسی، وارد دانشگاه علامه شد تا فوق‌لیسانس اقتصاد را در این دانشگاه اخذ کند. او علاوه بر مدرک کارشناسی ارشد، مدرک دکترایش را نیز از این دانشگاه در رشته اقتصاد دریافت کرد. «امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران» عنوان تز دکترایش بود. بانک‌داری و مسایل مالی از موضوعات مورد علاقه حسین زاده در رشته اقتصاد است، به طوری‌که او سال‌ها روی بانک‌داری اسلامی یا بانک‌داری بدون ربا کار کرده است. بانک‌داری اسلامی یا بانک‌داری بدون ربا، رویایی است که او دنبال می‌کند و امیدوار است بتواند با به نتیجه رساند طرح اصلاح نظام بانکی، این ایده را محقق کند.
حسین زاده پس از اتمام تحصیلات در مقطع دکترا، به مشهد بازگشت و جذب دپارتمان اقتصاد دانشگاه فردوسی شد. او از سال ۱۳۸۷ ریاست پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی را نیز عهده دار شد.
تخصص در حوزه اقتصاد و علوم دینی، ارتباط با علمای خراسان و رابطه نزدیک به بعثه رهبر ایران، حسین زاده را بر آن داشت تا برای ورود به مجلس، در انتخابات نهمین دوره آن، از حوزه انتخابیه مشهد، اعلام کاندیداتوری کند. حسین زاده با حمایت اصول‌گرایان موفق شد با کسب رتبه هفتم به مرحله دوم انتخابات راه یابد. او در مرحله دوم با ۱۸۸ هزار رای به مجلس راه یافت. او پس از ورود به مجلس به کمیسیون اقتصادی پیوست تا از تخصص‌اش در تدوین و اصلاح قوانین اقتصادی بهره جوید. او هم‌چنین در سال ۱۳۹۳ به عضویت کمیسیون تلفیق بودجه سال ۱۳۹۴ در آمد.

اعتراض به همراهی مدیران احمدی نژاد با تحریم‌ها

حسین زاده در عین حال که با فراکسیون جبهه پایداری مجلس هم‌گام بود، ولی معتقد بود که برخی مدیران اقتصادی دولت احمدی نژاد با تحریم‌ها همراهی می‌کنند. او سال ۹۲ در همایش «اقتصاد مقاومتی، محور حماسه سیاسی» در توضیح این ادعا می‌گوید: «به برخی مدیران اقتصادی گفته‌ام خجالت می‌کشم بگویم برخی با تحریم‌ها همراهی می‌کنند و یک نمونه ساده‌اش هم قضیه قیمت‌گذاری گندم است. سال گذشته در حالی که کشور ما در تحریم قرار داشت، یک مدیر اقتصادی ما می‌آید و گندم را نصف قیمت جهانی آن اعلام می‌کند ... هر ساله سیلوهای ما بین ۱۲ تا ۱۳ میلیون تن گندم از کشاورزان تحویل می‌گرفتند اما سال گذشته این میزان به کمتر از سه میلیون تن رسید. گندم به جای اینکه بیاید داخل سیلوهای ما، رفت داخل یکسری مکان‌های غیر بهداشتی و بسیاری از آن‌ها نیز تبدیل به خوراک دام شد ... گاهی با یک تصمیم غلط، چند نقطه قوت ما تبدیل به چند نقطه ضعف می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ما سال گذشته مجبور شدیم هفت میلیون تن گندم وارد کنیم.»
حسین زاده در مجلس نهم، همچون دیگر اعضای فراکسیون پایداری، از جمله مخالفان برجام بود و در نطقی گفت: «براساس نظریه بازی‌ها با توجه به شرایط موجود و علی‌الاخصوص با توجه به عطش توافق در غرب که نمودی از آن را در عملکرد آمریکا شاهد بودیم، بهترین انتخاب برای ما رد برجام با هدف دستیابی به دستاوردهای بیشتر است. البته این توصیه مشروط به

حصول این نگاه مشترک در دولت و مجلس است که می‌توان با همدلی، همزبانی و دامن زدن به عزم و اراده ملی، دستاوردهای مذاکره با دشمن را افزون کرد و از کاستی‌های آن کاست ... من تردیدی ندارم که اگر چنین نظم و اجماعی میان دولت و مجلس پدید آید، به زودی میز مذاکره دومی شکل خواهد گرفت و در آن، مذاکره کنندگان کشور ما با دستی پرتر از قبل و ۱+۵ با انفعال بیشتر از گذشته، به مذاکره خواهند نشست.»

حسین زاده که در مجلس نهم با نمایندگان جبهه پایداری پیوند خورده بود، در انتخابات مجلس دهم در ائتلافی با دیگر نمایندگان پایداری مشهد، موفق شدند با شکست دو ائتلاف اصول‌گرایان و ائتلاف امید، هر ۵ کرسی مشهد در مجلس دهم را از آن خود کنند، هرچند او هم‌چون دیگر نمایندگان مشهد همچون کریمی قدوسی و قاضی زاده، پر سر و صدا نیست چراکه بیش از آن‌که بر مسایل سیاسی تمرکز کرده باشد، همه توجه او معطوف به مسایل اقتصادی از جمله بانک‌داری بدون رباست.

او عضو جبهه پایداری و چهره‌ای اصول‌گراست. حسین زاده در جریان انتخابات ریاست جمهوری به جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی (جمنا) پیوست و از کاندیداتوری حجت السلام رئیسی حمایت کرد.

مسوولیت‌های اجرایی و مدیریتی

حسین زاده بحرینی در تمام سال‌های پس از فارغ التحصیلی و قبل از ورود به مجلس نهم، بیشتر در حوزه مسایل علمی و دانشگاهی فعال بوده است. اهم مسوولیت‌های اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- ریاست پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد
- معاونت آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم حدیث تهران
- عضو دفتر مطالعات استراتژیک وزارت اقتصاد دولت خاتمی
- عضو شورای طرح و برنامه سازمان صداوسیما
- مسوول بعثه رهبر ایران در استان خراسان شمالی، جنوبی و رضوی
- مدیرکل آموزش و ارزیابی معاونت امور بین الملل بعثه رهبر ایران
- عضو ستاد امربه معروف و نهی از منکر استان خراسان رضوی
- عضو شورای عالی اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی (خصوصی سازی)
- عضو شورای فقهی-مشورتی بانک مرکزی ایران
- عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی
- نماینده مشهد در مجلس نهم و دهم

داماد آیت‌الله نوغانی

حسین زاده بحرینی، پیش از اینکه به سمت شخصی در مشهد شناخته شده باشد، به نام پدر خانم‌اش شناخته می‌شود. آیت‌الله میرزا مهدی نوغانی، پدر خانم‌اش از علمای سرشناس مشهد و از مبارزان انقلابی خراسان بود که نقشی مستقیم و فعالانه در بسیج مردم مشهد علیه رژیم پهلوی داشت. او عضو جامعه روحانیت مبارز مشهد بود که در سال ۱۳۷۱ درگذشت. آیت‌الله علی اکبر نوغانی نیز پدر بزرگ همسر حسین زاده از علمای شناخته شده حوزه علمیه مشهد بوده است.

علیرضا رحیمی

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: دبیر اول کمیسیون تدوین آیین‌نامه داخلی مجلس
فراکسیون: امید

آغاز فعالیت سیاسی-اجتماعی از زندان‌های عراق

خانم خبرنگاری وقتی برای مصاحبه با اسرای ایرانی زندانهای عراق، وارد اردوگاه الرمادی شد، شاید فکر نمی‌کرد که بی‌حجابی‌اش با اعتراض یک نوجوان ایرانی روبرو شود. در برابر نوجوان ۱۴ ساله‌ای نشست تا از او درباره روزهای سخت اسارت بپرسد، اما در پاسخ با این شعر روبرو شد: «ای زن به تو از فاطمه این‌گونه خطاب است / ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است.» او کسی نبود جز علیرضا رحیمی نماینده فعلی تهران که در ۱۴ سالگی به اسارت درآمده بود. او خیلی خوش شانس بود که سال ۱۳۶۳ با تعدادی از اسرای عراقی مبادله شد و خیلی زودتر از پایان جنگ به ایران بازگشت، البته با تنی مجروح و جانبازی ۵۵ درصدی. او پس از آزادی، به دیدار رهبر ایران رفت و آیت‌الله خمینی رادیواش را به او هدیه داد تا نامش چون حسین فهمیده، در میان نوجوانان هشت سال جنگ ایران و عراق ماندگار شود. علیرضا رحیمی اینک ۴۹ ساله و نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی است.

علیرضا رحیمی کیست؟

علیرضا در سال ۱۳۴۷ در شهر اهواز متولد شد، دوران کودکی را پشت سر می‌گذاشت که شهرش زیر آتش موشک و خمپاره قرار گرفت، ترجیح داد به جای عزیمت به دیگر شهرهای ایران و اقامت در اردوگاه جنگ زدگان، لباس رزم بپوشد و در حالی که تنها ۱۴ سال بیشتر نداشت در میدان جنگ باقی بماند ولی حضورش در جبهه‌ها به جانبازی ۵۵ درصدی منجر و نهایتا به اسارت نیروهای عراقی درآمد. او ۲ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۶۳ با همراه تعداد دیگری از اسراء با اسیران عراقی مبادله شد و به ایران بازگشت.

علیرضا رحیمی در خصوص حضورش در جبهه‌ها و اسارت می‌گوید: «به هرحال دشمن آمده بود که خانه ما را اشغال کند و در کمال ظلم و وحشی‌گری تمام هستی ما را مورد تهدید قرار

داد. در سال ۶۱ من کلاس دوم راهنمایی بودم و ساکن خوزستان. در آن ایام استان خوزستان فضای کاملا دفاعی و حماسی داشت و زنان و مردان در تمام سنین فقط به این فکر می‌کردند که چطور می‌شود از کشور دفاع کرد. در مدرسه‌ای که من درس می‌خواندم محصلین به همراه معلمان خود برای دفاع از کشور به جبهه‌ها اعزام شدند. من هم به مانند بسیاری از افراد توفیق حضور در جبهه را داشتم و در همین دوران هم مجروح و هم اسیر شدم. دو سال را در زندان‌های صدام سپری کردم. وقتی به جنگ رفتم و مجروح شدم ۱۴ سال داشتم.»

رحیمی پس از آزادی، تحصیلات خود را از سر گرفت و پس از اخذ دیپلم علاوه بر تحصیل در دانشگاه، تحصیلات حوزوی را هم آغاز کرد. او پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشته حقوق قضایی، رهسپار اسکاتلند شد تا در آنجا تحصیلات‌اش را در رشته حقوق بین‌الملل دنبال کند. او با اخذ مدرک کارشناسی ارشد به ایران برگشت و در حوزه‌های مختلف مشغول فعالیت شد. رحیمی برای اولین بار در انتخابات مجلس ششم از حوزه انتخابیه تهران اعلام کاندیداتوری کرد و بصورت مستقل در انتخابات حضور یافت ولی از ورود به مجلس باز ماند. ۸ سال بعد او که به عضویت بنیاد باران به رهبری محمد خاتمی پیوسته بود، برای بار دوم در انتخابات دوره هشتم مجلس اعلام کاندیداتوری کرد و در لیست اصلاح‌طلبان تهران هم قرار گرفت ولی باز به مجلس راه نیافت. در این دوره تنها علیرضا محجوب از فهرست اصلاح‌طلبان به مجلس راه یافت.

رحیمی بار دیگر در انتخابات مجلس دهم اعلام کاندیداتوری کرد و موفق شد با حمایت ائتلاف امید (اصلاح‌طلبان و اعتدال‌گرایان) از حوزه انتخابیه تهران به مجلس راه یابد. رحیمی پس از ورود به مجلس به عضویت فراکسیون امید به رهبری محمد رضا عارف و به عضویت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی درآمد.

رحیمی همچنین در مجلس دهم به ریاست هیات نظارت بر انتخابات شوراها در استان تهران، منصوب شد.

سوابق اجرایی و مدیریتی

رحیمی پیش از ورود به مجلس دهم مدتی در وزارت نیرو و مدتی هم به عنوان مشاور معاون اجرایی حسن روحانی در دولت ایفای وظیفه کرده بود. اهم سوابق اجرایی و سیاسی او به این شرح است:

- نماینده تهران در مجلس دهم و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی
- رئیس هیات نظارت بر انتخابات پنجمین دوره شوراها در استان تهران
- عضو بنیاد باران
- عضو هیأت پژوهشی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی
- مشاور محمد شریعتمداری، معاون اجرایی حسن روحانی رئیس جمهور

تایید صلاحیت فعالان جنبش سبز و فشار مسوولان قضایی

علیرضا رحیمی در قامت ریاست هیات نظارت بر انتخابات شوراها در استان تهران، به سیبل مخالفان تبدیل شد. آن‌ها تایید صلاحیت فعالان جنبش سبز در انتخابات شوراها را از جمله اتهامات رحیمی دانسته و بر او تاختند. اما رحیمی این انتقادات را غیر وارد تشخیص داده و می‌گوید: «ما مطلقاً نگاه‌مان به حوادث ۸۸ نیست و محور هم برای ما اصل ۳۷ قانون اساسی (اصل برائت) است و نگاه‌مان به مسائل سیاسی افراد هم نگاه در چارچوب نظام است.» او برخلاف رویه شورای نگهبان و مخالفان جنبش سبز می‌گوید: «حوادث ۸۸ اصلاً نمی‌تواند

ملاک ارزیابی افراد به معنای صلاحیت یا عدم صلاحیت قرار بگیرد.»
علیرضا رحیمی که با خبرگزاری مهر مصاحبه می‌کند وقتی با اصرار و این پرسش خبرنگار روبرو می‌شود که یعنی توصیه‌های رهبری نظام هم درباره فتنه ملاک نیست، به صراحت پاسخ می‌دهد ملاک قانون است.
علیرضا رحیمی از جمله نمایندگان فراکسیون امید است که رابطه نزدیکی با سید محمد خاتمی و بنیاد باران دارد.

حمایت از حقوق اقلیت‌های دینی با تایید صلاحیت آن‌ها

در جریان بررسی صلاحیت کاندیداهای انتخابات شوراها توسط نمایندگان مجلس دهم، احمد جنتی دبیر شورای نگهبان در نامه‌ای غیرمنتظره به نمایندگان، از آن‌ها خواست تا صلاحیت کاندیداهای اقلیت‌های دینی در شهرهایی که اکثریت آن مسلمان هستند را رد کنند. نامه‌ای که رونمایی از یکی از ادله‌های شورای نگهبان برای رد صلاحیت گسترده کاندیداهای انتخابات مجلس بود. علیرضا رحیمی رئیس هیات نظارت بر انتخابات شوراها در استان تهران در واکنش به این نامه می‌گوید: «در تهران ۴ کاندیدا از اقلیت‌های دینی بودند که هم هیات نظارت و هم هیات اجرایی صلاحیت آن‌ها را تایید کردند.»
او اعطای تابعیت به فرزندانی که از پدر غیر ایرانی و مادر ایرانی در ایران به دنیا آمده‌اند و با فرهنگ ایرانی بزرگ شده‌اند را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: این مساله باید در مجلس با نگاه اجتماعی بررسی و تصویب نشود نه با نگاه امنیتی. به گفته نماینده تهران، مجلس باید مشکل تابعیتی این‌ها را حل کند تا آن‌ها از حق شهروندی برخوردار شوند.
او انتخاباتی بودن تدوین حقوق شهروندی از سوی حسن روحانی را غیرواقعی می‌داند و بر این باور است که رئیس جمهور برای حل مشکل حقوق شهروندی عزمی جدی دارد. رحیمی به بازگشایی دفتر حقوق شهروندی در قوه قضاییه در دوران ریاست محمد یزدی اشاره می‌کند و می‌گوید وقتی امور حقوق شهروندی به درستی پیش نرفت این دفتر هم تعطیل شد ولی حسن روحانی مسیری را باز کرده تا مردم با حقوق خود آشنا شوند.

مبارزه با فساد و افشای توزیع کارت ورزش از سوی شهردار میان نمایندگان

هم‌زمان با جدی شدن تلاش اعضای فراکسیون امید برای تصویب طرح تحقیق و تفحص مجلس از روند واگذاری املاک نجومی در شهرداری تهران، علیرضا رحیمی در صحن علنی مجلس از تخلف شهرداری تهران در توزیع کارت ورزش رایگان میان نمایندگان پرده برداری کرد و گفت: «شهرداری تهران کارت هدیه ۵۰۰ هزار تومانی مبنی بر تسهیلات تربیت بدنی میان جمع کثیری از نمایندگان توزیع کرده است.» او خواستار بررسی این تخلف شهرداری تهران از سوی هیات رئیسه مجلس شد. رحیمی با بیان اینکه اکثر نمایندگان از دریافت این کارت خودداری کرده‌اند، این اقدام شهرداری را خلاف‌شان مجلس عنوان کرد.
رحیمی از جمله نمایندگانی است که به بازداشت مدیران کانال‌های تلگرامی هم اعتراض کرده و خواستار آزادی آن‌هاست. رحیمی به همراه ۴ نماینده دیگر تهران با طرح سوال‌هایی از وزرای اطلاعات و دادگستری خواستار روشن شدن ابعاد این دستگیری‌ها و تلاش برای آزادی دستگیرشدگان شدند.
اعتراض او به نبود آزادی زنان از جمله نمونه‌هایی از فعالیت‌های او برای استیفای حقوق زنان است. او خواهان در اولویت قرار گرفتن مساله تامین امنیت زنان در جامعه توسط نیروی

انتظامی است و می‌گوید: «اقدامات انجام گرفته از سوی دستگاه‌ها در زمینه امنیت زنان نیز به صورت کارآمد در راستای برقراری امنیت زنان نیست، قوه قضاییه و سایر دستگاه‌های متولی مسائل اجتماعی باید به دنبال ارتقا امنیت زنان باشند زیرا ارتقا امنیت زنان از نیازهای روز جامعه است.»

اطلاعاتی از وضعیت خانوادگی و روابط فامیلی‌اش با دیگر چهره‌های حکومتی کشور در دست نیست.

حسن نوروزی

حوزه انتخابیه: رباط کریم
سمت: سخن‌گو کمیسیون قضایی و حقوقی
فراکسیون: اصول‌گرایان

رویای برباد رفته تشـکیل کابینه احمدی نژادی

آمده بود تا با تشکیل کابینه‌ای همچون کابینه محمود احمدی نژاد، مشکلات ایران را حل کند، ولی شورای نگهبان صلاحیت‌اش را رد کرد تا پشت در پاستور بماند. حجت السلام حسن نوروزی نماینده رباط کریم در مجلس هشتم و دهم، که به همراه ۴ نماینده دیگر مجلس دهم برای انتخابات ریاست جمهوری اعلام کاندیداتوری کرده بود، می‌گوید با تشویق اعضای دولت احمدی نژاد پا به رقابت‌های انتخاباتی گذاشته و تصمیم داشته با تشکیل دولتی شبیه دولت قبل، به مبارزه با فساد برخیزد. او باور داشته می‌توانسته پدیده این دوره از انتخابات ریاست جمهوری که قرار است روز ۲۹ اردیبهشت ۹۶ برگزار شود باشد ولی شورای نگهبان این شانس را از او گرفته است.

حسن نوروزی کیست؟

حسن نوروزی در سال ۱۳۳۹ در مشهد به دنیا می‌آید. تحصیلات‌اش را در حوزه علمیه این شهر آغاز می‌کند. مدعی است قبل از عزیمت به حوزه علمیه قم، در مشهد نزد رهبر ایران شاگردی کرده است. جوانی‌اش با شور و حال انقلابی سپری شده به طوری که فعالیت‌های انقلابی‌اش به دستگیری و اعزام‌اش به زندان وکیل آباد مشهد در سال ۱۳۵۷ منجر می‌شود، اما چند ماه بعد با پیروزی انقلاب از زندان آزاد می‌شود.

با پیروزی انقلاب، نوروزی به حوزه علمیه قم کوچ می‌کند تا تحصیلات‌اش را در این شهر از سرگیرد اما از سوی دفتر تبلیغات اسلامی مامور می‌شود تا با سفر به شهرستان قصرشیرین، تبلیغ مبانی اسلام، را عهده دار شود. او سال ۱۳۵۹علاوه بر قبول این ماموریت، مسوولیت حزب جمهوری اسلامی منطقه غرب کشور و نیز سرپرستی دادگاه انقلاب این شهرستان را نیز عهده‌دار می‌شود.

سفر نوروزی به قصر شیرین با آغاز جنگ ایران و عراق و سقوط این شهر منجر می‌شود و در حالی‌که هنوز چند صباحی از ورودش به این شهر نگذشته، به اسارت نیروهای عراقی در می‌آید و تا پایان جنگ، در اردوگاه اسرای جنگی در عراق، در اسارت باقی می‌ماند. تا اینکه در سال ۱۳۶۹ بعد از ده سال اسارت، آزاد و به ایران بازگردانده می‌شود.
در اردوگاه اسرای جنگی کسی او را به نام حسن نوروزی نمی‌شناسد، او اینجا نامش «سهراب چنگیزی» است. حتی وقتی آزاد می‌شود صداوسیما ایران او را با این نام معرفی می‌کند.
حسن نوروزی در بیان خاطرات‌اش از دوران اسارت می‌گوید: «در زمانی که شهر سقوط کرد من فرماندهی کل قوا را در دست داشتم، چرا که فرمانده سپاه ضربه مغزی، شهربانی متواری و فرماندار در کرمانشاه ساکن شده بود. روز آخر بر روی دیوارهای مهدیه شهر در حال نگهبانی بودیم که از پشت سر ما یعنی گیلان غرب، یک واحد زرهی، با پرچم جمهوری اسلامی ایران وارد شهر شد و ما تفاوت تانک‌های روسی عراق را با تانک‌های آمریکایی خود نمی‌دانستیم و زمانی متوجه عراقی بودن نیروهای استقرار یافته در سطح شهر شدیم که قصر شیرین سقوط کرده بود.» نوروزی با بیان اینکه ۱۴ روز در شهر مخفی شده بود می‌گوید: «روز چهاردهم در حال خروج (فرار) از شهر بودم که در نزدیکی خط مقدم شناسایی و به اسارت در آمدم.»
نوروزی با بازگشت از اردوگاه اسرای جنگی، باردیگر به حوزه علمیه قم می‌رود و تحصیلات‌اش را نزد علمای قم همچون مشکینی، مکارم شیرازی، سبحانی، سید کاظم حائری و هاشمی شاهرودی دنبال می‌کند.
نوروزی هم‌زمان با تحصیل در حوزه علمیه قم، تحصیلات دانشگاهی را در رشته حقوق در دانشگاه تهران آغاز می‌کند و موفق می‌شود فوق‌لیسانس‌اش را دریافت کند. او پس از اخذ مدرک کارشناسی ارشد، راهی دانشگاه دفاع ملی می‌شود تا در کنار سرداران سپاه، دکترایش را در رشته مدیریت استراتژیک اخذ کند.
نوروزی می‌گوید در زمان وزارت علی لاریجانی در دولت هاشمی، قرار بوده تا به عنوان رایزن فرهنگی راهی فیلیپین شود ولی در نهایت شخص دیگری جایگزن او می‌شود و فرد جایگزین بعد از مدتی در فیلیپین موزائیک فروش می‌شود. لذا نوروزی بازمانده از فیلیپین، در سال ۱۳۷۳ راهی رباط کریم می‌شود تا امامت جمعه این شهر را در اختیار گیرد. او پس از چند سال امامت جمعه این شهرستان، عزم خود را برای ورود به مجلس شورای اسلامی جزم می‌کند و موفق می‌شود در هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی، بر کرسی این شهرستان تکیه بزند.
نوروزی در مجلس هشتم به عضویت دو کمیسیون شوراها و اصل نود در می‌آید. او در این مجلس، به عضویت فراکسیون اصول‌گرایان در می‌آید.
نوروزی که در مجلس هشتم از حامیان جدی محمود احمدی نژاد است رفته رفته به جرگه مخالفان او می‌پیوندد و حمایت از احمدی نژاد را مایه آبروریزی برای خود می‌داند. این نماینده اصول‌گرای مجلس می‌گوید: «رییس جمهور جریان به‌هم‌پیوسته ناشناخته و افرادی که متهم و یا در زندان بودند را منصوب می‌کند و اینکه ما فکر کنیم که آقای رییس جمهور جور دیگری بودند اشتباه است. از ابتدا قد و قواره ایشان در همین حد بود و ما اشتباه می‌کردیم که خیال می‌کردیم ایشان انسان دارای تفکر استراتژیک، راهبردی و دلسوز مملکت هستند. از ابتدا باید روی ایشان همین اندازه فکر می‌کردیم.»
نوروزی از ورود به مجلس نهم باز می‌ماند ولی چهار سال بعد مجدد شانس خود را برای ورود به مجلس دهم می‌آزماید و در دوره دوم موفق می‌شود با کسب اکثریت آراء و با حمایت ائتلاف اصول‌گرایان برای بار دوم به مجلس راه یابد. نوروزی این بار برخلاف میل‌اش به کمیسیون

حقوقی و قضایی می‌رود و به سخن‌گویی این کمیسیون انتخاب می‌شود.
ورود به مجلس سقف آرزوهای نماینده رباط کریم نیست. او این بار عزم خود را برای ورود به رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری جزم می‌کند ولی با مهررد صلاحیت از گردونه رقابت‌ها کنار گذاشته می‌شود و این شانس را نمی یابد تا در رقابت با حسن روحانی و دیگر کاندیداها، میزان اقبال عموم به آراء و اندیشه‌هایش را بسنجد ولی خودش باور دارد که می‌توانسته پدیده انتخابات باشد. او در گفتگویی با رسانه‌ها، هدف‌اش را از ورود به رقابت‌های انتخاباتی، مبارزه با فساد عنوان کرده و می‌گوید با تشکیل دولتی شبیه دولت احمدی نژاد در پی تحقق این هدف بوده است. او برنامه‌هایش برای تشکیل دولت را اینگونه تشریح می‌کند: «یکی از اعتقادات من این است که قطعا مسئولان استانی و شهرستانی در سطح استاندار و فرماندار باید بومی باشند. باید متعلق به همان منطقه و استان شناس باشند. من با مدیر پروازی قطعا مخالفم. من با افزایش بی‌معنای حقوقی در هر سطحی مخالفم. من با بذل و بخشش‌های گوناگون مخالفم. من جزو کسانی هستم که معتقدم اصلا در ایران تحریم نیست و اساسا تحریم معنایی ندارد. معتقدم اقتصاد مقاومتی یک اقتصاد درون زاست و نه اقتصاد برون زا که آقای روحانی به آن معتقد است.» او از ورود به رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری باز ماند ولی در صف حامیان جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی از کاندیداهای جمنا در انتخابات ۹۶ حمایت می‌کند.

اهم سوابق اجرایی و مدیریتی

نوروزی ده سال از بهترین سال‌های جوانی‌اش را در اردوگاه اسرای جنگی در عراق گذرانده و پس از آزادی مدتی را صرف بازسازی خود کرده تا بتواند وارد عرصه‌های مدیریتی و اجرایی شود لذا کارنامه چندان پرباری در حوزه فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی نداشته است. امامت جمعه دو شهرستان طرقبه و رباط کریم و تدریس در حوزه و دانشگاه، عمده مسوولیت‌های او قبل از ورود به مجلس شورای اسلامی بوده است. او مدعی است در دوران اسارت، به هفت زبان دنیا آشنا شده و مدتی در دانشکده قوه قضاییه، به تدریس حقوق به زبان فرانسه مشغول بوده است.

دشمن قسم خورده جنبش سبز

در درون حکومت و در میان نمایندگان و امامان جمعه و مدیحه‌سرایان بیت رهبری، جنبش سبز دشمنان بسیاری دارد ولی شدت مخالفت آن‌ها با جنبش سبز در یک سطح نیست. برخی از آن‌ها منتقد جنبش سبز و برخی البته دشمن قسم خورده آن هستند. حسن نوروزی را قطعا باید در ردیف تندروترین مخالفان این جنبش دانست کسی که به رغم اعتراف به اشتباهات‌اش در حمایت از احمدی نژاد و مستبد خواندن او، هنوز از هر تریبونی برای حمله به فعالان و طرفداران جنبش سبز حمله می‌کند. او که در سال ۸۸ و در دوران پرحادثه انتخابات ۸۸ به عنوان نماینده مجلس در رکاب محمود احمدی نژاد قرار داشت، مدعی است در سال ۸۸ برخی از احزاب و روزنامه نگاران در خدمت دشمن برای رقم زدن انقلابی رنگی در ایران بودند. او می‌گوید: «شب انتخابات ریاست جمهوری در سال ۸۸، یکی از مقامات آمریکایی اعلام کرد که ما در ایران انتخابات نداریم و یک انقلاب سبز در این کشور رقم خواهد خورد و پس از ایران نوبت به سوریه خواهد رسید.» او می‌افزاید: «فتنه‌گران در سال ۸۸ بیش از ۶۳ میلیارد تومان فقط به شهرداری تهران خسارت زدند، مسجد و بیرق امام حسین(ع) را به آتش کشیده و به هیات‌های عزاداری حمله کردند و شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه سر دادند.»

نوروزی و جمع دیگری از نمایندگان مجلس هشتم، دادستانی کل کشور را برای دستگیری موسوی و کروبی تحت فشار گذاشته بودند. نوروزی با بیان اینکه موسوی و کروبی نباید در امان باشند، می‌گوید: «نمایندگان از دستگاه قضایی و دادستان کل کشور خواستند که محرکان اصلی و سران فتنه دستگیر شوند. ضمن آن‌که محرکان اغتشاشات اخیر تهران همانند مهدی کروبی، میر حسین موسوی و فائزه هاشمی که با صدور بیانیه‌ها و سخنرانی‌های خود باعث گسترش اغتشاشات شده‌اند، باید دستگیر شوند.»
نوروزی در مجلس دهم نیز خط مقابله با جنبش سبز را در دستور کار دارد. او در جریان بررسی رای اعتماد به وزرای دولت روحانی می‌گوید: «رهبری فرمودند که فتنه خط قرمز ماست، ما مقلد ایشان هستیم و خط قرمز ما نیز فتنه است.»
دیدار جمعی از نمایندگان و اعضای هیات رئیسه مجلس دهم با سید محمد خاتمی بهانه شکایت نوروزی و ۲۹ نماینده دیگر مجلس به هیات نظارت بر رفتار نمایندگان شد. شاکیان خواستار برخورد با نمایندگان خاطی شدند. در شکوائیه آن‌ها آمده است: «سیدمحمد خاتمی به عنوان یکی از سران فتنه تاکنون هیچ اقدامی در جبران خسارت مالی، جانی و حیثیتی که در فتنه ۸۸ به کشور، مردم و نظام اسلامی وارد گردیده نکرده است.» هیات نظارت بر رفتار نمایندگان این شکایت را وارد ندانستند.

برگ‌های سیاه و سفید کارنامه حقوق بشری نوروزی

نوروزی هم‌چون اکثر اصول‌گرایان در حوزه حقوق بشر حرف چندانی ندارد. چراکه برای این چهره‌های این طیف سیاسی ایران، حقوق بشر نه تنها در اولویت نیست شاید در پاره‌ای مسایل کاملا اعتقادی مغایر با اصول حقوق بشر دارند. از این رو مساله این نیست که نوروزی در مجلس هشتم و دهم، صدایش در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران خاموش بوده بلکه در بسیاری از موارد با ناقضان حقوق بشر همراه بوده است. شاید بتوان گفت او خوش‌شانس بوده که عمر دادستانی‌اش در کردستان، چند ماه بیشتر به درازا نکشیده و به اسارت در آمده و گرنه شاید امروز نام او در ردیف فاجعه آفرینان دهه اول انقلاب در کردستان ثبت بود.
همراهی با سرکوبگران جنبش سبز، اعتراض به فریادهای معترضان نقض حقوق بشر در ایران و همراهی با ناقضان حقوق اقلیت‌ها در ایران، لکه‌های سیاه کارنامه نوروزی است. نوروزی نامه علی مطهری به وزیر دادگستری در خصوص احضار و محاکمه پسر احمد منتظری به دلیل انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری را در تضاد با منافع نظام می‌خواند و بدون در نظر گرفتن حقوق احمد منتظری و حق دانستن شهروندان، می‌گوید: «این اقدام چیزی جز خوراک برای رسانه‌های بیگانه نیست.»
اعتراض به دیدار فائزه هاشمی با خانواده بهائیان، برگ سیاه دیگری در کارنامه نوروزی است. او پیروان دین بهائیت را نجس می‌خواند و می‌گوید: «اگر خیلی خوش بینانه به این ملاقات با افراد نجس نگاه داشته باشیم این اعمال نه از سوی جهل و نادانی بلکه از روی عمق تجاهل و واماندگی در مواضع سیاسی است که این نقطه‌های سیاه بازگشت ایشان را به دامان انقلاب سخت‌تر می‌کند.»
نوروزی اعطای حق طلاق به زنان را حرام در حرام می‌داند و صدور حکم طلاق مبتنی بر توافقنامه‌ای که زوجین هنگام ازدواج امضاء کرده و مرد حق طلاق زن را به رسمیت شناخته را باطل می‌داند و می‌گوید: «در حال حاضر برخی طلاق‌هایی که بر اساس وکالت زن برای گرفتن طلاق صادر می‌شود، حرام در حرام است ولو اینکه قاضی حکم دهد و دفترخانه هم اجرا کند.»

در میان برگ‌های سیاه کارنامه حقوق بشری نوروزی، برگ‌های سفیدی نیز می‌توان یافت. دفاع از الحاق به «کنوانسیون ممنوعیت به کارگیری کودکان در منازعات مسلحانه»، و «لغو مجازات اعدام قاچاقچیان مواد مخدر» نمونه‌هایی از این برگ‌های سفید است. نوروزی در خصوص ممنوعیت به کارگیری کودکان در منازعات مسلحانه می‌گوید: «در ۸ سال دفاع مقدس هم فرماندهان و امام(ره) اجازه حضور کودکان و نوجوانان را در جنگ نمی دادند و برخی نوجوانان با تغییر شناسنامه‌هایشان در جنگ حضور می‌یافتند.»
اطلاعاتی از افراد خانواده و روابط فامیلی حسن نوروزی در دسترس نیست.

احمد مازنی

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: عضو کمیسیون فرهنگی
فراکسیون: امید

از تجربه زندان شاه در ۱۷ سالگی تا نمایندگی تهران

«شورای نگهبان در بررسی صلاحیت‌ها، کسانی را که کمترین ربطی به فتنه داشتند رد صلاحیت کرده.» احمد جنتی این ادعا را قبل از برگزاری انتخابات مجلس دهم بیان کرد، تا از نگرانی حکومت، نسبت به واگذاری مجلس به اصلاح‌طلبان بکاهد، اما کم نبودند چهره‌هایی در میان تایید صلاحیت‌شدگان که با رهبران جنبش سبز قرابت بیشتری داشتند تا با حصر کنندگان و مخالفان شناسنامه‌دار این جنبش. احمد مازنی کاندیدای اصلاح‌طلب تهران یکی از این دست تایید صلاحیت‌شدگان بود که نه تنها رابطه‌اش با رهبران جنبش سبز را انکار نکرد، بلکه در کمپین انتخاباتی اش، خود را «دست پرورده شیخ اصلاحات، آیت‌الله کروبی» نامید و اتفاقا با اقبال اکثریت رای‌دهندگان هم روبرو شد.

احمد مازنی کیست؟

احمد مازنی در سال ۱۳۴۰ در بندرگز استان گلستان متولد شد. از نوجوانی سر پرشوری داشت، بطوریکه در ۱۷ سالگی پایش به زندان باز شد، تا نامش در میان جوان‌ترین زندانیان سیاسی نظام پهلوی جای گیرد. مازنی که برای تحصیل در حوزه علمیه به مشهد عزیمت کرده بود، آنجا با انقلابیون آشنا و جذب گروه‌های اسلامی مدافع انقلاب شد. فعالیت‌های سیاسی و انقلابی‌اش مورد توجه ساواک قرار گرفت و در نهایت بازداشت و به زندان وکیل آباد مشهد انتقال یافت. او در خصوص دوران مبارزه می‌گوید: «دو برادر طلبه‌ام بعد از جنگ شهید شدند، زمانی که با برادر شهید اولم، محمدمهدی، در مشهد در حوزه درس می‌خوانیدم و در خانه‌ای مستاجر بودیم، من پس از مدتی توسط ساواک دستگیر شدم.»

سه ماه پس از دستگیری، با پیروزی انقلاب ۵۷، او از زندان آزاد شد و کوشید همپای سیاسیون وقت، در استقرار حکومت جدید، ایفای نقش کند. او به عضویت حزب جمهوری اسلامی درآمد

تا در رکاب آیت بهشتی، اهداف حزب را پیگیری کند. مازنی، در حالی که دوران جوانی را سپری می‌کرد، ولی از نیروهای شناخته شده خط امام بود.
با تشکیل بنیاد شهید، او اولین پست مدیریتی‌اش را با حکم مهدی کروبی تجربه کرد و به معاونت فرهنگی بنیاد شهید خراسان رسید. مازنی که خود نیز دو برادرش را در جنگ ایران و عراق از دست داده و در ردیف خانواده شهدا قرار دارد، ۳۱ سال در بنیاد شهید ماند و در بخش‌های مختلف این نهاد حکومتی، انجام وظیفه کرد. سال ۱۳۹۳ آخرین سال فعالیت او در بنیاد شهید و امور ایثارگران بود. او با دریافت حکم بازنشستگی، از بنیاد شهید بیرون آمد و فعالیت‌های سیاسی خود را ادامه داد.
رابطه نزدیک با مهدی کروبی سبب شد تا در جریان تشکیل حزب اعتماد ملی، پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ به این حزب بپیوندند. او معاونت امور ایثارگران حزب را برعهده گرفت و هنوز عهده دار این مسوولیت است، ولی در ستاد انتخاباتی مهدی کروبی، نامی از مازنی نبود، از این حیث نمی‌توان داوری‌ای نسبت به فعالیت یا سکوت‌اش در جنبش سبز ارائه کرد.
احمد مازنی در سخنرانی انتخاباتی‌اش در سال ۱۳۹۴ اما به صراحت گفت که در سال ۵۷ در زندان وکیل آباد شکنجه را تحمل کرده تا امروز شاهد حبس و حصر و زندانی سیاسی نباشد. او می‌گوید: «من سال ۵۷ زندان رفتم تا زندانی سیاسی نداشته باشیم. من در سال ۵۷ در رژیم شاه در شکنجه گاه رفتم تا حبس و حصر غیرقانونی نداشته باشیم.»
احمد مازنی برای اولین بار در انتخابات مجلس دهم، موفق به اخذ اکثریت آراء مردم تهران شد و به مجلس راه یافت. او در این دوره از انتخابات در فهرست ائتلاف امید به رهبری محمد رضا عارف قرار داشت. با ورود به مجلس دهم او اسب خود را برای دراختیار گرفتن کرسی ریاست کمیسیون فرهنگی زین کرد ولی با یک رای کمتر، رقابت را به رقیب اصول‌گرای خود واگذار کرد. او اما ریاست کمیته فرهنگ، هنر و رسانه را از آن خود کرد و اکثریت آراء نمایندگان برای عضویت در ستاد امربه معروف و نهی از منکر (عضو ناظر) را بدست آورد.

تماشای فیلم در مساجد صندلی دار با لباس مبدل!

مازنی در کمیسیون فرهنگی حمایت از هنرمندان را در دستور کار قرار داده و ایده تجلیل از محمد رضا شجریان را مطرح کرده است. او معتقد است: «هنرمندان سرمایه اجتماعی ما هستند که باید تکریم شوند، نه تضعیف. اساتید بزرگواری مثل محمدرضا شجریان، شهرام ناظری و برخی از بزرگان هنر که در کشور هستند، از سرمایه‌های میهنی ما محسوب می‌شوند.»
او برخورد تندروها با موسیقی را نکوهش کرده و براین باور است که آیت‌الله خمینی مساله حرمت موسیقی را سال‌ها پیش حل کرده بنابراین مخالفت با موسیقی دیگر پذیرفته نیست.
مازنی با اشاره به ناراحتی هنرمندان از پخش بدون اجازه آثارشان در صداوسیما، وعده داده که این موضوع را تا حصول نتیجه پیگیری خواهد کرد.
مازنی خود را از علاقمندان به سینما معرفی می‌کند و می‌گوید: «ما با لباس مبدل به سینما می‌رفتیم (زمان شاه). آن زمان فکر می‌کردیم انقلاب که شود همه فضاها برای حضور مذهبی‌ها و طلبه‌ها در کنار بقیه مردم عادی می‌شود و آن شرایط تفکیک مذهبی و غیر مذهبی قبل انقلاب دیگر وجود نخواهد داشت. اما متاسفانه الان بعد از ۳۸ سال احساس می‌کنم این فضا فضای منسجمی نشده است...همان سال‌های ابتدای انقلاب حس میکردیم نمی‌توانیم با لباس روحانیت به سینما برویم. با طلبه‌ها هم یک قراری برای سینما رفتن گذاشته بودیم و می‌گفتیم بریم مسجد صندلی دار. یعنی به جای اینکه بگوییم سینما می‌گفتیم مسجد صندلی

دار.»
احمد مازنی، اصلاح‌طلب و عضو فراکسیون امید مجلس است. او علاوه بر تحصیل تا درجه اجتهاد در حوزه علمیه، کارشناسی ارشد خود را در رشته مدیریت کسب کرده و در دانشگاه تدریس می‌کند. مواضع اصلاح‌طلبانه‌اش توسط افراطیون برتابیده نمی‌شود بطوریکه آن‌ها اجازه ندادند سخنرانی‌اش در روز ۲۲ بهمن در بندرگز برگزار شود. مازنی در این خصوص می‌گوید: «ظاهراً عواملی که راهی بجز ایجاد محدودیت برای اظهارنظر یاران امام و انقلاب و روشی جز استفاده از فشار نمی‌دانند، بعضاً پشت صحنه و در برخی موارد هم در جلوی صحنه در مقابل ما سنگ‌اندازی کرده و به‌شکلی پیش اقدام کردند که حتی استاندار و فرماندار هم قادر به تامین امنیت و برگزاری این سخنرانی نبودند و درنهایت به‌خاطر حفظ امنیت و وحدت و اتحاد راهپیمایان و حاضران در این مراسم، اصرار نکرده و از انجام سخنرانی خودداری کردم.»
مازنی با بیان اینکه نماینده‌ای که مرعوب قدرت باشد حقوقی که دریافت می‌کند حلال نیست، می‌گوید: «اگر بنا بود مرعوب شویم، قاعدتا نباید نماینده می‌شدیم. نماینده‌ای که مرعوب شود، حقوقش حرام است.»
سوابق اجرایی و مدیریتی
احمد مازنی از معدود مدیران جمهوری اسلامی است که تمام عمر حرفه‌ای خود را در یک نهاد گذرانده است. او بمدت ۳۱ سال در پست‌های مختلف بنیاد شهید و امور ایثارگران بوده و تمام سوابق اجرایی اش، تا پیش از ورود به مجلس، به معاونت در این بنیاد محدود می‌شود. او این سمت‌ها را تجربه کرده است:

- معاونت فرهنگی بنیاد شهید خراسان
- مدیرکل بنیاد شهید گرگان
- مدیرکل پژوهش و تحقیقات بنیاد شهید و امور ایثارگران
- معاون پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران
- نماینده تهران در مجلس دهم
- عضو کمیسیون فرهنگی و رئیس کمیته فرهنگ، هنر و رسانه

دفاع از فعالان حقوق بشر و مخالفت با سانسور
در کارنامه سیاسی احمد مازنی، برگ‌هایی از حمایت از فعالان حقوق بشر و اظهارات متعددی در باب حقوق شهروندی و آزادی بیان می‌توان یافت. در بیان نمونه‌هایی از این فعالیت‌های می‌توان به نامه‌نگاری او با جمعی از اعضای فراکسیون امید مجلس به رئیس قوه قضاییه و طرح تقاضای آزادی نرگس محمدی از فعالان شناخته شده حقوق بشر که مدتهاست در زندان به سر می‌برد اشاره کرد.
احمد مازنی از جمله نمایندگانی بود که در جریان احضار محمود صادقی دیگر نماینده تهران، واکنش نشان داد و از حقوق نمایندگی او دفاع کرد. مازنی با تکرار سوال صادقی از وزیر دادگستری، از این نماینده متهم دفاع کرد و از وزیر دادگستری پرسید: ««با توجه به اخبار و اطلاعات منتشره در خصوص حساب‌ها و سپرده‌های سپرده به نام رئیس محترم قوه قضائیه و با عنایت به اصل پنجاه و سوم قانون اساسی (ناظر به لزوم تمرگز کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل و انجام همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب) و حسب اصل یک‌صدوشصتم قانون اساسی و ناظر به مسئولیت وزیر دادگستری نسبت به کلیه مسائل مربوط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه، گزارش شفاهی از تعداد این حساب‌ها، میزان و

وجود واریزی، گردش مالی و موارد مصرف آن را ارائه بفرمایید.» این سوال پیش از این از طرف صادقی مطرح و با صدور حکم جلب‌اش همراه شده بود.
مازنی سانسور شبکه‌های اجتماعی را با اعمال محدودیت برای ویدئو مقایسه کرده و می‌گوید: «یک زمانی ویدیو محدود بود اما امروز خودمان به این محدودیت می‌خندیم، اکنون نیز شبکه‌های ماهواره‌ای را محدود کرده‌ایم که مردم می‌توانند با یک گوشی موبایل و بدون محدودیت تمامی شبکه‌ها را در اختیار داشته باشند.» او با بیان این مطلب از آزادی ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی دفاع می‌کند.

حجاب یک امر شخصی است

احمد مازنی برخلاف بیشتر علمای سنتی حوزه علمیه، حجاب را نه یک مساله اسلامی و شرعی بلکه امری شخصی می‌داند و معتقد است در اسلام حد و حدودی برای حجاب و حتی وجوهی برای آن تعریف نشده است. او می‌گوید: «هر نوع رفتار سلبی، تحکمی و حاکمیتی در رابطه با حجاب که یک مساله شخصی است، رفتار مقابله‌گونه را از سوی جامعه به همراه خواهد داشت.» او می‌افزاید: «تحمیل نوع خاصی از پوشش، جامعه را بیش از این به قهقرا می‌برد و به قول دوستی، تلاش برای بردن مردم به بهشت نتیجه عکس خواهد داشت.»
احمد مازنی با انتقاد از افراط و تفریط در تبیین حقوق زنان می‌گوید: «نمی‌توان پذیرفت که از موضع ترحم امتیازات ویژه به زنان داده شود تا زنان به حقوق خود برسند، بلکه باید جایگاه و عزت زنان در عرصه‌های اجتماعی تبیین و لحاظ شود و از روی عزت شرایطی فراهم شود که زنان بتوانند شانه به شانه مردان و نه سایه به سایه مردان در فرایند توسعه کشور ایفای نقش کنند.»
به اعتقاد مازنی اگر بخواهیم به حقوق واقعی زنان توجه شود، باید در درجه اول زن را به عنوان یک انسان ببینیم. او در این خصوص می‌گوید: «وقتی زن از نگاه انسانی دیده شد، همچون سایر انسانها دارای حقوق اجتماعی و حقوق فردی است همچنانکه هم تکالیف اجتماعی و هم تکالیف فردی دارد. یعنی زن و مرد هر کدام حقوق و تکالیف متقابل و متفاوتی هم دارند و ممکن است مسئولیت‌های اجتماعی و اقتصادی برای مردان بیشتر باشد و در این شرایط زنان طبعا باید از امکاناتی که مردان وظیفه دارند برای آن‌ها تامین کنند منتفع شوند و این حقی برای زنان و تکلیفی برای مردان است. همچنین زنان باید بتوانند در عرصه‌های اجتماعی به عنوان انسان‌هایی که در جامعه نقش انسانی دارند و نه نقش جنسیتی، حضور پیدا کنند.»

خانواده دو شهید

احمد مازنی، دو برادرش را در جنگ ایران و عراق از دست داده است. پسرش مهدی که هم نام عموی شهیدش است، روزنامه نگار و عضو شورای دبیران روزنامه اعتماد ملی بود. او برای انتخابات شورای پنجم از حوزه انتخابیه تهران اعلام کاندیداتوری کرده است. اطلاعات بیشتری از خانواده او در دست نیست.

محمد کاظمی

حوزه انتخابیه: ملایر
سمت: نایب رئیس دوم کمیسیون قضایی و حقوقی
فراکسیون: امید

بازمانده متحصنین مجلس ششم

تحصن در مجلس ششم و نامه آن‌ها به رهبر ایران، به جرم نابخشودنی متحصنین و امضاء کنندگان نامه به رهبری منجر شد، به‌طوری‌که بعد از آن نمایندگان متحصن نتوانستند از فیلتر شورای نگهبان برای بازگشت به مجلس عبور کنند. گویی اینکه شورای نگهبان بر روی نام آن‌ها مهر «رد صلاحیت دائمی» نشانده است. این قاعده اما یکی دو استثناء داشته است. محمد کاظمی نماینده ملایر یکی از این استثناءهاست. صلاحیت او اگرچه در جریان انتخابات مجلس دهم رد شد ولی در نهایت شورای نگهبان رای به تایید صلاحیت او داد، تا کاظمی ۱۲ سال پس از تحصن مجلس ششم، بتواند برای بار دوم راهی پارلمان شود و بر کرسی نمایندگی مردم ملایر تکیه زند. کاظمی و جلودارزاده دو نماینده مجلس دهم هستند که در مجلس ششم جزء متحصنین بودند.

محمد کاظمی کیست؟

محمد کاظمی در سال ۱۳۳۷ در روستای حسین آباد شاملو از توابع ملایر و در خانواده‌ای کشاورز متولد شد. او تا اخذ مدرک دیپلم از روستای محل تولدش خارج نشد، تا اینکه موفق شد با اتمام مقطع دبیرستان، از دانشکده حقوق دانشگاه تهران پذیرش بگیرد. کاظمی هم‌زمان با آغاز تحصیلات‌اش در رشته حقوق قضایی، جذب انجمن اسلامی دانشگاه تهران شد.
عضویت در انجمن اسلامی، برای کاظمی مساوی بود با الحاق به انقلابیون وقت. او در این مقطع با آیت‌الله بهشتی عالی‌ترین مقام قضایی وقت ایران آشنا شد و با حکم او، راهی ایلام و سپس کرمانشاه شد تا در مقام دادستانی، انجام وظیفه کند.
کاظمی تا سال ۱۳۷۸ که برای اولین بار، ردای نمایندگی مردم ملایر را بر تن کرد در پست‌های قضایی مشغول به کار بود. او در انتخابات مجلس ششم از ملایر اعلام کاندیداتوری کرد و با

حمایت جبهه دوم خرداد، که در آن انتخابات موفق شد اکثریت مطلق کرسی‌های مجلس را از آن خود کند، به مجلس راه یافت و به عضویت کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس درآمد. کاظمی پیش از این در انتخابات مجلس پنجم نیز اعلام کاندیداتوری کرده و به همراه حسن زمانی به مرحله دوم راه یافته بود، ولی اعتراض مردم به نتایج انتخابات، سبب شد تا شورای نگهبان انتخابات ملایر را ابطال و انتخاب نمایندگان این شهر به انتخابات میان‌دوره‌ای موکول شد. کاظمی در انتخابات میان‌دوره‌ای رقابت را به الهه راستگو و حسن زمانی واگذار کرد. او در این دوره با حمایت حزب کارگزاران سازندگی ایران، وارد عرصه رقابت انتخاباتی شده بود.
صلاحیت کاظمی برای شرکت در انتخابات مجلس هفتم از سوی شورای نگهبان رد شد تا در یک تصمیم جمعی، به همراه تعداد کثیری از اعضای فراکسیون دوم خرداد، استعفای خود را از نمایندگی به هیات رئیسه تقدیم و در تحصن نمایندگان وقت شرکت کند. شرکت در این تحصن اما به تغییر نظر شورای نگهبان همراه نشد تا با اتمام مجلس ششم، کاظمی با مجلس خداحافظی و به کار قضایی بازگردد.
۱۲ سال بعد اما شورای نگهبان رای به تایید صلاحیت کاظمی داد تا او بار دیگر خود را در معرض رای مردم ملایر قرار دهد. کاظمی در این دوره توسط هیات نظارت رد صلاحیت شده بود ولی با نظر شورای نگهبان تایید صلاحیت شد. او در این انتخابات نیز از حمایت ائتلاف امید برخوردار بود و موفق شد با کسب ۴۵ هزار و ۲۸۲ رأی از مجموع ۱۳۳ هزار و ۵۸۲ رأی مأخوذه صحیح، در رتبهٔ اول ملایر برای بار دوم به مجلس راه یابد. او در مجلس دهم نیز به عضویت کمیسیون حقوقی و قضایی درآمد و به نایب رئیسی این کمیسیون انتخاب شد.
کاظمی که در مجلس ششم در میان نمایندگان پرتعداد اصلاح‌طلب‌اش، نام چندان شناخته شده‌ای نداشت، در مجلس دهم اما در ردیف چهره‌های مطرح فراکسیون امید قرار گرفت. او ریاست کمیته حقوقی فراکسیون را در اختیار دارد و از نیروهای تاثیرگذار فراکسیون امید به شمار می‌آید.

سوابق اجرایی-مدیریتی و سیاسی

محمد کاظمی غیر از نمایندگی مجلس که دوره دوم آن را تجربه می‌کند، سال‌ها در قوه قضاییه و در سمت‌های قضایی مشغول بوده است. قضاوت در دیوان عالی کشور و دادستانی استان‌های غربی از جمله مهم‌ترین سمت‌های قضایی این قاضی کهنه‌کار است. مهم‌ترین سوابق اجرایی-مدیریتی و سیاسی او به این شرح است:

- دادستان انقلاب اسلامی در ایلام و کرمانشاه
- دادستان نظامی استان همدان
- عضو شورای تامین ویژه غرب کشور
- نماینده سازمان بازرسی کل کشور در استان همدان
- رئیس ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) در کرمانشاه
- دادستان ویژه امور آزادگان
- معاون دادگستری استان تهران
- رئیس متجمع‌های قضایی استان تهران
- نماینده مجلس ششم و دهم از حوزه انتخابیه ملایر
- نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس دهم

«فتنه‌گری» که از موسوی حمایت نکرد

رسانه‌های اصول‌گرا از جمله خبرگزاری فارس، از کاظمی به عنوان «فتنه گر» نام می‌برند. فتنه گر اتهامی است که حکومت به فعالان جنبش سبز می‌زند. عقبه سیاسی و تعلق او به احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب، می‌تواند نشانه‌ای از علاقمندی او به جنبش سبز باشد. ولی بر خلاف این پیش داوری، محمد کاظمی از جمله اصلاح‌طلبانی است که بیانیه نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی در حمایت از کاندیداتوری میرحسین موسوی را امضاء نکرده است. سال ۱۳۸۸ و در جریان انتخابات ریاست جمهوری وقت، ۳۵۶ نفر از نمایندگان ادوار مجلس در بیانیه‌ای از کاندیداتوری میرحسین موسوی یکی از رهبران جنبش سبز حمایت کردند. در میان امضاء کنندگان نامی از محمد کاظمی نیست.

نگارنده مصاحبه یا سخنرانی‌ای نیز از کاظمی در حمایت از جنبش سبز یا شخص رهبران این جنبش، موسوی-کروبی، در فضای آنلاین پیدا نکرد. از این حیث نمی‌توان ادله‌ای دال بر حمایت یا مخالفت کاظمی با جنبش سبز ارائه کرد.

در معدود مطالب موجود، می‌توان به گزارش خبرگزاری فارس از تلاش کاظمی برای انتصاب برخی از فعالان جنبش سبز در دانشگاه ملایر، اشاره کرد. این خبرگزاری در گزارشی می‌نویسد: «هیات رئیسه دانشگاه ملایر چندی پیش به دلیل عدم اجرای دستورات گروه‌های افراطی عزل و برخی از عناصر نزدیک به فتنه، جایگزین آن‌ها شده‌اند.» این خبرگزاری این اتفاقات را به سرکردگی محمد کاظمی خوانده است.

اعتراض به نقض حقوق بشر در صحن مجلس

محمد کاظمی با توجه به سابقه قضایی و آشنایی با مشکلات حقوقی، بارها از تریبون مجلس برای اعتراض به موارد متعدد نقض حقوق بشر در ایران استفاده کرد. او با ورود به مجلس ششم نسبت به توقیف مطبوعات، دستگیری دانشجویان و... اعتراض کرده و در نطقی می‌گوید: «...اقدامات انجام شده در سال‌های اخیر نظیر تحدید آزادی سیاسی، توقیف مطبوعات، موج دستگیری‌ها و محاکمات فعالان سیاسی و دانشجویی، موجب دلسردی و نگرانی مردم شده و تعمیق شکاف بین ملت و مسوولان را فراهم می‌کند.»

کاظمی از منتقدین توقیف مطبوعات و از حامیان آزادی رسانه‌هاست. او معتقد است خط قرمزها باید برای خبرنگاران کمرنگ و حمایت قانونی از این قشر جامعه تقویت شود.

نماینده ملایر تبعیض‌زدایی در قانون‌گذاری را خواست مردم از مجلس دهم عنوان کرده و می‌گوید: «مردم خواستار رفع تبعیض ناروا در تمامی سطوح و تغییر هستند و مصرانه می‌خواهند مجلس دهم در این جهت گام بردارد.»

مخالفت با اعدام قاچاقچیان

محمد کاظمی نایب رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس دهم از جمله موافقان حذف قانون اعدام قاچاقچیان مواد مخدر است. او براین باور است که باید مجازات اعدام را محدود کنیم به‌طوری‌که این امر معطوف به باندهای بزرگ و قاچاقچیان حرفه‌ای باشد. کاظمی معتقد است با تغییر قانون مبارزه با مواد مخدر و حذف اعدام به عنوان اشد مجازات قاچاق مواد مخدر، آمار اعدام در ایران به شدت کاهش می‌یابد. کاظمی می‌گوید: «به طور حتم اعدام قاچاقچیان تاثیر قابل قبولی در مبارزه با مواد مخدر نداشته و باید راهکار مناسب تری برای آن جایگزین کرد.» طرح اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر با هدف محدود کردن صدور حکم

اعدام قاچاقچیان مواد مخدر در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس در دست بررسی است.

زنان، بی‌پناه‌ترین گروه اجتماعی در محاکم قضایی

این قاضی دیوان عالی کشور، زنان را بی‌پناه‌ترین گروه اجتماعی در محاکم قضایی ایران خوانده و در دفاع از حقوق زنان می‌گوید: «زنان هیچ حامی‌ای ندارند لذا ضروری است قوانین در حمایت از زنان تغییر کند.» او خواستار مشارکت مراجع تقلید و علمای حوزه علمیه در اصلاح قوانین مربوط به زنان است و معتقد است در حوزه زنان و خانواده نظرات فقها موثر و تعیین کننده است چراکه در مسایل فقهی اختلاف نظر وجود دارد و همین اختلافات حقوقی به تضییع حقوق زنان منجر شده است او برای تشریح به قانون ارث و دیه اشاره کرده و می‌گوید: «زنان از عرصه ارث نمی‌برند اما از اعیان ارث می‌برند یا در مورد دیه که بهتر است نظرات اقلیت‌های فقهی نیز درنظر گرفته شود، در واقع باید به سمت و سوی نظری پیش رفت که با وضع امروز جامعه تطابق بیشتر داشته باشد.»

او از جمله قضاتی است که با مجازات حبس برای زنان موافق نیست و می‌گوید: «با توجه به شرایط زندگی و روحی زنان و نقش آن‌ها در خانواده می‌توان امتیازی برای آن‌ها قائل شد به این معنی که از مجازات تعویقی یا آزادی مشروط یا جزای نقدی به جای حبس استفاده کرد.» به باور کاظمی، برای تقویت و توسعه حمایت از زنان باید بین قوه قضاییه و قوه مقننه تعاملات بیشتر شود.

کاظمی ازدواج کودکان را از دیگر نگرانی‌های جدی در حوزه زنان دانسته و می‌گوید: «یکی از نگرانی‌های نمایندگان مجلس درباره ازدواج دختران زیر ۱۵ سال تخلفات دفترخانه‌هایی است که ازدواج دختران زیر ۱۳ سال را بدون اجازه دادگاه ثبت می‌کنند.»

او معتقد است این مشکل نیز جز با مشارکت مراجع قابل حل نیست چرا که مبنای چنین تخلفی ارجاع به شرع اسلام است و تغییر شرع در حکومت اسلامی جز با اجازه مراجع ممکن نیست. کاظمی از تلاش مجلس دهم برای حل این مشکل با مشاوره با علمایی همچون آیت‌الله مکارم خبر می‌دهد و می‌گوید: «مجوز شرعی روحانیانی مثل آیت‌الله مکارم شیرازی و تصمیم‌گیری مجمع تشخیص مصلحت نظام، تنها راهکار اصلاح وضعیت موجود است.»

اطلاعاتی از روابط فامیلی و اعضای خانواده او در دست نیست.

عبدالکریم حسین زاده

حوزه انتخابیه: اشنویه نقده
سمت: عضو کمیسیون عمران
فراکسیون: امید

مبتکر برگزاری همایش نقد و بررســـی عملکرد نمایندگان

ارائه گزارش عملکرد به موکلان، در میان نمایندگان مجلس کم سابقه نیست. بیشتر نمایندگان در هر دوره، تلاش می‌کنند با انتشار کتابچه‌ای از فعالیت‌ها و عملکردشان، مردم را نسبت به آنچه کرده‌اند و گفته‌اند، آشنا کنند که البته این کتابچه‌ها بیشتر رنگ و بوی تبلیغاتی دارد، اما برگزاری همایش نقد و بررسی عملکرد، ابتکاری است که کمتر نماینده‌ای به دنبال آن می‌رود. عبدالکریم حسین زاده نماینده جوان مجلس نهم، یکی از معدود نمایندگانی است که برای ارائه گزارش به موکلان، این ابتکار را عملی کرد. او در پایان سال دوم نمایندگی‌اش با دعوت از مسوولان محلی، اعضای شوراهای شهر و روستا، ائمه جمعه، معلمان، ورزشکاران و ... ضمن تشریح عملکرد خود و واگذار کردن تریبون به دیگران تا عملکرد او را نقد و بررسی کنند، از مسوولان استان خواست تا با سپردن پست‌های مدیریتی به جوانان، زنان و رفع تبعیض در سپردن پست‌های مدیریتی به مردم، موجبات شکوفایی استان را فراهم و با ریشه‌های فساد در نظام مدیریتی و اجرایی با جدیت مقابله کنند.

عبدالکریم حسین زاده کیست؟

یک سال پس از پیروزی انقلاب ۵۷ و درست در بحبوحه ناآرامی‌های کردستان در شهر نقده، واقع در استان آذربایجان غربی و در خانواده‌ای کرد، متولد شد. عبدالکریم حسین زاده، پس از اتمام تحصیلات متوسطه راهی تهران شد تا در دانشگاه علم و صنعت به تحصیل مشغول شود. او موفق شد در رشته عمران و شهرسازی از این دانشگاه مدرک کارشناسی ارشد را اخذ کند.
او یک سال از انقلاب ۵۷ جوانتر است و تمام سال‌های کودکی‌اش در جنگ ایران و عراق گذشته است. پس انقلاب و جنگ برای او خاطرات بازمانده‌ای است از بزرگترهایش، چراکه او پرورش‌یافته دوران سازندگی و اصلاحات است. در کارنامه اجرایی و مدیریتی‌اش که محدود

است به دهه هشتاد، چند عنوان ذکر شده است:
- مشاور و مدیر شهرسازی در شرکت آرمانشهر فجر
- مشاور بنیاد مسکن کردستان
- مدیر پروژه در طرح زیر سطحی تهران
- مدیر مناطق نمونه گردشگری استان لرستان و آذربایجان غربی
- مدیرعامل مهندسین مشاور جهانشهراندیش

در واقع حسین‌زاده در حال تجربه فعالیت‌های اجرایی، میل ورود به مجلس می‌کند و در حالی‌که تنها ۳۲ سال بیشتر ندارد از حوزه انتخابیه نقده و اشنویه، برای ورود به مجلس نهم اعلام کاندیداتوری می‌کند و موفق به کسب اکثریت آراء می‌شود تا در میان نمایندگان مجلس نهم، در ردیف جوانترین‌ها قرار گیرد.
در مجلس نهم به کمیسیون عمران می‌پیوندد تا از دانش و تحصیلات خود در حوزه عمران و شهرسازی استفاده کند. در دو سال اول مجلس نهم، از جمله منتقدان محمود احمدی نژاد است و در جریان استیضاح وزیر کار دولت احمدی نژاد نقشی پررنگ داشت.

عضویت در شورای رهبری جنبش اصلاحات

در مجلس نهم با وجود حمایت از دولت حسن روحانی، ولی کمتر از او به عنوان چهره‌ای اصلاح‌طلب نام برده می‌شود. او این صفت را در مجلس دهم محرز کرد، زمانی‌که تمام قد در فراکسیون امید، در کنار محمد رضا عارف ایستاد و به مقام نایب رئیسی فراکسیون امید رسید. ورود به مجلس دهم برای او با حاشیه‌هایی همراه بود ولی اختلاف آراءاش با نفر دوم، اجازه نداد تا در این حاشیه‌ها گرفتار شود. مردم اشنویه پس از اعلام پیروزی حسین زاده به نشانه اعتراض به خیابان ریختند و او را متهم به تقلب در انتخابات کردند، ولی شورای نگهبان آرای او را صحیح اعلام کرد و رای به رد اعتراضات داد.
حسین زاده در جریان انتخابات هیات رئیسه موقت مجلس دهم به همراه قسیم عثمانی به عنوان دو نماینده سنی مجلس دهم، وارد هیات رئیسه شدند، تا امید به شکسته شدن تابوی حضور نماینده سنی مذهب در هیات رئیسه مجلس، پررنگ شود. او اگرچه از ورود به هیات رئیسه سال اول مجلس دهم بازماند، ولی این تابو با انتخاب عثمانی شکسته شد، و برای اولین بار در مجلس شورای اسلامی، یک سنی مذهب، در میان اعضای هیات رئیسه جای گرفت.
حسین زاده که با اعتماد به نفس در میان اصلاح‌طلبان پرسابقه مجلس دهم توانسته بود بر کرسی نایب رئیسی فراکسیون امید تکیه زند، از برنامه‌ریزی فراکسیون متبوع‌اش برای انتخابات هیات رئیسه سال دوم مجلس دهم خبر می‌دهد. او به همراه تابش و زرآبادی نمایندگان اردکان و قزوین، به عنوان نمایندگان فراکسیون به عضویت شورای عالی اصلاح‌طلبان انتخاب می‌شود، تا در کنار کارکشته‌های سیاست و چهره‌های شناخته شده اصلاح‌طلب، در نقش عضو هیات رهبری جنبش اصلاحات ایفای نقش کند.

دغدغه‌های زیست محیطی

حسین زاده در مجلس دهم روی دغدغه‌های زیست محیطی‌اش تمرکز ویژه کرده است. او با پیوستن به فراکسیون محیط زیست مجلس و تکیه بر کرسی نایب رئیسی این فراکسیون، پیگیری مسایل زیست محیطی را در برنامه کاری خود گنجانده است. او معتقد است سازمان حفاظت محیط زیست باید از سازمانی توصیه‌گر به دستگاهی اجرایی تبدیل شود تا بتواند در

ایفای وظایف محوله موفق شود. حسین‌زاده در این خصوص می‌گوید: «این سازمان حتی قدرت نصب تابلو برای حفاظت از محیط زیست را ندارد چون یک سازمان اجرایی نیست. تا مادامی که این سازمان به دستگاه اجرایی تغییر وضعیت ندهد نمی‌تواند اهداف راهبردی را پیاده کند.» او می‌افزاید: «اگر دولت لایحه ندهد خودمان این کار را انجام می‌دهیم. محیط‌بانان جزو مظلوم‌ترین اقشار جامعه هستند. هستی و خانواد خود را برای محافظت از گونه‌های جانوری و گیاهی کشور هزینه می‌کنند اما به راحتی کشته می‌شوند، مورد بی‌حرمتی قرار می‌گیرند، فحش می‌خورند و حقوق و مزایای ناچیزی دریافت می‌کنند. چرا باید این طور باشد؟ باید برای این مسائل تدبیر کرد.»

حسین زاده با اعلام آمادگی مجلس برای حمایت از دولت برای تقویت دیپلماسی زیست محیطی می‌گوید: «دیپلماسی محیط زیست حول محورهای اساسی که در منطقه به معضل تبدیل شده مانند بحران آب، ریزگردها، آلودگی‌های دریا و مسائلی از این دست در قالب کارگروه‌های دولتی باید تقویت شود.»

فعالیت‌های حقوق بشری

اعتراض به بازداشت فعالان تلگرامی، اعتراض به بازداشت گسترده نمایندگان کرد مجلس ترکیه، اعتراض به کشتار کردهای سوریه و عراق و اعتراض به بازداشت روزنامه نگاران کرد چهارنمونه از فعالیت‌های علنی حقوق بشری این نماینده مجلس است. او به همراه سه نماینده دیگر مجلس در نامه‌ای به رئیس جمهور، نسبت به بازداشت فعالان تلگرامی و رسانه‌ای اعتراض کرده و آن را اقدامی خلاف قانون و بدون رعایت تشریفات قانونی عنوان کرده است. حسین زاده از روحانی خواسته است برای آزادی بازداشت‌شدگان تلاش کند.

او در مجلس نهم نیز به بازداشت دو روزنامه‌نگار کرد «برادران کردپور» اعتراض کرده بود. اعتراضی که با واکنش رسانه‌های محلی و مقام‌های امنیتی کردستان هم روبرو شد. فرمانده سپاه نقده در واکنش به این نامه می‌گوید: «آن آقایانی که به رئیس جمهور نامه نوشتند که آقای رئیس جمهور، از قوه قضائیه بخواهید آن افرادی که ضد انقلاب هستند و اقدامات ضد امنیتی (برادران کردپور) می‌کنند را آزاد کند، مگر به استقلال قوه قضائیه معتقد نیستند؟» سردار طالب رحیمی فرمانده سپاه نقده با ابراز تعجب از این اقدام، می‌افزاید: «تو که خودت قانون‌گذار هستی! مگر به استقلال قوا و قوه قضائیه اعتقاد نداری؟»

حسین زاده به همراه جلال زاده نماینده مهاباد در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل نسبت به دستگیری گسترده فعالان مدنی کرد ترکیه و دخالت این کشور در سوریه و عراق اعتراض کرده و از دبیرکل این سازمان خواسته‌اند نسبت به آزادی فعالین مدنی و سیاسی و پایان دادن به دخالت‌های غیرقانونی و خارج از عرف بین المللی دولت ترکیه در امورسیاسی و داخلی کشورهای همسایه اقدام جدی صورت دهد.

دفاع از حقوق کارگران و پیگیری وضعیت کولبران کردستان که در حادثه سقوط بهمن گرفتار شدند، از دیگر فعالیت‌های حقوق بشری، این نماینده کرد مجلس است. او عضو کمیته حقیقت‌یاب ماجرای کولبران کردستان است. تلاش برای بیمه شدن کولبران و خانواده‌های آن‌ها از طریق مذاکره با صندوق بیمه روستاییان و عشایر از جمله فعالیت‌های او در این حوزه است.

تلاش‌های حسین زاده در دفاع از حقوق شهروندان کرد اگرچه سبب شد تا روحانی او را به عنوان مسوول ارتباط کردها با رئیس جمهور انتخاب کند ولی او را در معرض انتقادات تند

فرمانده سپاه و امام جمعه نقده قرار داده است.

دفاع از جنبش سبز در کارنامه حسین زاده

در بحبوحه جنبش سبز، او در فعالیت‌های عمرانی مشغول بود و کمتر اثری از او در این جنبش ثبت است که حتما اگر در این مقطع فعالیتی داشت نمی‌توانست از فیلتر شورای نگهبان عبور کند و به مجلس راه یابد. اما حسین زاده وقتی دو سال بعد از آغاز جنبش سبز یعنی در سال ۹۰ ردای نمایندگی مجلس بر تن کرد همواره از نمایندگانی بود که برخلاف اکثریت مجلس وقت که حامیان جنبش سبز را فتنه‌گر می‌خواندند، نه تنها آن‌ها را فتنه‌گر نخواند بلکه در بزنگاه‌ها از آن‌ها حمایت کرد. تلاش او در استیضاح وزیر کار دولت احمدی نژاد به دلیل بی‌اعتنایی به تخلفات مرتضوی در پرونده کهریزک و انتصاب او به ریاست سازمان تامین اجتماعی یکی از برجسته‌ترین فعالیت‌های او در مجلس نهم در دفاع از جنبش سبز است. او در جریان استیضاح وزیر کار، انتصاب مرتضوی را دهن کجی دولت به مردم عنوان کرده و می‌گوید: «اگر وزیر ترجیح نمی‌داد به هر قیمتی وزیر بماند، شاهد این همه نوآوری دولت در قانون گریزی نبودیم.» شیخ الاسلامی از این استیضاح جان سالم به در نبرد تا بی‌کار شدن وزیر کار تیتر رسانه‌ها شود.

او وقتی در جریان رای اعتماد به کابینه حسن روحانی با اتهام فتنه‌گری برخی در مجلس به آخوندی وزیر پیشنهادی راه و شهرسازی روبرو شد، نیز پشت تریبون مجلس قرار گرفت و با دفاع از آخوندی گفت: «آقای روحانی با ۱۶ سال سابقه طولانی‌ترین دوران تصدی در شورای عالی امنیت ملی را داشته‌اند و بهتر از هر کسی می‌توانند در موضوع منافع ملی نظریه پرداز باشند.»

حسین‌زاده در مجلس نهم وقتی با طرح استیضاح فرجی دانا وزیر علوم دولت روحانی روبرو شد، در روز استیضاح در نطقی اظهار داشت: «امیدوارم روز بگم بگم‌ها و شب‌نامه پخش کردن‌ها نباشد.» سخنانی که نشان از انتقاد او نسبت به رویه تندروهای مجلس و حامیان احمدی نژاد بود. او نه تنها از اقدامات وزیر علوم در پرونده بورسیه‌های غیرقانونی دفاع کرد بلکه گفت: «ای کاش استیضاح امروز بابت عدم تسریع در پرداختن به پرونده ۳۰۰۰ بورسیه غیرقانونی بود تا موارد دیگر.»

حسین زاده از جمله نمایندگانی بود که به همراه اعضای فراکسیون امید به دیدار محمد خاتمی رئیس جمهور اسبق و ممنوع التصویر شده ایران رفت.

حسین زاده ایرانی بودن را افتخار کردها و ترک‌ها و بلوچ‌ها می‌داند و می‌گوید: «شهروندی» باید حلقه اتصال ما به یکدیگر باشد. باید با دید شهروندی به یکدیگر نگاه کنیم و تعامل داشته باشیم به بیان دیگر نگاه‌مان به یکدیگر نباید از دریچه قومی، نژادی، فرهنگی، زبانی و مذهبی باشد در این صورت می‌توانیم اثبات کنیم برای نسل حاضر و نسل‌های آینده «ارزش» قائل هستیم.

اطلاعاتی از وضعیت خانوادگی او و روابط فامیلی‌اش با دیگر چهره‌های سیاسی و مدیریتی کشور موجود نیست.

رمضانعلی سبحانی‌فر

حوزه انتخابیه: سبزوار
سمت: عضو کمیسیون صنایع و معادن
فراکسیون: مستقل‌ها

مخالفت موثر با فیلترینگ اینستاگرام و تلگرام

انتخاب دو نماینده اصلاح‌طلب (رمضانعلی سبحانی‌فر و محمد کاظمی) از سوی مجلس دهم در کمیته تعیین مصادیق مجرمانه شبکه‌های اجتماعی، و سپردن کرسی ریاست کمیته ارتباطات و مخابرات، کمیسیون صنایع به این عضو فراکسیون امید، در فیلتر نشدن اینستاگرام و تلگرام قطعا بی‌تاثیر نبوده است. نماینده‌ای که با حضور در این کمیته و با رای مخالف‌اش به فیلترینگ، موجب تقویت موضع دولت در برابر اعضای نظامی و قضایی این کمیته شده، تا اینستاگرام و تلگرام آزادانه در دسترس عموم باقی بماند.

رمضانعلی سبحانی‌فر کیست؟

او در سال ۱۳۴۴ در بخش جوین از توابع شهرستان سبزوار و در خانواده‌ای کشاورز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در سبزوار پشت سر گذاشت و در حالی‌که نوجوانی بیش نبود، با رویداد تاریخی انقلاب ۵۷ روبرو شد. در مقطع راهنمایی به تحصیل مشغول بود که ۲۲ بهمن ۵۷ فرارسید. او از این روز اینگونه یاد می‌کند: «روز ۲۲ بهمن در منطقه خودمان در راهپیمایی‌ها حضور داشتیم و عکس‌هایی از دکتر شریعتی را در دست داشتم . روز ۲۲ بهمن نیز بهترین حس و حال ما شنیدن مارش پیروزی بود.»

هنوز دیپلم نگرفته که جنگ ایران و عراق شروع می‌شود. او هم مثل خیلی از هم سن و سالان خود راهی جبهه‌ها می‌شود. کمتر جایی از خاطرات جبهه و جنگ سخنی از او ثبت است. او در جنگ مجروح می‌شود و در مجلس نهم، به همراه دیگر نمایندگان جانباز مجلس، از سوی علی لاریجانی مورد تجلیل قرار می‌گیرد.

او در سوابق اجرایی و مدیریتی خود اشاره‌ای به فعالیت‌اش در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نکرده، ولی مرور سوابق‌اش نشان می‌دهد که مدتی در سپاه پاسداران، مامور تحقیق و بازرسی

بوده است.
سبحانی‌فر پس از پایان جنگ، تحصیلات‌اش را در رشته فقه و حقوق اسلامی در دانشگاه آزاد اسلامی ادامه می‌دهد و موفق می‌شود فوق‌لیسانس‌اش را دریافت کند. او با وجود تحصیلات در رشته الهیات، فقه و حقوق اسلامی و در تمام دوران فعالیت حرفه‌ای‌اش در بخش‌های صنعتی مشغول به فعالیت بوده به طوری که در حوزه انتخابیه‌اش نیز او را «مهندس سبحانی‌فر» خطاب می‌کنند و اتفاقا در مجلس نهم و دهم نیز به دلیل همین سوابق کاری در کمیسیون صنایع عضویت داشته است.
سبحانی‌فر به لحاظ سیاسی، اصلاح‌طلب و از اعضای احزاب خط امامی (نیروهای چپ انقلاب اسلامی) بوده است. او در انتخابات مجلس نهم، برای اولین بار موفق می‌شود از حوزه انتخابیه سبزوار وارد مجلس شود. سبحانی‌فر در مجلسی که اصلاح‌طلبان آن به دلیل تعداد کم، فراکسیون نداشتند، کوشید تا با جمع کردن نمایندگان مستقل و میانه‌رو و اصلاح‌طلب، فراکسیون اعتدال را راه‌اندازی کند و در این راه علی مطهری را در کنار خود داشت و حتی موفق شد امضای ۸۰ تا ۹۰ نماینده مجلس را جلب کند ولی مخالفت علی لاریجانی باعث شد تا او و مطهری قید فراکسیون اعتدال را بزنند و در فراکسیون رهروان ولایت باقی بمانند.
سبحانی‌فر بار دیگر در انتخابات مجلس دهم، از حوزه سبزوار اعلام کاندیداتوری کرد و با حمایت ائتلاف امید و با حمایت انجمن صنفی معلمان، موفق شد برای بار دوم راهی مجلس شود. او هم‌چون دوره قبل به کمیسیون صنایع پیوست و علاوه بر کسب کرسی سخن‌گویی این کمیسیون، به ریاست کمیته ارتباطات و مخابرات کمیسیون صنایع نیز برگزیده شد. سبحانی‌فر با رای نمایندگان مجلس همچنین به عضویت کمیته تعیین مصادیق عناوین مجرمانه شبکه‌های اجتماعی (کمیته فیلترینگ) در آمد.
سبحانی‌فر به رغم اینکه همکاری نزدیکی با فراکسیون امید مجلس دارد ولی بیش از آن‌که نماینده‌ای سیاسی و پیگیر مسایل ملی و کلان باشد، نماینده‌ای توسعه گرا و پیگیر مسایل حوزه انتخابیه است. بیشتر وقت سبحانی‌فر به امور محلی و توسعه سبزوار و استان خراسان رضوی معطوف است. او برای اولین بار در مجلس نهم، طرح تشکیل استان سربداران به مرکزیت سبزوار را مطرح کرد و خواهان ارائه لایحه مربوطه از طرف دولت شد. او کماکان پیگیر تشکیل استان سربداران است.
در پروفایل رمضانعلی سبحانی‌فر در وب‌سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی آمده است که او به دو زبان عربی و انگلیسی تسلط دارد، ولی او به ریاست هیات دوستی ایران و روسیه انتخاب شده است. گویی وقتی می‌تواند با مدرک الهیات در شرکت مخابرات و کمیسیون صنایع فعالیت کند با زبان فارسی، عربی و انگلیسی هم می‌تواند رئیس هیات دوستی ایران و روسیه باشد.

مسوولیت‌های اجرایی و مدیریتی

سبحانی‌فر تا پیش از ورود به مجلس، بیشتر در حوزه صنعت و مخابرات مشغول فعالیت بوده، هرچند سابقه اجرایی و مدیریتی او هیچ ارتباطی با مدرک تحصیلی و دانش آکادمیک او ندارد. مهم‌ترین عناوین شغلی او به این شرح است:

- معاون اداره کل نوسازی و تحول اداری شرکت مخابرات ایران
- رئیس اداره بررسی‌های سازمانی شرکت مخابرات ایران
- عضو کمیته تهیه و تدوین برنامه پنج ساله چهارم توسعه

- عضو کمیته ساختار سازمانی شرکت‌های ارتباطات زیرساخت و سیار
- مامور بازرسی و تحقیق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- معلم در مدارس سبزوار
- مشاور حقوقی روزنامه حمایت

اصلاح‌طلبی با ادبیات اصول‌گرایی

سبحانی‌فر کمتر در مسایل مهم و تاثیرگذار سیاسی اظهار نظر می‌کند از همین رو کمتر می‌توان مطلب له یا علیه جنبش سبز از او در رسانه‌ها پیدا کرد. اما در معدود مصاحبه‌های او در خصوص جنبش سبز، نمی‌توان ردی از مواضع اصلاح‌طلبانه او یافت. او با ادبیات اصول‌گرایان در خصوص جنبش سبز سخن می‌گوید. سبحانی‌فر راهپیمایی حکومتی ۹ دی که برای پاسداشت سرکوب جنبش سبز برگزار شد را حماسه ملی برای دفاع از اعتقادات اسلامی مردم عنوان کرده و می‌گوید: «حماسه ۹ نهم دی برخاسته از انسجام و اتحاد مردم برای دفاع از اعتقادات اسلامی و حفظ حرمت روز عاشورا بود. مردم با حضور پرشور در راهپیمایی نهم دی در حقیقت در برابر اهانت کنندگان به عزاداری سیدالشهدا(ع) ایستادند. حضور مردم در آن راهپیمایی نشان داد هرجا مقدسات و اعتقادات مورد هجمه واقع شوند این مردم هستند که با حضور پرشور خود در صحنه با اهانت‌کنندگان برخورد می‌کنند. حماسه ۹ دی سند انسجام و وحدت ملی مردم در دفاع از اعتقادات، اصول و مبانی دینی است و باید ابعاد مختلف آن تبیین و به جامعه و نسل جوان شناسانده شود.»

مقابله با انسداد شبکه‌های اجتماعی

تلاش برای مقابله با سانسور و فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی و رای مخالف به فیلترینگ شبکه‌هایی هم‌چون اینستاگرام و تلگرام، در کمیته تعیین مصادیق مجرمانه شبکه‌های اجتماعی از نکات برجسته کارنامه این نماینده اصلاح‌طلب مجلس به شمار می‌رود. او به صراحت می‌گوید با فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مخالف است.

سبحانی‌فر در جلسه کمیته فیلترینگ به فیلتر شدن اینستاگرام رای مخالف می‌دهد تا موافقان فیلترینگ اینستاگرام با یک رای کمتر شکست بخورند و دولت بتواند موضع خود مبنی بر فیلترنشدن اینستاگرام را به کرسی بنشاند. او همچنین با فیلتر شدن واتس آپ هم مخالفت کرده و می‌گوید: «اگر محتوای شبکه‌های اجتماعی خارجی مغایر ارزش‌های ملی و مذهبی ما باشد با فیلتر شدن مخالفت نمی‌کنیم ولی وقتی تضادی در میان نباشد نباید این شبکه‌ها را فیلتر کرد.» او قائل به تصمیم‌گیری موردی در خصوص فیلتر شدن یا نشدن شبکه‌ای اجتماعی است.

حمایت از حقوق معلولان و تلاش برای حفاظت از محیط زیست

علاوه بر تلاش سبحانی‌فر برای مقابله با فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی و آزادی رسانه‌ها، حمایت او از حقوق معلولان و تلاش‌اش در حوزه محیط زیست را باید از دیگر فعالیت‌های مدنی این نماینده مجلس عنوان کرد. سبحانی‌فر در کارنامه نمایندگی‌اش، برای استیفای حقوق معلولان از جمله معافیت قانونی آن‌ها از پرداخت هزینه‌های خدمات و اشتراکات آب، برق، گاز و... تلاش‌هایی ثبت است.

سبحانی‌فر با عضویت در فراکسیون محیط زیست مجلس دهم، پیگیری توسعه فعالیت‌های

زیست محیطی از طریق حمایت و تقویت سازمان‌های مردم نهاد در این حوزه است.
سبحانی‌فر از جمله مخالفان طرح کاهش ساعت کار زنان است و این طرح را در تضاد با منافع زنان عنوان کرده و می‌گوید: «این طرح در طولانی‌مدت به ضرر اشتغال زنان است. از طرف دیگر هزینه‌های کلانی را به کارفرما و دولت تحمیل می‌کند. باید به جای یک نیروی خانم دو نفر را استخدام کرد و به دو نفر تسهیلات بیمه‌ای ارائه داد. در طولانی‌مدت هیچ سازمانی این شرایط را قبول نمی‌کند.» طرحی که برخلاف نظر سبحانی فر در مجلس دهم تصویب شد ولی همانگونه که پیش بینی می‌کرد از سوی شورای نگهبان به دلیل بار مالی رد شد.

خانواده

پدرش صفرعلی سبحانی‌فر، کشاورز و روستا زاده بود که سال گذشته درگذشت و در روستای ابوچناری دفن شد. اطلاعات بیشتری از خانواده او در دسترس نیست.

حسین امیری خامکانی

حوزه انتخابیه: زرند
سمت: نایب رئیس اول کمیسیون انرژی
فراکسیون: امید

دفاع از حقوق کارگران و ۵ دوره نمایندگی مجلس

تغییر ترکیب مجلس در هر دوره سبب شده که کمتر نماینده‌ای را بتوان یافت که برای چندین دوره متمادی توانسته باشد کرسی خود را در مجلس حفظ کند. «حسین امیری خامکانی» یکی از معدود نمایندگان مجلس است که برای پنج دوره متمادی، از حوزه انتخابیه زرند، در مجلس حضور دارد. نماینده‌ای اصلاح‌طلب که کمتر وارد مباحث چالش‌برانگیز سیاسی می‌شود و سرش به توسعه و عمران زرند و استان کرمان، گرم است.

حسین امیری خامکانی کیست؟

حسین امیری خامکانی در سال ۱۳۳۷ در روستای «ده فیاض» از توابع زرند کرمان متولد شد. پدرش کارگر و در کارگاه‌های کوره‌پزی کار می‌کرد. او تا مقطع دبیرستان در روستا درس می‌خواند و کنار درس خواندن همراه پدر به کارگری مشغول بود، ولی وقتی به سن ورود به دبیرستان رسید، روستا را به قصد تحصیل ترک و رهسپار زرند شد.

ورود او به دبیرستان با اوج گیری فعالیت‌های انقلابی همراه بود، او خود را در ردیف دانش‌آموز انقلابی کرمان معرفی می‌کند. امیری در سال ۱۳۵۵ برای تحصیل در رشته فیزیک راهی دانشگاه باهنر کرمان شد. دانشگاهی که سال دوم تاسیس‌اش را تجربه می‌کرد. او در دانشگاه با چهره‌های سیاسی همچون حسین مرعشی معاون سازمان میراث فرهنگی دولت خاتمی و اسحاق جهانگیری معاون اول دولت روحانی، آشنا شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل سپاه پاسداران، حسین امیری خامکانی که دانشجوی فیزیک بود به سپاه پیوست و به فرماندهی سپاه زرند رسید. او علاوه بر فرماندهی سپاه، با جهاد دانشگاهی همکاری داشت و به ریاست نهضت سوادآموزی زرند نیز رسید.

امیری خامکانی سپس با استفاده از بورسیه تحصیلی راهی دانشگاه نیوکاسل انگلستان شد تا

دکترایش را در رشته فیزیک اخذ کند. او می‌گوید: «چون دانشجوی ممتاز بودم با استفاده از بورسیه دانشجویان ممتاز راهی انگلستان شدم. او در انگلستان به اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان اتحادیه انگلستان ملحق می‌شود و در کنار تحصیل در انجمن اسلامی فعال بوده است.»
امیری با اتمام تحصیل، تصمیم به بازگشت به ایران می‌گیرد و چون بورس دانشگاه باهنر بوده، به این دانشگاه باز می‌گردد و عهده دار معاونت آموزشی این دانشگاه می‌شود.
امیری خامکانی در سال ۱۳۷۸ برای اولین بار تصمیم می‌گیرد برای ورود به مجلس ششم اعلام کاندیداتوری کند و موفق می‌شود با کسب اکثریت آراء مردم زرند، راهی مجلس شود. حضور او در مجلس ششم اولین تجربه پارلمانی این چهره دانشگاهی/نظامی زرند است. او به رغم عضویت در فراکسیون دوم خرداد مجلس ششم، ولی از معدود نمایندگان اصلاح‌طلب این دوره از مجلس است که صلاحیت‌اش برای مجلس هفتم تایید و موفق می‌شود، برای پنج دوره متوالی، کرسی حوزه انتخابیه زرند را در اختیار خود نگه دارد.
امیری خامکانی، در مجلس ششم و هفتم در کمیسیون آموزش و تحقیقات حضور داشت و از مجلس هشتم به عضویت کمیسیون انرژی درآمد و در مجلس دهم به نایب رئیسی این کمیسیون رسید. او چهره‌ای صنعتی-عمرانی از خود به نمایش گذاشته و بیشتر به عمران و آبادانی زرند و در ابعادی بزرگ‌تر عمران استان کرمان را در دستور کار خود قرار داده، لذا کمتر در مباحث چالش برانگیز سیاسی اظهار نظر می‌کند و بیشتر می‌کوشد بر مدار اعتدال حرکت کند.
او از چهره‌های تاثیرگذار فراکسیون امید در مجلس دهم است و موفق شده ریاست مجمع نمایندگان استان کرمان را از آن خود کند. امیری خامکانی در شبکه‌های اجتماعی فعالیت ندارد، با سینما سروکاری ندارد و نه قرمز است و نه آبی و در موسیقی به گفته خودش، تنها شنونده صدای محمد رضا شجریان است.

سوابق اجرایی و مدیریتی

حسین امیری خامکانی بیشتر عمر حرفه‌ای خود را در مجلس گذرانده است (هفدهمین سال حضور در مجلس را سپری می‌کند و تا سه سال آینده در مجلس خواهد بود.) بنابراین در حوزه اجرایی و مدیریتی، دارای کارنامه چندان پرباری نیست. او پیش از ورود به مجلس، این سوابق را در کارنامه‌اش ثبت کرده است:

- معاون آموزشی دانشگاه شهید باهنر
- رئیس دانشگاه پیام نور استان کرمان
- فرمانده سپاه پاسداران زرند
- رئیس نهضت سوادآموزی زرند

انقلاب ۵۷ و دوران مبارزه

حسین امیری خامکانی، از دوران دبیرستان در ردیف نیروهای انقلابی زرند بوده است. همراه دانش آموزان در تظاهرات شرکت داشته و با ورود به دانشگاه بر این فعالیت‌ها افزوده است.
او در خصوص دوران مبارزه می‌گوید: «حال وهوایی که در سال ۵۷ در چنین روزهایی حاکم بود مقابله جدی مردم با رژیمی که هم در درون مجهز به یک سیستم اطلاعاتی قوی به نام ساواک بود و هم نسبت به کشورهای اطراف مجهز به ارتشی قوی و دارای تاکتیک‌های خاص خود بود. روش‌های مردم فریب و استفاده ابزاری از قشرهای خاصی که نمونه‌های آن را در

آتش‌سوزی مسجد جامع دیدیم که به زعم خودشان می‌خواستند مردم را در مقابل مردم قرار دهند و هیچ کدام از امکانات و تجهیزات و هیچ کدام از روش‌ها نتوانست اراده ملت را سست کند.»
او با پیروزی انقلاب به سپاه پاسداران پیوست و رابطه خود را با نیروهای انقلابی حفظ و به فرماندهی سپاه زرند رسید.

اعتماد عمومی لازمه اجرای منشور حقوق بشر

به باور حسین امیری خامکانی، «اعتماد عمومی» لازمه اجرای منشور حقوق بشر است. او در این خصوص می‌گوید: «اداره جامعه بدون مسئولیت پذیری مردم در قبال حقوق خود و دیگران امکان پذیر نیست، لذا علاوه بر مسئولیت‌های حقوق بشری باید به مسئولیت‌های شهروندی نیز توجه کرد.» او با بیان این‌که سیستم آموزشی کشور باید آموزش حقوق شهروندی را در اولویت برنامه‌های خود بداند، می‌افزاید: «رسالت اصلی آموزش عمومی همین توسعه حقوق شهروندی است و باید در جامعه فراگیر شود.»
دفاع از حقوق کارگران و پیگیری وضعیت معیشت آن‌ها و حساسیت نسبت به مساله محیط زیست، از طریق نطق‌ها و سخنرانی‌ها، وجه برجسته فعالیت حقوق بشری این نماینده مجلس است.
او از آزادی بیان و آزادی تجمعات حمایت کرده و می‌گوی: « در هیچ کجای دموکراسی و مردم سالاری وجود ندارد که فردی یا گروهی جلسه‌ای را برهم بزنند. دموکراسی ایجاب می‌کند جلساتی که اتفاقا مجوز قانونی نیز داشته‌اند، برگزار شوند. اینکه به اسم ارزش‌های یک کشور، ارزش دیگری هم‌چون دموکراسی و رعایت قواعد بازی سیاسی پایمال شود نه به صلاح کشور اسلامی‌مان است و نه نتیجه خوبی را به دنبال دارد.»

حمایت از کاندیداتوری موسوی، سکوت در برابر جنبش سبز

حسین امیری خامکانی هم‌چون اکثر نمایندگان اصلاح‌طلب ادوار مجلس شورای اسلامی، از جمله حامیان کاندیداتوری میرحسین موسوی بود و بیانیه‌ای در حمایت از او منتشر کرد. اما از فردای جنبش سبز کمتر فعالیتی در حمایت از جنبش سبز یا سخنی علیه این جنبش از او شنیده نشده، لذا او را می‌توان در ردیف ساکتین جنبش سبز معرفی کرد. گرایش فکری و مشی اصلاح‌طلبانه او، تنها ادله‌ای است که او را در ردیف حامیان جنبش سبز قرار می‌دهد.

خانواده

پدرش اکبر امیری، کارگر بود که در سال ۱۳۹۴ دارفانی را وداع گفت. برادرش محمد امیری نیز در سال ۱۳۹۵ درگذشت. برادرش مسوولیت دفترش در زرند را عهده دار بود. همسرش خانه‌دار است و ۴ فرزند و یک نوه دارد. اطلاعات بیشتری از خانواده و فامیل او در دست نیست.

فرهاد تجری

حوزه انتخابیه: قصرشیرین
سمت: نایب رئیس اول کمیسیون اصل نود
فراکسیون: اصول‌گرایان

جعبه سیاه کهریزک، مدافع مرتضوی

جمع کثیری از نمایندگان مجلس هشتم، در هیاهوی اتفاقات سال ۸۸ خیلی شعار دادند و مصاحبه کردند اما تعداد معدودی از آن‌ها در بطن ماجرا قرار گرفتند و به اطلاعات ریز و درشت حوادث این سال از جمله ماجراهای پشت پرده کهریزک دست یافتند، یکی از آن‌ها فرهاد تجری بود که با عضویت در کمیته ویژه مجلس، پیگیر حادثه کهریزک بود. سوابق قضایی و همکاری با دادسرای نظامی، او را در موقعیتی قرار داده بود تا در حوادث این سال نقش پررنگی ایفا کند لذا می‌توان او را از جعبه سیاه‌های حوادث سال ۸۸ دانست، هر چند هم‌سویی سیاسی با مخالفان جنبش سبز، باعث شده تا از او اطلاعاتی به بیرون درز نکند ولی قطعا باید نام او را برای موعد افشای اسناد فاجعه کهریزک به خاطر سپرد.

فرهاد تجری کیست؟

او متولد سال ۱۳۴۷ در سرپل ذهاب استان کرمانشاه است. اطلاعات چندانی از دوران کودکی و نوجوانی‌اش در دست نیست چراکه کمتر جایی از زندگی‌نامه‌اش سخنی بر زبان آورده است. اما آنچه مشخص است اینکه او در شهری مرزی به دنیا آمده و در حالی‌که فقط ده سال داشته با اتفاقات مربوط به انقلاب ۵۷ روبرو شده است. تجری در خصوص در این دوران می‌گوید: «در آن زمان در مقطع چهارم ابتدایی در شهرستان سرپل ذهاب مشغول به تحصیل بودم. ما دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی اگرچه افتخار حضور در صف مبارزان اوایل انقلاب در شهرستان را نداشتیم اما هر بار در سر کلاس‌ها به بهانه‌های مختلف زمینه اعتراض و تجمع و نا آرامی را فراهم و شعارهای مرگ بر شاه می‌دادیم. تصاویر شاه ملعون را که بر سربرگ کتاب‌ها بود پاره و مرگ بر طاغوت سر دادیم.»

تجری هنوز دوران نوجوانی را پشت سرنگذاشته که جنگ ایران و عراق آغاز می‌شود. او زندگی

در یک شهر جنگ‌زده (سرپل ذهاب) را تجربه می‌کند. با اخذ دیپلم او تحصیلات‌اش را در رشته حقوق قضایی آغاز می‌کند و پس از فارغ التحصیلی در مقطع فوق‌لیسانس، جذب دادگستری کرمانشاه می‌شود. در کارنامه اجرایی و مدیریتی او این سوابق ثبت است (پیش از ورود به مجلس):

- دادیار دادسرای نظامی ناحیه سقز و بانه
- قاضی تحقیق دادسرای عمومی
- دادرس و رئیس شعبه دادگاه عمومی کرمانشاه
- رئیس دادگستری قصر شیرین
- مستشار محاکم تجدید نظر استان کرمانشاه
- معاون دادگاه‌های عمومی و انقلاب کرمانشاه

با فرارسیدن فصل انتخابات هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی، او با استعفا از مسوولیت خود در دادگستری، از حوزه انتخابیه سرپل ذهاب، گیلانغرب و قصرشیرین، برای ورود به مجلس اعلام کاندیداتوری می‌کند و با حمایت اصول‌گرایان موفق به کسب اکثریت آراء و ورود به مجلس هشتم می‌شود. او پس از ورود به مجلس به کمیسیون حقوقی و قضایی می‌پیوندد و به نایب رئیسی این کمیسیون می‌رسد.

گرایش به علی لاریجانی در مقابل کاندیداتوری حداد عادل، برای ریاست مجلس هشتم، میان او و اصول‌گرایان فاصله می‌اندازد، تا در انتخابات مجلس نهم از حمایت اصول‌گرایان محروم و از ورود دوباره به مجلس بازبماند. او در این خصوص می‌گوید: «جبهه متحد اصول‌گرایان، آقای زاکانی را به عنوان رابط استانی معرفی کرد، آقای زاکانی جزء تیم حدادعادل بود، بنده در مجلس معمولا مواضعی که داشتم هم‌سو با دکتر لاریجانی بود، یکی از گناهان بنده همراهی با استاندار و گناه بالاتر در سطح ملی همراهی با آقای دکتر لاریجانی بود. تیم جبهه متحد اصول‌گرایان، هم علیه آقای مهندس هاشمی-استاندار کرمانشاه- بودند و هم علیه آقای دکتر لاریجانی. جبهه پایداری هم خوب یک جبهه شناخته شده با یک تفکرات شاید تندی است، بنده در مجلس هیچ همراهی با اینها نداشتم و به‌هرحال همواره دنبال یک تعادل در رفتار و مواضع سیاسی بودم و چون با این رویه همراهی نداشتم لذا قاعدتا این جبهه بنده مورد پسندشان نبودم و قطعا من هم این تفکر مورد پسندم نبود.»

با پایان یافتن مجلس هشتم، تجری علاوه بر آغاز مجدد تحصیل در مقطع دکترا در دانشگاه خوارزمی، با حکم حجت السلام پورمحمدی رئیس سازمان بازرسی کل کشور به عنوان بازرس کل امور نظامی، امنیتی به این سازمان پیوست.

او هم‌چنین از جدی‌ترین گزینه‌های ریاست دیوان محاسبات بود که در نهایت موفق به جلب حمایت نمایندگان مجلس نهم برای کسب این کرسی نشد.

چهارسال بعد مجدد او شانس خود را برای ورود به مجلس دهم آزمایش کرد و موفق شد برای بار دوم به مجلس راه یابد. او با ورود به مجلس دهم به کمیسیون اصل نود ملحق شد و در رقابت با داود محمدی، کرسی ریاست کمیسیون اصل نود را به محمدی واگذار و سکاندار نایب رئیسی این کمیسیون شد. او در انتخابات هیات عالی نظارت بر انتخابات شوراها، با رای نمایندگان برگزیده شد و سمت سخن‌گویی هیات را عهده دار شد. او در مجلس دهم عضو فراکسیون مستقلان ولایی به رهبری علی لاریجانی است. فرهاد تجری از جمله حامیان «جبهه مردمی نیروهای انقلاب اسلامی» است که اخیرا اعلام موجودیت کرده است.

دروغ بزرگ تقلب انتخاباتی، کهریزک را رقم زد!

فرهاد تجری با سابقه فعالیت قضایی و همکاری با دادسرای نظامی و با رای نمایندگان مجلس هشتم به عضویت کمیته ویژه مجلس درباره کهریزک، درآمد. کمیته‌ای که نه تنها واقعیات کهریزک را هیچگاه عنوان نکرد بلکه با تحلیل سیاسی این فاجعه، توپ را به زمین رهبران جنبش سبز انداخت. فرهاد تجری و دیگر اعضای کمیته پس از هفته‌ها بازرسی و تحقیق از فاجعه کهریزک در گزارش نهایی که در صحن علنی هم قرائت شد تاکید کردند که: «القای یک دروغ بزرگ به نام تقلب در انتخابات ریاست جمهوری و رفتارهای غیرقانونی که سبب ایجاد این حوادث شد و اگر همگان براساس چارچوب‌های قانونی مسیر خود را طی می‌نمودند و اگر دو کاندیدای ریاست جمهوری دست به قانون شکنی، تحریک احساسات و عواطف مردم نمی‌پرداختند امروز شاهد این‌گونه حوادث تلخ نبودیم که سبب هتک حرمت نظام مقدس جمهوری اسلامی و تضییع فرصت گران سنگ حضور ۴۰ میلیونی مردم در پای صندوق‌های رای شود. بی‌تردید آنان باید پاسخ‌گو باشند و دستگاه قضایی در خصوص این‌گونه رفتارهای مجرمانه نباید بی‌اعتنا باشد.» حال آن‌که قاضی مرتضوی به عنوان متهم ردیف اول این پرونده، در دادگستری به پای میز محاکمه فراخوانده شد.

تجری البته در اظهار نظری سوال‌برانگیز، نسبت به محتوای گزارش نهایی این کمیته ابراز بی‌اطلاعی کرد و گفت که در هفته‌های منتهی به صدور گزارش اینقدر سرگرم مسایل افغانستان بوده که نتوانسته گزارش کمیته ویژه درباره کهریزک را پیگیری کند. روشن نشد که آیا او با محتوای گزارش همدلی نداشته است که از آن ابراز بی‌اطلاعی می‌کند یا به نوعی از همکاری با کمیته پرهیز کرده است. او اما در مصاحبه‌ای به حادثه کهریزک می‌پردازد که تاییدکننده همراهی‌اش با کمیته ویژه تا پایان کار است. او می‌گوید: «در کهریزک افرادی از مسئولین مختلف دخیل بودند اما شدت و ضعف اینکه چه افرادی، و چه مباحثی و چه کسانی بودند اینها مباحثی است که باید در یک کفه ترازو و عادلانه قرار بگیرد نه اینکه با شانتاژ بازی یک عده که مقصر اصلی در کهریزک هستند از زیر گیوتین و چرخ عدالت فرار کنند و یک افرادی که بالاخره به هرجهت ممکن است افکار عمومی رویکرد خوبی نسبت به آن‌ها نداشته باشند و سابقه ذهنی جامعه نسبت به آن‌ها مثبت نمی‌باشد تمام تقصیرات را گردن آن‌ها بیاندازیم. ... یک سیاسی کاری در فرایند کهریزک روی داده که تمام صورت مسئله را پاک کنند و این وسط تقصیر را بیاندازند گردن آقای مرتضوی که چون این پیش آمد خود بنده انتقاداتی از قبل به آقای مرتضوی داشتم و الان هم دارم اما به هرحال ظلم این‌چنینی در حق مردم و مملکت را بیندازیم گردن یک نفر منطبق با عدالت و انصاف نبود.»

به‌هرحال موقعیت او در این کمیته، او را طرف گفتگوهای متعدد رسانه‌ها در خصوص جزئیات اتفاقات سال ۸۸ قرار داده بود. او در گفتگویی خواستار برخورد قاطع با توزیع‌کنندگان اسکناس‌های دارای شعار شده و می‌گوید: «بانک مرکزی باید بدون هیچ درنگی وارد میدان شود و این اسکناس‌ها را ابطال و از چرخه پولی کشور حذف کند. عده‌ای فکر می‌کنند با این دست کارها می‌توانند آرامش و امنیت جامعه را مجدداً بر هم بریزند.»

اما جنجالی‌ترین اظهار نظر او زمانی مطرح شد که در خصوص مرگ مشکوک پزشک کهریزک مورد پرسش قرار گرفت. او در پاسخ گفت: «ایشان در گذشته قرص‌هایی مصرف می‌کرده که احتمالا براساس مصرف همان‌ها دچار مسمومیت شده و نیازی نمی‌بینیم که مجلس وقت خود را برای این موارد بگذارد.» حال آن‌که این پزشک که بصورت مشکوک درگذشت می‌توانست سرنخ بسیاری از وقایع کهریزک باشد.

با ارائه مبانی اسلامی مشکلات حقوق بشر غربی را حل کنیم
فرهاد تجری ارائه مبانی اسلام را برای حل مشکلات حقوق بشر غربی ضروری دانسته و می‌گوید: «دنیای غرب از دایره انصاف خارج شده و از حقوق بشر برای اهداف سیاسی استفاده می‌کند. حال آن‌که آن‌ها حقوق بشر را براساس آموزه‌های فرهنگی‌شان تعریف کرده‌اند که در پاره‌ای از موارد با فرهنگ اسلامی ما هم‌خوانی ندارد لذا باید مبانی اسلام را به آن‌ها ارائه دهیم.»
او توضیح نمی‌دهد که مبانی اسلام چه حقوقی را برای شهروندان در نظر گرفته ولی برخورد با میهمانی‌های خصوصی نامتعارف را ضروری دانسته و می‌گوید: «با میهمانی‌های خارج از موازین قانونی و شئونات اسلامی باید به شدت برخورد کرد چراکه این چنین میهمانی‌هایی زیبنده جامعه اسلامی نیست.» اظهار نظری که نشان می‌دهد در دیدگاه حقوقی فرهاد تجری ورود به حریم خصوصی افراد، مجاز شمرده شده، که حکم برخورد قاطع با متخلفان را صادر می‌کند ولی نسبت چنین اعتقادی با مبانی اسلام محل پرسش است.

مدافع تعدد زوجات- مخالف اعطای تابعیت فرزندان زنان ایرانی

دفاع تمام قد از تعدد زوجات در مجلس هشتم، نام فرهاد تجری را بیش از هر زمانی مطرح کرد. او از جدی‌ترین مدافعان لایحه جنجالی حقوق خانواده بود و آن را از افتخارات مجلس نامید. فرهاد تجری در گفتگوهای متعدد با رسانه از تعدد زوجات در لایحه حقوق خانواده دفاع و آن را گامی برای حمایت از زنان عنوان کرده و می‌گوید: «ما در این قانون سعی کردیم با لحاظ کردن شرایطی که شرع هم تعیین کرده از ازدواج‌های مجدد عنان گسیخته، بدون ضابطه و از روی هوس جلوگیری کنیم. مگر ازدواج موقت در جامعه ما وجود ندارد؟ چرا خودشان را گول می‌زنند؟ ما گفتیم در جایی که زنی از ازدواج موقت بچه دار شد،این ازدواج ثبت شود تا اگر مردی از روی هوسرانی و یا حتی نیاز ازدواج موقت کرده تکلیف داشته باشد.» تجری با بیان اینکه اسلام به مردان اجازه اختیار کردن ۴ زن را داده می‌افزاید: «ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که مبنا و اساس آن مبتنی بر دین است لذا نمی‌توانیم آموزه‌ها و مولفه‌های دینی را به خاطر احساسات ۴ نفر تعطیل کنیم.»
او در عین حال که همواره در تشریح لایحه خانواده، خود را از مدافعان حقوق زنان می‌داند ولی وقتی صحبت از اعطای تابعیت به فرزندان متولد از مادران ایرانی و پدران غیرایرانی می‌شود به صراحت در صحن علنی مجلس به مخالفت برمی‌خیزد و می‌گوید: «اعطای تابعیت ایرانی به افراد حاصل از ازدواج مادر ایرانی و پدر غیرایرانی، بار مالی فراوان برای دولت دارد. با این طرح فضایی را برای اعطای تابعیت به جماعت زیادی ایجاد خواهد شد در حالی که این موضوع، مباحث سیاسی و امنیتی دارد و در قالب این طرح نمی‌گنجد، اگر هم قرار باشد این موضوع مطرح شود باید یا دولت لایحه دهد یا به صورت عادی مورد بررسی قرار گیرد.» او در حالی بر ضرورت عادی مطرح شدن این طرح تاکید می‌کند که می‌داند به دلیل تعدد طرح‌ها و لوایح الویت دار در مجلس، هیچگاه به طرح‌های عادی نوبت رسیدگی نمی‌رسد.

حقوق زنان از دیدگاه تجری

فرهاد تجری که دانش آموخته حقوق قضایی است، جایگاه مردان را نان آوری و نقش خدانهادی زنان را تربیت فرزندان می‌داند و می‌گوید: «متفکران غربی، به اسم حقوق زن، ساختارشکنی و حرمت‌شکنی زنان و مردان جوامع اسلامی به ویژه ایرانی اسلامی را هدف گرفته‌اند. خلط جایگاه زنان و مردان موجب انحطاط جامعه می‌شود. غربی‌ها انجام

مسوولیت‌هایی را جزو حقوق زنان می‌دانند که در شمار اقتضائات جسمی، جنسی و منزلتی زنان نیست و البته متاسفانه با اقبال داخلی، به عنوان آفت فرهنگی گریبان‌گیر بخشی از جامعه زنان و خانواده‌های ایرانی شده است.» او خواستار توجه سیاست گذار به نقش خدانهادی زنان و مردان در قوانین و سیاست‌های ابلاغی است.

حمایت مشروط از استقلال کانون وکلا

این دانش آموخته حقوق از استقلال کانون وکلا حمایت می‌کند مشروط بر اینکه استقلال کانون وکلا نظام‌مند و در چارچوبی مشخص باشد. فرهاد تجری با ابراز مخالفت با قرار گرفتن کانون وکلا در زیر مجموعه قوه قضاییه می‌گوید: «وکلا باید از نظام خودکنترلی برخوردار باشند، در این صورت به خود اجازه نمی‌دهند هر سخن و اظهارنظری را به بهانه استقلال بیان کنند. انتظار این است که نمایندگان در کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس مصوبه قانونی‌ای را ارائه دهند که تضمین‌کننده استقلال وکلا باشد، البته به نظارت قوه قضاییه بر صنف وکلا هم می‌توانند توجه داشته باشند تا عنان گسیخته نشده و سلب مسوولیت نکنند. اختیارات باید به وکلا داده شود اما در کنار آن تکالیف هم باید برای آن‌ها مشخص شود.»

شغل یابی

فرهاد تجری در وب‌سایت شخصی خود با قراردادن صفحه‌ای مختص متقاضیان شغل، ظاهرا وظیفه شغل یابی را نیز به وظایف نمایندگی‌اش اضافه کرده و برای موکلان خود شغل نیز پیدا می‌کند.

خانواده

اطلاعاتی از وضعیت خانوادگی و روابط فامیلی‌اش با دیگر چهره‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دست نیست.

پروانه سلحشوری

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: رئیس فراکسیون زنان
فراکسیون: امید

رئیس خبرساز فراکسیون زنان مجلس دهم

پا به پای همسرش در ستاد انتخابات حاضر شد تا هردو برای ورود به مجلس دهم ثبت‌نام کنند، اما شوهرش با مهر رد صلاحیت از گردونه رقابت‌ها حذف شد تا او نمایندگی همسرش را نیز در مجلس یدک کشد. پروانه سلحشوری که با حمایت ائتلاف امید و از تهران به مجلس دهم راه یافت، دوست داشت با شوهرش برات قبادیان که از حوزه انتخابیه اهواز ثبت‌نام کرده بود، به مجلس راه یابد، ولی همسرش تایید صلاحیت نشد. او از روزهای اول مجلس دهم با مصاحبه‌ها و سخنرانی‌هایش خبرساز شد به طوری که او را در میان ۱۱ چهره برتر فراکسیون امید در مجلس دهم برگزیدند

.

پروانه سلحشوری کیست؟

او در سال ۱۳۴۳ در مسجد سلیمان در استان خوزستان متولد شد در همان کودکی به اهواز مهاجرت کرد و تحصیلات‌اش را در این شهر گذراند. پروانه سلحشوری که فعالیت اجرایی را با معلمی در مدارس شروع کرده بود رفته رفته مدارج ترقی را طی کرد. او با روی کار آمدن دولت سید محمد خاتمی، مدیریت گفت‌وگوی جوانان را عهده‌دار شد و در دولت روحانی در معاونت زنان، مشغول فعالیت شد.

پروانه سلحشوری به همراه همسرش برات قبادیان به مدت ده سال در کشور هند زندگی کرد تا تحصیلات خود را در رشته جامعه‌شناسی در مقطع دکترا به پایان رساند. همسرش نیز در رشته مکانیک در این کشور دکترا گرفت. او در مقطعی نیز در سفارت ایران در آلمان بوده ولی روشن نیست خودش یا همسرش در این سفارتخانه صاحب منصب بوده است؟

عضویت در انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی هند و عضویت در مجمع دانش‌آموختگان ایران اسلامی، که هر دو تشکلی اصلاح‌طلب هستند، سابقه سیاسی این نماینده مجلس را تشکیل

می‌دهد.
انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی اولین میدان رقابت انتخاباتی است که پا به آن گذاشت. او در فهرست ائتلاف امید (اصلاح‌طلبان) قرار گرفت و به همراه ۲۹ کاندیدای دیگر این ائتلاف از حوزه انتخابیه تهران راهی مجلس شد تا اولین تجربه پارلمانی او در سن ۵۲ سالگی رقم خورد. پروانه سلحشوری با حضور در مجلس دهم به کمیسیون فرهنگی پیوست تا در کنار تندروترین چهره‌های جناح رقیب، ناظر بر امور فرهنگی باشد. سلحشوری با رای نمایندگان به ریاست گروه دوستی ایران و ایتالیا نیز رسید و به عضویت شورای عالی میراث فرهنگی (عضو ناظر) درآمد.
سلحشوری در مصاحبه‌ای در آغازین ماه‌های مجلس دهم، از بی‌علاقگی‌اش به کاندیداتوری مجلس یازدهم خبر می‌دهد و می‌گوید: «دیگر تصمیم به کاندیداتوری مجلس ندارم و برای پایان مجلس دهم روزشماری می‌کنم.»

رهبری زنان مجلس دهم

او در اولین حضور در مجلس، به ریاست فراکسیون زنان رسید تا بزرگ‌ترین فراکسیون زنان ادوار مجلس شورای اسلامی را رهبری کند. فراکسیونی که در مجلس دهم با ۱۷ زن، رکوردار بیشترین تعداد حضور زنان در مجلس است.
آنچه سبب شد تا نام او در روزهای آغازین مجلس بر زبان‌ها بیافتد، مصاحبه‌اش با یک رسانه خارجی در خصوص «آزادی پوشش» بود. پروانه سلحشوری که آن روز هنوز به ریاست فراکسیون زنان نرسیده بود، در مصاحبه‌ای جنجال‌برانگیز، زنان را در انتخاب پوشش صاحب حق دانسته و گفته بود: «سی سال پیش همه مثل من چادر می‌پوشیدند. آن‌ها نمی‌توانستند مثل شما یا دخترم یا دختران دیگر لباس بپوشند. ولی زنان در این سال‌ها انتخاب دیگری کرده‌اند... من تحقیقات زیادی درباره حجاب انجام داده‌ام. اکثر مردم به آن اعتقاد دارند و این روند سختی است که به جایی برسیم که حق انتخاب داشته باشیم، آن‌گونه که هر کسی می‌خواهد. و ما باید به عرف جامعه احترام بگذاریم. البته که روزی خواهد آمد که حجاب یک انتخاب خواهد بود. این جزیی از روند توسعه است.» سخنان این نماینده اصلاح‌طلب مجلس دهم با واکنش‌های تند اصول‌گرایان روبرو شد به‌گونه‌ای که او مجبور شد در مصاحبه‌ای دیگر اظهارات‌اش را اصلاح کند. سلحشوری در اظهار نظر تکمیلی خود گفت: «بنده به عنوان یک زن مسلمان، پوشیدن چادر را مصداق بارز رعایت حجاب می‌دانم. حال ممکن است برخی‌ها پوشیدن مانتو و روسری را در رعایت این اصل، کافی بدانند. این، همان اختلاف سلایقی است که ممکن است وجود داشته باشد اما در اصل رعایت حجاب هیچ تشکیکی نمی‌توان و نباید داشت.»
پروانه سلحشوری به همراه جمع دیگری از نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه، خواستار آزادی نرگس محمدی از فعالان حقوق بشر شد. اتفاقی که در سه دوره اخیر مجلس سابقه نداشته است. او پس از پاسخ منفی سخن‌گوی قوه قضاییه به تقاضای نمایندگان، در گفتگویی اعلام کرد که این خواسته را پیگیری می‌کنیم و به نتیجه آن امیدواریم.
پروانه سلحشوری برنامه‌های فراکسیون زنان را به این شرح برمی شمارد:

- کاهش ساعت کاری زنان
- حل مشکل کودکان بی‌شناسنامه (ازدواج زنان ایرانی با اتباع غیرایرانی)
- دیدار دوره‌ای با زنان و استخراج مطالبات آنان

- تلاش برای ارتقای سی درصد سهم زنان در شوراهای سراسر کشور
- اصلاح سن ازدواج دختران
- رایزنی برای حل مشکل تماس زنان زندانی با فرزندان
- بیمه زنان خانه دار
- ارتقای مدیریتی زنان
- عدالت جنسیتی در برنامه ششم توسعه
- اشتغال خانگی زنان
- اختصاص بخشی از درآمد حاصله از مالیات بر ارزش افزوده به مسایل زنان و جوانان

حمایت از حقوق اقوام

او که پیش از ورود به مجلس از حمایت از حقوق اقوام به‌عنوان یک برنامه استراتژیک خبر داده بود در مجلس خود را مخالف تشکیل فراکسیون اقوام معرفی کرده و می‌گوید: «با تشکیل فراکسیون لرها مخالفم. قابل قبول نیست که هر قومیتی با هر بهانه‌ایی بخواهد هویت ملی مجلس را از آن خارج کند، مجلس شورای اسلامی محلی است برای نمایش تضارب آرا.» سلحشوری می‌افزاید: « مناسب‌ترین مکانیزم برای توجه به مطالبات اقوام را پیگیری از طریق مجامع استانی می‌دانم. در ضمن کسانی که به شکلی افراطگرایانه به مباحث قومی علاقه دارند باید بدانند نه تنها باعث پیشرفت قوم خود نخواهند شد بلکه رنگارنگی اقوام ایرانی را دستخوش تغییر خواهند کرد.»

دفاع پرحاشیه از وزارت سلطانی فر

پروانه سلحشوری تنها زنی بود که در دفاع از وزرای روحانی در مجلس (پروسه ترمیم کابینه) در دفاع از وزارت سلطانی فر برای حضور در وزارت ورزش و جوانان نطق کرد. او در سخنانی احساسی، ضمن برشمردن توانمندی‌های سلطانی‌فر، به ذکر خاطره‌ای اشاره کرد که خنده مجلس و تعجب ناظران بیرونی را در پی داشت. او گفت: یکی از دوستانم به بنده گفته به پاس خدمات شایسته سلطانی‌فر در استان‌داری گیلان در هر سفر زیارتی‌ای که می‌روم دو رکعت نماز برای ایشان می‌خوانم. او سپس از نمایندگان پرسید آیا این برای شما کافی نیست؟ علی لاریجانی رئیس مجلس نیز در واکنش گفت معلوم نیست کافی باشد.

با دفاع این نماینده استقلالی و حمایت اکثریت مجلس، سلطانی فر که در مجلس نهم موفق نشده بود رای اعتماد مجلس را جلب کند، در مجلس دهم به وزارت ورزش رسید.

به قلع و قمع با اسم رمز پایان دهید

کمتر سخنرانی یا مصاحبه‌ای یا فعالیتی از پروانه سلحشوری در جریان حوادث انتخابات سال ۱۳۸۸ که به جنبش سبز منجر شد می‌توان یافت، ولی گرایش سیاسی اصلاح‌طلبانه‌اش، می‌تواند ادله‌ای برای سبز خواندنش باشد. سلحشوری در جریان رای اعتماد مجلس دهم به وزرای پیشنهادی حسن روحانی و در حالی که اصول‌گرایان در پی اثبات گرایش کاندیداهای معرفی شده به جنبش سبز با عبارت معروف «فتنه» بودند، پروانه سلحشوری مجلس را به پایان دادن به قلع و قمع مدیران کارآمده با اسم رمز فتنه خواند و گفت: مجلس نهم تمام شده و مجلس دهم اسیر واژه‌ها نیست و به وزرای پیشنهادی براساس توانایی‌شان رای مثبت خواهد داد.

او هم‌چنین در دیدار با دانشجویان معترض به حصر رهبران جنبش سبز و حذف اسم و عکس سید محمد خاتمی از نشریات دانشجویی، وعده داد که مطالبات آن‌ها را پیگیری کند. او

خطاب به دانشجویان گفت: «مطمئن باشید که من از تمامی‌توان خودم برای بیان و پیگیری مشکلات شما استفاده خواهم کرد و برای گام نخست هم، در اولین فرصت نطقی که در مجلس داشته باشم، مشکلات و مسائل شما دانشجویان را طرح خواهم کرد.» او پس از این دیدار در نطقی در مجلس نسبت به گسترش فساد، برخوردهای غیر مسوولانه با تجمع‌ها و سخنرانی‌ها، برخورد ناصحیح با جوانان که به ازدیاد مهاجرت مغزها انجامیده و رواج انگ زدن و تهمت زدن به یکدیگر در مجموعه حکومت اعتراض کرد و خواستار آزادی معلمان زندانی شد. او آزادی معلمان زندانی را خواست موکلان خود خواند و گفت پیگیر این مساله خواهم بود.

همسر

از خانواده پروانه سلحشوری اطلاعات چندانی در دست نیست. همسرش تنها عضو مشهور خانواده‌اش است که بیش او در رسانه‌ها شناخته شده است. برات قبادیان مشاور وزیر علوم دولت روحانی و از چهره‌های شناخته شده علمی است. صلاحیت او برای ورود به مجلس دهم رد شد و نتوانست در رقابت‌های انتخاباتی وارد شود. او که فارغ‌التحصیل هند است را به عنوان یکی از شاخص‌ترین دانشمندان دنیا معرفی می‌کنند و سال هشتاد نیز توانسته است به عنوان بهترین رئیس دانشگاه ایران انتخاب شود. اما عجیب‌ترین خبر در مورد او، معرفی‌اش به عنوان کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ از سوی مجمع اصلاح‌طلبان دوم خرداد استان خوزستان است. فردی به نام تورج سلحشوری که رابطه‌اش با پروانه سلحشوری روشن نیست این بیانیه را امضاء کرده است. قبادیان هنوز در این خصوص اظهار نظری نداشته است. پروانه سلحشوری در سال ۱۳۶۲ با برات قبادیان ازدواج کرده و مهریه اش، یک میلیون تومان است.

محمدجواد جمالی نوبندگانی

حوزه انتخابیه: فسا
سمت: دبیر اول کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی
فراکسیون: اصول‌گرایان

پزشکی که دوست دارد سردار بماند

درصحن: «تئورسین‌های آمریکا می‌گویند رهبر ایران برنامه‌های ما را با یک سخنرانی به هم می‌ریزد.» محمد جواد جمالی نوبندگانی نماینده فسا، با بیان این جمله خود را نه از دلواپسان، بلکه از دل آرامان برنامه هسته‌ای ایران معرفی می‌کند و می‌گوید:« این کاری نیست که هر کسی بتواند در موردش نظر بدهد کار فوق العاده تخصصی است. باید مقام معظم رهبری نظر بدهد. خوبی که ایشان دارند این است که چندین سال رئیس جمهور بوده‌اند، نماینده مجلس بوده‌اند، نماینده امام در شورای عالی دفاع بوده، جانباز است، همه جوره دنیا را می‌شناسد.»

محمد جواد جمالی نوبندگانی کیست؟

محمد جواد جمالی در سال ۱۳۴۲ در روستای نوبندگان فسا از توابع استان فارس متولد شد. با اتمام کلاس اول ابتدایی از روستای نوبندگان به شهر فسا کوچ می‌کند و تا سال ۱۳۶۰ که با پایان دوره متوسطه‌اش، مصادف است، در فسا می‌ماند و دیپلم علوم تجربی می‌گیرد. اما انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها، مانع از این می‌شود تا بلافاصله پس از دیپلم راهی دانشگاه شود به همین دلیل جذب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌شود.

یک‌سال بعد، با بازگشایی دانشگاه‌ها، جذب دانشگاه علوم پزشکی شیراز می‌شود و پس از هفت سال تحصیل در سال ۱۳۶۸ موفق می‌شود دکترای عمومی خود را از این دانشگاه اخذ کند. او با گذراندن دوره دکترای عمومی به تهران مهاجرت می‌کند و در پایتخت مشغول فعالیت می‌شود و در سال ۱۳۷۱ برای اخذ دکترای تخصصی راهی دانشگاه تهران و بیمارستان سینا می‌شود. او در سال ۱۳۷۵ با دریافت دکترای تخصصی، به شیراز برمی‌گردد و مسوولیت معاونت درمان بیمارستان مسلمین شیراز را عهده دار می‌شود. جمالی در سال ۱۳۸۰ به ریاست بیمارستان ایران شیراز منصوب می‌شود.

او دو سال بعد به تهران باز می‌گردد و ریاست بیمارستان فوق‌تخصصی ولیعصر را برعهده می‌گیرد. او تا سال ۱۳۸۶ در بیمارستان ولیعصر می‌ماند و سپس با حکم دولت محمود احمدی نژاد به دبی می‌رود تا ریاست بیمارستان ایرانیان دبی را عهده‌دار شود. جمالی سه سال در دبی می‌ماند و پس از بازگشت به ریاست بیمارستان نجمیه تهران می‌رسد و در سال ۱۳۹۴ برای ورود به مجلس دهم از ریاست بیمارستان نجمیه استعفا می‌دهد و خود را برای کاندیداتوری آماده می‌کند. جمالی در انتخابات مجلس دهم، برای اولین بار موفق می‌شود از حوزه انتخابیه فسا، راهی مجلس شود و به عضویت هیات رئیسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس می‌رسد.

انقلاب ۵۷ و آرزوهای جوانی

دوران دبیرستان برای محمد جواد جمالی، فرصتی است تا با انقلابیون آشنا شود. او که در خانواده‌ای مذهبی و سنتی رشد یافته، پای منبر علمای انقلابی شهر، به فعالیت‌های سیاسی علاقمند می‌شود و در راهپیمایی‌های منتهی به انقلاب ۵۷ حضور دارد. او در بیان وقایع روزهای انقلاب به حمله نیروهای مسلح به دبیرستان محل تحصیل‌اش و کشته شدن برخی از همکلاسی‌هایش اشاره می‌کند. خاطره‌ای که نشان می‌دهد او در میان دانش آموزان پرشور فسا، آرزوهای جوانی را در انقلاب جستجو می‌کرده است.

جمالی در خصوص انقلاب ۵۷ می‌گوید: «وقتی که انقلاب شد من ۱۴-۱۵ ساله بودم. ولی از همان ابتدا در تظاهرات و بحث‌ها حضور داشتم. آن موقع بحث‌ها خیلی داغ بود. برای اینکه خیلی‌ها را قانع کنی که به انقلاب بپیوندند باید بحث می‌کردیم. در فسا هم بحث خیلی زیاد بود. انقلاب که پیروز شد. یادم هست اولین سالی که به سن بلوغ رسیدم فصل تابستان بود. جهاد سازندگی شروع شد. می‌رفتیم درو گندم و جو، گاهی به روستاها می‌رفتیم و حمام تعمیر می‌کردیم. آن موقع همه در خانه حمام نداشتند. باز خاطرم هست به روستای شستکان می‌رفتیم برای کندن زمین برای لوله‌گذاری آب. هنوز لوله‌کشی نبود. یا زمانی رفتیم برای تعمیر حمام غیاث آباد.»

حضور مستمر در جبهه‌های جنگ

با آغاز جنگ ایران و عراق، در حالی‌که جمالی هنوز دیپلم خود را نگرفته بود به بسیج می‌پیوندند. شرکت در گشت‌های خیابانی و سرکوب مخالفان و منتقدان، از جمله افتخارات دوران ورودش به بسیج است به طوری‌که در مصاحبه‌ای می‌گوید: «با شروع جنگ، خیلی از مشکلات بوجود آمد. خصوصا بحث امنیت، ما روزها تحصیل می‌کردیم و شب‌ها به گشت می‌رفتیم. ما در شهر به عنوان مخالفان بنی صدر شناخته می‌شدیم و حامی حسن حبیبی بودیم. این فعالیت‌ها ادامه داشت تا سال ۶۰ که به جبهه‌ها رفتیم.»

محمد جواد جمالی با اخذ مدرک دیپلم، راهی جبهه‌های جنگ ایران و عراق می‌شود. درست هم‌زمان با علمیات بیت المقدس که به آزادسازی خرمشهر منجر شد. او که در این مقطع فقط ۱۸ سال بیشتر ندارد به عنوان مسوول روابط عمومی سپاه فسا در جبهه‌ها حضور یافته بود.

او در سپاه پاسداران به معاونت درمانی نیروی دریای سپاه منصوب می‌شود و سال‌ها در حوزه درمانی- نظامی فعالیت داشته است. همین سوابق سبب می‌شود تا با ورود به مجلس دهم، به جای ورود به کمیسیون تخصصی بهداشت و درمان، به عنوان سردار راهی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی شود چراکه فعالیت در حوزه نظامی-امنیتی را بر حوزه درمانی ترجیح

می‌دهد. او هم‌چنین به فراکسیون دفاع و اقتدار ملی به ریاست مجتبی ذوالنوری نماینده قم می‌پیوندند و به عنوان دبیر هیات رئیسه این فراکسیون نظامی-امنیتی منصوب می‌شود.

اصول‌گرای حامی دولت

محمد جواد جمالی خود را سیاستمداری اصول‌گرا می‌داند ولی در عین حال بر حمایت از دولت روحانی تاکید می‌ورزد. در انتخابات مجلس دهم علاوه بر ائتلاف اصول‌گرایان، جمالی مورد حمایت برخی دیگر از تشکل‌های سیاسی قرار گرفت که با واکنش‌اش همراه بود. او در بیانیه‌ای اعلام کرد: «سرباز و پیرو ولایت مقام معظم رهبری و معتقد به تفکر اصول‌گرایی هستم. متاسفانه در حرکتی غیر اخلاقی نام بنده در لیست‌های مختلفی قرار دادند، بنده صراحتا اعلام کرده و می‌کنم، عضو هیچ گروه و حزب نبوده و نیستم و تفکری جز تفکر اصول‌گرایی ندارم.»
او در دانشگاه شیراز همکلاسی دکتر لنکرانی وزیر بهداشت دولت احمدی نژاد بوده است به همین سبب در دولت او پله‌های ترقی را طی می‌کند و به ریاست چند بیمارستان در تهران و دبی می‌رسد. در مجلس دهم دوشادوش نمایندگان دلواپس (طیف تندرو اصول‌گرایان) گام برمی‌دارد.

عضویت در هیات نظارت بر رفتار نمایندگان

محمد جواد جمالی بدون سابقه قبلی نمایندگی مجلس و بدون سابقه حقوقی و قضایی، با رای نمایندگان مجلس دهم به عضویت هیات نظارت بر رفتار نمایندگان برگزیده می‌شود، تا به شکایات واصله از نمایندگان رسیدگی کند.
طرح شکایات متعدد از محمود صادقی نماینده تهران در این هیات و مصاحبه‌های جمالی نوبندگانی به عنوان سخن‌گوی این هیات، نام او را بیش از همیشه در رسانه‌ها مطرح ساخت.

پیگیر نقض حقوق بشر در غرب هستیم

محمد جواد جمالی از جمله نمایندگانی است که نه تنها تلاشی برای توقف نقض حقوق بشر در ایران ندارد بلکه معترض هرگونه مذاکره‌ای با کشورهای غربی در خصوص موارد نقض حقوق بشر در ایران است و می‌گوید حتی اگر در خصوص حقوق بشر با غرب مذاکره کردیم باید از موضع محکم و مطالبه‌گر باشد نه از موضع متهم. او می‌افزاید: «در یکی از دیدارهای دیپلماتیک طرف مقابل نسبت به وجود مجازات شلاق در کشور ما انتقاد می‌کرد و آن را «شکنجه» می‌خواند، من در پاسخ به او گفتم مگر خود شما مرگ خودخواسته و با تزریق سم ندارید!؟ آیا کشتن یک انسان ولو به خواسته خودش با موازین حقوق بشر سازگار است و آیا مجاز کردن سقط جنین در هر شرایطی، شکنجه مادر و جنینش نیست!؟» جمالی معتقد است: «جمهوری اسلامی دلایل متقنی برای نقض حقوق بشر در غرب دارد که باید در مذاکرات حقوق بشری به طور شفاف مطرح شود.»
جمالی با بیان اینکه هنرمندان باید با تولید آثار فاخر، موارد نقض حقوق بشر در آمریکا و غرب و اقدامات تروریستی آن‌ها، دست به آگاه‌سازی مردم بزنند می‌گوید: «مجلس دهم با تشکیل دو کمیته حقوق بشر و مطالبات ملی، مشغول پیگیری مطالبات حقوق بشر مردم ایران از دولت‌های غربی خصوصا دولت آمریکاست و تاکنون گام‌های مثبتی برداشته‌ایم.» او توضیحات بیشتری از گام‌هایی که مجلس برداشته ارائه نکرده است.

ازدواج و فرزندان

محمد جواد جمالی در سال ۱۳۶۹ با همکلاسی خواهرش که یزدی است ازدواج می‌کند. خواهرش در دانشگاه بهشتی تهران با دختری در خوابگاه دانشجویی آشنا می‌شود، و او را به برادر معرفی و مسبب این ازدواج می‌شود. آن‌ها صاحب دو فرزند می‌شوند. جمالی در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۴ می‌گوید: «فرزند ارشدم سال پنجم دوره دندان‌پزشکی دانشگاه شهید بهشتی را طی می‌کند و فرزند دومم مشغول تحصیل در دوره پیش‌دانشگاهی است.» اطلاعات بیشتری از خانواده او در فضای اینترنت موجود نیست.

محمد محمودی شاه‌نشین

حوزه انتخابیه: شهریار ملارد
سمت: رئیس هیات عالی نظارت بر انتخابات شوراهای شهر و روستا (دوره پنجم)
فراکسیون: امید

رئیس هیات نظارت بر انتخابات شوراها را بشناسیم

انتخاب او به ریاست هیات مرکزی نظارت بر انتخابات پنجمین دوره شوراهای شهر و روستا، خیلی زود او را به چهره‌ای شناخته شده در مجلس دهم تبدیل کرد. محمد محمودی شاه نشین نماینده شهریار، هم طراز احمد جنتی در انتخابات ریاست جمهوری است. جنتی ریاست هیات نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و میان‌دوره‌ای مجلس و محمودی شاه نشین، همین عنوان را در انتخابات شوراها داراست با این تفاوت که اولی با اصرار بر اعمال نظارت استصوابی و رد صلاحیت گسترده کاندیداها در هر انتخاباتی، به چهره‌ای ناقض آزادی انتخابات تبدیل شده و دومی هنوز کارنامه‌ای برای داوری ندارد. او اولین دوره‌ای است که نظارت بر انتخابات را برعهده گرفته است.

محمد محمودی شاه نشین کیست؟

او در سال ۱۳۴۳ در روستای شاه نشین اردبیل به دنیا آمد. در همان کودکی با خانواده به تهران مهاجرت کرد و در شهر قدس به مدرسه رفت و تا پایان دبیرستان در این شهر ماند. محمودی پس از اتمام تحصیلات در مقطع متوسطه، راهی دانشگاه مشهد شد تا در رشته مهندسی برق تحصیل کند. تقارن تحصیلات با انقلاب ۵۷ و بلافاصله آغاز جنگ ایران و عراق او را بر آن داشت تا در کنار تحصیل، حضوری فعال در جنگ داشته باشد لذا جذب مرکز تحقیقات مهندسی جنگ جهاد سازندگی شد و به عنوان بسیجی ۳۰ ماه حضور در جبهه‌ها را تجربه کرد.

محمودی پس از اخذ مدرک مهندسی، هم‌زمان با تدریس در مدارس شهر قدس، تحصیلات‌اش را در دانشگاه آزاد قزوین در رشته مدیریت اجرایی در مقطع کارشناسی ارشد از سر گرفت. او در حین تحصیل در انجمن اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت) عضویت داشت.

محمودی فعالیت اجرایی را در فرمانداری شهریار آغاز کرد و با عنوان شهردار در شهرهای رباط

کریم، نظرآباد، بومهن، و ملارد مشغول به کار شد. علاقه به رشته ورزشی فوتبال، او را به سمت فعالیت اجرایی در این حوزه کشاند و به مدت ۱۵ سال در مجمع عمومی فدراسیون فوتبال فعال بود.
با تشکیل شوراها در دولت سید محمد خاتمی، برای عضویت در شورای شهر قدس، اعلام کاندیداتوری کرد و موفق شد وارد شورای اول این شهر شود. محمودی بار دیگر در دوره دوم شوراها نیز کرسی خود را حفظ کرد تا به مدت ۸ سال عضویت در شورای شهر قدس را تجربه کند. با اتمام دوره دوم شوراها، محمودی مسولیت پروژه‌های عمرانی شهر کرج را عهده دار شد. او پس از چهار سال در انتخابات چهارمین دوره شوراهای شهر از حوزه شهریار اعلام کاندیداتوری کرد و به عضویت این شورا درآمد و بر کرسی ریاست شورای شهریار تکیه زد. او در این دوره موفق شد ریاست شورای استان تهران را نیز از آن خود کند تا به چهره‌ای کارکشته در حوزه شوراها تبدیل شود. تجربه‌ای که سبب شد تا در اولین ورود به مجلس شورای اسلامی، ریاست هیات نظارت انتخابات شوراها را از آن خود کند.
محمودی در نیمه‌های عمر شورای چهارم، از عضویت در شورای شهریار استعفا داد تا برای ورود به رقابت‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی آماده شود. او در رقابتی نزدیک با گروسی نماینده وقت شهریار در مجلس نهم، توانست در دور دوم با حمایت ائتلاف امید و با کسب ۸۱ هزار رای به مجلس دهم راه یابد.
محمودی اگرچه خود را چهره‌ای مستقل معرفی می‌کرد ولی مورد حمایت اصلاح‌طلبان قرار گرفت و به لیست امید راه یافت. پاره‌ای از اصلاح‌طلبان شهریار، منتقد رهبران ائتلاف امید بودند ولی محمودی شاه نشین از این حمایت استقبال کرد و با ورود به مجلس دهم ضمن حمایت از ریاست محمد رضا عارف، رئیس فراکسیون امید، اعلام کرد که تابع تصمیمات فراکسیون امید است.
محمودی پس از ورود به مجلس دهم، ابتدا تصمیم داشت به کمیسیون صنایع بپیوندد ولی در نهایت قرعه او به نام کمیسیون شوراها رقم خورد و به نایب رئیسی، هیات رئیسه این کمیسیون رسید. محمودی با انتخاب اعضای کمیسیون شوراها، برای عضویت در هیات نظارت انتخابات شوراها برگزیده شد و با رای نمایندگان مجلس در صحن علنی، ریاست این هیات را در دست گرفت. ریاستی که البته برای او کم دردسر هم نبوده و در ابتدای کار با شکایت جبار کوچکی نژاد نماینده رشت روبرو شده است. شکایت نماینده رشت در هیات نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس در دست بررسی است و محمودی شاه نشین باید در این هیات از خود در برابر این شکایت دفاع کند.

سابقه اجرایی و مدیریتی

محمد محمودی شاه نشین، از آغاز فعالیت اجرایی تا ورود به مجلس دهم، همواره در حوزه مسایل شهری و عمرانی فعالیت داشته است. او در کنار فعالیت در این حوزه، در فوتبال نیز فعال بوده و علاوه بر عضویت در مجمع عمومی فدراسیون فوتبال، در هیات مدیره باشگاه ورزشی راه آهن تهران نیز عضویت داشته است. عمده فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی محمودی به این شرح است:

- رئیس هیات نظارت بر انتخابات پنجمین دوره شوراهای شهر و روستا
- نماینده شهریار و شهرقدس در مجلس دهم
- عضو و نایب رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس دهم

- عضو شورای حل اختلاف استانداری تهران
- رئیس شورای استان تهران
- رئیس و عضو شورای اسلامی شهر شهریار (دوره چهارم)
- عضو شورای اسلامی شهرقدس (دوره اول و دوم)
- رئیس هیات فوتبال استان البرز و عضو مجمع عمومی سازمان لیگ برتر (از خرداد سال ۱۳۸۶ تاکنون)
- عضو هیات مدیره باشگاه فرهنگی و ورزشی راه آهن (از بهمن ماه سال ۱۳۹۳ تاکنون)
- شهردار شهرهای رباط کریم، نظرآباد، بومهن و ملارد
- مدیر طرح ساماندهی کرج (بهسازی بافت‌های فرسوده شهری)و مشاور عمرانی فرماندار کرج
- عضو هیات مدیره شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران
- عضو هیات مدیره سازمان همیاری شهرداری‌های استان تهران
- عضو هیات مدیره شرکت نصب نیرو (وزارت نیرو)

رابط جبهه و دانشگاه

محمد محمودی شاه نشین، با آغاز جنگ ایران و عراق، به مرکز تحقیقات مهندسی جنگ جهاد سازندگی می‌پیوندند و در کارنامه‌اش ۳۰ ماه سابقه جبهه درج شده است. او خود را رابطه جبهه و دانشگاه فردوسی مشهد معرفی می‌کند. روشن نیست که دقیقا تحت این عنوان چه فعالیتی انجام می‌داده است اما آنچه روشن است اینکه دوران جوانی محمودی با جنگ ایران و عراق پیوند خورده است.

مدیریت اموال بابک زنجانی

با دستگیری و حبس بابک زنجانی، میلیارد ایرانی که به اعدام محکوم شده است، مدیریت بخش‌های سرمایه‌ای و پروژه‌های عمرانی او، به ارزش ۵ هزار میلیارد تومان به محمودی شاه نشین واگذار شده است.

آزادی انتخابات و شرط انقلابی‌گری

نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، برعهده شورای نگهبان است و این شورا، اعمال نظارت استصوابی را حق مسلم خود می‌داند ولی نظارت بر انتخابات شوراها بر عهده نمایندگان مجلس است از این رو، رویه ثابتی در تعیین صلاحیت‌های کاندیداهای این انتخابات وجود نداشته است. در ادواری که اصلاح‌طلبان مجلس، نظارت بر انتخابات را برعهده داشته‌اند، افراد کمتری رد صلاحیت شده‌اند هم‌چون انتخابات دوره دوم شوراها که نظارت بر آن برعهده نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم بود و در ادواری که اصول‌گرایان نظارت را برعهده داشته‌اند، تا حدودی هم‌چون شورای نگهبان عمل کرده‌اند. در این دوره هنوز روشن نیست که هیات نظارت چه رویه‌ای را برجای بگذارد. برخی از اعضای هیات نظارت همچون کولیوند از رد صلاحیت گسترده فعالان جنبش سبز خبر داده‌اند اما محمودی شاه نشین به عنوان رئیس هیات از عنوان فتنه به عنوان خط قرمز که بیانگر اراده‌ای برای رد صلاحیت اصلاح‌طلبان است استفاده نکرده ولی درعین حال جمله‌ای گفته که می‌تواند ناقض آزادی انتخابات و مخدوش‌کننده سلامت آن باشد. محمودی شاه

نشین گفته است: «ما در انتخابات شورای شهر، هیچ ارزشی برای جناح‌بازی و قومیت‌گرایی قائل نیستیم و تنها ملاک و شاخصه ما انقلابی بوده و پایبندی به آرمان‌های انقلاب از سوی افراد است.» حال آن‌که قانون انتخابات شوراها، ملاک تعیین صلاحیت‌ها را استعلام از مراجع چهارگانه (نیروی انتظامی، دادگستری، وزارت اطلاعات و سازمان ثبت احوال) عنوان کرده است و قیدی به نام «انقلابی‌گری» به عنوان شرایط کاندیداتوری اعلام نشده است.

اتهام مشارکت در قتل به پسرش محسن

پدرش نصراله محمودی شاه نشین کشاورز بود. او پس از ازدواج صاحب سه فرزند شد. ورود اتهام مشارکت در قتل یک دختر، به پسرش محسن، در جریان تبلیغات انتخاباتی مجلس دهم، خبرساز شد. ماجرا از افشاگری یک خانواده در ستاد انتخاباتی حسین گروسی، رقیب اصلی محمد محمودی شاه نشین و نماینده وقت مجلس نهم، آغاز شد. شخصی به همراه پدر و مادرش در ستاد گروسی، مدعی شد که محسن محمودی، پسر محمد محمودی در قتل خواهرش «آفرین نثاری» مشارکت داشته و از گروسی خواست که خانواده او را در احقاق حقوق‌شان یاری کند. او با توزیع دادنامه خانواده‌اش میان مردم گفت حکم تبرئه محسن محمودی به نادرست صادر شده است.

انتشار این خبر در شبکه‌های اجتماعی، موج گسترده‌ای علیه محمودی ایجاد کرد ولی او این اتهام را رد کرده و گفته: اگر کسی شکایتی دارد هم دادگاه و هم قوه قضائیه و دادگاه تجدیدنظر و دیوان برای رسیدگی وجود دارد. محمودی با بیان اینکه از خانواده نثاری شکایت می‌کند، گفته: موضوعی که این‌ها بیان می‌کنند حقیقت ندارد، این خانواده شکایتی کردند و بخشی از شکایت آن‌ها را،هم دادگاه بدوی و هم تجدیدنظر تبرئه و شکایت آن‌ها را مردود اعلام شده است. محمودی وعده کرده که اسناد واقعی این پرونده را در اختیار افکار عمومی قرار دهد، ولی تاکنون سندی منتشر نکرده است.

عبدالرضا هاشم زایی

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: رئیس سنی مجلس دهم
فراکسیون: امید

بازمانده نسل اول انقلاب در مجلس دهم

سن و سال‌اش او را بر صدر مجلس دهم نشاند. عبدالرضا هاشم زایی مسن‌ترین نماینده مجلس دهم، که از تهران و با آرائی بالاتر از حداد عادل سرلیست اصول‌گرایان، به مجلس راه یافته بود، در آغاز کار کرسی ریاست را از آن خود کرد تا در دو روز نخستین دوره جدید، نامش بر زبان‌ها باشد. تصادف رانندگی شدید و انتقال بدن مجروح‌اش به بیمارستان، بار دیگر او را به صفحه اول روزنامه‌ها کشاند تا در شروع کار مجلس دهم پرخبر باشد. او ۳۲ سال پیش نیز از حوزه طبس و فردوس به مجلس شورای اسلامی (دوره دوم) راه یافته و در همان بدو ورود به عضویت هیات رئیسه هم درآمده بود. پس مجلس دهم دومین حضور او در خانه ملت است.

عبدالرضا هاشم زایی کیست؟

او در سال ۱۳۲۳ به دنیا آمد. هاشم زایی تحصیلات خود را در رشته مهندسی فیزیک و برق قدرت، به اتمام رساند.

با پیروزی انقلاب ۵۷ او به فرمانداری فردوس رسید و پس از آن راهی استانداری خراسان شد تا در مقام معاونت سیاسی استانداری فعالیت کند. هاشم زایی در سال ۱۳۶۲ با نظر اکبر ناطق نوری وزیر وقت و با دریافت حکم از میرحسین موسوی، نخست وزیر وقت، استاندار ایلام شد و یک سال بعد، دولت را برای شرکت در انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی ترک کرد. او در این انتخابات موفق شد نظر مردم طبس و فردوس را جلب کند و به مجلس راه یابد.

هاشم زایی با ورود به مجلس دوم، به عضویت کمیسیون انرژی و عضویت فراکسیون نیروهای خط امام (جریان چپ) درآمد. او در رقابتی نزدیک با رضا زواره‌ای نماینده جناح راست مجلس، و با یک رای بیشتر توانست به عضویت هیات رئیسه مجلس درآید. مجلسی که دو فراکسیون عمده داشت: فراکسیون خط امام مرکب از نیروهای جناح چپ حکومت و فراکسیون نمایندگان

عضو حزب جمهوری مرکب از نمایندگان جناح راست حکومت.
مجلس دوم، رسیدگی به اولین لایحه توسعه کشور را برعهده داشت. هاشم زایی در این خصوص می‌گوید: «من در زمان تصویب نخستین برنامه توسعه‌ای کشور، عضو کمیسیون انرژی مجلس بودم. چون به تازگی انقلاب شده بود، آمایش سرزمینی و آمار و اطلاعات دقیق، لازمه نوشتن این قانون بود. ما باید می‌دانستیم که چقدر پول داریم و بعد از پنج سال می‌خواهیم به کجا برسیم. اما متاسفانه کمیسیون مربوطه به طرح آمایشی توجه نکردند و مدعی بودند که این طرح را چون خارجی‌ها در ایران انجام داده‌اند، قابل اتکا نیست. اما کنار گذاشتن این طرح در واقع به دلیل آن بود که با نگاه برخی نمایندگان نمی‌خواند! مثلا نماینده‌ای معترض بود که چرا به حوزه انتخابیه وی در قطب صنعتی کشور توجه نشده! در حالی‌که ایجاد قطب صنعتی در هر منطقه‌ای باید با توجه به ظرفیت‌های آن باشد و گرنه می‌شود حکایت همان تزهای دولت احمدی‌نژاد که مراکز ۹ گانه فولاد را در محل‌هایی ایجاد کرد که نه سنگ آهن بود، نه بندر، نه گاز و نه ریل!! چنین تولیدی که اصلا اقتصادی نیست!»
با اتمام مجلس دوم، هاشم زایی جذب بخش‌های اقتصادی و صنعتی شد. مدیرعاملی سازمان اقتصادی بنیاد شهید و مدیرعاملی شرکت ملی صنایع مس ایران در دولت محمد خاتمی، از جمله مهم‌ترین پست‌های مدیریتی او بوده است.
هاشم زایی که در مجلس دوم، نمایندگی مجلس را تجربه کرده بود، ۲۸ سال بعد، باردیگر در سال ۱۳۹۴ برای ورود به مجلس دهم اعلام کاندیداتوری کرد و با حمایت ائتلاف امید، توانست از حوزه انتخابیه تهران راهی خانه ملت شود و به ریاست سنی این مجلس برسد. هاشم زایی در مجلس دهم به رغم سابقه طولانی در بخش صنعت اما به عضویت کمیسیون شوراها و امور داخلی پیوست، کمیسیونی که هم‌راستا با سابقه استانداری او بوده است.

سوابق سیاسی، مدیریتی و اجرایی

هاشم زایی اگرچه در کارنامه خود سابقه استانداری دارد ولی بیشتر سابقه او به فعالیت در حوزه اقتصاد و صنعت بازمی گردد. اهم سوابق سیاسی، مدیریتی و اجرایی او به این شرح است:

- فرماندار فردوس
- معاون استانداری خراسان بزرگ
- استاندار ایلام
- نماینده مردم فردوس و طبس در مجلس دوم شورای اسلامی
- عضو کمیسیون انرژی مجلس دوم
- عضو فراکسیون خط امام مجلس دوم
- مدیرعامل سازمان اقتصادی بنیاد شهید
- مشاور وزیر صنایع
- مدیرعامل و رئیس هیات مدیره شرکت ملی صنایع مس ایران
- نماینده مردم تهران در مجلس دهم
- عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس دهم
- عضو فراکسیون امید مجلس دهم
- عضو حزب کارگزاران سازندگی ایران اسلامی

از انقلاب ۵۷ تا جنگ ایران و عراق

عبدالرضا هاشم زایی که از نیروهای انقلاب ۵۷ بود با گذشت ماه‌های اولیه انقلاب و روشن شدن صف بندی‌های سیاسی، به طیف چپ حکومت پیوست و در ردیف نیروهای خط امام به شمار می‌رفت. همراهی نزدیک با یاران اصلی انقلاب، سبب ورود او به وزارت کشور و سپس به مجلس شورای اسلامی شد.
اگرچه در سوابق او به حضور نظامی در جبهه‌های جنگ ایران و عراق اشاره نشده اما تحویل گرفتن استانداری ایلام در اوج جنگ ایران و عراق با دستور نخست وزیر وقت، او را در ردیف نیروهای موثر جنگ قرار داده است. او در بیان خاطره‌ای از دیدار با آیت‌الله خمینی قبل از عزیمت به استانداری ایلام، به نقل از ایشان، می‌گوید: «شما به عنوان استاندار و مقام عالی نظام محسوب می‌شوید، از این رو به شما توصیه می‌کنم که بر اختلافات جناح‌ها وارد نشوید، زیرا این اختلافات به خاطر خدا نیست.» او می‌گوید این توصیه را همیشه آویزه گوش خود کردم.
هاشم زایی در خصوص دوران جنگ می‌گوید: «من استاندار یک استان جنگی بودم. شما تاریخ جنگ را قطعا به خاطر دارید که ما در آن زمان ۴ موشک تاو نداشتیم که تانک‌های تی۷۲ را نشانه بگیریم یا بعضی مواقع موشکی که بتواند هواپیما را مورد نشانه قرار دهد، نداشتیم. ضعیف بودن کشور بر سیاست بین‌المللی تاثیرگذار است. من به شدت معتقدم که باید در زمینه دفاعی، خیلی قوی باشیم یعنی قدرت دفاعی ما از آنچه امروز هست قوی‌تر باشد و ما در مجلس نیز هر چقدر که می‌توانیم باید به این حوزه کمک کنیم. البته نباید فراموش کنیم در جنگ همه چیز تجهیزات نیست. ما در زمان ۸ سال دفاع مقدس با دستان خالی در مقابل دنیا بودیم اما به خاطر فداکاری رزمندگان توانستیم پیروز شویم. اگر ما در تجهیزات دفاعی قوی بودیم یا به ما حمله نمی‌شد و یا این همه شهید نمی‌دادیم.»
هاشم زایی پس از مجلس دوم و پس از پایان جنگ ایران و عراق نیز به بنیاد شهید می‌پیوندد تا در خدمت خانواده کشته شدگان جنگی باشد. او به مدت پنج سال مدیرعاملی سازمان اقتصادی بنیاد شهید را عهده‌دار می‌شود.

استاندار میرحسین و حامی ریاست جمهوری‌اش

عبدالرضا هاشم زایی که در سال ۱۳۶۲ با حکم میرحسین موسوی نخست وزیر وقت به مقام استانداری ایلام رسیده بود در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ از جمله حامیان او بود. هاشم زایی پس از اتفاقات سال ۸۸ که به جنبش سبز مشهور شد نیز در بیانیه‌ای به همراه جمعی از مدیران سابق دولت، نسبت به دستگیری گسترده اصلاح‌طلبان و واقعه کهریزک واکنش نشان داده و آورده‌اند: «اقدام همه جانبه و فوری برای جلب اعتماد عمومی و ترمیم شکاف‌های سیاسی و اجتماعی پیش آمده ضروری است. نظرهای انتقادی و راه‌حل‌های اصلاحی مراجع عظام، استادان دانشگاه‌ها و نخبگان کشور همچنین آقایان هاشمی رفسنجانی، سید محمد خاتمی، میرحسین موسوی و مهدی کروبی را باید به عنوان حاصل مدیریت عالی نظام در قوه مجریه و مقننه تا پیش از دولت نهم جدی، همه جانبه و دلسوزانه برای کشور و نظام قلمداد کرد. باید باور کنیم که به کمک همین تجربه‌ها و آگاهی‌ها باید راهی برای خروج از این بحران پیدا کرد. اصرار بر حذف بخش مهمی از نیروهای اصیل انقلاب و اصلاح‌طلبان در قالب دستگیری‌های وسیع و محاکمه‌های ناموجه و نادیده گرفتن خواسته‌ها و اعتراض‌های بخش عمده‌ای از جامعه به نتایج انتخابات و نیز بی‌توجهی به پدیده‌های شومی مانند پدیده کهریزک که زشتی آن در عرصه ملی و بین‌المللی بر کسی پوشیده نیست، دامنه‌های این بحران

را روز به روز شدیدتر و سرمایه‌های اجتماعی نظام را تخریب می‌کند. حداقل‌هایی برای خروج از این وضعیت بحرانی و نگران کننده می‌تواند اعتنا به همان پیشنهادهایی باشد که طی هفته‌های اخیر از سوی بزرگان و دلسوزان این کشور اعلام شده است.»

اعتراض به نقض حقوق اهل تسنن

اعتراض به ممنوعیت برگزاری نماز عید فطر اهل تسنن در تهران، به همراه جمع دیگری از نمایندگان فراکسیون امید، از اولین اقدامات هاشم زایی و هم‌فکرانش در اعتراض به نقض حقوق بشر در مجلس دهم بود. آن‌ها در تذکری رسمی به وزیر کشور، نسبت به عدم مجوز برگزاری نماز عید فطر اهل تسنن در مسجد صالحیه و دیگر مساجد اهل تسنن اعتراض کردند و آن را مغایر وحدت شیعه و سنی خواندند.

او رعایت تمام اصول قانون اساسی را وظیفه مجلس و دولت می‌داند و می‌گوید: در قانون اساسی از حقوق پیروان ادیان و مذاهب مختلف سخن رانده شده، ما سوگند خورده‌ایم که این اصول را رعایت کنیم و جلوی نقض آن را بگیریم.

هاشم زایی در گفتگویی دیگر بر رعایت حقوق بشر به عنوان یکی از اولویت‌های مجلس دهم اشاره کرده و می‌گوید: «اگر همه اعم از مجلس و دولت روی اجرای قانون اساسی تاکید کنیم و حقوق شهروندی را که مغفول مانده اجرایی کنیم، تمامی محدودیت‌ها و مشکلات حل خواهد شد.»

او به ممنوع‌التصویری محمد خاتمی رئیس جمهور اسبق به عنوان موردی از نقض حقوق شهروندی اشاره کرده و می‌گوید: «ممنوع‌التصویری هیچ فردی جایز نیست و اثری معکوس دارد. اگر مجلس و دولت با یکدیگر هم‌نظر باشند، در کاهش این محدودیت‌ها موثر خواهد بود.»

ورود مجلس با تشویق همسر

هاشم زایی در گفتگویی بدون نام بردن از همسرش او را مشوق اصلی‌اش برای ورود به مجلس دهم معرفی کرده و می‌گوید: حالا نیز به توصیه او باید به همه تلفن‌ها جواب دهم چراکه همسرم معتقد است که وظیفه نمایندگان پاسخ‌گویی در برابر مردم است.

محمود صادقی

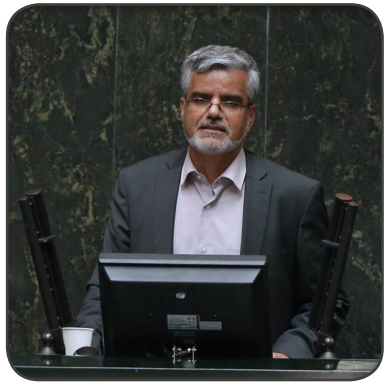

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات
فراکسیون: امید

تکیه زده بر کرسی پدر در مجلس

در دهمین دوره مجلس شورای اسلامی وارد مجلس شد و بر کرسی‌ای تکیه زد که ۳۴ سال پیش پدرش بر آن تکیه زده و جان‌اش را در انفجار دفتر حزب جمهوری از دست داده بود. محمود صادقی فرزند شهید محمد حسین صادقی نماینده درود و ازنا در اولین دوره مجلس شورای اسلامی، پیش از این در دوره ششم تلاش کرده بود تا از حوزه انتخابیه پدر راهی مجلس شود ولی در آن انتخابات که هنوز لباس روحانیت برتن داشت، پیروز نشد تا چهار دوره بعد، به نمایندگی از مردم تهران به مجلس راه یابد و زودتر از آن‌که تصور کند، نامش بر زبان‌ها و آزادیش در خطر افتد. هنوز یک سال از عمر نمایندگی‌اش نگذشته که با جمعی شاکی روبروست و خود شاکی رئیس قوه قضاییه ایران.

محمود صادقی کیست؟

دوم فروردین ۱۳۴۱ در خانواده‌ای روحانی و سیاستمدار به دنیا آمد. پدرش محمد حسین از شاگردان و همراهان آیت‌الله خمینی و از فعالان انقلاب ۵۷ بود که در سال ۱۳۶۰ و در انفجار دفتر حزب جمهوری به همراه بیش از ۷۰ نفر دیگر از نمایندگان مجلس اول و اعضای حزب جمهوری کشته شد.

محمود صادقی پس از اخذ مدرک دیپلم فنی، و پس از شهادت پدرش، راهی حوزه علمیه قم شد و تحصیلات حوزوی را آغاز کرد. او با ورود به حوزه علمیه قم، مدرسه حقانی را برای تحصیل انتخاب کرد. مدرسه‌ای که پاتوق انقلابیون بود. آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله جنتی، حسن روحانی و بسیاری از چهره‌های انقلابی در این مدرسه تحصیل کرده بودند. صادقی در این مدرسه نزد علمای شناخته شده‌ای همچون شب زنده‌دار، راستی کاشانی و اشتهاردی تحصیل کرد و با اتمام مقطع سطح، در کلاس‌های درس خارج آیت‌الله خامنه‌ای شرکت کرد و تقریرات درس

ایشان را نوشت.
محمود صادقی در حالی‌که تدریس درس شرح لمعه را در حوزه علمیه شروع کرده بود، به تحصیلات دانشگاهی روی آورد و توانست دکترایش را در رشته حقوق از دانشگاه تربیت مدرس اخذ و به استخدام این دانشگاه درآمد تا هم مدرس دانشگاه باشد و هم مدرس حوزه علمیه. او در کنار فعالیت‌های علمی و دانشگاهی، با عالم سیاست هم اخت بود و ضمن فعالیت در انجمن مدرسان دانشگاه‌ها، که انجمنی اصلاح‌طلب و سیاسی است، برای ورود به مجلس و فعالیت حرفه‌ای سیاسی اقدام کرد. اولین بار او خود را از حوزه انتخابیه درود و ازنا، جایی که پدر پیش از این نمایندگی‌اش را برعهده داشت کاندیدای نمایندگی مجلس ششم کرد. اما در انتخاباتی که وجه سیاسی آن غالب بود و دامنه گرایش‌های سیاسی در انتخاب مردم به شهرهای کوچک هم کشیده شده بود او موفق به جلب آراء مردم نشد چون موفق به جلب حمایت اصلاح‌طلبان نشده بود. در آن انتخابات غلامرضا عبدالوند نماینده طیف اصلاح‌طلبان بود، کسی که در مجلس پنجم نیز با عضویت در فراکسیون اقلیت (اصلاح‌طلبان) رابطه نزدیکی با حامیان خاتمی رئیس جمهور وقت داشت. محمود صادقی در این انتخابات با لباس روحانیت و انتشار پوستری به همراه عکس خاتمی در کارزار انتخاباتی فعالیت می‌کرد.
اما محمود صادقی چهار دوره بعد، و در حالی‌که لباس روحانیت را از تن به در کرده بود، از حوزه انتخابیه تهران و با حمایت احزاب اصلاح‌طلب و به عنوان یکی از سی کاندیدای ائتلاف امید به رهبری محمد رضا عارف، موفق شد به مجلس راه یابد و خیلی زود ره صد ساله را طی کرد و به چهره‌ای شناخته شده در مجلس تبدیل شد.
انتقادات صریح و بدون لکنت زبان، از قوه قضاییه، در پرونده‌های املاک نجومی، بورسیه‌ها، برخورد با دانشجویان و نشریات دانشجویی و حساب‌های مالی قوه قضاییه، از او چهره‌ای متفاوت به نمایش گذاشت. اما طرف مقابل نیز در برابر این انتقادات آرام ننشست و با اعزام ماموران جلب، تلاش کرد تا شبانه صادقی را بازداشت کند که با مقاومت او و دخالت ریاست و اعضای هیات رئیسه مجلس موضوع بازداشت معلق شد اما رسیدگی به پرونده‌های متعددی که برای او تدارک دیده شده بود متوقف نشد. او داوطلبانه در دادگستری حاضر شد و با تاکید با حق مصونیت پارلمانی خود خواستار رسیدگی به پرونده‌هایش در هیات نظارت بر عملکرد نمایندگان شد. هیات نظارت بر عملکرد نمایندگان تشکیل جلسه داد و پرونده این نماینده مجلس را در خصوص شکایت نماینده کاشان از او در خصوص اظهارات‌اش در پرونده بورسیه‌های غیرقانونی به قوه قضاییه ارجاع داد. لذا صادقی کمتر از یک سال از عمر نمایندگی‌اش با پرونده‌ای مفتوح در قوه قضاییه منتظر رسیدگی قضایی و حکم دادگاه است. اتفاقی که پیش از این برای چند نفر دیگر از نمایندگان مجلس نیز رخ داده است.
محمود صادقی با ورود به مجلس دهم به کمیسیون آموزش و تحقیقات پیوست و فراکسیون شفافیت اقتصادی و سلامت اداری را تشکیل داد و به ریاست این فراکسیون رسید.
محمود صادقی در شهریور ۱۳۹۵ به دبیرکلی انجمن مدرسین دانشگاه‌ها رسید. محسن رهامی، علی محمد حاضری، نجفقلی حبیبی، داود سلیمانی و ... از دیگر چهره‌های شناخته شده این تشکل سیاسی اصلاح‌طلب هستند.

سوابق اجرایی و مدیریتی

سوابق اجرایی و مدیریتی محمود صادقی بیشتر محدود است به فعالیت‌هایش در حوزه امور دانشگاهی و حقوقی. اهم سوابق او به این شرح است:

- نماینده مردم تهران در مجلس دهم و عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات
- مشاور وزیر علوم از سال ۹۲ تا ۹۴.
- مدیر کل اداره بازرسی و پاسخ‌گویی به شکایات وزارت علوم، از سال ۹۲ تا ۹۴.
- دبیر کمیسیون انجمن‌های علمی ایران.
- مسئول دفتر حقوقی دانشگاه تربیت مدرس ۷۵-۱۳۷۳.
- مدیرکل فرهنگی دانشگاه تربیت مدرس ۸۰-۱۳۷۷.
- عضو شورای فرهنگی دانشگاه تربیت مدرس.
- عضو حقوقدان کمیته نظارت بر نشریات دانشگاهی.
- عضو کمیته اخلاق پزشکی پژوهشکده ابن سینا.
- عضو کمیته اخلاق پزشکی دانشگاه تربیت مدرس.
- عضو کمیته تخصصی گروه مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس.
- مدیر گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس.
- وکیل پایه یک دادگستری (عضو کانون وکلای دادگستری ایران)

انقلاب ۵۷ و جنگ ایران و عراق

محمود صادقی شانزده ساله بود که انقلاب ۵۷ به پیروزی رسید. بنابراین طبیعی است که نامش در هیچ خاطره‌ای از انقلاب ۵۷ ثبت نباشد، اما رشد و تربیت در خانواده‌ای انقلابی، با پدری که از انقلابیون شاخص شهر ازنا و درود بود و به علت تعقیبات پلیس امنیت مجبور به فرار از شهری به شهر دیگر بود، او را نیز در ردیف فعالان انقلاب ۵۷ قرار داده بود. کسی که به گفته خودش سه سال پس از پیروزی انقلاب، جسد پدرش را از زیر آوار ساختمان حزب جمهوری، محل بمب‌گذاری، بیرون کشیده است.

محمود صادقی تحت تعالیم پدر، با آغاز جنگ ایران و عراق، راهی جبهه‌های جنگ می‌شود و جانباز از جنگ بر می‌گردد. او اخیرا در یک سخنرانی در دانشگاه شیراز و در واکنش به شعار «مرگ بر فتنه گر» مخالفانش می‌گوید: «مرگ بر من، مرگ بر منی که با دستان خود پدرم را از زیر آوار بیرون آوردم. مرگ بر منی که پس از جانبازی دوباره به جبهه برگشتم.»

صدای معترضان به نقض حقوق بشر در مجلس

پس از پایان مجلس ششم، برای سه دوره متوالی کمتر صدایی در اعتراض به نقض حقوق بشر در مجلس شورای اسلامی شنیده نشده بود جز صدای علی مطهری که هر از گاهی نطقی و مصاحبه‌ای در دفاع از حقوق بشر و دفاع از حقوق رهبران جنبش سبز ایراد می‌کرد. اما مجلس دهم به این سکوت پایان داد و این بار نه یک نماینده بلکه، جمعی از نمایندگان، صدای معترضان به نقض حقوق بشر در مجلس شدند. محمود صادقی یکی از این نمایندگان بود. اعتراض به برخورد با دانشجویان و نشریات دانشگاهی، اعتراض به بازداشت نرگس محمدی از فعالان شناخته شده حقوق بشر، اعتراض به سرکوب معترضان و دفاع از حق اعتراض کارگران به مشکلات صنفی، از جمله تلاش‌های نمایندگان مجلس دهم برای دفاع از حقوق بشر عنوان کرد.

محمود صادقی در نطقی در صحن علنی مجلس از آزادی‌های مشروع مردم دفاع کرده و می‌گوید: «حکومت‌های مستبد، ازجمله رژیم استبدادی پهلوی، برای توجیه سرکوب مخالفان و سلب آزادی‌های مردم، آنان را به وابستگی به بیگانگان متهم می‌کردند. از این رو برای

پیشگیری از این رویه در جمهوری اسلامی، اصل نهم قانون اساسی آزادی و استقلال و تمامیت ارضی را از یکدیگر تفکیک‌ناپذیر دانسته و از یک‌سو به هیچ فرد و گروهی حق نداده به نام استفاده از آزادی به استقلال کشور کمترین خدشه‌ای وارد کند و از سوی دیگر تصریح می‌کند که هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قانون سلب کند.»
علی شکوری راد دبیرکل حزب اتحاد ملت در نامه‌ای به محمود صادقی از تلاش‌های او در مجلس حمایت کرده و می‌نویسد: «جنابعالی در مدت کوتاهی که از آغاز به‌کار مجلس می‌گذرد به خوبی نشان داده‌اید نماینده واقعی و صدای مردم در مجلس شورای اسلامی هستید و به وظایفی که به عنوان وکیل مردم برعهده گرفته‌اید آگاه و پایبند می‌باشید.»

حصر، قانونی نیست!

محمود صادقی به عنوان سیاستمداری اصلاح‌طلب، نسبت به حصر رهبران جنبش سبز و ممنوع‌التصویری محمد خاتمی رهبر جنبش اصلاحات، معترض است. او در مصاحبه‌ای می‌گوید: «در هیچ کجای قانون مجازات اسلامی چیزی به نام حصر نداریم، باید جرم تعریف شود و به تایید مراجع قضایی برسد، ساز و کار رسیدگی به هر جرمی هم روشن باشد. مجازات مجرم باید در محکمه تعیین شود.» این نماینده تهران با تاکید بر اینکه درباره ممنوع‌التصویری خاتمی در مراجع قانونی حکمی صادر نشده، می‌گوید: «اگر شورای عالی امنیت ملی در این مورد مصوبه‌ای دارد باید منتشر شود ما که نماینده مجلس هستیم در این مورد نامحرم نیستیم و باید این متن را ببینیم.» او در نطقی در مجلس دهم رسما به حصر اعتراض کرده و می‌گوید: «نمی‌توان با حذف و حصر، زندان و تبعید و برخوردهای خشونت‌آمیز معترضین را قانع کرد.»

فرزند شهید و تربیت یافته خانواده‌ای انقلابی

محمود صادقی تربیت یافته خانواده‌ای روحانی و انقلابی است. پدر و پدربزرگ‌اش از علمای شناخته شده لرستان بودند. پدرش محمد حسین صادقی از یاران آیت‌الله خمینی و از فعالان انقلاب ۵۷ بود که پس از ورود به مجلس اول شورای اسلامی در انفجار دفتر حزب جمهوری کشته شد.
او پنج خواهر به نام‌های فاطمه، زهرا، طاهره، صدیقه و اعظم و سه برادر به نام‌های علی، احمد و محسن دارد. در جریان تلاش قوه قضاییه برای بازداشت شبانه‌اش، یکی از برادرانش به نام علی در جمع حامیان‌اش که مقابل منزلش تجمع کرده بود، از آن‌ها می‌خواهد به تجمع پایان دهد و می‌گوید: «ما برای استقرار نظام جمهوری اسلامی خون داده‌ایم، شهید داده‌ایم، آقای صادقی خودشان جانباز و فرزند شهید و مطیع ولایت هستند. عزیزان بسیج و سپاه نور چشم ما هستند و ما نمی خواهیم این موضوع بهانه‌ای دست اجانب، معاندین و دشمنان بدهد. ما در نظام جمهوری اسلامی با هم متحد هستیم و از عموم مردم میخواهیم اتحاد خود را حفظ کنند. باید اصلاح‌طلب و اصول‌گرا دست به دست هم بدهیم تا مملکت را آباد کنیم.»
اطلاعات بیشتری از شغل و مسوولیت خواهرها و برادران محمود صادقی در دست نیست.

پروانه مافی

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: نایب رئیس اول کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور
فراکسیون: امید

از فرمانداری شمیرانات تا نمایندگی تهران

دقیقه نود توانست از فیلتر شورای نگهبان عبور کند و در مقام کاندیدای انتخابات مجلس دهم، خود را در معرض رای مردم قرار دهد. پروانه مافی فرماندار اسبق شمیرانات، از جمله اصلاح‌طلبان شناخته شده‌ای بود که هیات نظارت رای به رد صلاحیت‌اش داده بود ولی شورای نگهبان اعتراض‌اش را وارد دانست و صلاحیت‌اش را تایید کرد. او شاید خودش هم باور نمی‌کرد که با یک میلیون و ۱۶۲ هزار رای روبرو شود ولی قطعا قرار گرفتن در لیست امید، باعث پیروزی چشم‌گیرش شد. فهرستی که در تهران سی بر صفر رقیب‌اش را شکست داد و یک‌جا در مرحله اول انتخابات به مجلس راه یافت.

پروانه مافی کیست؟

پروانه مافی اهل کرمانشاه و تحصیل‌کرده رشته مدیریت است. تا پیش از دوم خرداد ۷۶ که به روی کار آمدن دولت اصلاحات منجر شد، او به معلمی مشغول بود و کمتر در عرصه‌های سیاسی و اجرایی حضور داشت. با روی کارآمدن دولت خاتمی، مافی فعالیت‌های سیاسی را با عضویت در حزب جمعیت زنان ایران به دبیرکلی زهرا مصطفوی، دختر آیت‌الله خمینی، با جدیدت دنبال کرد و به شورای مرکزی این حزب زنانه راه یافت تا علاوه بر فعالیت سیاسی، رابطه نزدیکی با بیت آیت‌الله خمینی برقرار کند.

پروانه مافی در این مقطع به مرکز مدیریت زنان نهاد ریاست جمهوری پیوست و کار اجرایی را آغاز کرد. او پله‌های ترقی را خیلی با سرعت طی کرد و با حکم عبد الواحد موسوی لاری وزیر کشور دولت خاتمی به مقام فرمانداری شمیرانات رسید. تا در مقام ریاست شورای تامین شهرستان، در کنار نیروهای امنیتی و سیاسی، دوره جدیدی از فعالیت مدیریتی و سیاسی را تجربه کند.

با روی کار آمدن دولت محمود احمدی نژاد انتظار می‌رفت خیلی زود کرسی فرمانداری را واگذار کند ولی وزارت کشور دولت احمدی نژاد حکم به تمدید ماموریت او داد تا یک سالی با دولت احمدی نژاد کار کند.
مافی پس از ۴ سال فرمانداری شمیرانات، دولت را ترک کرد و به مجمع تشخیص مصلحت نظام پیوست. او در مجمع، مدیریت چند پروژه تحقیقاتی در حوزه زنان را عهده دار شد. رابطه نزدیک او با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مقدمه‌ای شد برای حضور رسمی‌اش در حزب کارگزاران سازندگی ایران و به عضویت شورای مرکزی این حزب درآمد.
پروانه مافی اگرچه در چند انتخابات‌ها پیشین به عنوان رئیس ستاد انتخابات یا عضو این ستاد، تجربه برگزاری انتخابات را داشت ولی تجربه انتخاب شدن را در کارنامه نداشت تا اینکه در انتخابات مجلس دهم از شهر تهران اعلام کاندیداتوری کرد و به رغم رد صلاحیت توسط هیات نظارت، در نهایت با تایید شورای نگهبان توانست در انتخابات شرکت کند و با رای مردم به مجلس دهم راه یابد. او که با حمایت احزاب اصلاح‌طلب در لیست امید قرار گرفته بود توانست با ۱ میلیون و ۱۶۲ هزار و ۱۹۵ رای به مجلس راه یابد.
پروانه مافی پس از ورود به مجلس دهم، به کمیسیون شوراها و امور داخلی پیوست و به نایب رئیسی هیات رئیسه کمیسیون رسید. او هم‌چنین با رای نمایندگان مجلس، به‌عنوان نماینده مجلس در کمیسیون ماده ده احزاب انتخاب شد. او در گفتگویی با خبرگزاری برنا خود را حامی احزاب می‌داند و می‌گوید به جد به فعالیت حزبی اعتقاد دارم و معتقدم که بدون داشتن احزاب قوی و گسترده ما هیچگاه به رشد سیاسی نمی رسیم.

سوابق سیاسی و اجرایی

پروانه مافی در طول بیست سال گذشته علاوه بر فعالیت‌های علمی و آموزشی، در حوزه‌های اجرایی و سیاسی فعال بوده است که مهم‌ترین آن به این شرح است:

- نماینده تهران در مجلس دهم
- نایب رئیس هیات رئیسه کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس دهم
- فرماندار پیشین شمیران در دولت اصلاحات
- عضو شورای مرکزی جمعیت زنان جمهوری اسلامی
- مدیر کل امور بین‌الملل مرکز زنان ریاست جمهوری در دولت اصلاحات
- مدیر آموزش و مدیر اجتماعی مرکز زنان ریاست جمهوری در دولت اصلاحات
- مشاور وزیر آموزش پرورش در دولت اصلاحات
- بازرس ویژه وزارت آموزش و پرورش دولت اصلاحات
- عضو گروه علمی و دبیر کمیته مدیریت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- مدیر اجرائی کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و نظام اداری دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- مدیر پروژه نظارت بر عملکرد حوزه خانواده دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام
- مسئولیت کمیته بانوان ستاد بزرگداشت امام خمینی (س)
- مدیر مجمع خیرین مدرسه ساز شمیرانات
- رئیس دبیرخانه همایش بانوی انقلاب و دبیر چندین همایش و کنگره بین‌المللی

تذکر به وزرای فرهنگ و دادگستری

پروانه مافی از جمله نمایندگان مجلس دهم است که به لغو مجوز کنسرت در مشهد اعتراض کرد. او به همراه جمعی از نمایندگان در تذکری به علی جنتی وزیر وقت فرهنگ خواستار توضیح در خصوص چرایی عقب‌نشینی در برابر نماینده ولی فقیه در استان خراسان شد. نمایندگان امضاء کنندگان این تذکر، لغو کنسرت در مشهد و پذیرش آن از سوی علی جنتی را مستثنی کردن خراسان از قوانین جاری کشور عنوان کرده و آن را کوتاهی وزارت فرهنگ عنوان کردند.
مافی هم‌چنین در تذکری دیگر به همراه جمعی از نمایندگان فراکسیون امید، به وزیر دادگستری نسبت به برخورد با دانشجویان و نشریات دانشجویی هشدار داده و خواستار پاسخ‌گویی وزیر دادگستری شدند. اقداماتی که نشان می‌دهد فراکسیون امید و اعضای آن می‌کوشند پرچم‌دار اصلاحات در مجلس دهم باشند.
پروانه مافی از جمله نمایندگانی است که از محمود صادقی نماینده تهران در برابر اتهامات وارده دفاع کرده و می‌گوید: چنانچه ما نمایندگان ملت در مجلس از اظهارنظرها و نطق‌های ایشان (محمود صادقی) برداشت کرده‌ایم و ناظر سخنان ایشان بوده‌ایم، مطلبی خارج از حیطه نمایندگی در مجلس نبوده است و در این حوزه می‌گنجد. محمود صادقی نماینده تهران دیگر عضو فراکسیون امید است که اظهارات‌اش با رنجش قوه قضاییه روبرو شده است. او خواستار شفاف‌سازی حساب‌های قوه قضاییه و پاسخ‌گویی این قوه در خصوص چرایی بازداشت یاشار سلطانی افشاگر واگذاری غیرقانونی املاک تهران توسط شهرداری شده بود.

تلاش برای آزادی نرگس محمدی

نرگس محمدی فعال حقوق بشر که مدت‌هاست به دلیل فعالیت‌هایش در زندان اوین محبوس است، با روی کار آمدن مجلس دهم، مورد حمایت نمایندگان این مجلس قرار گرفت، اتفاقی که در سه دوره گذشته مجلس سابقه نداشت تا از یک فعال حقوق بشر زندانی شده، حمایت شود. پروانه مافی به همراه جمعی از نمایندگان فراکسیون امید در نامه‌ای به دادستان کل کشور خواستار تجدید نظر در حکم زندان این فعال حقوق بشر شدند.
امضاء کنندگان این نامه صدور این نوع احکام «موجب دوری دگراندیشان و منتقدان از کشور و حاکمیت» و «باعث جمود و رکود جامعه» می‌شود. پروانه مافی همچنین شخصا در نامه‌ای به رئیس قوه قضاییه خواستار تخفیف در حکم زندان بانوان شد. او بدون آن‌که مستقیم نامی از نرگس محمدی ببرد، تلویحا او را که مادر دو کودک است را مورد حمایت قرار داد و در پست اینستاگرامی‌اش نوشت: «نه به عنوان عضو فراکسیون زنان و خانواده و نه در قالب تذکر و نطق، اما شاید بتوانم به عنوان یک مادر، یک زن، یک شهروند و یک کنشگر اجتماعی- سیاسی از آیت‌الله لاریجانی بخواهم که در محکومیت طولانی مادران سرزمینم تجدیدنظر کنند چرا که اساساً شاید نگاه تخفیفی اسلام به بانوان در برخی مجازات‌ها به دلیل همین جایگاه ویژه آنان در نظام تربیتی جامعه باشد و چنین اقداماتی قطعاً چهره رحمانی- انسانی نظام ما را بیشتر برای جهانیان جلوه‌گر نمایند.»

ریاست کمیته زنان ستاد میرحسین موسوی

اگرچه کمتر مصاحبه یا سخنانی از پروانه مافی در خصوص جنبش سبز در رسانه‌های مجازی یافت می‌شود ولی او از جمله یاران نزدیک میرحسین موسوی و رئیس کمیته زنان و جوانان ستاد انتخاباتی او بوده است. پروانه مافی در این خصوص می‌گوید: مطالبات زنان همواره

دغدغه اصلی من بوده است و حتی زمانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸ که مسوول ستاد زنان میرحسین موسوی بودم، به دنبال انتقال این دغدغه‌ها به ایشان بودم.
پیگیری رفع حصر رهبران جنبش سبز از وعده‌های انتخاباتی، فراکسیون امید بود که از سوی پروانه مافی و دیگر اعضای فراکسیون دنبال می‌شود.
پروانه مافی را باید از مدافعین پا به کار حقوق زنان دانست. او نه تنها از طریق یک حزب سیاسی، جمعیت زنان ایران، بلکه از جایگاه نمایندگی مجلس پیگیر امور زنان است. مافی به همراه دیگر اعضای فراکسیون زنان مجلس در نامه‌ای به حسن روحانی خواستار بکارگیری زنان در سمت معاونت وزارتخانه‌ها شد.
این عضو فراکسیون زنان، خود را مخالف تفکیک جنسیتی زنان می‌داند و نسبت به ممنوعیت حضور زنان در ورزشگاهها، اعتراض دارد. او می‌گوید: مسئله آن‌قدر پیچیده نیست که تبدیل به معضل کشور شود. درحالی‌که قبلاً حضور زنان در ورزشگاه وجود داشته است. علاوه بر بخش اجرا، در مجلس نیز می‌توان این موضوع را پیگیری کرد. عدم حضور زنان رنجی است که به دختران وارد می‌شود.
او همچنین گشت ارشاد و برخورد با جوانان را روشی ناصحیح می‌خواند و می‌گوید: گشت ارشاد سال‌هاست انواع برخوردها را می‌کند؛ چقدر موفق بوده است؟ باید ببینیم اگر طرحی توفیق ندارد، روی آن فکر کنیم و آن را رها کنیم و روی طرح‌های دیگر کار کنیم و روش را تغییر دهیم.
او از طرفداران جدی تشکیل کمیسیون زن و خانواده در مجلس است و معتقد است اگر این کمیسیون در مجلس وجود داشت، تاکنون بسیاری از مشکلات زنان حل شده بود چراکه کمیسیون در برابر مجلس پاسخ‌گوست و باید عملکردی داشته باشد. مافی وجود فراکسیون زنان را کارآمد نمی‌داند و می‌گوید: در فراکسیون الزامی برای عملکرد نیست و نوعی دورهمی برای تعامل است ولی کمیسیون کار رسمی دارد به همین علت ما سوابق این کمیسیون را درآوردیم و به رییس مجلس دادیم تا بررسی شود. او می‌افزاید: ما می‌خواهیم شأن جایگاه زن را در مجلس افزایش دهیم ما منتظر هیات رییسه و جواب آن‌ها هستیم و نمایندگان هم رویکردشان مثبت است و اعضای این کمیسیون فقط زنان نیستند. در حال حاضر کمیسیون زنان وجود ندارد بلکه در کمیسیون فرهنگی کمیته زن و خانواده وجود دارد. برخی نمایندگان مجلس از جمله پروانه مافی معتقدند موضوع زن و خانواده باید به کمیسیون‌های تخصصی مجلس اضافه شود.

خانواده

اطلاعات چندانی از خانواده و روابط فامیلی پروانه مافی با دیگر رجال سیاسی ایران در دست نیست. او در مصاحبه‌ای با خبرگزاری برنا در معرفی خانواده خود، بدون نام بردن از همسر و فرزندانش، می‌گوید: همسرم در دوران تحصیل هم‌کلاسی‌ام بود و در دانشگاه با هم آشنا شدیم و ازدواج کردیم. او می‌گوید دو پسر و یک دختر دارد. پسرانش هر دو در رشته فنی مهندسی خود را دریافت کرده‌اند که یکی از آن‌ها در بخش خصوصی و دیگری در بخش دولتی کار می‌کند. دخترش هم دانشجوی دکترای ژنتیک است. هر سه فرزندش ازدواج کرده‌اند.

محمود بهمنی

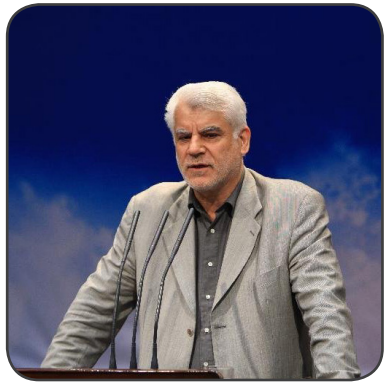

حوزه انتخابیه: طالقان
سمت: عضو کمیسیون اقتصادی
فراکسیون: اصول‌گرایان

متهم ردیف اول پرونده بابک زنجانی یا نماینده مجلس

در میان فریاد «رای من کجاست» معترضان جنبش سبز، به فرمان محمود احمدی نژاد بر کرسی ریاست بانک مرکزی تکیه و سیاه‌ترین روزهای اقتصادی ایران را رقم می‌زنند. محمود بهمنی وقتی نبض اقتصاد ایران را در دست می‌گیرد، سرعت سقوط شاخص‌های اقتصادی ایران، شدت گرفته و برخلاف پیش‌بینی‌اش بانک مرکزی ایران برای اولین بار تحریم می‌شود تا او تمام نابسامانی‌های اقتصادی را به تحریم‌ها ارتباط دهد. تحریم‌هایی که او نیز با پیش بینی غلط‌اش در رقم خوردن آن‌ها نقش داشت، چرا که اگر او با قاطعیت به دولت اطمینان نمی‌داد که آمریکا بانک مرکزی را تحریم نخواهد کرد شاید دولت احمدی نژاد تا این حد بی‌گدار به آب نمی‌زد.

محمود بهمنی کیست؟

روستا زاده‌ای که چون بسیاری از رجل سیاسی ایران، از طبقه پابرهنگان، مراحل ترقی را طی کرد و به قدرت رسید. پدرش احمد علی کشاورزی ساده در روستای فشند از توابع استان تهران بود که پس از مدتی کشاورزی را رها کرد و راننده روستا شد. محمود بهمنی در سال ۱۳۲۶ در چنین خانواده‌ای بدنیا آمد. او پس از تکمیل تحصیلات ابتدایی و متوسطه، برای ادامه تحصیل راهی تهران شد. محمود بهمنی دارای لیسانس اقتصاد گرایش بانکداری، فوق‌لیسانس مدیریت بانکداری و دکترای مدیریت بازرگانی است. او پس از فارغ‌التحصیلی هم‌زمان با فعالیت در حوزه بانکی، به تدریس در دانشگاه آزاد و موسسه عالی بانک‌داری مشغول شد.

در هیچ رویداد سیاسی مهم تاریخ معاصر ایران، نامی از بهمنی وجود ندارد. نه در دوران انقلاب و نه در جنگ ایران و عراق و نه در مجادله‌های سیاسی پس از جنگ، فعالیتی یا اظهار نظری سیاسی از بهمنی ثبت نشده است. او یک کارشناس بانکی و اقتصادی بوده که به دوراز

هیاهوی سیاسی به کار تخصصی خود مشغول بوده است.
اما نام بهمنی زمانی بر سر زبان‌ها افتاد که محمود احمدی نژاد، اسب خود را برای تکمیل تیم دولت دوم خود زین می‌کرد. بهمنی که پیش از این عضو هیات مدیره بانک ملی بود، به فرمان احمدی نژاد لبیک گفت و ریاست مهم‌ترین کرسی اقتصادی دولت را در دست گرفت. او خود را فردی اهل تعامل و مدارا می‌داند و همین روحیه، باب میل رئیس دولتی بود که خود را در همه حوزه‌ها کارشناس می‌دانست، لذا فرمانبرداری مهم‌ترین خصیصه اعضای تیم‌اش بود. از این رو او با وجود اینکه چهارسال ریاست بانک مرکزی را در اختیار داشت ولی معتقد است تنها یک هفته در این بانک ریاست کرده و آن هم یک هفته‌ای است که در دولت حسن روحانی ریاست بانک را برعهده داشته چرا که معتقد است در دوران احمدی نژاد بانک مرکزی اراده‌ای از خود نداشت.
در دوران ریاست بهمنی نرخ ارز ۳ برابر، میزان تورم ۲ برابر و میزان نقدینگی از ۱۹۷ هزار میلیارد تومان به ۴۷۳ هزار میلیارد تومان رسید. و درحالی که تحریم‌های ایران هر روز شدت می‌گرفت و زمزمه‌های تحریم بانک مرکزی ایران شنیده می‌شد، او با اطمینان از تحریم نشدن بانک مرکزی خبر داد. خبری که خیلی زود نقض و شدیدترین تحریم‌های اقتصادی یعنی تحریم بانک مرکزی در لیست تحریم‌های امریکا قرار گرفت تا اقتصاد ایران بزرگترین ضربه ممکن را متحمل شود. او در این خصوص می‌گوید: من هم می‌گفتم بانک مرکزی تحریم نمی‌شود و نباید تحریم شود اما این کار خلاف عرف قوانین بین‌المللی صورت گرفت زیرا بانک مرکزی در کشور ما مستقل است و هیچ ارتباطی با دولت ندارد و همیشه کار خودش را با اقتدار انجام داده است. ادعایی که بعدها توسط خود بهمنی تکذیب شد و اعلام کرد بانک مرکزی در دولت احمدی نژاد استقلال نداشت.

متهم اول پرونده بابک زنجانی

استقلال بانک مرکزی در دوران بهمنی-احمدی نژاد به حدی تنزل کرد که ریاست محمود بهمنی کلا به خطر افتاد، دیوان محاسبات کشور، او را به دلیل برداشت شبانه دولت از حساب بانک‌ها و واریز به حساب خزانه‌داری، از ادامه خدمت خلع کرد و در پرونده‌های پر سر و صدای اقتصادی، هم‌چون پرونده بابک زنجانی، در ردیف اول متهمان، قرار گرفت.
بهمنی البته همه این اتهامات را رد می‌کند و می‌گوید: «بحث برداشت از حساب بانک‌ها توسط بانک مرکزی کاملا براساس مصوبه هیئت وزیران است و این برداشت انجام شده به صورت علی الحساب است.» یعنی برداشت با نظر بانک مرکزی انجام نشده بلکه دولت به خود مجوز برداشت شبانه از حساب بانک‌ها را صادر کرده و بانک مرکزی تصمیم‌گیر نبوده است. اما خبر انفصال از خدمت بهمنی به تایید عبدالرضا رحمانی فضلی از ریاست دیوان محاسبات رسید.
بهمنی احضارهای پی درپی به دادگاه در جریان پرونده بابک زنجانی را امری عادی و تنها به عنوان شاهد ذکر می‌کند و می‌گوید در این پرونده تبرئه شده است ولی این ادعا را دبیر ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی رد می‌کند و می‌گوید: «در زمان تحریم ارزهالک بهترین ارزی بود که به فعالین اقتصادی اختصاص می‌یافت؛ چرا که قابلیت نقدشوندگی و تبدیل پذیری راحت با نرخ پایین داشت. این ارز را با یک تکه کاغذ یادداشت بدون سربرگ در بانک مرکزی، بدون سند وثیقه و ضمانت در اختیار بابک زنجانی قرار دادند و به حساب موسسه‌ای که به نام او بود واریز کردند این مطالبه ماست که این آدم‌ها که امروز راحت می‌چرخند و حتی سمت دارند بیایند و پاسخ بدهند که چطور این اتفاقات افتاده است.» کاظم پالیزدار

مقام مسولی که این ارز را در اختیار بابک زنجانی قرار داده را بهمنی معرفی کرده و می‌گوید: بخش‌هایی از اتهام آقای بهمنی در پرونده بابک زنجانی هنوز باقی مانده است.
از سوی دیگر امیرعباس سلطانی عضو کمیته پیگیری پرونده بابک زنجانی در مجلس نهم، بهمنی را متهم ردیف اول این پرونده معرفی می‌کند. بهمنی از این ادعا آزرده خاطر شده و می‌گوید هیچ ارتباطی در دولت قبل با بابک زنجانی نداشته است ولی نهاد ریاست جمهوری بلافاصله با صدور بیانیه‌ای اعلام می‌کند که بیش از ۲/۷ میلیارد دلار از اموال بیت‌المال در دولت گذشته در اختیار بابک زنجانی قرار گرفته و این اتفاق بدون دستور مستقیم و همراهی مقامات دستگاه‌های ذیربط امکان وقوع نداشته است. در این بیانیه آمده است: انتظار این بود که آقای بهمنی نسبت به اصل موضوع توضیح بیشتری می‌دادند تا مشخص شود دقیقاً چه کسانی، صلاحیت بانک فاقد اعتبار بابک زنجانی در مالزی را برای انتقال حجم عظیم منابع بیت‌المال و برقراری تعامل گسترده شبکه بانکی با آن، تأیید کرده‌اند و همین امر موجب هدر رفتن سرمایه ملی شده است.

ورود به مجلس پس از حیف و میل میلیاردها دلار

محمود بهمنی در حالی‌که با روی کار آمدن دولت جدید، صندلی خود را به ولی الله سیف واگذار کرده و یک پا در دادگاه دارد و یک پا در بازپرسی، خود را برای ورود به مجلس دهم آماده می‌کند. صلاحیت او به رغم حیف و میل میلیاردها دلار پول بیت المال تایید می‌شود و می‌تواند خود را در معرض آراء مردم قرار دهد. مردم ساوجبلاغ به او اعتماد کرده و او را با ۵۰ هزار رای راهی مجلس دهم می‌کنند.
بهمنی در اولین تجربه نمایندگی مجلس، به عضویت کمیسیون اقتصادی در می‌آید و به نمایندگی از این کمیسیون به عضویت کمیسیون اصل نود انتخاب می‌شود تا به عنوان کارشناس بانکی و مالی در پرونده‌های مطروحه در این کمیسیون رسیدگی کند.
در جریان تشکیل هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها، او به همراه ذوالنور، پارسایی و تجری به عنوان چهار کاندیدای کمیسیون اصل نود به مجلس معرفی می‌شوند ولی نمایندگان مجلس به او اعتماد نمی‌کنند تا از عضویت در هیات مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها بازبماند.
محمود بهمنی از جمله ساکتان نقض حقوق بشر در ایران است او اساسا از ورود به این بحث‌ها خودداری کرده و کمتر می‌توان از او اظهار نظری در این حوزه پیدا کرد. ولی آنچه روشن است اینکه اگر در ردیف حامیان حقوق بشر می‌گنجید نمی‌توانست جایی در کابینه محمود احمدی نژاد داشته باشد آن‌هم در سال ۱۳۸۸ که دولت‌اش با اتهام تقلب انتخاباتی و در میان سرکوب مخالفان، تشکیل شد.
او در معدود اظهار نظرهای سیاسی، نظارت شورای نگهبان بر عملکرد نمایندگان در طول دوره نمایندگی را مورد انتقاد قرار داده و می‌گوید: «مجلس عصاره ملت است و شایسته نیست یک جمع ۵ یا ۱۰ نفره بر کل نمایندگان نظارت داشته باشند.»
اطلاعاتی از خانواده و روابط فامیلی‌اش با دیگر ارکان حاکمیت موجود نیست.

ابوالفضل حسن بیگی

حوزه انتخابیه: دامغان
سمت: عضو کمیسیون امنیت ملی
فراکسیون: اصول‌گرایان

از مجلس سوم تا دهم

عمر نایب رئیسی‌اش در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس دهم بیشتر از یک سال دوام نیاورد. ابوالفضل حسن بیگی که با سابقه دو دوره نمایندگی مجلس، موفق شده بود در سال اول مجلس دهم بر کرسی نایب رئیسی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تکیه زند، در انتخابات سال دوم هیات رئیسه این کمیسیون جای خود را به محمد مهدی برومندی داد و از ترکیب هیات رئیسه کنار گذاشته شد. اما سابقه نظامی و حضور در مجلس سوم و چهارم، سبب شده تا نام او در میان چهره‌های مطرح کمیسیون امنیت ملی کماکان باقی بماند.

ابوالفضل حسن بیگی کیست؟

ابوالفضل حسن بیگی در سال ۱۳۳۷ در شهرستان دامغان از توابع استان سمنان متولد شد. او تحصیلات را تا پایان دوران متوسطه در دامغان گذراند و در سال ۱۳۵۶ یعنی یک سال قبل از پیروزی انقلاب ۵۷ دیپلم‌اش را دریافت کرد و برای تحصیل در رشته مهندسی عمران راهی دانشگاه همدان شد.

با پیروزی انقلاب، جذب نهادهای انقلابی همچون کمیته انقلاب، سپاه پاسداران و جهاد سازندگی دامغان شد. با آغاز جنگ ایران و عراق، او به عنوان جهادگر راهی مناطق جنگی شده و فرماندهی مهندسی رزمی جهاد سازندگی قرارگاه حمزه سید الشهدا را عهده دار شد. نام گردان تحت فرماندهی حسن بیگی، حضرت رسول نام داشت. او برای سال‌های متمادی در جبهه‌های جنگ حضور داشت و در یکی از عملیات‌ها نیز مجروح شد. او دو برادرش را در جبهه‌ها از دست داد. او در خصوص اعزام‌اش به جبهه و ماموریت‌اش می‌گوید: «ما همان اول جنگ از استان سمنان تحت نیروی جهادی به جبهه عازم شدیم. و دلیل اعزام نیروی جهاد

از استان این بود که استان سمنان هم یکی از استان‌های محروم بود و هم به لحاظ مذهبی بودنش مورد فشار رژیم طاغوت بود. و به مردم هم توجه نمی‌شد. اکثر روستاها تخریب شده بود و با فرمان امام جهاد سازندگی را تشکیل داده بودیم و ۷-۸- تا تیم راه‌سازی هم تشکیل شده بود تا روستاها را به آبادانی برسانند، از این رو از این توان استفاده شد و نیروهای جهادی به طرف جبهه‌ها اعزام شدند. و قسمت‌های تپه‌های الله اکبر سوسنگرد و پادگان حمیدیه را به ما ماموریت دادند وقتی که در آن منطقه قرار گرفتیم.»

حسن بیگی در سال ۱۳۶۷ برای اولین بار برای ورود به مجلس شورای اسلامی، اعلام کاندیداتوری کرد و موفق شد آراء لازم برای ورود به مجلس سوم را از حوزه انتخابیه دامغان کسب کند. او کرسی‌اش را در مجلس چهارم نیز حفظ کرد و به مدت ۸ سال در کرسی نمایندگی مردم دامغان در مجلس شورای اسلامی فعالیت کرد. او در این دوران در کمیسیون دفاع عضویت داشت، کمیسیونی که بعدها با کمیسیون سیاست خارجی ادغام و به کمیسیون امنیت ملی وسیاست خارجی تغییر نام داد.

حسن بیگی که با آغاز جنگ، تحصیل را رها و به جبهه‌ها رفته بود پس از اتمام جنگ، نیز به مجلس رفته بود بعد از مجلس چهارم فرصت پیدا کرد تا تحصیلات خود را از سرگیرد ولی او این بار، نه در رشته مهندسی بلکه در رشته علوم سیاسی در دانشگاه علامه طباطبایی تحصیل و مدرک کارشناسی دریافت کرد. او سپس به دانشگاه فارابی رفت و مدرک کارشناسی ارشد را در رشته علوم سیاسی با گرایش امنیت ملی دریافت کرد.

سوابق اجرایی و مدیریتی

سردار ابوالفضل حسن بیگی، غیر از نمایندگی مجلس، به عنوان عضو رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بیشتر در حوزه‌های نظامی مشغول فعالیت بوده، ضمن اینکه دستی هم در امور نفتی دارد و سال‌ها در وزارت نفت فعالیت کرده است. اهم سوابق اجرایی و مدیریتی او به این شرح است:

- فرمانده قرارگاه مهندسی رزمی حمزه سید الشهدا (ع)
- نماینده دور سوم، چهارم و دهم مردم دامغان در مجلس شورای اسلامی
- عضو کمیسیون دفاعی و کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس
- مدیر عامل شرکت جهاد نصر وزارت جهاد سازندگی
- رِئیس ستاد ایثار گران وزارت نیرو
- مشاور اجرایی وزیر نیرو
- مسئول دفتر امور مجلس ستاد کل نیروهای مسلح
- مشاور رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح
- مشاور دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام
- رئیس سازمان حراست وزارت نفت
- مشاور فرهنگی و اجتماعی وزیر نفت
- عضو هیات مدیره شرکت ملی گاز ایران
- عضو هیات رئیسه فدراسون والیبال و بوکس جمهوری اسلامی ایران
- معاون وزیر نفت در امور اشتغال
- مشاور مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران
- عضو هیات مدیره و نایب رئیس هیات مدیره هلدینگ نفت و گاز تامین اجتماعی

دوگانه موسوی-احمدی نژاد یعنی خط فتنه در برابر خط ولایت

ابوالفضل حسن بیگی که از چهره‌های شناخته شده اصول‌گرایان در مجلس دهم به شمار می‌آید، از جدی‌ترین مخالفان میرحسین موسوی در مجلس است. حسن بیگی سال ۸۹ در مصاحبه‌ای موسوی را بدتر از بنی صدر معرفی کرده و با اشاره به دودستگی در میان بدنه وزارت جهاد کشاورزی می‌گوید: «این دو گروه در گذشته خیلی با هم درگیر نمی‌شدند همان حیا و حجاب و رفاقت‌های زمان جنگ و شهادت و مجروحیت و اسارت و آزادگی و جانبازی باعث شده بود که زیاد با هم درگیرنشوند. در جریانات انتخابات ریاست جمهوری یک مقدار شفاف‌سازی شد. این شفاف‌سازی هم به‌گونه‌ای بود که مشخص شد که چه کسی ولایی هست و تبعیت از ولایت می‌کند. چون دیگر جریان احمدی‌نژاد و موسوی نبود. جریان، جریان ولایت و ضدولایت بود. اطلاعات و اخبار و گزارشی که دست ما آمد برای بچه‌ها ولایت ثابت شد که موسوی عملکردش از بنی‌صدر بدتر است»

او دودستگی موسوی- احمدی نژاد را به خط نفاق و خط فتنه در برابر خط امام و خط ولایت توصیف می‌کند و می‌گوید: «آقایان رأی مردم را می‌خرند، مردم را گول می‌زنند چطور ما هیچ چیزی نگوییم و سکوت بکنیم. خیانت‌های آقای موسوی از بنی‌صدر هم بدتر است. موسوی، حتی موسوی قبل از انتخابات هم برای ما نیست به همین دلیل کسی مثل سیدحسن خمینی هم این‌ها را ول‌شان می‌کند.»

تقاضای عزل علی مطهری از نایب رئیسی مجلس

ابوالفضل حسن بیگی از مخالفان نایب رئیسی علی مطهری در مجلس است و معتقد است او از جایگاه خانوادگی‌اش سوء استفاده می‌کند. حسن بیگی در پی نامه علی مطهری به رئیس قوه قضاییه در خصوص بازداشت احمد منتظری به اتهام انتشار فایل صوتی آیت‌الله منتظری که از جریان اعدام‌های دهه شصت پرده برداشته بود، خواستار عزل مطهری شده و می‌گوید: «تعدادی از نمایندگان شکایتی را امضا کرده و طبق مواد ۲۴ و ۲۶ آیین نامه به هیات رئیسه مجلس ارائه دادیم و معتقدیم آقای مطهری صلاحیت این مسئولیت را ندارد و خواستار عزل ایشان شده‌ایم.» او در توضیح می‌افزاید: «خانواده‌های منافقین با گروه‌های ضد انقلاب همکاری می‌کنند. جمهوری اسلامی حتی در حق یک نفر هم ظلم نکرده است امام (ره) در آن زمان حساسیت زیادی داشت، تا امروز کسی نتوانسته ثابت کند که در حق یک نفر هم ظالمانه و خارج از عدالت اقدام شده است. هزاران شکایت علیه جمهوری اسلامی به سازمان ملل و سازمان‌های حقوق بشر نوشته‌اند اما هیچ شکایتی ثابت نشده است.»

نقض حقوق بشر در ایران هیچ گاه نه تنها صدای اعتراضی این نماینده مجلس را بلند نکرده بلکه او از جمله مخالفان، منتقدان نقض حقوق بشر در ایران است همانگونه که معتقد است علی مطهری به دلیل نامه‌ها و نطق‌های انتقادی‌اش از نایب رئیسی مجلس باید برکنار شود. حسن بیگی با اشاره به ضرورت تلاش قوه قضاییه ایران مبنی بر محاکمه دولت آمریکا به دلیل موارد نقض حقوق بشر می‌گوید: «الان مقطع خوبی است که باید رژیم آمریکا را به چالش بکشیم و حقوق بر زمین مانده خود را از آن‌ها مطالبه کنیم.»

مخالفت با تاسیس دفتر اتحادیه اروپا در ایران

حسن بیگی از جمله مخالفان تاسیس دفتر توسط اتحادیه اروپا در ایران است و آن را گامی سیاسی برای تحت فشار گذاشتن ایران می‌داند و می‌گوید: «در صورت تشکیل دفتر اتحادیه

اروپا، این تشکیلات سیاسی به بهانه‌های مختلف حقوق بشر و حقوق زنان، جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار خواهد داد تا اهداف آمریکا را در ایران محقق کند. این افراد با حمایت از فتنه گران به دنبال ایجاد قائله سیاسی و گرفتن انتقام شکست اسرائیل در سوریه و لبنان هستند.» او می‌افزاید: «اگر قرار است سرمایه‌گذاری اقتصادی در ایران صورت گیرد، شرکت‌ها و کشورها فعال هستند و رفت و آمدهای زیادی در ایران صورت گرفته است و نیازی نیست دفتر اتحادیه اروپا در ایران باز شود.» او هدف از تاسیس دفتر در کشورهای مختلف دنیا، توسط اتحادیه اروپا را اقدام سیاسی می‌داند.

خانواده

پدر ابوالفضل حسن بیگی کشاورز بود. دو برادرش به نام‌های علی و محسن حسن بیگی در جنگ ایران و عراق کشته شدند. عموزاده اش، علی اکبر حسن بیگی عضو شورای چهارم دامغان بود که در انتخابات شورای پنجم دامغان نیز شرکت کرد و موفق شد به عنوان عضو اصلی به شورا راه یابد. گفته می‌شود شرکت راه‌سازی اشکور که در زمینه توسعه راه‌های استان سمنان فعال است متعلق به خانواده حسن بیگی است.

حمداله کریمی

حوزه انتخابیه: بیجار
سمت: دبیر دوم کمیسیون اقتصادی
فراکسیون: اصول‌گرایان

درگیری‌های خبرساز

«اگر می‌خواهید نام بیجار هر روز در پیشانی رسانه‌ها درج شود به من رای دهید.» این شعار تبلیغاتی نماینده بیجار در مجلس ششم بود. محمد محمدرضایی می‌گفت من با این شعار توجه مردم را به خودم جلب کردم و اتفاقا به این شعار هم عمل کردم، چون هر روز رسانه‌ها مطلبی از من منتشر می‌کنند. (نقل به مضمون از مصاحبه اختصاصی با نگارنده که در همان مجلس ششم انجام شد) حالا بار دیگر نام بیجار در میان سرتیتر اخبار رسانه‌ها جا گرفته، البته نه به خاطر رخ دادن اتفاقی مبارک در این شهر، بلکه به دلیل درگیری فیزیکی نماینده‌این شهر با پلیس فرودگاه مهرآباد تهران.

حمداله کریمی نماینده جوان بیجار که به همراه همسر و جمعی از مقامات دولتی راهی استان کردستان بود، در فرودگاه با مامور پلیس درگیر شده و بینی این مامور پلیس را می‌شکند تا نیروی انتظامی شکوائیه‌ای علیه نماینده بیجار به دادگاه ارسال کند. سردار سعید منتظر المهدی، سخن‌گوی نیروی انتظامی روز دوشنبه ۹مرداد ۹۶ می‌گوید: کریمی بی‌توجه به اخطار پلیس، مبنی بر ضرورت کنترل مدارک هویتی و شناسایی افراد تردد کننده، با فحاشی و ضرب‌وشتم مامور پلیس، او را مجروح کرده است.

ولی حمداله کریمی حادثه را این‌گونه تشریح می‌کند: «با توجه به ترافیک من ۵ دقیقه دیرتر به فرودگاه رسیدم. به همین دلیل خواستم با خودرو مسیر حدود ۱۰۰ متری از پارکینگ تا ورودی ترمینال شماره ۲ فرودگاه را طی کنم که مامور حراست فرودگاه مانع این کار شد. بعد از این من کارت شناسایی نمایندگی را ارائه کردم که باز هم اجازه ورود خودرو من به محدوده مسیر اختصاصی ترمینال داده نشد؛ لذا من از خودرو پیاده شدم و به سمت ترمینال حرکت کردم و قرار بود خودرو شخصی بنده به همراه راننده همسر من را به محل کار برساند اما درحالی که من به همراه معاونان وزیر و تعدادی از نمایندگان در فرودگاه منتظر پرواز بودم همسرم با من

تماس گرفت که مامور راهور ناجا مانع حرکت خودرو شده است. این مامور پیش از آن‌که من از ماشین پیاده شوم نیز در صحنه حاضر شده بود. من بلافاصله خود را به خودرو حامل همسرم رساندم و مشاهده کردم که مامور راهنمایی و رانندگی همسر مرا با دست به مقام مافوق خود نشان می‌دهد و او را تهدید می‌کند و علاوه بر تهدید فحاشی‌هایی را نیز به همسر من داشت و مانع حرکت خودرو شده بود و من نیز در دفاع از حرمت ناموس خود با مامور راهور درگیر شدم.» بنا به گفته پلیس براثر این درگیری بینی مامور نیروی انتظامی شکسته است و این نهاد شکوائیه‌ای علیه کریمی به محاکم قضایی ارائه کرده است. هنوز سرنوشت این پرونده روشن نیست.

درگیری با کادر بیمارستان امام حسین بیجار

حمداله کریمی پیش از این نیز سابقه درگیری داشته است. او پیش از این نیز با کادر بیمارستان امام حسین بیجار درگیر شده و خساراتی به بیمارستان وارد کرده است. کریمی اخبار منتشره در خصوص درگیری‌اش را اغراق و بزرگنمایی می‌خواند و با بیان اینکه در این درگیری تنها به کامپیوتر بیمارستان خشی وارد شده می‌گوید: «در تاریخ هشتم مرداد ماه ۱۳۹۵ ساعت دو بامداد در هنگام انجام امورات مردم، متوجه حضور یک خانواده مضطرب در دفتر خود شدم. این خانواده ضمن اظهار نگرانی از وضعیت فرزند خود بیان داشتند که فرزندشان دچار تشنج شده اما هنگام مراجعه به اورژانس بیمارستان متاسفانه هیچ‌کس جوابگوی ما نبوده است. همراه پدر بیمار به اورژانس بیمارستان مراجعه کردیم. در بدو ورود به سالن اورژانس متوجه همسر و فرزند این خانواده که دچار تشنج شده بود شدم و با سلام و احوالپرسی با پزشک و پرستار حاضر در اورژانس جویای حال بیمار شدم که هیچکدام از افراد نام برده شده حتی جواب سلام من را هم ندادند چه برسد که بخواهند در مورد وضعیت بیمار توضیحاتی ارائه نمایند. این خبرها یک کلاغ چهل کلاغ کردن است و اعتراض من اعتراض به مدیران است، نه اعتراض به پزشک و پرستار، متاسفانه برخی مسئولان در گزارش دهی خدمت‌شان اغراق می‌کنند و می‌خواهند با اقدام به کاغذسازی قصورات دوران مدیرییشان را توجیه نمایند.» اطلاعاتی از پیگیری قضایی این پرونده توسط کادر بیمارستان امام حسین موجود نیست.

حمداله کریمی کیست؟

حمداله کریمی در سال ۱۳۵۹ در بیجار و در خانواده‌ای کارگری و فقیر متولد می‌شود. پدرش، نبی اله کریمی، کارگر بنا بود که پس از پیروزی انقلاب ۵۷ و ایجاد درگیری مسلحانه در کردستان، به صف انقلابیون می‌پیوندند تا از مواضع جمهوری اسلامی در برابر کردهای مسلح و معترض حمایت کند. او در سال ۱۳۶۱ در این درگیری‌ها کشته می‌شود. او از دو سالگی بدون پدر و با پسوند «فرزند شهید» رشد کرد.

او در رشته حقوق قضایی تحصیل کرد و هم‌اکنون دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق است.

حمداله کریمی از جوانی وارد فعالیت‌های مدیریتی شد و خیلی زود به مقام فرمانداری بیجار رسید تا جوانترین فرماندار کشور لقب گیرد. او پیش از فرمانداری در سمت معاونت فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان کردستان مشغول بود.

کریمی کمتر از دوسال بعد از انتصاب به فرمانداری بیجار، برای ورود به مجلس دهم اعلام کاندیداتوری کرد و مورد حمایت حزب اعتدال و توسعه و ائتلاف امید قرار گرفت. او با کسب ۱۵ هزار و ۹۱۹ رای معادل ۳۲ درصد مجموع آراء بیجار، موفق به راهیابی به مجلس شد.

حمداله کریمی پس از ورود به مجلس به عضویت کمیسیون اقتصادی درآمد و در انتخابات هیات رئیسه این کمیسیون در سال اول مجلس دهم بر کرسی دبیر دوم هیات رئیسه نشست، اما یک سال بعد از ترکیب هیات رئیسه کمیسیون کنار گذاشته شد. او در جریان انتخابات پنجمین دوره شوراها، به ریاست هیات نظارت استان کردستان منصوب شد.

سوابق اجرایی و مدیریتی

حمداله کریمی پیش از ورود به مجلس به وجود سن کم، در سمت‌های اجرایی مهمی در استان کردستان فعالیت داشته که اهم آن به این شرح است:

- فرماندار بیجار
- معاونت فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان کردستان
- معاون فرماندار شهرستان دهگلان
- بخشدار بخش کرانی بیجار

ساخت پارک شهید نبی اله کریمی با بودجه فرمانداری

ذبیح اله قمری، شهردار وقت بیجار در دوم تیرماه ۱۳۹۲ در مصاحبه‌ای از احداث پارک شهید نبی اله کریمی با حمایت مالی شخص فرماندار خبر داده و می‌گوید: «در احداث کوهستان پارک شهید نبی اله کریمی واقع در کوه نصار شهرداری هیچ هزینه انجام نداده و کلیه امکانات با دستور فرمانداری بیجار از دستگاه‌های اجرایی به صورت رایگان در اختیار مجریان پروژه قرار گرفته است.» حمداله کریمی، در تاریخ ۱۶ آذر ۹۱ به فرمانداری بیجار منصوب شده بود که می‌توان دریافت که احداث این پارک به نام پدر شهید فرماندار وقت بیجار، اولویت اول فرماندار بوده که در فاصله ۷ ماه پس از روی کار آمدن آن را به سرانجام رسانده است.

حقوق بشر از نگاه کریمی

بیشتر فعالیت‌های حمداله کریمی حول مسایل اقتصادی و مسایل حوزه انتخابیه است و کمتر بحثی سیاسی یا حقوق بشری از این نماینده بیجار در رسانه‌ها ثبت و ضبط شده است. او در معدود مصاحبه‌هایش در خصوص حقوق بشر می‌گوید: «مشروعیت هر قدرت سیاسی بر اساس حفاظت از ارکان حقوق بشر استوار است.» وی با بیان اینکه زمینه مشترک تمامی نظام‌های حقوقی جهان حفظ کرامت و حریم انسان‌هاست، می‌افزاید: «حقوق بشر در غرب و خاصه آمریکا بر مبنای حقوق مدنی است، این نگاه غرب به حقوق بشر با هدف حقوق بشر که حفاظت جهانی از حقوق همه انسان‌ها است تعارض دارد.»

خانواده

حمداله کریمی فرزند شهید نبی اله کریمی است. او متاهل است و همسر و خواهرش را پزشک و از کادر بیمارستان امام حسین بیجار معرفی کرده است. اطلاعات بیشتری از اعضای خانواده او در دست نیست.

غلامرضا حیدری

حوزه انتخابیه: تهران
سمت: عضو کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات
فراکسیون: امید

با مهدی کروبی از مجلس دوم تا دهم

اولین گام عملی مشهود در جهت رفع حصر رهبران جنبش سبز را سه نماینده مجلس دهم برداشتند. غلامرضا حیدری و هاشم زایی نمایندگان تهران و میرزایی نکو نماینده دماوند، سه نماینده‌ای بودند که در بیمارستان محل بستری شدن مهدی کروبی حاضر شدند و برای ملاقات با او کوشیدند. این ملاقات اگرچه محقق نشد و آن‌ها تنها توانستند با همسر وی «فاطمه کروبی» دیدار کنند ولی موفق شدند علنی و آشکارا قبح حمایت از رهبران جنبش سبز در مجلس ایران را بشکنند و مقدمات گام‌های عملی بعدی را سامان دهند. غلامرضا حیدری پیش از این نیز در نطقی در صحن علنی مجلس رسما خواستار رفع حصر و آزادی رهبران محصور جنبش سبز شده بود.

غلامرضا حیدری کیست؟

غلامرضا حیدری در سال ۱۳۳۴ در شهر چالوس متولد شد ولی اصالتا او تفرشی است. حیدری تا کلاس یازدهم در چالوس به تحصیل ادامه داد ولی برای پایان تحصیلات خود در مقطع متوسطه راهی تهران شد تا دیپلم‌اش را در دبیرستان دکتر هشترودی پایتخت اخذ کند.

حیدری پس از دریافت دیپلم موفق به ورود به دانشگاه پلی تکنیک (امیرکبیر) شد تا مدرک مهندسی‌اش را در رشته برق دریافت کند. تحصیلات او در مقطع کارشناسی، به دلیل تقارن آن با انقلاب ۵۷ کمی به درازا کشید تا اینکه او در سال ۱۳۵۹ از دانشگاه پلی تکنیک فارغ التحصیل شد. او سال‌ها بعد تحصیلات‌اش را تا مقطع دکترا در رشته مدیریت دنبال کرد.

حیدری برای گذران خدمت سربازی که با جنگ ایران و عراق متقارن شده بود، راهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و در مجله «پیام انقلاب» شروع به کار کرد. مجله‌ای که با ۳۰۰ هزار نسخه چاپی، در سال‌های اولیه بعد از انقلاب می‌کوشید، بر فضای فکری جامعه ایران

اثرگذار باشد.

الحاق به صف مبارزان انقلاب ۵۷

غلامرضا حیدری در بیان خاطرات خود آشنایی‌اش با آیت‌الله خمینی در سال ۴۲ را این‌گونه شرح می‌دهد: «پانزده خرداد ۴۲ کلاس دوم ابتدایی بودم (متولد سال ۳۴) که با پدرم به تفرش رفتیم و در راه برگشت از قم وقتی به میدان آهنچی رسیدیم دیدیم که خیلی خلوت و شهر به‌هم‌ریخته است و گفتند آقای خمینی را بردند و مردم هم اعتراض کردند. این هم یادم است که یک جیپ ارتش داشت می‌سوخت. ما برای زیارت به حرم حضرت معصومه (ع) و بعد سمت پل آهنچی رفتیم و وقتی به تهران رسیدیم گفتند حکومت نظامی است.» او این‌گونه با نام آیت‌الله خمینی آشنا می‌شود.

با ورود به دانشگاه پلی تکنیک، زندگی سیاسی حیدری آغاز می‌شود. او در دانشگاه و از طریق دوستان با انتشارات بعثت که توسط فخرالدین حجازی از انقلابیون شناخته شده آن زمان بنیان‌گذاری شده بود، آشنا می‌شود و در محور فعالیت‌های دانشجویان انقلابی قرار می‌گیرد. حیدری در خصوص فعالیت‌های خود در انتشارات بعثت می‌گوید: «کتاب ولایت فقیه و اعلامیه‌ها و نوارهای امام را در سطح وسیع تکثیر و توزیع می‌کردیم.»

حضور در مناطق جنگی

غلامرضا حیدری که با فارغ التحصیلی و جهت انجام خدمت سربازی به سپاه پاسداران ملحق شده بود، جذب مجله پیام انقلاب سپاه می‌شود و به نگارش مقاله و ترویج ایدئولوژی انقلاب مشغول می‌شود و کمتر مجال حضور در جبهه‌های جنگ را پیدا می‌کند با این وجود او در دو عملیات نظامی در جنگ ایران و عراق حضور داشته است. او در بیان چگونگی حضورش در جبهه‌ها می‌گوید: «آن موقع ما خیلی اصرار داشتیم که به جبهه برویم و اجازه نمی‌دادند من خودم بعد از کلی خواهش و تمنا به‌اندازه دو ماه مطلبم را آماده کردم و تحویل دادم در عملیات طریق القدس رفتم و نامه‌ای به همسرم از جبهه‌های نبرد را در عملیات طریق القدس نوشتم که آن موقع اکثر رسانه‌های عمومی آن را چاپ کردند و صداوسیما آن را خواند. در عملیات فتح المبین هم نامه‌ای به مادرم از جبهه‌های نبرد را برای تهییج جوانان به حضور در جبهه‌ها نوشتم که بعدا انتشارات سپاه آن در قالب یک کتابچه چاپ کرد.»

نمایندگی مردم تفرش در مجلس دوم و سوم

غلامرضا حیدری اولین بار در جریان انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی، برای نمایندگی مجلس از حوزه انتخابیه تفرش و آشتیان اعلام کاندیداتوری می‌کند و موفق می‌شود با کسب آراء لازم، راهی مجلس شود. حیدری با ورود به مجلس دوم، به هیات رئیسه راه می‌یابد. او در این مجلس به عضویت فراکسیون طیف چپ مذهبیون به رهبری مهدی کروبی، در می‌آید.

او چهار سال بعد و در حالی‌که جنگ ایران و عراق و عمر آیت‌الله خمینی به روزهای پایانی خود نزدیک شده بود برای بار دوم موفق می‌شود به مجلس راه یابد. حیدری در مجلس سوم به ریاست کمیسیون نیرو، مخابرات و انرژی اتمی منصوب می‌شود.

حیدری پس از مجلس سوم برای سال‌های متمادی در وزارت نیرو و دانشگاه شهید عباسپور متعلق به این وزارتخانه مشغول می‌شود. او در سال ۱۳۹۴ برای سومین بار جهت حضور در

مجلس دهم اعلام کاندیداتوری می‌کند و با حمایت ائتلاف امید از حوزه انتخابیه تهران، راهی مجلس می‌شود تا سومین حضورش در مجلس را تجربه کند. غلامرضا حیدری در مجلس دهم به عضویت کمیسیون برنامه و بودجه و فراکسیون امید در می‌آید.

سوابق اجرایی و مدیریتی

غلامرضا حیدری علاوه بر نمایندگی مجلس، سابقه‌ای طولانی در وزارت نیرو دارد و در سمت‌های مختلف فعالیت کرده که مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است:

- سرپرست معاونت سازندگی و آموزش وزارت نیرو
- نماینده مردم تفرش و آشتیان در مجلس دوم و سوم
- عضو هیات رئیسه مجلس دوم
- رئیس کمیسیون نیرو، مخابرات و انرژی هسته‌ای مجلس سوم
- مشاور وزیر نیرو در دولت اول هاشمی رفسنجانی
- رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت هلدینگ ساتکاپ
- عضو هیات علمی دانشگاه صنعت آب و برق (شهید عباسپور) متعلق به وزارت نیرو
- مدیر گروه مدیریت و علوم اجتماعی پژوهشگاه وزارت نیرو

تلاش برای رفع حصر رهبران جنبش سبز

غلامرضا حیدری از جمله نمایندگان مدافع رفع حصر رهبران جنبش سبز در مجلس دهم است. او از جمله اولین نمایندگان این مجلس بود که در نطقی رسما خواستار پایان یافتن حصر رهبران جنبش سبز شد. غلامرضا حیدری، نماینده مردم تهران، در نطق میان‌دستور خود در جلسه علنی روز سه‌شنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۶ مجلس، از رئیس‌جمهور خواست که از آیت‌الله خامنه‌ای، رفع حصر آقایان کروبی، موسوی، خانم رهنورد و ممنوع‌التصویری محمد خاتمی را تقاضا کند.

او در هر مصاحبه و سخنرانی از ضرورت رفع حصر سخن می‌گوید. او در یکی از این مصاحبه‌ها می‌گوید: «واقعا نمی‌شود؛ یا نمی‌شود که ما بخواهیم به جرم داشتن عقیده کسی را محاکمه کنیم. برای همین قانون اساسی ما تفتیش عقاید را ممنوع کرده است مشروح مذاکرات قانون اساسی را بخوانید، این‌ها در قانون اساسی خط قرمزهای نظام بوده است. من دوست ندارم چنین حرف‌هایی را بزنم ولی در قضیه دور زدن تحریم‌ها «کاسبان تحریم» یا در قضایای سال ۸۸ از تریبون‌های رسمی «کاسبان فتنه» به کار رفت. من دوست ندارم این تعابیر را به کار ببرم ولی خدا نکند که اینها بخواهد ذره‌ای واقعیت داشته باشد. این‌ها واقعا سم است و اگر خدای ناکرده وجود داشته باشد خود به خود مخل برقراری گفت و گوی ملی هستند.»

غلامرضا حیدری عضو کمیته رفع حصر فراکسیون امید مجلس دهم است. او در خصوص فعالیت‌های این کمیته می‌گوید: «اولین تلاش این کمیته تقاضا از علی لاریجانی رئیس مجلس برای قبول مسوولیت پیگیری رفع حصر است. کمیته این تقاضا را در دیداری رسمی به اطلاع رئیس مجلس رساندیم و ایشان قول مساعد دادند که موضوع رفع حصر را به جد پیگیری کنند.»

اعتراض به نقض حقوق بشر

غلامرضا حیدری را باید از معدود نمایندگان پیگیر مساله نقض حقوق بشر در مجلس دهم

معرفی کرد. او بارها به نقض حقوق بشر اعتراض کرده و خواستار رعایت حقوق شهروندان است. او علاوه بر پیگیری مستمر رفع حصر رهبران جنبش سبز بر پایان دادن به برخوردهای امنیتی با روزنامه‌نگاران تاکید دارد. او در صحن علنی مجلس در تذکری به وزرای اطلاعات و فرهنگ خواستار جلوگیری از برخوردهای امنیتی با روزنامه‌نگاران شده و آن‌ها را از مظلوم‌ترین اقشار جامعه معرفی می‌کند.

حیدری به همراه چهار نماینده دیگر در سوالی از وزیر اطلاعات خواستار روشن شدن دلایل بازداشت مدیران شبکه‌های تلگرامی می‌شود. علی مطهری، مصطفی کواکبیان، محمود صادقی و علیرضا رحیمی چهار نماینده دیگر تهران هستند که به همراه غلامرضا حیدری، وزیر اطلاعات را به دلیل دستگیری مدیران شبکه‌های تلگرامی به مجلس احضار کردند.

غلامرضا حیدری به کشته شدن کودکی به نام بنیتا این‌گونه واکنش نشان می‌دهد: «واقعه تلخ مرگ بنیتا، دختربچه هشت ماهه با توصیفی که از اعترافات متهمین به دست آمده دل هر انسانی را به درد می‌آورد اما برای اینکه هر بار غمی عمومی، احساسات جامعه را جریحه‌دار نکند و انبوهی از اندوه و افسردگی و یأس از اصلاح بر جامعه حکمفرما نشود. باید بدون مچ‌گیری و متهم کردن افراد و سیاسی کردن عملکرد نهادها به اصلاح روش‌ها و قوانین پرداخت. از جمله پاسخ به این سوال که چگونه افرادی مانند قاتل آتنا و قاتل بنیتا با شکایات متعدد و سوء سابقه، نظارت مستمر و مداوم نمی‌شدند و با چه استدلالی با اخذ وثیقه آزاد بودند؟ باید مسئولان نسبت به واکنش افکارعمومی احساس مسئولیت کنند و اگر قانون مشکل دارد قانون را اصلاح کنیم، اگر قضات و افراد قضایی نیاز به آموزش‌های اجتماعی دارند، انجام شود و اگر نیرو و سازوکار برای کنترل مجرمین و پایش آن‌ها نیست از تکنولوژی و تجارب دیگران استفاده شود.»

خانواده

غلامرضا حیدری در خانواده‌ای مذهبی رشد کرده است. اطلاعات چندانی از خانواده پدری و همسرش در دست نیست اما پسرش در فضای مطبوعاتی چهره‌ای شناخته شده است. هادی حیدری کارتونیست شناخته شده مطبوعات اصلاح‌طلب پسر اوست که مدتی نیز در بازداشت بود. هادی حیدری همچنین داماد دکتر صادق آئینه وند استاد تاریخ اسلام دانشگاه و رئیس سابق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است.

هدایت اله خادمی

حوزه انتخابیه: ایذه و باغملک
سمت: نایب رئیس اول کمیسیون انرژی
فراکسیون: اصول‌گرایان

از تولید خمپاره در دهه شصت تا حفاری نفت

توسعه‌نیافتگی، بحران آب، چالش‌های زیست محیطی و بیکاری عمده مشکلات اکثر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه‌شان است، اما نماینده‌ایذه و باغملک با یک چالش بزرگتر دست به گریبان است: «نزاع قبیله ای». هدایت اله خادمی از زمان ورودش به مجلس با این چالش امنیتی حاد روبرو بوده، به طوری که می‌گوید: «۲۱ ماه است دو تیره از یک قبیله در رامهرمز، مسلحانه با هم در حال نبردند و در این مدت حداقل ۲۰ نفر کشته، خانواده‌های بسیاری آواره و زنان و کودکان روستایی به منطقه امن منتقل شده‌اند، اما بحران کماکان باقی است. هدایت اله خادمی در حالی با این بحران دست و پنجه نرم می‌کند که همه عمرش در حوزه نفت مشغول بوده و کمتر با چنین مشکلاتی مواجه بوده است.

هدایت اله خادمی کیست؟

هدایت اله خادمی در سال ۱۳۳۸ در ایذه از توابع استان خوزستان متولد شد. او تحصیلات‌اش را تا مقطع دیپلم در ایذه دنبال کرد و برای دریافت مدرک مهندسی مکانیک راهی هندوستان شد تا در دانشگاه بنگلور تحصیل کند. خادمی سپس رهسپار کشور آلمان شد تا در رشته‌ام بی.ای (مدیریت ارشد کسب و کار)، مدرک کارشناسی ارشدش را اخذ کند.
هدایت اله خادمی در زندگی‌نامه خود نوشت‌اش، به انقلاب ۵۷ و جنگ ایران و عراق اشاره کرده و می‌نویسد: «برای ادامه تحصیل در رشته مهندسی مکانیک به خارج از کشور رفتم، اقامت و تحصیل من در این دانشگاه با رویدادهای پر فراز و نشیب سال‌های نخست انقلاب اسلامی ایران هم‌زمان شده بود، انقلابی که بسیاری از کشورهای منطقه را هم تحت تاثیر خود قرار داده بود و من در این مقطع بیش از هر زمان دیگر، وظیفه خود می‌دیدم که در راه صیانت از اعتبار و عزت سرزمین مادری‌ام «ایران» و انقلاب مردمی آن بکوشم و همین موضوع، مقدمه‌ای

شد تا در این مسیر به افتخار اسارت و آزادگی برای دفاع از عزت میهن‌ام نائل شوم.» او توضیح بیشتری از میزان مدت حضور در جبهه و میزان اسارت خود ارائه نکرده ولی در سوابق‌اش آمده که بین سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۷ در قسمت مهندسی تولید ادوات جنگی وزارت سپاه و وزارت دفاع، مسوولیت تولید لوله خمپاره را عهده دار بوده است.

با پایان جنگ و بازگشت به کشور، هدایت اله خادمی جذب شرکت حفاری ایران می‌شود و از پایین‌ترین رده شغلی این شرکت کار خود را شروع می‌کند و در سال ۱۳۸۸ در دولت محمود احمدی نژاد به مدیرعاملی شرکت حفاری شمال منصوب می‌شود. خادمی در همه این سال‌ها در حوزه نفت و گاز مشغول بوده است. سوابق اجرایی و مدیریتی او در این حوزه به این شرح است:

- کارشناس ارشد تعمیرات
- رئیس اداره کل تعمیرات و رئیس اداره مهندسی و برنامه‌ریزی شرکت ملی حفاری ایران
- عضو اصلی کمیسیون معاملات شرکت ملی حفاری ایران
- رئیس کمیته فنی و بررسی بودجه شرکت ملی حفاری ایران
- مدیر امور مهندسی شرکت ملی حفاری ایران و عضو اصلی هیات مدیره
- معاون مدیرعامل و عضو اصلی هیات مدیره شرکت ملی حفاری ایران
- عضو اصلی هیات مدیره شرکت ملی حفاری ایران
- مدیرعامل شرکت حفاری شمال

هدایت اله خادمی علاوه بر فعالیت در حوزه نفت و گاز به مدت سه سال در گروه ملی صنعت فولاد ایران و سه سال نیز در وزارت سپاه و دفاع مسوولیت تولید لوله برای ساخت خمپاره را در اختیار داشته است.

خادمی که همواره به عنوان چهره‌ای تخصصی و فنی در حوزه نفت و گاز شناخته می‌شد، پس از برکناری از مدیرعاملی شرکت حفاری شمال، تصمیم به ورود به عرصه انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی گرفت و موفق شد به نمایندگی از مردم ایذه و باغملک راهی مجلس شود. او که پیش از این سابقه فعالیت سیاسی نداشت در خصوص چرایی ورود به عرصه انتخابات می‌گوید: «قصد حضور در عرصه نمایندگی برغم درخواست بسیاری از مردم، طی ۲۰ سال گذشته نداشتم اما بعد از حضور در یک مرکز ناشنوایان در شهر ایذه، که شب قبل از آن دچار آتش سوزی و خسارات جانی و مالی زیادی شده بود، بنده تا حدودی توانستم کارهای آن‌ها را پیگیری کنم و در همان زمان متوجه مشکلات موجود در این شهر شدم.»

خادمی پس از ورود به مجلس به عضویت کمیسیون انرژی درآمد و به نایب رئیسی کمیسیون رسید.

هدایت اله خادمی در همه دولت‌های بعد از انقلاب فعالیت داشته و بیشتر به‌عنوان نیروی تخصصی به شمار می‌آید تا نیروی سیاسی، از همین رو در انتخابات مجلس دهم نیز به‌عنوان کاندیدای مستقل در عرصه رقابت‌های انتخاباتی ظاهر شد، اما وقتی به مجلس پا گذاشت ترجیح داد تا به عضویت فراکسیون اصول‌گرایان درآید نه فراکسیون مستقل‌ها. او این تصمیم را ناشی از نزدیکی فراکسیون مستقل‌ها به فراکسیون اصلاح‌طلبان دانسته و می‌گوید: «در یکی دو جلسه فراکسیون مستقل‌ها شرکت کردم تا زمانی که آقای ظریف وزیر امور خارجه برای پاسخ به سئوالات آقای کریمی قدوسی نماینده مشهد به مجلس آمد و آن برخورد اعضای فراکسیون مستقل‌ها را دیدم، دیگر در جلسات فراکسیون مستقل‌ها شرکت نکردم. ما نمایندگان مردم هستیم وکیل الدوله که نیستیم. آقای ظریف در مجلس هرچه دلش خواست گفت، نمایندگان

رفتند او را بوسیدند به نظر می‌رسد حریت در برخی نمایندگان وجود ندارد. آن‌ها فرقی با فراکسیون امید نداشتند.»
هدایت اله خادمی در حوزه سیاسی پا را فراتر گذاشت و در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ به جبهه مردمی نیروهای انقلاب (ائتلاف اصول‌گرایان) پیوست و در صف اول حمایت از کاندیداتوری رئیسی ایستاد. این در حالی بود که در جریان انتخابات مجلس دهم، جمعی از اصلاح‌طلبان ایذه از او در برابر کاندیدای اصول‌گرایان حمایت کرده بودند. پیوستن خادمی به اصول‌گرایان، یک پرسش را ایجاد کرد که آیا او به لحاظ فکری دچار تحول شده و به اصول‌گرایان احساس تعلق بیشتری دارد یا مخالفت با بیژن زنگنه وزیر نفت دولت خاتمی و روحانی، او را به دامن اصول‌گرایان سوق داده است؟

دست راست احمدی نژاد در دور زدن تحریم‌ها

خادمی که در سال ۸۴ از دست بیژن زنگنه وزیر نفت دولت خاتمی لوح تقدیر گرفته بود، در دولت احمدی نژاد پله‌های ترقی را طی کرد و به مدیرعاملی شرکت حفاری شمال رسید. او با پذیرش مسوولیت شرکت حفاری شمال، به بازوی دولت وقت برای دور زدن تحریم‌ها تبدیل شد. خادمی در گفتگویی شرح داستان دورزدن تحریم‌ها را اینگونه تعریف کرده است: «برای اولین بار بعد از انقلاب دستگاه‌های دریایی ملکی را تحت نام سحر یک و دو را خریدیم و وارد کشور کردیم. این کار در اوج تحریم‌ها انجام شد. آمریکایی‌ها می‌گفتند اگر دستگاه‌ها را حرکت بدهید ما دستگاه‌ها را می‌گیریم شرکت سازنده دستگاه را حرکت نمی‌داد، رفتیم پاناما شرکت زدیم دستگاه‌ها را به نام شرکت پانامایی کردیم، باز هم آمریکایی‌ها گفتند که ما می‌دانیم اصل موضوع چیست و دستگاه را نگه می‌داریم. معتقد بودم اگر من این دستگاه‌ها را نیاورم معلوم نیست کسی این دستگاه‌ها را بیاورد. بالاخره دستگاه‌ها را حرکت دادیم دستگاه‌ها ۳۵ روز روی آب بود در اینترنت شتر دریایی که این دستگاه‌ها را حمل می‌کرد کاملا رصد می‌کردیم که الان در چه نقطه‌ای قرار دارد. تمهیداتی را با امکانات شرکتمان ایجاد کردیم. این دستگاه دارای وزن ۸ هزار تنی بود ۵ هزار تن هم وسایل جانبی‌اش بود ارتفاع دکلش هم۱۵۲ فوت سازه‌اش ۳۵ فوت بود و نمی‌توانستیم آنرا مخفی کنیم. دزدهای دریایی در کلمبو و سریلانکا به ما حمله کردند، می‌دانستیم شرکتی که حمل دستگاه را برعهده دارد امکان دارد به جای اینکه بیاید کیش دستگاه را تحویل ما بدهد شاید فضا را که در بین راه ببیند تازه بفهمد داستان چیست. بنابر این تشخیص داده بودیم شاید شرکت حمل کننده این دستگاه را در ایران نیاورد و در آب‌های آزاد رها کند برود بنابراین تعدادی از نیروهایمان را جمع کردیم شناور تهیه کردیم نیروهایمان را روی شناور سوار کردیم لب مرز دریایی فرستادیم دقیقا هم رصد می‌کردیم نمی‌خواستیم موضوع خیلی نمود خارجی داشته باشد. شرکت حمل‌کننده دستگاه را در یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس تخلیه کرد و برگشت بچه‌های ما آماده با شناور بدون مجوز به قلمرو کشور مورد نظر ورود کرده و دستگاه را بار زدند و آوردند. بعد از ورود سالم دستگاه به ایران، آقای احمدی نژاد از من شخصا تشکر کرد و گفت منابع در اختیارتان قرار می‌دهیم شما ۲۰ دستگاه دیگر بیاورید. ما رکورد زدیم و رکوردمان از شل و توتال بالاتر بود بهترین دستگاه سوپر را به ایران آوردیم در زمان آقای احمدی نژاد بر اساس قراردادهایمان کار می‌کردیم ما تنها کشور در خاورمیانه و کشورهای عضو اوپک بودیم که فناوری خاص داشتیم هم‌زمان در خارج از کشور هم کار می‌کردیم ۱۰ حلقه چاه با یک دستگاه در یک سال در ترکمنستان زدیم در ایران در هر سال نزدیک به دو حلقه چاه می‌زدیم. هنوز این رکورد ما را نه شل و نه توتال نتوانسته‌اند

کسب کنند.»
خادمی از جدی‌ترین منتقدین بیژن زنگنه وزیر نفت دولت روحانی در مجلس است. او زنگنه را عامل نابودی شرکت حفاری شمال می‌داند و می‌گوید: «یکی از نمادهای خود کفایی و اقتصاد مقاومتی شرکت نفت شمال بود که به دست آقای زنگنه نابود شد دستگاه نیمه شناور ایران -امیر کبیر را از شرکت نفت شمال گرفتند و به یک شرکت خدمات غذایی دادند آن‌ها هم نیروهای ایرانی را بیرون کردند و چند هندی را روی دستگاه گذاشتند دستگاه هم بیکار است.»

خامنه ای؛ چهره سال ۱۳۹۵

هدایت اله خادمی وقتی در برابر این پرسش خبرنگاری قرار می‌گیرد که چهره سال ۱۳۹۵ چه کسی بوده، رهبر ایران را چهره سال معرفی می‌کند و می‌گوید: «شخص خاصی را نمی‌توان به عنوان چهره سال نام برد، تنها مقام معظم رهبری توانسته‌اند چهره سال باشند زیرا در بسیاری از موارد و مواضع که مجلس یا دولت دچار ضعف عملکردی بودند با ورود و انتقاد آن‌ها را هنمایی کردند.» او در مصاحبه‌ای دیگر می‌گوید: «ما موظف هستیم و تنها راه نجات ما این است که پیرو راه ولایت باشیم و نصایح ایشان را آویزه گوش خود کنیم نه فقط حرف ایشان را بشنویم بلکه باید در اجرایی کردن آن‌ها قدم برداریم.» خادمی در جریان خرید برخی از دکل‌های نفتی در دولت احمدی نژاد، طرف مذاکره بوده است. دکل‌هایی که از گم شدن آن‌ها اخباری منتشر شد. او احتمالا از پشت پرده گم شدن دکل‌های نفتی اطلاعات کاملی دارد ولی در مصاحبه‌ای تنها به این نکته اشاره کرده که دکل گم شدنی نیست بلکه دکلی نیامد که گم شود.

حمله داعش به دفتر کارش در مجلس

دفتر کار هدایت اله خادمی در مجلس در روز ۱۷ خرداد سال جاری مورد حمله تروریستی داعش قرار گرفت. در جریان این حمله، رئیس دفترش جعفر جعفرزاده کشته شد.

خانواده

هدایت اله خادمی در سال ۱۳۶۵ ازدواج کرد و دارای یک پسر و یک دختر دوقلوست. فرزندانش هنوز ازدواج نکرده‌اند. اطلاعات بیشتری از خانواده او در فضای مجازی موجود نیست.

محمد دهقانی

حوزه انتخابیه: چناران
سمت: عضو کمیسیون قضایی و حقوقی
فراکسیون: اصول‌گرایان

آرمانخواهی که با واقعیت‌ها آشنا شد!

شاید بهترین توصیف از فرجام روستازاده‌ای که از بسیج دانشجویی به هیات رئیسه مجلس رسید و همواره سعی داشت خود را از مخالفان جدی مفاسد اقتصادی معرفی کند همان جمله‌ای بود که خود گفت: «با واقعیت‌ها بیشتر آشنا شدم.»
محمّد دهقانی نفندر مشهور به محمد دهقان دی ماه ۱۳۴۱ در یکی از روستاهای چناران متولد شد و پس از گذراندن تحصیلات راهنمایی به مشهد رفت و دیپلم خود را از آنجا گرفت. او سابقه ۲۲ ماه حضور در جنگ ایران وعراق را دارد و در۲۲ سالگی زمانی که فرمانده گردان مهندسی رزمی سپاه در مریوان بود اسیر شده و ۵ سال را در اسارت گذراند.
بعد از آزادی به ادامه تحصیل در رشته حقوق پرداخت و سال ۸۲ توانست مدرک دکتری حقوق خصوصی را اخذ کند. او بیشتر دوران دانشجویی‌اش را در بسیج دانشجویی می‌گذراند؛ ابتدا رئیس سازمان بسیج دانشجویی استان تهران و سپس معاون سیاسی بسیج کشور می‌شود. او از بنیان‌گذاران خبرگزاری دانشجو است.
از او به عنوان موسس فراکسیون توسعه روستایی نام می‌برند، امری که بروشور تبلیغاتی جبهه متحد اصول‌گرایان «ابتکاری برای اولین بار درتاریخ ایران» می‌خواند.
دهقانی ۴۱ ساله بود که برای نخستین بار به عنوان نماینده چناران و بینالود (طرقبه و شاندیز) وارد مجلس شد و در اولین نطق پیش از دستور خود در مهرماه سال ۸۳ درباره مجلس هفتم گفت: «تحقیقاً می‌توانیم بگوییم که برای اولین‌بار مجلسی متخصص، توانمند، متعهد و معتقد به راه امام و شهیدان یک جریان قوی و بسیار ارزنده را تشکیل دادند.»
او تقریبا در تمام نطق‌ها و مصاحبه‌های خود از فساد اقتصادی می‌گوید. چه بعد از روی کار آمدن دولت هم‌سوی مجلس در سال ۸۴ که معتقد است: «اشکال ساختاری مربوط به عدم هم‌سویی دولت و مجلس، موجب تلف شدن بخشی از وقت مجلس در طول (۱۴) ماه گذشته

شد» و مدیریت دولت خاتمی را «مدیریت فرسوده و ضعیف» می‌خواند که موجب «اختلاس و به یغما بردن اموال مردم توسط تعدادی از کارکنان دولتی و انباشته شدن صدها پرونده مفاسد اقتصادی در دادگاه‌ها و صدها پرونده دیگر در مراکز نظارتی» شده (۹مرداد۸۴) و چه در تمامی نطق‌های بعدی خود که از افتخارات مجلس را خطاب رهبری می‌داند: «رهبر معظم انقلاب درابتدای مجلس هفتم فرمودند، من قبلا در مجلس گذشته بحث مبارزه با فساد اقتصادی را مطرح کردم وتوقع داشتم که نمایندگان بیایند و پرچم مبارزه با فساد اقتصادی را بدست گیرند.آن‌ها این کار را نکردند، شما بکنید.»

دهقانی که تا سال‌ها بعد همواره خود را از پیشگامان مبارزه با فساد و طراح «طرح اعلام اسامی مفسدان اقتصادی» می‌دانست در یک مصاحبه چالشی با سایت اصول‌گرای جهان نیوز در اسفند ۸۶ هم‌زمان با روزهای پایانی مجلس هفتم، وقتی خبرنگار می‌پرسد: «آقای دکتر دهقان! شما همان شور و حرارتی را که در ابتدای مجلس هفتم در مورد پیگیری بحث مبارزه با فساد اقتصادی داشتید الان هم دارید یا نه؟» می‌گوید: «من همان شور و حرارتی را که داشتم، دارم، ولی با واقعیت‌ها بیشتر آشنا شدم.»

محمد دهقانی در مجلس هشتم نیز به عنوان نماینده‌ای اصول‌گرا بحث مبارزه با مفاسد اقتصادی را البته با شور حرارتی کمتر پیگیری کرد، چنانچه خرداد ۸۷ به خبرگزاری فارس گفت: «قوه قضائیه به هیچیک از ۳۰۰ سؤال هیئت تحقیق و تفحص پاسخ نداد.»

وی درهمین سال، جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی را همراه با دیگر دوستانش تشکیل داد و خود سخن‌گویی‌اش را برعهده گرفت.

با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۸، دهقانی همراه با دیگر همفکرانش اگرچه به تدریج اختلافاتشان با دولت احمدی نژاد بیشتر می‌شد، اما همچنان حمایت خود را از او دریغ نمی‌کردند. دهقانی هم با «جریاناتی که در مخالفت با دولت نهم بحث تشکیل دولت وحدت ملی» و «تحقیق و تفحص از سفرهای استانی» را مطرح می‌کردند مخالفت می‌کرد و معتقد بود «سفرهای استانی هیئت دولت موثر و خوب و موجب توزیع عادلانه ثروت شده» و هم در موضوع اختلافات مجلس و دولت انتقاداتی را متوجه رئیس دولت می‌کرد هرچند در ایام انتخابات به جانبداری تمام قد از او می‌پرداخت ودر خرداد ۸۸ در زنجان گفت: «رییس دولت نهم نزدیک‌ترین فرد به ولایت فقیه به لحاظ قرابت و موقعیت و عملکرد است.»

دهقانی که ازعضویت در کمیسیون حقوقی وقضایی حالا دیگر به هیات رئیسه مجلس رسیده است کمتر ازقبل درباره مفاسد اقتصادی اثری موضع گیری میکند. بعد از حوادث سال ۸۸ او نیز هم‌نوا با مجلس اصول‌گرای هشتم مواضعی در مخالفت با معترضان به نتایج انتخابات دارد. او در مهرماه ۸۸ به جنبه‌هایی از دادگاه متهمان انتقاد دارد و می‌گوید: «تاکید ما بر قانون به لحاظ رعایت حقوق متهمان است و این به معنای دفاع از اعمال مجرمانه‌ای که مرتکب شدند،نیست.» او که در آبان ماه همان سال معتقد بود: «کروبی تلاش می‌کند دستگیر شود.» و یا باید: «کروبی و موسوی با عذرخواهی به جامعه بازگردند.» بعد از حوادث عاشورای همان سال به قضات توصیه می‌کند: «برای عوامل اصلی اغتشاشات حکم محارب صادر کنند.»

در جریان رسیدگی مجلس به ماجرای کهریزک نیز محمد دهقانی برای نخستین بار به تخلفات اقتصادی قاضی مرتضوی اشاره می‌کند و می‌گوید: «متهم اصلی گزارش کمیته ویژه مجلس درباره کهریزک، همان متهم کمیته تحقیق و تفحص از قوه‌قضائیه در مجلس هفتم است؛ سال‌هاست پرونده این شخص در قوه قضائیه با اسناد کامل موجود است اما جای تعجب است که چرا به آن رسیدگی نمی‌شود.»

نماینده چناران در ماجرای کشمکش‌ها بر سر دانشگاه آزاد در تابستان ۸۹ که منجر به دخالت مجلس و طرح موضوع وقف آن شد بیش از سایر اعضای هیات رئیسه تلاش کرد و در صف مخالفان هاشمی رفسنجانی ظاهر شد . او ابتدا به فارس گفت: «وقف اموال دانشگاه آزاد وجاهت قانونی و شرعی ندارد اگر هم این طرح در مجلس تصویب شود، مورد تائید شورای نگهبان قرار نخواهد گرفت.» و سپس به اخطار قانون اساسی متوسل شد و ورود مجلس به بحث اساسنامه دانشگاه آزاد را «ورود به یک امر ولایی و غیرمجاز» دانست. اما به این هم بسنده نکرد و در جمع معترضانی که دانشجو نامیده می‌شدند گفت: «نگران نباشید الان فضا در مجلس طوری است که می‌توان گفت کفه ترازو به سمت ماست.»

با اوج گیری مخالفت‌های اصول‌گرایان با دولت دهم بویژه بعد از ماجرای خانه‌نشینی احمدی نژاد، محمد دهقانی هم سعی دارد از این جریان عقب نماند تا جای که با هشدار به احمدی نژاد و مشایی گفت: «اگر جریان انحرافی مشی خود را به‌گونه‌ای تنظیم کند که نظام دچار بن‌بست شود و مصالح نظام اقتضا کند، احتمال برخورد سخت با این جریان قبل از پایان دوره ریاست‌جمهوری دور از ذهن نیست.»

در ماجرای افشای تخلفات اقتصادی گروه امیرمنصور آریا در آبان ۹۰، نامی هم از فرزند محمد دهقانی برده شد که دهقان ارتباط خود و فرزندش با گروه آریا را تکذیب کرد و گفت: «من یک پسر سه‌ساله دارم که مثل خودم گروه "آریا" را ندیده است.»

اما شاید خبرسازترین اظهار نظر دهقانی مربوط به ۱۶ آبان ۹۰ باشد که با قاطعیت اعلام کرد یک تیم تخصصی از حقوق‌دانان زیر نظر دفتر مقام معظم رهبری تشکیل شد و اقدام به بررسی ده‌ها مورد از موارد قانون اساسی برای بازبینی و بازنگری کردند و یکسری از ایرادات را مشخص کردند که البته بنده عضو آن تیم نیستم اما از این امر مطلّعم. او کمتر از ۲۴ ساعت بعد تلویحا آن را تکذیب کرد و گفت: «این مطالب نظر شخصی بنده و برخی کارشناسان بود و ارتباطی با دفتر مقام معظم رهبری نداشته است.»

دهقانی در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲ هم به هاشمی تاخت هم به احمدی نژاد. از رد صلاحیت‌هاشمی دفاع کرد و در پاسخ به ادعای احمدی نژاد که گفته بود برای همراهی رحیم مشایی در وزارت کشور، مرخصی گرفته گفت: «فردی مثل رئیس جمهور حق ندارد برای خلاف کردن مرخصی بگیرد. مرخصی گرفتن برای رئیس جمهور مضحک است و معنی ندارد.»

بعد از پیروزی حسن روحانی، نماینده چناران نقش فعالی در مخالفت با برخی وزرای پیشنهادی بویژه منتسبین به «فتنه» و استیضاح وزیر علوم داشت. او هم‌چنین از منتقدان سرسخت مذاکرات هسته‌ای دولت روحانی است.

عضو هیات رئیسه مجلس ۱۰سال بعد از حضورش در مجلس و فریادهایی که برای مبارزه با فساد برآورده بود و ۶ سال بعد از زمانی که گفته بود دربرخورد با فساد با واقعیت‌ها آشنا شدم، هر دو مجلس هشتم و نهم را از همکاری با محمدرضا رحیمی مبرا کرد. او تنها به خبرگزاری فارس گفت: «ما در مجلس هفتم و هشتم بدون اینکه هیچ مسئله شخصی با آقای رحیمی داشته باشیم و فقط به واسطه سوابق و شائبه‌هایی که در مورد دست داشتن در فساد وجود داشت، با مسئولیت گرفتن وی مخالف بودیم.»

نصراله پژمانفر

حوزه انتخابیه: مشهد
سمت: نایب رئیس دوم کمیسیون فرهنگی
فراکسیون: اصول‌گرایان

مخالف سیاست خارجی ظریف و حامی سانسور

هم‌چون دیگر نمایندگان جبهه پایداری، رسالت خود را مخالفت با برجام می‌داند. تنش‌زایی در روابط بین الملل، ستیز دائمی با امریکا، حمایت از جنبش‌های اسلامی در جهان و تخاصم به جای تعامل را برای سیاست خارجی تجویز می‌کند. حجت السلام نصراله پژمانفر نه از زمان تصویب برجام، بلکه از زمان معرفی کابینه حسن روحانی از مخالفان سرسخت محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه بود. او در نطق مخالفت‌اش با ظریف می‌گوید: «در برنامه آقای ظریف، انفعال در مقابل دشمن و تعامل یکسویه با کسانی که یک طرفه ارتباط‌شان را قطع کرده‌اند، مشاهده می‌شود که این امر خلاف وصیتنامه امام خمینی(ره) و موازین انقلاب اسلامی است. در ارتباط با سیاست خارجی، امام (ره) فرمود اگر روزی دشمنان از شما تعریف کردند باید احساس کنید در معرض خطر هستید. تعریف زیادی که امروز از ایشان [ظریف] می‌شود، مسئله بسیار خطرناکی است و باید به تعابیری که در مورد ایشان بکار برده می‌شود مانند "ظریف یک شاخه زیتون برای آمریکاست" و آن را شاخصه زیتون ایران به غرب توصیف کردند، حساس بود.»

نصراله پژمانفر کیست؟

حجت السلام نصراله پژمانفر متولد ۱۳۴۳ در شهر تهران است. دیپلم‌اش را در رشته مکانیک از هنرستانی در تهران اخذ می‌کند و به حوزه علمیه تهران و سپس به حوزه علمیه مشهد کوچ می‌کند. تحت تاثیر تعلیمات آیت‌الله مصباح یزدی قرار دارد و عضو رسمی جبهه پایداری به شمار می‌آید. تا پیش از انتخابات مجلس نهم، به فعالیت‌های حوزوی اشتغال داشته و معاون آموزش و پژوهش حوزه علمیه مشهد و پیش از آن در موسسه مصطفی العالمیه مشهد فعال بوده است. او رابطه بسیار نزدیکی با نهاد رهبری دارد و سال‌ها در نهاد رهبری در دانشگاه‌ها

فعال بوده و پس از شروع کار در حوزه علمیه به عضویت ستاد پیگیری مطالبات رهبری در موضوع تحوّل حوزه در می‌آید. در انتخابات مجلس نهم برای اولین بار شانس‌اش را برای ورود به قدرت، امتحان می‌کند و در میان نامزدهای شهر مشهد با ۲۳۶,۴۸۷ رأی در رتبه سوم قرار گرفته و راهی مجلس می‌شود. در انتخابات مجلس دهم، به رغم اینکه اعلام کرده بود که در صورت وجود نامزدان اصلح کاندیدا نخواهم شد ولی باز کاندیدا می‌شود و با وجود اینکه از فهرست ائتلاف اصول‌گرایان بیرون می‌ماند ولی با حمایت جبهه پایداری می‌تواند برای بار دوم راهی مجلس شود. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ از جدی‌ترین موافقان نامزدی دکتر لنکرانی وزیر بهداشت دولت محمود احمدی نژاد بود. او معتقد بود جلیلی سابقه اجرایی لازم برای رئیس جمهور شدن ندارد، ولی در نهایت با کناره گیری لنکرانی، پشت جلیلی ایستاد و از حامیان او بود. او هم‌اکنون عضو کمیسیون فرهنگی مجلس است و خود را برای نشستن روی کرسی چهره‌های نامدار جبهه پایداری همچون روح الله حسینیان و مرتضی آقاتهرانی که از ورود به مجلس دهم بازمانده‌اند آماده می‌کند.

اهم سوابق اجرایی نصراله پژمانفر به این شرح است:

- نماینده مشهد در مجلس نهم و دهم
- عضو کمیسیون فرهنگی مجلس نهم
- معاون آموزش و پژوهش حوزهٔ علمیهٔ خراسان
- معاون فرهنگی و تربیتی جامعه المصطفی العالمیه مشهد
- نمایندهٔ حوزهٔ علمیهٔ خراسان در بنیاد ملی نخبگان
- عضو شورای آموزش و پرورش استانداری خراسان رضوی
- عضو هیئت منصفهٔ مطبوعات مشهد
- عضو ستاد پیگیری مطالبات رهبری در موضوع تحوّل حوزه
- عضو نهاد مقام معظّم رهبری در دانشگاه‌ها
- مدیر مدرسهٔ علمیهٔ شهید آیت‌الله صدوقی مشهد
- مشاور عالی مجتمع آموزش عالی وزارت نیرو و آبفای خراسان

نماینده مردم یا وکیل حوزه علمیه خراسان؟

حجت السلام نصراله پژمانفر در جایگاه نمایندگی مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، اهم دغدغه‌هایی که حجم وسیعی از وقت نمایندگی‌اش را گرفته، معطوف به مسایل دینی و حوزوی بوده به‌طوری که می‌توان او را وکیل شایسته‌ای برای حوزه علمیه خراسان خواند. از احضار وزیر ارتباطات و کارت زرد به او تا تذکر به رئیس جمهور و طرح‌ها و پیشنهاداتی که ارائه کرده بیشتر یک سو داشته و آن چیزی نبوده جز مسایل به ظاهر دینی. مهم‌ترین نطقی که پژمانفر در مجلس نهم داشته موضوعی نبوده جز مخالفت با افزایش پهنای باند اینترنت در ایران، آنهم تحت عنوان دغدغه تخریب فرهنگ اسلامی از طریق نفوذ ماهوارها. او در نطق‌اش می‌گوید: «متاسفانه رئیس جمهور در فرمایشی پایان دوره استفاده از منبر را در حالی اعلام می‌کنند که معتقدند شبکه‌های اجتماعی ماهواره هیچ تاثیر منفی بر ذهن جوانان ما ندارد!!! آقای رئیس جمهور آیا تا به حال سری به محاکم قضایی زده‌اید تا ببینید ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی چه مصیبت‌هایی را در جامعه ما ایجاد نموده است؟» او در ادامه به وزیر ارتباطات تذکر داده و می‌گوید: «آیا وظیفه دولت فقط گسترش بی‌حد زیرساخت‌ها و کابل‌کشی و توسعه فیبر نوری است که متاسفانه این توسعه فقط موجب ترویج بیشتر شبکه‌ها و سایت‌های دشمنان نظام و

ملت و انسانیت شده است... آیا این به غیر از نوکری اجانب است؟ سوال این است که پیوست فرهنگی این توسعه بی‌حد و حصر پهنای باند کجا است؟» او وزیر ارتباطات را به مجلس می‌کشاند تا مجلس اصول‌گرای نهم به او کارت زرد دهد و به این نیز بسنده نکرده و وزیر را به استیضاح تهدید می‌کند.

پژمانفر با تهیه نامه‌ای که به امضای ۱۹۶ نماینده مجلس نیز می‌رسد نسبت به انتقال اجلاس وزیران کشورهای اسلامی از مشهد به مسقط، به رئیس جمهور تذکر داده و خواستار ورود او به این مساله می‌شود. در نامه‌ای مجلس به رئیس جمهور آمده: «علی‌رغم تمامی تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌های انجام شده، در اجلاس وزیران فرهنگ کشورهای اسلامی که اخیرا در شهر مسقط، پایتخت عمان برگزار شد، با پیگیری‌ها و کارشکنی عربستان سعودی اعضا تصمیم گرفتند اجلاس بعدی وزرای فرهنگ کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۷ میلادی را به جای مشهد در شهر کوچک سنار کشور سودان برگزار کنند که این خود نقض مصوبه اجلاس نهم و توهین به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و متاسفانه ضعف آشکار دستگاه دیپلماسی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این موضوع کاملا مشهود می‌باشد.»

پیگیری قانون بیمه کارگران ساختمانی مراکز دینی برای معافیت کارفرمایان از پرداخت سهم مالیات، تذکر به وزیر فرهنگ به دلیل بروز موارد خلاف شرع در تئاتر زندگی شیشه‌ای که به منجر به توقف این نمایش شد، تذکر نسبت به کندی ساخت محوطه حریم حرم امام رضا، پیگیری طرح شبکه ملی زیارت و اختصاص بودجه عمومی به توسعه امر زیارت، از جمله فعالیت‌های این نماینده مجلس طی ۴ سال گذشته بوده است.

پژمانفر و حقوق بشر

حجت السلام پژمانفر به عنوان عضو کمیسیون فرهنگی مجلس به جای تلاش برای لغو قوانین تهدید کننده آزادی بیان، در موارد متعدد خواهان حذف و سانسور بوده است. او به همراه دیگر نمایندگان جبهه پایداری در نامه‌ای به وزیر فرهنگ خواهان اعمال ممیزی نسبت به آثار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی می‌شود. تذکرهای مکرر به وزیر فرهنگ و تقاضای سانسور مجموعه‌ای فیلم‌های سینمایی و تاترها، تذکر به وزیر ارتباطات و تقاضای سانسور واتس آپ و دیگر شبکه‌های اجتماعی از جمله فعالیت‌هایی است که جملگی در تناقض آشکار با حقوق بشر است.

او در جریان برگزاری جشنواره فیلم فجر به شدت به وزیر فرهنگ به دلیل شرکت برخی از فیلم‌هایی که به ماجراهای جنبش سبز پرداخته اعتراض می‌کند و می‌گوید: «مجلس ارائه «قرائت ماهواره‌ای» و «تحریف تاریخ» در مورد وقایع سال ۸۸ را به هیچ وجه تحمل نخواهد کرد. فتنه خط قرمز مجلس است.»

در سوابق و زندگینامه این نماینده مجلس اشاره‌ای به فعالیت‌های انقلابی یا حضور در جنگ ایران و عراق نشده ولی در نطق‌ها و سخنان‌اش مدافع دو آتیشه انقلاب و جنگ است. او می‌گوید: «روزی که دشمن بعثی به کشور ما حمله‌ور شد و بخشی از خاک ما را تصرف کرد، بعضی می‌گفتند به پیام آمریکا و کشورهای اروپایی توجه کنید و بروید حق خود را پشت میز مذاکره بگیرید و مسئله جنگ را در آنجا حل کنید، اما امام خمینی (ره) فرمودند ما مسئله جنگ را در میدان‌های جنگ حل می‌کنیم و چنین هم شد. اگر ما دنبال حل مسئله جنگ در پشت میز مذاکرات بودیم حتی یک وجب از خاک خود را نمی‌توانستیم پس بگیریم، زیرا آنان دشمنان این آب و خاک هستند و تا براندازی نظام به هیچ امری قانع نخواهند شد. آن‌ها

زخم خورده گفتمان انقلاب اسلامی هستند که امروز الگوی استقامت و پایداری و خروج از بازی ظالمانه آنان است.»

طرح‌ها و لوایح امضاء شده

طی چهار سال گذشته پژمانفر حدود ۳۱ طرح را امضا کرده که مهم‌ترین آن‌ها به این شرح است:

- طرح تامین نیروی انسانی دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور و آموزشکده‌های زیرمجموعه آن
- طرح ارزیابی زیست محیطی ایران
- طرح تقویت و توسعه سازمان بسیج رسانه
- طرح اصلاح قانون برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی
- طرح تشکیل وزارت میراث فرهنگی و گردشگری
- طرح ملی جمع آوری آب باران
- طرح تشکیل شورای عالی اقتصاد مقاومتی کشور
- طرح الحاق یک بند به ماده (۲۵) قانون جرائم رایانه ای
- طرح حمایت از احداث، تجهیز، نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها
- طرح ایجاد حساب ویژه حمایت از تولید ملی
- طرح اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران
- طرح نجات و احیای دریاچه‌ها و تالاب‌های کشور
- طرح تأسیس سازمان غیردولتی جهاد اقتصادی

درباره عرصه سوم

سازمان غیر دولتی و ناسودبر «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ / ۲۰۱۰ در آمستردام (هلند) بنیان نهاده شد و به ثبت رسید. این سازمان به کوشش گروهی از کنش‌گران مدنی و شخصیت‌های علمی ایرانی و غیر ایرانی در هلند با اهداف زیر شکل گرفته‌است:

- ترویج و گسترش اندیشه‌های مدنی، صلح‌آمیز، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، کنش‌گران جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ کارهای داوطلبانه
- آسان‌سازی دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- و ایجاد فضایی مناسب برای تبادل‌نظر، گفت‌وگو بین کنش‌گران جامعه مدنی و دیگر گروه‌های اجتماعی

از دیدگاه پایه‌گذاران «عرصه سوم»، جامعه مدنی کانون مقاومت، تهدید قدرت سیاسی و عرصه قدرت‌یابی شهروندان است. جامعه مدنی مرکز بروز خلاقیت‌ها، ابتکارات تازه اجتماعی و مدرسه آموزش و تمرین دموکراسی، تساهل، مدارا، شهامت و اخلاق مدنی است. جامعه مدنی هم‌چنین کانون تولید، انباشت سرمایه اجتماعی و عرصه آزادی، رهایی و برابری است.

تعریف جامعه مدنی از منظر عرصه سوم

جامعه مدنی دارای تعاریف گوناگونی است. در میان این تعاریف، «عرصه سوم» تعریف زیر را برای جامعه مدنی برگزیده است:

از نگاه «عرصه سوم»، جامعه مدنی مجموعه‌ای از سازمان‌های رسمی و نیمه رسمی است که پایه‌ها و رویه‌هایی چون دمکراسی، همکاری، حقوق، کثرت‌گرایی، صلح و عدالت را در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی پشتیبانی و توانمند می‌کنند.

این سازمان‌ها خارج از نفوذ و اراده دولت‌ها قرار دارند و پیگیرانه از راه گفت‌وگو و فشار بر نهادهای دولتی، مسئولیت دولت‌ها را در برابر حقوق شهروندی یادآور و خواسته‌های شهروندان را مطالبه می‌کنند.

بر پایه این تعریف، «عرصه سوم» ماموریت خویش را به عنوان یک سازمان جامعه مدنی فراهم ساختن ابزار، منابع و فرصت‌ها برای آموزش و همکاری با این سازمان‌ها برای توانمندسازی و کثرت‌گرایی در داخل و خارج ایران و جوامع مرتبط می‌داند.

«عرصه سوم» بر این باور است که عدم رعایت حقوق بشر و نبود صلح و دموکراسی، سه معضل اصلی جامعه ایران است. از این رو می‌کوشد تا ارتقاء دهنده‌ی حقوق همه گروه‌های جامعه و نیروهای اجتماعی از هر جنس، مذهب، قوم و گرایش سیاسیِ غیر خشونت‌آمیز باشد. برای حرکت به سوی یک جامعه دمکراتیک، بررسی موانع فرهنگی، اجتماعی و سیاسی اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر در آن جامعه اهمیت دارد. «عرصه سوم» در تحقق تلاش‌های جنبش حقوق مدنی، سیاسی در ایران، برای ظرفیت‌سازی، تامین نیازهای آینده و گسترش جامعه مدنی دموکراتیک، با رهبران و فعالان جامعه مدنی ایرانی همکاری می‌کند.

در سی سال اخیر با بازگشت جامعه مدنی به عرصه دانشگاهی و سپهر عمومی، نقش آن در گوشه و کنار به شکل چشم‌گیری رشد و گسترش یافته است. به همین دلیل عده‌ای از پژوهشگران، جامعه مدنی را بزرگ‌ترین پروژه هزاره نو می‌نامند.

بنابراین جامعه مدنی به مثابه عرصه سوم در روند گسترش صلح و دموکراتیک‌سازی، به‌دلیل برخورداری از توانایی‌هایی چون: نمایندگی گروه‌های اجتماعی، پیوند نزدیک‌تر و گسترده‌تر با جوامع محلی، پیگیری خواسته‌های آنان، بازتاب‌دادن صدای مردم و گروه‌های به حاشیه رانده شده، فراهم ساختن ابزارها و فرصت‌های لازم برای ارائه و بیان دیدگاه‌های شهروندان، توانمند ساختن شهروندان برای پیکار و تغییر سیاست‌های عمومی، ساختن جهانی دیگر و از دیگر بازیگران توسعه (دولتی و خصوصی) متمایز می‌شوند.

جامعه مدنی تلاش می‌کند در الگوی تازه توسعه و فرایند دموکراتیک سازی، الگوی جدیدی از کارآیی و کارآمدی، پاسخ‌گویی، شفافیت، نهادینه ساختن تنوع و نظم انجمنی در جامعه ارائه دهد.

در چند دهه اخیر، جامعه ایرانی نیز با پایان جنگ ایران-عراق، فروکش کردن هیجان‌های انقلابی، افول پوپولیسم، غیرایدئولوژیک شدن جامعه و مسلط شدن گفتمان توسعه، همگام با دگرگونی‌های جامعه جهانی و موج سوم دموکراسی، شاهد بازگشت اما آرام جامعه مدنی بوده است.

در این سال‌ها جامعه مدنی ایرانی به‌رغم محدودیت‌ها و تنگناها و وجود کانون‌های مقاومت، از رشد، تنوع و پویایی نسبتا چشمگیر برخوردار بوده است:
در یک دهه اخیر و پس از تغییرات گسترده‌ای که در صحنه فعالیت‌های سیاسی و مدنی در ایران رخ داده به نظر می‌رسد تلاش برای گسترش جامعه مدنی، قدرت‌یابی شهروندان، دفاع از آزادی انجمن‌ها و حقوق شهروندی، تلاش برای حفاظت از محیط‌زیست و توانا‌سازی محیط‌های سیاسی و اجتماعی، از مهم‌ترین دغدغه‌ها و اهداف استراتژیک کنش‌گران جامعه مدنی است.

پایه‌گذاران «عرصه سوم» در همراهی با این دگرگونی‌های گسترده، امیدوارند بتوانند در راه پویایی و توانمندسازی جامعه مدنی ایران در این مقطع زمانی گامی مثبت برداشته و به شکل‌گیری هر چه بهتر جامعه مدنی در ایران کمک کنند.

از این رو هیات مدیره، مشاوران و همکاران «عرصه سوم» نیز به منظور تحقق این اهداف از ترکیب متنوعی تشکیل شده است. در سازمان از تخصص‌های گوناگونِ کارشناسان و فعالان مدنی که هر یک پژوهش‌ها و تجارب متنوعی درباره جامعه ایران داشته‌اند استفاده شده است. این ترکیب ناشی از نگاه مستقل «عرصه سوم» نسبت به مسائل جامعه مدنی است.

سازمان غیر دولتی و ناسودبر «عرصه سوم» در سال ۱۳۸۹ - ۲۰۱۰ در آمستردام هلند بنیان نهاده شد و به ثبت رسیده است. این سازمان به کوشش گروهی از کنش‌گران مدنی و شخصیت‌های علمی ایرانی و غیر ایرانی در هلند با اهداف زیر شکل گرفته است:

- ترویج و گسترش اندیشه‌های مدنی، صلح‌آمیز، دموکراسی و حقوق بشر
- ظرفیت‌سازی سازمان‌ها، کنش‌گران جامعه مدنی و مدافعان حقوق بشر
- ترویج و گسترش اخلاق مدنی و فرهنگ کارهای داوطلبانه
- آسان‌سازی دسترسی، گردش و مبادله آزاد اطلاعات
- ایجاد فضایی مناسب برای تبادل نظر و گفت‌وگو بین کنش‌گران جامعه مدنی

از دیدگاه پایه‌گذاران «عرصه سوم»، جامعه مدنی کانون مقاومت، تهدید قدرت سیاسی وعرصه قدرت‌یابی شهروندان است، جامعه مدنی مرکز بروز خلاقیت‌ها، ابتکارات تازه اجتماعی و مدرسه آموزش و تمرین دموکراسی، تساهل، مدارا، شهامت و اخلاق مدنی است. جامعه مدنی هم‌چنین کانون تولید، انباشت سرمایه اجتماعی و عرصه آزادی، رهایی و برابری است.

www.darsahn.org

ISBN 978-0-9986628-3-1
9 780998 662831

Minahassastraat 1
1094 RS, Amsterdam
The Netherlands

www.arsehsevom.org
contact@arsehsevom.org
press@arsehsevom.org